

مجموعه مقالات چین

استراتژی‌های آینده چین

جلد اول



مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کتابخانه



عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات چین/ترجمه و ویراستاری زیر نظر ابوالفضل غیاثوند ؛ [برای] مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب راهبردی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: آ.ج.
شابک	: : 2-8-96074-622-978: دوره ؛ : 1-3-5-96074-622-978: ج. ۲.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج. ۱. استراتژی‌های آینده چین - ج. ۲. چشم‌انداز اقتصادی کمریند جاده ابریشم.
موضوع	: چین -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: China -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: غیاثوند، ابوالفضل، ۱۳۵۲-، مترجم، ویراستار
شناسه افزوده	: Ghiasvand, Abolfazl
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک
رده بندی کنگره	: DSV۰۶
رده بندی دیویی	: ۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۹۷۴۰



مركز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کتاب‌راهبردی

عنوان کتاب	: مجموعه مقالات چین : استراتژی‌های آینده چین (جلد اول)
ترجمه و ویراستاری زیر نظر	: ابوالفضل غیاثوند
به سفارش	: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
نوبت چاپ	: اول - پاییز ۱۳۹۸

همه حقوق این اثر برای مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.



شابک دوره

شابک جلد اول



فهرست مطالب

- ۱- ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی -----
- ۳- مقدمه -----
- ۷- نیمه پر لیوان موازنه، اطمینان‌بخشی و اراده مجدد در رابطه استراتژیک ایالات متحده - چین -----
(مؤسسه بروکینگز)
- ۳۵- نفی پایان تاریخ یک تلقی بدیل چینی از نظم بین‌المللی؟ -----
ندین گودهارت
(مؤسسه امور بین‌الملل و حوزه امنیت آلمان)
- ۷۳- چین ۲۰۲۵: چشم‌انداز پژوهش و نوآوری -----
استاورس مانزاناکیس، ایپامینداس کریستوفیلوپلوس
(دراگون استار)
- ۱۵۳- چین در خاورمیانه ازدهای محتاط -----
اندرو اسکوبل، علیرضا نادر
(مؤسسه رند)
- ۲۴۷- روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین تا سال ۲۰۲۵: ساخت آینده‌ای مشترک -----
آلیشیا گارسیا هررو، کووک، لیو جیانگ دانگ، تیم سامرز، ژانگ یانشنگ
(گزارشی مشترک از بروگل، چاتم هاوس،
مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین و دانشگاه چینی هنگ کنگ)
- ۳۲۵- صنایع کارخانه‌ای چین در سال ۲۰۲۵: اولویت سیاست‌های بخش صنعت بر نیروهای بازار -----
(اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین)



ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک



مقدمه

چین کشوری بزرگ و دارای تمدنی ۵۰۰۰ ساله است. در طی یک دوره طولانی از تاریخ، چین در بین پیشرفته‌ترین کشورهای جهان قرار گرفت. در دوران مدرن، چین قربانی فقر و ضعف بود و به واسطه تهدیدهایی چون نزاع‌های داخلی و تجاوز خارجی، حتی با مرگ و زوال کامل روبرو شد؛ اما از طریق مبارزه بی‌امان، چینی‌ها آرزوی سعادت و جوان‌سازی کشورشان و خوشبختی مردم را دنبال کردند. در سال ۱۹۴۹، تحت رهبری حزب کمونیست چین، آنها جمهوری خلق چین را تأسیس نمودند، جامعه‌ای نیمه استعماری و نیمه فئودالی را به یک کشور واحد و کاملاً جدید تبدیل کردند و نهایتاً به استقلال ملی و آزادی مردم دست یافتند. سپس چین وارد دوره جدید توسعه شد. در طی ۷۰ سال گذشته، این کشور با وجود همه اختلافات به جلو پیش رفته است، و مسیر پیشرفت را جستجو می‌کند. براساس فرهنگ ۵۰۰۰ ساله چینی، مردم این کشور تجربه و درس‌هایی از بدو تولد سوسیالیسم، رشد ملت چین در ۱۷۰ سال تاریخ انقلاب، نوسازی و اصلاحات در اختیار دارند. از همین رو، چین مسیر سوسیالیسم را با خصوصیات چینی گشود و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

چین با جمعیتی زیاد و بنیادهایی که باید بیشتر تقویت شوند، بزرگترین کشور در حال توسعه جهان است. برخی از اصول چین و {حاکم بر این کشور} بدون تغییر باقی مانده است و بنابراین چین هنوز هم با چالش‌های جدی روبرو است. مردم چین هنوز کارهایی دارند که باید انجام دهند. دنیای امروز دستخوش یک مرحله از تحولات عمیق شده است که طی صد سال گذشته دیده نشده است. جامعه بشری مملو از امید و چالش است. قطبیت چند گانه، جهانی شدن اقتصادی، تنوع فرهنگی و همچنین فناوری اطلاعات، دسترسی آحاد مردم را گسترش می‌دهد. صلح و توسعه همچنان مضامین پایدار زمان و روزگار کنونی هستند. در عین حال، مشکلات دیرینه همچنان در سراسر جهان آشکار است و بی‌ثباتی و عدم قطعیت در حال افزایش است. ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک و ایجاد دنیای بهتر آرزوهای مشترک همه مردم جهان است.

سال ۲۰۱۹ میلادی، مصادف با هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) است. در طول ۷۰ سال گذشته، تحت رهبری و زعامت حزب کمونیست چین (CPC)، جمهوری خلق چین شاهد تحولات عمیق و گسترده‌ای بوده و به معجزه‌ای از پیشرفت بی‌سابقه در تاریخ بشر دست یافته است. تنها ظرف چند دهه، چین دوره‌ای را پشت سر گذاشته است که طی چند



صد سال کشورهای توسعه یافته تجربه کرده‌اند. چین اکنون به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، که در پرتو آن، نیازهای مادی نزدیک به ۱,۴ میلیارد نفر را تأمین و مراقبت می‌کند و به رونق همه‌جانبه‌ای رسیده است. مردم این کشور از کرامت و حقوقی که قبلاً برای آنها ناشناخته بوده، برخوردارند. این امر تغییر شگرفی را برای چین به همراه آورده است. این موضوع همچنین پیشرفتی چشمگیر برای جامعه بشری و مهم‌تر از همه، سهم قابل توجهی از طرف چین در صلح و توسعه جهانی به حساب می‌آید.

چین معتقد است، مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری و عدالت و همکاری حائز منفعت دوجانبه باشد. احترام متقابل بر مبنای برابری میان تمام کشورها، بزرگ و کوچک، قدرتمند و ضعیف، غنی و فقیر، باشد. هر کشور، باید به نظام سیاسی کشورهای دیگر، حق آن‌ها برای انتخاب مسیر توسعه و منافع و دغدغه‌های آن‌ها، احترام بگذارد. همه باید با سیاست‌بازی قدرت‌ها، هژمونی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مخالفت کنند. همچنین رهبران فعلی چین بر این عقیده‌اند که، توسعه‌طلبی و هژمونی با منافع چین و اراده مردم این کشور در تضاد است. دنبال کردن هژمونی و نظامی‌گری صرفاً قدرت ملی را به هدر داده و به افول منجر می‌شود. در تاریخ بشری، تلاش قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به هژمونی به جنگ‌های مکرر، کشته شدن افراد، عقب‌ماندگی بشری و حتی عقب‌گرد تمدن بشری منجر شده است. چین به صورت طبیعی توسعه می‌یابد و قدرتمندتر می‌شود؛ اما مایل نیست در این روند هیچ کشور دیگری را تهدید کند، به چالش بکشد، کنار بزند، جایگزین آن شود و یا اینکه به هژمونی برسد.

چین وارد دوره جدید توسعه شده است. چین اکنون بر جهان تأثیر می‌گذارد که این (اثرگذاری به نسبت گذشته)، همه‌جانبه‌تر، عمیق‌تر و طولانی‌مدت است و جهان توجه بیشتری به چین خواهد نمود. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با توجه به پرسش‌هایی از قبیل: چین چه مسیری را طی کرد؟ چین به کجا می‌رود؟ اهداف چین در شکل دادن به جهان چیست؟ چگونه چین در حال توسعه با سایر جهان تعامل خواهد داشت؟ اقدام به تهیه مجموعه مقالاتی نموده است. هدف از تهیه این کتاب جلب توجه مخاطبین به اهمیت چین با نظر به پرسش‌های فوق می‌باشد.

این مجموعه دو جلدی مشتمل بر ۱۲ گزارش راهبردی در خصوص آینده و چشم‌انداز اقتصادی چین و نیز استراتژی‌های پیش روی این کشور می‌باشد. در جلد اول که با تحت عنوان «استراتژی آینده چین» مزین شده است، ۶ گزارش جای گرفته است. در مقاله نخست

که از انتشارات موسسه معتبر بروکینگز بوده است روابط راهبردی ایالات متحده و چین در دوره اوباما تحلیل شده است. گزارش دوم که از سوی موسسه امور بین الملل و حوزه امنیت آلمان منتشر شده است، نحوه به چالش گرفتن دورنمای غرب از نظام بین الملل توسط چین را با اتکاء به ویژگی های فلسفی چین به بحث گذاشته است. گزارش سوم آینده پژوهی وضعیت پژوهش و نوآوری در چین در افق ۲۰۲۵ است که با روش های استاندارد سناریونویسی و ارائه ۴ سناریوی مشخص آینده چین در این خصوص را ارائه نموده است. در مقاله چهارم اندرو اسکویل و علیرضا نادر از موسسه رند نقش اقتصادی، سیاسی و نظامی چین در خاورمیانه را مورد بررسی قرار داده و مشورت هایی را در این رابطه به ارتش آمریکا ارائه نموده اند. مقاله بعدی نیز در روابط اقتصادی چین با اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۵ به بحث گذاشته است که کار مشترک تعدادی از اطاق فکرهای مشترک معتبر جهان محسوب می شود. گزارش آخر این مجموعه نیز محصول اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین است که آینده صنایع کارخانه ای چین در سال ۲۰۲۵ را مورد مطالعه قرار داده است و پیشنهادهای در هر زمینه برای فعالان و تجار ارائه کرده است.

اما محور مشترک گزارش های جلد دوم عمدتاً به چشم انداز راه جدید ابریشم مربوط می شود. در مقاله اول توماس زیرمن از مرکز همکاری های بین المللی دانشگاه نیویورک چشم انداز اقتصادی راه جدید ابریشم در سه حوزه چین، آمریکا و آسیای مرکزی مورد بررسی قرار داده است. مقاله دوم نگاه دولت چین و رسمی به احداث کمر بند اقتصادی جاده ابریشم را طی مقاله ای ارائه کرده است. مطلب سوم تحت عنوان کمر بند اقتصادی جاده ابریشم با در نظر گرفتن دلالت های امنیتی و جنبه های همکاری اروپا و چین، موضوع جاده ابریشم از حیث ژئوپلیتیکی منطقه ای را بررسی کرده است که توسط موسسه صلح استکهلم و با همکاری دو موسسه دیگر تهیه شده است. گزارش دیگر توسط موسسه لوی برای سیاست بین الملل منتشر شده و با عنوان «شناخت طرح کمر بند و جاده چین» بوده است و بررسی جامعی از این موضوع بدست می دهد. گزارش بعدی یک مطالعه آینده پژوهانه از آینده چین در افق ۲۰۲۵ چین در زمینه مسایل داخلی، منطقه ای و جهانی است که توسط مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا تهیه و منتشر شده است. گزارش انتهایی جلد دوم نیز از سوی صندوق مارشال آلمان با عنوان واکنش اروپا به طرح یک کمر بند، یک جاده تهیه شده و در آن تاثیرات امنیتی و اقتصادی طرح استراتژی های اروپا را به بحث گذاشته است. امید است که این مجموعه مورد استفاده مخاطبین محترم قرار گیرد.

نیمه پر لیوان موازنه،

اطمینان بخشی و اراده مجدد در رابطه استراتژیک ایالات متحده - چین

موسسه بروکینگز

پیرامون پروژه نظم از آشوب^۱

در طول دو دهه‌ای که از پایان جنگ سرد می‌گذرد، شاهد جهانی بوده‌ایم که در آن جنگ کاهش و رفاه افزایش یافته است. فقدان رقابت ژئوپولیتیکی جدی، فرصت‌هایی برای رشد وابستگی متقابل و همکاری جهانی فراهم نموده است. با این حال، در سالیان اخیر، چالش‌های متعدد و بالقوه اساسی برای نظم جدید به وجود آمده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به: فروپاشی نظم و درغلتیدن به دامان خشونت در خاورمیانه، چالش روسیه برای نظم امنیتی اروپا و تنش رو به رشد ژئوپولیتیکی در آسیا، اشاره کرد. در این برهه حساس، رهبری ایالات متحده واجد اهمیتی حیاتی است و وظایف پیش روی آن مبرم و پیچیده‌اند. رئیس‌جمهور آتی ایالات متحده نیازمند همسازی و حمایت از نظم بین‌المللی لیبرال به‌عنوان ابزار تداوم ثبات و رفاه جهانی؛ گسترش استراتژی که همکاری و نه رقابت را در میان قدرت‌های حاضر تشویق کند؛ و در صورت لزوم، مهار یا محدود ساختن بازیگرانی که به دنبال تضعیف این اهداف هستند، می‌باشد.

در پاسخ به این پویایی جهان در حال تغییر، برنامه سیاست خارجی اندیشکده بروکینگز، پروژه نظم از آشوب را پی‌ریزی نموده است. برنامه سیاست خارجی و کارشناسان و پژوهشگرانش، با تحلیل‌های هوشمندانه، استراتژی‌های جدید، و سیاست‌های مبتکرانه، پروژه‌ای دو ساله با سه هدف بنیادی را آغاز کرده است:

- تجزیه و تحلیل پویایی‌های نظام بین‌الملل که در حال ایجاد فشارها، چالش‌ها و فروپاشی نظم هستند.

- تعریف منافع ایالات متحده در این عصر جدید و گسترش استراتژی‌های ویژه برای ترویج و احیای نظم بین‌المللی لیبرال قانون‌مدارانه.
- ارائه توصیه‌های سیاسی در مورد چگونگی رشد و گسترش ابزارهای ضروری کشورداری (نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و اجتماعی) و چگونگی بازطراحی معماری نظام بین‌الملل. پروژه نظم از آشوب در راستای مشارکت و تأثیرگذاری در مناظرات و مباحثات سیاسی ایالات متحده در جریان انتخابات ۲۰۱۶ و سرکار آمدن رئیس‌جمهور آتی کوشش نموده است.

مؤسسه بروکینگز اذعان می‌دارد که ارج نهادن به تک‌تک حامیان در گروه تعهد مطلق به کیفیت، استقلال و اثرگذاری است. این مؤسسه، فعالیت‌های مورد حمایت پشتیبانان مالی اش را در این تعهد منعکس می‌کند و تحلیل‌ها و توصیه‌های پژوهش‌گران این اندیشکده تحت تأثیر هیچ کمک مالی نیست.

مقدمه

چگونه می‌توان روابط امنیتی ایالات متحده - چین را در دوره باراک اوباما جمع‌بندی کرد؟ با توجه به مرکزیت این روابط در آینده منطقه شرق آسیا و در حقیقت جهان، و نیز تأکیدی که اوباما به حق بر این مسئله داشت، پرداختن به این پرسش را واجد جایگاه و اهمیتی بنیادی در تاریخ می‌سازد.

در دوره نخست ریاست جمهوری اوباما، دولت او سیاست چرخش یا موازنه مجدد را در منطقه آسیا - اقیانوس آرام، نه تنها از نظر امنیتی بلکه به لحاظ موضوعات کلان اقتصادی و سیاسی طرح‌ریزی نمود. در طول این دوره ریاست جمهوری، بدون تردید چین بر اساس برخی شاخص‌ها به جایگاه ابرقدرتی نزدیک شد: از جمله تولید ناخالص داخلی که برحسب برابری قدرت خرید، تقریباً معادل آمریکا و بر اساس نرخ ارز استاندارد در حدود دو سوم آن است. در حال حاضر، بودجه نظامی جمهوری خلق چین به وضوح پس از آمریکا جایگاه دوم را در جهان دارا است و این کشور از منابع اضافی برای کارآمدی و مدرن‌سازی نیروهای مسلحش که به‌طور فزاینده‌ای صاحب فن‌آوری پیشرفته شده، استفاده نموده است. چین در قله تولید جهان با اختلاف قابل توجهی از سایر کشورها قرار دارد و همچنین بودجه تحقیقات بومی و فعالیت‌های مربوط به توسعه را افزایش داده است - در عین حال، باید خاطر نشان کرد که به اخذ مالکیت معنوی دیگر کشورها در مقیاس عظیمی تداوم بخشیده است. اکنون رهبری شی جین‌پینگ ریشه‌دار و تثبیت شده است و چین با اعتماد به نفسی چشمگیر در عرصه جهانی قدم گذاشته است.

استراتژی موازنه مجدد اوباما، اغلب تحولات در روابط ایالات متحده - چین را در طول پنج سال گذشته تعیین کرده است. این استراتژی عموماً در میان آمریکایی‌ها از هر دو حزب و نیز در بین متحدان آمریکا در آسیا مورد استقبال واقع شد. به نظر می‌رسد که این استراتژی، یا حداقل اصول اساسی آن، به احتمال زیاد در سال‌های پیش رو نیز پایدار و ماندنی باشد.^۲

2. See for example, Kathleen Hicks and Michael J. Green, "Revving up the Rebalance to Asia," Center for Strategic and International Studies, Washington, D.C., January 26, 2016, available at <https://www.csis.org/analysis/revving-rebalance-asia>; and Scott W. Harold, "Is the Pivot Doomed? The Resilience of America's Strategic 'Rebalance,'" *The Washington Quarterly* 37, no. 4 (Winter 2015), pp. 85-99. On the antecedents of the rebalance in the Bush administration, see Nina Silove, "The Pivot before the Pivot: U.S. Strategy to Preserve the Power Balance in Asia," *International Security* 40, no. 4 (Spring 2016), pp. 45-88.

با این حال، منطق موازنه مجدد هر چه باشد، همه چیز در روابط ایالات متحده - چین خوب نیست. بسیاری آمریکایی‌ها، چین را به عنوان کشوری می‌بینند که در دریای جنوبی چین و دریای چین شرقی بدل به تهدید شده است - و به ویژه این کشور جاه‌طلبی‌های گسترده‌تر و بیشتری را شروع کرده و اینک امپراطوری قدیمی^۳ آن در قالب جمهوری خلق چین سربرآورده است. بسیاری از چینی‌ها، آمریکا را کشوری می‌بینند که سرسختانه به دنبال استیلا بر جهان است و مهم‌تر از همه، به همراه متحدانش همانند ژاپن در پی هژمونی منطقه‌ای است. و هنگامی که ایالات متحده از چرخش یا موازنه مجدد صحبت می‌کند، بسیاری از چینی‌ها آن را «مهار» می‌شنوند و تلقی می‌کنند که قرار است این امر به هزینه کشورشان انجام شود. عوامل دیگری نیز می‌توانند آب به آسیاب این معضل بریزند.

برای نمونه، فعالیت‌های هسته‌ای تحریک‌آمیز کره شمالی، از جمله دو آزمایش هسته‌ای اخیرش، مخاطرات دیگری است که می‌تواند هم بر چین و هم بر ایالات متحده تأثیر بگذارد - و تفاوت مهم در رویکردهای مورد نظر آنها به امنیت منطقه‌ای را برجسته می‌کند.

در این مقاله، که بر اساس کتابی است که من افتخار همکاری نوشتن آن را با جیمز استینبرگ^۴، معاون سابق وزیر امور خارجه، در سال ۲۰۱۴ داشته‌ام، می‌کوشم ارزیابی ویژه‌ای از روابط امنیتی ایالات متحده - چین در بستر موازنه مجدد انجام دهم و دستور کارهایی که من و استینبرگ در آن کتاب ارائه دادیم را مورد سنجش قرار دهم.^۵ در پژوهش حاضر، تمرکز مستقیماً بر روی مسائل و موضوعات امنیتی است. این مقاله بر کانون‌های بحران منطقه‌ای و احتمالات ممکن و همچنین بر الگوهای تعامل عملیاتی، اقدامات اعتمادساز، سازوکارهای ارتباط و تعامل متمرکز است. امسال من مقاله طولانی دیگری نیز در این مورد نوشته‌ام که برآمده از پژوهش حاضر است و در آن به طیف گسترده‌تری از موضوعات امنیتی پرداخته‌ام و البته مجدداً به نتایج مشابهی دست یافته‌ام.

دستور کاری که من و استینبرگ ارائه دادیم، البته که برآمده از ایده‌های دیگران و نیز اهداف سیاسی موجود ایالات متحده بود، اما ما همچنین به دنبال بسط و توسعه آنها برآمدیم و این اهداف و ایده‌ها را در یک کل منسجم جمع نمودیم. هدف ما - همان‌طور که از عنوان

۳. در متن واژه Middle Kingdom آمده که به معنای پادشاهی میانه است. «پادشاهی میانه»، اسم قدیمی چین است و معنایش «مرکز جهان» است، و به باور چینی‌ها عالی‌ترین شکل تمدن است.

4. James Steinberg

5. James Steinberg and Michael E. O'Hanlon, Strategic Reassurance and Resolve: U.S.-China Relations in the Twenty-First Century. Princeton, NJ: Princeton University Press, 2014.

کتاب پیداست «اطمینان بخشی استراتژیک و اراده مجدد»، نشان دادن راه‌هایی بود که پکن و واشنگتن بتوانند روابط و رقابت خود را از طریق ابزارهای مکمل اطمینان بخشی و اراده مجدد مدیریت کنند.

بحث اصلی این مقاله این است: روابط امنیتی ایالات متحده - چین در حال پیشرفت است و روندهای اخیر متغیر است. با این حال، چالش‌هایی که در روابط ایالات متحده - چین وجود دارد، به نسبت چندان وخیم و بد نیستند، به نسبت آنچه که تاریخ ممکن است به ما در مورد چگونگی تا کردن یک قدرت در حال ظهور و یک قدرت تثبیت شده بگوید. این حرفی برای دل خوش کردن نیست. بلکه یادآوری به سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و عموم مردم دو کشور است که در مقابل دلخوری‌ها و ناراحتی‌های جزئی نباید شدت عمل به خرج داد یا چشم‌انداز تاریخی که روابط امروز بر آن استوار شده است را نادیده بگیرند. این دو کشور تا حدی دوست و نیز تا حدی رقیب هستند. مطمئناً روابط این دو کشور برای سال‌ها، اگر نگوئیم دهه‌ها، پیچیده خواهد بود. با این حال، این مسئله را می‌توان به خوبی مدیریت کرد و می‌توان آن را به گونه‌ای پیش برد که ثبات عمومی حفظ شود - به شرطی که هر دو طرف و بازیگران کلیدی منطقه مانند ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، استرالیا و تایوان تلاش‌های لازم را انجام دهند. در زمانی که صداهایی در هر دو کشور - و خصوصاً در جریان انتخابات ریاست جمهوری امسال ایالات متحده - گاهی اوقات از سیاست رویارویی یا مواجهه بیشتر دم می‌زنند، من می‌خواهم از آرامش و احتیاط بیشتر سخن بگویم. بدون شک، اگر من درست بگویم که روابط امنیتی ایالات متحده - چین را باید در عرصه تجربی به نسبت قابل قبولی دید، ادامه روند اخیر موجب می‌شود که هر کشور به‌طور روزافزونی نگران دیگری باشد و این مسئله سبب به وجود آمدن یک مارپیچ قهقراایی خطرناک در روابطشان شود. تصورات می‌تواند جایگزین واقعیات عینی شوند. معضل و معمای امنیت^۷ می‌تواند به‌طور فزاینده‌ای روابط را تحت تأثیر قرار دهد: ترس می‌تواند به سرعت گسترش یابد و به یک چرخه خطرناک عمل - عکس‌العمل منتهی شود. بخشی از هدف مقاله حاضر این است که در مورد خطرات ناشی از

6. Strategic Reassurance and Resolve

7. security dilemma

اصطلاحی است در روابط بین‌الملل که به موقعیتی اشاره می‌کند که در آن اقدامات یک دولت در جهت افزایش امنیت خود، از جمله افزایش قدرت نظامی و یا ایجاد اتحادهای سیاسی یا نظامی با دیگر دولت‌ها، می‌تواند به اقدامات مشابهی از سوی دیگر دولت‌ها به عنوان پاسخ منجر شود. این امر در نتیجه منجر به تولید و افزایش تنش‌ها و همچنین ایجاد درگیری، خواهد شد؛ در حالی که هیچ یک از دولت‌ها واقعاً خواستار آن نبوده‌اند.

چنین برداشت‌های منفی و بالقوه بی‌اساسی هشدار دهد، بدون آنکه بر روی مشکلات واقعی میان پکن و واشنگتن که نیازمند توجه جدی است، سرپوش بگذارد.

برنامه‌ریزی احتمالی^۸

چهار مکان اصلی وجود دارد که ایالات متحده و چین نیاز دارند تا در مقابل کنش و واکنش‌های بالقوه خطرناک نیروهای نظامی‌شان، آمادگی داشته باشند. این اماکن عبارتند از: شبه‌جزیره کره، اطراف تایوان، آب‌های دریای چین شرقی و منطقه عمومی دریای جنوبی چین. به غیر از خطوط ارتباطی در دریای جنوبی چین که ایالات متحده آن را به عنوان منافع حیاتی آمریکا در نظر می‌گیرد، در سایر موارد، نقش ایالات متحده در احتمالات شرق آسیا، به‌طور محتمل، از دفاع از یک دوست یا متحد منطقه‌ای که ممکن است در معرض خطر قرار بگیرد، ناشی می‌شود.

ابتدا کره را در نظر بگیرید. نسبت به سه مورد دیگری که بیان کردیم، در شبه‌جزیره کره احتمال در گرفتن جنگ شاید کمتر باشد، اما با این حال، شعله‌های تنش به راحتی می‌تواند زبانه بکشد. رفتار کره شمالی در سال ۲۰۱۶ احتمال درگیری یا دست کم بحران جدی را بسیار افزایش داده است.

وضعیت بسیار نگران‌کننده‌تر از آن است که بسیاری فکر می‌کنند. شاید این انتظار وجود داشته باشد که پکن و واشنگتن در شبه‌جزیره کره منافع مشترکی، از جمله حفظ ثبات، جلوگیری از رفتار افراط‌گرایانه (از جمله اشاعه تسلیحات هسته‌ای از سوی پیونگ‌یانگ) و حفظ روابط حسنه‌شان با کره جنوبی دارند؛ اما این تلاقی ظاهری منافع این واقعیت را تحت‌الشعاع خود قرار نمی‌دهد که پکن و واشنگتن برای این منافع مختلف، اهمیت نسبی متفاوتی قائل هستند و پکن بیشتر بر حفظ ثبات تأکید دارد تا منع اشاعه تسلیحات (یا اصلاحات داخلی کره شمالی).^۹ شاهد مدعا آنکه چین، پس از هر آزمایش هسته‌ای موفق کره شمالی در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳ و دو مرتبه در سال ۲۰۱۶، با اکراه از تحریم‌ها حمایت کرده و آن‌ها را اجرایی نموده است.

8. Contingency Planning

برنامه‌ریزی احتمالی یا اقتضایی، به منظور آمادگی برای رخدادهای خارج از انتظار است.

9. See for example, Andrew Scobell, "The PLA Role in China's DPRK Policy," in Phillip C. Saunders and Andrew Scobell, eds., *PLA Influence on China's National Security Policymaking*. (Stanford, California: Stanford University Press, 2015), pp. 198-217.

اینکه پکن در عمل تحریم‌های متعاقب آزمایش‌های هسته‌ای سال ۲۰۱۶ که تجارت مواد معدنی و دیگر اقلام اساسی را شامل می‌شود تا چه اندازه به‌طور جدی اجرا خواهد کرد، مسأله‌ای است که هنوز نمی‌توان درباره آن قضاوتی کرد.^{۱۰}

اگر بحران یا جنگی در بگیرد، این واقعیت که پکن و واشنگتن با دو کره متفاوت متحد هستند، خطر بسیار بزرگی را متوجه وضعیت می‌سازد. خلاصه کلام، ایالات متحده و چین می‌توانند به سرعت خود را بر لبه پرتگاه جنگ مستقیم با یکدیگر بیابند. حتی اگر جمهوری خلق چین هم تصمیم بگیرد که تحت شرایطی خاص (علی‌الخصوص در پرتو روابط نه چندان خوب دو کشور در حال حاضر) از کره شمالی دفاع نکند، ممکن است نیروهای خود را به شمالی‌ترین بخش شبه‌جزیره ببرد تا در صورت بروز حادثه، سیل پناهندگان را مدیریت کرده و مانع جابجایی تسلیحات کشتار جمعی به قلمرو چین شود. بسته به سناریو، ممکن است نیروهایی را هم به شبه‌جزیره گسیل کند تا برای مذاکرات پس از جنگ در مورد اینکه آیا نیروهای ایالات متحده در کره خواهند ماند یا نه و شاید حتی حفظ شکلی از باقی‌مانده کره شمالی به عنوان نوعی دولت حائل^{۱۱} دائمی، اهرم فشار ایجاد کند.^{۱۲} این مسئله که کره شمالی زرادخانه هسته‌ای در اختیار دارد نیز می‌تواند به افزایش این احتمال بیانجامد که با هر گونه منازعه و درگیری اتحاد دوباره شبه‌جزیره تحت حاکمیت سئول/ کره جنوبی متوقف شود.^{۱۳}

بنا به دلایل این چنینی بود که من و استیون برگ از برخی تمهیدات ایالات متحده - چین در ارتباط با کره حمایت کردیم. برخی از این تمهیدات شامل نحوه برنامه‌ریزی برای یک جنگ احتمالی می‌شدند؛ حتی اگر این جنگ هم هرگز پیش نیاید، نفس برنامه‌ریزی می‌تواند تأثیرات اطمینان‌بخش مؤثری داشته باشد. شمار دیگری از تمهیدات، نحوه تصمیم‌گیری و حل‌جایی درباره حضور نیروهای ایالات متحده در شبه‌جزیره پس از اتحاد دوباره را در بر

10. Andrea Berger, "From Paper to Practice: The Significance of New UN Sanctions on North Korea," *Arms Control Today* 46, no. 4, May 2016, pp. 8-16.

11. buffer state

12. Thomas Woodrow, "The PLA and Cross-Border Contingencies in North Korea and Burma," in Andrew Scobell, Arthur S. Ding, Phillip C. Saunders, and Scott W. Harold, eds., *The People's Liberation Army and Contingency Planning in China* (Washington, D.C. National Defense University Press, 2015), pp. 205-223; and Gordon G. Chang, "China and the Korean Peninsula: Why the Problems?" *International Journal of Korean Studies* 19, no. 1, Spring/Summer 2015, pp. 97-125.

13. See Van Jackson, Testimony before the House Committee on Foreign Affairs, Subcommittee on Asia and the Pacific, February 26, 2015, available at <https://foreignaffairs.house.gov/hearing/subcommittee-hearing-across-the-other-pond-u-s-opportunities-and-challenges-in-the-asia-pacific>.

می‌گرفتند. در نهایت این تصمیم بر عهده کره جنوبی خواهد بود که آیا در چنین وضعیتی پذیرای نیروهای خارجی در قلمرو خود خواهد بود یا نه، اما واشنگتن و سئول می‌توانند اکنون به یکدیگر اطمینان خاطر دهند که هرگونه حضور نظامی ایالات متحده، دامنه‌ای محدود داشته و در نزدیکی یا پایین مدار ۳۸ درجه^{۱۴} باقی می‌ماند. ایالات متحده و چین نیز می‌توانند در راستای ترغیب کره شمالی به رفتاری مطلوب‌تر، برنامه اقدام همکاری جویانه بهتری تدوین نمایند. این رویکرد می‌تواند برخی تمهیدات را شامل شده و همچنین رغبت و اشتیاق چین به اعمال تحریم‌های سختگیرانه‌تر در صورت اقدامات تحریک‌آمیز بیشتر کره شمالی (مانند آزمایش‌های هسته‌ای یا موشکی دوربرد، اقدامات تروریستی و تولید بیشتر مواد شکاف‌پذیر^{۱۵}) را به همراه داشته باشد.

همچنین به نظر می‌رسد که اگر مسأله بسیار مهم برنامه‌ریزی مشترک ایالات متحده - چین برای پیشامدهای احتمالی کره پیشرفتی هم داشته، بسیار ناچیز و اندک باشد. باز خورد و شواهدی که گردآوری کرده‌ام، واقعه‌نگارانه^{۱۶} اما کاملاً منطقی و منسجم هستند. دلیلی نیافته‌ام که تصور کنیم مقامات چینی اساساً درباره نحوه مدیریت پیشامدهای کره با مقامات آمریکایی وارد گفتگو شده باشند و در واقع به سختی بتوان در خصوص این مسأله، تعهد یا قول چندانی از مقامات پیشین یا دانشگاهیان چینی به دست آورد.

قضیه در مورد پیشامدهای تایوان به چه صورت است؟ اینجا نگرانی و دل‌مشغولی متفاوت است. به لحاظ تاریخی، ایالات متحده از زمان به رسمیت شناخته شدن جمهوری خلق چین در دهه ۱۹۷۰ و خاتمه روابط رسمی با تایوان، تعهدی پیچیده اما هم‌چنان بسیار جدی در قبال امنیت تایوان داشته است. این تعهد در قانون روابط تایوان مصوب سال ۱۹۷۹ و رفتار آمریکا مثلاً در بحران‌های سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ نمود می‌یابد. در نهایت، ایالات متحده ظاهراً مشتاق است تا در حمایت از تایوان هر چه از دستش برمی‌آید، انجام دهد که لزوماً به معنای بازگشت به تهدیدات هسته‌ای دهه ۱۹۵۰ نیست، اما با این حال تمایل خود به دفاع از جزیره در برابر هر شکلی از حملات چین، حتی در حد تهاجم احتمالی را ابزار می‌دارد. شکستن محاصره چین را هم می‌توان در مجموعه سناریوهای احتمالی گنجانند.

14. below the 38th parallel

مدار ۳۸ درجه شمالی، دایره‌ای از عرض جغرافیایی است که در ۳۸ درجه شمالی خط استوا قرار دارد و شبه‌جزیره کره را تقریباً به دو قسمت تقسیم می‌کند و نقش حائل را میان دو کشور دارد.

15 fissile material

16. Anecdotal

عبارت است از توصیف یک تجربه قابل توجه که برای پژوهشگر یا یک فرد متخصص رخ داده است.

امروزه، این مأموریت‌های نظامی محتمل، خصوصاً علیه محاصره یا دیگر اقدامات نظامی محدود، بسیار پیچیده تر شده‌اند. قابلیت‌های پیشرفته موشکی چین، زیردریایی‌های بی صدا و هواپیماهای پیشرفته «نسل چهارم» در صدر فهرست فن آوری‌هایی هستند که می‌توانند نیروهای ایالات متحده را در هر گونه عملیات رزمی در نزدیکی تایوان به طور جدی در معرض خطر قرار دهند و این خطر حتی در شرایطی که ایالات متحده - تایوان - بتواند پیروز از میدان نبرد خارج شوند نیز همچنان وجود دارد. با توجه به این مسأله، در صورت بروز جنگ، واشنگتن فشارهای اولیه برای تشدید درگیری، علی‌الخصوص حملات نظامی متعارف به تأسیسات نظامی در خاک چین مانند سکوهای پرتاب موشک، فرودگاه‌های نظامی و پایگاه‌های زیردریایی را احساس خواهد کرد. بنابراین، یک درگیری کوچک می‌تواند به سرعت و به طرز خطرناک شدت بگیرد. تاکنون پیشنهاد اقداماتی از قبیل استقرار یک خط مستقیم تلفن بین تایوان و چین مطرح شده‌اند که اگر طرفین واقعاً بخواهند، می‌تواند به تثبیت وضعیتی که برشمرديم کمک کند.^{۱۷} اما بحران‌ها می‌توانند خود به خود جان گرفته و به تشدید درگیری بیانجامند.

استینبرگ و من با وقوف به این مسأله، از رشد و گسترش پاسخ‌های نامتقارن احتمالی ایالات متحده در مقابل حملات چین به تایوان حمایت کردیم. لزومی ندارد که گزینه نظامی سنتی به عنوان یک اصل نادیده گرفته شود. اما در صورت وقوع جنگ، می‌توان پاسخ‌های اقتصادی (در قالب تحریم‌های سفت و سخت و تمام عیار) و پاسخ‌های نظامی نامتقارن (برای نمونه، فشار بر خطوط دریایی ارتباطی که چین برای واردات نفت یا ارسال کالاهای مصرفی لازم دارد) را در نظر گرفت.

اما به نظر نمی‌رسد که در حال حاضر ایالات متحده برای رشد و گسترش ایده‌های جدیدی از این دست تلاشی انجام دهد. برای نمونه، در بخش «قابلیت‌های دفاعی تایوان» در گزارش سالانه وزارت دفاع به کنگره در سال ۲۰۱۶، هیچ تمهید و ابتکاری برای همکاری ایالات متحده و تایوان در مفاهیم دفاعی جدید ذکر نشده است. نقش تعریف شده آمریکا در امنیت دو سوی تنگه ۱۸ متوجه فروش تسلیحات و دیپلماسی است.^{۱۹} موضع‌گیری در یادار هری هریس^{۲۰}،

17. Austin Ramzy, "Leaders of China and Taiwan Talk of Peace Across the Strait," New York Times, November 7, 2015, available at <http://nyti.ms/1kAcCfy>.

18. Cross-straight

این اصطلاح به روابط بین جمهوری خلق چین و تایوان اطلاق می‌شود که به واسطه تنگه تایوان از هم جدا شده‌اند.

19. Department of Defense, "Military and Security Developments Involving the People's Republic of China," p. 91; see also, on this point, Nien-chung Liao and Dalton Kuen-da Lin, "Rebalancing Taiwan-U.S. Relations," Survival 57, no. 6, December 2015-January 2016, pp. 145-158.

20. Admiral Harry Harris

فرمانده عملیات نظامی در مقرر فرماندهی اقیانوس آرام^{۲۱}، در اوایل سال ۲۰۱۶ تا حدی بی‌پرده و صریح نشان می‌دهد که «این مقرر، به انجام تعهدات ایالات متحده در چارچوب قانون روابط با تایوان^{۲۲} ادامه خواهد داد». سپس این گزارش در چند خط به بحث فروش تسلیحات می‌پردازد و قسمت مربوط به تایوان یکی از کوتاه‌ترین بخش‌ها در کل گزارش، پیرامون هر کشور یا شریکی در منطقه است.^{۲۳}

روشن است که کسی انتظار ندارد طرح‌های طبقه‌بندی شده نظامی در اسناد علنی قید شوند، اما در یک سند رسمی حکومت ایالات متحده یا جاهای دیگر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که از شیوه تفکر جدیدی در مورد رویکردهای ترکیبی و یکپارچه برای مدیریت وضعیت‌های احتمالی بحران حکایت داشته باشد. شاید در دوران ریاست جمهوری ماینگ جیو^{۲۴} در تایوان، اکثر احزاب - از جمله حتی حزب ارتش آزادی‌بخش خلق^{۲۵} و وزارت دفاع - آن‌قدر بر بهبود روابط با چین (با وجود اختلاف نظرات گاه و بی‌گاه در ارتباط با فروش تسلیحات) متمرکز شده بودند که هیچ کس متوجه لزوم تجدید نظر در وضعیت موجود برنامه‌ریزی نظامی نشد.^{۲۶} شاید این مسأله قابل درک و از برخی جهات حتی مطلوب باشد، جز اینکه در این دوران قابلیت‌های نظامی چین به هیچ وجه ثابت نمانده و اکنون ماینگ هم دیگر رئیس‌جمهور تایوان نیست. هرچند نمی‌توانیم از برنامه‌های کنونی نظامی ایالات متحده در مورد سناریوهای مرتبط با چین و تایوان باخبر شویم، لیکن تاریخ دلایل کافی در اختیارمان می‌گذارد که فکر کنیم تشدید سریع درگیری می‌تواند در بین گزینه‌ها باشد و دلیل آن هم تا حدی این است که به لحاظ تاریخی، چنین گزینه‌هایی احتمالاً برای ایالات متحده بسیار مؤثر و کارآمد بوده‌اند. اما روزگار در حال تغییر است. بی‌شک همکاری امنیتی ایالات متحده - تایوان شاهد تغییرات آرام بیشتری

21. combatant commander at Pacific Command (USPACOM)

22. Taiwan Relations Act

قانون روابط با تایوان تضمین می‌کند که ایالات متحده در برابر هرگونه حمله نظامی به تایوان (مشخصاً توسط چین) از آن حمایت خواهد کرد و متعهد می‌شود که در راستای این هدف، به تدارک تسلیحاتی دولت تایوان ادامه دهد.

23. Statement of Admiral Harry B. Harris Jr., U.S. Navy, Commander, U.S. Pacific Command, before the Senate Armed Services Committee, on U.S. Pacific Command Posture, February 23, 2016, available at http://www.armed-services.senate.gov/imo/media/doc/Harris_02-23-16.pdf.

24. Ma Ying-jeou

25. People's Liberation Army

26. See for example, Bonnie S. Glaser, "The PLA Role in China's Taiwan Policymaking," in Saunders and Scobell, eds., PLA Influence on China's National Security Policymaking, pp. 190-191; and Jeffrey A. Bader, Obama and China's Rise: An Insider's Account of America's Asia Strategy (Washington, D.C.: Brookings, 2012), p. 77.

است.^{۲۷} اما حتی اگر در مجاری خصوصی ایالات متحده - تایوان، برنامه ریزی متنوع تری هم در حال بسط و تکوین باشند، عموم جامعه استراتژیک آمریکایی و اکثر سیاستمداران این تحولات را بررسی یا ملکه ذهن خود نکرده‌اند. به این ترتیب، حمایت از آن‌ها در یک بحران می‌تواند کمبودها و نارسایی‌ها را نشان دهد و کنترل فشارها برای تشدید درگیری ممکن است به لحاظ سیاسی کاری دشوار باشد.

مشکل فراتر از وزارت دفاع است. حکومت ایالات متحده هنوز هیچ تلاش اساسی در این راستا انجام نداده است که در صورت بروز درگیری، چگونه از تحریم‌ها به‌عنوان بخشی از یک ترکیب گسترده‌تر ابزارها استفاده کند. جنگ هنوز به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های وزارت دفاع تلقی می‌شود که به بهترین شکلی که می‌توان از خارج این نهاد فهمید، با استفاده از ابزار کلاسیک پی گرفته می‌شود. علاوه بر این، به بهترین شکلی که می‌توان نتیجه گرفت، حوادث چین یکی از مسئولیت‌های ستاد فرماندهی اقیانوس آرام باقی می‌ماند. با این حال، منطق بالا از این حکایت دارد که این حوادث باید خارج از ستاد مشترک در واشنگتن هماهنگ شود، به‌نحوی که فرماندهی مرکزی^{۲۸} به‌طور کامل درگیر آن شود (زیرا سازمانی است که به خوبی می‌تواند در هر عملیاتی جهت محدود ساختن استفاده از خطوط دریایی ارتباطی به داخل و خارج از خلیج فارس، ورود کند). بی‌گمان، در صورت وقوع بحران، می‌توان از طریق شورای امنیت ملی، بلافاصله پاسخی محتاطانه و چندجانبه را طرح‌ریزی و تدوین نمود. گرچه درست فکر کردن درباره برخی گزینه‌های بدیل و تنش‌زدا از قبل بسیار عاقلانه و سنجیده به نظر می‌رسد.

قبل از اینکه به تنش‌ها در مناطق جنوبی‌تر پردازیم، به‌طور مختصر توضیحاتی پیرامون دریای چین شرقی و علی‌الخصوص مناقشه جزایر سن کاکو/دیائو^{۲۹} ارائه می‌دهیم. این جزیره متشکل از هشت قطعه زمین خالی از سکنه و تقریباً غیرقابل سکونت است (تنها یکی از این

27. Richard C. Bush, *Uncharted Strait: The Future of China-Taiwan Relations* (Washington, D.C.: Brookings, 2013).

28. Central Command

29. Senkaku/Diaoyu islands

مالکیت بر این جزایر، همواره باعث تنش در روابط چین و ژاپن و روابط تایوان و ژاپن بوده‌است. چین و تایوان مدعی هستند که این جزایر از لحاظ تاریخی به آنان تعلق دارد و بحث مالکیت مجمع‌الجزایر پس از اشغال شدن شان از سوی ارتش امپراتوری ژاپن در سال ۱۸۹۴ شروع شده‌است. دولت ژاپن در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۹۵ با تایید کابینه، جزایر فاقد سکنه سن کاکو را رسماً به خاک ژاپن الحاق کرد. از آن زمان، جزایر سن کاکو به‌طور پیوسته به‌عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از جزایر نانسی شو تو در قلمروی سرزمینی ژاپن باقی‌مانده است.

قطعات بزرگ‌تر از یک کیلومتر مربع است)، اما در روابط ژاپن-چین بی‌نهایت بحث‌انگیز و مورد اختلاف بوده است، چرا که این دو کشور مرتباً بحث‌های تاریخی را زنده کرده و دوباره در مناقشات قدیمی می‌دمند. چین بر مبنای تاریخ باستان قرن‌ها پیش خود ادعای مالکیت جزایر را دارد و همان‌گونه که در پایین به آن اشاره می‌کنیم، این دایعه با مبنای ادعاهای این کشور در خصوص قسمت عمده‌ای از دریای چین جنوبی تفاوتی ندارد؛ چین از سال ۱۹۹۲ به صورت دیپلماتیک و از سال ۲۰۰۸ با گشت‌زنی کشتی‌هایش بر ادعاهای خود تأکید کرده است. ژاپن این ادعاهای تاریخ باستان چین را زیر سوال می‌برد و از سال ۱۸۹۵ به بعد بر این جزایر حکومت کرده است. پس از جنگ جهانی دوم نیز ژاپن مالکیت جزایر را حفظ کرد و ایالات متحده نیز، حتی اگر همچنان هم در خصوص مالکیت این جزایر موضع نگیرد، عملاً با این امر موافق بود. ژاپن بین تایوان که در سال ۱۸۹۵ آن را تصرف کرد اما پس از سال ۱۹۴۵ مجبور شد به چین بازگرداند و جزایر سن‌کاکو/دیانویی که ادعا می‌کند تاریخی کاملاً مجزا و متفاوت دارند، تمایز قائل می‌شود.^{۳۰} اما در واقع، کل این تاریخ هنوز هم برای چین بسیار دردناک است. پکن می‌خواهد تمام مالکیت سرزمینی ژاپن را طوری نشان دهد که این اراضی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به عنوان گرایش تهاجمی نامشروع در سیاست این کشور و محصول آن به دست آمده‌اند، گرایشی که در نهایت باعث تجاوز ژاپن به خود سرزمین چین شد.

مناقشه سن‌کاکو/دیانو در حوالی سال ۲۰۱۰ تشدید شد. در آن زمان، یک قایق ماهیگیری چینی در نزدیکی این جزایر با دو کشتی گارد ساحلی ژاپن تصادف کرد. این امر منجر به بازداشت ناخدای قایق چینی و جار و جنجال دیپلماتیک طولانی بین دو کشور شد که وضع تحریم‌های اقتصادی چین علیه ژاپن برای چند وقت نیز در این راستا بود (خصوصاً محدودیت صادرات فلزات خاکی کمیاب چین به ژاپن که برای تولید برخی از کالاها حیاتی هستند).^{۳۱} سپس در سال ۲۰۱۲، دولت ژاپن برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن روابط با چین، در صورت خرید این جزایر مورد مناقشه از سوی شهردار ملی‌گرای افراطی توکیو، خود سه جزیره

30. Ministry of Foreign Affairs, Government of Japan, "Senkaku Islands," Tokyo, April 13, 2016, available at http://www.mofa.go.jp/region/asia-paci/senkaku/qa_1010.html#q11.

31. "Boat Collisions Spark Japan-China Diplomatic Row," BBC News, September 8, 2010, available at <http://www.bbc.com/news/world-asia-pacific-11225522>; and "How Uninhabited Islands Soured China-Japan Ties," BBC News, November 10, 2014, available at <http://www.bbc.com/news/world-asia-pacific-11341139>.

سن کاکو/دیائو را از مالک خصوصی ژاپنی آن خرید. متأسفانه چین این اقدام را تحریک آمیز تلقی کرد و گشت‌های نظامی خود را افزایش داد که گاهاً در حوالی جزیره تالبه پرتگاه جنگ پیش می‌رفتند.

در آوریل ۲۰۱۴ باراک اوباما در صدد تثبیت وضعیت برآمد و اعلام کرد، با اینکه ایالات متحده هیچ موضعی در قبال مالکیت این جزایر ندارد، صرفاً به دلیل اینکه در حال حاضر ژاپن بر این جزایر حکومت می‌کند، پیمان ایالات متحده ژاپن و بند ۷ تعهد امنیتی در مورد این جزایر را به موعده اجرا می‌گذارد.^{۳۲} بازدارنگی، دست کم موقتاً، تقویت شد و به نظر می‌رسید که وضعیت تثبیت شده باشد. به عبارت دیگر، ایالات متحده قاطعانه رفتار کرد، همان‌طور که من و استینبرگ بیان کردیم، این رفتار یکی از عناصر تعیین کننده سیاست منسجم آمریکا در قبال منطقه است. با همه این احوال، به گفته فرمانده نیروهای دفاعی ژاپن، چین همچنان با هوایما و کشتی‌ها خود، از جمله کشتی‌های گشت ساحلی و قایق‌های ماهیگیری وارد آب‌های سرزمینی این جزایر می‌شود و از جمله در تابستان سال ۲۰۱۶، افزایش گاه و بی‌گاه تحرکات وجود داشته است. در واقع، در ژوئن سال ۲۰۱۶، چین برای نخستین بار یک ناو جنگی به آب‌های این جزایر اعزام کرد و در ۶ آگوست همان سال، علی‌الظاهر نزدیک به ۲۳۰ قایق ماهیگیری چینی در حوالی این جزایر حرکت کرده‌اند.^{۳۳} بنابراین، این مسأله حل نشده و کماکان خطرناک است. در واقع، شاید تاحدی در پاسخ به این شرایط، ژاپن اکنون افزایش مختصر اما قابل توجه قابلیت‌های نظامی خود در منطقه‌ای وسیع تر را لحاظ می‌کند.^{۳۴}

با حرکت به دریای جنوبی چین، وضعیت از این هم پویاتر و پیچیده‌تر می‌شود و رفتار اخیر چین بیش از پیش نگرانی ایالات متحده و چند کشور دیگر را برانگیخته است. با این حال، به تعبیری دیگر، هیچ دلیلی برای قطع امید وجود ندارد.^{۳۵}

32. The White House, "Joint Press Conference with President Obama and Prime Minister Abe of Japan," Tokyo, Japan, April 24, 2014, available at <https://www.whitehouse.gov/the-pressoffice/2014/04/24/joint-press-conference-president-obama-and-prime-minister-abe-japan>.

33. Mitsuru Obe, "Japan Presses China on Vessels Sailing Near Disputed Islands," Wall Street Journal, August 24, 2016, available at www.wsj.com/articles/japan-presses-china-on-vessels-sailing-near-disputed-islands-1472039715.

34. Motoko Rich, "Japanese Government Urges Another Increase in Military Spending," New York Times, August 30, 2016, available at <http://nyti.ms/2bZ57yJ>.

35. For a related view, see Jeffrey Bader, Kenneth Lieberthal, and Michael McDevitt, "Keeping the South China Sea in Perspective," Brookings Institution, Washington, D.C., August 2014, available at <http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2014/08/south-china-sea-perspectivebader-lieberthal-mcdevitt/south-china-sea-perspective-bader-lieberthal-mcdevitt.pdf>.

تا به امروز، همه طرفین در منطقه برای استفاده از نیروی نظامی و اقدامات خشونت‌آمیز احتیاط کرده و از آن اجتناب نموده‌اند. آنها استفاده از خطوط کشتیرانی را مختل نکرده‌اند؛ و ادعاهای سرزمینی یکدیگر در دریای جنوبی چین را به مسیر خشونت‌آمیز سوق نداده‌اند. همچنین بین ایالات متحده و چین کانال‌های ارتباطی متعددی وجود دارد که مرتباً مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ دیدارهای مقامات نظامی، مشاوران امنیت ملی مانند سوزان رایس^{۳۶}، وزرای امور خارجه و دفاع و شخص رؤسای جمهور که معمولاً گفتگوهای طولانی را در برمی‌گیرد و حتی هنگامی که راه کارهای حل منازعه مبهم و دست‌نیافتنی هستند، از محورهای مستقیم بحث فراتر رفته و در جستجوی میزانی از درک متقابل و کاهش منازعات برمی‌آیند.^{۳۷}

تا به امروز، همه طرفین در منطقه برای استفاده از نیروی نظامی و اقدامات خشونت‌آمیز احتیاط کرده و از آن اجتناب نموده‌اند.

البته اساساً وضعیت به گونه‌ای است که چین عملاً مدعی تمام دریای جنوبی چین، از جمله خشکی‌های کوچک متعدد آن در سراسر به اصطلاح نه خط فاصله^{۳۸} تقسیم دریای چین جنوبی است. خوشبختانه چین تلاشی واقعی برای اعمال مالکیت خود بر این آب‌راه‌ها انجام نمی‌دهد، مسأله‌ای که بی‌شک ایالات متحده با توجه به اهمیت خطوط دریایی جنوبی چین برای تجارت که حدود یک سوم یا بیشتر از تجارت جهان از طریق آن انجام می‌گیرد، آن را به عنوانی چالشی برای منافع ملی حیاتی خود تلقی خواهد کرد. چین به تحرکات نظامی آمریکا در آن اطراف معترض است، اما به طرق دیگر در صدد جلوگیری از استفاده دیگران از این آب‌ها برنیامده است. با این حال، چین تلاش کرده که تا بیشترین حد امکان کنترل خود بر بسیاری از جزایر منطقه، مشخصاً مجمع‌الجزایر اسپرتلی و پاراسل و همچنین خشکی‌های دیگری مانند سکارپورو شوال^{۳۹} در منطقه انحصاری اقتصادی^{۴۰} فیلیپین را تثبیت نماید.

36. Susan Rice

37. Comments of Stapleton Roy at the Brookings Institution, Washington, D.C., July 26, 2016, available at <http://www.brookings.edu/events/2016/07/26-us-china-russia-relations>; and David Ignatius, "In Kissinger's Footsteps, Susan Rice Steers Smooth U.S.-China Relations," Washington Post, September 1, 2016, available at https://www.washingtonpost.com/opinions/susan-rice-embraces-kissingers-approach-to-china/2016/09/01/7d440a5c-706b-11e6-9705-23e51a2f424d_story.html?utm_term=.f6ea67b2c7bd.

38. nine-dash line

محدوده‌ای است که چین به عنوان قلمرو دریایی خود در دریای چین جنوبی تعیین کرده و می‌گوید با توجه به سوابق تاریخی حضور پکن در این منطقه، تمام جزایر و آب‌های درون این محدوده تحت حاکمیت چین هستند.

39. Scarborough Shoal

40. exclusive economic zone

منطقه انحصاری اقتصادی بخشی از دریا در آن سوی آب‌های سرزمینی و منطقه مجاور آن است که حداکثر تا دو بیست مایل دریایی از ساحل ادامه پیدا می‌کند و دولت ساحلی از برخی حقوق حاکمیتی در آن برخوردار است.

رأی سال ۲۰۱۶ دیوان دائمی داوری^{۴۱} در خصوص کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، ادعای چین را در مورد نه خط فاصله تقسیم دریای چین جنوبی، که از جانب این کشور به عنوان ادعایی لفظی در مورد آبراه‌های آن منطقه تفسیر می‌شود، از درجه اعتبار ساقط کرد. این دادگاه همچنین بدون وارد شدن به مسأله حاکمیت ملی، تعیین کرد که هیچ یک از خشکی‌های دریای جنوبی چین واجد شرایط جزایر دارای قابلیت حیات انسانی نیستند.^{۴۲} بنابراین مطابق این رأی، هرکس که بخواهد در نهایت حق مالکیت و حاکمیت خود را به کرسی بنشاند، در بهترین حالت یک قلمروی دریایی محدود به دست خواهد آورد که تا ۱۲ مایل دریایی از خط ساحلی امتداد داشته و فاقد منطقه انحصاری اقتصادی خواهد بود. دیوان داوری مشخص کرد که صخره مرجانی موسوم به صخره شرارت^{۴۳} در منطقه انحصاری اقتصادی فیلیپین قرار دارد، یعنی که حکم به غیرقابل قبول و نامشروع بودن فعالیت‌های ساخت جزایر مصنوعی چین در آن منطقه داد.^{۴۴}

چین از پذیرش این رأی خودداری می‌کند؛ در واقع، در جریان برگزاری نشست گروه ۲۰ در سپتامبر سال ۲۰۱۶ در هانگژو به صورت تحریک آمیزی ۱۰ کشتی خود را به یک مایلی صخره شرارت فرستاد.^{۴۵} پکن حتی اگر موضع دیوان داوری را هم بپذیرد، مسئله حاکمیت نامعلوم و نگران کننده خواهند ماند. در این حین، مشخصاً در طول سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، چین نزدیک به ۵ مایل مربع سرزمین (حدود مجموع مساحت جزایر سن کاکو/دیائو) به خاک خود افزود که کلاً شامل حدود هفت جزیره‌ای می‌شود که خواهان استرداد حاکمیت آن‌ها است. سپس با موشک، رادار، فرودگاه، بندرگاه، هواپیمای نظامی و کشتی‌های نظامی یا گشتی‌های ساحلی به این خشکی‌های مصنوعی آرایش نظامی داد. در سال ۲۰۱۶، پکن به گشت‌زنی‌های منطقه‌ای در دریای جنوبی چین دست زد و آنجا یک هواپیمای شناسایی ایالات متحده را رهگیری کرد و یکی از فرماندهان ارشد خود را به جزایر اسپارتملی فرستاد.^{۴۶}

41. Permanent Court of Arbitration

42. "Award in the Matter of the South China Sea Arbitration on PCA Case 2013-19," Permanent Court of Arbitration, The Hague, the Netherlands, July 12, 2016, pp. 473-475, available at <https://pca-cpa.org/wp-content/uploads/sites/175/2016/07/PH-CN-20160712-Award.pdf>.

43. Mischief Reef

44. Presentation of Lynn Kuok at the Center for a New American Security, Washington, D.C., August 17, 2016.

45. Jane Perlez, "New Chinese Vessels Seen Near Disputed Reef in South China Sea," New York Times, September 5, 2016, available at <http://nyti.ms/2clHfSy>.

46. Michael Forsythe, "China Begins Air Patrols over Disputed Area of the South China Sea," New York Times, July 18, 2016, available at <http://nyti.ms/2abzwK7>; Gabriel Dominguez, "Chinese J-11s Intercept US Recon Aircraft over South China Sea," Jane's Defence Weekly, May 25, 2016, p. 4; and

طی دو سال گذشته ایالات متحده چندین مورد عبور و مرور آزادانه در آب‌های سرزمینی جزیره‌های مورد اختلاف در دریای چین جنوبی انجام داده است. و این کار به گونه‌ای صورت پذیرفته که آمریکا اذعان دارد که قرار است یک روز کشوری، مثل چین، حاکمیت خود را در آن استوار سازد. از این رو، آمریکا از این مناطق با سرعت و بدون انجام هیچ‌گونه مانور یا دیگر اقدامات نظامی عبور کرده و این کار را بدون بروز تبعات خطرناک انجام داده است.^{۴۷} با این همه، چین به این عبور و مرورها روی خوشی نشان نداده است، زیرا پکن خواستار اطلاع قبلی است (امری که کنوانسیون حقوق دریاها آن را الزامی نساخته است). چین ناوهای جنگی را واجد شرایط حق عبور بی‌ضرر نمی‌داند.^{۴۸} اقدامات آمریکا بین اعتمادسازی و پایداری بر سر حق عبور بی‌ضرر تعادل خوبی برقرار کرده است. این اقدامات جدیت دفاع از منافع و متحدان آمریکا را نشان می‌دهند. در اواخر سال ۲۰۱۵ و اوایل سال ۲۰۱۶، اشتون کارتر^{۴۹}، وزیر دفاع، با ناو هواپیمابر آمریکایی (و یک ناو هواپیمابر هندی) از سراسر منطقه بازدید کرد، گرچه که کشتی‌ها در محدوده ۱۲ مایل دریایی جزایر مورد مناقشه حرکت نکردند.^{۵۰} به محض اینکه چین ادعاهای جدی تری نسبت به خشکی‌های منطقه ابراز داشت، برای ایالات متحده ضرورت یافته که اجازه ندهد خطری متوجه دسترسی‌اش به منطقه شود. ضرورتی که نشان‌گر آن است که ایالات متحده نمی‌تواند نه خط فاصله تقسیم دریا را بپذیرد. در عین حال نمی‌تواند محدودیت‌ها بر حرکت و جابجایی پیرامون جزایر کوچک یا صخره‌هایی که چین بر آن‌ها ادعای مالکیت دارد را هم بپذیرد و پکن تأکید کرده که باید از دریاهای سرزمینی و

Chris Buckley, "Chinese General Visits Disputed Spratly Islands in South China Sea," New York Times, April 18, 2016, available at <http://nyti.ms/1quj8Y5>.

47. innocent-passage

بر اساس این کنوانسیون کشتی‌های کلیه کشورها؛ اعم از کشورهای ساحلی یا غیر آن، در دریای ساحلی از حق عبور و مرور بی‌ضرر بهره‌مند خواهند شد. عبور و مرور نیز تا جایی بی‌ضرر است که مخل آرامش، نظم یا امنیت کشور ساحلی نباشد؛ عبور و مرور بی‌ضرر بر طبق مقررات این قرارداد و سایر مقررات حقوق بین‌الملل صورت خواهد گرفت.

48. Three were conducted from the fall of 2015 through July of 2016, to be precise. Sam LaGrone, "United States Destroyer Passes Near Chinese Artificial Island in South China Sea Freedom of Navigation Operation," U.S. Naval Institute News, May 10, 2016, available at <https://news.usni.org/2016/05/10/u-s-destroyer-passes-near-chinese-artificial-island-in-south-china-sea-freedom-ofnavigation-operation>.

49. Ashton Carter

50. See Edward Wong, "Xi Again Defends China's Claim to South China Sea Islands," New York Times, November 7, 2015, available at <http://nyti.ms/1WEwMGS>; and Michael S. Schmidt, "In South China Sea Visit, U.S. Defense Chief Flexes Military Muscle," New York Times, April 15, 2016, available at <http://nyti.ms/20HkUSt>.

همچنین مناطق انحصاری اقتصادی مرتبط با این خشکی‌ها برخوردار باشد (در چارچوب حقوق بین‌الملل، تنها جزایر از تمام مزایای این چینی بهره‌مند می‌شوند؛ صخره‌ها دریای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی ندارند؛ جزایری که در خصوص آن‌ها ادعای مالکیت دوباره مطرح است، شامل هیچ کدام از این موارد نمی‌شوند)^{۵۱}. ایالات متحده به اشکال دیگری نیز در منطقه درگیر است. ایالات متحده که اکنون با استفاده از حدود هفت پایگاه خود در فیلیپین نیروها را جابه‌جا می‌کند (در مجموع چهار جزیره مختلف) در بهار سال ۲۰۱۶ با هواپیماهای ای ۱۰ به گشت‌زنی منطقه‌ای در نزدیکی سکاربورو شوال دست زد.^{۵۲}

همان‌طور که اشاره شد، چین نیز در دریای جنوبی گشت‌زنی منطقه‌ای انجام داده و اذعان می‌کند که هدفش عادی کردن این گشت‌زنی‌ها است.^{۵۳} همچنین در سال ۲۰۱۲، نیروهای خود را به موقعیتی هدایت کرده تا کنترل خود را بر سکاربورو شوال و به ضرر فیلیپین تثبیت کند. اما در سال‌های اخیر چین در منطقه به خشونت متوسل نشده است. به شیوه‌های دیگر هم در صدد ممانعت از حرکت کشتی‌ها یا هواپیما در منطقه، جز مناطقی که ادعای مالکیت آن‌ها را دارد، برنیامده و تا به امروز هم در دریای جنوبی چین منطقه شناسایی پدافند هوایی^{۵۴} اعلام نکرده است (متاسفانه سال ۲۰۱۳ در دریای شرقی چین منطقه شناسایی پدافند هوایی اعلام کرده، گرچه به شکل جدی تلاشی برای اعمال آن نکرده است).^{۵۵}

چین تاکنون جزایر دریای جنوبی چین را بیش از حد «نظامی» نکرده است. در سپتامبر ۲۰۱۵ شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، خطاب به باراک اوباما در واشنگتن ابراز داشت

51. Christopher Mirasota, "What Makes an Island? Land Reclamation and the South China Sea Arbitration," Center for Strategic and International Studies, July 15, 2015, available at <https://amti.csis.org/what-makes-an-island-land-reclamation-and-the-south-china-sea-arbitration>.

52. Dan Lamothe, "Why the Pugnacious A-10 is Flying Maritime Patrols over the South China Sea," Washington Post, April 27, 2016, available at <https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/04/27/why-the-pugnacious-a-10-is-flying-maritime-patrols-over-the-south-china-sea>; and Patrick M. Cronin, "Sustaining the Rebalance in Southeast Asia: Challenges and Opportunities Facing the Next Administration," Papers for the Next President, Center for a New American Security, Washington, D.C., May 2016, p. 12.

53. Richard D. Fisher, Jr., "China to Conduct 'Regular Combat Air Patrols' in SCS," Jane's Defence Weekly, July 27, 2016, p. 8.

54. air defense identification zone

55. Jeffrey A. Bader, "A Framework for U.S. Policy toward China," Asia Working Group Paper No. 3, Brookings Institution, Washington, D.C., March 2016, p. 3; and Cris Larano and Jeremy Page, "Beijing Flies Bombers over Disputed South China Sea," Wall Street Journal, August 7, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/philippines-fidel-ramos-leaves-for-china-monday-for-south-china-sea-talks-1470565429>.

که «چین قصد نظامی کردن» جزایر اسپارتلی را ندارد، و همان‌طور که گفتیم به صورت جدی به این مسئله نپرداخته است.^{۵۶} با این حال، این نحوه بیان از اول هم سر بسته و دوپهلوی بود. اما شی جین پینگ آن قدر به ورطه افراط‌گرایی نیفتاده است که بخواهد در این منطقه دست به یک بسیج نظامی جدی یا رقابت تسلیحاتی بزند. به تصور من، وقتی ایالات متحده در منطقه یک ناو گروه هواپیما بر دارد، جنگ‌افزارهای نظامی چین در حال حاضر چندان قابل مقایسه با آمریکا نیستند. چینی‌ها بیشتر بر گشت ساحلی تأکید داشته‌اند تا جنگ‌افزارهای نظامی، یا اینکه از اقدامات دوپهلوی بهره جسته است (مثل ساخت آشیانه هواپیمایی که به احتمال زیاد برای هواپیمای نظامی در نظر گرفته می‌شوند و لزوماً جنگ‌افزار محسوب نمی‌شوند)^{۵۷}. بی‌گمان، وضع موجود چندان مطلوب نظر ایالات متحده نیست، وضع موجودی که ایالات متحده در دریای جنوبی چین، به استثنای نزدیکی کرانه ساحلی چین، برتری و تفوق نظامی متعارف داشته باشد. اما تا به امروز، چین هیچ تلاشی برای تثبیت سلطه نظامی آشکار در هیچ کدام از این مناطق نکرده است که تا اینجای کار از نوعی خویشتن‌داری حکایت دارد؛ و با اینکه قاطعانه به رأی جولای سال ۲۰۱۶ دیوان دائمی بین‌المللی در خصوص دریای جنوبی چین اعتراض کرده است، بعد از صدور رأی خویشتن‌داری به خرج داده و همچنان از اعلام یک منطقه شناسایی پدافند هوایی احتراز کرده و خواهان مذاکره با همه طرفین در منطقه و تداوم گفتگو با ایالات متحده است.^{۵۸}

اگر بخواهیم این پیشینه کلی را یکی از رفتارهای مطلوب چینی‌ها تلقی کنیم، زیاده‌روی کرده‌ایم. اما در مجموع امر، تعاملات ایالات متحده و چین در قبال پیشامدهای منطقه‌ای در آسیای شرقی و غرب اقیانوس آرام تا به امروز در چارچوب مؤلفه‌های ناگفته خاص ولی معنی‌دار قرار گرفته است.

در مجموع، جای تأسف دارد که در بررسی و حلاجی پیشامدهای مرتبط با کره، هیچ پیشرفت قابل توجهی وجود نداشته، اما هنوز هم دیر نشده است. وضعیت تایوان، دست کم

56. Jeremy Page, Carol E. Lee, and Gordon Lubold, "China's President Pledges No Militarization in Disputed Islands," Wall Street Journal, September 25, 2015, available at <http://www.wsj.com/articles/china-completes-runway-on-artificial-island-in-south-china-sea-1443184818>.

57. Alexander Chieh-cheng Huang, "The PLA and Near Seas Maritime Sovereignty Disputes," in Andrew Scobell, Arthur S. Ding, Phillip C. Saunders, and Scott W. Harold, eds., *The People's Liberation Army and Contingency Planning in China* (Washington, D.C.: National Defense University, 2015), pp. 290-295; and David E. Sanger and Rick Gladstone, "New Photos Cast Doubt on China's Vow Not to Militarize Disputed Islands," New York Times, August 8, 2016, available at <http://nyti.ms/2b22bAS>.

58. See David Ignatius, "Is a Bruised China Taking a Timeout?" Washington Post, July 27, 2016, p. A21.

در حال حاضر، آرام تر از یکی دو دهه پیش است. مسأله سن کاکو/دیائو فراز و نشیب داشته، گرچه در هنگام نگارش این گزارش در اواخر سال ۲۰۱۶، اندکی پرتنش تر از یکی دو سال گذشته شده است. وخامت اوضاع در دریای جنوبی چین تا حدی بدتر شده است، اما باز هم اقدامات طرفین مختلف - و مشخصاً چین - (اگر بخواهیم با مسامحه تعریف کنیم) در چارچوب محدودیت‌های بسیار جدی بر نوع رفتاری که جایز و مقبول تصور می‌شود، انجام گرفته است.

ارتباطات، شناسایی و اعتمادسازی

ورای مسائلی که در بالا به آن‌ها پرداخته شد، بسته‌ای نهایی از مسائل امنیتی وجود دارد که برای رابطه ایالات متحده - چین از اهمیت حیاتی برخوردار است. این مسائل در مجموع، دسته‌ای نسبتاً متنوع و گوناگون را تشکیل می‌دهند و با تسامح می‌توان آن‌ها را در زمره تلاش‌های اعتمادسازی، فعالیت‌های شفافیت‌بخش و اقدامات همکاری جویانه قرار داد. با این حال، همه این مسائل رضایت‌بخش نیستند، زیرا روی دیگر بسیاری از مسائل می‌تواند به بی‌اعتمادی، تخاصم یا حتی بحران بیانجامد. برای مثال، فعالیت‌های شناسایی می‌تواند به شفافیت کمک کند، اما در عین حال می‌تواند باعث تنش، بی‌اعتمادی و تقابل نزدیک و خصمانه جنگ‌افزارهای نظامی دو کشور شود. بنابراین، این دسته از موضوعات هم برای کمک به روابط دو کشور و هم ضربه زدن و به خطر انداختن این روابط حائز اهمیت است.

من و استینبرگ درباره چندین تمهید سیاستی بحث کرده‌ایم. از معاهده آسمان‌های باز^{۵۹} دفاع کرده‌ایم که الگوی توافق پیمان ناتو-ورشو در ۲۵ سال قبل را دنبال می‌کند. ما از خطوط ارتباط مستقیم بین واحدهای نظامی دو کشور حمایت کرده‌ایم؛ خواهان پروتکل‌های روشن‌تر در خصوص نحوه عملکرد نظامیان در هنگام نزدیک شدن به یکدیگر شده‌ایم؛ و جهت تلاش‌های مشترک قابل تحقق از قبیل رزمایش مشترک، کمک‌های بشردوستانه، مقابله با دزدی دریایی و مأموریت‌های حفاظت از صلح، نه تنها با ایالات متحده بلکه جامعه بین‌المللی استدلال کرده‌ایم. همچنین گفته‌ایم که ایالات متحده تا جایی که ممکن باشد باید استفاده از جنگ‌افزارهای شناسایی خود را کاهش دهد یا در خصوص نحوه کسب اطلاعات به شیوه‌های

59. The Treaty on Open Skies

معاهده آسمان‌های باز توافقنامه‌ای بین ۳۴ کشور جهان است که در خصوص اجازه پرواز هواپیماهای جاسوسی و تجسسی بر فراز مناطق کشورهای عضو این معاهده است. این معاهده جهت ایجاد درکی متقابل و اطمینان به کشورهای امضاکننده در خصوص کلیه تحرکات و فعالیت‌های نظامی که ممکن است باعث نگرانی آنها شود، ایجاد شده است. معاهده آسمان‌های باز یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌های بین‌المللی برای هرچه شفاف‌تر کردن فعالیت‌های نظامی است.

دیگر خلاقیت به خرج دهد. در خصوص مسأله دوم و آسمان‌های آزاد هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است.

با این حال، در خصوص مسائل دیگر پیشرفت‌هایی وجود داشته است. گام‌های اساسی در زیر خلاصه شده‌اند:

- در سال ۲۰۱۴، چین در جستجو برای هواپیمای گمشده ام.اچ. ۳۷۰ خطوط هوایی مالزی همکاری زیادی داشت. بسیاری از مسافران این پرواز چینی بودند و این انگیزه قدرتمندی برای پکن بود اما رویکرد همکاری جویانه آن مورد توجه و تقدیر دیگر دولت‌های منطقه مانند استرالیا قرار گرفت.^{۶۰}
- چین در افغانستان نیز عموماً نقش مثبتی داشته و به این کشور کمک‌های فراوانی نموده است. در سال‌های اخیر، یک برنامه مساعدت امنیتی محدود را به اجرا در آورده است. البته شاید انگیزه‌های آن کاملاً نوع دوستانه نباشد؛ چین در قلمرو خود درگیر مسئله افراط‌گرایی اسلامی است و در افغانستان جاه‌طلبی‌های اقتصادی دارد که به محیط امنیتی مناسب بستگی دارند. اما در اینجا نکته شایان توجه این است که چین این کمک‌ها را برای کشوری فراهم نموده که دارای روابط امنیتی جاری مستحکم با ایالات متحده و کلاً غرب است. در نتیجه، رغبت چین به همکاری قابل توجه و سازنده است.^{۶۱}
- چین به گسترش نقش خود در مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل تداوم بخشیده است. در حال حاضر نزدیک به ۳ هزار پرسنل نظامی را به ۱۰ مأموریت اعزام داشته که در نسبت با ۲۲۰۰ نفر اعزامی در سال ۲۰۱۴ روندی صعودی را نشان می‌دهد و در بین اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. چین در سال ۲۰۱۵ یک گردان ۷۰۰ نفره را به سودان جنوبی فرستاد و این اولین باری بود که چین تشکیلاتی را به‌عنوان بخشی از یک مأموریت سازمان ملل اعزام می‌کرد. بعلاوه، چین به همکاری خود در مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن نیز ادامه می‌دهد.^{۶۲} مجدداً، این امر از علاقه فراوان چین به ایفای نقشی سازنده در حمایت و ترویج نظم بین‌المللی حکایت دارد.

60. Department of Defense, Government of Australia, "2016 Defence White Paper," Canberra, Australia, 2016, p. 133, available at defence.gov.au/whitepaper.

61. Jessica Donati and Ehsanullah Amiri, "China Offers Afghanistan Army Expanded Military Aid," Wall Street Journal, March 9, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/china-offers-afghanistan-army-expanded-military-aid-1457517153>.

62. Department of Defense, Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, pp. 21-22.

- چین همچنان نگران مداخلات بشر دوستانه‌ای است که گاه‌ا‌گاه کشورهای غربی به آن دست می‌زنند. با این حال، به ویژه هنگامی که رفتارهای کنونی چین را با گذشته مقایسه می‌کنیم، به‌طور مطلق یا جزئی به این مسئله نگاه نمی‌کند. برای نمونه، در رأی‌گیری سال ۲۰۱۱ شورای امنیت سازمان ملل برای اعطای مجوز استفاده از نیروی نظامی برای حفاظت از شهروندان لیبی، چین رأی ممتنع داد و هر چند منتقد نقش ناتو در کمک به سرنگونی معمر قذافی بود، اما در مقایسه با روسیه جار و جنجال بسیار کمتری به‌راه انداخت. علاوه بر این، با توجه به اینکه قدرت‌های غربی مشخصاً دوران پس از قذافی در لیبی را به خوبی مدیریت نکردند، بی‌تردید دلیلی منطقی در این خصوص داشته است.^{۶۳}
- اکنون خط تماس مستقیم نظامی بین دو کشور چین و ایالات متحده برقرار است و دست کم تاکنون پنج مرتبه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این خبر خوبی است و نشان از پیشرفت دارد. گرچه روشن نیست که در بحران بلافاصله مورد استفاده قرار خواهند گرفت یا نه. بنابراین، همان‌طور که پنج پژوهشگر مرکز امنیت نوین آمریکا^{۶۴} عنوان می‌کنند، دو طرف ممکن است بخواهند با استفاده از خط مستقیم، در طول دورانی سخت در روابطشان (حتی اگر بحرانی جدی در کار نباشد)، سعی در «آزمون تنش»^{۶۵} این خط داشته باشند.^{۶۶}
- معاملات نظامی بین دو کشور پر رونق هستند. گزارشی رسمی از تمامی انواع ارتباطات نظامی در سال ۲۰۱۵، بیست و شش دیدار بین مقامات دو کشور در این رابطه را فهرست می‌کند.^{۶۷}
- چین در تابستان سال ۲۰۱۶، مجدداً برای دومین مرتبه در رزمایش «حاشیه اقیانوس آرام»^{۶۸} شرکت کرد (اولین حضور این کشور در سال ۲۰۱۴ بود). چین لشکری نسبتاً بزرگ با محوریت پنج کشتی به تلاشی چند هفته‌ای فرستاد که شامل شبیه‌سازی‌های جستجو و نجات و دیگر فعالیت‌های مشترک بین بیش از بیست ارتش از جمله ارتش ایالات متحده بود.^{۶۹}

63. Jonas Parelo-Plesner and Mathieu Duchatel, *China's Strong Arm: Protecting Citizens and Assets Abroad* (London: International Institute for Strategic Studies, 2015), pp. 114-116.

64. the Center for a New American Security

65. Stress Test

66. Ratner, Colby, Erickson, Hosford, and Sullivan, *More Willing and Able*, p. 47.

67. Department of Defense, *Military and Security Developments Involving the People's Republic of China*, 2016, pp. 103-104.

۶۸. بزرگ‌ترین مانور دریایی که از سال ۱۹۷۱ هر ساله و از سال ۱۹۷۴ هر دو سال یک بار توسط نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام برگزار می‌شود. (م)

69. Vago Muradian, "Interview: U.S. Navy's Admiral Jon Greenert," *Defense News*, August 31, 2015, available at <http://defnews.ly/1EvSqEY>.

● چین به تدریج در حال بهبود عملکرد خود در مسائل مربوط به عدم‌اشاعه تسلیحات کشتار جمعی بوده است. اخیراً با محدود ساختن خرید نفت خود از ایران، در اعمال تحریم‌ها بر این کشور همکاری کرده و به ایجاد شرایط منتهی به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) کمک کرد.

● در برخی حوزه‌های خاص و مشخص امنیت دریایی و به‌ویژه حوزه‌های مربوط به نیروهای دریای چین و ایالات متحده، پیشرفت‌های مختلفی وجود داشته است. در نوامبر سال ۲۰۱۴، دستورالعمل تقابل‌های برنامه‌ریزی نشده در دریا^{۷۰} تدوین شد (دستورالعمل درباره اطلاع در خصوص رزمایش‌های نظامی بزرگ هم بود). به گفته دریاسالار جاناتان گرینرت^{۷۱}، فرمانده پیشین عملیات‌های دریایی، در ماه‌های بعد از تدوین این دستورالعمل، از چهار برخورد نزدیک، سه مورد آن به نحوی حرف‌های و مطابق با دستورالعمل مورد توافق کنترل شد. این پیشرفت باید تقویت شود و دامنه آن به حوزه‌های گارد ساحلی و کشتی‌های ارتش آزادی‌بخش خلق چین (کل نیروی دریایی چین) و کشورهای دیگر هم گسترش یابد، این الگویی مطلوب است و نتایج اولیه آن دلگرم‌کننده هستند.^{۷۲} در سال ۲۰۱۵، این توافق به رویارویی‌های هوایی هم بسط داده شد.^{۷۳} هنوز شاهد برخوردهای گاه و بی‌گاه خطرناکی هستیم، اما به گفته ادمیرال هری هریس در مصاحبه آگوست سال ۲۰۱۶ با وال استریت ژورنال، معمولاً «افسران دون‌پایه نیروی هوایی» باعث این برخوردها هستند و «رهبری چین دستوری مبنی بر انجام عملی خطرناک در هوا را نمی‌دهد»^{۷۴} البته همه چیز هم بر وفق مراد نیست. از یک سو، ایالات متحده برخی از نقش‌های کلان‌تر نظامی بین‌المللی چین را مثبت تلقی می‌کند اما از جانب دیگر، جنبه‌های منفی نیز برای آن قائل است. چین در خارج از مرزهای خود تسلیحات زیادی می‌فروشد که گاهی این معاملات متوجه دولت‌های خطرناک است. مجموع این صادرات از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۴ بیش از دو برابر صادرات در دوره پنج سال پیش از آن بوده است. چین در پوشش مقابله با دزدی دریایی،

70. The Code for Unplanned Encounters at Sea

71. Jonathan Greenert

72. Vago Muradian, "Interview: U.S. Navy's Admiral Jon Greenert," Defense News, August 31, 2015, available at <http://defnews.ly/1EvSqEY>.

73. Department of Defense, Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, pp. 124-132.

74. David Feith, "A Pacific Admiral Takes China's Measure," Wall Street Journal, August 7, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/a-pacific-admiral-takes-chinas-measure-1470436129>.

زیردریایی‌های خود را به اقیانوس هند می‌فرستد، اما به احتمال زیاد درصدد افزایش آشنایی خود با منطقه و با هدف شناسایی است.^{۷۵} همچنین بیش از گذشته به برگزاری رزمایش با ارتش‌های کشورهای دیگر می‌پردازد، ۳۱ رزمایش در سال ۲۰۱۴ در مقابل میانگین دهه گذشته قرار می‌گیرد که سالانه حدود ۷ رزمایش بود.^{۷۶} نقش‌های این چنین کلان‌تر لزوماً بد نیستند و به هر حال مستلزم آمادگی مناسب هستند. در هنگام ارزیابی پیشرفت در راستای برنامه کاری که من و استینبرگ در کتاب «اطمینان خاطر مجدد و اراده استراتژیک» بسط و گسترش داده‌ایم، این نقش‌ها نه حسن محسوب می‌شوند و نه عیب.

در بحث نظارت، هیچ بهبودی در نحوه تعامل این دو کشور در آنچه فرایندی عمدتاً رقابتی است، سراغ ندارم. در اینجا هدف حذف جنبه رقابتی نیست، بلکه مقصود کنترل و مدیریت آن‌ها است. تصور می‌شود که چین در فکر سیستم حس‌گرهای زیر آب^{۷۷} در دریای جنوبی چین باشد؛ این سیستم، تقلیدی از سیستم‌های قدیمی نظارتی آمریکا در دوران جنگ سرد است (که ناوگان دریایی شوروی را زیر نظر داشت)، و احتمالاً تصمیم چینی‌ها در این باره اجتناب‌ناپذیر است.^{۷۸} بعلاوه، به نظر می‌رسد که چین در حال به راه انداختن عملیات نظارت در جاهایی مانند استرالیا و جیبوتی است، اما کنی که نیروهای نظامی ایالات متحده حضور دارند، و به احتمال زیاد چینی‌ها مقاصد شناسایی را دنبال می‌کند. در نهایت، به نظر می‌رسد که چین در جیبوتی مشغول ساخت پایگاه دریایی باشد.^{۷۹}

75. Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, p. 22; and Ely Ratner, Elbridge Colby, Andrew Erickson, Zachary Hosford, and Alexander Sullivan, *More Willing and Able: Charting China's International Security Activism* (Washington, D.C.: Center for a New American Security, 2015), p. 22.

76. Oriana Skylar Mastro, "The Vulnerability of Rising Powers: The Logic Behind China's Low Military Transparency," *Asian Security*, vol. 12, no. 2 (May-August 2016), p. 72.

77. system of underwater sensors

شبکه‌های حسگر بی‌سیم زیر آب گونه‌ای از شبکه‌های حسگر هستند که در محیط زیر آب قرار می‌گیرند و توسط امواج صوتی با یکدیگر ارتباط دارند. شبکه‌های حسگر بی‌سیم در زیر آب برای مقاصدی چون جمع‌آوری داده‌ای کف آب، نظارت بر آلودگی آب‌ها، نظارت بر محیط ساحل، ناوبری و کاربردهای نظامی نظارت بر محیط به کار برده می‌شوند.

78. Richard D. Fisher, Jr., "China Proposes 'Underwater Great Wall,'" *Jane's Defence Weekly*, May 25, 2016, p. 6.

79. Jane Perlez, "U.S. Casts Wary Eye on Australian Port Leased by Chinese," *New York Times*, March 20, 2016, available at <http://nyti.ms/1R8Jx>; and Jeremy Page, "China Builds First Overseas Military Outpost," *Wall Street Journal*, August 20, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/china-builds-first-overseas-military-outpost-1471622690>.

علی‌رغم آنچه گفته شد، همکاری نظامی و اعتمادسازی آینده خوبی را نوید می‌دهد. هنگامی که اعصاب‌ها خرد شده و تنش‌ها هم در پکن و هم واشنگتن اغلب محسوس و ملموس می‌شود، لازم است که این نشانه‌های امیدبخش را کاملاً در ذهن داشت و تقویت کرد. از جمله نکات نهایی مرتبط با این موضوع، حتی اگر از موضوع کمی متمایز به نظر بیاید، حمایت آمریکا از اصلاحات سیاسی در چین است. واشنگتن حمایت از حقوق بشر، حقوق سیاسی، آزادی‌های مذهبی و کلاً آزادی بیشتر در جمهوری خلق چین و همچنین برخورد برابر و عادلانه در قبال منافع اقتصادی شرکت‌ها و افراد آمریکایی که در چین حضور دارند یا با این کشور تجارت می‌کنند را حق خود می‌داند. با این حال، این تمایلات ایالات متحده می‌تواند باعث ترس شی‌جین‌پینگ از این مسأله شود که ایالات متحده طرفدار آشوب و ناآرامی سیاسی در چین و شاید شکل آسیای شرقی انقلاب‌های رنگی است. برخی از نگرانی‌های چینی‌ها چاره‌ناپذیر و همیشگی هستند. از نقطه نظر آمریکایی‌ها اگر حد و حدود برخی از این خواسته‌ها حفظ شود، می‌تواند حتی مطلوب بوده و رهبران چین را به اصلاحات بیشتر سوق دهد؛ اما واشنگتن باید تأکید کند که درصدد حمایت از انقلاب یا آشوب در چین نیست و پیشرفت‌های چشمگیر چین در دهه‌های اخیر را ارج نهاده و تحسین می‌کند. چنین اظهاراتی مشکل را حل نخواهند کرد، اما می‌توانند به حصول این اطمینان خاطر کمک کنند که مشکل تشدید و از کنترل خارج نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

این مسأله امری تقریباً رایج شده، اگر نگویم به تصویری عمومی بدل شده، که رابطه ایالات متحده - چین در مسیر نامطلوبی قرار گرفته است. برخی در ایالات متحده باراک اوباما را سرزنش می‌کنند که در تعامل با چین قاطعیت لازم را از خود نشان نداده است؛ اکثر آمریکایی‌ها صرف نظر از اینکه منتقد اوباما باشند یا نه، همه تقصیرات را به گردن چین می‌اندازند. در مقابل، اکثر چینی‌ها احتمالاً در گرایش آمریکا به قاطعیت و جسارت و رفتار هژمونیک، تفاوت چندانی بین رؤسای جمهور اخیر این کشور نمی‌بینند و ممکن است حتی این به اصطلاح برقراری توازن دوباره را گواهی بر یک رویکرد جنگ طلبانه‌تر تصور کنند و آن را گاهی همان سیاست مهار تصور نمایند. با وجود همه تنش‌های اخیر بر سر سن کاکو/دیائو و دریای جنوبی چین - و مناقشات سایبری، مسائل شبه جزیره کره و دفاع موشکی - بسیاری کاملاً نگران دلوپس روندهای رابطه امنیتی دو کشور هستند.

تحلیل من از چشم اندازی متفاوت تر و تاحدی امیدوارکننده تر حکایت دارد. بی شک، نگرانی موجه و به حق است و در بسیاری از جبهه ها مستلزم همکاری است. اما با توجه به هنجارهای تاریخ در دوره های تغییر هژمونیک، تعاملات ایالات متحده و جمهوری خلق چین تا به امروز به نحو معقولی تحت کنترل و مهار شده، بوده است. علاوه بر این، گام ها و تلاش های مثبتی هم صورت گرفته اند. هنوز کارهای بسیاری باید انجام بگیرد و خطرات و دشواری های زیادی وجود دارند که باید از آنها پرهیز کرد و الگوهای رفتاری کنونی مستلزم بهبود و اصلاح هستند. اما نقاط مثبت بسیاری هم وجود دارند که باید تقویت شوند.

نہی پیمان تاریخ یک تلقی بدیل چینی از نظم بین المللی؟

ندین گودھارت

مؤسسہ امور بین الملل و حوزہ امنیت آلمان

مسائل و پیشنهادها

شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین طی سه سال گذشته تقریباً از هر فرصتی برای اعلام طرح‌های خود در حوزه سیاست خارجی استفاده کرده است. مهم‌تر از همه، وی با هدف احیای کشور چین طرح موسوم به «رؤیای چین»^۱ را به عنوان هدف اصلی برنامه سیاسی خود معرفی کرده است. همچنین آقای شی، روابط با آمریکا و روسیه را به عنوان «نوع جدیدی از روابط میان قدرت‌های بزرگ» تعریف کرده است که احترام متقابل و توجه به منافع ملی طرف مقابل باید شالوده اصلی آن را تشکیل دهد. وی همچنین بر اهمیت کشورهای همسایه چین تأکید کرده، از ضرورت شکل‌گیری مفهوم تازه‌ای از امنیت در آسیا سخن گفته و طرح موسوم به «یک کمربند یک جاده»^۲ (OBOR) را کلید زده است. در میان تمامی این طرح‌ها، طرح «یک کمربند یک جاده» جایگاه متمایزی دارد. این طرح با فاصله بسیاری از سایر طرح‌ها، فراگیرترین و مشهودترین ابتکار عمل چین در سه سال گذشته به شمار می‌رود. طرح یک کمربند یک جاده نه تنها جایگزین مفهوم «جامعه-جهان هماهنگ»^۳ می‌شود، بلکه ابزار اصلی آقای شی در جهت تحقق طرح «رؤیای چین» و تبدیل مجدد این کشور به یک ابرقدرت به شمار می‌رود. بنابراین طرح یک کمربند یک جاده به طور بالقوه می‌تواند ضمن تبدیل شدن به مفهومی جایگزین نشان دهد که چگونه عرصه مشترک سیاست بین‌الملل را می‌توان در آینده سامان داد. بدین ترتیب، این طرح دورنمای غرب از نظام بین‌الملل را به چالش گرفته و می‌تواند عملاً به متحول شدن ساختار کنونی حاکم بر نظم بین‌الملل منجر شود.

1. China dream

2. One Belt, One Road

3. harmonious society/world

از همین رو، ارائه تصویری از طرح یک کمربند یک جاده در یک چارچوب گسترده‌تر بسیار ضروری است. اما لازم است به جای تمرکز صرف بر سازوکارهای خاص مرتبط با این طرح، مانند بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا^۴ (AIIB) به ارائه یک رویکرد تحلیلی جامع در قبال این طرح پرداخت. اما پیش از انجام این کار ارائه شرح مختصری پیرامون سه چالش عمده نظم جاری بین‌الملل یعنی ضعف دموکراسی، رقابت ایدئولوژی‌های مختلف و افزایش نقش شیوه‌های عمل روزمره در عرصه سیاست بین‌الملل و به تبع آن افزایش قدرت چانه‌زنی چین و سایر بازیگران به منظور ارائه تعاریف تازه‌ای از نظم بین‌الملل، منطقی خواهد بود.

طرح یک کمربند یک جاده چین را می‌توان در یک کلام به عنوان دورنمایی برای تشکیل یک شبکه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراگیر به شمار آورد که با هدف تقویت ارتباط و همکاری میان کشورها، مناطق و شهرهای واقع در مسیر جاده ابریشم طراحی شده است. علاوه بر این، طرح یک کمربند یک جاده، طرحی انعطاف‌پذیر، فراگیر و باز است. گستره جغرافیایی این طرح هنوز مشخص نیست و رهبران چین نیز هنوز نقشه رسمی آن را منتشر نکرده‌اند. بنابراین تمامی علاقه‌مندان به این طرح یا هر یک از نهادهایی که در این طرح پیش‌بینی شده‌اند می‌توانند بخشی از آن باشند. خود طرح یک کمربند یک جاده نه یک مؤسسه یا سازمان، بلکه یک شبکه است. این طرح در بردارنده مؤسسات و سازوکارهای متعدد مختلفی است و حتی روابط دو جانبه چین نیز به شکل فزاینده‌ای با آن پیوند یافته‌اند. بنابراین مجاری مالی تازه تأسیس مانند بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا یا صندوق جاده ابریشم^۵ و نیز سازوکارهای چندجانبه کنونی (گروه بریکس متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی یا سازمان همکاری‌های شانگهای) اکنون به عنوان بخشی از طرح یک کمربند یک جاده تلقی می‌شوند. بدین ترتیب در شبکه یک کمربند یک جاده امکان همکاری میان تمامی انواع بازیگران و در چارچوب‌های مختلف متعدد وجود دارد.

اما خطر اصلی برای کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا، تمرکز برخی انواع سازوکارها یا حتی پروژه‌های خاص در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده است. این مسئله می‌تواند موضع بازیگران چینی را مثلاً در قرار دادن هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برابر کل این اتحادیه و یا قرار دادن اتحادیه اروپا در برابر نهادهایی مانند مجمع اروپای مرکزی و شرقی با استفاده از سازوکار موسوم به چین (۱۶+۱) تقویت کند. تمرکز صرف بر بخش‌های

4. Asia Infrastructure Investment Bank

5. Silk Road Fund

خاصی از طرح یک کمربند یک جاده موجب پنهان ماندن این واقعیت می‌شود که بخش عمده این پروژه‌ها، سازوکارها و منابع مالی بخشی از دورنمای یک شبکه فراگیر هستند که به طور بالقوه می‌تواند در سرتاسر جهان گسترش یابد.

از همین رو کشورهای اروپایی -به ویژه وزارتخانه‌های امور خارجه این کشورها- باید در وهله نخست به گردآوری و توزیع اطلاعات در مورد تمامی فعالیت‌های چین در کشورهای متبوع‌شان در ارتباط با طرح یک کمربند یک جاده پردازند. بدین ترتیب این کشورها با سهولت بسیار بیشتری می‌توانند به شکل فعالانه مشخص کنند که در چه حوزه‌هایی خواستار همکاری با چین هستند و در چه حوزه‌هایی حاضر به همکاری با این کشور نیستند. ثانیاً بستر تازه تأسیس ایجاد پیوستگی متقابل میان اعضای اتحادیه اروپا نباید صرفاً به عنوان بستری برای تعریف پروژه‌های زیربنایی مشترک مورد استفاده قرار گیرد، بلکه این مرکز باید به مرکز اصلی هماهنگ‌سازی تمامی فعالیت‌های بازیگران چینی در پیوند با طرح یک کمربند یک جاده در حوزه اتحادیه اروپا تبدیل شود.

سه چالش فراروی نظم بین‌الملل

کارشناسان و سیاست‌گذاران در شرایط بحران با رخدادهای سیاسی جدید، حجم بسیار انبوهی از داده‌ها در مورد وقوع این رخدادهای در سرتاسر جهان و نیز سرعت بسیار بالا و در عین حال غیرقابل کنترل انتشار اطلاعات مواجه می‌شوند. مقاطع بحران رخدادهایی هستند که بازیگران را به ابراز فوری تفسیرها و گزینه‌های خود در میدان عمل وامی‌دارند. بدین ترتیب، بحران‌ها لحظاتی از جابجایی و اتخاذ تصمیمات هستند که در آن‌ها اصول، ارزش‌ها و تفسیرهای سیاسی بازیگران به چالش گرفته می‌شوند و در عین حال ضرورت بازآفرینی آن‌ها نیز به شدت مطرح می‌شود.^۶

بحران‌های پرشمار بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی سال‌های اخیر نقاط ضعف نظم بین‌المللی موجود را به عنوان نمونه در زمینه قابلیت حکمرانی نهادهای جهانی، چالش‌های فراروی قدرت‌های بزرگ در بازتاب دادن قدرت خود در قالب پیامدهای مشخص یا تلاش فزاینده برای حفظ انسجام ملی آشکار کرده‌اند. علاوه بر این، تمرکز دولت‌های اروپایی بر مدیریت بحران‌های حاد غالباً مانع از طرح مباحثی پیرامون چالش بنیادی‌تر یعنی ارائه تعاریف بدیل

6. See Hillis Miller, "‘Taking Up a Task’: Moments of Decision in Ernesto Laclau’s Thought", in Laclau: A Critical Reader, ed. Simon Critchley and Oliver Marchart (London and New York: Routledge, 2004), 26-217.

از مفهوم نظم بین‌المللی از سوی سایر بازیگران غیر غربی، غیردولتی و ... شده است. بنابراین بحث و گفتگوی مجدد جامع‌تر پیرامون پرسش‌هایی از این قبیل که «نظم بین‌الملل چیست» ضروری است. به هر حال، آرای متعدد و گوناگونی در مورد نحوه سازمان‌دهی عرصه سیاست بین‌المللی وجود دارد. بنابراین، تأمل جدی پیرامون این پرسش که چه تعاریف بدیلی از مفهوم نظم وجود دارند و این تعاریف چگونه می‌توانند نظم موجود، ارزش‌ها و موازین آن را به چالش بگیرند، بسیار حیاتی است.

اما پیش از این که نشان دهیم طرح یک کمر بند یک جاده را چگونه می‌توان به عنوان یک تعریف بدیل از سوی چین برای مفهوم نظم بین‌الملل تلقی کرد، نخست سه چالش کلیدی فراروی ساختار کنونی نظم جهانی یعنی ضعف دموکراسی، رقابت ایدئولوژی‌ها و نقش فزاینده کردو کارهای روزمره در عرصه سیاست بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این چالش‌ها قدرت بازیگرانی مانند چین را جهت ترویج نظر خود پیرامون مفهوم نظم جهانی افزایش می‌دهند.

ضعف دموکراسی

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هیجان پیروزی نهایی غرب در این ادعای مشهور فرانسیس فوکویاما بازتاب یافت که «آنچه ممکن است شاهد آن باشیم نه پایان دوران جنگ سرد یا پایان دوره خاصی از تاریخ جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ به معنای واقعی آن یعنی نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک نوع بشر و جهانی شدن لیبرال دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی حکومت‌های بشری است».^۷ اما با گذشت تقریباً سه دهه، این اعتماد به نفس تقریباً مفرط غرب جای خود را به نقطه مقابل آن داده است. پایان تاریخ و به ویژه پایان ایدئولوژی‌های متضاد محقق نشده است.^۸ امروزه این نکته به وضوح آشکار شده است که حکومت‌های لیبرال دموکراسی تنها یکی از شیوه‌های سامان‌دهی همزیستی انسان‌ها در کنار یکدیگر هستند و این حکومت‌ها نیز همواره به واسطه بحران‌های بیرونی و به همان اندازه تهدیدات داخلی به چالش گرفته می‌شوند. از این جنبه، بحران‌های گوناگون پر شمار سال‌های اخیر (یونان، روسیه-اوکراین، بحران پناهجویان، معضل گروه موسوم به دولت اسلامی، جنبش‌های اشغال و ...) نشان‌دهنده آسیب‌پذیری حکومت‌های دمکراتیک ما هستند.

7. Francis Fukuyama, "The End of History", The National Interest (1989): 1.

8. See Oliver Lembcke, "Kein Ende in Sicht. Zur Rolle der Ideologie in der Politik - aus Sicht der Politischen Theorie", Zeitschrift für Politikwissenschaft 24, no. 1-2 (2014): 149-61.

این ضعف آشکار دموکراسی موضوع مصاحبه جیوانا بورادوری^۹ با یورگن هابرماس و ژاک دریدا، اندکی پس از حملات یازده سپتامبر نیز بوده است.^{۱۰} دریدا در بحث پیرامون تأثیر این حملات تروریستی بر زندگی، سیاست، و جوامع ما بر پدیده «خودایمنی دمکراتیک»^{۱۱} تأکید داشت که ناظر بر یکی از ضعف‌های مشخص لیبرال دموکراسی است. مفهوم خودایمنی مفهومی مرتبط با علوم پزشکی است. این مفهوم بیان‌گر نوعی سوء کارکرد سیستم ایمنی بدن است. معمولاً سیستم ایمنی بدن یک انسان سالم در برابر مواد بیرونی از خود واکنش نشان می‌دهد اما به خود بدن حمله نمی‌کند. اما زمانی که سیستم ایمنی به سلول‌ها و بافت‌های خود بدن حمله می‌کند، بیماری خودایمنی به وجود می‌آید.^{۱۲} دریدا از این مفهوم در بستر سیاسی برای بیان این دیدگاه استفاده می‌کند که نظام‌های دمکراتیک امکان نابودی و شکست خود را در درون ساختارهای خود دارند. طبق این منطق خودایمنی، حکومت‌های دمکراتیک «غالباً مولد، ابداع‌کننده و تغذیه‌کننده همان هیولایی هستند که ادعای غلبه بر آن را دارند».^{۱۳}

این نکته ما را به دو نقطه ضعف عمده لیبرال دموکراسی رهنمون می‌شود: اولاً باز بودن به عنوان یکی از مؤلفه‌های ضروری دموکراسی آن را در معرض خطر قرار می‌دهد^{۱۴} و ثانیاً حکومت‌های برخوردار از مشروعیت دمکراتیک ممکن است در مواجهه با بحران‌های داخلی یا خارجی در حوزه سیاسی تصمیماتی اتخاذ کنند که با اصول و ارزش‌های بنیادین دمکراتیک ناسازگار باشند. به دیگر سخن، حکومت‌های دمکراتیک گاه برای صیانت از دموکراسی در

9. Giovanna Borradori

10. Jurgen Habermas and Jacques Derrida, *Philosophy in a Time of Terror. Dialogues with Jurgen Habermas and Jacques Derrida*, ed. by Giovanna Borradori (Chicago: University of Chicago Press, 2003).

11. democratic autoimmunity

12. See "Autoimmunity", *Nature Insight* 435, no. 7042 (2005), <http://www.nature.com/nature/journal/v435/n7042/pdf/435583a.pdf> (accessed 31 August 2015).

۱۳. دریدا در اینجا عمدتاً بر سیاست آمریکا پیش و پس از حملات یازده سپتامبر تمرکز دارد.

Habermas and Derrida, *Philosophy in a Time of Terror* (see note 12), 99.

۱۴. موف در این باره می‌نویسد: «ما از یک سو با سنت لیبرال روبرو هستیم که از حکومت قانون، صیانت از حقوق بشر و احترام به آزادی فردی تشکیل شده است و از سوی دیگر با سنت دمکراتیکی که برابری، و همسانی میان حاکم و شهروندان در امر حاکمیت عمومی مفاهیم اصلی آن به شمار می‌روند».

Chantal Mouffe, *The Democratic Paradox* (London: Verso, 2005), 2-3.

نمونه ساده این پدیده را می‌توان در مواردی مشاهده کرد که شهرهای دمکراتیکی مانند لندن، پاریس یا بروکسل به محل آموزش تروریست‌ها تبدیل می‌شوند و یا جوانانی که در نظام‌های دمکراتیک عمدتاً غیرمسلمان پرورش یافته‌اند ناگهان تصمیم به حمایت از داعش می‌گیرند. همچنین ممکن است همین باز بودن انتحاری فضای سیاسی به یک حزب مخالف دموکراسی امکان دهد تا از طریق انتخابات مشروع به قدرت برسد.

Habermas and Derrida, *Philosophy in a Time of Terror* (see note 12), 101.

برابر دشمنان آن به شیوه‌هایی متوسل می‌شوند که دموکراتیک نیستند. جورجو آگامبن^{۱۵} در بحث پیرامون مفهوم «وضعیت استثنایی» بر این جنبه خاص انگشت می‌گذارد.^{۱۶} آگامبن در اینجا از تعریف مشهور کارل اشمیت^{۱۷} از مفهوم حق حاکمیت بهره می‌گیرد که ناظر بر قدرت تصمیم‌گیری در مورد وضعیت استثنایی است. بدین ترتیب، در وضعیت‌های استثنایی یا اضطراری، حکومت مجاز است برای اعمال حق حفظ بقای خود اجرای قانون را معلق کند.^{۱۸} آگامبن وضعیت استثنایی را به عنوان «ساختار اصلی» تلقی می‌کند «که در آن قانون موجودات زنده را به واسطه تعلیق خود دربر می‌گیرد».^{۱۹} مفهوم خودایمنی دموکراتیک در پدید آمدن نظر آگامبن در باب وضعیت استثنایی، بازتاب‌دهنده مؤلفه‌های ساختاری دموکراسی هستند. اما این مؤلفه‌ها ممکن است در شرایط بحرانی به نقاط ضعف دموکراسی بدل شوند. که البته در این صورت از دید طرف‌های بیرونی مانند چین نیز پنهان نخواهند ماند.

رقابت ایدئولوژی‌ها: پیچیدگی افقی جهان

تلقی اروپامرکز^{۲۰} از نظم جهانی به مدت حدود ۲۰۰ سال نحوه درک ما از عرصه سیاست بین‌الملل را شکل داده است. در جو حاکم بر قرون هجدهم و نوزدهم میلادی، اندیشمندان اروپایی هویتی اروپایی را «در برابر بقیه» شکل دادند. ایده برتری اروپایی‌ها و عادت‌واره^{۲۱} توسعه قلمرو در کنار هم رشد کردند و پدیده‌ای را به وجود آوردند که جان ام هابسون^{۲۲} آن را با عنوان «مرزی ساختگی از آپارتاید تمدنی که به شکلی بنیادین میان شرق و غرب جدایی و شکاف ایجاد می‌کرد»^{۲۳} توصیف کرده است. با این حال، صرف ابداع یک جهان‌بینی اروپامرکز چندان هم یک ویژگی اختصاصی نیست (تمامی امپراطوری‌های بزرگ یک جهان‌بینی خاص و مسلط را با مرکزیت خود پدید آورده‌اند). اما آنچه به شکلی غیرقابل

15. Giorgio Agamben

16. Giorgio Agamben, *State of Exception* (Chicago and London: University of Chicago Press, 2005).

17. Carl Schmitt

18. Carl Schmitt, *Politische Theologie. Vier Kapitel zur Lehre von der Souveranität* [1922], 8. ed. (Berlin: Duncker & Humblot, 2004), 18-19.

19. Agamben, *State of Exception* (see note 18), 3.

20. Eurocentric

21. praxis

22. John M. Hobson

23. See John M. Hobson, "Is Critical Theory Always for the White West and for Western Imperialism? Beyond Westphalia towards a Post-Racist Critical IR", *Review of International Studies* 33, no. SI (2007): 94.

اجتناب اروپامرکزی را از سایر مکاتب فکری متمایز می‌کند این واقعیت است که ایده‌های منبعث از این طرز فکر حداقل از قرن نوزدهم به این سو بر تمامی حوزه‌های علمی، سیاسی، سرزمینی و ... سایه افکنده‌اند. در نتیجه و با وجود آن که کشورهای بسیاری تصاویر، نقشه‌ها یا تعاریفی از جهان ارائه کردند و این دیدگاه‌های متفاوت برای مدت زمانی طولانی در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دادند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشتند، اما همچنان شرایط همان است که وایگن و لویس^{۲۴} توصیف کرده‌اند: «با پیروزی امپریالیسم اروپا، دیدگاه معاصر اروپاییان در باب تقسیمات جهان، پذیرشی تقریباً جهان‌شمول یافت».^{۲۵}

در دو دهه اخیر، تعریف اروپامرکز از مفهوم نظم جهانی، آشکارا و به واسطه طیف متنوعی از بازیگران نوظهور به چالش گرفته شده است و این بازیگران به شکلی فزاینده قدرت‌های سنتی را به توجه جدی به خواسته‌های خود وادار می‌کنند. این بازیگران، کشورهایی مانند برزیل، هند، چین و ترکیه هستند که به تنهایی یا در کنار هم (مثلاً در قالب گروه بریکس) صدای خود را بلند کرده دیدگاه‌های خود را پیرامون ساختار آینده نظم جهانی یا بخش‌هایی از این ساختار مطرح می‌نمایند. بدین ترتیب، این بازیگران دیگر صرفاً مفعول نیستند و خود به فاعلان عرصه سیاست بین‌الملل تبدیل شده‌اند.^{۲۶} علاوه بر این، شمار فزاینده بازیگران قدرتمند غیرحکومتی، گروه‌های فراملی و بازیگران جهانی، چالش دیگری را در برابر اصول، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر نظم جهانی کنونی قرار داده است.^{۲۷}

بدین ترتیب جهان صرفاً به این معنا که مقدار ثابتی از منابع قدرت یا ظرفیت‌های موجود در میان بیش از دو کشور توزیع شود و بر مبنای این منطق نئورئالیستی شمار بیشتری از کشورها برای ایفای نقش رهبری در نظام بین‌الملل با یکدیگر وارد رقابت شوند، چندقطبی نشده است. در واقع پیچیدگی افقی جهان در وهله نخست ناظر بر تنوع تازه‌ای از بازیگران است که

24. Wigen and Lewis

25. See Martin W. Lewis and Karen, *The Myth of Continents. A Critique of Metageography* (Berkeley et al.: University of California Press, 1997), 33.

این مسئله علاوه بر تقسیمات منطقه‌ای جهان، ظهور موسسات منطقه‌ای بین‌المللی و نیز تثبیت جایگاه نهاد دولت-ملت برخاسته از پیمان و ستفالتا به عنوان مهم‌ترین واحد در عرصه سیاسی را نیز دربر می‌گیرد.

26. Kishore Mahbubani, *The New Asian Hemisphere: The Irresistible Shift of Global Power to The East* (New York: Public Affairs, 2008).

۲۷. به عنوان نمونه می‌توان به قدرت غیرقابل پیش‌بینی شرکت‌هایی مانند گوگل اشاره کرد که در کنار برخی دیگر از شرکت‌ها به دنبال شهرسازی در کشورهای در حال توسعه است.

See MarkLutter, "Google's Utopia: The Tech Giant Plans to Build Cities, Experiment with Social Rules", *Financial Review*, 24 April 2015, <http://www.afr.com/technology/googles-utopia-the-tech-giant-plans-to-build-cities-experiment-with-social-rules-20150421-impmlu> (accessed 31 August 2015).

می‌کوشند از زوایای کاملاً متفاوت و نه صرفاً در سطح حکومت‌ها بر فضای گفتمان سیاسی مسلط شوند. ثانیاً این پیچیدگی در قالب رقابت میان دیدگاه‌ها/مکاتب فکری در پیوند با نظم جهانی و در کی چندوجهی از مفهوم قدرت نیز بازتاب یافته است. چنان که موف نیز به درستی تأکید می‌کند، «باید اذعان کنیم که جهان ماهیتی متکثر است و نیز باید درک کنیم که پذیرش تنوع اشکال سیاسی سازمان‌دهی بیش از تحمیل یک الگوی جهان‌شمول به استقرار صلح و ثبات کمک خواهد کرد».^{۲۸} قدرت دیگر به مثابه توزیع صرف ظرفیت‌ها تعریف نمی‌شود و پرسش درباب چیستی قدرت دیگر به اندازه این پرسش که قدرت چه می‌تواند بکند حائز اهمیت نیست.^{۲۹}

کنش‌های هرروزه در عرصه سیاست بین‌الملل: پیچیدگی عمومی جهان

علاوه بر پیچیدگی افقی جهان یعنی تنوع تازه بازیگران و تحولات نوین در حوزه قدرت که بازتاب‌دهنده رقابت میان ایده‌ها/مکاتب فکری بر سر تعیین ساختار آینده نظم جهانی هستند، پدیده‌هایی مانند جنبش‌های اعتراضی، مهاجرت‌های فراملی، بازگشت عناصر جهادی به کشورهای مبدأ، سیل پناهجویان و دیجیتالی شدن جامعه، نشانگر افزایش چالش‌های عمودی در برابر نظم بین‌الملل هستند. این پدیده‌ها نشان می‌دهند که عرصه سیاست بین‌الملل دیگر محدود به روابط سنتی میان دولت‌ها که در آن نهاد دولت-ملت برخاسته از پیمان و ستفالیاً همچنان عرصه وقوع تحولات سیاسی است، نخواهد بود. همچنین این پدیده‌ها مرزهای میان سطوح مختلف سیاسی (ملی، منطقه‌ای و جهانی) و نیز مرزبندی روشن میان شیوه‌های مورد استفاده در عرصه سیاست داخلی و خارجی را تهدید می‌کنند. بدین ترتیب، این پدیده‌ها فضاها و شیوه‌های بدیلی برای ابراز موجودیت سیاسی را باز می‌کنند که مرزبندی‌های سنتی لایه‌های مختلف سیاست بین‌الملل را پشت سر می‌گذارند. به عنوان نمونه پدیده‌هایی مانند جنبش‌های اعتراضی مختلف سال‌های اخیر ممکن است بر سیاست‌های داخلی یک کشور ثالث تأثیرگذار بوده باشند و یا حتی ممکن است جنبش‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر گذاشته باشند. عرصه سیاست بین‌الملل برای مدت زمانی طولانی عمدتاً به حوزه اقدامات استثنایی دولت‌ها محدود

28. Chantal Mouffe, "Democracy in a Multipolar World", *Millennium: Journal of International Studies* 37, no. 3 (2009): 554.

29. هرچند قدرت معرف یک ظرفیت است، اما قدرت در نهایت یک ظرفیت بالقوه است و نه یک فعلیت و این ظرفیت بالقوه ممکن است هرگز به فعلیت درنیاید؛ بنابراین برخورداری از ابزار قدرت با قدرتمند بودن یکسان نیست. Steven Lukes, "Power and the Battle of Hearts and Minds", *Millennium: Journal of International Studies* 33, no. 3 (2005): 478.

بوده است که دولت‌ها، دولت‌مردان یا عناصر نیابتی وابسته به آن‌ها صحنه‌گردانان این تحولات بوده‌اند.^{۳۰} امروزه عرصه سیاست بین‌الملل به شکل فزاینده‌ای تحت تأثیر دغدغه‌های مربوط به مسائل روزمره یا همان رخدادها و پدیده‌هایی قرار دارد که در محیط هر روزه زندگی آدمیان رخ می‌دهند. بنابراین ما برای افزایش توانایی خود در درک نحوه شکل‌گیری عرصه بین‌المللی از طیف گسترده‌ای از پدیده‌های مختلف، باید از درک رایج اما تا حدی محدود از عرصه سیاست بین‌الملل، پا را فراتر بگذاریم.^{۳۱} یکی از لوازم تحقق این امر، نگاه به عرصه بین‌الملل به مثابه «کنش هر روزه» است که در فضاهای «هر روزه» رخ می‌دهد. بر این اساس، لازم است دریابیم که کنش‌ها و فضاهای هر روزه پیوندهای میان عرصه سیاست بین‌الملل و زندگی روزمره ما را آشکار می‌کنند.^{۳۲}

دیجیتالی شدن جوامع نیز به این تحول کمک کرده است. زمانی که اتفاقی در جهان رخ می‌دهد، ما به عنوان چهره دانشگاهی، سیاست‌گذار یا شهروند عادی برای باور کردن آن اتفاق به بازنمایی‌های بصری اتکا می‌کنیم.^{۳۳} عناصر بصری همچنان یکی از راه‌های اصلی انتقال اخبار از مناطق دوردست به شمار می‌روند.^{۳۴} تصاویر، عکس‌ها و کلیپ‌های ویدئویی نیز بازتاب‌دهنده نحوه تعامل انسان‌ها با جهان هستند. بدین ترتیب، تصاویر بصری ابزاری برای تعیین مختصات، تماشا، نظم‌دهی و بازنمایی جهان هستند.^{۳۵} اما همین وضعیت در جهان پیش از عصر دیجیتال نیز حاکم بود. ویژگی منحصر به فرد جهان دیجیتال شده ما در عصر حاضر آن است که نمادهای بصری معمولاً در یک لحظه قابل دسترس هستند، زیرا هر کسی که یک گوشی هوشمند داشته باشد می‌تواند آن‌ها را از طریق شبکه‌هایی مانند فیسبوک، اینستاگرام، تامبلر، توئیتر، یوتیوب یا ویجت به اشتراک بگذارد. بدیهی است سرعت بالای ارتباطات، زمان موجود برای سیاست‌گذاران جهت واکنش را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، زمانی که تصاویر

30. Xavier Guillaume, "The International As an Everyday Practice", *International Political Sociology* 5, no. 4 (2011): 459.

31. Xavier Guillaume, "Unveiling the 'International': Process, Identity and Alterity", *Millennium: Journal of International Studies* 35, no. 3 (2007): 742.

32. See Matt Davies and Michael Niemann, "The Everyday Spaces of Global Politics: Work, Leisure, Family", *New Political Science* 24, no. 4 (2002): 77-557.

۳۳. به هر حال، دیدن باور کردن است.

See David Shim, *Visual Politics and North Korea. Seeing is Believing* (London: Routledge, 2014).

34. David Campbell, "Poststructuralism", in *International Relations Theory. Discipline and Diversity*, ed. by Tim Dunne, Milja Kurki, and Steve Smith (Oxford et al.: Oxford University Press, 2007), 220.

35. See David Shim and Dirk Nabers, "Imaging North Korea: Exploring Its Visual Representations in International Politics", *International Studies Perspectives* 14, no. 3 (2013): 289-306.

و در کنار آن‌ها نخستین اظهارات، ارزیابی‌ها یا نظرات غالباً به شکلی تصادفی شما را به سرعت احاطه می‌کنند، زمانی برای منتظر ماندن باقی نمی‌ماند. یکی از دوستان مارک زاکربرگ^{۳۶} در فیلم «شبکه اجتماعی»^{۳۷} چنین می‌گوید: اینترنت با خود کار نوشته شده و نه با مداد. بنابراین، ظاهراً بسیار مهم است که برای تأثیرگذاری بر یک مبحث خاص سیاسی در زمره نخستین واکنش دهندگان به آن باشیم اما در عین حال باید توجه داشت که وقتی پیامی در اینترنت ارسال می‌شود، دیگر امکان پس گرفتن یا حتی حذف آن وجود ندارد.^{۳۸} بنابراین، دیجیتالی شدن جوامع رابطه میان گزاره‌های حقیقی و اصل حقیقت را نیز در معرض پرسش قرار می‌دهد، زیرا زمانی که گزاره‌های حقیقی دیجیتالی شده به طور مداوم به روز می‌شوند، صفت ماندگاری را که زمانی مؤلفه اصلی حقیقت‌شان بود از دست می‌دهند.^{۳۹} علاوه بر این، انسان‌ها در سراسر جهان مستقیماً از طریق شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط دارند. این شبکه‌ها مجموعاً یک فضای دیجیتالی ارتباط سیاسی را تشکیل می‌دهند که از واحدهای جغرافیایی سنتی جهان مجزا هستند.^{۴۰} وجود این فضا یک بار دیگر قلمروزدایی از عرصه سیاست را برجسته می‌کند (ن.ک. به بخش «پیچیدگی افقی جهان»).

به عنوان نمونه، اعتراضات اخیر به سرعت و از طریق عکس‌ها، کلیپ‌های ویدیویی و آثار هنری که معمولاً توسط خود معترضان تولید می‌شوند، جنبه بصری یافته‌اند. بدین ترتیب، جنبش‌های اعتراضی متکی به یک فضا یا مکان جغرافیایی هستند، اما معترضان یک فضای مجازی را نیز خلق می‌کنند که خود را از مرزهای جغرافیایی جدا کرده و وارد مرزهای دیجیتالی نسبتاً تازه‌ای می‌شود. تصاویر و فیلم‌های معترضان تناقض درون بودن (بودن به عنوان بخشی از حرکت اعتراضی در خیابان‌ها) و نیز بیرون بودن (از آنجا که همین معترضان داده‌ای مربوط به جنبش را نیز تهیه می‌کنند) را می‌آفریند. این وضعیت، مقولات سنتی عرصه سیاست جهانی را به هم می‌ریزد. در نتیجه اعتراضات در مصر، ترکیه یا هنگ‌کنگ برای همه ساکنان جهان نه تنها مشهود، بلکه قابل دسترس هستند و همین مسئله به گسترش جوامع اطلاعاتی ذهنی^{۴۱}

36. Mark Zuckerberg

37. The Social Network

38. این وضعیت بسیار شبیه همان نکته‌ای است که دیو اگرز (Dave Eggers) در رمان خود با عنوان «دایره» (The Circle) به آن اشاره می‌کند. در این رمان، یکی از اصول محوری شرکت «دایره» این است که «ما حذف نمی‌کنیم».

39. Mercedes Bunz, Die stille Revolution (Berlin: Suhrkamp, 2012), 61.

40. با این حال، اینترنت هنوز هم متکی به امکانات فیزیکی و فنی است.

See Nicole Starosielski, The Undersea Network (Durham and London: Duke University Press, 2015).

41. imagined data communities

منجر می‌شود.^{۴۲} به عبارت دیگر ما از یک سو با اجتماعات اعتراضی بر روی زمین و از سوی دیگر با جوامع اطلاعاتی رو به گسترشی روبرو هستیم که تولید و انتقال فوری اخبار را در قالب تصاویر بصری و سایر اشکال از مناطق دوردست به خانه‌ها و نیز دولت‌ها و سیاست‌گذارانمان تسهیل می‌کنند.

چین: تهدید یا بدیل؟

آن‌چه به ویژه در محافل دانشگاهی و نیز در میان سیاست‌گذاران در غرب سلطه قدرت‌های غربی (عمدتاً آمریکا) را در نظام بین‌الملل به چالش می‌گیرد، روایت ظهور چین است. این چالش در حوزه روابط بین‌الملل غالباً با استفاده از نظریه گذار قدرت^{۴۳} توصیف می‌شود. نظریه گذار قدرت عمدتاً به ظهور مکرر تحولات جهانی در عرصه قدرت و تأثیرات ناشی از این تحولات بر ساختار نظام بین‌الملل می‌پردازد. در این ارتباط، نظریه گذار قدرت متضمن این استدلال است که قدرت‌گیری چین و به میزان بسیار کم تری سایر قدرت‌های غیر غربی می‌تواند به افزایش تنش‌ها و حتی احتمالاً رویارویی با آمریکا یا غرب به طور اعم منجر شود. جان آیکنبری^{۴۴} در مورد آینده روابط میان آمریکا و چین بر این نظر تأکید دارد که «داستان قدرت‌گیری چین سبب می‌شود که یک چین در حال قدرت‌گیری و یک آمریکای رو به زوال بر سر موازین حاکم بر نظام بین‌الملل و رهبری این نظام با یکدیگر وارد نبردی بزرگ شوند».^{۴۵} ظاهراً چین عامل اصلی تهدیدکننده نظام موجود بین‌الملل است. اما چرا این روایت همچنان روایتی نسبتاً غالب است. شگفت آن که تنها عامل این مسئله، قدرت فزاینده چین نیست، بلکه این واقعیت که چین از بسیاری جهات در تفسیر ما از نظم بین‌الملل یک «دیگری» مطلق است نیز در مقبولیت این دیدگاه مؤثر بوده است.

نخست باید توجه داشت که چین یک حکومت غیردمکراتیک و به بیان دقیق‌تر، یک حکومت غیردمکراتیک سرمایه‌داری است و این کشور از این جهت نمونه نقیض این روایت لیبرال است که بر مبنای آن، توسعه اقتصادی لزوماً تابع فرایند استقرار دموکراسی سیاسی به معنای غربی آن است. ثانیاً چین یکی از بازیگران نوظهوری است که قدرت‌ها و نهادهای سنتی

42. Nadav Hochmann, "The Social Media Image", Big Data & Society (2014), 6.

43. power transition theory

44. John Ikenberry

45. John G. Ikenberry, "The Rise of China and the Future of the West. Can the Liberal System Survive?", Foreign Affairs (2008), <https://www.foreignaffairs.com/articles/asia/2008-01-01/rise-china-and-future-west> (accessed 31 August 2008).

را به توجه جدی به خواسته‌های خود وادار کرده است. ثالثاً چین مجبور است با پدیده‌های تازه‌ای دست و پنجه نرم کند که انسجام ملی و ثبات این کشور را به مخاطره می‌اندازد و چین به شیوه خود با این عوامل برخورد می‌کند. از همین روشی جین پینگ آشکارا فعالیت‌های سامانه کنترل و شنود در چین را به ویژه در ارتباط با مسائل مربوط به دیجیتالی شدن جامعه افزایش داده است.^{۴۶}

اتفاق عمده‌ای که در سال‌های اخیر در حوزه تعاملات ما با چین رخ داده این است که ما دست به خلق روایتی سیاسی زده‌ایم که در یک سوی آن «ما» و در سوی دیگر آن نیز «آن‌ها» قرار دارند. به دیگر سخن، ما غالباً میان «ما» - یعنی نظام سیاسی، سنت‌ها، تفکر و ارزش‌های سیاسی خودمان - و «آن‌ها» قائل به تمایزی آشکار هستیم. در نتیجه، مباحث ما در محافل دانشگاهی و سیاسی پیرامون احتمال قدرت‌گیری مسالمت‌آمیز چین، تهدید بالقوه این کشور برای نظم بین‌المللی یا حالت تهاجمی تازه در سیاست خارجی این کشور، به نحوی چین را به عنوان کشوری تصویر می‌کند که خارج از تلقی ما غربی‌ها از مفهوم سیاست‌ورزی شرافتمندانه عمل می‌کند. البته این امری غیر معمول نیست زیرا هر هويت سیاسی یا جمعی بر پایه فرایندی از تفکیک میان یک «ما» و یک «آن‌ها» استوار است. بدین ترتیب، تفکیک میان کسانی که به «ما» تعلق دارند و کسانی که به «ما» تعلق ندارند نه امری تصادفی، بلکه یکی از پیش شرط‌های تشکیل جامعه است.^{۴۷} اما چنان که موف نیز به درستی استدلال می‌کند، «این بدان معنا است که همواره این امکان وجود دارد که این رابطه میان «ما» و «آن‌ها» به رابطه میان دوست و دشمن تبدیل شود».^{۴۸} اگر چین را به عنوان یک تهدید و حتی با نگاهی خصمانه‌تر به عنوان دشمن در نظر بگیریم، این امر در همه حال امکان نابودی فیزیکی را نیز در خود دارد.^{۴۹} اما لزومی ندارد که تمایز میان «ما» و «آن‌ها» ضرورتاً به این شکل باشد. ما باید به دیگران نه به عنوان دشمن، بلکه به عنوان رقیب بنگریم که به باور موف همان دشمنان دوست هستند، یعنی کسانی که به واسطه اشتراک در یک فضای نمادین مشترک دوست ما محسوب می‌شوند

۴۶. رهبران چین قصد اجرای یک بسته جامع قوانین مرتبط با حوزه امنیت را دارند. در ژوئیه ۲۰۱۵، یک قانون جدید در حوزه امنیت ملی از سوی کنگره ملی خلق این کشور تصویب شد و در پایان دسامبر همان سال نیز یک قانون ضد تروریسم به تصویب رسید. با این حال، مراحل تهیه پیش‌نویس و نیز بحث پیرامون قانونی در حوزه امنیت سایبری و قانون دیگری در حوزه تشکیل‌های غیردولتی آغاز شده است.

۴۷. بر مبنای تعریف کلاسیک کارل اشمیت از مفهوم امر سیاسی، تعیین یک بیگانه که وجودش ضروری باشد، هويت گروه‌های سیاسی را تشکیل می‌دهد و به تفکیک و تمایز میان آن‌ها نیز کمک می‌کند.

48. Mouffe, *The Democratic Paradox* (see note 16), 550.

49. Carl Schmitt, *The Concept of the Political* (Chicago and London: University of Chicago Press, 2007), 33.

اما به دلیل تلاششان برای سامان‌دهی این فضای نمادین به شکلی متفاوت، دشمن نیز به شمار می‌روند.^{۵۰} بدین ترتیب، پرسش‌های اصلی عبارتند از این که چین چگونه می‌خواهد فضای مشترک سیاست بین‌الملل را سامان دهد و آیا رهبران این کشور از قدرت چانه‌زنی فزاینده خود در جهت ترویج یک فهم جایگزین از نظم بین‌الملل استفاده می‌کنند یا خیر.

در پرداختن به این مسائل توجه به این نکته بسیار ضروری است که مفهوم نظم بین‌الملل در دانشکده‌های روابط بین‌الملل در چین چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرد، بلکه معنای نظم سیاسی در رشته‌های دیگری مانند زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و جامعه‌شناسی بررسی می‌شود. دانشکده‌های روابط بین‌الملل در چین عمدتاً از افرادی تشکیل شده‌اند که مهم‌ترین متون غربی در حوزه روابط بین‌الملل را خوانده و یا حتی آن‌ها را به چینی نیز برگردانده‌اند.^{۵۱} علاوه بر این، مبانی علمی آن‌ها - این مسئله به ویژه در مورد اکثر کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل در چین صادق است - همچنان دقیقاً همان مفاهیمی هستند که مبانی جهان‌بینی مدرن غربی را تشکیل می‌دهند.^{۵۲} اما تمرکز اصلی ما در اینجا ارائه شرح مختصری از تفسیر سنتی چینی‌ها از مفهوم نظم، مفهوم شبکه و فلسفه سیاسی ژائو تین جیانگ^{۵۳} خواهد بود، زیرا تمامی این موارد

50. Mouffe, *The Democratic Paradox* (see note 16), 13.

۵۱. در این دانشکده‌ها با محققانی روبرو می‌شویم که می‌کوشند میان سنت‌ها و نقطه نظرات بومی از یک سو و مفاهیم و مقولات کلیدی در حوزه روابط بین‌الملل از سوی دیگر پیوند برقرار کنند. به عنوان نمونه، می‌توان به آثار کین یا کینگ (Qin Yaqing) اشاره کرد که در آن‌ها بر اهمیت دانش زمینه‌ای (فرهنگ، تجربه، عادات، تاریخ و...) در جوامع مربوطه تأکید می‌شود. کین به ویژه نگرشی ساخت‌گرایانه را ارائه می‌کند که پایه و اساس آن را مفهوم رابطه‌گرایی تشکیل می‌دهد که خود یکی از وجوه اصلی تفکر سنتی چین است. ن. ک. به

Qin Yaqing, "International Society As a Process: Institutions, Identities, and China's Peaceful Rise", *The Chinese Journal of International Politics* 3 (2010): 53-129.

بدین ترتیب، او مبلغ یک نگرش خاص چینی به ساخت‌گرایی است، بدون آن که از نفس یک مکتب چینی دفاع کند.

Arlene B. Tickner and David L. Blaney, *Claiming the International* (London and New York: Routledge, 2013), 19.

کین و دیگران به تفصیل در این باره قلم زده‌اند. ن. ک. به

Song Xinling, "Building International Relations Theory with Chinese Characteristics", *Journal of Contemporary China* 10, no. 26 (2001): 61-74, and *Zhongguo guojiguanxianjiu* (1995-2005) [Chinese IR Scholarship, 1995-2005], ed. Jisi Wang et al. (Beijing: Beijing University Press, 2006).

52. Tickner and Blaney, *Claiming the International* (see note 53), 3.

آن‌ها نمی‌توانند به بیرون از محفظه فکر کنند زیرا در درون محفظه پرورش یافته‌اند.

۵۳. ژائو تینجیانگ در غرب مورد توجه فزاینده‌ای قرار دارد، به ویژه به این دلیل که آثاری نیز به انگلیسی منتشر کرده است. نگارنده در جریان یک سفر تحقیقاتی از اوت تا دسامبر ۲۰۱۰ شخصاً با وی در پکن ملاقات کرده و نیز در کنفرانس‌هایی در پکن و شیامن نیز وی را دیده است. در محافل دانشگاهی پکن و به ویژه آکادمی علوم اجتماعی چین، آقای ژائو فردی بسیار شناخته شده و مورد احترام است، هرچند تعریف او از مفهوم تیانخیا (tianxia) مباحث فراوانی را در میان چهره‌های دانشگاهی در چین به ویژه در میان مورخان و فیلسوفان ایجاد کرده است. در مورد مسئله

عناصری از کنش سیاسی چینی‌ها را برجسته می‌سازند که می‌توانند در درک ویژگی‌های اصلی طرح شی جین پینگ موسوم به طرح یک کمربند یک جاده نیز مفید واقع شوند.

تفسیر سنتی چینی‌ها از مفهوم نظم: تیان‌شیا و چائوگونگ تیکسی^{۵۴}

مفاهیم «تیانشیا» (همه چیز در زیر آسمان) و «چائو کونگ تیشی» (نظام شاخه شاخه مأخوذ از دوران نخستین حکمرانی سلسله ژو^{۵۵} (تقریباً از ۱۱۰۰ تا ۲۵۶ قبل از میلاد) هستند و از آن زمان به بعد همواره مورد توجه سیاستمداران، فیلسوفان و اندیشمندان چینی قرار داشته‌اند. در نتیجه تعریف واحدی از این مفاهیم وجود ندارد و تفاسیر متعددی از این دو مفهوم ارائه شده‌اند. ما در اینجا در دنباله تلاش جان جی فیربنک^{۵۶} در جهت شناخت جوهره نظم جهانی از دیدگاه چین، تنها به معرفی ویژگی‌های اصلی این دو مفهوم خواهیم پرداخت.

مفهوم تیانشیا هسته اصلی تلقی سنتی چینی از نظم سیاسی را تشکیل می‌دهد. چنان‌که ادوارد ونگ^{۵۷} نیز اشاره کرده است، «ژونگ‌وئو^{۵۸} [قلمرو میانی] ناظر بر مرکز جهان و لذا کشور یا قلمرو میانی بود، در حالی که تیانشیا به جهان بسط یافته چینی علی‌رغم مدعای جهان‌شمول بودن آن اشاره داشت».^{۵۹} از دیدگاه چینی‌ها، تیانشیا کل فضای جغرافیایی شناخته شده را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، «تلقی کنفوسیوسی از مفهوم تیانشیا ناظر بر یک نظم اخلاقی و سیاسی

«تیانشیا» (همه چیز در زیر آسمان) آقای ژائو دو کتاب، مقالات متعددی به زبان چینی و دو مقاله نیز به زبان انگلیسی منتشر کرده است.

See Zhao Tingyang, "Rethinking Empire from a Chinese Concept 'All-under-Heaven' (Tian-xia)", *Social Identities* 12, no. 1 (2006): 29-41; Zhao Tingyang, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tian-xia)", *Diogenes* 56, no. 5 (2009): 5-18.

نگارنده در فصل مربوط به فلسفه ژائو تینجیانگ عمدتاً به منابع ذیل ارجاع داده است:

Zhao Tingyang, *Politics of Everybody [Mei ge ren de Zhengzhi]* (Beijing: Shehui Kexue Wenxian Chubanshe, 2010), and chapter 4 of Zhao Tingyang, *Investigations of the Bad World: Political Philosophy as First Philosophy [Huai Shijie Yanjiu: Zuowei diyi zhexue de zhengzhi zhaxue]* (Beijing: Zhongguo Renmindaxue Chubanshe, 2009).

۵۴. این بخش‌ها تا حدی از منبع ذیل اقتباس شده‌اند:

Nadine Godehardt, "China and the Definition of the Asian Region", in *Regional Powers and Regional Order*, ed. by Nadine Godehardt and Dirk Nabers (New York: Routledge, 21-119, (2011. Chaogong Tixi

55. Zhou

56. John J. Fairbank

57. Edward Wang

58. Zhongguo

59. Edward Wang, "History, Space, and Ethnicity: The Chinese Worldview", *Journal of World History* 10, no 2. (1999): 287.

آرمانی است که هیچ مرزی ندارد و بر مبنای آن کل جهان باید بر مبنای اصول مبتنی بر حقوق و فضایل تحت اداره یک حکیم اداره شود.^{۶۰} این حکیم، نماد امپراتور چین است که توسط افلاک «تیان»^{۶۱} به این مقام منصوب می‌شود. او منشور آسمان (تیان‌مینگ^{۶۲}) را در دست دارد که به قدرت او مشروعیت می‌بخشد. بدین ترتیب، امپراتور پسر آسمان (تیانزی^{۶۳}) است و نماینده عالی‌ترین مرتبه اخلاق نیز به شمار می‌رود. مشروعیت او نیز اساساً وابسته به همین فضیلت و نیز توانایی او در عمل بر مبنای فرمان آسمان است. در شرایط آرمانی، امپراتور بر همه چیز حاکمیت دارد و همه چیز را به زیر چتر آسمان (تیانشیا) می‌کشاند، زیرا «اگر انسان‌ها در حکومت شما سعادت‌مند باشند، انسان‌های مناطق دوردست نیز به سوی زندگی تحت لوای حکومت شما جذب خواهند شد».^{۶۴} بدین ترتیب، دامنه اقتدار امپراتور، مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و برتری اخلاقی وی نیز در آن واحد هم‌لازمه انتخاب او، هم‌مبنای مشروعیت او و هم اصل بنیادین حاکم بر کردار او به شمار می‌رود. به دیگر سخن، اخلاقیات (شخصیت) امپراتور را نمی‌توان از اختیارات (مقام) وی تفکیک کرد. هرلی جی کریل^{۶۵} صراحتاً بر نقش محوری تیانشیا برای چین سنتی تأکید می‌کند: «دکترین منشور آسمان به سنگ بنای امپراطوری چین تبدیل شد. از آن به بعد، چین یک کشور تلقی می‌شد و از آن‌جا که این کشور در شرایط آرمانی تمامی آنچه را که زیر سقف آسمان است دربر می‌گرفت، پس چین تنها کشوری بود که توسط والاترین خداوند، یعنی آسمان خلق شده بود و تحت نظارت مستقیم وی نیز اداره می‌شد. حاکم چین نیز پسر آسمان بود و مقام او عالی‌ترین مقامی بود که انسان می‌توانست به آن دست یابد».^{۶۶} امپراتور، نماد هسته اصلی امپراطوری چین است. دامنه اختیارات او نیز به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه در چارچوب تیانشیا، روابط خارجی تنها بازتابی از روابط داخلی هستند. چنان‌که فیربنک نیز تأکید می‌کند، «چینی‌ها روابط خارجی خود را به عنوان بازتاب بیرونی همان اصل نظم اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کردند که به

60. Joseph Chan, "Territorial Boundaries and Confucianism", in *Confucian-Political Ethics*, ed. Daniel A. Bell (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2008), 69.

61. tian

62. tianming

63. Tianzi

64. Confucius, *Analects of Confucius* (Beijing: Beijing Foreign Languages Printing House, 1994), 13, 16.

65. Herrlee G. Creel

66. Herrlee G. Creel, *The Origins of Statecraft in China*, vol. 1: *The Western Chou Empire* (Chicago, IL: University of Chicago Press, 1970), 93.

شکل درونی در حکومت و جامعه چین متجلی شده بود.^{۶۷} به جای مرزهای جغرافیایی، روابط میان واحدهای مختلف به شکل بهتری در قالب رابطه‌ای سلسله مراتبی میان مرکز (امپراتور) و پیرامون (ممالک خراج‌گزار) قابل توصیف هستند. در این زمینه ادوارد ونگ به درستی این استدلال را مطرح می‌کند که «در تلقی چینی‌ها از جهان، همواره تقسیم‌بندی مرکز-پیرامون وجود داشته و همین تقسیم‌بندی به تعیین جایگاه و موقعیت ژونگتو در جهان شناخته شده یعنی همان تیانشیا کمک کرده است».^{۶۸} بنابراین، تلقی چینی‌ها از مفهوم نظام سلسله مراتبی نماد شکل خاصی از توزیع قدرت یا همان پذیرش بزرگترین قدرت از سوی ممالک مستقلی است که البته در حوزه خود دارای اختیارات کامل هستند.^{۶۹}

بدین ترتیب نظام خراج‌گزاری یا همان چائوگونگ تیکسی همزیستی میان واحدهای مختلف در نظام چینی تیانشیا را سازمان‌دهی کرده و به آن نظم می‌بخشید. اما این نظام خراج‌گزاری، نظامی یک‌سویه نبود بلکه بر پایه فرایندی مبتنی بر منفعت‌رسانی دوسویه استوار بود که به ویژه در دوران ضعف، بیش از خود ممالک خراج‌گزار برای امپراتور چین ارزشمند بودند.^{۷۰} نکته جالب دیگر آن که ممالک خارجی تنها از طریق تبعیت از قواعد حاکم بر نظام خراج‌گزاری می‌توانند با امپراتوری چین ارتباط برقرار کنند، زیرا امپراتوری چین تنها نظم سیاسی پذیرفته شده بود. در واقع، وجود سایر انواع نظام‌های سیاسی حداقل بر اساس منطق چینی با اصل مفهوم نظام تیانشیا در تعارض می‌بود. ممالک پیرامونی به عنوان ممالک تابعه یا وحشی‌هایی تلقی می‌شدند که فاقد لوازم فرهنگی ایجاد یک نظام سیاسی مستقل و دارای حق حاکمیت بودند. با این حال، هر یک از این واحدها همچنان از حدی از استقلال و حاکمیت بر

67. John J. Fairbank, *The Chinese World Order: Traditional China's Foreign Relations*, (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1968), 3.

68. Wang, "History, Space, and Ethnicity: The Chinese World-view" (see note 61), 290.

69. David Kang, "The Theoretical Roots of Hierarchy in International Relations", *Australian Journal of International Affairs* 58 (2004): 348.

کنگ همچنین این مسئله را به عنوان یکی از مؤلفه‌های حوزه روابط بین‌الملل در آسیا توصیف می‌کند. وی بر این نکته تأکید می‌کند که برخلاف سنت اروپایی که برابری رسمی و نظام سلسله مراتبی غیررسمی در آن وجه غالب را دارد، در سنت‌های آسیایی و به ویژه سنت‌های چینی، نظام سلسله مراتبی رسمی و نابرابری غیررسمی وجه بارز به شمار می‌رود (Kang, ۲۰۰۶, ۳۳۹-۴۰).

70. See Wang Gungwu, "Early Ming Relations with Southeast Asia: A Background Essay", in *The Chinese World Order: Traditional China's Foreign Relations*, ed. by John K. Fairbank (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1968).

با توجه به تاریخ کهن سلسله‌های حکومتی در چین، تشخیص مرز میان ادعا و واقعیت در مورد مفهوم برتری غالباً دشوار است.

سرنوشت خود برخوردار بود. اما اعمال سیاست‌های مستقل حاکمیتی به معنای شورش داخلی علیه اقتدار امپراطور چین بود که می‌توانست اعزاز نیرو از سوی امپراطور برای تنبیه طغیانگران را توجیه کند. ژائو در این باره می‌گوید: «ماهیت سلطه‌طلبانه فرهنگ چینی در منطقه به ایجاد نوعی آسودگی خاطر کاذب در میان امپراطورهای این کشور منجر شد و آن‌ها بر این باور بودند که نظام سلسله مراتبی در جهان امری فراگیر است و هیچ نظام سلسله مراتبی یا منبع قدرت دیگری در عرصه بین‌الملل وجود ندارد. [...] به بیان امروزی می‌توان گفت که [بر اساس این اعتقاد] تمامی کشورها اقمار چین بودند. البته در درون این اقمار میزان بالایی از حق حاکمیت بر سرنوشت خود وجود داشت، اما مخالفت با چین به عنوان شورش علیه نظم مستقر و ارزش‌های سنتی تلقی می‌شد که باید با آن برخورد صورت می‌گرفت».^{۷۱}

شبکه‌های چینی یا شیوه تمایز محور ارتباط (چکسو ججو)^{۷۲}

فی شیائوتونگ^{۷۳} مفهوم «چکسو ججو» را معرفی و آن را به عنوان محور اصلی درک نظام اجتماعی سنتی چین تلقی می‌کند. این الگو شبیه دایره‌هایی است که یک هسته مرکزی را احاطه کرده‌اند.^{۷۴} فی این الگو را به دایره‌هایی تشبیه می‌کند که با انداختن سنگی در آب دریاچه بر سطح آن ظاهر می‌شوند.^{۷۵} هر چند هر فرد در مرکز شبکه خود قرار دارد (خود مرکزی)، تمامی شبکه‌ها با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. برخلاف تلقی غربیان از مفهوم ارتباط که به باور فی متضمن استقلال کامل افراد از یکدیگر و وجود مرزهای کاملاً مشخص میان «خود» و «دیگری» (میان درون و بیرون، فاعل و مفعول، حوزه عمومی و خصوصی و ...) است، تفسیر چینی از مقوله ارتباط متضمن «شبکه‌هایی همپوشان از انسان‌ها» است «که به واسطه روابط اجتماعی دارای مقولات متمایز با یکدیگر پیوند یافته‌اند».^{۷۶} این نظر نیز به روشنی نشان می‌دهد که مرز مشخصی میان شبکه‌های مختلف وجود ندارد. یک فرد بخشی

71. Zhao Suisheng, *Power Competition in East Asia: From the Old Chinese World Order to Post-Cold War Regional Multipolarity* (New York: St. Martin's Press, 1997), 19.

72. Chaxu Geju

73. Fei Xiaotong

74. See Fei Xiaotong, *From the Soil. The Foundations of Chinese Society* (Berkeley et al.: University of California Press, 1992).

فی شیائوتونگ نخستین دانشمند علوم اجتماعی بود که به معرفی برخی مولفه‌های شبکه اجتماعی در چین با استفاده از مفهوم «نظم تمایز محور» پرداخت و آن را به صورت دوایر هم‌مرکز نشان داد.

Hwang Kawang-Kuo, "Chinese Relationalism: Theoretical Construction and Methodological Considerations", *Journal of the Theory of Social Behaviour* 30, no. 2 (2000): 136.

75. Fei, *From the Soil*, *ibid.*, 60-71.

76. *Ibid.*, 62.

77. Hamilton and Zheng, "Introduction", in *ibid.*, 20.

از روابط قوی و نیز ضعیف است که هر یک از این روابط در زمینه خاص خود الزامات و مسئولیت‌های کاملاً متفاوتی را به همراه دارد. میزان اهمیت سایر افراد به جایگاه آن‌ها در دایره‌های هم‌مرکز شبکه‌های روابط فرد بستگی دارد. لزومی ندارد افراد مثلاً بر مبنای علایق مختلف در میان شبکه‌های مختلف دست به انتخاب بزنند. شبکه‌ها می‌توانند به موازات هم وجود داشته باشند. بنابراین، نظام اجتماعی در تلقی سنتی چینی بر پایه وجود شبکه‌های انعطاف‌پذیر فاقد مرزهای آشکار استوار است. «این جامعه‌ای است که در آن به جای قوانین، ملاحظات مربوط به نظم در اولویت قرار دارند و نظم در این جا به آن معنا است که هر فرد باید الزامات اخلاقی روابط خود در درون شبکه‌های مختلف را رعایت کند و در غیر این صورت، کل نظام اجتماعی از هم می‌پاشد».^{۷۸}

تفسیر تمایز محور فی از مفهوم ارتباط (چکسو ججو) یکی از مفاهیم کلیدی در بحث ذیل خواهد بود. هر چند در اطلاق این مفهوم به جامعه و عرصه سیاسی معاصر چین باید محتاط بود، اما طرح این مفهوم نشان می‌دهد که مفهوم شبکه در تفکر چینی می‌تواند به ما در درک ویژگی‌های اصلی طرح جدید موسوم به یک کمربند یک جاده کمک کند.^{۷۹}

احیای تیانشیا: فلسفه سیاسی ژائو تین جیانگ

ژائو تین جیانگ در تلاش برای بازتعریف مفهوم تیانشیا، این مفهوم برخاسته از سنت‌های چینی را به یک نظریه سیاسی معاصر یعنی نظریه‌ای مبتنی بر «جهان بودگی»^{۸۰} تبدیل می‌کند.^{۸۱} ژائو، تیانشیا (گونه آرمانی خود از جهان) را معرفی می‌کند. او علاقه چندانی به مباحث فلسفی پیرامون سیر تکاملی مفهوم تیانشیا در اندیشه چینی ندارد، بلکه به استخراج عصاره این مفهوم و قرار دادن آن در زمینه اصلی خود می‌پردازد. چنان‌که ویلیام کالاهان نیز به درستی اشاره می‌کند، وی می‌کوشد تا از محدودده‌ای تاریخی سنت‌های چینی فراتر رود.^{۸۲} ژائو در پیوند با یکی از کهن‌ترین مفاهیم فلسفه چین، تصویر، نظریه و دیدگاهی چینی از جهان را به دست

78. Ibid., 24.

۷۹. علاوه بر این، مجدداً این نکته آشکار می‌شود که اکثر مفاهیم مهم سیاسی در تفکر غرب مانند جامعه، مشروعیت، حق حاکمیت، و یا حتی خود مفهوم دولت-ملت که برخاسته از پیمان وستفاليا است و ما از آن‌ها در تحلیل چین مدرن استفاده می‌کنیم، مبنایی در فرهنگ یا تفکر سنتی چینی ندارند.

80. world-ness

81. See Zhao Tingyang, *Tianxia Tixi: Shijie Zhidu Zhexue Daolun* [The Tianxia System: An Introduction to the Philosophy of a World Institution] (Nanjing: Jiangsu Jiaoyu Chubanshe, 2005); Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55); Zhang Feng, "The Tianxia System: World Order in a Chinese Utopia", *Global Asia. A Journal of the East Asia Foundation* 4, no. 4 (2009): 12-108.

82. William A. Callahan, "Chinese Visions of World Order: Post-hegemonic or a New Hegemony?", *International Studies Review* 10 (2008): 753.

می‌دهد.^{۸۳} ژائو در اثر خود با عنوان «سیاست همگان»^{۸۴} به طرح مفروضات هستی‌شناسانه خود می‌پردازد که در تلاش وی برای بازتعریف مفهوم تیان‌شیا نقشی محوری دارند.^{۸۵} وی این استدلال را مطرح می‌کند که انسان‌ها مستقل از یکدیگر وجود ندارند، بلکه همواره در جهان قرار دارند و لذا همواره در پیوند با دیگران عمل می‌کنند و از همین رو جهان، یک‌سره «جهان ایشیا» یعنی جهانی متشکل از اشیای مستقل نیست.^{۸۶} به باور ژائو، انسان‌ها نمی‌توانند در انزوا زندگی کنند، زیرا آن‌ها از لحظه‌ای که وجود پیدا می‌کنند دست به عمل می‌زنند و وقتی هم دست به عمل می‌زنند، این کار را در پیوند با دیگران انجام می‌دهند.^{۸۷} بدین ترتیب، ژائو قویاً به جای هستی‌شناسی اشیا محور یا وجود محور، بر یک هستی‌شناسی مبتنی بر همزیستی تأکید می‌کند. بدین ترتیب چیزی خارج از همزیستی وجود ندارد و همین مسئله به معنای تأکید بر این نکته است که همزیستی حتی مقدم بر خود وجود است.^{۸۸} در تفکر غربی، بهترین توصیف برای دیدگاه ژائو را می‌توان در کلمات ژان-لوک نانسو سراغ گرفت.^{۸۹} وی در مقاله خود با عنوان «مفرد متکثر بودن»^{۹۰} بر این نظر تأکید می‌کند که هیچ وجودی بدون همزیستی وجود ندارد چراکه من همیشه خود را به دیگران پیوند می‌دهم و دیگران نیز تنها در رابطه با من تعریف می‌شوند.^{۹۱} «آنچه وجود دارد، هرچه که باشد، به این دلیل که وجود دارد همزیستی نیز دارد. [...] جهان همان همزیستی است که این هستی‌ها را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.»^{۹۲} بدین ترتیب، «من» نمی‌تواند بر «ما» مقدم بوده یا مستقل از «ما» باشد. چنان‌که نانسو اشاره می‌کند، «ما از همان آغاز با هم هستیم و چنین نیست که به شکل نقاطی در کنار هم گرد آمده باشیم یا با هم بودن ما از نوعی تقسیم‌شده باشد، بلکه ما موجوداتی با هم هستیم.»^{۹۳} ژائو نیز با اتخاذ دیدگاهی مشابه بر این نظر تأکید می‌کند که انسان‌ها در جهان جای گرفته‌اند و همواره

۸۳. در این جا برای روشن شدن نقاط قوت برجسته رویکرد ژائو، صرفاً به استدلال وی خواهیم پرداخت و از وارد شدن به مقایسه‌های بسیار باریک‌بینانه او با رویکردهای غربی پرهیز می‌کنیم.

84. Politics of Everybody

85. Zhao, Politics of Everybody (see note 55).

86. Ibid., 163.

87. Ibid., 167.

88. Ibid., 172.

89. See Jean-Luc Nancy, Being Singular Plural (Stanford, CA: Stanford University Press, 2000).

90. Being Singular Plural

۹۱. بدین ترتیب، «هستی به نحوی منحصر به فرد متکثر و به شکل متکثری منفرد است».

Nancy, Being Singular Plural (see note 92), 28.

92. Ibid., 29.

93. Ibid., 96.

در پیوند با دیگران موجودیت پیدا می‌کنند. آن‌ها در کثرت و با یکدیگر زندگی می‌کنند و تنها عامل معنابخش به هستی آن‌ها نیز همین است.^{۹۴} بدین ترتیب، فهم ژائو از جهان، ناظر بر جهانی مبتنی بر همزیستی و رابطه محوری است.^{۹۵}

طبق دیدگاه ژائو، کلید فهم مسائل سیاسی جهان ما آن است که جهان را به عنوان «جهانی ناکام»^{۹۶} تلقی کنیم.^{۹۷} او جهان معاصر را به مثابه یک «ناجهان»^{۹۸} تلقی می‌کند^{۹۹} زیرا ما هنوز نتوانسته‌ایم یک جهان‌بینی سیاسی را ایجاد کنیم که بتواند به ایجاد یک نظم سیاسی جهانی مؤثر، یک نهاد جهانی یا یک واحد جهانی منجر شود. وی این استدلال را مطرح می‌کند که «عدم موفقیت در ایجاد یک واحد جهانی اساساً معلول جهالت سیاسی نسبت به مفهوم «جهان به مثابه جهان»^{۱۰۰} و فقدان یک فلسفه سیاسی از منظر جهان به مثابه یک کل در مقابل مفهوم دولت-ملت بوده است».^{۱۰۱} از دیدگاه وی، «رویکردهای غربی فاقد یک دورنمای مبتنی بر جهان‌بودگی هستند، حال آن‌که در تفسیر چینی‌ها، جهان از منظر جهان بودن آن فهم می‌شود».^{۱۰۲} البته نباید طرح چنین دیدگاهی را با توجیه اتخاذ یک رویکرد کل‌نگر اشتباه گرفت، بلکه ژائو می‌خواهد ما را به یک بنیان تفکر جایگزین رهنمون شود. در این طرز تفکر، جهان از واحدهای به هم پیوسته و در کنار هم تشکیل شده است. بدین ترتیب، فهم جهان از منظر «جهان بودن» آن ناظر بر دیدگاهی است که همواره به کل تصویر توجه دارد و نه صرفاً بخش‌هایی از آن (مثلاً واحدهای منفردی مانند دولت-ملت‌ها).

ژائو در بحث پیرامون مفهوم تیان‌شیا بر سه مؤلفه تأکید می‌کند.^{۱۰۳} مفهوم نخست، مفهوم تیان‌شیا است که به گستره مکانی، کل پهنه زیر آسمان یا به بیان ساده، جهان جغرافیایی اشاره دارد. بدین ترتیب، نخستین معنا به جغرافیای جهان اشاره دارد. فهم اجتماعی از مفهوم تیان‌شیا ناظر بر حمایت قلوب تمامی انسان‌ها (مینکسین^{۱۰۴}) به عنوان یک ضرورت است. مینکسین

۹۴. مثلاً به واسطه نوع و بستر ارتباطشان.

۹۵. تمرکز وی عمدتاً بر روابط میان «الف» و «ب» است.

96. failed world

97. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 6.

98. non-world

99. Zhao, Investigations of the Bad World (see note 55).

100. mundus qua mundus

101. Ibid., 6.

102. Zhao, "Rethinking Empire from a Chinese Concept 'All-under-heaven' (Tianxia)" (see note 55), 31.

103. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 9-10.

104. minxin

مشروعیت سیاسی تیانشیا را تضمین می‌کند و عمدتاً هم به حکومت مبتنی بر فضیلت وابسته است. بدین ترتیب، رابطه میان اجماع مشترک مردم (مینکسین) و حکومت فضیلت (دژئی)^{۱۰۵} به شکلی است که هر یک از این دو جزئی از دیگری هستند.^{۱۰۶} اما سومین و مهم‌ترین معنای تیانشیا ناظر بر تشکیل یک نهاد جهانی (شیجی ژیکسو^{۱۰۷}) است.^{۱۰۸} و تنها پس از ایجاد چنین نهاد جهانی است که نظام تیانشیا امکان تحقق کامل خواهد داشت. بدین ترتیب، تلقی ژائو از مفهوم تیانشیا در بردارنده فهمی از جهان به مثابه یک واحد جغرافیایی مادی، یک کل اجتماعی برخوردار از حمایت آحاد مردم و یک نظم جهانی است. ژائو به ویژه بر این نکته تأکید دارد که جهان صرفاً یک پدیده مستقل نیست، بلکه جهان تنها زمانی به «جهان ما» تبدیل می‌شود که تمامی انسان‌ها در کمال همزیستی یک نهاد جهانی را بیافرینند.^{۱۰۹}

علاوه بر این سه معنای نسبتاً کلی، ژائو مجموعه‌ای از اصول مهم را مطرح می‌کند که به روشن‌تر شدن ویژگی‌های نظام مبتنی بر تیانشیا کمک می‌کنند. اصل نخست، اصل فراگیری عام (وووای^{۱۱۰}) است که طبق آن، همه افراد، خانواده‌ها و ممالک بخشی از تیانشیا هستند. هیچ چیز خارج از نظام تیانشیا تلقی نمی‌شود، زیرا همه ما در جهان قرار داریم. هیچ کس از شمول این نظام خارج نیست. تیانشیا به کانون مشترک توجه تمامی انسان‌ها تبدیل می‌شود و این توجه به واسطه هماهنگی بنیادین میان آن و سایر علایق شخصی، در راستای همین علایق و توجهات قرار می‌گیرد.^{۱۱۱} بدین ترتیب، مفهوم «شمول عام» ناظر بر جهان به مثابه خانه و خانواده همه انسان‌ها است. چنان‌که ژائو تأکید می‌کند، «مفهوم «فراگیری عام» از همه و برای همه است و به هیچ وجه به هیچ فرد خاصی اختصاص ندارد».^{۱۱۲} همچنین تحقق وضعیت شمول عام (وووای) به تأمین صلح و رونق در میان تمامی ممالک در درون تیانشیا منجر می‌شود. این اصل ناظر بر تبدیل کشورهای متعدد به یک واحد جهانی، نه از طریق اجبار، بلکه به واسطه جذب است.^{۱۱۳} نظم جهانی مانع از بروز تعارض و هرج و مرج می‌شود و «باید تا سرحد امکان

105. dezhi

106. Zhao, Investigations of the Bad World (see note 55), 98.

107. shijie zhixu

۱۰۸. واژه چینی «ژیکسو» را می‌توان به «نظم» نیز ترجمه کرد..

109. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 9.

110. wuwai

111. Zhao, Investigations of the Bad World (see note 55), 90.

112. Ibid., 11.

113. William A. Callahan, "Chinese Visions of World Order" (see note 84), 752.

گسترش یابد و بدین ترتیب به ایجاد یک نظام سیاسی جهانی کمک کند که در آن تمامی افراد گنجانده شده مورد حمایت قرار گیرند و هیچ کس به عنوان بیگانه تلقی نشود.^{۱۱۴}

در یک نظام مبتنی بر تیانشیا که در آن هر مکانی درون تلقی می‌شود، ژائو روابط حاکم میان واحدهای مختلف را به عنوان روابط میان «نزدیک» و «دور»^{۱۱۵} معرفی می‌کند. ژائو به وضعیتی اشاره می‌کند که عموماً از طریق تصویر روابط میان هسته و پیرامون توصیف می‌شود و در اصل نشان دهنده تفاوت میان هسته و پیرامون به لحاظ فرهنگی و جغرافیایی بوده است. این تصویر بعداً در اکثر موارد به مفهومی از تبعیض هسته نسبت به پیرامون یا برتری پیشینی هسته نسبت به پیرامون تبدیل شد.^{۱۱۶} اما نکته بسیار مهم این است که رابطه میان «نزدیک» و «دور» صرفاً به شکل جغرافیایی تفسیر نمی‌شود. نزدیکی و دوری را می‌توان به لحاظ فرهنگی نیز فهم کرد. لذا هسته را می‌توان به مثابه درک متقابلی از ارزش‌ها یا مفاهیم معین به شکل مستقل از مکان جغرافیایی در نظر گرفت. ایجاد این نوع روابط، فرایندی مبتنی بر تغییر و تحول دائم است. بنابراین، اصل فراگیری عام صرفاً ناظر بر همسانی مبتنی بر اجبار نیست.

اصل دوم به ماهیت نهادین تیانشیا و به طور مشخص مسائل نظم (ژی^{۱۱۷}) و بی‌نظمی (لوان^{۱۱۸}) مربوط می‌شود. ژئو نماد تلاش چینی‌ها برای ایجاد یک نظم اجتماعی مطلوب و مورد پذیرش مردم است. از سوی دیگر، لوان نماد فقدان هر گونه نظم اجتماعی است.^{۱۱۹} موفقیت در تثبیت ژئو متضمن ایجاد نهادهایی معتبر و بدین ترتیب تقویت اعتماد اجتماعی است. همچنین این نهادها باید ضمن تسهیل همکاری، احتمال بروز تعارض را نیز در سطح پایینی نگه دارند. ژائو همچنین این استدلال را مطرح می‌کند که «به حداکثر رساندن همکاری حتی از به حداقل رساندن تضاد نیز مهم‌تر است، زیرا اولی متضمن دومی است اما دومی متضمن اولی نیست».^{۱۲۰}

علاوه بر این، همکاری در نظام تیانشیا بر پایه دو راهبرد سیاسی استوار است. نخست راهبرد فضیلت^{۱۲۱} است که از یک منظر درازمدت ظاهراً مؤثرتر از توسل به اجبار است، زیرا در این شیوه عمدتاً به اجماع مشترک تمامی مردم (مینکسین) تکیه می‌شود. این راهبرد در اصل ناظر

114. Ibid., 752.

115. yuanjin qinshu guanxi

116. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 92.

117. zhi

118. luan

119. Ibid.

120. Zhao, Investigations of the Bad World (see note 55), 106 (transl. N. G.).

121. de celue

بر تمایز میان مردمی که سود بیشتری می‌برند از یک سو و حاکم که در این شرایط قدرت حکومت را به دست می‌آورد، از سوی دیگر است.^{۱۲۲} دومین راهبرد مورد نظر ژائو راهبرد هماهنگی^{۱۲۳} است که بر مسئله نحوه ایجاد همکاری با وجود منافع متفاوت تمرکز دارد. همکاری در این جا به شکل اجتناب‌ناپذیری با هماهنگی ارتباط دارد. هماهنگی به عنوان مهم‌ترین اصل در اندیشه چینی تلقی می‌شود که «شرط لازم هستی‌شناختی برای موجودیت و رشد موجودات مختلف است».^{۱۲۴} برخلاف مفهوم یکسانی (تانگ^{۱۲۵})، هماهنگی به تنوع پدیده‌ها اشاره دارد که امکان همکاری را میسر می‌کند. بنابراین، هماهنگی محصول اصلاح و تحول در تفاوت‌ها است، در حالی که «یکسانی» تمامی احتمالات را به یک نتیجه واحد تقلیل می‌دهد.^{۱۲۶} بنابراین، هماهنگی یک اصل هستی‌شناختی است، حال آن که یکسانی نماد یک تأثیر روانی است که به واسطه آن، تمامی پدیده‌ها در قالب یک پدیده واحد با یکدیگر پیوند می‌یابند. این دو را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت.^{۱۲۷} این تفکیک میان هماهنگی و همسانی از آن رو حائز اهمیت فراوان است که هماهنگی از آن جهت که ناظر بر یک همانندی مبتنی بر اجبار که محتوای فرهنگ را نابود می‌کند نبوده و کاملاً در نقطه مقابل همسانی قرار دارد. فرهنگ به واسطه روابط در درون تیانشیا شکل گرفته و رشد می‌کند.^{۱۲۸} در این جا نیز مفهوم هماهنگی بیان‌گر هستی‌شناسی بنیادین نظریه ژائو است. ژائو در این مورد به سه ملاک اشاره می‌کند. نخست آن که «روابط تعیین‌کننده امور هستند».^{۱۲۹} بنابراین، تعریف یک پدیده به معنای رایج آن نمی‌تواند وضعیت آن پدیده به لحاظ هستی‌شناختی یا اصل وجود آن را تعیین کند. یک پدیده تنها در ارتباط با پدیده‌ای دیگر قابل تعریف است.^{۱۳۰} ثانیاً رابطه هماهنگ میان پدیده‌ها شرط

122. Ibid., 114.

123. he celue

124. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 14; Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55), 117.

125. tong

126. Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 14.

127. Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55), 118.

۱۲۸. این دیدگاه ناظر بر فهم کین یا کینگ از دیالکتیک چینی نیز هست که در آن، «الف» و «غیر الف» در جریان تبادل میان آن‌ها دائماً در حال بازتعریف هویت خود هستند.

See Qin Yaqing, "International Society As a Process: Institutions, Identities, and China's Peaceful Rise", *The Chinese Journal of International Politics* 3 (2010): 129-153; Qin Yaqing, "Continuity through Change: Background Knowledge and China's International Strategy", *The Chinese Journal of International Politics* 7, no 3. (2014): 285-314.

129. Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55), 118 (trans. N. G.).

130. Ibid.; Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 15.

لازم بقای پدیده‌ها است. «بنابراین، همزیستی پیش شرط وجود است».^{۱۳۱} ثالثاً رابطه دوسویه میان انسان‌ها به ایجاد شرایطی کمک می‌کند که در آن همگان از این روابط منتفع می‌شوند. به باور ژائو، این اصل تفاوت‌های میان هماهنگی و همکاری را برجسته می‌کند، زیرا اصل همکاری را می‌توان به عنوان اصل «احترام به آزادی خود و دیگران» تفسیر کرد، حال آن‌که هماهنگی یک اصل قوی‌تر و متضمن این معنا است که «احترام به آزادی دیگران مشروط به احترام به آزادی خود فرد و بهبود شرایط فرد نیز مشروط به ایجاد امکان آن خواهد بود».^{۱۳۲} بدین ترتیب، هماهنگی در شرایط ایده‌آل یک بازی را خلق می‌کند که در آن کسب موفقیت مشترک به شکلی اجتناب‌ناپذیر به رابطه متقابل میان بازیگران مختلف مشروط خواهد بود. «الف» تنها زمانی می‌تواند منتفع شود که «ب» نیز منتفع شود و بالعکس.^{۱۳۳} در واقع هماهنگی شالوده‌ای است که بنای یک نهاد جهانی موفق باید بر پایه آن استوار باشد. کوتاه سخن آن‌که ژائو از طریق تأکید بر هستی‌شناسی همزیستی و ضرورت همکاری و هماهنگی و رابطه‌محور بودن تمامی بازیگران، دیدگاه خاصی را از جهان به دست می‌دهد. وی با توجه به همین معنا به بازتعریف مفهوم تیان‌شیا به عنوان شیوه‌ای برای تأکید بر یک مفهوم فلسفه سیاسی منبعث از اندیشه چینی در باب نظم سیاسی و نظم بین‌الملل می‌پردازد.

طرح چین موسوم به یک کمر بند یک جاده: یک تلقی جدید از نظم بین‌الملل؟

آقای شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در اوایل سپتامبر ۲۰۱۳ برای نخستین بار از ایجاد کمر بند اقتصادی جاده ابریشم به عنوان یک طرح اقتصادی با هدف تعمیق همکاری‌ها و گسترش توسعه در منطقه اوراسیا سخن گفت.^{۱۳۴} یک ماه پس از آن، آقای شی از اندونزی

131. Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55), 118 (transl N.G).

۱۳۲. ایده نخست به یک وجود نسبتاً ناب اشاره دارد که طبق آن، «من زندگی می‌کنم و به شما نیز اجازه می‌دهم زندگی کنید». اما هماهنگی، همگان را در یک رابطه مشروط با دیگران (همزیستی) قرار می‌دهد که طبق آن «من زمانی می‌توانم زندگی کنم که به شما اجازه زندگی کردن بدهم و زمانی می‌توانم پیشرفت کنم که به شما امکان و اجازه پیشرفت بدهم».

Zhao, "A Political World Philosophy in Terms of All-under-heaven (Tianxia)" (see note 55), 15.

۱۳۳. ژائو همچنین از راهبرد مبتنی بر هماهنگی خود با عنوان «پیشرفت کنفیوسی» نیز نام می‌برد.

134. For more information about the initial Chinese discourse about the Silk Road initiatives, see Nadine Godehardt, *Chinas "neue" Seidenstraßeninitiative. Regionale Nachbarschaft als Kern der chinesischen Außenpolitik unter Xi Jinping*, SWP-Studie 9/2014 (Berlin: Stiftung Wissenschaft und Politik, June 2014).

دیدن کرد و در جریان این سفر به معرفی طرح «جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱»^{۱۳۵} پرداخت که مکمل طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم است و قرار است چین را با عبور از اقیانوس هند و آفریقا به اروپا پیوند دهد. هر چند طرح‌های چین در ارتباط با جاده ابریشم که اکنون رسماً نام «یک کمربند یک جاده» بر آن‌ها اطلاق شده به ویژه در ابتدا به لحاظ محتوا بسیار مبهم بودند، اما این طرح‌ها صرفاً تبلور شتاب‌زده تصویر دیگری از جاده ابریشم نیستند.^{۱۳۶} در واقع از زمان سخنرانی آقای شی در قزاقستان عبارت «یک کمربند یک جاده» به سرعت وارد گفتمان دانشگاهی، سیاسی و عمومی چین شده است. از همین رو این عبارت بارها در تمامی مناسبت‌های ممکن مطرح شده است. طرح جاده ابریشم در مدت زمانی بسیار اندک به نماد غالب سیاست خارجی، روابط با همسایگان منطقه‌ای و نیز برخی مسائل داخلی چین به ویژه در پیوند با توسعه اقتصادی این کشور تبدیل شد. جالب آن که محدوده جغرافیایی طرح یک کمربند یک جاده هرگز به طور رسمی مشخص نشده است. در تمامی نقشه‌هایی که توسط منابع چینی یا سایر منابع منتشر شده‌اند نیز تنها به ارائه تفسیرهایی از اظهارنظرها یا اسناد رسمی پرداخته شده است. در اکثر نقشه‌ها، حتی مرزهای میان کشورها نیز نمایش داده نشده‌اند و به جای آن‌ها به نمایش دالان‌ها، مناطق و شهرهای مختلف پرداخته شده است.^{۱۳۷}

اما همین تکرار این عبارت سیاسی که در نگاه نخست عبارتی توخالی به نظر می‌رسند، از بسیاری جهات تابع الگوی غالب مورد استفاده چین در اعلام سیاست‌های جدید داخلی و خارجی این کشور است. معرفی مفاهیمی مانند «جامعه-جهان هماهنگ» و «توسعه مسالمت‌آمیز» نمونه دیگری از استفاده چین از همین الگو است. با توجه به این مسئله، ارزیابی اشاره به جاده ابریشم به عنوان مسیر قدیمی تجارت نیز به همین شکل دشوار است. رهبران چین معمولاً به دنبال آن هستند تا در مورد معنای واقعی این عناوین سیاسی در جریان معرفی آن‌ها برای نخستین

135. 21st Century Maritime Silk Road

۱۳۶. تصویر جاده ابریشم به شکل کاملاً گسترده‌ای در عرصه سیاست بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است و این استفاده نیز صرفاً به حوزه سیاست خارجی کشورهای متعدد (مانند کشورهای آسیای میانه، ترکیه و ...) راهبرد جدید جاده ابریشم به ابتکار آمریکا در ارتباط با آینده افغانستان و نیز چندین طرح در حوزه اتصال زمینی اروپا و آسیا (طرح‌های حمل و نقل) محدود نبوده است. از این تصویر همچنین در ابتکارات گذشته چین و به ویژه در توصیف سیاست زیربنایی چین در قبال مناطق غربی این کشور نیز استفاده شده است. بنابراین، حتی در گفتمان سیاسی چین نیز مفهوم جاده ابریشم به کلی تازگی ندارد؛ اما این ایده هیچ‌گاه در چارچوب یک سیاست جامع در راستای نزدیک‌تر کردن پیوند میان سیاست داخلی چین و سیاست این کشور در قبال کشورهای همسایه به شکل موفق به موعد اجرا گذاشته نشد.

۱۳۷. از ماکسیمیلیان میر به دلیل گوشزد کردن این نکته قدردانی می‌کنم.

بار کم‌ترین اطلاعات مشخص را ارائه کنند.^{۱۳۸} اما این ابهام غالباً فضایی را برای طرح مباحث داغ در محافل دانشگاهی، رسانه‌ها یا به طور کلی در میان افکار عمومی ایجاد می‌کند. اغلب طرح‌ها در ابتدا تنها حاوی نقاط شروعی برای آغاز بحث هستند و هنوز به مرحله جامعیت نرسیده و در قالب برنامه‌های سیاسی مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته‌اند. در واقع، این طرح‌ها به تلاش محققان، کارشناسان یا سیاست‌گذاران در جهت ارائه ایده‌های ملموس جهت اجرا و نیز تلاش آن‌ها در جهت شرح و بسط محتوای این عناوین سیاسی وابسته‌اند.

از همین رو رهبران چین، اندیشکده‌ها، مؤسسات پژوهشی و بخش‌های مختلف دولت^{۱۳۹} و نیز استانداری‌ها در سطح کشور را به برگزاری کارگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی با هدف گسترش مباحث در این حوزه تشویق کرده‌اند. در مورد طرح موسوم به یک کمربند یک جاده، تقاضای فراوانی جهت طرح مباحث وجود داشته است. از زمان سخنرانی آقای شی در قزاقستان در سپتامبر ۲۰۱۳، ده‌ها سمینار با موضوع طرح یک کمربند یک جاده در سرتاسر چین برگزار شده است، چندین مؤسسه پژوهشی ویژه این طرح تأسیس شده‌اند و در اواخر مارس ۲۰۱۵ نیز دولت چین گروه ویژه‌ای را مأمور نظارت بر روند هماهنگ‌سازی و اجرای پروژه‌های مختلف در چارچوب این طرح کرد.^{۱۴۰}

پس از اعلام طرح‌های جدید در ارتباط با جاده ابریشم، کارشناسان چینی در ابتدا به این مسئله واکنش‌هایی محتاطانه و کلی داشتند. آن‌ها یا جنبه ژئوپولیتیک این طرح‌ها را در برابر تلاش‌های آمریکا و یا اهمیت فرمانطقه‌ای آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دادند. اما محور این تأکیدات از اواسط سال ۲۰۱۴ به این سو اندکی تغییر کرده است. مجامع متعدد مرتبط با جاده ابریشم و شمار طرح‌های پژوهشی تازه، نشان دهنده دو تحول دیگر هستند. اولاً اکثر این مجامع در استان‌های مختلف چین برگزار شدند و لذا بسیاری از مقامات محلی نیز در آن‌ها مشارکت داشتند. مشارکت این مقامات بی تردید یک بُعد قوی‌تر داخلی و اجتماعی-اقتصادی را به طرح‌های مربوط به جاده ابریشم افزوده است. ثانیاً ترکیب غالباً بسیار متنوع شرکت‌کنندگان

138. William A. Callahan, *China Dreams: 20 Visions of the Future* (Oxford: Oxford University Press, 2013).

۱۳۹. به احتمال بسیار قوی تمامی بخش‌های تحت مدیریت شورای حکومتی و در مورد طرح یک کمربند یک جاده نیز کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی (NDRC) به طور اخص.

140. For example: China's OBOR Strategic Research Institute at the Beijing International Studies University, <http://obor.bisu.edu.cn/>, or the OBOR Research Institute at the China Institute of International Studies at Beijing, http://www.ciis.org.cn/chinese/node_544601.htm. See also, "China Sets Up Leading Team on Belt and Road Initiative", Xinhuanet Online, 29 March 2014, http://news.xinhuanet.com/english/2015-03/29/c_134107435.htm (accessed 1 September 2015).

به طرح دیدگاه‌های به شدت متفاوت در مورد حوزه‌های بالقوه همکاری در میان کشورهای واقع در مسیر جاده ابریشم منجر شد. اما این مسئله نیز روشن شد که طرح یک کمربند یک جاده صرفاً به برنامه‌های زیرساختی معمول مربوط نمی‌شود (هرچند این برنامه‌ها هنوز بعد قابل توجهی از این طرح به شمار می‌روند)، بلکه این طرح باید شامل مواردی مانند مسائل زیست‌محیطی، مسائل مربوط به شهرنشینی و نیز ایجاد همکاری میان شهرهای کلیدی در مسیر جاده ابریشم نیز باشد.

در گزارش رسمی با عنوان «دورنما و اقدامات در زمینه ساخت مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی در قرن ۲۱» که اخیراً نیز منتشر شده است، بسیاری از نظراتی که در میان محققان، کارشناسان، مقامات محلی، روزنامه‌نگاران و کارآفرینان مورد بحث و بررسی قرار گرفته بودند نیز گنجانده شده‌اند^{۱۴۱}. اما ظاهراً نویسندگان این گزارش تمامی پیشنهادها مطرح شده از سپتامبر ۲۰۱۳ تا مارس ۲۰۱۵ را نیز در این گزارش گنجانده‌اند. با نگاهی دقیق به این گزارش چنین به نظر می‌رسد که ابهام در سخنان آقای شی جای خود را به ارائه فهرستی از تمامی پیشنهادها مطرح شده به مناسبت‌های مختلف داده و بدین ترتیب طرح یک کمربند یک جاده به یکی از بلندپروازانه‌ترین چشم‌اندازهای سیاسی سالیان اخیر بدل شده است.

سه جنبه از این گزارش به طور خاص جلب توجه می‌کند. نخست آن که نویسندگان در این گزارش به شکل برجسته‌ای بر فراگیر بودن این طرح و فرصت ایجاد همکاری برد-برد به شکلی که تمامی کشورهای شرکت‌کننده در این طرح واقع در مسیر جاده ابریشم از آن منتفع شوند، تأکید می‌کنند.^{۱۴۲} هدف اصلی در این طرح تقویت به هم پیوستگی متقابل از طریق تقویت زیرساخت‌های معمول و ایجاد شبکه‌ای از شهرهای کلیدی است. این بخش‌ها غالباً ظاهراً مشابه احیای طرح بزرگ توسعه مناطق غربی چین^{۱۴۳} هستند، تنها با این تفاوت که در این مورد خاص، تمرکز اصلی بر توسعه مناطقی خارج از مرزهای چین است.^{۱۴۴}

141. Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-century Maritime Silk Road, issued by the NDRC, Ministry of Foreign Affairs, and Ministry of Commerce of the People's Republic of China with State Council authorization (March 2015), http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html (accessed 1 September 2015).

۱۴۲. «فراگیر بودن» عبارتی است که بارها از سوی شی جین پینگ مورد استفاده قرار گرفته است. وی در هر مناسبت رسمی به فراگیر بودن طرح‌های جدید کشورش نه تنها در پیوند با طرح‌های مربوط به جاده ابریشم، بلکه در مورد بانک توسعه بریکس و بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا اشاره می‌کند.

143. Great Western Development Strategy

۱۴۴. این طرح از سوی رهبران چین و با هدف توسعه بخش غربی چین، به ویژه از طریق تقویت امکانات زیرساختی تدوین شده است. این طرح در سال ۲۰۰۰ آغاز شد.

نکته دوم آن که نویسندگان گزارش بر ارتباط نزدیک میان طرح یک کمربند یک جاده و کریدوره‌ای مختلف مانند کریدور اقتصادی چین-پاکستان و کریدور اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار تأکید می‌کنند. آن‌ها همچنین به مؤسسات مالی متعددی مانند بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا، بانک توسعه نوین (سابقاً بانک توسعه بریکس) و صندوق جاده ابریشم به عنوان بخش‌هایی از طرح یک کمربند یک جاده اشاره می‌کنند. همچنین آن‌ها در این رابطه به قصد چین برای ادامه مذاکرات پیرامون بانک توسعه سازمان همکاری‌های شانگهای نیز اشاره می‌کنند. این مسئله همچنین بیان‌گر تمایل چین به ایجاد یک پشتوانه مالی قوی برای اجرای طرح یک کمربند یک جاده، عمدتاً از طریق تأسیس بانک‌ها یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری چندجانبه و نیز از طریق جلب حمایت مؤسسات مالی داخلی مانند بانک صادرات-واردات یا بانک توسعه چین است.^{۱۴۵}

نکته سوم آن که طرح یک کمربند یک جاده به ویژه در پیوند با افزایش میزان توجه به مناطق مرزی چین دارای یک بعد داخلی و اجتماعی-اقتصادی نیز هست. به دیگر سخن، در این گزارش برخی استان‌های کلیدی مانند شین جیانگ، فوجیان، گوانگسی و یونان معرفی شده‌اند که باید به تقویت همکاری‌های خود با کشورهای همسایه پردازند. البته حضور این عنصر در سیاست چین تازگی ندارد، اما آنچه آشکارا تازگی دارد این است که این بخش‌های مختلف سیاست چین (سیاست داخلی، خارجی، منطقه‌ای و ...) هم اینک در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده گنجانده شده‌اند.

ویژگی‌های کلیدی طرح یک کمربند یک جاده

طرح یک کمربند یک جاده هنوز به یک راهبرد بزرگ که بتوان آن را به عنوان الگویی در برابر تمامی سازوکارها، مقررات و ارزش‌هایی که مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده نظم موجود بین‌الملل، ارائه کرد، تبدیل نشده است. تفکر به شیوه سیاه و سفید نیز در این مقطع چندان سودمند نیست، زیرا چنین تفکری موجب نادیده گرفته شدن این واقعیت می‌شود که چینی‌ها نمی‌توانند به سادگی روایتی را در برابر وضعیت کنونی مطرح کنند. علاوه بر این، چین خود بخشی از نظام بین‌المللی موجود است که در شبکه‌های جهانی نیز ادغام شده است و پیشبرد تدریجی طرح یک کمربند یک جاده نیز مستلزم وجود یک نظام بین‌المللی باثبات خواهد بود. با این حال، طرح یک کمربند یک جاده را می‌توان به مثابه واکنش فعالانه چین به

۱۴۵. این حقیقت که این گزارش توسط کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات نیز منتشر شده، نشان می‌دهد که طرح یک کمربند یک جاده به ویژه در ارتباط با استان‌های مرزی چین دارای یک بعد داخلی نیز هست.

پسچیدگی فزاینده در جهان تلقی کرد که به طور قطع ظرفیت بالقوه تبدیل شدن به یک تلقی جایگزین از نحوه نظم‌دهی به عرصه سیاست بین‌الملل در آینده را دارد. این طرح، نماد یک مفهوم سیاسی سیال است که در آن سازوکارهای تازه‌ای جهت همکاری ایجاد یا نهادها و طرح‌های موجود در یکدیگر ادغام می‌شوند.^{۱۴۶} از این نظر، طرح یک کمر بند یک جاده با الگوی اروپا مرکز قاعده‌محور ما از نظم بین‌الملل بسیار متفاوت است.

اولاً طرح یک کمر بند یک جاده عمدتاً به ایجاد و تقویت همکاری در میان کشورهای در مسیر جاده ابریشم مربوط می‌شود. هدف از اجرای این طرح، ایجاد شبکه‌های همکاری در حوزه‌های متعدد و در سطوح سیاسی متعدد است. اصل بنیادین این طرح بازتاب توصیف ژائو تین جیانگ از یک نظم موفق است که در آن «به حداکثر رساندن همکاری حتی از به حداقل رساندن تضاد نیز مهم‌تر است، زیرا اولی متضمن دومی است اما دومی متضمن اولی نیست»^{۱۴۷}. این اصل همچنین در مباحث پیرامون طرح یک کمر بند یک جاده در چین نیز بازتاب یافته است که در آن‌ها عمدتاً بر منافع مشترک و فرصت‌های اقتصادی و کم‌تر بر تهدیدات و چالش‌های امنیتی تمرکز می‌شود.^{۱۴۸} همچنین این اصل یک بار دیگر ما را به تلقی نسبتاً ساده چینی‌ها از مفهوم ثبات رهنمون می‌شود که همان عدم وجود هرج و مرج است.

ثانیاً طرح یک کمر بند یک جاده طرحی انعطاف‌پذیر، فراگیر و باز است. از همین رو گستره جغرافیایی این طرح به طور قطعی تعیین نشده و همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد. چنانکه در گزارش رسمی مارس ۲۰۱۵ نیز اشاره شده است، طرح یک کمر بند یک جاده به میزان فزاینده‌ای به عنوان طرحی سودمند برای مردم و کشورهای مختلف در سرتاسر جهان تلقی می‌شود.^{۱۴۹} این مسئله که رهبران چین هنوز نقشه رسمی طرح مذکور را منتشر نکرده‌اند نیز نشان‌دهنده باز بودن راه مشارکت در این طرح برای تمامی کشورهای جهان و فراگیر بودن

۱۴۶. در اجلاس سازمان همکاری‌های شانگهای و اجلاس سران گروه بریکس در ژوئیه ۲۰۱۵ و به صورت همزمان برگزار شدند، حتی طرح روسیه در زمینه تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز با طرح یک کمر بند یک جاده مرتبط دانسته شد و حتی با آن ادغام گردید. از نگاه چینی‌ها، این امر نه نشانه تناقض، بلکه تبلور مفهوم فراگیر بودن به عنوان ویژگی بارز طرح این کشور است.

147. Zhao, *Investigations of the Bad World* (see note 55), 106.

۱۴۸. البته این بدان معنا نیست که کارشناسان و سیاست‌گذاران چینی نسبت به مسائل امنیتی آگاهی ندارند، بلکه مسئله امنیت در پیوند با طرح یک کمر بند یک جاده مسئله اصلی نیست.

۱۴۹. ژنرال کیائو لینگ در یک سخنرانی در دانشگاه دفاع از جمله گفت: «به عنوان یک ابرقدرت نوظهور، طرح یک کمر بند یک جاده نخستین مرحله از پوستن چین به روند جهانی شدن است. فرایند قدرت‌گیری چین به عنوان کشوری بزرگ باید مبتنی بر برنامه‌ای جهت پیشبرد جهانی شدن باشد».

Qiao Liang, "One Belt, One Road", *Eurasian Review of Geopolitics*, 17 July 2015, <http://temi.repubblica.it/times-heartland/one-belt-one-road/2070> (accessed 1 September 2015).

آن است. هر کشوری که در ارتباط با جاده ابریشم یا یکی از نهادهای مرتبط با این طرح دارای منافعی باشد، می‌تواند در این طرح مشارکت کند.^{۱۵۰} اما علیرغم این جهت‌گیری فراگیر، موفقیت طرح یک کمربند یک جاده و نهادهای مرتبط با آن به تنوع کشورهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند نیز بستگی خواهد داشت. طبق استدلال ژائو تین جیانگ، فراگیر بودن به معنای صرف همسانی مبتنی بر اجبار نیست. بنابراین، همکاری موفق مستلزم وجود منافع و قابلیت‌های متنوعی نیز خواهد بود. اما بسیار مهم است که تأکید چینی‌ها بر همکاری برد-برد نباید لزوماً به معنای قرار داشتن در شرایط کاملاً برابر تلقی شود. حتی در صورت توزیع نابرابر سهام اقتصادی نیز امکان ایجاد موقعیت برد-برد وجود دارد.^{۱۵۱}

ثالثاً، مأموریت اصلی در این طرح ایجاد یک شبکه اقتصادی و سیاسی فراگیر است که بتواند به تقویت به هم پیوستگی متقابل میان کشورهای واقع در مسیر جاده ابریشم کمک کند. در همین راستا طرح یک کمربند یک جاده از یک سو تمامی انواع بازیگران در داخل چین و از جمله استانداری‌ها و شهرداری‌ها، بانک‌ها، مؤسسات کنفوسیوسی و دانشگاه‌های دولتی را در بر می‌گیرد. بخش عمده فعالیت‌های بیرونی این بازیگران اکنون به عنوان بخشی از طرح یک کمربند یک جاده تعریف شده‌اند.^{۱۵۲} از سوی دیگر، همکاری در قالب ساختارهای بسیار متنوعی مانند سازوکارهای چندجانبه‌ای که به ابتکار چین ایجاد شده‌اند^{۱۵۳}، سایر مؤسسات چندجانبه^{۱۵۴} و روابط دوجانبه صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، چین آشکارا محور اصلی طرح یک کمربند یک جاده را تشکیل می‌دهد. با توجه به شبکه رو به رشد همکاری‌ها، کشورها به شکل فزاینده‌ای با چین پیوند می‌یابند و اهمیت هر بازیگر با توجه به جایگاه خاص آن در شبکه یک کمربند یک جاده چین تعیین می‌شود.

۱۵۰. در همین چارچوب، کارشناسان و مقامات رسمی چین معمولاً به تمایل فزاینده سایر کشورها به مشارکت در طرح یک کمربند یک جاده از زمان اعلام خبر آن اشاره می‌کنند. نگارنده در چندین ملاقاتی که با کارشناسان و مقامات رسمی چینی در سال ۲۰۱۵ داشته، شاهد بیان این قبیل اظهارات از سوی آن‌ها بوده است.

۱۵۱. برای برخی کشورها حتی داشتن رابطه اقتصادی با تراز منفی با چین نیز ممکن است باز هم مطلوب باشد، زیرا روابط اقتصادی چین معمولاً مشروط به جهت‌گیری‌های سیاسی نیستند.

۱۵۲. این مسئله حتی در مورد مبادلات فرهنگی در مسیر جاده ابریشم به عنوان یکی از بخش‌های بسیار مهم طرح یک کمربند یک جاده نیز مصداق دارد. بنابر اظهارات یکی از نمایندگان کمیته خارجی شورای مشورتی سیاسی خلق چین به شخص نگارنده، هدف اصلی افزایش میزان آشنایی با زبان و فرهنگ چین در کشورهای واقع در مسیر جاده ابریشم است.

۱۵۳. به عنوان نمونه می‌توان به بانک سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی آسیا، سازوکار ۱۶+۱ به عنوان حلقه ارتباطی میان چین و ۱۶ کشور اروپای مرکزی و شرقی و چندین جلسه سه‌جانبه مانند جلسات اخیر میان مقامات روسیه، چین و مغولستان اشاره کرد.

۱۵۴. مانند بریکس، اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا.

این همه سروصدا برای چیست؟

طی سال‌های گذشته بسیاری از کشورها شبکه متراکمی از همکاری‌ها را با چین به وجود آورده‌اند. به عنوان نمونه، آلمان و چین به تنهایی از بیش از ۶۰ سازوکار همکاری استفاده می‌کنند که به تقویت روابط میان دولت‌ها، احزاب سیاسی، مجالس قانون‌گذاری، محافل دانشگاهی و اندیشکده‌ها کمک می‌کنند. گذشته از این، چین بزرگ‌ترین کشور طرف مبادلات تجاری در جهان است. علاقه سایر کشورها به تقویت روابط اقتصادی با چین علیرغم تمامی تردیدهای موجود در مورد منویات این کشور یا سیاست خارجی جدید تهاجمی این کشور، به هیچ وجه کمرنگ نشده است. همین مسئله طرح این پرسش اندکی بدبینانه را موجه می‌سازد که این همه جار و جنجال در مورد جاده ابریشم و طرح یک کمر بند یک جاده، واقعاً برای چیست.

پاسخ مؤدبانه به این پرسش چنین است: پیوند فزاینده روابط چین با سایر کشورها با طرح یک کمر بند یک جاده مسئله‌ای حائز اهمیت است. اکثر سازوکارهای تازه تأسیس یا موجود مربوط به همکاری‌های چندجانبه و مسائل مالی و نیز بسیاری از روابط دوجانبه، اکنون به عنوان بخشی از طرح یک کمر بند یک جاده تلقی می‌شوند.^{۱۵۵} به عنوان نمونه سفر شی جین پینگ به بندر دویسبورگ در مارس ۲۰۱۴ همچنین نشان داد که چگونه طرف چینی بازدید خود از تکمیل طرح احداث خط آهن بین‌المللی چونگ کوینگ-شین جیانگ-اروپا^{۱۵۶} را به دورنمای احداث مسیری مانند جاده ابریشم میان اروپا به ویژه آلمان و چین پیوند داده است.^{۱۵۷} رهبران

۱۵۵. تنها استثنا در این زمینه رابطه چین با ایالات متحده آمریکا است که همواره اهمیت خاصی در عرصه روابط خارجی چین داشته است. کارشناسان چینی در مورد طرح یک کمر بند یک جاده غالباً به این نکته اشاره می‌کنند که آمریکا نیز می‌تواند در مقطعی در این طرح مشارکت کند و نیز نباید این طرح را به عنوان واکنش راهبردی چین در برابر تمرکز تلاش‌های آمریکا بر روی آسیا و به ویژه توافق همکاری‌های تجاری ترانس‌پاسیفیک که چین هنوز به عضویت آن در نیامده است تلقی کرد. این دیدگاه تا حدی درست و تا حدی نیز نادرست است. بنابراین، روشن است که طرح یک کمر بند یک جاده واکنشی در برابر فعالیت‌های آمریکا در آسیا نیست و چنین دیدگاهی در مورد این طرح بسیار ساده‌انگارانه خواهد بود. اما این طرح واکنشی به توافق تجاری مذکور و نیز همکاری‌های میان آمریکا و اروپا در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری یعنی همان توافق پیشنهادی تجارت آزاد میان اتحادیه اروپا و آمریکا است که چین تا به امروز در هیچ یک از این دو مشارکت ندارد.

۱۵۶. این خط آهن بخشی از یک شبکه گسترده مسیرهای ترابری جهت انتقال کالا و مسافر از آسیا به اروپا است. امکان افتتاح این خط آهن در سال ۲۰۱۱ نیز وجود داشت.

157. "President Xi Calls on China, Germany to Build Silk Road Economic Belt", CCTV, 30 March 2014, <http://english.cntv.cn/2014/03/30/ARTI1396137868612808.shtml> (accessed 1 September 2015); "President Xi Jinping Visits the Port of Duisburg, Germany", Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 30 March 2014, http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_665678/xjpxcxds-jhaqhfbfwhlfgdgbshlhjgkzbbomzb_666590/tl164914.shtml (accessed 1 September 2015).

چین از همان آغاز از طرح‌های مربوط به جاده ابریشم و بعدها از طرح یک کمربند یک جاده برای بازتعریف روابط خود با بسیاری از کشورها و نهادها - و یا حتی طرح‌های زیربنایی درازمدت - به عنوان بخش مهمی از معرفی طرح یک کمربند یک جاده به عنوان یک شبکه همکاری و پیوند متقابل بهره گرفتند.^{۱۵۸}

این مسئله در مورد روابط چین با اروپا نیز مصداق دارد. هرچند هم اینک نیز سازوکارهای مشخص فراوانی جهت گفتگو میان چین و اتحادیه اروپا وجود دارند، رهبران سابق چین تصمیم گرفتند تا در آوریل ۲۰۱۲ ایجاد سازوکار تازه‌ای جهت گفتگو میان این کشور و ۱۶ کشور اروپای مرکزی و شرقی^{۱۵۹} را تحت عنوان ۱۶+۱ اعلام کنند.^{۱۶۰} امروزه گروه ۱۶+۱ به عنوان یکی از عناصر بسیار مهم طرح یک کمربند یک جاده تلقی می‌شود و این مسئله در گردهمایی اخیر این گروه در سوژو^{۱۶۱} که نخستین جلسه این گروه در چین به شمار می‌رفت نیز آشکار بود.^{۱۶۲} همچنین چین روابط دوجانبه بسیار خوبی نیز با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی دارد. در ژوئن ۲۰۱۵، مجارستان به عنوان نخستین کشور عضو اتحادیه اروپا یادداشت تفاهمی را در راستای کمک به اجرای طرح یک کمربند یک جاده با چین به امضاء رساند. اندکی پس از آن، چین و لهستان تصمیم گرفتند یک موافقت‌نامه همکاری را در پیوند با طرح مذکور به امضا برسانند. این موافقت‌نامه به تقویت هرچه بیشتر روابط دوجانبه میان دو کشور مربوط می‌شود و در آن عمدتاً بر تدوین و اجرای طرح‌های مشترک در حوزه احداث راه‌آهن تمرکز شده است.^{۱۶۳} این اسناد ممکن است در نگاه نخست مانند هر توافق دوجانبه میان یک

۱۵۸. گروه بریکس نیز یک نمونه دیگر است. بریکس زمانی به عنوان سازمانی تأسیس شد که می‌توانست ساختار مالی کنونی حاکم بر جهان را به چالش بگیرد و بیش‌تر اعضای این گروه به احتمال قوی همچنان همین تصور را نسبت به آن دارند، اما نگاه چین به این گروه نگاهی متفاوت است. از نگاه چین - که البته در گزارش رسمی در مورد طرح یک کمربند یک جاده نیز به روشنی بر آن تأکید شده است - گروه بریکس و به ویژه بانک توسعه نوین اکنون در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده فعالیت می‌کنند. این مسئله همچنین در کنفرانس بین‌المللی که تحت عنوان «بریکس: آمال و فرصت‌های سیاسی» که در مسکو و در روزهای ۳۰ نوامبر تا اول دسامبر ۲۰۱۵ برگزار شده بود نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

۱۵۹. از میان این ۱۶ کشور، ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا هستند. این ۱۶ کشور عبارتند از آلبانی، بوسنی، بلغارستان، استونی، کرواسی، لتونی، مقدونیه، مونته‌نگرو، لهستان، صربستان، اسلواکی، اسلوانی، جمهوری چک، مجارستان و رومانی.

160. Justyna Szczudlik-Tatar, "China's Charm Offensive in Central and Eastern Europe: The Implementation of Its '12 Measures' Strategy", PISMBulletin 106, 4 October 2013, https://www.pism.pl/files/?id_plik=14927 (accessed 1 September 2015).

161. Suzhou

162. See "For China, Central and Eastern Europe, Is 16+1 Really Greater than 17?", Global Times, 13 December 2015, <http://www.globaltimes.cn/content/958133.shtml> (accessed 15 December 2015).

۱۶۳. گفتگو میان نگارنده و نماینده سفارت لهستان در آلمان. ایضاً ن.ک. به

"China and Poland to Sign 'One Belt, One Road' Cooperation Agreement", Global Times, 17 June 2015, <http://www.globaltimes.cn/content/927483.shtml> (accessed 1 September 2015).

کشور اروپایی و چین به نظر برسند، اما این فعالیت‌ها در چین به عنوان گام موفق دیگری در جهت تقویت شبکه همکاری چین در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده تلقی می‌شوند. بنابراین، دولت‌های اروپایی و سایر دولت‌ها باید توجه داشته باشند که طرح یک کمربند یک جاده بر روابط کنونی و آینده آن‌ها با چین تأثیر خواهد داشت. اکثر کشورهای اروپایی از هم اینک به واسطه موافقت‌نامه‌های دوجانبه و یا عضویت در یکی از سازوکارهای موجود (گروه ۱۶+۱، بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا، اتحادیه اروپا و ...) به عنوان بخشی از این طرح تلقی می‌شوند. چین به نظر می‌رسد که بسیاری از دولت‌های اروپایی، هر چند به شکل ضمنی، بدون درک این مسئله که طرح یک کمربند یک جاده به طور بالقوه می‌تواند ساختار نظام بین‌الملل کنونی را دگرگون کند دورنمای موردنظر چین را پذیرفته‌اند.

نتایج

طرح یک کمربند یک جاده بلندپروازانه‌ترین و ملموس‌ترین طرح چین در حوزه سیاست خارجی طی سه سال گذشته است. با این حال توصیف این طرح دشوار است و توضیحاتی که در مورد این طرح ارائه می‌شوند غالباً پراکنده و مبهم هستند. بزرگترین چالش در این زمینه استفاده از زبان یا به بیان دقیق‌تر ارائه تفسیری است که بتواند در زبان چینی و نیز زبان‌های غربی مؤثر واقع شود. دقیقاً از همین رو است که در اینجا به ارائه تصویر طرح یک کمربند یک جاده به عنوان یک شبکه همکاری فراگیر، باز و جهانی پرداخته‌ایم. اولاً این ایده تا حد زیادی از تفکر سنتی چینی پیرامون سازمان‌دهی جامعه و نظم سیاسی سرچشمه می‌گیرد. ثانیاً این تصویرسازی به ما در درک لایه‌های مختلف این طرح که حداقل متضمن سه جنبه است کمک می‌کند. جنبه نخست این است که طرح یک کمربند یک جاده نه یک سازمان با قواعد تعریف شده، بلکه یک دورنمای سیاسی انعطاف‌پذیر، فراگیر و باز است. طرح یک کمربند یک جاده نمود یک چارچوب فاقد مرزهای مشخص است که شرکت‌کنندگان همچنان می‌توانند در آن تغییراتی ایجاد کنند.

وجه دوم این طرح آن است که هدف از اجرای آن تقویت همکاری و پیوند متقابل میان چین و سایر کشورهای مشارکت‌کننده در این طرح است. در این ارتباط، سازوکارهای دوجانبه و چندجانبه کنونی همکاری به شکل فزاینده‌ای به طرح یک کمربند یک جاده ارتباط داده شده‌اند. سایر سازوکارهای مالی مانند بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا یا صندوق جاده ابریشم نیز به تازگی و با هدف کمک به تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای

طرح یک کمربند یک جاده ایجاد شده‌اند. همچنین از نگاه چین، همپوشانی وابستگی‌های برخی بازیگران مانند مورد مربوط به لهستان که همزمان در اتحادیه اروپا، گروه ۱۶+۱ و بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا عضویت دارند و با خود چین نیز روابط دوجانبه رو به رشدی دارند، مشکلی ایجاد نمی‌کند (تمامی این وابستگی‌ها هم اینک در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده تعریف شده‌اند). در شرایط ایده‌آل، لزومی ندارد که بازیگران مختلف از میان سازوکارهای متعدد حتی در مواردی که این سازوکارها بر مبنای قواعد یا منافع بسیار متفاوتی ایجاد شده‌اند، یکی را برگزینند. وجه سوم طرح یک کمربند یک جاده آن است که این طرح پروژه‌های زیرساختی ملموس (ارتباطات، منابع انرژی/شبکه‌های انتقال برق و حمل و نقل) را دربر می‌گیرد که شرکت‌ها، بانک‌ها، استانداری‌ها و سایر نهادهای دولتی در چین نیز در آن‌ها مشارکت دارند. در نتیجه تمامی پروژه‌های راه‌آهن - صرف نظر از اینکه مدت‌ها قبل از مطرح شدن طرح یک کمربند یک جاده آغاز شده باشند - سرمایه‌گذاری‌ها در بنادر ساحلی مانند گوادر^{۱۶۴} و پیرائوس^{۱۶۵} و یا تلاش چین برای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در آفریقا را اکنون می‌توان به طرح یک کمربند یک جاده مرتبط کرد.

طبق این تفسیر، خطر اصلی برای کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا در حوزه روابطشان با چین تمرکز بر پروژه‌های زیربنایی، برخی سازوکارهای خاص مانند بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا و مذاکرات دوجانبه بدون توجه به این مسئله است که از نگاه طرف چینی تمامی این موارد با طرح یک کمربند یک جاده ارتباط پیدا می‌کنند. بنابراین، تمرکز صرف بر برخی از بخش‌های معین طرح یک کمربند یک جاده موجب غفلت از این واقعیت می‌شود که اکثر این پروژه‌ها، سازوکارها و روابط، بخشی از دورنمای چین برای ایجاد یک شبکه فراگیر هستند که گستره آن به طور بالقوه می‌تواند کل جهان را در بر بگیرد. علاوه بر این، ناآگاهی کنونی نسبت به چارچوب گسترده‌تری که طرح یک کمربند یک جاده در آن مطرح شده می‌تواند به تقویت بازیگران چینی در ایجاد رقابت میان تک‌تک اعضای اتحادیه اروپا علیه کل این اتحادیه یا ایجاد رقابت میان اتحادیه اروپا و سازوکارهای دیگری مانند مجمع ۱۶+۱ منجر شود. کشورهای اروپایی و به ویژه وزارتخانه‌های امور خارجه این کشورها در واکنش به ارائه طرح یک کمربند یک جاده از سوی چین باید شروع به گردآوری و توزیع اطلاعات پیرامون تمامی فعالیت‌های چین در پیوند با این طرح در کشورهای متبوع خود و یا حتی کل اروپا

164. Gwadar

165. Piraeus

نمایند. در این صورت، این کشورها با سهولت بسیار بیشتری خواهند توانست به شکل فعالانه مشخص کنند که در چه حوزه‌هایی مایل به همکاری با چین هستند و در چه حوزه‌هایی مایل به همکاری با این کشور نیستند و نیز چگونه می‌توانند به واسطه اجرای طرح مذکور منتفع شوند. همچنین با انجام این کار، واکنش‌های آمیخته به سردرگمی کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا مانند واکنش‌های آن‌ها در زمانی که نمایندگان چین در جریان تازه‌ترین اجلاس سران اتحادیه اروپا و چین در ژوئن ۲۰۱۵ ایده ایجاد یک جاده ابریشم دیجیتال برای منطقه اوراسیا را مطرح کردند، به حداقل ممکن کاهش خواهند یافت. ثانیاً تمرکز اصلی سازوکار تعامل متقابل اتحادیه اروپا به عنوان متولی تعیین نخستین واکنش اروپا در قبال طرح یک کمربند یک جاده، عمدتاً بر تعیین پروژه‌های زیربنایی مشترک بوده است. اما لازم است که این سازوکار به مرکز اصلی هماهنگ‌سازی تمامی فعالیت‌های بازیگران چینی در پیوند با طرح مذکور در اتحادیه اروپا تبدیل شود، خاصه از آن جهت که چین همچنان به اجرای پروژه‌های زیربنایی دوجانبه با هر یک از کشورهای اروپایی ادامه خواهد داد. کوتاه سخن آن‌که، سازوکار تعامل متقابل موجود در اتحادیه اروپا تنها زمانی می‌تواند برای اعضای این اتحادیه به معنای واقعی ارزشمند باشد که به مرکز اصلی هماهنگ‌سازی فعالیت‌های مرتبط با طرح یک کمربند یک جاده میان بازیگران چینی و اروپایی تبدیل شود.

چین ۲۰۲۵

چشم انداز پژوهش و نوآوری

استاورس مانزانا کیس
ایمامینداس کریستوفیلو پولوس

دراگون استار

چکیده

این گزارش چنانچه ده سال پیش ارائه می‌شد، احتمالاً درباره لپ‌تاپ‌های آمریکایی تولید شرکت آی بی ام (IBM) می‌بود و ما با دستگاه‌های تلفن اروپایی که در اختیار داشتیم درباره آن صحبت می‌کردیم. با این وجود شرکتی که بازار رایانه‌های شخصی را متحول کرد، در سال ۲۰۰۴ شاخه تولیدی خود را به شرکت لنوو فروخت. در همین حال، تلفن‌های همراه نوکیا و اریکسون نیز عملاً با افزایش رو به رشد سهم شرکت‌های هواوی، شیائومی و لنوو در بازار تلفن‌های هوشمند، از میان رفته‌اند. بدین ترتیب امروز دیگر تایپ کردن و برقراری ارتباط از طریق رایانه‌ها و تلفن‌های همراه «ساخت چین» صورت می‌گیرد که نشانه دیگری از تحولات سریع در سطح جهانی است که در آن چین با نوآوری‌های فناورانه داخلی خود، در حال تبدیل شدن به یک ستاره نوآوری در آن است.

امروز همه ما با استفاده از کامپیوترهای «ساخت چین» تایپ می‌کنیم که نشانه دیگری از تحولات سریع در سطح جهانی است که در آن چین در حال تبدیل شدن به یک ستاره است.

گزارش حاضر در تلاش است تا روایت‌های احتمالی از آینده فضای پژوهش و نوآوری در چین در سال ۲۰۲۵ ارائه کند. هدف این گزارش، اثربخشی بر روی گفت‌وگوی دوجانبه بین اتحادیه اروپا، کشورهای عضو و چین در راستای برقراری راهبرد همکاری‌های بلندمدت برای دستیابی به منافع مشترک و شکوفایی است.

هدف کلی این گزارش بر مبنای یک پرسش اصلی است:

عوامل اصلی تأثیرگذار بر فضای پژوهش و نوآوری در چین تا سال ۲۰۲۵ کدامند؟ برای این منظور، ترکیبی از تحلیل به روش مطالعه پایه‌ای، تحقیق دلفی و پلتفرم جمع‌سپاری استفاده شد و ۱۶ عامل مهم و کلیدی که نقش عمده‌ای در دگرگونی چشم‌انداز پژوهش و نوآوری در چین دارند، مشخص شدند. نتایج یک تحلیل اثرات متقابل، ارتباط بین عوامل مختلف را نشان و نقش پررنگ حکومت و اقتصاد ملی را در تحولات آینده مورد تأکید قرار داد.

با در نظر گرفتن این عوامل و همچنین عدم قطعیت‌های نگران‌کننده، چهار سناریوی محتمل برای



چشم‌انداز پژوهش و نوآوری در چین پیشنهاد شده است. البته این سناریوها به معنی پیش‌بینی نیستند، چرا که پیش‌بینی آینده با قطعیت امکان‌پذیر نیست، بلکه این سناریوها ابزارهای قدرتمندی برای یادگیری هستند که به ما اجازه می‌دهند آینده را امروز درک کنیم. سناریوها ذهنیت ما را به چالش می‌کشند و ما را ملزم به در نظر گرفتن مجموعه‌ای از آینده‌های احتمالی ناراحت‌کننده می‌کنند.

این چهار سناریوی پیشنهاد شده برای چین، همگی برای سال ۲۰۲۵ تنظیم شده‌اند و هدف آنها، کمک به ما برای به تعلیق در آوردن بی‌اعتمادی در قبال همه احتمالات آینده است. هدف دیگر این سناریوها این است که به ما اجازه می‌دهد به این موضوع بیندیشیم که احتمال وقوع هر یک از آنها وجود دارد و ما باید برای آنها آماده باشیم:

یین و یانگ^۱ - یک حکومت مرکزی موفق، قدرتمند و بازتر و یک اقتصاد پویا، یک جامعه پژوهشی پیشرو را در سال ۲۰۲۵ مشخص می‌کند.

یاسمن آبی^۲ - یک حکمرانی قدرتمند و باز که در تلاش است اقتصاد ملی را که تحت تأثیر بحران جهانی و نقل مکان صنایع تولیدی خارجی قرار گرفته، احیا کند، شرایط سال ۲۰۲۵ را رقم می‌زند.

سیاهچال و اژدها^۳ - یک حکومت بسته‌تر و یک نظام دادرسی ناکارآمد، توسعه شرکت‌های دولتی را حمایت می‌کند که به نظر می‌رسد همچنان در سال ۲۰۲۵ کارایی داشته باشد.

ملکه از نفس افتاده^۴ - به نظر می‌رسد یک چین بیش از حد مسموم که نشان از یک اقتصاد ملی فروپاشیده و جامعه‌ای تخریب شده دارد، بزرگ‌ترین ناکامی در سطح جهانی در سال ۲۰۲۵ باشد.

این پژوهش به دست فمونولب (امتریس)^۵ و پراکسی/فورس^۶ در چارچوب پروژه دراگون استار^۷ به انجام رسیده است، که هزینه‌های آن توسط کمیسیون اروپا تأمین شده است.

1. Yin & Yang
2. Blue Jasmine
3. Dungeons & Dragons
4. The Breathless Queen
5. Phemonoe Lab (Emetris)
6. PRAXI/FORTH
7. Dragon-Star

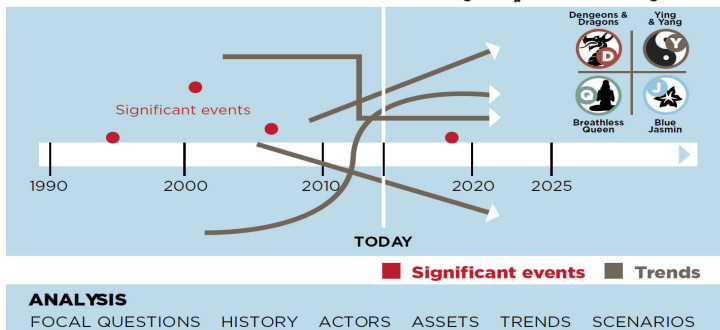
مقدمه - روش‌شناسی

پیمایش روندی که در این پژوهش انجام گرفت، متمرکز بر روی یک پرسش اصلی است: عوامل اصلی تأثیرگذار بر فضای پژوهش و نوآوری در چین تا سال ۲۰۲۵ کدامند؟ پاسخ به این سؤال، داده‌هایی را در اختیار ما قرار می‌دهد که ما را قادر می‌سازد در مراحل بعدی به پرسش پیچیده‌تری پردازیم: پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ در چه وضعیتی خواهد بود؟ این بررسی روند، تمامی مطالعات پیشین را بررسی کرده و سناریوهای محتمل را درباره آینده پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ ارائه می‌کند. بخش مهم این پژوهش، شناسایی عوامل اصلی آشکار و نهانی است که فضای پژوهش در چین در ۱۲ سال آینده را شکل می‌دهد. پیش‌بینی‌های صورت گرفته، اصولاً بر اساس روش سناریویی است که برای درک فضای متغیر و پیچیده پژوهش در چین استفاده شده است تا دورنمایی محتمل از آینده پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ را به تصویر بکشد.

عوامل اصلی تأثیرگذار بر فضای پژوهش و نوآوری در چین تا سال ۲۰۲۵ کدامند؟

با این حال، لازم به ذکر است که سناریو به منزله پیش‌بینی نیست، بلکه روشی است برای تصور آینده‌های محتمل که برای اخذ تصمیمات راهبردی به یاری یک سازمان می‌آیند. سناریو ابزاری است برای شناسایی و درک روندهای قدرتمند و همچنین نشانه‌های کوچک که فضای آینده را شکل می‌دهند.

جنبه دیگری که به همراه مورد پیشین بررسی شده است، شناسایی زمینه‌های نوآوری و بخش‌های فناورانه و همچنین زمینه‌های جغرافیایی است که در سال‌های آتی شکوفا خواهند شد. یک منبع عمده اطلاعاتی که در این زمینه تحلیل مفصلی ارائه داده است، توسط کایروس فیوچر^۸ (پیوست ۲ را ملاحظه کنید) ارائه شده است.



روش مورد استفاده بر اساس یک فرآیند سناریوسازی معمول بوده و به صورت مبسوط در پیوست ۱ ارائه شده است. همچنین بیان این نکته مهم است که از یک پلتفرم جمع‌سپاری، کوتیونیتی^۹، به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از یک جامعه گسترده‌تر از مشارکت‌کنندگان استفاده شد. نسخه نهایی این گزارش توسط ۳ کارشناس مستقل اعتبارسنجی شد که نظرات و تصحیح‌هایی بر روی سناریوها و روندها ارائه کردند:

- آنتونی هول^{۱۰} استادیار دانشکده اقتصاد از دانشگاه پکینگ^{۱۱}، پکن
- آقای ریکارد والین^{۱۲} مدیرعامل گروه ان‌سی‌ای‌بی^{۱۳} سوئد، استکهلم
- پروفیسور دائولیانگ لی^{۱۴} از دانشگاه کشاورزی چین، پکن

این پژوهش به دست فمونولب و پراکسی/فورس به انجام رسید و کایروس فیوچر داده‌های ویژه و پلتفرم کوتیونیتی را فراهم ساخت. این پژوهش در چارچوب پروژه دراگون استار به انجام رسید که هزینه‌های آن توسط کمیسیون اروپا تأمین شده است.

چین

دوران پس از جنگ شاهد معجزات اقتصادی ژاپن و کره جنوبی بود که موفق شدند در بازار جهانی به بازیگرانی برجسته با فناوری بالا تبدیل شوند. با این حال، هیچ یک از این دو کشور پویایی و بزرگی لازم را برای ایجاد تحول در اقتصاد جهانی و کنترل قواعد بازی نداشتند. امروز، در ابتدای قرن ۲۱، دو کشور جدید، یعنی چین و هند، هر دو چشم‌انداز و یا پتانسیل لازم برای تغییر تعادل اقتصاد جهانی را دارند.

امروزه چین، پس از آمریکا، بزرگ‌ترین اقتصاد را دارا است و انتظار می‌رود تا اواسط قرن حاضر، به بزرگ‌ترین اقتصاد موجود تبدیل شود. علاوه بر این، چین در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین کشور تجاری در جهان تبدیل شد و از ایالات متحده پیشی گرفت که از نظر پکن «نقطه عطفی» برای این کشور محسوب می‌شد.

با این وجود، موضوع قابل توجه به ویژه در چین تغییر ساختاری است که در اقتصاد ملی این کشور در حال شکل گرفتن است که بر مبنای آن اقتصاد از تولید با نیروی کار محدود،

9. Co:tunity

نام یک نرم‌افزار مدیریت نوآوری است.

10. Anthony Howell

11. Peking University

12. Rikard Wallin

13. NCAB Group

14. Daoliang Lee

به خدمات، مصرف داخلی و تولید محصولاتی با تکنولوژی پیشرفته معطوف شده است. این تحول در اقتصاد چین در حال وقوع است و همچنان مشخص نیست که آیا چین موفق خواهد شد به یک بازیگر جهانی در تولید محصولات پیشرفته با ارزش افزوده بالا تبدیل شود یا خیر.

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فضای پژوهش در چین طی ده سال آینده کدامند؟

آیا چین رهبری عرصه جهانی را به دست خواهد گرفت؟ یا دنبال‌رو دیگران خواهد بود؟ در بخش بزرگی از تاریخ بشر، چین رهبری جهان را در عرصه علم و فن آوری به عهده گرفته است. با این حال، تصورات قالبی دنیای غرب از چین به عنوان یک کشور عقب‌مانده و ناپویا، تصویری نسبتاً ناخوشایند و نامطبوع از این کشور به نمایش گذاشته‌اند.

با این حال در طول انقلاب صنعتی و پس از آن، چین با فاصله زیادی از جهان عقب‌مانده بود. تنها در طول چند دهه اخیر است که این کشور توانسته است بار دیگر این عقب‌افتادگی را جبران نماید. امروزه تغییر و تحول بسیار سریع اتفاق می‌افتد و بر اساس داده‌های اعلام شده توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، چین در درصد مصرف تولید ناخالص داخلی برای پژوهش و توسعه، برای نخستین بار از اتحادیه اروپا پیشی گرفته است. با این حال، درک این تصویر پیچیده است.

درست است که چین در اتخاذ فن آوری از کشورهای دیگر به عنوان یک «پیرو سریع» شناخته شده و در این کار نیز بسیار خوب عمل کرده است، با این حال در برخی از زمینه‌ها، در صف اول دانش فن آوری است و رشد تحقیقات منتشر شده در این زمینه‌ها فوق العاده بوده است. با توجه به تجاری شدن محصولات نوآورانه با تکنولوژی پیشرفته، چین با رشد گسترده و نقدینگی مازاد خود، مشتاق است در فناوری‌های جدید برای ارتقای سیستم‌های تولید خود، سرمایه‌گذاری کند. چین (مانند دیگر بازارهای نوظهور) در حال تکمیل چرخه نوآوری از طریق امضای سریع قرارداد با شرکت‌های نوپا (استارت آپ) است تا با سرعت فن آوری‌های جدید را تجاری کند.

یکی دیگر از ابتکارهای مهم چین «برنامه کارشناسان خارجی چین»^{۱۵} است که بر طبق آن ۱۰۰۰ برنامه استعدادیابی توسط «اداره دولتی امور کارشناسان خارجی»^{۱۶} مدیریت و برگزار شد. انتظار می‌رود که این طرح ابتکاری، نقش مهمی در تبدیل چین به یک مرکز بزرگ نوآوری در آینده ایفا کند. این طرح، مشوق‌های سودآوری را برای اتباع چینی که در خارج از کشور

15. Foreign Experts Program

16. State Administration of Foreign Experts Affairs

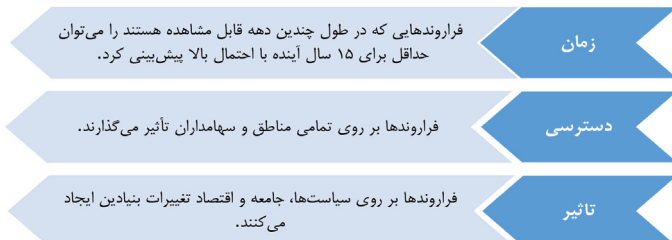
زندگی می‌کنند در نظر گرفته است تا به چین بازگردند و در زمینه‌های مربوط به خود، به ویژه در علوم، تکنولوژی، مهندسی و ریاضیات (STEM)^{۱۷}، به پژوهش بپردازند. هنوز لازم است به چند پرسش پاسخ داده شود. آیا پژوهش‌های چینی هیچ‌گاه در جهان رقابتی پیشتاز خواهند شد؟ آیا رشد مالی، منابع مالی و برنامه‌ریزی مرکزی، عواملی کافی برای تضمین رشد هستند؟ آیا مخاطرات پیش‌بینی نشده‌ای وجود دارند؟ پژوهش حاضر به بررسی برخی از این جنبه‌ها خواهد پرداخت.

تجزیه و تحلیل و ارزیابی روند

پس از تجزیه و تحلیل اولیه فضای پژوهش و چندین جلسه که صرف طوفان مغزی شد، طی هدف‌گذاری اولیه موافقت شد که تمرکز بر روی ۱۶ عاملی باشد که بر کیفیت و ویژگی‌های محیط تحقیقاتی در چین تا سال ۲۰۲۵ تأثیرگذار خواهند بود. برخی از این عوامل، ویژگی جهانی دارند اما بیشتر آنها مرتبط با تحولات خاص در داخل کشور هستند.

با این وجود باید توجه کرد که طی این فرآیند بررسی، به دنبال عواملی هستیم که یا تأثیرگذاری آنها در آینده روشن و آشکار است و یا اکنون در حال اثرگذاری بر فضای پژوهشی هستند، اما مهم‌تر از آن، ما سعی کردیم نشانه‌های کوچک را بررسی کرده و بعضی عوامل را که کمتر قابل تشخیص هستند، شناسایی کنیم؛ عواملی که به طور بالقوه می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیری مهم یا حتی چشم‌گیری داشته باشند.

همچنین لازم به ذکر است که برخی از روندهایی که در زمینه پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، دارای اهمیت بیشتری هستند و از راه‌های مختلف بر سیستم جهانی تأثیر می‌گذارند. این فراروندها (مانند ارتباطات جهانی) فرایندهای درازمدت و تحول‌آفرینی هستند که دسترسی‌های جهانی، گستره وسیع، و تأثیری بنیادی و چشمگیر دارند.



George vielmeteter & Yvonne Sell, 214, Lership 2030: The six megatrends you need to understand.

روش‌شناسی برای شناسایی و ارزیابی روندها به طور خلاصه در پیوست ۱ ارائه شده است.

۱۶ روند که پژوهش‌های چینی را در سال ۲۰۲۵ شکل خواهند داد

۱. اقتصاد. چین تا سال ۲۰۲۵ رشد قدرتمندی در تولید ناخالص داخلی خواهد داشت.
۲. شرایط کالبدی. دولت حمایت مالی کافی ارائه خواهد داد و یک چارچوب قانونی کارآمد برای پژوهش پیاده‌سازی خواهد کرد.
۳. سرمایه‌گذاری خصوصی در تحقیق و توسعه. بخش خصوصی در چین تا سال ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه تحقیق و توسعه انجام خواهد داد.
۴. انرژی و مواد. نیاز به انرژی بیشتر از منابع دیگری به غیر از ذغال‌سنگ (از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر و هسته‌ای) و نیاز به منابع (مثلاً مواد اولیه جایگزین) در سال ۲۰۲۵ به میزان قابل توجهی در چین افزایش خواهد یافت.
۵. حکمرانی. چین تا سال ۲۰۲۵ از یک حکمرانی پایدار و جامعه صلح‌آمیز برخوردار خواهد بود.
۶. شهرنشینی. روند شهرنشینی در چین تا سال ۲۰۲۵ رشد چشم‌گیری خواهد داشت.
۷. حقوق بشر. در سال‌های آینده، چین فرصت بیشتری برای بهبود حقوق بشر خواهد داشت.
۸. اقتصاد جهانی. انتظار می‌رود اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۲۵ به طور پیوسته رشد یابد.
۹. صلح و منازعه. تا سال ۲۰۲۵ همکاری منطقه‌ای صلح‌آمیز از رشد تحقیقات چینی حمایت خواهد کرد.
۱۰. فضا و امور دفاعی. تلاش‌ها در زمینه اکتشاف فضایی و توسعه فن‌آوری‌های دفاعی تا سال ۲۰۲۵ به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.
۱۱. محیط زیست. شدت مشکلات زیست محیطی محلی (مانند آلودگی جوی و آلودگی آب) و اثرات زیست محیطی جهانی (مانند تغییرات آب و هوایی) تا سال ۲۰۲۵ افزایش می‌یابد.
۱۲. جمعیت. جمعیت چین تا سال ۲۰۲۵ همچنان افزایش خواهد یافت.
۱۳. حقوق مالکیت معنوی (IPR). مقررات معطوف به حقوق مالکیت معنوی، مدرن‌تر خواهند شد و تا سال ۲۰۲۵ اجرای قانون مالکیت معنوی به طور مداوم در چین بهبود خواهد یافت.

۱۴. ارتباطات جهانی. ارتباطات در جهان بیشتر خواهد شد. و تکنولوژی‌های ارتباطی جدید به ارتباطات و همکاری قوی‌تر محققان چینی با هم‌تایان جهانی خود تا سال ۲۰۲۵ کمک می‌کند.

۱۵. مهارت‌های زبانی. مهارت‌های زبانی محققان چینی تا سال ۲۰۲۵ به میزان قابل توجهی بهبود خواهد یافت.

۱۶. نظام آموزشی. سیستم آموزش و پرورش چین (ابتدایی/متوسطه/تحصیلات تکمیلی) تا سال ۲۰۲۵ به طور کامل مدرن شده و ارتقا خواهد یافت.

ارزیابی روندها

نتایج حاصل از ارزیابی این ۱۶ عامل در نمودار زیر نمایش داده شده است. این نتایج با مقیاس ۱ تا ۱۰ برحسب اهمیت و میزان احتمال وقوع هر عامل ارائه شده‌اند.



اگرچه اکثر این عوامل هم از لحاظ اهمیت و هم از لحاظ میزان احتمال نمره بالایی کسب کرده‌اند (که البته این امر با توجه به انتخاب عوامل مهم از پیش کاملاً طبیعی است)، اما همچنان نتایج جالب توجهی وجود دارند که می‌توان از فرآیند ارزیابی استخراج کرد. مؤثرترین عوامل برحسب اهمیت آنها به شرح زیر در نظر گرفته می‌شوند (به نمودار بعدی مراجعه شود):

الف) نیاز روزافزون به انرژی و کارایی منابع (شماره ۴)

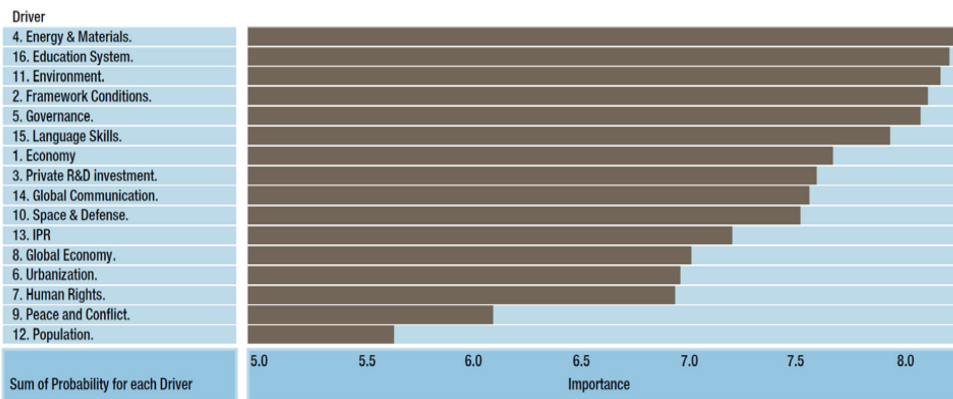
(ب) ساختار و عملکرد نظام آموزشی (شماره ۱۶)

(ج) اثرات زیست‌محیطی (شماره ۱۱)

(د) شرایط کالبدی (چارچوب قانونی ملی برای پژوهش) (شماره ۲)

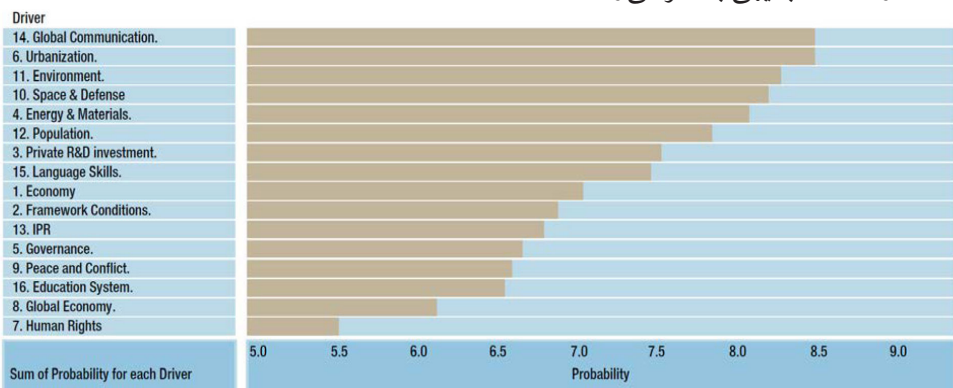
(هـ) حکمرانی پایدار و جامعه صلح‌آمیز (شماره ۵) و

(ن) مهارت‌های زبانی (شماره ۱۵)



از ملاحظات قابل توجه دیگر می‌شود به موارد زیر اشاره کرد:

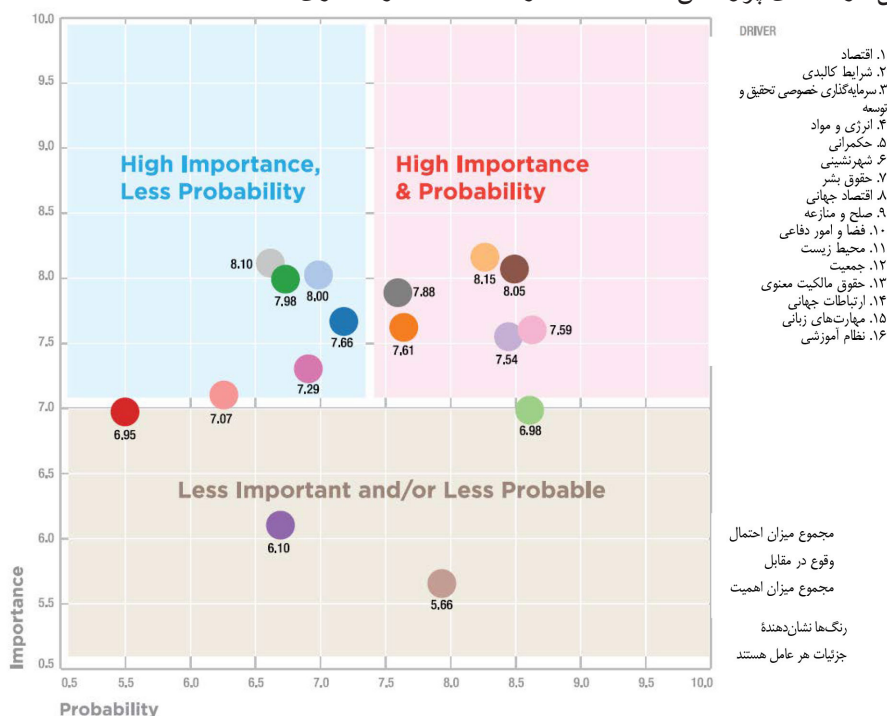
- رشد جمعیت و شهرنشینی از اهمیت بسیار پایینی برخوردار است، گرچه فرایند عمده تغییر در جامعه چین همین عامل است.
- حقوق بشر و احتمال منازعه نظامی جدی در منطقه نیز اهمیت بسیار ناچیزی دارند.
- اقتصاد و سرمایه‌گذاری خصوصی نیز نسبتاً کم‌اهمیت هستند، شاید به این دلیل که از نظر کارشناسان بدیهی به نظر می‌رسند.



بالاترین میزان احتمال وقوع قاعدتاً به روندهای مشخص مداومی چون افزایش پیوستگی و ارتباطات جهانی (عامل شماره ۱۴) و فرایند شهرنشینی در چین تعلق می‌گیرد. افزون بر این، عمدتاً انتظار می‌رود مسائلی از قبیل تخریب محیط زیست (شماره ۱۱)، رقابت فضایی (شماره ۱۰)، و نیاز به منابع (شماره ۴۰) همچنان نقش فزاینده‌ای در آینده داشته باشند. از سوی دیگر، شایان ذکر است بگوئیم چندان انتظار نمی‌رود که تغییرات مثبتی در مسائلی مانند حقوق بشر، حکمرانی، و نظام آموزشی و همچنین مقررات حقوق مالکیت معنوی ایجاد شود. در نهایت، تأکید این نکته نیز حائز اهمیت است که احتمال می‌رود خطراتی اقتصاد چین و همچنین جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

چکیده نتایج - تحلیل تأثیر روند (TIA)

نمودار زیر نتیجه فرآیند ارزیابی را به تصویر می‌کشد که به عوامل ویژه‌ای اشاره دارد که از اهمیت و احتمال وقوع بالایی برخوردارند. در نمودار زیر، محور X نشان دهنده میزان احتمال است (که از ۱ تا ۱۰ درجه بندی شده است)، در حالی که محور Y نشان دهنده اهمیت همان عوامل در فضای پژوهش هستند (که از ۱ تا ۱۰ شماره گذاری شده است).



- روندهایی که در گوشه بالای سمت راست قرار دارند از نظر کارشناسان به عنوان روندهای قطعی و مهم ارزیابی شدند.
 - روندهایی که در گوشه بالای سمت چپ قرار دارند به عنوان مبهم (با قطعیت کم‌تر) ارزیابی شدند اما همچنان از اهمیت بالایی برخوردارند. این دو گروه روند از لحاظ روش سناریو از اهمیت بالایی برخوردارند و به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود چرا که نقش مهمی در شکل‌گیری سناریوها بازی می‌کنند.
- شش روند مبهم و شش روند قطعی به‌طور خلاصه در زیر نمایش داده شده‌اند؛ مشروح توصیف تمام این روندها در ضمیمه ۳ موجود است.

روندهای مبهم	روندهای قطعی
نظام آموزشی (ابتدایی، متوسطه، تحصیلات تکمیلی)	نیاز به انرژی و مواد (منابع)
حکمرانی و جامعه صلح‌آمیز	مسائل زیست‌محیطی
شرایط کالبدی پژوهش	ارتباطات جهانی
اقتصاد ملی	مهارت‌های زبانی
حقوق مالکیت معنوی	سرمايه‌گذاري خصوصي در تحقيق و توسعه
اقتصاد جهانی	فضا و امور دفاعی

روندهای قطعی

۱. نیاز به انرژی و مواد (منابع)

همزمان با رشد اقتصادی چین، نیاز به انرژی (با کربن پایین و کارایی بیشتر) و دستیابی به مواد خام و جایگزین در حال افزایش است. چین در سال‌های اخیر از لحاظ نیاز به انرژی در بالاترین رده‌ای جهانی قرار گرفته است و از آنجایی که میلیون‌ها نفر از مردم چین در حال تبدیل شدن به طبقه مرفه هستند، این تقاضا همچنان ادامه خواهد یافت و نیاز به تنوع انرژی را در اولویت قرار خواهد داد. در عین حال کمبود روز افزون منابع طبیعی در سطح جهانی (نفت، آب، و کمبود منابع اولیه) تأکید بیشتری بر حفظ منابع (استفاده کارآمد) یا تولید مواد جایگزین را می‌طلبد.

۲. مسائل زیست‌محیطی

مشکلات زیست‌محیطی محلی و پیامدهای زیست‌محیطی جهانی (مانند تغییرات آب و هوایی) افزایش خواهند داشت و تأثیر چشم‌گیری بر چین خواهند گذاشت. این روند به شدت به فرایند صنعتی شدن پرشتاب و گسترده‌ای که از ۲۰ سال پیش آغاز شده، مرتبط است. از سوی

دیگر این روند با فرایند مداوم شهرنشینی که از سوی مرکز تشویق می‌شود تقویت می‌شود و باعث افزایش تقاضا برای زمین کشاورزی و مسکونی می‌شود.

۳. ارتباطات جهانی

پیوستگی اینترنتی، صدا روی پروتکل اینترنت (VoIP)، اشتراک‌گذاری فایل‌ها، رسانه‌های جاری، شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات از طریق موبایل، ماهواره و رسانه‌های خبری ۲۴/۷ (که هفت روز هفته ۲۴ ساعته اخبار را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند) به صورت گسترده در اختیار طبقه نوظهور متوسط چین قرار خواهند گرفت. افراد بیشتری در چین تحت تأثیر عقاید و نفوذ فرهنگ جهانی قرار خواهند گرفت و حتی ایجاد ارتباط مستقیم با کلیک کردن‌های کمتری صورت خواهد گرفت!

۴. مهارت‌های زبانی

مدرن‌سازی نظام آموزشی چین، پیوند عمیق با فرهنگ جهانی، و افزایش ظرفیت مالی طبقه متوسط رو به گسترش، مهارت در زبان خارجی را به یک مهارت استاندارد برای جوانان چینی تبدیل خواهد کرد.

۵. سرمایه‌گذاری خصوصی در تحقیق و توسعه

شدت تحقیقات چین از سال ۱۹۹۸ تاکنون سه برابر شده است و این در حالی است که در اروپا افزایش چندانی نداشته است. صرف بودجه در زمینه تحقیق و توسعه کمتر از میزان هزینه در بخش تجارت است که نشان‌دهنده تأکید چین بر صنایع تولیدی و فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

سال گذشته صرف هزینه در تحقیق و توسعه تجاری در چین ۳۵/۸ درصد افزایش داشته است (که بالاترین میزان در جهان بوده است). انتظار می‌رود این روند با افزایش تمرکز شرکت‌های چینی بر کارایی و کیفیت افزایش یابد، به طوری که تنها به عنوان جذب کننده تکنولوژی و ایده‌ها مطرح نباشند، بلکه به پیشگامانی در عرصه تکنولوژی تبدیل شوند.

۶. فضا و امور دفاعی

در زمینه فضا، چین پس از توسعه موفقیت‌آمیز سامانه ناوبری بیدو^{۱۸} و تبدیل شدن به سومین کشوری که فضاپیما به کره ماه فرستاده است، تصمیم دارد خدمات تجاری پرتاب موشک،

ساخت ایستگاه فضایی و کاوش هرچه بیشتر در کره ماه و فضای نزدیک را دنبال کند. در کنار کاوش‌های فضایی، چین در حال افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های دفاعی و مدرن‌سازی ارتش خود نیز هست. انتظار می‌رود مناقشات ارضی به تقویت هرچه بیشتر این روند بیانجامد.

روندهای مبهم

۱. نظام آموزشی (ابتدایی، متوسطه، تحصیلات تکمیلی)

نظام آموزشی چین به صورت مداوم اصلاح می‌شود و اگرچه این سیستم تا حد قابل توجهی بهبود پیدا کرده است ولی همچنان مشخص نیست که آیا دولت تغییرات ساختاری لازم را در تمام سطوح (ابتدایی، متوسطه، تحصیلات تکمیلی) اعمال می‌کند تا چین بتواند به یک اقتصاد دانش بنیان قابل رقابت تبدیل شود یا خیر.

پیامدهای احتمالی

- تغییرات ساختاری اساسی در تمام سطوح، نظام آموزشی چین را بهبود خواهد بخشید. مدارس ابتدایی و متوسطه تفکر خلاق و نوآورانه را تشویق خواهند کرد و چین در آزمون OECD PISA (برنامه ارزیابی بین‌المللی دانشجویان در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) به یک قهرمان تبدیل خواهد شد. دانشگاه‌ها بازتر و بین‌المللی‌تر خواهند شد و قادر خواهند بود با تشویق ایده‌های نو و نوآوری‌های مستقل، نتایج عالی به بار بیاورند. یک سیستم جدید شفاف جهت ارزیابی اساتید و دانشگاه‌ها به مدرن‌سازی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی چین کمک خواهد کرد؛ یا
- اصلاحات محتاطانه مانع پیشرفت نظام آموزشی خواهد شد. خلاقیت، پژوهش، و تعالی با سرعت کمی رشد خواهد کرد و چین را از بازیگران جهانی عقب خواهند انداخت. یا
- لغو سیستم ثبت هو کو^{۱۹} ممکن است باعث ایجاد مشکلاتی در بودجه آموزش شود.

دانشمندان ما باید اخلاق علمی را در خود پرورش دهند؛ و مهم‌تر اینکه باید از حقیقت پاسداری کنند، دنبال کشف حقیقت از واقعیت‌ها باشند، و در نوآوری شجاع و در ناکامی‌ها بردبار باشند. این تنها علم و روح طلب حقیقت از واقعیت‌ها است که می‌تواند نجات بخش چین باشد.^{۲۰}

۱۹. Huku) یک سیستم دولتی است که خانوارهای چینی و تایوانی لازم است مبتنی بر قانون در آن ثبت شوند. این سیستم فرد را در یک منطقه ثبت نموده و اطلاعات مختلف او شامل نام، والدین، تاریخ تولد و نظایر آن را ثبت می‌نماید. (م)

۲. حکمرانی و جامعه صلح آمیز

طی دهه‌های اخیر، عملکرد دولت چین، با در نظر گرفتن توسعه تحسین برانگیز کشور، موفق ارزیابی شده است. با این وجود، در رابطه با چشم‌اندازهای آینده برای شفافیت بیشتر، نظام قضایی عادلانه‌تر، و رعایت بیشتر حقوق بشر ابهامات زیادی وجود دارد.

پیامدهای احتمالی

- اقدامات حکومت نسبتاً ثابت خواهند ماند ولی ناآرامی‌های اجتماعی بیشتر خواهند شد که رسانه‌های جدید و طبقه متوسط نوظهور به آن دامن می‌زنند؛ یا
- افزایش موارد فساد دولتی و سرکوب مداوم گروه‌های مختلف مخالفین (به‌عنوان مثال، اقلیت‌های نژادی) باعث بروز تظاهرات گسترده عمدتاً در روستاها و حتی برخی شهرها خواهد شد.
- اصلاحات اساسی در حکمرانی و سیستم قضایی به همراه پیشرفت چشمگیر حقوق شهروندی حکمرانی را تغییر داده و تا حد زیادی در وضعیت زندگی مردم بهبود حاصل خواهد شد.

۳. شرایط کالبدی پژوهش

اگرچه سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه در چین با سرعت در حال افزایش است، ولی تغییرات ساختاری لازم جهت مدرن‌سازی چارچوب پژوهش با همان شتاب اعمال نمی‌شوند. مسائل مربوط به باز بودن فضا (عقاید و...)، سیستم سلسله‌مراتبی سختگیرانه، نظام انگیزشی مورد تردید، وضعیت انسجام پژوهش‌ها، کم‌کاری نظام بودجه، و پیوستگی محدود با کسب و کارها از جمله مواردی هستند که باید به آنها اشاره کرد.

پیامدهای احتمالی

- انسجام پژوهش از طریق یک نظام ارزیابی و حسابرسی نوین که اخلاقیات را تشویق و به جای کمیت بر کیفیت تأکید می‌کند بهبود خواهد یافت. در عین حال فضای بازتر نقش مهمی در همکاری، نشر، بازنگری هم‌تراز، نقد، بازنشر، ارزیابی پروژه‌های دولتی و فعالیت‌های صنعتی ایفا خواهد کرد؛ یا
- به دلیل عدم انطباق سلیق، تنها تغییرات متعادل در نظام پژوهشی اعمال شده‌اند که این امر عملکرد چین را در پژوهش و نوآوری محدود ساخته است.

۴. اقتصاد ملی

در دهه‌های اخیر رشد اقتصادی چین با متوسط ۹ درصد، بالاتر از سطح انتظار بوده است. علی‌رغم این سابقه موفق، اینکه آیا چین می‌تواند این رشد را در دهه پیش‌رو نیز حفظ کند و اینکه آیا می‌تواند موقعیت خود را در بازار از مرتبه «ساخت چین» به «طراحی شده در چین» تغییر دهد یا خیر در هاله‌ای از ابهام است!

پیامدهای احتمالی

- چین به ایجاد اصلاحات ضروری ادامه خواهد داد و تا سال ۲۰۲۵ متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور رقم شگفت‌انگیز ۹ درصد خواهد بود؛ یا
- علی‌رغم اینکه چین به انجام اصلاحات اساسی ادامه می‌دهد، شرایط آب و هوای جهان و افزایش کنشگران جدید در جهان تا سال ۲۰۲۵ متوسط نرخ رشد GDP را به ۵/۷ درصد محدود می‌کند؛ یا
- چین قادر نخواهد بود با فشارهای خارجی و موانع داخلی کنار بیاید و متوسط رشد GDP رقم ناامیدکننده ۳/۶ درصد خواهد بود.

۵. حقوق مالکیت معنوی (IPR)

چین در سال ۲۰۱۱ بیشترین حق ثبت اختراع را به خود اختصاص داد و از ژاپن و آمریکا پیشی گرفت و با افزودن به نوآوری‌های خود، مقررات حقوق مالکیت معنوی خود را نیز بهبود بخشید. برای اینکه چین بتواند به پیشگام تکنولوژی در جهان تبدیل شود، موضوع مقررات حقوق مالکیت معنوی مسأله مهمی است ولی پیامد نهایی این فرایند کماکان مبهم است.

پیامدهای احتمالی

- با رشد روزافزون شمار شرکت‌های چینی که دارنده حق ثبت انحصاری هستند، منفعت مسلم این شرکت‌ها، همانند شرکای جهانی خود، در حمایت از تکنولوژی است. این روند، بیش از هر عامل دیگری، به‌عنوان یک چارچوب کارآمد حمایتی برای مقررات حقوق مالکیت معنوی عمل خواهد کرد؛ یا
- چین، تا حدودی به دلیل الزامات قضایی، موفق به اعمال همه تغییرات لازم جهت حمایت مؤثر از مقررات حقوق مالکیت معنوی نخواهد شد و این امر به یک خلاء نوآوری منجر و باعث نقل مکان شرکت‌های تجاری خارجی بسیاری خواهد شد.

۶. اقتصاد جهانی

اقتصاد جهانی به آرامی در حال بیرون آمدن از بحرانی است (۲۰۱۳-۲۰۰۸) که از آمریکا آغاز شده بود و به سرعت به آن سوی اقیانوس اطلس سرایت کرد. پیوستگی بیشتر با اقتصاد جهانی چشم‌انداز وسیع‌تری را برای رشد فراهم می‌کند، ولی در عین حال این خطر را نیز در بردارد که در سال‌های آتی تحت تأثیر ارتباط زنجیروار مسائل جهانی قرار گیرد.

پیامدهای احتمالی

- موارد جدید در سوء عملکرد سیستم مالی جهانی بحران جهانی دیگری را در سال ۲۰۲۰ ایجاد خواهد کرد که باعث سقوط نظام بانکداری اروپا می‌شود و تا حد زیادی تولید و مصرف صنعتی را محدود می‌کند؛ یا
- اصلاحات در سیستم بانکداری اروپا و مکانیسم جدید نظارت بر سیستم بانکداری جهانی فضای تجاری را ایجاد خواهد کرد که رونق و سامان جهانی را در پی خواهد داشت.

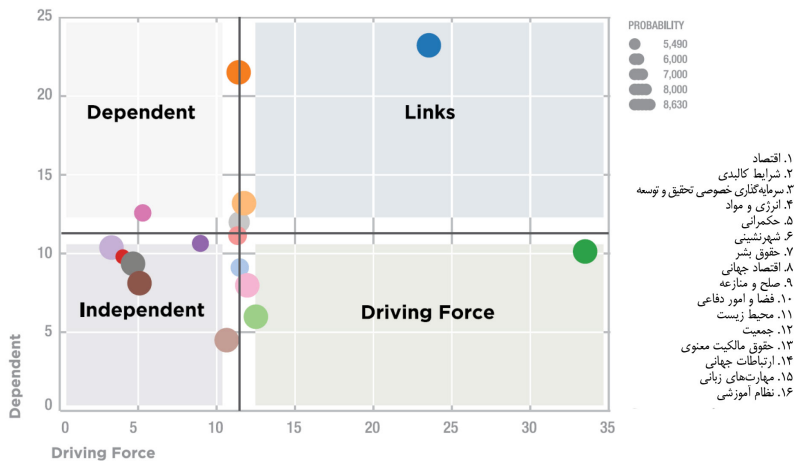
عوامل غیر قابل پیش‌بینی

عوامل غیر قابل پیش‌بینی به رویدادهایی اطلاق می‌شود که باعث یک تغییر اساسی ناگهانی و سریع می‌شوند. این عوامل بسیار غیرمحمتم هستند زیرا چنانچه اتفاق بیافتند ذهنیت ما را از جهان تغییر خواهند داد. چنین رویدادهای غیر قابل پیش‌بینی می‌توانند تا حد زیادی تحولات آینده را تحت تأثیر قرار دهند و باید در برنامه‌ریزی راهبردی مدنظر قرار گیرند. عوامل غیر قابل پیش‌بینی تا حدودی در سناریوهای جاری گنجانده می‌شوند و در اینجا به برخی از آنها به صورت مختصر اشاره می‌شود:

- یک درگیری نظامی مختصر در جنوب شرقی دریای چین سرمایه‌گذاری خارجی را متوقف خواهد کرد، بودجه پژوهش و تمرکز بر فناوری‌های دفاعی را تغییر خواهد داد و همکاری دوجانبه را متوقف خواهد ساخت.
- یک حادثه هسته‌ای ممکن است برنامه‌ریزی فعلی دولت برای ساخت چندین نیروگاه هسته‌ای جدید در سال‌های پیش رو را تغییر دهد.
- یک ناآرامی اجتماعی گسترده دامنه‌دار در کشور که در نتیجه عملکرد ضعیف اقتصادی تشدید شده است و عدم رعایت حقوق مدنی به‌طور اساسی الگوی حکمرانی را تغییر خواهد داد.
- سقوط بازار پرونق املاک باعث ایجاد بحران مالی و بروز خشم و نارضایتی در بین طبقه متوسط خواهد شد.

روش تحلیل تأثیر متقابل (CIA)

روش تحلیل تأثیر متقابل بخش مهمی از روش سناریوسازی است که نشان می‌دهد روندهای مختلف چگونه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به تحلیل روابط بین آنها کمک می‌کنند. در اولین گام تحلیل CIA، تأثیر هر عامل / روند بر عوامل دیگر ارزیابی شد و چندین یافته مهم مانند نقش پررنگ اقتصاد ملی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه خصوصی در تغییر شکل فضای تحقیق و توسعه و همچنین نقش مهم حکمرانی به‌طور کلی مورد تأکید قرار گرفت. تصویر گرافیکی CIA (نمودار پایین) چندین مورد دیگر از قبیل نقش کاملاً وابسته مقررات حقوق مالکیت معنوی را روشن می‌کند.



مجموع عوامل مؤثر (محور افقی) در برابر مجموع عوامل وابسته (محور عمودی). رنگ نشانه‌ها جزئیات روندها/ عوامل را نشان می‌دهد. اندازه نشانه‌ها مجموع میزان احتمال را نشان می‌دهد. داده‌ها برحسب اهمیت از ۵/۶۶ تا ۸/۱۵ درجه‌بندی شده‌اند.

نتایج اصلی تحلیل CIA (که به صورت تصویری در بالا آمده است) به شرح زیر هستند:

- حکمرانی نیرومحرکه اصلی، آشکار و کاملاً مستقل از دیگر عوامل است. شهرنشینی، ارتباطات جهانی و شرایط کالبدی تحقیق و توسعه از دیگر عوامل مهم و کاملاً مستقل هستند.
- اقتصاد ملی نیز طبیعتاً یک عامل اصلی است و بیشترین پیوستگی را با عوامل دیگر دارد. انرژی و منابع نیز عوامل مهمی هستند که پیوستگی‌های زیادی (به عنوان مثال با اقتصاد و محیط زیست) دارند.
- هر دو عامل مقررات حقوق مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه خصوصی به شدت به عوامل دیگر وابسته هستند.

- بسیاری از عواملی که تأثیر به‌سزایی بر مسأله اصلی ما دارند، به شدت وابسته به حکمرانی هستند: حقوق بشر، مسائل مقررات حقوق مالکیت معنوی، آموزش، صلح و منازعه.
- مسائل زیست‌محیطی، نظام آموزشی، مهارت‌های زبانی، صلح و منازعه و حقوق بشر تا حد زیادی به عوامل دیگر (که در بیشتر موارد این عامل حکمرانی است) وابسته هستند.

چشم‌انداز آینده

این فرآیند بررسی روند جهت تشخیص و مطالعه اولین مجموعه عوامل لازم بود. با این حال، از طریق پرسشنامه آنلاین و ابزارهای جمع‌سپاری نیز، با گروه وسیعی از کارشناسان که مسائل بیشتری را برای بررسی پیشنهاد کرده‌اند، گفتگمانی آغاز شده است.

برخی از نتایج ابتدایی و همچنین فرضیات بنیادی برای آینده پژوهش در چین تا سال ۲۰۲۵ را می‌توان از طریق این تحلیل به دست آورد:

- یک سیاست و سرمایه‌گذاری دولتی قوی به روند پژوهش جهت می‌دهد، ولی در عین حال در صورتی که تغییرات کالبدی مهمی اتفاق نیافتد، باعث محدود شدن آن می‌شود. در صورت وقوع ناآرامی‌های اجتماعی، پژوهش نیز از این شرایط متأثر می‌شود. افزون بر این، انتظار می‌رود سیاست‌های دولت در حوزه‌هایی مانند روابط خارجی و رقابت فضایی بر پژوهش‌های مرتبط با فضا/دفاع متمرکز شود.

- رشد پیش‌بینی شده برای اقتصاد جهانی و اقتصاد ملی نیز یافته‌های این پژوهش را تقویت می‌کند، گرچه انتظار می‌رود خطرات مالی بیشتری بر رشد فضای پژوهش تأثیر بگذارند و از سرعت آن بکاهند.

- جستجوی منابع و مشکلات زیست‌محیطی یافته‌های این پژوهش را تقویت می‌کند، گرچه انتظار می‌رود خطرات مالی بیشتری بر رشد فضای پژوهش تأثیر بگذارند و از سرعت آن بکاهند.

- تلاش برای دستیابی به منابع و مشکلات زیست‌محیطی (محلی و جهانی) همچنان عوامل مهمی باقی خواهند ماند و ما می‌توانیم با اطمینان خاطر منتظر فناوری‌های جدید در زمینه مواد، نسل جدید نیروگاه‌های هسته‌ای و همچنین انرژی تجدیدپذیر باشیم.

افزون بر این، تحلیل تأثیر متقابل و تحلیل حلقه علیت^{۲۱} ۱۶ روند فوق‌الذکر نشان داد که حکمرانی و اقتصاد ملی دو تا از روندهای راهبردی اصلی مبهم هستند که بر رشد فضای پژوهش تأثیر می‌گذارند. این دو روند راهبردی بنیان سناریوهای چینی را تشکیل خواهند داد.

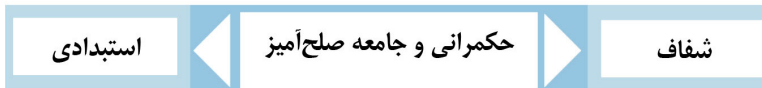
حکمرانی و جامعه صلح‌آمیز

طی دهه‌های گذشته، عملکرد دولت چین، با توجه به توسعه چشمگیر کشور، موفقیت‌آمیز ارزیابی شده است. با این وجود، ابهام زیادی در مورد چشم‌اندازهای آتی برای شفافیت بیشتر، عدالت، و رعایت هرچه بیشتر حقوق مدنی وجود دارد.

در سال‌های اخیر، چندین مورد ناآرامی‌های جزئی اجتماعی در نواحی روستایی وجود داشته است که عمدتاً به دلیل فشار بر اقلیت‌های نژادی و یا به دلیل فساد در حکمرانی محلی بوده است.

در چین، رابطه بین طبقه متوسط و فساد دولتی، از طریق یک قرارداد اجتماعی ضمنی که بر پایه موفقیت مالی و ثبات اجتماعی است، محکم می‌شود. طی دهه‌های اخیر، حزب کمونیست چین در چارچوب یک فرآیند گسترده شهرنشینی با هدف افزایش مصرف از رشد طبقه متوسط حمایت کرده است که این گونه به عنوان سپری در مقابل طبقه محروم نیز عمل می‌کند.^{۲۲} با این وجود، در عین حال، شهروندان طبقه متوسط در فعالیتهای مربوط به «حمایت از حقوق» مشارکت بالاتری دارند و احتمال اینکه آنها برای حل اختلافات به اقدامات قانونی متوسل شوند بیشتر است. همچنین با توجه به منابع بیشتری که در اختیار دارند مانند ارتباطات شخصی، دسترسی به اینترنت، و ثبات مالی، انتظار می‌رود این طبقه تبدیل به کاتالیزوری برای تغییر در اقدامات مربوط به حکمرانی شود.

در سال‌های پیش‌رو، حکمرانی چین تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ^{۲۳} یا باید تصمیماتی در جهت شفافیت و عدالت بیشتر اتخاذ کند و یا به سمت حکمرانی استبدادی‌تر عقب‌گرد کند.



هر یک از این جهات به شدت بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و آموزشی چین تأثیر خواهد گذاشت و بدین ترتیب پژوهش چین در سال ۲۰۲۵ را شکل خواهد داد.

اقتصاد ملی

هر دو عامل اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی عوامل مهمی در شکل‌دهی پژوهش در کشور چین تا سال ۲۰۲۵ محسوب می‌شوند. با این وجود، تصمیم بر آن شد که اقتصاد ملی به‌عنوان دومین

22. Tom Johnson, Reimagining China's Cities, China Dialogues, 2013

23. Xi Jinping

روند راهبردی برای ساخت سناریوها انتخاب شود زیرا:

- تغییرات ساختاری بسیاری در سیستم ملی اقتصاد انجام گرفته است که موفقیت یا شکست آنها تأثیرات عمیقی بر رشد اقتصاد و پژوهش در چین خواهد گذاشت.
 - طی سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد اقتصاد چین به صورت پایداری مدیریت شده است، به طوری که بتواند با عوارض جانبی بحران اقتصادی جهان مقابله کند. اقتصاد چین برای اینکه بتواند رشد خود را حفظ کرده و در عین حال مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز مورد توجه قرار دهد فرآیند تغییر عظیمی را تجربه می‌کند. این تغییرات شامل موارد زیر می‌شوند:
 - ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان که از مرتبه «ساخت چین» به «طراحی شده در چین» در حال تغییر است.
 - حرکت از یک اقتصاد بر محور سرمایه‌گذاری به سمت اقتصادی بر محور مصرف، گرچه از ایجاد یک طبقه متوسط شهری نیز حمایت می‌کند؛
 - حمایت از توسعه بخش خدمات.
 - تغییر در نظام بانکداری و نرخ سود.
 - تغییر در حقوق مالکیت زمین‌های کشاورزی.
- در سال ۲۰۱۲، دبیرکل حزب کمونیست چین، هو جینتاو^{۲۴}، در گزارش خود به هجدهمین کنگره ملی عنوان کرد که چنانچه بخواهید توسعه چین، متعادل‌تر، هماهنگ‌تر و پایدارتر شود، تولید ناخالص داخلی باید دو برابر سال ۲۰۱۰ شود (این بدین معنی است که رشد تولید ناخالص داخلی به ۷/۲ درصد برسد).
- با تشویق صنایع پاک‌تر و بخش خدمات، دولت امیدوار است که شغل‌های بیشتری ایجاد شود و در عین حال آسمانی آبی‌تر و آب‌هایی زلال‌تر داشته باشد. ولی این گذار مستلزم وام‌های بانکی، فرصت‌ها و حمایت راهبردی بیشتر از بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و تحدید اعطای وام‌های کم بهره به شرکت‌های دولتی است. این امر همچنین نیازمند ایجاد فناوری‌های نوآورانه چینی، اجرای موفقیت‌آمیز فرآیند شهرنشینی و همکاری بی‌دغدغه با شرکای تجاری بین‌المللی است.

رشد آهسته

اقتصاد ملی

GDP دو برابر

باید تأکید شود که پیش‌بینی می‌شود ظهور مصرف‌کننده چینی می‌تواند بزرگ‌ترین موتور رشد جهانی در این قرن باشد که متعاقباً شرکت‌های تولیدی و خدماتی اروپایی نیز از آن منتفع خواهند شد.

چهار سناریو برای پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵

این سناریوها در حکم پیش‌بینی نیستند؛ پیش‌بینی قطعی آینده به‌هیچ‌عنوان امکان‌پذیر نیست. سناریوها ابزارهای قدرتمندی برای یادگیری هستند که به ما کمک می‌کنند آینده را امروز درک کنیم. سناریوها ساختار فکری فرد را به چالش می‌کشند و ما را وادار می‌سازند مجموعه‌ای از آینده‌های احتمالی را در نظر بگیریم. هدف این چهار سناریو کمک به تعلیق ناباوری در قبال هر نوع آینده احتمالی است و به ما این امکان را می‌دهند که به احتمال وقوع هر یک از آنها بیندیشیم و برای آنها آماده باشیم.

براساس عدم قطعیت‌هایی که در بخش قبلی توضیح داده شد، چهار سناریوی مختلف برای آینده پژوهش در چین ساخته شده است. تمام این سناریوها برای سال ۲۰۲۵ تنظیم شده‌اند: بین و یانگ؛ یک حکمرانی مرکزی قدرتمند و بازتر و یک اقتصاد پویا، یک جامعه پژوهشی پیشرو را در سال ۲۰۲۵ ایجاد می‌کند.

یاسمن آبی؛ یک حکمرانی قدرتمند و باز که در تلاش است اقتصاد ملی را که تحت تأثیر بحران جهانی و نقل مکان صنایع تولیدی خارجی قرار گرفته، احیا کند، شرایط سال ۲۰۲۵ را رقم می‌زند.

سیاهچال و ازدها؛ یک حکمرانی بسته‌تر و یک نظام دادرسی ناکارآمد، توسعه شرکت‌های دولتی را حمایت می‌کند که به نظر می‌رسد همچنان در سال ۲۰۲۵ کارایی داشته باشد. ملکه از نفس افتاده؛ به نظر می‌رسد که یک چین بیش از حد مسموم که نشان از یک اقتصاد ملی فروپاشیده و جامعه‌ای تخریب شده دارد، بزرگ‌ترین ناکامی در سطح جهانی در سال ۲۰۲۵ باشد.



یین و یانگ

سناریو در یک نگاه: دولت چین در دوره ریاست جمهوری شی جین پینگ، در سال ۲۰۱۵ اصلاحات اساسی را در راستای افزایش شفافیت در حکمرانی و نظام قضایی و افزایش مشارکت مردم در حکمرانی‌های محلی انجام داد. اقتصاد در حال شکوفایی است و اکنون بیشتر بر پایه مصرف داخلی، خدمات و صادرات ابزارهای با فناوری پیشرفته استوار است. همزمان با گام‌هایی که به سمت شفافیت بیشتر برداشته می‌شود، چین به عنوان یک پیشروی جهانی در زمینه سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه مطرح شده است. این کشور اکنون بیشترین میزان سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه خصوصی و عمومی را به‌عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی دارد و دو نفر از برندگان جایزه نوبل در شیمی و پزشکی از این کشور هستند.

بهترین سناریو یعنی یین و یانگ برای چین را تصور کنید. مسافری که در سال ۲۰۲۵ به چین سفر می‌کند شاهد طبقه متوسط کارمند و مرفهی خواهد بود که دغدغه حقوق مدنی، و شرایط زیست محیطی را ندارند و در اوقات فراغت خود به بازی تنیس می‌پردازند، سوار ماشین‌های گران‌قیمت چینی و اروپایی می‌شوند و از محصولات با فناوری پیشرفته بهره می‌برند. اگرچه سیاست تک‌فرزندی تخفیف یافته است، اکثر زوج‌های جوان همچنان دارای یک فرزند هستند که از تحصیلات بالایی برخوردار بوده و حداقل به یک زبان خارجی مسلط هستند. این طبقه متوسط شهرنشین جدید مالیات بالایی می‌پردازند و عملاً محور سیاسی قدرتمندی هستند که بسیاری از سیاست‌های دولت را تعیین می‌کنند.

از سال ۲۰۱۶، نوعی اصلاحات پژوهشی و آموزشی توسط یک فرآیند دولتی گسترده آغاز شده است که دانش‌آموزانی با مهارت‌های متعدد و مهارت‌های فکری خلاقانه و نوآورانه و همچنین پژوهشگرانی فعال و باانگیزه تربیت کند.

تغییر نظام آموزشی، اقتصاد و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است و چین را در سال ۲۰۲۵ به یک اقتصاد دانش‌بنیان واقعی تبدیل کرده است.

تا سال ۲۰۱۸ برند هوآوی، به واسطه کارایی انرژی نوین و تلفن‌های فوق سبک، اولین جایگاه فروش را در بازار جهانی تلفن‌های هوشمند کسب کرده است و لنوو نیز در بین پنج برند برتر خواهد بود. از سوی دیگر، خودروسازان چینی کیفیت خودروهای خود را بهبود بخشیده‌اند، ولی به واسطه وجود بازار رقابتی شدید، موفق به کسب سهم قابل ملاحظه‌ای در بازار اروپا نشده‌اند.

القای کامل سیستم ثبت هوکو در سال ۲۰۲۰ کیفیت زندگی کارگران مهاجری که اکنون رفته رفته در اجتماعات شهری حل شده و میزان مصرف گرایی را بالاتر برده‌اند، بهتر کرده است. جهت رفع نیازهای این جمعیت رو به افزایش، کلان‌شهرهای چین سرمایه‌گذاری هنگفتی در زمینه خدمات فناوری نوین سلامت کرده‌اند که البته شرکت‌های چینی خود در صدر این بخش قرار دارند.

در سال ۲۰۲۰ بازار داخلی چین از اهمیت زیادی برخوردار است، به طوری که رونق اقتصادی کشور دیگر وابسته به مهارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیست. بنابراین، این کشور می‌تواند با موفقیت بحران اقتصادی که در سال ۲۰۲۲ به وجود آمده است را پشت سر بگذارد.

در سال ۲۰۲۵، حزب کمونیست چین همچنان تنها حزب موجود در چین است، ولی افزایش شفافیت، دسترسی آسان به اطلاعات عمومی و اصلاح موفقیت‌آمیز نظام قضایی، رابطه بین مردم و حزب را تغییر داده است. طی دهه اخیر، دولت پاسخ مثبت و کارآمدی به نیازهای مردم در زمینه محیط زیستی پاک‌تر، مدیریت ارضی شفاف‌تر، و دسترسی آسان‌تر به اطلاعات جهانی داده است.

یکی دیگر از عوامل مهم رشد، تغییر شکل چارچوب پژوهش در این کشور است. انسجام پژوهش از طریق ارزیابی نوین بیشتر شده و نظام ارزشیابی به جای کمیت بر کیفیت و اخلاقیات تأکید دارد.

در عین حال، فضای بازتر سیاسی اکنون نقش مهمی را در همکاری، نشر، بازنگری، نقد، بازنشر، و ارزشیابی پروژه‌های دولتی و فعالیت‌های صنعتی ایفا می‌کند. در نتیجه چین به دو جایزه نوبل در شیمی و پزشکی دست یافته است.

سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه خصوصی پس از بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ که حاصل فعالیت‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ خصوصی بود، به صورت مداوم افزایش

یافته است. همزمان با این افزایش، صندوق‌های متعدد فناوری نوین با هدف تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر ایجاد شد. افزایش برندهای با فناوری پیشرفته در چین از طریق مدرن‌سازی سیستم مقررات حقوق مالکیت معنوی که از سال ۲۰۱۵ آغاز شده نیز تشدید می‌شود و همین امر سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و داخلی در بخش‌های تکنولوژی را تضمین می‌کند.

در سال ۲۰۲۵، چین دیگر یک کشور با درآمد بالا است که با اتحادیه اروپا و آمریکا برای دستیابی به منابع طبیعی رقابت می‌کند و به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی که اعتماد و رونق اقتصادی را به دیگر نقاط جهان به ویژه کشورهای همسایه گسترش می‌دهد، شناخته می‌شود. در سال ۲۰۲۴ این کشور ساخت ایستگاه فضایی را آغاز و ساخت پایگاه در کره ماه را تا سال ۲۰۴۰ طرح‌ریزی می‌کند، در حالی که تقریباً همزمان، طرح راه ابریشم جدید (پیوند اقتصادی آسیا با دیگر نقاط جهان) در حال کامل شدن است.

افزون بر این، چین به یک پیشگام جهانی در تغییر اقتصاد کم کربن تبدیل می‌شود که راهکار توسعه کاربردی جایگزینی را به جای مرحله گذار در صنعتی‌سازی سنتی به کشورهای کمتر توسعه یافته ارائه می‌دهد.

موضوعات اصلی علایق پژوهشی انرژی سبز، نیروگاه‌های هسته‌ای نوین (راکتورهای بستر توپکی)؛ مواد خام جایگزین؛ IT (به ویژه پردازش و انتقال داده)؛ ذخیره‌سازی و توزیع انرژی؛ ادوات نیمه‌هادی و ادوات الکتریکی حالت جامد؛ حسگرها؛ میکروارگانیزم‌ها و آنزیم‌ها؛ سلامت (سلامت الکترونیک، پزشکی ترمیمی، مراقبت‌های پیشگیرانه، آنکولوژی، سرطان معده و ریه و غیره) اقتصاد زیستی؛ حل معضل پساب و فاضلاب و فناوری‌های فضا و دفاع هستند.

سیاه‌چال و اژدها

سناریو در یک نگاه: دولت چین تحت ریاست جمهوری شی جین پینگ در سال ۲۰۱۵ اصلاحات اساسی را در جهت شفافیت بیشتر و تعادل اجتماعی آغاز کرده است. با این وجود، دور زدن تمام موانعی که عناصر محافظه‌کار درون حزب کمونیست ایجاد می‌کنند امکان‌پذیر نیست. رئیس‌جمهوری جدید در سال ۲۰۱۸ انتخاب شده است که کشور را در جهتی کاملاً مخالف هدایت می‌کند. حکمرانی استبدادی جدید موفق شده است نرخ رشد بالا را از طریق نوآوری در ICT، فناوری‌های دفاع، فضا، و حمل و نقل حفظ کند.

برخلاف سناریوی پیشین، چین از لحاظ شفافیت و فضای بازرسی سیاسی پس‌رفت خواهد داشت. با این حال، اقتصاد همچنان رشد بالایی خود را حفظ می‌کند.

سفر به چین در سال ۲۰۲۵ به مراحل سختگیرانه‌ای برای صدور ویزا نیاز خواهد داشت که نشان از سیاست جدی این کشور برای کنترل ورود و خروج افراد و عقاید دارد. تمام رسانه‌های اجتماعی غربی، از جمله BOB (جانشین فیسبوک) در کشور ممنوع می‌شوند و بدین ترتیب تنها پلتفرم‌های اجتماعی چینی در دسترس خواهند بود.

WE (جانشین وی‌چت که امروز به صورت گسترده در جهان استفاده می‌شود) پلتفرم اجتماعی عمده خواهد بود.

پس از یک سری ناآرامی‌های اجتماعی و نژادی در هنگ‌کنگ و دیگر نواحی، و ناکامی‌های جین پینگ در مجاب ساختن مقامات اصلی حزب کمونیست برای تداوم اصلاحات، چین به سمت یک حکمرانی خودکامه‌تر و سانسور شدیدتر تغییر مسیر داده است.

در سال ۲۰۱۸ علی‌رغم سیاست‌های مالی موفق رئیس‌جمهور پیشین دکترا لی تسدونگ به عنوان رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین انتخاب شده است. دکتر تسدونگ موفقیت اقتصادی پویا برای چین به وجود آورده است که هم بر پایه نوآوری در هزینه بوده و هم بر پایه مدیریت کاراتر شرکت‌های دولتی که به آنها این امکان را داده است تا در زمینه‌های فناورانه خاص (ICT، دفاع، فضا، انرژی هسته‌ای، حمل و نقل، مواد و غیره) به مزیت رقابتی دست یابند. چین تا سال ۲۰۲۳ تولید و فروش رقابتی هواپیماهای مسافربری دوربرد را آغاز کرده است و این در حالی است که قطارهای سریع‌السیر چینی سهم بزرگی را در بازار جهانی به دست آورده‌اند. علی‌رغم سال‌ها موفقیت مالی، منازعات کوتاه‌مدت نظامی در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ با ژاپن و محدودیت‌های بازرگانی که از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا اعمال می‌شوند، نرخ رشد را طی ۳ سال اخیر کند ساخته و چین را ملزم به تقویت روابط تجاری و پژوهشی خود با اقتصادهای نوظهور غیرغربی و همچنین کشورهای آفریقایی و جنوب و مرکز آسیا می‌کند.

در سال ۲۰۲۴، نهایتاً توافقنامه‌ای بین تمامی کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، در رابطه با منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) در شرق و جنوب شرقی دریای چین منعقد می‌گردد که منادی عصری جدید از صلح و همکاری منطقه‌ای است.

اصلاحات انجام شده در نظام آموزشی اصلاحاتی معتدل هستند ولی در نهایت از توسعه یک اقتصاد دانش‌بنیان صحیح جلوگیری می‌کنند. در عین حال، با وجود اینکه شرایط کالبدی پژوهش بیشتر در راستای الگوهای حزبی است، مقامات همچنان گروه‌ها و منافع خاصی را ترجیح می‌دهند. موانع ارتباطی و پارتی‌بازی همکاری با شرکای بین‌المللی در زمینه تحقیق و توسعه را دچار مشکل ساخته و راندمان ملی فناوری‌های تحول‌آفرین را کاهش داده است.

فضای باز، فرهنگ نوآورانه و خلاقیت را می‌توان در «جزایر» دورافتاده‌ای یافت که در آنها حمایت دولت و تأمین بودجه کافی و آن هم تنها در مواردی مانند دفاع که اولویت کشور هستند، وجود دارد.

این کشور برای اینکه بتواند نقش اصلی خود را به‌عنوان موتور رشد جهان حفظ کند و رشد مستمری در تولید ناخالص داخلی داشته باشد، سیاست‌های کوتاه‌مدتی مانند تسهیل کنترل اعتبار، کاهش نرخ بهره، و تسهیل اعتبار مصرفی را اعمال می‌کند. از آنجایی که رشد و ایجاد شغل از اولویت‌ها هستند، در بسیاری از موارد، تولید، موضوعات دیگری همچون محیط زیست و شرایط کار را تحت الشعاع قرار می‌دهد که این امر به وقوع حادثه شیمیایی صنعتی خطرناکی در سال ۲۰۱۹ در دونگ‌گوان^{۲۵} خواهد انجامید.

موضوعات اصلی علایق پژوهشی، فناوری‌های نظامی؛ نیروگاه‌های هسته‌ای نسل چهارم؛ مواد خام جایگزین؛ تولید سوخت هیدروکربنی از باکتری؛ IT؛ حمل و نقل و فضا؛ امنیت؛ حسگرها؛ فناوری‌های سلامت؛ پاکسازی آب/فاضلاب؛ ارگانسیم‌های دستکاری شده ژنتیکی هستند.

یاسمن آبی

سناریو در یک نگاه: دولت چین تحت ریاست جمهوری شی‌جین‌پینگ اصلاحات اساسی را در سال ۲۰۱۵ در زمینه شفافیت دولت و سیستم قضایی آغاز کرده است که با حمایت یک طبقه متوسط شهری پویا تقویت نیز شده است. آقای جین‌پینگ مورد اقبال عامه مردم و حزب کمونیست قرار گرفته و در سال ۲۰۱۸ مجدداً به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده است، با این وجود، بدهی‌های سرسام‌آور دولتی (دولت‌های محلی و مرکزی) و «بحران جهانی فلزات خاکی کمیاب» در سال ۲۰۲۲ اقتصاد چین را دچار رکود ساخته است. با این حال، پژوهش در چین در نتیجه اصلاحات اساسی در نظام پژوهش ملی که از سال ۲۰۱۷ آغاز شده و همچنین با مشارکت شرکت‌های پژوهشی بین‌المللی، به ویژه در زمینه مواد جایگزین، بیوتکنولوژی و سلامت در حال شکوفایی است.

در سال ۲۰۲۵، رؤیای شی‌جین‌پینگ برای داشتن یک چین قدرتمند (از لحاظ اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، علمی، نظامی)، یک چین متمدن (از لحاظ برابری و عدالت، فرهنگ غنی، اخلاقیات)، یک چین یکدست (دوستی و مودت بین طبقه‌های اجتماعی)، یک چین زیبا (محیط زیست سالم، آلودگی اندک)، تا حدودی محقق شده است، در عین حال این کشور ساخت چندین شهر «سبز» که انرژی مورد نیاز خود را کاملاً از خورشید، باد و دیگر منابع

متراکم با کربن پایین تأمین می‌کنند را در کارنامه خود خواهد داشت. طی ده سال گذشته، آلودگی هوا و آب کاهش مداوم داشته است. همزمان با این پیشرفت، تلاش‌های زیادی در جهت وضع سیاست‌های زیست‌محیطی از جانب دولت‌های محلی و طبقه متوسط شهرنشین در حال گسترش انجام پذیرفته که تا حد قابل توجهی شرایط زیست‌محیطی را بهبود بخشیده است. با این وجود، مسائل مربوط به هوای پاک و کمبود آب همچنان در صدر برنامه پژوهشی و سیاسی قرار دارد.

سیستم آموزشی چین از لحاظ خلاقیت و شایسته‌سالاری به‌طور بنیادی مدرن شده و ارتقاء یافته است و بدین ترتیب به ایجاد یک اقتصاد نوآورانه دانش‌بنیان شتاب بخشیده است. تغییرات ساختاری زیادی در تمام سطوح انجام پذیرفته که نظام آموزشی را بهبود بخشیده، نوآوری باز را تقویت و جایگاه چین در عرصه تحقیق و توسعه جهانی را تثبیت کرده است.

در سال ۲۰۱۸، دور دوم ریاست جمهوری شی جین پینگ، با اصلاحات اساسی به سمت یک فضای بازتر، شفافیت بیشتر و اعطای حقوق بیشتر به اقلیت‌های مذهبی و نژادی آغاز شده است. در عین حال، اصلاحات پژوهشی که در سال ۲۰۱۴ تدوین و اجرای آنها در سال ۲۰۱۶ آغاز شد، به سرعت فضای پژوهشی چین را به سمت شفافیت بیشتر در مدیریت بودجه، انعطاف بیشتر، تمرکز راهبردی‌تر و روابط بین‌المللی قوی‌تر سوق داده است.

اجرای برنامه میان‌مدت و بلندمدت توسعه علم و فناوری (۲۰۲۰-۲۰۳۵) و تدوین برنامه‌های پنج‌ساله برای توسعه علم و فناوری به افزایش بودجه‌نگاه‌های کوچک و متوسط و اعمال شفاف‌تر و کاراتر قانون مقررات حقوق مالکیت معنوی منجر شده است (به افزایش تعداد اختراعات به ثبت رسیده خارجی در چین توجه کنید). در عین حال، از آنجایی که اکنون تأمین بودجه از جانب دولت به دلیل اوضاع رکود اقتصادی محدود است، این سرمایه‌گذاری‌های خصوصی است که پژوهش را هم در زمینه فناوری‌های پیشرفته و هم نوآوری به پیش می‌برد. علی‌رغم پیشرفت‌های اجتماعی و فناورانه، کشور به شدت تحت‌الشعاع «بحران جهانی فلزات خاکی کمیاب» قرار گرفته که در نتیجه آن قیمت بسیاری از فلزات خاکی کمیاب افزایش یافته و این خود به صورت زنجیره‌ای به هم وابسته بر اقتصاد جهانی و بر چینی که خود در آن زمان در نتیجه اصلاحات سیستم هوکو بدهی سنگینی را متحمل شده است، تأثیر می‌گذارد.

موضوعات اصلی علایق پژوهشی، مواد خام جایگزین؛ ذخیره‌سازی و توزیع انرژی؛ IT (نسل پنجم، مدیریت داده، اینترنت اشیا، و غیره)؛ مراقبت پیشگیرانه؛ کاربری پایدار زمین؛

فناوری‌های زیست‌محیطی (پاکسازی آب و خاک، کنترل تابش، و غیره)؛ انرژی تجدیدپذیر (نیروگاه‌های خورشیدی، زیست توده، و غیره)؛ و بیوتکنولوژی خواهند بود و منابع و کوشش کمتری به علوم طبیعی اختصاص خواهد یافت.

ملکه از نفس افتاده

سناریو در یک نگاه: چین به‌عنوان ابرقدرتی آسیب‌پذیر که می‌توان آن را به اتحاد جماهیر شوروی دهه ۸۰ تشبیه کرد سربرمی‌آورد. اصلاحات مالی ناکافی و کوته‌نظرانه نرخ رشد را تا ۳ درصد کاهش داده است و باعث عوارض اجتماعی بسیاری شده است. ناآرامی‌های اجتماعی از جانب طبقه متوسط و اقلیت‌های نژادی ناآرامی‌هایی در جامعه چینی ایجاد می‌کنند. نظام پژوهشی قدیمی تأمین مالی را محدود کرده و قادر به رقابت و پیشرفت در زمینه فضا، انرژی و فناوری نیست.

سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری شی جین‌پینگ تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است، با این حال نقدهایی نیز از جانب حزب کمونیست به اصلاحات گسترده وی و سوء مدیریت او در جریان قیام دانشجویی در هنگ‌کنگ (۲۰۱۴) و شورش اوغورها در شینجیانگ^{۲۶} وارد شده است. در نتیجه، رئیس‌جمهور شی در سال ۲۰۱۸ جای خود را به دکتر لی^{۲۷} که فردی تندرو بود، داد. در دوره ریاست جمهوری وی، فدراسیون کل اتحادیه‌های کارگری چین (ACFTU) همچنان عملکرد اتحادیه‌های تجاری مستقل را مختل می‌کند و اختلافات شدید تجاری شایع است.

در سناریوی ملکه از نفس افتاده، عملکرد نظام دادرسی که مانند گذشته تا حد زیادی تحت تأثیر مقامات حزبی محلی قرار دارد، پس‌رفت کرده است و مردم را از رسیدن به عدالت باز می‌دارد و این خود به ناآرامی‌های اجتماعی دامن می‌زند. در تلاشی برای مهار وضعیت، ریاست جمهوری جدید نوع استبدادی‌تری از حکمرانی را در پیش گرفته است که در آن سانسور شدیدتری اعمال می‌شود و قدرت قابل توجهی به پلیس سایبری و پلیس امنیتی داده شده است.

در این سناریو، چین در تلاش خود برای تغییر از یک اقتصاد صادرات‌محور به اقتصادی بر پایه مصرف داخلی کاملاً ناکام مانده است. شرکت‌های خارجی به تدریج اشتیاق خود برای سرمایه‌گذاری و تولید محصولات در چین را از دست داده‌اند و به نواحی دیگر در جنوب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا نقل مکان کرده‌اند.

26. Xinjiang

27. Dr. Le

در عین حال، کوتاه‌نظرانه بودن اصلاحات مالی که از طرف دولت جدید انجام شده‌اند، نرخ رشد سالانه را به زیر ۳ درصد کاهش داده است و منجر به زنجیره‌ای از اتفاقات به هم وابسته (بیکاری، ناآرامی، تروریسم افزایش بدهی عمومی و غیره) شده است. با این وجود، ظاهراً تحریم‌های مالی که به دلیل نقض جدی حقوق مدنی در سال ۲۰۲۳ توسط جامعه جهانی اعمال شده‌اند، تغییراتی را در خط‌مشی این کشور ایجاد کرده است ولی هنوز مسیر نهایی مشخص نیست.

نظام آموزشی چین، چندین سال است که دچار کمبود بودجه است و اصلاحات مهم مربوط به مدرن‌سازی که در سال ۲۰۱۷ معرفی شده‌اند، اکنون به دلیل محدودیت بودجه و عدم وجود اراده سیاسی متوقف شده‌اند. طبیعتاً به دلیل کاهش بودجه تحقیق و توسعه خصوصی، چارچوب قدیمی پژوهش، انزوای جهانی، و عدم وجود یک سیاست واقع‌گرایانه بلندمدت، فضای آموزشی نیز به همین نسبت متأثر شده است. به جای فضای باز و شایسته‌سالاری، شاهد بازگشت کاغذبازی و پارتی‌بازی خواهیم بود.

پیامدهای عمده این وضعیت، خلاقیت کمتر، نوآوری پایین‌تر و مهاجرت بسیاری از مغزهای متفکر به مراکز فعالیت در جنوب آسیا، اتحادیه اروپا و آمریکا است.

در این چارچوب، پژوهش بر حیطه‌هایی که دارای اولویت خاصی می‌باشند (مانند دفاع، امنیت، و مخابرات) یعنی جایی که چین حالت رقابتی خود را حفظ می‌کند متمرکز است. موضوعات دیگر مربوط به علایق پژوهش، انرژی هسته‌ای، شیمی و مواد، حمل و نقل و فضا؛ امنیت؛ و ارگانسیم‌های دستکاری ژنتیکی شده هستند و کوشش و منابع کمتری به علوم طبیعی اختصاص یافته است.

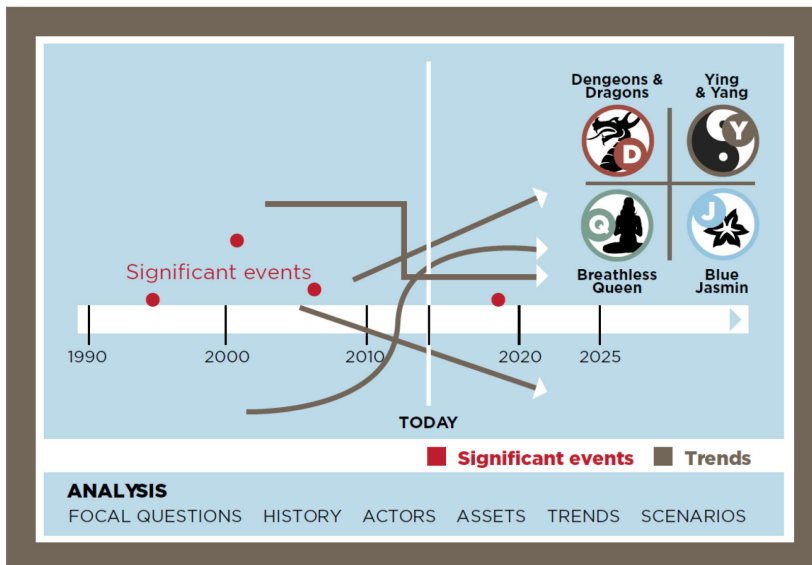
پیوست ۱- روش‌شناسی

برای درک فضای پژوهشی پیچیده و به سرعت در حال تغییر چین، کار پیش‌بینی در چارچوب پروژه دراگون استار، هم از ابزار جدید پیش‌بینی و هم از ابزار و ادوات قدیمی بهره برده است تا سناریوهای احتمالی را برای آینده پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ خلق کند. با این وجود سناریو به معنای پیش‌بینی نیست! بلکه روشی است برای به تصویر کشیدن آینده‌های احتمالی که به مؤسسات امکان اتخاذ تصمیمات درست را می‌دهد. سناریوها ابزاری هستند برای شناخت و درک روندهای قدرتمند و همچنین نشانه‌های ضعیفی که فضای آینده را شکل خواهند داد.

کار کنونی بر پایهٔ مراحل زیر طرح‌ریزی شده است:

۱. بیان مسأله اصلی

هدف اصلی، ارائه سناریوهای محتمل دربارهٔ آیندهٔ پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ بود. با در نظر گرفتن این موضوع، بررسی روندها به تشخیص عوامل اصلی محدود می‌شد که فضای پژوهشی در چین را طی پانزده سال آینده شکل خواهند داد. مخاطب این مطالعه کمیسیون اروپا است. بدین ترتیب، هدف اصلی، ارائه سناریو و به تصویر کشیدن برخی از آینده‌های احتمالی است که به اتخاذ تصمیمات راهبردی در زمان حال کمک می‌کند.



۲. تشریح سیستم

تشریح دنیای درونی، دنیای نزدیک و شرایط محیط. عوامل اصلی سیستم (درونی و بیرونی) شناسایی و تحلیل شد.

۳. تاریخ

تاریخچه توسعه سیستم (به مرحله ۲ مراجعه شود) که بر پژوهش چین اثرگذار است جهت درک بهتر روندهای فعلی و آتی و شناسایی توسعه‌های غیرمنتظره بررسی شد.

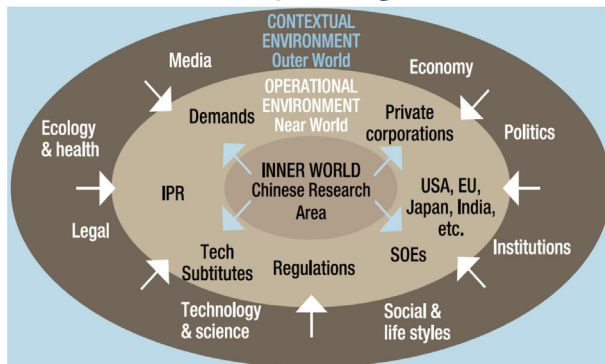
۴. شناخت روند

لیست تقریباً بزرگی از روندهای «قدرتمند» که (به صورت مستقیم یا غیرمستقیم) بر پژوهش چین تأثیر گذارند تهیه شده است.

شناخت روندها از طریق ابزارهای مختلف انجام می‌گیرد:

- بررسی رسانه به روش پایه‌ای
- برنامه تلویزیونی تحلیل رسانه به نام مدیا واچ^{۲۸}
- مشاوره (مصاحبه با کارشناسان)
- پرسشنامه‌های آنلاین

در نهایت از یک پلتفرم جمع‌سپاری به نام کوتیونیتی نیز استفاده شد. کوتیونیتی یک تلفن هوشمند چند کاربردی و یک برنامه کاربردی شبکه برای شناخت گروهی روندها و نوآوری است که توسط کایروس نیوچر برای استفاده گروه دراگون استار طراحی شده است. کوتیونیتی برای تسهیل جمع‌آوری، به اشتراک گذاری، توسعه و تحلیل روندها و ایده‌ها به کار گرفته شد. برای اطلاعات بیشتر در مورد کوتیونیتی به آدرس <http://www.coutunity.com> مراجعه کنید.



۵. ارزیابی روند

اهمیت روندهای شناسایی شده و احتمال وقوع آنها به صورت محرمانه بین اعضای کارگروه به بحث گذاشته شده است، ولی از جانب گروه بزرگ‌تری از کارشناسان از سراسر جهان (چین، اروپا و سرتاسر جهان) درخواست داده‌های بیشتری شد. از طریق پرسشنامه آنلاین (مطالعه دلفی) بازخورد ۴۱ کارشناس بررسی شد. این ۴۱ کارشناس به صورت یکسان از سرتاسر جهان و با پیشینه‌های مختلف (پژوهشی، تجارت، مشاوره و غیره) انتخاب شدند. پس از بررسی بازخورد کارشناسان، گروه کار ۱۶ روند عمده را برای تحلیل بیشتر برگزید.

۶. تجزیه و تحلیل روند

عوامل محرکه را یافته و نتایج روندهای اصلی برگزیده مشخص شد. افزون بر این، کایروس فیوچر، اطلاعات مشخصی را در رابطه با روندهای فعلی نوآوری و فناوری ارائه داد (به پیوست ۲ مراجعه شود). این اطلاعات برای شناسایی عرصه‌های فناورانه خاص که از اهمیت بالایی برخوردارند و همچنین برای طراحی سناریوی نهایی ضروری بود.

۷. پیشرفت روند

تحلیلی است از روندهای عمده به ویژه در رابطه با الگوی توسعه، سطح اشباع، سرعت و ... آنها.

۸. تحلیل تأثیر روند (TIA)

تحلیلی دقیق و عمیق از تأثیر روندهای عمده انتخابی بر روی FQ

۹. تحلیل تأثیر متقابل (CIA)

تحلیل تأثیر روندهای مختلف بر روی یکدیگر

۱۰. درخت نتیجه

ایجاد ساختارهای درختی برای روندهای اصلی جهت مشخص کردن نیروی محرکه و نتایج آنها. نتیجه این تحلیل به فرایند سناریوسازی در شناسایی آینده‌های احتمالی برای پژوهش در چین در سال ۲۰۲۵ کمک می‌کند.

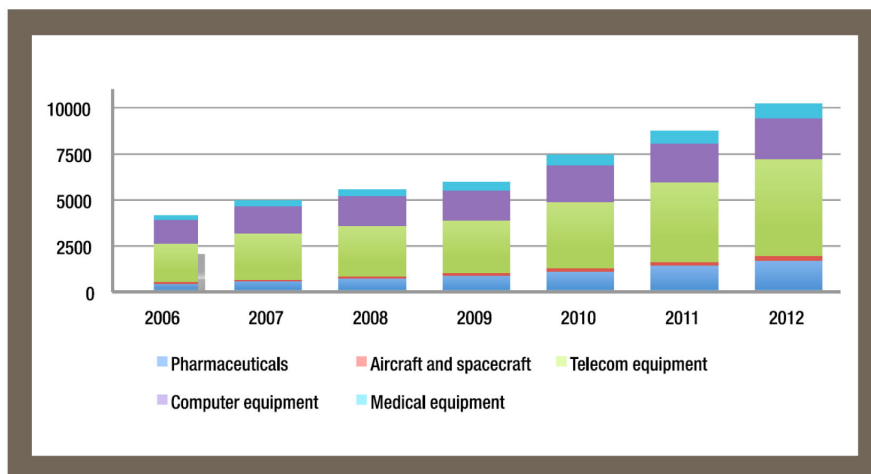
در نهایت، نتیجه نهایی این گزارش توسط سه کارشناس مستقل تأیید شد که توضیحات و تصحیحاتی را نیز برای سناریوها و روندهای پیشنهادی ارائه دادند:

- آنتونی هاول^{۲۹}، استادیار مدرسه اقتصاد در دانشگاه پکینگ^{۳۰}، پکن، چین.
- ریکارد والین^{۳۱}، مدیرعامل NCAB Group Sweden AB، استکهلم، سوئد.
- پروفیسور داو لیانگ لی^{۳۲}، دانشگاه کشاورزی چین، پکن، چین.

پیوست ۲- روندها و شاخص‌های نوآوری و فناوری

صادرات روزافزون فناوری پیشرفته از چین

نمودار زیر افزایش صادرات فناوری پیشرفته از چین از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ را (به رنمینی- واحد پول رایج کشور چین) نشان می‌دهد. تجهیزات مخابراتی در این بازار بیشترین سهم را دارا هستند و پس از آن تجهیزات کامپیوتری و محصولات دارویی قرار دارند.



منبع: وزارت علوم و فناوری چین.

فعالیت کمتر شرکت‌های خارجی

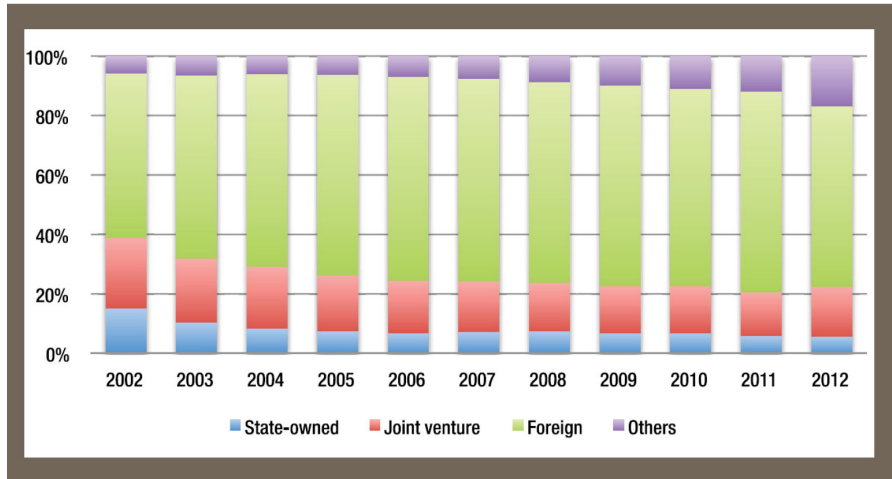
نمودار زیر سهم صادرات فناوری پیشرفته را از لحاظ مالکیت سهام نشان می‌دهد. شرکت‌های داخلی (چینی) هرچند به صورت خصوصی در حال افزایش سهم خود هستند اما همچنان درصد پایینی را در میزان کلی صادرات فناوری پیشرفته به خود اختصاص داده‌اند.

29. Anthony Howel

30. Peking University

31. Rikard Wallin

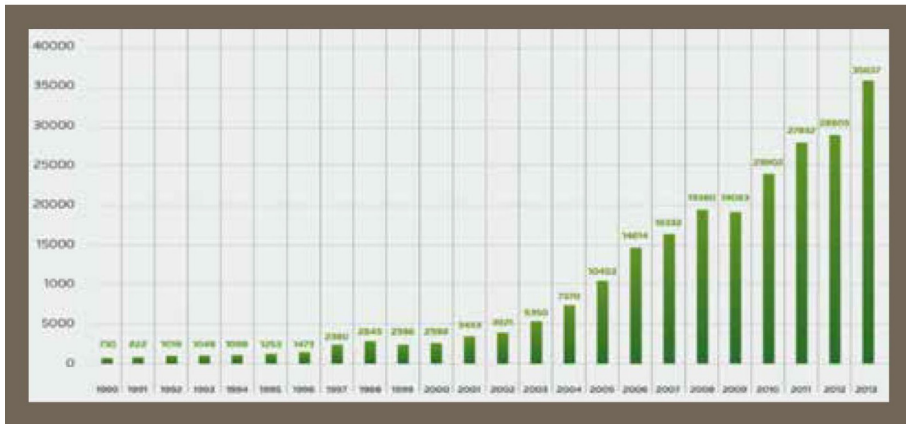
32. Daoliang Lee



منبع: وزارت علوم و فناوری چین

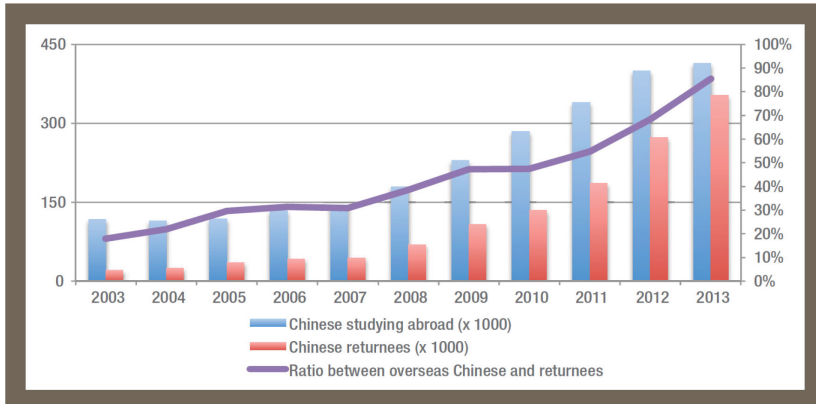
شرکت‌های چینی نشان تجاری خود را می‌سازند

تعداد ثبت بین‌المللی نشان تجاری توسط شرکت‌های چینی (نمودار زیر) به سرعت افزایش یافته است که نشان از تلاش شرکت‌ها برای ایجاد نشان تجاری بین‌المللی دارد.



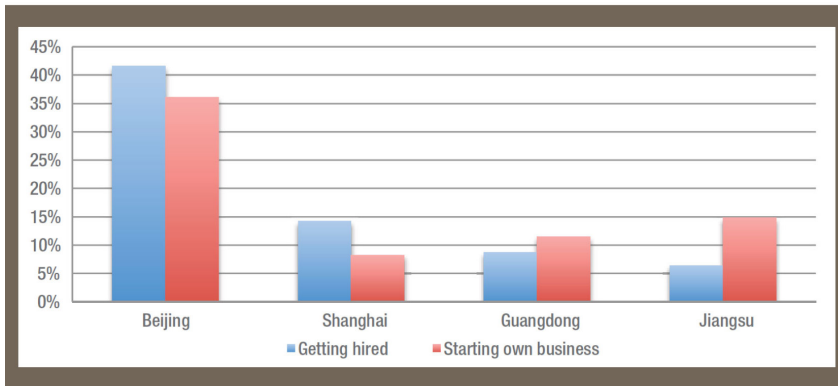
بازگشت مهاجرین چینی به کشور خود

در حالی که تعداد قابل توجهی از مردم چین برای ادامه تحصیل به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند، ولی تعداد افراد بیشتری به کشور خود باز می‌گردند. نسبت بین این دو گروه تقریباً ۰/۹ است.



بازگشت کارآفرینان به پکن

پکن ناحیه‌ای است که بیشترین تعداد مراجعه کنندگان را دارد و پس از آن شانگهای قرار دارد. تقریباً نیمی از مراجعه کنندگان ترجیح می‌دهند تجارت و کسب و کار خود را راه بیندازند.

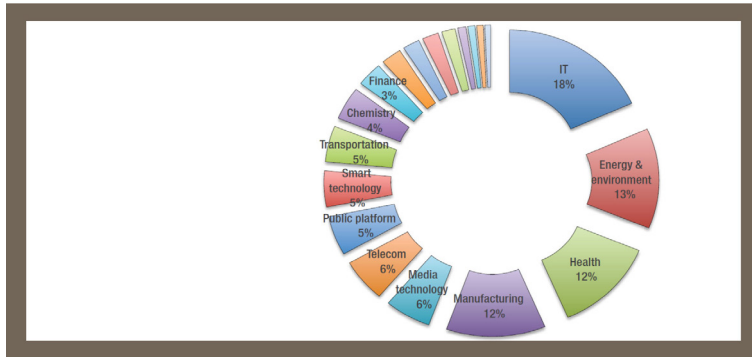


نوآوری بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمینه IT، انرژی و سلامت

توزیع بودجه از طریق سیستم Innofund، که یک برنامه تأمین بودجه از محل منابع دولتی برای پروژه‌های نوع‌آوران بنگاه‌های کوچک و بزرگ است، نشان از فعالیت در زمینه‌های IT، انرژی، سلامت و تولید دارد.

آنچه در نمودار نشان داده نشده است:

امنیت ۲ درصد، آموزش ۲ درصد، اینترنت و موبایل ۲ درصد، تجارت الکترونیک ۲ درصد، فضا ۱ درصد، غذا ۱ درصد، کار خلاق ۱ درصد، شهرنشینی ۱ درصد.



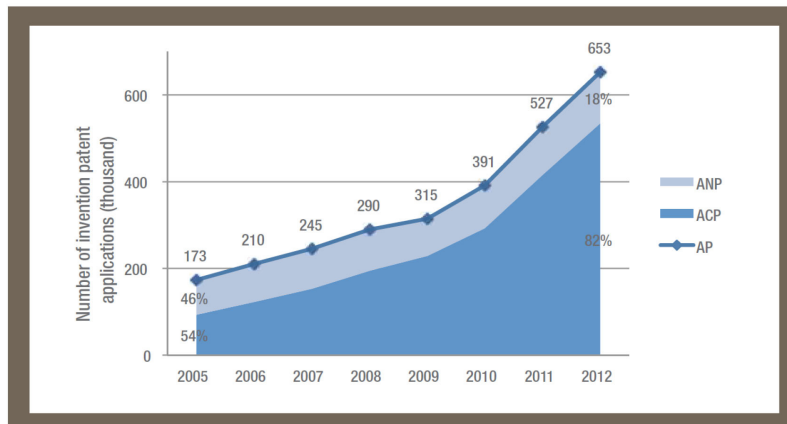
افزایش اختراعات ثبت شده توسط شرکت‌های چینی

درخواست ثبت اختراع در حال افزایش است (به نمودار زیر توجه کنید). و در این میان چینی‌ها سهم قابل توجهی دارند. انگیزه باعث شده است که آنها بخواهند دارایی‌های فکری بیشتری از خود را به صورت قانونی ثبت کنند.

ANP: درخواست ثبت اختراع توسط غیر چینی‌ها.

ACP: درخواست ثبت اختراع توسط چینی‌ها.

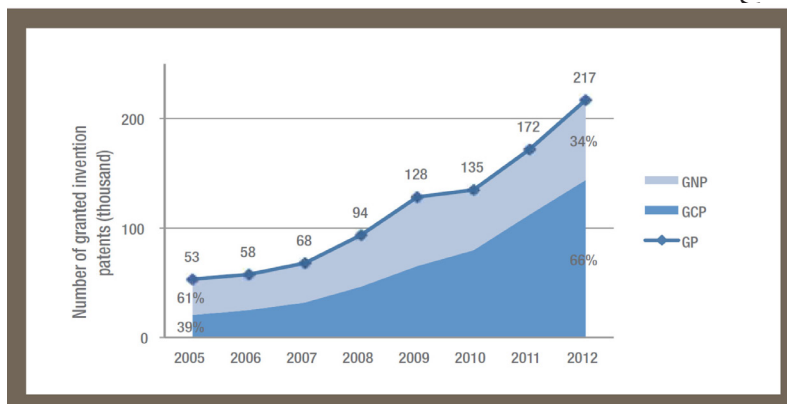
AP: مجموع درخواست‌ها.



اختراعات ثبت شده بیشتری به شرکت‌های چینی واگذار می‌شوند

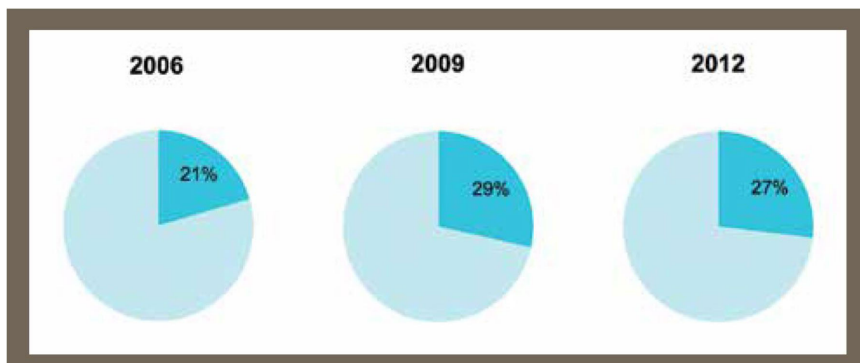
تعداد اختراعات ثبت شده به سرعت در حال افزایش است (به نمودار زیر رجوع شود)؛ این در حالی است که مقامات چینی برای اینکه شرایط لازم را در راستای عملکردهای بین‌المللی

قرار دهند، سطح استاندارد را برای واگذاری ثبت اختراع بالا برده‌اند.
 GNP: واگذاری ثبت اختراعات توسط شرکت‌های غیر چینی.
 GCP: واگذاری ثبت اختراعات توسط شرکت‌های چینی.
 GP: مجموع واگذاری.



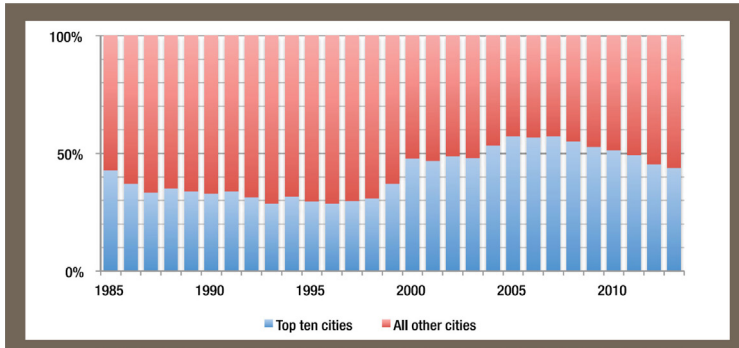
کیفیت ثبت اختراع نزول نکرده است

با توجه به میزان درخواست برای ثبت اختراعات واگذار شده (به نمودار زیر نگاه کنید) مشاهده می‌کنیم که علی‌رغم رشد سریع ثبت اختراع، کیفیت درخواست ثبت اختراع در چین نزول نکرده است.



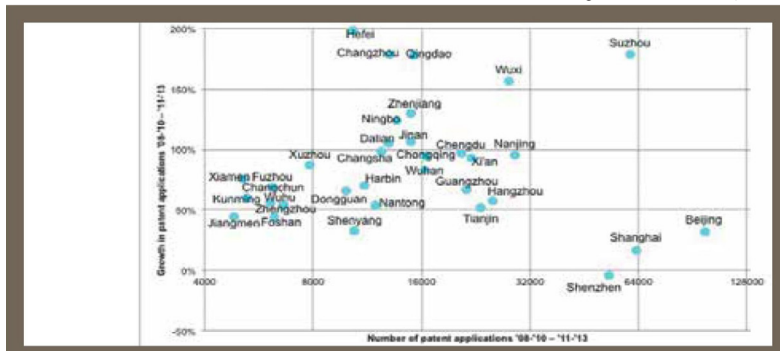
گسترش جغرافیایی نوآوری

میزان درخواست ثبت اختراع توسط ۱۰ شهر برتر در مقابل دیگر شهرها (نمودار) از سال ۲۰۰۷ تاکنون کاهش یافته است؛ تحقیق و توسعه روز به روز دورتر از مراکز عمده اتفاق می‌افتد.



رشد روزافزون شهرها

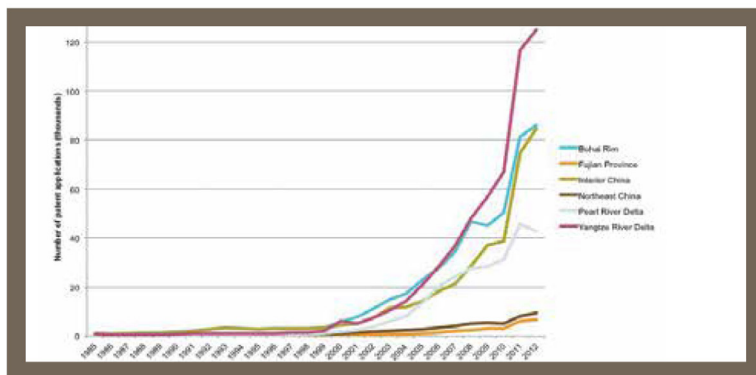
در حالی که پکن، شانگهای و شنزن^{۳۳} فعالیت‌های خود را در زمینه توسعه و تحقیق ادامه می‌دهند؛ شهرهای دیگر (سوژو^{۳۴}، وو شی^{۳۵}، چینگ‌دائو^{۳۶}، شانگزو^{۳۷}، هفی^{۳۸}) با سرعت تلاش‌های خود را آغاز کرده‌اند.



افزایش حق ثبت اختراع در ناحیه دلتای رود یانگ‌تسه

ثبت اختراع در طول زمان در نواحی مختلف (نمودار زیر) نشان می‌دهد که دلتای رود یانگ‌تسه در ثبت اختراع پیشرو است و پس از آن بوهای ریم^{۳۹} و مناطق درونی کشور چین قرار دارند.

33. Shenzhen
34. Suzhou
35. Wuxi
36. Qingdao
37. Changzhou
38. Hefei
39. Bohai Rim



ستون اصلی تحقیق و توسعه چین

حوزه‌هایی که در آنها بیشترین ثبت اختراع در چین وجود دارد (جدول شماره ۱) تجهیزات مخابراتی، IT، محصولات دارویی، مواد، شیمی و فناوری نیمه‌رسانا هستند.

حوزه فناوری	تعداد درخواست*	نرخ تغییر(درصد)**
پردازش داده به صورت دیجیتالی و الکترونیکی	۴۰,۸۵۱	۸۷
انتقال اطلاعات دیجیتالی	۲۶,۶۱۳	۲۴
تجزیه و تحلیل مواد	۲۵,۰۸۵	۸۰
آماده‌سازی برای اهداف پزشکی - دندانپزشکی یا آرایشی	۲۳,۲۳۱	۳۳
وسایل نیمه‌رسانا، و وسایل الکترونیکی حالت جامد	۱۷,۲۰۰	۷۰
شبکه‌های ارتباطی بی‌سیم	۱۵,۳۳۴	۹
ساخت ترکیبات درشت مولکولی	۱۲,۹۷۲	۱۱۳
اندازه‌گیری متغیرهای مغناطیسی یا الکترونیکی	۱۲,۹۳۸	۱۴۶
میکروارگانسیم‌ها یا آنزیم‌ها	۱۱,۰۸۵	۶۲
تصفیه آب، پساب، فاضلاب، یا رسوبات	۱۰,۶۸۴	۶۲
غذا، مواد غذایی، یا نوشیدنی‌های غیرالکلی	۱۰,۶۳۹	۹۲
ترکیبات هتروسیکلیک	۱۰,۳۸۴	۵۶
پردازش و حفاظت از سنگ‌های طبیعی	۱۰,۳۵۸	۸۳
ارتباطات تصویری به عنوان مثال تلویزیون	۱۰,۲۵۰	۱۸
فرایندهای فیزیکی یا شیمیایی	۱۰,۰۹۵	۵۲
ترکیبات غیرحلقوی یا دارای حلقه کربنی	۹,۹۰۳	۲۲
سیستم ذخیره و توزیع نیروی برق	۸,۹۸۶	۱۷۵
جداسازی	۸,۹۱۹	۹۰
تبدیل انرژی شیمیایی به انرژی الکترونیکی مانند باتری	۷,۸۸۰	۹۰
کنترل و تنظیم سیستم	۷,۱۰۶	۱۰۶
برش، لحیم، جوش دادن با لیزر یا گرما	۷,۰۱۹	۱۰۵
ترکیبات پوششی	۶,۸۴۱	۹۶
آلیاژها	۶,۷۷۵	۷۶
فرم‌دهی یا اتصال پلاستیک	۶,۵۸۵	۱۲۶

* به تعداد درخواست‌های ثبت اختراع در یک ناحیه مشخص بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۱ اشاره دارد.

** به افزایش تعداد درخواست‌های ثبت اختراع بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۸ و ۲۰۱۳-۲۰۱۱ اشاره دارد.

حوزه‌هایی که سریع‌ترین رشد را در ثبت اختراع داشته‌اند

حوزه‌هایی که سریع‌ترین رشد را در ثبت اختراع در چین داشته‌اند (جدول شماره ۲) عمدتاً مربوط به حوزه‌هایی با فناوری ابتدایی هستند: تولید، ساخت و ساز، و تجهیزات و ادوات کشاورزی.

جدول شماره (۲)

حوزه فناوری	تعداد درخواست*	نرخ تغییر(درصد)**
تجهیزات کارگاهی	۵۳۸	۳۶۸
ادوات منجمدکننده و خنک‌کننده	۲,۳۳۵	۳۵۴
وسایل ذخیره‌سازی و حمل و نقل	۵,۵۶۲	۲۶۴
محصولات چندلایه	۴,۰۰۵	۲۵۰
کار با مواد نازک یا رشته‌ای	۲,۳۷۱	۲۴۶
ابزار و ادوات میز کار	۲,۰۴۷	۲۴۲
لایروبی و خاک‌برداری	۹۱۷	۲۴۱
تعمیر وسایل نقلیه	۵۱۱	۲۴۱
ادوات برای بالا بردن، حمل کردن و هل دادن	۱,۰۸۲	۲۳۴
ماشین‌های بسته‌بندی	۲,۳۱۷	۲۳۳
به دام انداختن حیوانات	۶۷۱	۲۳۱
مبلمان	۸۴۶	۲۲۲
قهوه و چای	۲,۰۲۸	۲۲۱
روپوش و لباس ایمنی	۱,۱۷۸	۲۱۰
اجزا و قطعات ابزار مکانیکی	۴,۰۰۰	۲۰۸
اصلاح خاک برای کشاورزی	۶۸۲	۲۰۴
صفحه و کلید و ایستگاه فرعی الکتریکی	۱,۲۲۴	۲۰۴
ساخت صفحات، لوله‌ها و میله‌های فلزی	۵,۱۲۳	۲۰۳
میز یا تجهیزات خانگی	۱,۸۸۱	۲۰۲
تمیز کردن در شکل کلی آن	۲,۰۷۸	۲۰۰
میز غذاخوری، میز کار، و مبلمان اداری	۹۹۳	۱۹۸
ساخت سیم	۵۱۹	۱۹۷
سیستم‌های سیال	۱,۹۴۵	۱۹۵
ماشین چاپ و نشر	۱,۰۹۴	۱۹۳

* به تعداد درخواست‌های ثبت اختراع در یک حوزه مشخص بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۱ اشاره دارد.

** به افزایش تعداد درخواست‌های ثبت اختراع بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۸ و ۲۰۱۳-۲۰۱۱ اشاره دارد.

موضوعات خاص تحقیق و توسعه در طول زمان

براساس کلمات به کاررفته در چکیده‌های مربوط به ثبت اختراع در چین، کانون تمرکز تحقیق و توسعه در چین به سمت حفاظت محیط زیست، اتوماسیون، و رایانش ابری تغییر جهت داده است.

TCM، استخراج فلزات از طریق گیاهان، ساخت و ساز، ریزپردازنده‌ها، تغذیه، ویتامین، غذا، داده‌های دیجیتالی با حروف چینی	۱۹۹۹-۱۹۹۰
نوکلئوتید، DNA، توالی، تومور، توسعه جنینی، یخچال، مواد کامپوزیت، مهندسی عمران، SAARS، ماشین لباسشویی	۲۰۰۴-۲۰۰۰
ایمنی، مخابرات، صنایع دارویی	۲۰۰۹-۲۰۰۵
حفاظت محیط زیست، انرژی خورشیدی، ذخیره انرژی، کنترل دما، موتور، هزینه تولید، کارایی، اتوماسیون، اینترنت، رایانش ابری	۲۰۱۳-۲۰۱۰

تکامل چشم‌انداز عوامل توسعه و تحقیق

موارد کلیدی ثبت اختراع شامل شرکت‌های خصوصی در زمینه الکترونیک، وسایل خانگی، ارتباطات، و IT و همچنین شرکت‌های دولتی در بخش‌های کلیدی و دانشگاه‌های اصلی هستند.

<ul style="list-style-type: none"> • ظهور مجدد شرکت‌های دولتی کلیدی (سینوپک^۱، استیت گرید^۲) • افزایش فعالیت شرکت‌های خصوصی در زمینه‌های الکترونیک، وسایل خانگی و ارتباطات (فاکس کان^۳، ZTE، هواوی، تجهیزات مخابراتی، دانانگ^۴). • فعالیت شرکت‌های خصوصی در IT، (تسنت^۵، کیهو^۶)، فوتوالکترونیک (اوشنز لایتینگ^۷، هوزینگ فوتوالکترونیک^۸ و BOE) و ماشین‌آلات سنگین (زوملیون^۹). 	دهه نود
<ul style="list-style-type: none"> • ظهور مجدد شرکت‌های دولتی کلیدی (سینوپک، استیت گرید) • افزایش فعالیت شرکت‌های خصوصی در زمینه‌های الکترونیک، وسایل خانگی و ارتباطات (فاکس کان، ZTE، هواوی، تجهیزات مخابراتی، دانانگ). • فعالیت شرکت‌های خصوصی در IT، (تسنت، کیهو)، فوتوالکترونیک (اوشنز لایتینگ، هوزینگ فوتوالکترونیک و BOE) و ماشین‌آلات سنگین زوملیون). 	۲۰۰۵-۲۰۰۰
<ul style="list-style-type: none"> • ظهور مجدد شرکت‌های دولتی کلیدی (سینوپک، استیت گرید) • افزایش فعالیت شرکت‌های خصوصی در زمینه‌های الکترونیک، وسایل خانگی و ارتباطات (فاکس کان، ZTE، هواوی، تجهیزات مخابراتی، دانانگ). • فعالیت شرکت‌های خصوصی در IT، (تسنت، کیهو)، فوتوالکترونیک (اوشنز لایتینگ، هوزینگ فوتوالکترونیک و BOE) و ماشین‌آلات سنگین (زوملیون). 	۲۰۱۰-۲۰۰۶
<ul style="list-style-type: none"> • ظهور مجدد شرکت‌های دولتی کلیدی (سینوپک، استیت گرید) • افزایش فعالیت شرکت‌های خصوصی در زمینه‌های الکترونیک، وسایل خانگی و ارتباطات (فاکس کان، ZTE، هواوی، تجهیزات مخابراتی، دانانگ). • فعالیت شرکت‌های خصوصی در IT، (تسنت، کیهو)، فوتوالکترونیک (اوشنز لایتینگ، هوزینگ فوتوالکترونیک و BOE) و ماشین‌آلات سنگین (زوملیون). 	۲۰۱۳-۲۰۱۱

^۱ Sinopec^۲ State Grid^۳ Foxconn^۴ Dating^۵ Tccent^۶ Qihoo^۷ Ocean's lighting^۸ Huaxing Photoelectronics^۹ Zoomlion

نتایج اصلی

صحنه نوآوری چین از زمان بحران مالی و رکود اقتصادی جهان شاهد تغییرات بسیاری بوده است:

- افزایش سهم شرکت‌های داخلی از صادرات فناوری پیشرفته؛
- افزایش تمرکز شرکت‌های داخلی بر ایجاد نشان تجاری بین‌المللی خود همراه با رشد مداوم در تعداد نشانه‌ای تجاری ثبت شده در خارج؛
- افزایش مراجعت مهاجرین از خارج از کشور که سال گذشته تقریباً با تعداد افرادی که کشور را برای ادامه تحصیل ترک کردند، برابری می‌کرد. با بازگشت بیش از یک میلیون نفر از سال ۲۰۰۶ که تقریباً نیمی از این جمعیت کسب و کار خود را راه انداختند، چین با استعانت از تجربیاتی که از خارج آمده و همچنین با کمک شبکه‌ها به یک قدرت روبه رشد در اکوسیستم نوآوری تبدیل شده است.

الگوهای جغرافیایی نوآوری در حال تغییر است

- اگرچه تقریباً نیمی از درخواست‌های ثبت اختراع در چین همچنان توسط همان ده شهر اول انجام می‌شود، ولی از سال ۲۰۰۷ سهم آنها کاهش یافته است که این حاکی از تغییر تمرکز از مراکز بزرگ نوآوری به سوی دامنه کشیده شهرهای کوچک‌تر است.
- شهرهای واقع در مناطق داخلی چین - به ویژه چنگدو^{۴۰}، ژیان^{۴۱} و ووآن^{۴۲}، به سرعت در حال گسترش هستند ولی بیشترین شتاب در ردیف دوم و سوم شهرهای ساحلی به ویژه سوژو^{۴۳}، ووژی^{۴۴}، کینگدائو^{۴۵}، شانگزو^{۴۶}، نانجینگ^{۴۷} و هانگزو^{۴۸} اتفاق می‌افتد.
- اکثر این شهرهای برجسته در حاشیه دلتای رود یانگ‌تسه قرار دارند که به واسطه سیاست‌های دولت و همچنین اقدامات کارآفرینان به عنوان منطقه اصلی تحقیق و توسعه در چین در حال ظهور است.

40. Chengdu

41. Xi'an

42. Wuhan

43. Suzhou

44. Wuxi

45. Qingdao

46. Changzhou

47. Nanjing

48. Hangzhou

● پس از شهرهای ذکر شده و در کنار مراکز فعلی پکن و تیانجین^{۴۹}، حاشیه اقتصادی بوهای قرار دارد که در آن شهرهای کینگدائو، جینان^{۵۰} و دالیان به عنوان مراکز نوآوری سر برآورده‌اند.

● به دلیل اینکه در شهر شنزن^{۵۱} حق ثبت اختراع عمدتاً در اختیار چند عامل بزرگ (ZTE، هوآوی، فاکس کان، و اوشن کینگ) قرار دارد، دلتای رود مروارید تا حدودی شتاب اولیه خود را از دست داده است. با این وجود، گوانگجو در کنار مراکز تولیدی دانگوان^{۵۲}، فوشان^{۵۳} و جیانگمنار^{۵۴} در زنجیره ارزش صعود می‌کنند.

پیوست ۳: تشریح روندها

روند ۱: اقتصاد ملی

شرح: عملکرد اقتصاد ملی مستقیماً مرتبط با سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در زمینه تحقیق و توسعه بوده و محرک مهمی است که عملکرد تحقیقاتی چین در سال‌های پیش‌رو را تعریف خواهد کرد.

امروز چین دومین اقتصاد بزرگ پس از ایالات متحده است و انتظار می‌رود تا اوایل قرن حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان شود. علاوه بر این، چین در سال ۲۰۱۳ با پیشی گرفتن از ایالات متحده در رویدادی که پکن با عنوان «نقطه عطف برجسته» برای این کشور از آن یاد کرد، بزرگ‌ترین کشور در زمینه تجارت شد. پیشرفت سریع چین طی ۳۰ سال اخیر به واسطه نیروی کار ارزان، پس‌اندازهای کلان و سرمایه‌گذاری‌های گسترده رقم خورده که منجر به ایجاد یک شکاف درآمدی در حال گسترش و سطح مصرف پایین شده است.

اقتصاد چین در حال حاضر دستخوش یک تغییر ساختاری می‌شود که مشخصه آن تغییر اولویت از رشد سریع تولید ناخالص داخلی به رشد پایدار و فراگیر، و از یک اقتصاد صادرات‌محور (تولید با نیروی کار ارزان) با پشتوانه سرمایه‌گذاری خارجی به سمت اقتصادی است که در آن بازار داخلی چین (افزایش مصرف) موتور محرکه اصلی رشد بوده و مبتنی بر صنایع با تکنولوژی پیشرفته^{۵۵} سرمایه‌طلب و خدماتی است.

49. Tianjin

50. jinan

51. Shenzhen

52. Dongguan

53. Foshan

54. Jiangmenare

55. High-tech

چین به علت مجموعه‌ای از عوامل، احتمالاً رشد اقتصادی خود را در دهه بعد و پس از آن ادامه خواهد داد؛ این عوامل عبارتند از زیربنای صنعتی مستحکم، زیرساخت‌های نوین در سطح جهانی، پس‌اندازهای کلان، نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری (عمدتاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)، بازار داخلی بزرگ، مزیت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری در آموزش، و در پایان، تعهد این کشور به تحول در راستای سبکی از رشد اقتصادی که ناشی از بازار داخلی و سازگار با محیط زیست است.

از سوی دیگر، اگر تغییرات ساختاری سریعی جهت ایجاد یک اقتصاد پیچیده‌تر انجام نگیرد، حفظ نرخ‌های رشد بالا برای چین دشوار خواهد بود؛ تغییراتی نظیر مشوق‌های مالیاتی برای ابتکارات در زمینه کارآفرینی، نقش تعیین‌کننده‌تر نیروهای بازار در تخصیص منابع، گشایش بیش از پیش کشور از طریق توسعه دسترسی به سرمایه، پول ملی قابل دادوستد (رنمینی)، پرداختن به بدهی بخش دولتی، دموکراتیک کردن بازار داخلی، حفاظت از حق مالکیت معنوی، و غیره.

مثال ۱: هو جینتائو^{۵۶}، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، در گزارش خود به هجدهمین کنگره ملی عنوان کرد که بر اساس ایجاد توازن، هماهنگی، و ثبات بیشتر در توسعه چین، تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه تا سال ۲۰۲۰ باید در مقایسه با سال ۲۰۱۰ دو برابر شود، و برای این منظور چین نیاز به حفظ یک رشد سالانه ۷/۲ درصدی دارد.

مثال ۲: فروش کیف و چمدان در چین می‌تواند یک عامل پیش‌بینی‌کننده رشد اقتصادی باشد. شرکت سامسونت^{۵۷} رشد فروش خود در چین را علیرغم فروکش کردن اقتصاد این کشور پیش‌بینی می‌کند. این شرکت فروش خود را در چین در سال‌های اخیر بیش از دو برابر کرده و از ۹۱/۸ میلیون دلار در ۲۰۱۰ به ۱۹۲/۲ میلیون دلار در ۲۰۱۳ رسانده است.

روندهای مخالف: در قرن بیست و یکم، چین نیاز خواهد داشت که هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی سه دهه رشد اقتصادی سریع را مورد ملاحظه قرار دهد: ته کشیدن منابع، آرامش اجتماعی، دوقطبی شدن درآمد، بانکداری سایه، و افزایش شکاف بین ثروتمندان و فقرا.

نیروهای محرک: روابط اقتصادی دوطرفه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پیشرفت تکنولوژیکی، نیروی کار ارزان، شهرنشینی، مصرف داخلی، تغییر در الگوی رشد، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه، سرمایه‌های داخلی، سیاست‌های پولی، و غیره.

56. Hu Jintao

57. Samsonite

عاملان: دولت چین، شرکت‌ها و مؤسسات، بانک‌های خارجی و سرمایه‌گذاران داخلی، و غیره.

آینده: اقتصاد به رشد خود ادامه داده اما سرعت آن کمتر خواهد بود، و بر بعضی از بحران‌های جزئی غلبه خواهد کرد.

پیامدها: چین به منظور پیاده‌سازی تغییرات لازم باید بیشتر روی توسعه نوآوری‌های تکنولوژی پیشرفته سرمایه‌گذاری کند تا صادرات تکنولوژیکی را تأمین نموده و برتری رقابتی خود را حفظ کند. به تحقیقات بیشتری در زمینه شهرنشینی، مواد جایگزین و انرژی نیاز است. حرکت چین به سمت یک اقتصاد باز می‌تواند موجب ایجاد اثرات چرخه‌ای و حباب‌های اقتصادی شود که سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه تحقیق و توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

روند ۲: شرایط کلیدی (برای تحقیقات)

شرح: سیاست‌های هدایت‌گر اصلی کنونی برای دانش، تکنولوژی و نوآوری شامل طرح میان‌مدت و بلندمدت توسعه دانش و فناوری (۲۰۲۰-۲۰۰۶) و طرح‌های پنج‌ساله توسعه دانش و فناوری (طرح فعلی ۲۰۱۵-۲۰۱۱) می‌شوند. هدف این طرح‌ها تبدیل چین به یک جامعه نوآور تا سال ۲۰۲۰ است. چالش‌های مهم در بخش‌های محیط زیست، انرژی، کشاورزی، اشتغال، و قابلیت‌های نوآوری بومی به عنوان مهم‌ترین عوامل رتبه‌بندی شده‌اند. در این راستا، تمرکز بر روی پیشرفت‌هایی است که در بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مواد جدید، تولید پیشرفته، انرژی تجدیدپذیر، دانش دریانوردی، فناوری لیزر، و تکنولوژی‌های هوافضا ضروری هستند.

با این وجود، چهارچوب تحقیق و توسعه دارای ضعف‌هایی است که توسط وزارت علوم و فناوری نیز شناسایی شده‌اند؛ مانند مدیریت خرد دولت در فعالیتهای کارآفرینی، عدم شفافیت سیاست‌ها و اجرای ناکارآمد قانون مالکیت معنوی، و سایر موارد. در حالی که سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه در چین به سرعت در حال افزایش است، تغییرات ساختاری لازم برای نوسازی چهارچوب پژوهشی با همان سرعت اجرا نمی‌شوند. مسائل مربوط به گشودگی^{۵۸} (افکار، ایده‌ها و غیره)، ساختار سلسله‌مراتبی شدید، سیستم مشوق‌ها که زیر سؤال است، یکپارچگی تحقیقات، نظام تأمین بودجه دارای نقص، و پیوند محدود با دنیای تجارت، موضوعاتی هستند که باید مدنظر قرار گیرند.

بروزرسانی تکنولوژی از طریق جذب فناوری، و نوآوری در مرزهای تکنولوژی، هر دو منوط به عوامل متعددی هستند که عبارتند از موفقیت سیاست‌های معطوف به رقابت مؤثر؛ ترکیب بخش تجاری و جهت‌گیری استراتژیک آن؛ سیاست‌گذاری چابک و مقررات مستحکمی که ریسک بحران‌ها را به حداقل رسانده و اقتصاد را برای استفاده از فرصت‌های رشد آماده سازند؛ توسعه مهارت؛ تحقیق و توسعه؛ شبکه‌سازی ملی و بین‌المللی جهت ترویج نوآوری؛ و پرورش نوآوری به ویژه در حیطه‌های فناوری‌های سبز، خدمات بهداشتی و پزشکی، و شبکه‌های شهرنشینی، و در مراکز شهری.

اهمیت خوشه‌ها به ویژه خوشه‌های تکنولوژی پیشرفته در مناطق ژونگ گوانگون^{۵۹} و سوژو^{۶۰}، خوشه‌های تولیدی در استان گوانگ‌دونگ^{۶۱} و تیانجین^{۶۲}، و خوشه‌های مالی در شانگهای یکی دیگر از جنبه‌های ضروری رشد و عملکرد نوآورانه چین در آینده است. خوشه‌های جدید، مانند خوشه لیزر که در ونژو^{۶۳} ساخته خواهد شد، می‌تواند چین را در خط مقدم تکنولوژی لیزر قرار دهند.

پکن در حال برنامه‌ریزی و اجرای تدریجی اصلاحات مقرراتی و ساختاری برای بهبود کارایی سیستم فعلی است، اما موفقیت طرح‌های کنونی و سرعت این اصلاحات زیر سؤال است.

مثال ۱: وان گانگ^{۶۴} وزیر دانش و فناوری در هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست اعلام کرد که اولویت اصلی، ایجاد یک سیستم شفاف برای مدیریت سرمایه‌های تحقیقاتی است. مثال ۲: مؤسسه‌ای که از زمان آغاز دولت کمونیست چین در قلب توسعه علمی این کشور قرار داشته است نیز دستخوش تغییر^{۶۵} می‌شود: آکادمی علوم چین (CAS) در حال ایجاد اصلاحات ساختاری بی‌سابقه‌ای جهت ترویج همکاری و تحقیقات پرسرعت است.

59. Zhongguancun

60. Suzhou

61. Guangdong

62. Tianjin

63. Wenzhou

64. Wan Gang

65. David Cyranoski, Chinese science gets mass transformation, NATURE, Volume 513, Issue 7519, September 2014, <http://www.nature.com/news/chinese-science-gets-mass-transformation1.15984->

روندهای مخالف

۱. گشودگی^{۶۶}: گشودگی یک مفهوم جامع است که تفکر، بیان، پذیرش اجتماعی، جذب و حفظ متفکران خارجی را در بر می‌گیرد.

۲. میراث کنفوسیوسی: ارزش‌های تفکر مستقل و گفتمان دیالکتیک عمیقاً در جامعه غربی ریشه دوانده‌اند، در حالی که میراث کنفوسیوسی در چین احترام بسیاری برای ساختار سلسله‌مراتبی قائل است.

۳. مشوق‌های انتشار مقالات: سیستم کنونی مشوق‌های انتشار مقاله علمی که (علاوه بر سایر مزایا) با مبالغی بیش از ۳۰ هزار دلار به مقالات پاداش می‌دهد، منجر به موارد فساد آکادمیک و سوءاستفاده از بودجه‌ها می‌شود.

۴. بوروکراسی انتقال تکنولوژی: پروسه‌های طولانی مربوط به مؤسسات با مالکیت دولتی جهت تجاری‌سازی نتایج پژوهشی.

نیروهای محرک: تغییرات سیاستی، تغییرات فرهنگی، ارتباطات جهانی، اصلاحات آکادمی علوم چین، تأمین بودجه تحقیق و توسعه، شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های کوچک و متوسط، تحقیقات با همکاری بین‌المللی.

عاملان: وزارتخانه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، آکادمی‌ها، دولت منطقه‌ای و محلی، بخش خصوصی و غیره.

آینده: سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست قوی دولتی به هدایت تحقیقات ادامه داده اما آن را محدود نیز خواهند کرد، مگر آنکه تغییرات چهارچوبی مهمی رخ دهد. در صورت اغتشاش اجتماعی نیز تحقیقات تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. وسعت زیاد بازار چین افزایش تکنولوژی‌های موفق برای دستیابی به صرفه‌جویی مقیاس^{۶۷} و کاهش هزینه‌های واحد را میسر خواهد نمود.

پیامدها: چین می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ از طریق یک استراتژی که میزان بالای سرمایه‌گذاری را با پیشرفت‌های سریع در تکنولوژی‌های تحول‌آفرین ترکیب کند، به کشوری با درآمد بالا تبدیل شود. هزینه کردن چین در بخش تحقیق و توسعه یک روند صعودی بالا را طی می‌کند. این هزینه‌ها تولید ایده‌ها را افزایش و نوآوری را ترویج می‌دهد.

تجاری‌سازی ایده‌ها تنها زمانی موجب بهره‌وری می‌شود که شرکت‌ها نوآوری را به یک محور اصلی از استراتژی‌های تجاری خود تبدیل کنند. ایجاد ظرفیت نیروی کار چین غنی

66. Kostas Kostarelos, <http://www.theguardian.com/science/small-world/2014/jan/24/chinese-science-research-development>

67. economies of scale

خواهد شد، منافع بالقوه در حسن اعتبار شهرهای چین به عنوان کانون‌های علمی قلمداد شده و تحقیقات می‌تواند نقش بسیار پررنگی در پیشرفت صنعتی ایفا کند. سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت فیزیکی که تقویت‌کننده پیشرفت تکنولوژیکی است، در حال تکمیل فرآیند افزایش تحقیق و توسعه است.

روند ۳: سرمایه‌گذاری خصوصی در تحقیق و توسعه

شرح: چین هنوز یک کشور جذب‌کننده به شمار می‌رود^{۶۸} که دانش جهانی را جذب کرده و از آن بهره‌مند می‌شود. با این وجود، چین به منظور حفظ یک نرخ رشد قابل توجه ناگزیر است که به یک سردمدار صنعتی تبدیل شده و در تکنولوژی‌ها و ایده‌های نوین سرمایه‌گذاری کند.

طی سال ۲۰۱۲ مخارج تحقیق و توسعه در چین به میزان ۳۵/۸ درصد رشد داشته است^{۶۹} (که بالاترین نرخ جهانی محسوب می‌شود). حجم کلی تحقیقات چین از سال ۱۹۹۸ سه برابر شده، در حالی که تحقیقات اروپا طی همین مدت به میزان ناچیزی افزایش یافته است. عمده مخارج تحقیق و توسعه در چین مربوط به بخش تجاری بوده است (که تقریباً ۷۵ درصد از سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه در سال ۲۰۱۲ را تشکیل داده است). در نتیجه این امر:

۱) صادرات تکنولوژی پیشرفته توسط شرکت‌های خصوصی چینی (شرکت‌های با مالکیت غیردولتی و خارجی) افزایش یافته (هرچند فضا برای افزایش بیشتر وجود دارد)، ۲) برندهای بین‌المللی مبتنی بر تکنولوژی رونق گرفته‌اند، و ۳) رشد پایدار تعداد نشانه‌ای تجاری ثبت شده در خارج مشاهده شده است.

بخش خصوصی در چین تا سال ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری بیشتری روی تحقیق و توسعه خواهد کرد، زیرا شرکت‌های چینی به طور فزاینده در حال تمرکز بر راندمان و کیفیت هستند تا به پیشگامان فناوری تبدیل شوند، نه اینکه صرفاً تکنولوژی و ایده جذب کنند. شرکت‌های چینی تحت مالکیت دولت در حال حاضر از لحاظ حجم تحقیق و توسعه از ۲۸ کشور اتحادیه اروپا اندکی پیشی گرفته، و عقب‌تر از کره، ایالات متحده، ژاپن و سایر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هستند؛ اما از سال ۲۰۰۰ برای رسیدن به یک رشد سالانه ۱۸ درصدی هزینه زیادی کرده‌اند. شرکت‌ها به عاملان اصلی در رابطه با خروجی تحقیق و توسعه تبدیل شده و تکاپوی چین در زمینه‌های فناوری اطلاعات، الکترونیک، فوتو الکترونیک، میکروالکترونیک،

68. China's Absorptive State, NESTA, 2013

69. Booz's annual Global Innovation 1000 study

مخابرات (برای مثال نسل پنجم)، بهداشت، وسایل نقلیه، راه آهن، هوافضا، دفاع، انرژی (از جمله هسته‌ای)، و صنعت‌های تولیدی را منعکس نموده‌اند.

مثال: در سال ۱۹۹۵، ۶۳/۴ درصد از کل معاملات صورت گرفته در بازار تکنولوژی توسط بنگاه‌های اقتصادی انجام گرفت. این درصد تا سال ۲۰۰۹ به ۷۷/۳ درصد افزایش یافت. در ۲۰۰۹، ۸۶/۶ درصد از کل قراردادهای تکنولوژی توسط بنگاه‌های اقتصادی (هم واحدهای مشارکتی انتفاعی^{۷۰} و هم شرکت‌های داخلی) صادر شد.

روندهای مخالف: رشد اقتصادی رو به کاهش، همراه با وضعیت مالی پرتنش آن دسته از شرکت‌ها (به ویژه شرکت‌های خصوصی) که هم اکنون نیز با افت مداوم بازده سرمایه‌گذاری مواجهند. به علاوه، وجود یک سیستم مبهم در زمینه حق مالکیت معنوی می‌تواند آنها را نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه و سایر پروژه‌های بلندمدت بی‌میل ساخته و موجب شود استارت‌آپ‌ها و فعالیت‌های کوتاه‌مدت بدون تحقیقات بنیادین را ترجیح دهند.

نیروهای محرک: سیستم و قوانین مالکیت و حقوق مالکیت معنوی، نظام مالی و موجودیت سرمایه حتی برای پروژه‌های ابتکاری پرمخاطره، چهارچوب آموزش و تحقیقات، جایگاه چین در زنجیره‌های جهانی ارزش افزوده به واسطه توسعه و تولید محصولات با تکنولوژی پیشرفته. **عاملان:** شرکت‌های کوچک و متوسط، بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت دولتی، بنگاه‌های اقتصادی با اندازه بزرگ و متوسط، تأمین بودجه منطقه‌ای و دولتی، سرمایه‌ها و سایر صندوق‌های مخاطره‌آمیز، سرمایه‌گذاران خارجی، شرکت‌های خارجی چندملیتی.

آینده: سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در بخش تحقیق و توسعه به افزایش ملاحظه‌نیازهای تکنولوژیکی و چالش‌های آتی ادامه خواهند داد. چین به یک تولیدکننده رقابتی محصولات و خدمات تکنولوژی پیشرفته تبدیل خواهد شد.

پیامدها

- شرکت‌های رقابتی‌تر؛
- بهبود اقتصاد ملی؛
- افزایش شرکت‌ها و صندوق‌های با سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز؛
- افزایش گزینه‌های بازار سهام برای سرمایه‌گذاری‌های تکنولوژی پیشرفته و پرمخاطره؛
- رقابت با سایر نقاط جهان برای نیروی انسانی ماهر همچنان شدید خواهد بود؛

- برندهای چینی بیشتری در بازار جهانی رقابت خواهند کرد؛
- فعالیت‌های تحقیق و توسعه به استراتژی‌های نوآوری شرکتی افزوده خواهد شد، به ویژه برای شرکت‌های فعال در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، کشاورزی، بیوتکنولوژی، انرژی، مواد، محیط، هوافضا و غیره.

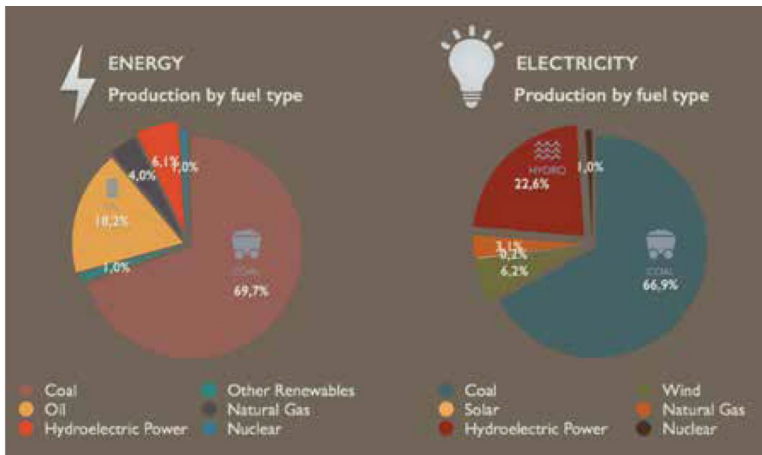
روند ۴: انرژی و مواد

شرح: با ادامه رشد اقتصاد چین، نیاز به انرژی (پاک‌تر و پربازده‌تر) و جستجو برای مواد خام و جایگزین رو به افزایش است. در عین حال، کمیابی رو به رشد و جهانی منابع طبیعی (نفت، آب، و مواد خاکی کمیاب) فشار بیشتری را بر استفاده کارآمد از منابع یا تولید مواد جایگزین وارد خواهد کرد.

چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در دنیا است. تقاضای انرژی که سریعاً در حال افزایش است، چین را در بازارهای انرژی جهان بسیار تأثیرگذار ساخته است. ذغال‌سنگ یک منبع انرژی بسیار مهم برای چین محسوب می‌شود، و این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده ذغال‌سنگ در دنیا است که تقریباً نیمی از ذغال‌سنگ جهان را مصرف می‌کند. طبیعتاً بخش عمده تولید برق چین از منابع سوخت فسیلی و به ویژه ذغال‌سنگ تأمین می‌شود.

چین بعد از ایالات متحده دومین مصرف‌کننده نفت جهان به شمار رفته و دومین واردکننده خالص نفت در سال ۲۰۰۹ بوده است. در عین حال، بزرگ‌ترین میدان نفتی چین بالغ^{۷۱} شده‌اند و تولید نفت به اوج خود رسیده است، که شرکت‌ها را بر آن داشته که تمرکز خود را معطوف به توسعه ذخایر نفتی عمدتاً دست‌نخورده در استان‌های غربی کشور و میدان دور از ساحل کنند. دولت چین گسترش نیروگاه‌های با سوخت گاز و سوخت‌های تجدیدپذیر و نیز انتقال برق را یکی از اولویت‌های خود نموده است. چین بزرگ‌ترین ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر جهان را دارا است. این کشور از پیشگامان دنیا در تولید الکتریسته برقایی است. از سال ۲۰۰۵ چین ظرفیت توربین‌های بادی خود را هر سال دو برابر کرده است. به علاوه، بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی جهان شده است. با این وجود منابع انرژی تجدیدپذیر ممکن است از عهده برآورده‌سازی نیازهای فزاینده انرژی برنیایند. همچنین باید خاطر نشان کرد که چین در حال حاضر یک تولیدکننده متوسط انرژی هسته‌ای است؛ در حالی که دولت در نظر دارد ظرفیت برق هسته‌ای را تا سال ۲۰۲۰ به ۷۰ گیگاوات برساند.

صادرات چین در زمینه مواد معدنی کمیاب ۹۷ درصد از تقاضای جهانی را تأمین می‌کند. با این حال فرآیند پیچیده تولید همراه با ریسک‌های زیست‌محیطی منجر به درآمد پایین در این خصوص می‌شود. نوآوری‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند جایگاه جهانی چین و قابلیت انتفاع آن را ارتقا بخشد؛ چرا که در حال حاضر مطالبه فلزات خاکی کمیاب رو به افزایش است، که از تقاضای فزاینده صنایع محلی ناشی می‌شود. چین صادرات برخی از مواد معدنی کمیاب را کاهش داده یا حتی ممنوع ساخته، و در حال سرمایه‌گذاری روی معادن آفریقا و سایر کشورها است.



علاوه بر این، تغییرات اقلیمی، اتمام منابع و ریسک‌های مربوط به تنوع زیستی باعث افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه‌های کلیدی فناوری‌های کم‌کربن و نوآوری پایدار خواهد شد، که چین را قادر خواهد ساخت در این بخش‌ها پیشگام جهان شود.

مقامات چینی با نگرانی در این خصوص که الگوهای پیشین و کنونی رشد اقتصادی به لحاظ زیست‌محیطی قابل حفظ بوده و اینکه مبنای زیست‌محیطی مورد نیاز برای تداوم رونق اقتصادی ممکن است به طرز برگشت‌ناپذیری تغییر کند، رویکرد جدیدی را نسبت به توسعه سبز در طرح پنج‌ساله دوازدهم پیشنهاد کردند. این طرح تداوم رشد سریع را همراه با اهداف بلندپروازانه در زمینه راندمان انرژی، مدیریت منابع طبیعی، و پایداری زیست‌محیطی مورد تأکید قرار می‌دهد.

مثال ۱: عملیات احداث مرکز برقابی سد سه دهانه ۷۲ که بزرگترین پروژه برقابی جهان است، از سال ۲۰۰۳ آغاز شد و ساخت آن در سال ۲۰۱۲ به اتمام رسید.

مثال ۲: در سال ۲۰۱۲ چین ۶۵/۱ میلیارد دلار روی انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کرد که نسبت به سال قبل از آن ۲۰٪ افزایش داشت.

روندهای مخالف

- اتکای بیش از حد روی سازوکارهای اجرایی برای رسیدگی به مسائل مربوط به مدیریت منابع طبیعی و زیست‌محیطی.
 - با اینکه یک استراتژی توسعه سبز در بلندمدت منافع قابل توجهی در بر خواهد داشت، اما در کوتاه‌مدت با سایر اهداف اقتصادی (برای مثال تأمین اهداف شغلی و صنعتی برای برنامه پنج‌ساله) در تضاد خواهد بود.
 - رشد مالی آهسته‌تر یا نابه‌سامانی مالی، پیشرفت‌ها را به تأخیر خواهد انداخت.
- نیروهای محرک:** کمیابی منابع، توزیع جغرافیایی نابرابر منابع آبی، توسعه اقتصادی سریع و شهرنشینی با یک جمعیت کلان و رو به رشد، مدیریت ضعیف منابع آب، تغییرات اقلیمی و دیگر مشکلات زیست‌محیطی، تقاضای انرژی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی جدید.
- عوامل:** دولت، صنایع چین، جامعه، نهادهای نظارتی، سازمان‌های بین‌المللی.
- آینده:** به نظر می‌رسد ادامه این روند با سرعتی یکسان امری کاملاً مسلم است، چرا که تقاضا برای انرژی و منابع به صورت مداوم تا سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت.
- پیامدها:** احتمال پیشرفت‌های تکنولوژیکی، که ممکن است غیر قابل پیش‌بینی باشند، در برخی از حیطه‌ها (مانند آب پاک، ذخیره‌سازی انرژی، و بیوتکنولوژی) بالاتر از سایر زمینه‌هایی است که البته از اهمیت کمتری نیز برخوردارند.
- فرصت‌های تجاری جدیدی در حوزه‌های مواد جایگزین و تولید و ذخیره‌سازی انرژی ایجاد خواهد شد، اما این امر به میزان زیادی منوط به آن خواهد بود که سیاست‌های دولتی چطور به طور مؤثر شرکت‌ها را ترغیب به نوآوری و پیگیری پیشرفت‌های تکنولوژیکی خواهند کرد.
 - شرکت‌های ملی نفت قصد دارند به میزان بیشتری روی تکنیک‌های ازدیاد برداشت نفت (EOR) سرمایه‌گذاری کنند. به منظور تضمین و تنوع‌بخشی به منابع انرژی، و جهت ایجاد تخصص فنی در منابع غیرمعمول، انتظار می‌رود شرکت‌های ملی نفت چین در پروژه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری نموده و وارد شراکت تجاری راهبردی با شرکت‌های نفتی بین‌المللی شوند. به ویژه انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری‌ها در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین، آمریکای شمالی و آسیا افزایش یابند.

- چین در حال احداث ۴۰ درصد از نیروگاه‌های هسته‌ای جدید جهان است، و قصد دارد برق هسته‌ای خود را طی دو دهه آینده ۲۰ برابر کرده و وابستگی‌اش به نفت را کاهش دهد. «انتظار می‌رود یک تکنولوژی نسبتاً جدید تا سال ۲۰۲۵ اهمیت بیشتری پیدا کند» (شوارتز، ۲۰۱۵)^{۷۳}؛ فناوری نظیر رآکتورهای با بستر توپکی^{۷۴} یا نیروگاه‌های هسته‌ای نسل چهارم که می‌توانند بدون تولید پلوتونیوم سوخت هسته‌ای مصرف کنند. چین قبلاً روی این تکنولوژی سرمایه‌گذاری کرده و احتمال دارد در آینده بیشتر سرمایه‌گذاری کند.
- عطش نفت انگیزه تعارض و افزایش مناقشات ارضی در دریای شرقی چین (بین چین و ژاپن) و دریای جنوبی چین (به خصوص بین چین و ویتنام) خواهد بود. به وقایع اخیر بین ژاپن و چین رجوع نماید.
- تحقیقات پیرامون مواد جایگزین از بیشترین اهمیت برخوردارند. این حیطه هم اکنون از سوی آکادمی علوم چین به عنوان یک اولویت تشخیص داده شده است. مواد بیولوژیک جدید و فوق مستحکم می‌توانند جایگزین فولاد و سرامیک شوند، در حالی که محصولات نسبتاً پیچیده را می‌توان با استفاده از فرآیندهای مبتنی بر بیوتکنولوژی تولید نمود.
- نانوتکنولوژی - استفاده از تکنولوژی نانوفیلتراسیون، نانومواد و نانوذرات در زمینه‌های نمک‌زدایی، تصفیه‌سازی آب و فاضلاب، درمان و استفاده از نانوحسگرها برای نظارت - نوید ویژه‌ای را برای مدیریت منابع آب می‌دهد.
- چین به منظور برآورده‌سازی نیازهای ظاهراً نامحدود خود به برق، در حال روی آوردن به صنعت برق خورشیدی خود است که هم اکنون در تولید پنل‌های خورشیدی جهان پیشگام است، و در حال آماده‌سازی خود برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی عظیم است.
- تلاش‌های مربوط به تولید سوخت‌های هیدروکربن از باکتری‌ها تقویت خواهند شد، و می‌توان انتظار داشت تولید آنها حدوداً از سال ۲۰۳۰ آغاز گردد.
- در رابطه با فلزات کمیاب، تلاش‌ها متمرکز بر (۱) افزایش عیار فلزات خاکی کمیاب و (۲) راندمان تفکیک استخراج آنها جهت بالا بردن بازدهی تولید است.

روند ۵: حکمرانی

شرح: مقامات چینی این هدف را در نظر دارند که کشور تا سال ۲۰۲۵ از یک حکومت پایدار و جامعه صلح‌آمیز بهره‌مند شود. مسئولین معنای رؤیای چینی را تعریف کرده‌اند: رونق ملی

73. Peter Schwartz, Learnings from the long view, 2011

74. pebble bed reactors

و زندگی بهتر برای مردم با مضاعف کردن تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، به گونه‌ای که تا ۲۰۲۵-۲۰۲۰ چین بزرگ‌ترین اقتصاد جهان و ملتی هماهنگ‌تر شود، و با نوسازی سوسیالیستی و قدرت نظامی و اقتصادی خود نقش مهم‌تری در عرصه جهانی ایفا کند. یک سیاست و سرمایه‌گذاری دولتی (ملی و منطقه‌ای) مستحکم به هدایت تحقیقات ادامه داده اما آن را محدود نیز خواهد ساخت؛ مگر اینکه تغییرات مهمی روی دهد که مطابق با چالش‌های متعدد موجود عمل کرده و به آنها واکنش نشان دهد، و این موضوعات مدنظر قرار گیرند: اصلاحات سیاسی دشوار، مانند اجتناب از «دام درآمد متوسط»، توازن بین متدولوژی برنامه‌ریزی متمرکز رسمی و متدولوژی غیرمتمرکز، و گذار از یک اقتصاد مبتنی بر صنعت صادرات محور و کاربرد به سمت اقتصادی بر پایه صنعت تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌بر است. طی چند دهه گذشته، عملکرد دولت چین (اگر توسعه چشمگیر این کشور را در نظر بگیریم) موفقیت‌آمیز محسوب می‌شود. با این وجود، ابهام فراوانی در خصوص چشم‌اندازهای آتی مربوط به شفافیت بیشتر، عدالت بدون تبعیض و پاسداشت بهتر حقوق مدنی وجود دارد. تمدن چین دارای یک تاریخچه طولانی و تأثیرگذار بوده و با این وجود دولت و ملت چین متعهد به ادامه و گسترش تأثیر چین بر پیشرفت بشریت هستند. چین در سال ۱۹۷۸ به تدریج در مسیر ایجاد یک نظام اقتصاد بازاری سوسیالیستی قدم گذاشت. با ورود به قرن بیست و یکم، این کشور یک عرصه جدید را در زمینه توسعه در پیش گرفت، و ایجاد یک جامعه مدرن و هماهنگ تمام و کمال را با دنبال کردن سیاست اصلاحی خود آغاز کرد، بازار خود را گشود و کشور را از نو ساخت.

در تاریخ هشتم نوامبر ۲۰۱۲ همراه با آغاز به کار هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، این کشور فرآیند تغییر رهبران خود که هر دهه یک بار صورت می‌گیرد را آغاز کرد. آقای شی^{۷۵} اقتصادی را به ارث برد که احتمالاً پایین‌ترین سرعت رشد اقتصادی سالانه خود از اواخر دهه ۱۹۹۰ را به ثبت رسانده است. او معتقد است زمان آن فرا رسیده که چین به یک اقتصاد «نسبتاً مرفه» با «فرصت اقتصادی برای همه» تبدیل شده و نیز روی «هماهنگی اجتماعی» تمرکز کند، با آرزوی طراوت بخشی به کشور چین به عنوان یک حکومت حزبی قدرتمند و شکوفا که دارای تأثیر جهانی است. رهبران جدید چین، جوان، بلندهمت، باتجربه و نتیجه‌گرا هستند. تلاش‌های دولت به ترویج اصلاحات طراحی شده برای ایجاد یک دولت مبتکر و عاری از فساد تحت حاکمیت قانون ادامه خواهد داد.

نظام سیاسی چین پیچیده است. این کشور اصولاً توسط دو نظام حکومتی موازی اداره می‌شود که در همه سطوح به هم پیوسته هستند: سلسله مراتب حزب کمونیست چین و دولت. نظام سیاسی چین -بر خلاف نظام جماهیر شوروی- ترکیبی و انعطاف‌پذیر است، و علیرغم کاستی‌ها برای خدمت به کشور و مردم طراحی شده است. حزب کمونیست چین را می‌توان به عنوان یک نهاد بسیار شایسته‌سالار تعریف کرد، خصوصیتی که ریشه آن در سنت سیاسی کنفوسیوسی است. طبق این سنت، حزب کمونیست چین شایسته‌سالاری را در همه سطوح حکومت اعمال می‌کند (که همیشه موفقیت‌آمیز نیست)، و مهارت‌ها و استعداد‌های مردم خود را به منظور تضمین مدیریت موفق به صورت جامع و مداوم می‌آزماید.^{۷۶} اصول حاکم اجتماعی-اقتصادی نوین و اساسی که قواعد حکومت در چین را تعیین می‌کنند در بخش چشم‌انداز علمی توسعه شرح داده شده‌اند. چشم‌انداز علمی توسعه تمرکز برنامه‌کاری رسمی را از «رشد اقتصادی» به «هماهنگی اجتماعی» معطوف کرده و مسیر رو به جلو را تشریح می‌نماید.

دولت مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی، اجرایی و شغلی را جهت حفظ ثبات اجتماعی در خلال دوره‌ای از تغییرات سریع اقتصادی و ساختاری به کار گرفت. تغییر الگوی توسعه یک مسئله اضطراری محسوب می‌شود، زیرا اقتصاد پتانسیل جذب و بکارگیری تکنولوژی از خارج را به اتمام رسانده است؛ لذا نقش دولت باید اساساً تغییر یابد. در عین اینکه شرکت‌ها نقش اصلی را در این زمینه بر عهده دارند، دولت باید نقشی را اتخاذ کند که بیشتر حمایتی و تسهیل‌کننده باشد.

یک سیاست ابتکاری بهتر در چین با تعریف مجدد نقش دولت در نظام ملی نوآوری، حرکت به سمت توسعه سازمانی و یک محیط توانمندکننده که از اقدامات نوآورانه در یک سیستم بازاری رقابتی حمایت نماید، آغاز خواهد شد. دولت چین باید تمهیداتی فوری را اتخاذ کند تا تضمین نماید که همه چینی‌ها از فرصت اقتصادی بهره‌مند می‌شوند.

مثال ۱: «دیوار آتش بزرگ» در شبکه نظارت و سانسور چین که فعالیت‌های ضد دولتی را رصد کرده و دسترسی به سایت‌های به خصوص را میسر یا مسدود می‌کند. در حال حاضر فیسبوک، توئیتر و اینستاگرام در چین مسدود هستند، و دسترسی به جی‌میل نیز دشوار است. در این شرایط، اعمال خود-سانسوری به ویژه در بین شبکه‌های اجتماعی داخلی (مانند سیناویبو^{۷۷})

76. CHINA CHANGES LEADERS, Meritocracy Versus Democracy, ZHANG WEIWEI

77. SinaWeibo

یک رویه محسوب می‌شود.^{۷۸}

مثال ۲: در دوازدهمین کنگره ملی خلق چین در ۱۰ مارس ۲۰۱۴، ژو چیانگ^{۷۹} رئیس دیوان عالی خلق چین هشدار داد که قضات فاسد به طرف‌های دعوی و اعتبار دادگاه آسیب می‌رسانند. آقای ژو با پشتیبانی رئیس جمهور شی جین‌پینگ ایجاد «یک نظام قضایی سوسیالیستی بی‌طرف و مقتدر» را خواستار شد.^{۸۰}

روند مخالف: اینکه پیاده‌سازی اصلاحات در چین یک مسئله پیچیده و احتمالاً موضوع غالب طی دهه‌های پیش رو است، امری مشخص است. در این شرایط متعادل نگاه داشتن توقعات مردم تنها کار معقول است. هرچند تیم رهبران جدید قبلاً به وضوح نشان داده است که با دولت قبل بسیار فرق داشته و می‌تواند راهی برای تحول تاریخ پیدا کرده و ما را غافلگیر نماید، اما نشانه‌هایی وجود دارند مبنی بر اینکه این کار می‌تواند به شدت دشوار باشد. یکی از این اصلاحات اتخاذ شده در منطقه آزاد تجاری شانگهای (SHFTZ) بود که دولت پیش‌بینی می‌کرد دنبال کردن آن یک شیوه مطلوب باشد، اما در آخر نه تنها گمانه‌زنی‌های زیادی را در این خصوص ایجاد نمود که رهبران شیوه منسوخ محدودسازی تجربیات اقتصادی به محدودیت‌های یک طرح آزمایشی را دنبال می‌کنند، بلکه نارضایتی گسترده‌ای را در میان سرمایه‌گذارانی که قادر به فعالیت در این منطقه نبودند به وجود آورد. تاریخ چین نشان داده است که در بسیاری از مواقع پیامدهای برنامه‌ریزی نشده‌ای که رخ داده‌اند، نیازمند تمهیدات بسیار شدیدتری جهت کنترل آشفستگی هستند.

نیروهای محرک: همکاری در داخل حزب کمونیست چین؛ ساختارهای شفاف دولتی و منطقه‌ای؛ مشارکت عموم در تصمیمات؛ واکنش‌های طبقه متوسط؛ شکاف‌های درآمدی و سایر نابرابری‌ها؛ محیط خارجی و بین‌المللی.

عاملان: مسئولان دولتی و محلی مناطق و شهرهای بزرگ، مقامات حزبی، شرکت‌های بخش دولتی، عاملان نوآوری، مؤسسات فرهنگی، اندیشمندان، طبقه متوسط.

آینده: این روند بسیار نامعلوم است. به علت اصلاحات قابل توجه در حکومت و در نظام قضایی، به همراه بهبودهای قابل ملاحظه در حقوق مدنی، دولت در جهت پیشروی و ادامه همین مسیر تلاش خواهد کرد. اما اینکه چه نتایجی در چه زمانی و چگونه حاصل می‌شوند،

78. China's Cyberpolice Enlist Foreign Firms ; Companies Faced Fines If They Didn't Help Spying Effort Ahead of Congress, Ansfield, Jonathan, International Herald Tribune , November 2012 ,15

79. Zhou Qiang

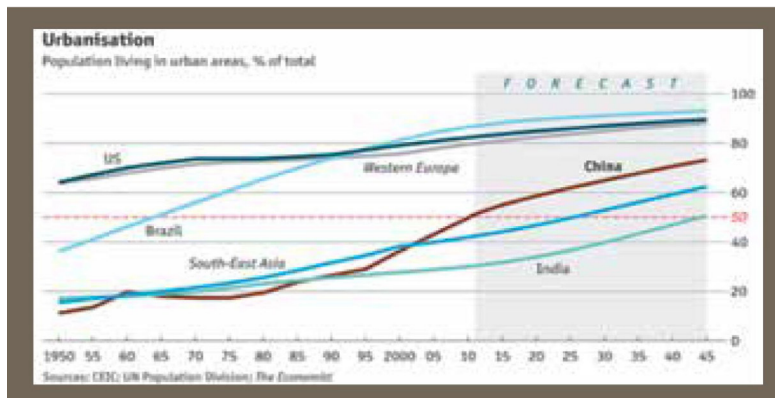
80. China Rethinks Its Judicial System, http://www.nytimes.com/18/03/2014/ opinion/china-rethinks-its-judicial-system.html?_r=0

قطعاً با آنچه در زندگی واقعی رخ خواهد داد، متفاوت خواهد بود. این سؤال پیش می‌آید که آیا چین قادر به حفظ حکومت سوسیالیستی خود و در عین حال تقویت یک محیط مبتکرانه باز خواهد بود؛ با توجه به اینکه رهبران چین خواهان آن هستند که به زودی به این هدف نائل شوند.

پیامدها: سیاست‌گذاری و نظام قضایی شفاف‌تر، محیط نوآوری باز، افزایش ثبت اختراعات در حوزه تکنولوژی‌های پیشرفته، افزایش تصاعدی مصرف محصولات مبتکرانه، افزایش همکاری‌های جهانی.

روند ۶: شهرنشینی

شرح: شهرنشینی در چین طی سه دهه اخیر یک پدیده عظیم با سرعت و مقیاس بالا به شمار می‌رود. در دهه ۱۹۸۰ در یک چین بسیار «متفاوت»، کمتر از ۲۰۰ میلیون نفر (یک پنجم کل جمعیت) در «مناطق شهری» ساکن بودند. اما در سال ۲۰۱۱ هفتصد میلیون نفر (نیمی از کل جمعیت) در مناطق شهری زندگی می‌کردند؛ در حالی که انتظار می‌رود این رقم در آینده بیشتر از این شود، چرا که پیش‌بینی می‌شود ۲۵۰ میلیون کارگر مهاجر تا سال ۲۰۳۰ به شهرها نقل مکان کنند. محرک اصلی این انتقال عظیم جمعیت نیاز مبرم به تبدیل اقتصاد و جامعه از یک جامعه روستایی-کشاورزی به جامعه شهری-صنعتی، و از یک اقتصاد دستوری به اقتصادی مبتنی بر بازار است.



در عین حال، طبق آمار اداره ملی حسابرسی، بدهی دولتی منطقه‌ای^{۸۱} به ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. این استقراض غیرمستقیم نقشی کلیدی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مهم زیرساختی و در نتیجه تقویت صنعتی شدن و شهرنشینی ایفا کرده است. تأمین مالی بدهی‌ها برای پیشبرد شهرنشینی چین (که نیازمند ادامه سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌ها است) مهم باقی خواهد ماند.

به علاوه، فرآیند شهرنشینی باعث ایجاد اثرات جانبی بسیاری (مانند پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی) شده و نیاز به تغییرات در سیستم ثبت خانوار (هوکو)، مقررات مالکیت زمین، و در سازوکارهای واگذاری زمین را برانگیخته است.

مثال ۱: ساکنان شهری تقریباً چهار برابر بیشتر از ساکنین روستایی پول خرج می‌کنند. در سال ۲۰۱۰ ساکنان روستایی سالانه ۶۰۰ دلار خرج کرده‌اند.

مثال ۲: ۵۲ درصد از جمعیت چین در سال ۲۰۱۲ در شهرها زندگی می‌کردند، اما تنها ۲۷ درصد از آنها دارای «هوکو» یا ثبت خانوار شهری بودند. این بدان معنا است که تعداد زیادی از مردم دسترسی برابر به خدمات مخصوص جمعیت شهری مانند آموزش و بهداشت نداشته‌اند. **روند مخالف:** تخریب محیط زیست، فشار اقتصادی غیر قابل تحمل برای بودجه شهرها، نوسازی کُند چهارچوب مقرراتی، کساد شدن اقتصاد، بازسازی ناکافی نظام‌های تأمین اجتماعی. **نیروهای محرک:** یک فرآیند تحت مدیریت مرکزی جهت تقویت مصرف داخلی و کاهش هزینه‌ها؛ نیاز به ارتقای سرمایه انسانی؛ مشاغل شهری با درآمد بیشتر.

عاملان: دولت، کارگران مهاجر، طبقه متوسط شهری.

آینده: پیش‌بینی می‌شود چین تا سال ۲۰۲۵ دارای ۲۰۰ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر باشد (در حالی که آمریکا ۹ شهر با این میزان جمعیت دارد)، و حدود ۶۰ درصد از مردم چین (طبق برآوردهای سازمان ملل) در شهرها زندگی خواهند کرد. به علاوه، انتظار می‌رود طبقه متوسط (و درآمد متوسط) شهری دو برابر شده و از ۲۳ درصد فعلی به حدود ۴۵ درصد از جمعیت برسد.

پیامدها: در طول دوره برنامه پنجساله دوازدهم (۲۰۱۵-۲۰۱۱)، پیش‌بینی می‌شود چین ۳۰۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌های بنیادین سرمایه‌گذاری کند. اما این روند شدید شهرنشینی همچنین نیازمند تحقیقات بیشتر پیرامون تکنولوژی‌ها و برنامه‌های شهری جدید (مانند سیستم‌های حمل و نقل، محیط زیست، انرژی پربازده، مسکن، پایداری آبی، کشاورزی شهری، و ابزارهای

فناوری اطلاعات و ارتباطات) خواهد بود. تا کنون اروپا ارائه‌کننده اصلی تکنولوژی‌های شهری بوده است، اما چین با به کارگیری ظرفیت تحقیقاتی وسیع خود و فراهم بودن یک بستر آزمایشی عظیم، به سرعت در حال پیشرفت در این زمینه است. در نهایت، افزایش طبقه متوسط شهری مصرف داخلی را بیش از پیش افزایش داده و تقاضای محصولات و خدمات مربوط به سبک زندگی را گسترش خواهد داد.

روند ۷: حقوق بشر

شرح: چند سال اخیر چین شاهد یک نمود ترکیبی از پیشرفت در شرایط حقوق بشر بوده است. از یک سو گزارشات حقوق بشری متعددی عنوان کرده‌اند که آمار چین در این زمینه نسبتاً ضعیف باقی مانده است. طبق این گزارش‌ها هیچ یک از گروه‌هایی که از مورد آزار و اذیت هستند، شاهد بهبود قابل توجه کلی رفتارهایی که با آنها می‌شود نبوده‌اند. از سوی دیگر، دولت چین قوانینی را با هدف کاهش برخی از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بشر، حفاظت از حقوق مالکیت، و ارتقای شفافیت دولتی وضع کرده است، و به ایجاد سازوکارهایی برای مشاوره با متخصصان سیاستی غیردولتی ادامه داده است. به علاوه، حزب کمونیست چین (CCP) و دولت‌های محلی اقداماتی جزئی را در راستای الغای سیستم بازآموزی از طریق کار یا لائوجیائو^{۸۲} (laojiao)، شفاف‌تر کردن انتخابات، و فراهم کردن امکان کسب اقامت رسمی در برخی شهرهای بزرگ برای مهاجران روستایی، مدنظر قرار داده یا انجام داده‌اند.

آزادی بیان و حقوق بشر در حال اثرگذاری بر عملکرد تحقیق و نوآوری به طرق مختلف هستند. چین تا زمانی که به سمت آزادی بیان و تشویق تفکر انتقادی حرکت نکند، قادر نخواهد بود به یک پیشگام جهانی تکنولوژی تبدیل شود: (۱) جامعه آزاد مردم را ترغیب می‌کند تردیدگرا بوده و سؤالات انتقادی پرسند، (۲) نوآوری عمدتاً ثمره افراد متفکر از طریق یک فرآیند پایین به بالا است، (۳) جامعه آزاد استعداد خارجی را جذب می‌کند.

نیروهای محرک مختلفی در حال ایجاد فشار در راستای پیشرفت هستند، اما تغییر دادن وضع موجود، کار آسانی نخواهد بود. در پنج سال گذشته، طبقه متوسط شهری به دفاع از منافع مالکیتی خود، محیط زیست و رفاه کلی خود برآمده و خواستار تغییر شده‌اند.

در همین راستا، رهبران چین اراده خود را برای بهبود نظام قضایی قدیمی این کشور با هدف برقراری نظامی که از حقوق و منافع مردم محافظت کند، به نمایش گذاشته‌اند. به علاوه، دولت

۸۲. بازآموزی از طریق کار یا لائوجیائو، یک سیستم بازداشت اداری است که عموماً برای بازداشت اشخاص به خاطر جرائم جزئی نظیر سرقت خرد، فحشاء، و دادوستد مواد مخدر، و نیز دگراندیشان مذهبی یا سیاسی مانند مسیحیان ثبت‌نشده یا پیروان فالون گونگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ده‌ها میلیارد دلار روی ایجاد زیرساخت اینترنت ملی پرسرعت و پیشرو با هدف ورود چین به عصر اطلاعات، سرمایه‌گذاری کرده است.

با این وجود، باید تأکید کرد که هر گونه تغییری لزوماً در راستای یک دموکراسی به سبک غربی نیست. چین مدل سیاسی متفاوتی را دنبال می‌کند که مبتنی بر شایسته‌سالاری است و نه انتخاب عمومی. حکومت شایسته‌سالار ریشه عمیقی در سنت سیاسی کنفوسیوسی چین دارد، و آینده احتمالاً شاهد بهبود سیستم فعلی اعم از بررسی دیدگاه‌ها، ارزیابی‌های داخلی، و انتخابات در مقیاس کوچک خواهد بود.

مثال ۱: در دوازدهمین کنگره ملی خلق چین (۲۰۱۴/۳/۱۰)، ژو چیانگ رئیس دیوان عالی خلق هشدار داد که قضات فاسد به اعتبار دادگاه آسیب می‌رسانند، و با پشتیبانی رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ اصلاحات به خصوصی را پیشنهاد کرد که قدرت را از مسئولان استانی به دولت مرکزی انتقال می‌دهد.

مثال ۲: بحث‌های آن‌لاین که گاه منجر به تغییر سیاسی سیستمی شده است. در مارس ۲۰۰۳ سون ژینگانگ^{۸۳}، یک کارگر مهاجر، توسط پلیس شهر گوانگ‌ژو^{۸۴} تا حد مرگ کتک زده شد. این پرونده در چت‌روم‌ها و وبلاگ‌ها از شهرت گسترده‌ای برخوردار شد که نهایتاً شش تن از افسران و مقامات پلیس را به دادگاه کشاند.

روندهای مخالف: سانسور، نظام قضایی فاسد، مقاومت از جانب اعضای حزب کمونیست چین یا سایر گروه‌های سیاسی.

نیروهای محرک: اینترنت، طبقه متوسط شهری در حال ظهور، جهانی شدن.

عاملان: دولت چین، طبقه متوسط چین، مؤسسات مدنی، سازمان‌های غیردولتی (مانند عفو بین‌الملل)، سازمان‌های بین‌المللی.

آینده: جدای از برخی نشانه‌های مثبت، آینده حقوق مدنی در چین به میزان بالایی نامعلوم باقی می‌ماند. روند کندی از اصلاحات ملایم مورد انتظار است، اما ایرادات را نمی‌توان در نظر نگرفت.

پیامدها: کیفیت تحقیقات انجام گرفته و توانایی چین در نوآوری مستقیماً با شرایط حقوق بشر در کشور، آزادی ارتباطات و مسافرت مرتبط است.

83. Sun Zhigang

84. Guangzhou

روند ۸: اقتصاد جهانی

شرح: رشد جهانی تا سال ۲۰۲۵ به دلیل نقش اقتصادهای نوظهور شتاب خواهد گرفت. پیش‌بینی می‌شود رشد سالانه به طور متوسط به سمت ۳ درصد شتاب بگیرد، در حالی که چین و هند دو مورد از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان خواهند بود. با در نظر گرفتن عوامل محرک رشد اقتصادی نظیر اندازه نیروی کار چین، تقارب جاری با ایالات متحده در سطح بهره‌وری، و تقویت نرخ تبدیل ارز کشور، احتمال زیادی وجود دارد که چین به همراه هند و سایر اقتصادهای نوظهور رشد اقتصادی آینده را به خود اختصاص دهند. حتی اگر جمعیت چین کاهش یافته و سالخورده شود، بهره‌وری آن همچنان جلوتر از ایالات متحده خواهد بود. سایر عوامل محرک رشد اقتصادی مانند ارزش یوان، نرخ‌های بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌توانند توسعه اقتصادی را بیشتر کرده و طبق نظر بسیاری از متخصصان به حدود ۵-۶ درصد برای ۱۵ سال آینده برسانند.

جهانی‌سازی سابقاً واژه مورد علاقه همگان بود. پیشرفت‌های تکنولوژی، کاهش هزینه‌ها، لیبرال‌سازی سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های در سرتاسر جهان چند مورد از نشانه‌ها و پارامترهای اولیه بودند که اقتصاد جهانی را تقویت کردند. هر چند این اولین بار در تاریخ جهان نبود که داد و ستد بین‌المللی محصولات و خدمات تا این حد هموار و آزاد بود، اما بعضی از رویدادها مانند حباب اینترنت، حملات تروریستی یازده سپتامبر و بحران مالی اخیر که عمدتاً کشورهای غربی را به شدت هدف قرار داد، مانع افزایش معاملات بین‌المللی شد.

همچنان که زنجیره‌های ارزش افزوده برای محصولات و خدمات پیچیده‌تر، بگرنج‌تر و گسسته‌تر شدند، تغییرات اخیر در سرعت و گستره جهانی‌سازی پیامدهایی منفی را عمدتاً در کشورهای آسیب‌دیده از بحران مذکور به بار آورده است. شرکت‌ها و کشورها امروزه بیشتر به هم پیوسته هستند، و کشورهای باز (که سیاست‌ها و نظام‌های قضایی خود را بهبود بخشیده‌اند)، به احتمال زیاد تجارت خود را طبق معمول یعنی دقیقاً به همان نحو قبل از بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۸ ادامه می‌دهند. روند جهان احتمالاً به همان شیوه اما با احتیاط بیشتر ادامه خواهد یافت، چرا که این یک روند اساسی در عرصه جهانی به شمار می‌رود.

مثال: چین، هند، مالزی، تایلند و اندونزی همگی سرعت رشد بالایی را از خود به نمایش گذاشته‌اند، و با توسعه نظام آموزشی و سیاستی آنها، احتمال ابقای این سرعت در افق مورد پیش‌بینی ما وجود دارد.

روندهای مخالف

- بازارهای پول و سرمایه هم اکنون بحران اخیر را فراموش کرده‌اند، و همه در حال تجربه افزایش قیمت دارایی‌ها هستند، چرا که پیشنهادهای پر مخاطره به علت افزایش نقدینگی در نظام مالی به دنبال کسب بازده بیشتر هستند.
 - افزایش شکاف‌های درآمدی می‌تواند باعث ایجاد حمایت‌گرایی^{۸۵} شود.
 - ناامنی بالا، هزینه‌ها و زمان لازم برای پردازش معاملات و سایر خدمات آزاد در گوشه و کنار جهان را افزایش داده و از مزایای جهانی‌سازی می‌کاهد.
- نیروهای محرک:** نقدینگی مالی، تغییرات جمعیت‌شناختی، تعارضات محلی، کمیابی منابع، تغییرات اقلیمی، شکاف‌های درآمدی وسیع، دگرگونی اساسی نگرش جهانی: طرز تفکر «من» در برابر «ما».

عوامل: مؤسسات جهانی، بازارها، کشورها، جنبش‌های اجتماعی.

آینده: اقتصاد جهان می‌تواند رشد کرده و اقتصادهای نوظهور مانند کشورهای بریکس^{۸۶} ممکن است شالوده‌چین رشدی باشند. سازمان‌های جهانی می‌توانند شبکه‌هایی حفاظتی را عمدتاً در بخش محصولات مالی به خاطر توازن جهانی ایجاد نمایند. سرعت جهانی‌سازی که اخیراً کاهش یافته است از یک سو می‌تواند سرعت رشد اقتصادی را کاهش دهد اما از سوی دیگر می‌تواند برخی قواعد اخلاقی را جهت اجتناب از رویدادهای پرتنش آتی اعمال نماید. در این خصوص، چین، به علت رشد قابل توجه طبقه متوسط، پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌ها علاوه بر اینکه یک عضو مورد اطمینان در زنجیره‌های جهانی ارزش افزوده است، بلکه موتور محرکه اصلی خواهد بود.

پیامدها: درآمد بیشتر طبقه متوسط می‌تواند بازار عظیمی را برای محصولات پیشرفته تکنولوژیکی ایجاد نماید. نسخه‌برداری از ارزش‌های غربی می‌تواند استارت‌آپ‌ها و کارآفرینی را افزایش دهد، اما می‌تواند ارزش «تفکر ما» را تنزل دهد.

روند ۹: صلح و منازعه

شرح: این روند به موارد تنش‌های منطقه‌ای، کشمکش‌های لفظی، و تعارضات مسلحانه در مقیاس کوچک مربوط می‌شود که طی دهه گذشته رو به افزایش گراییده‌اند.

85. protectionism

۸۶. BRICS - نام گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تشکیل شده است.

اکثر تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که با ادامه رشد اقتصادی چین، این کشور سعی خواهد کرد همانگونه که ایالات متحده بر نیمکره غربی مسلط شده، آسیا را تحت تسلط خود درآورد؛ امری که از نیاز به تأمین منابع بیشتر ناشی می‌شود. یکی از تأثیرات آنی این وضعیت، افزایش سرمایه‌گذاری دفاعی در منطقه به دنبال ثروت رو به رشد کشورهای جنوب شرق و شرق آسیا است. در سال ۲۰۱۳ آسیا ۲۳۲ میلیارد دلار صرف بودجه‌های نظامی کرد، نسبت به ۲۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰، که چین در این زمینه غالب بوده است (از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ مخارج نظامی چین ۴۳/۲ درصد افزایش یافته است).

باید خاطر نشان کرد که بزرگ‌ترین ریسک برای آینده، یک کشتار تصادفی احتمالی است که می‌تواند یک رویداد در مقیاس محدود را به یک تعارض مسلحانه فرعی کوچک تشدید کند.

مثال ۱: در سال ۲۰۱۰، چین بزرگ‌ترین رزمایش‌های دریایی تاریخی را در دریای جنوبی چین برگزار کرد. برای اولین بار از قرن پانزدهم، چین حضور دریایی غالب در آب‌های جنوبی دارد. مثال ۲: مناقشه جاری بین شش کشوری که ادعای تملک جزایر غنی از نفت اسپراتلی واقع در دریای جنوب شرق چین را دارند، عامل تشدید کننده سرمایه‌گذاری‌های نظامی به ویژه در زمینه کشتی‌ها و زیردریایی‌ها بوده است.

مثال ۳: تنش اخیر بین ژاپن و چین (در ۲۰۱۳) به فروش گوشی‌های موبایل سونی در چین به شدت لطمه وارد کرده است؛ فروشی که طبق اطلاعات محققان شرکت داده‌های بین‌المللی (IDC) به طرز چشم‌گیری افت داشته است. سونی برای حل و فصل به این مسئله مجبور شد بودجه بازاریابی خود را ۵۰ درصد افزایش دهد.

روندهای مخالف: ائتلاف بین ایالات متحده، ژاپن و اتحادیه اروپا

نیروهای محرک: نیاز به منابع (انرژی)، قدرت رو به افزایش چین

عاملان: چین، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه، کره جنوبی، کره شمالی، ویتنام، مالزی، سنگاپور، فیلیپین، سازمان ملل، گروه آسه آن، ناتو.

آینده: از یک چین قدرتمندتر می‌توان انتظار داشت ایالات متحده را از منطقه آسیا-اقیانوسیه بیرون براند. همسایه‌های پکن (هند، ژاپن، ویتنام، سنگاپور، کره جنوبی و حتی روسیه) سرانجام برای مقابله با قدرت چین به ایالات متحده خواهند پیوست. این امر تنش منطقه‌ای، ناامنی و خطر جنگ را افزایش خواهد داد.

پیامدها: وخیم شدن تعارضات (حتی بدون وقوع هیچ رویداد جدی) اقتصاد منطقه‌ای (به ویژه واردات و صادرات محصولات مصرفی) را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این وضعیت موجب ایجاد رقابت تسلیحاتی شده و تحقیقات را معطوف به برنامه‌های دفاعی، هوافضا، خودرو، ارتباطات و نیز منابع و مواد جایگزین انرژی خواهد کرد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که شاهد تقاضا برای توسعه مشترک تکنولوژی‌های دفاعی باشیم. این همچنین بدان معنا است که صنعت دفاعی باید با نیازهای کشورهای آسیایی وفق داده شود، که ممکن است یک فرصت (فروش تجهیزات دفاعی) یا یک خطر جدی برای اروپا باشد.

یکی دیگر از پیامدهای احتمالی ناشی از وخیم شدن تنش‌های منطقه‌ای، به ویژه برای شرکت‌های چندملیتی مستقر در چین، اعمال محدودیت‌های بازرگانی از سوی جامعه بین‌المللی یا جریمه‌های مختلف است.

روند ۱۰: فضا و امور دفاعی

شرح: کاوش فضا و توسعه بیش از پیش تکنولوژی‌های دفاعی محرک‌های مهمی برای تحقیقات چین تا سال ۲۰۲۵ خواهند بود. چین اخیراً سومین کشوری شد که یک سفینه فضایی را به سوی ماه هدایت کرده است، و اهداف بلندپروازانه تری نیز برای ترتیب دادن یک مأموریت همراه با سرنشین به ماه دارد.

کاوش فضا برای چین یک محرک کلیدی جهت ارتقای تخصص تکنولوژیکی، قدرت نظامی و منزلت این کشور خواهد بود.

پیترو شوارتز اظهار می‌کند که امکان دارد در آینده نزدیک شاهد رقابت فضایی جدیدی باشیم که در آن چین نقش شوروی در دهه ۶۰ را ایفا خواهد کرد. همچنین ممکن است شاهد رقابت برای مریخ یا طرح ادعاهایی در خصوص تملک سیارک‌های غنی از مواد معدنی باشیم. در عین حال، ارتقای راهبردی ظرفیت عملیاتی ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) تحقیقات مرتبط با امور دفاعی را تقویت خواهد کرد. در سال‌های گذشته استقرار اولین ناو هواپیمابر چین، آزمایش موشک‌های قاره‌پیما و هواپیماهای جنگی جدید را شاهد بوده‌ایم. قدرت نظامی یک ابزار ضروری برای چین و ورود مجدد آن به عرصه سیاسی جهان محسوب می‌شود.

مثال: سیستم ناوبری چین تحت عنوان بیدو^{۸۷} از یک شراکت تکنولوژیک بین پکن و اتحادیه اروپا حاصل شد. چینی‌ها اساساً حامی ابتکار ناوبری ماهواره‌ای اروپا با عنوان گالیله بودند.

روندهای مخالف

• یک توافق با سایر آژانس‌های فضایی (آمریکا، اروپا، روسیه) می‌تواند فشارها را کاهش دهد.

• در صورتی که ژاپن، چین، ویتنام و کره جنوبی به توافقی برای بهره‌برداری از دریا‌های شرقی و جنوبی دست یابند، مهم‌ترین تنش منطقه‌ای فروکش خواهد کرد. همین موضوع شامل وضعیت موجود با تایوان نیز می‌شود.

نیروهای محرک: غرور ملی، بهره‌برداری از سیارک‌های غنی از مواد معدنی، بهره‌برداری از سوخت‌های فسیلی در دریا‌های جنوبی و شرقی چین، حمایت از سیاست خارجی ملی، حمایت از چشم‌انداز چین.

عاملان: ارتش آزادی‌بخش خلق چین، دولت چین، کره جنوبی، ژاپن، ویتنام، تایوان، جامعه جهانی.

آینده: تداوم بسیار محتمل همین مسیر، ریسک جدی تعارضات منطقه‌ای با مقیاس کوچک که به لحاظ بالقوه می‌تواند تشدید شوند.

پیامدها: افزایش نیاز به تکنولوژی در زمینه مخابرات، ناوبری، ارتش، فضا، هواپیما، کشتیرانی و غیره.

بروز یک تعارض اقتصاد ملی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را تحت تأثیر قرار خواهد داد، سرمایه‌گذاری روی تحقیقات را کاهش داده و تمرکز را به صنعت دفاعی و مقوله‌های تحقیقاتی مرتبط معطوف خواهد کرد.

روند ۱۱: محیط زیست

شرح: مشکلات زیست‌محیطی محلی (مانند آلودگی هوا و آب) و پیامدهای زیست‌محیطی جهانی (مانند تغییرات اقلیمی) تحقیقات در چین را تا سال ۲۰۲۵ تحت تأثیر قرار خواهند داد. این روند ارتباط نزدیکی با فرآیند شدید و سریع صنعتی‌سازی دارد که طی ۲۰ سال گذشته در چین به وقوع پیوسته است، در حالی که فرآیند جاری شهرنشینی نیز آن را تشدید می‌کند. شهرهای جدید به سرعت در حال پدیدار شدن هستند، که به معنای رقابت بر سر زمین برای استفاده مسکونی، طولانی‌تر شدن مدت زمان رفت‌وآمد روزانه، افزایش انتشار کربن، و آلودگی اختناق‌آور است.

همچنین باید تأکید کرد که کنشگری زیست‌محیطی یک روند رو به رشد در جامعه چین است (که ظهور وبلاگ‌های اینترنتی به آن کمک می‌کند)، و این روند نیاز به راهکارهای

بنیادین در مشکلات زیست‌محیطی را بیش از پیش تشدید می‌کند. فشار ناشی از ظهور طبقه متوسط شهری در چین که نیازمند یک محیط زیست پاکیزه و سالم است نیز در همین راستا است.

در نهایت، باید منتظر فشار جهانی بیشتر بر روی مسائل مرتبط با تغییر اقلیم باشیم، که ممکن است نیازمند تغییرات جدی در فرآیندهای تولید و کاهش اثرات تغییر اقلیم باشد. این فشار می‌تواند از جانب سازمان‌های جهانی (مانند سازمان ملل) یا به شکل مقررات (برای مثال توسط اتحادیه اروپا) اعمال شود.

مثال: وقوع منظم مه‌دود در پکن، آگاهی عمومی را افزایش داده و فشار زیادی را بر دولت جهت رسیدگی به مسئله آلودگی هوا وارد می‌کند. مؤسسه امور همگانی و دولتی (IPE) یک سازمان غیرانتفاعی است که دو پایگاه داده را در زمینه آلودگی (هوا و آب) ایجاد نموده تا بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها نظارت کرده و مشارکت عموم در اداره محیط زیست را تسهیل نماید.

روند مخالف: اگر دولت به طور جدی مشکلات زیست‌محیطی را مد نظر قرار دهد، می‌تواند از فشارهای آتی بکاهد.

نیروهای محرک: محیط زیست بهتر و سالم‌تر، طرح دولت برای «چین زیبا».

عاملان: طبقه متوسط شهری، آگاهی عمومی، کنشگری، سازمان‌های مردم‌نهاد، وبلاگ‌ها، سازمان ملل، اتحادیه اروپا، دولت، ۷۷ دادگاه حفاظت از محیط زیست در سراسر کشور، سازمان‌های بین‌المللی.

آینده: تداوم بسیار محتمل همین مسیر.

پیامدها: افزایش نیاز به تکنولوژی‌هایی برای مقابله با آلودگی هوا، زمین و آب آلوده، منابع انرژی جایگزین کم‌کربن (غیر از ذغال‌سنگ)، حمل و نقل هوشمند و سبزتر، و غیره.

روند ۱۲: جمعیت

شرح: طبق پیش‌بینی اکثر تحلیل‌گران، چین در سال‌های پیش رو با یک تغییر جمعیتی کلان مواجه خواهد شد. این تغییر شدید و سریع بوده و چالش‌هایی را در آینده نه تنها برای سیاست‌های اجتماعی بلکه اقتصاد به وجود خواهد آورد. با افزایش امید به زندگی و پایین بودن نرخ باروری کلی، چین «قبل از آنکه ثروتمند شود، پیر می‌شود».

با پیر شدن جمعیت، نرخ رشد نیروی کار کند شده و در برخی موارد حتی رو به زوال

خواهد گذاشت، که به نسبت وابستگی (بار تکفل) بیشتر و رشد کمتر منجر می‌شود. نسبت وابستگی کهن سالی طی ۲۰ سال آینده دو برابر شده و به سطح فعلی کشورهای اسکاندیناوی خواهد رسید. هر دو برنامه پنجساله یازدهم و دوازدهم محدودیت‌های الگوی رشد کنونی را تشخیص داده و روی مقابله با نابرابری و تقویت نیازهای اولیه جمعیت در زمینه سلامتی تأکید می‌کنند.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نابرابر و تحت تأثیر سالخوردگی سریع (که نتیجه سیاست تک‌فرزندی است) و تعداد زیاد کارگران سیار در داخل کشور هستند، و زیرساخت سلامت ناهم‌ساز است؛ به گونه‌ای که مراکز پزشکی ممتاز در شرق کشور واقع شده‌اند، در حالی که مناطق روستایی تر دارای کمبود بهداشت اولیه هستند. بعضی از این نابرابری‌ها نتیجه اصلاحات بازاری و ضعف‌های پیشین در تأمین کالاهای عمومی هستند. اما برخی دیگر از آنها ناشی از سیاست‌هایی هستند که نابرابری فرصت‌ها را نهادینه کرده‌اند (مانند نظام هوکو). نابرابری‌های موجود در جمعیت توسط شکاف‌های عمیق بین ثروتمندترین و فقیرترین شهروندان و بین مناطق شهری و روستایی منعکس می‌شوند. بخشی از نابرابری رو به افزایش در درآمد و مصرف مبتنی بر تغییرات ساختاری و نقل مکان نیروی کار از مناطق شهری به مراکز شهری است، جایی که می‌توانند در بخش پرمایه تولید (که نشان‌دهنده قسمت عمده‌ای از اقتصاد با محوریت صنعت صادرات چین است) برای خود شغل پیدا کنند.

جمعیتی که به سرعت در حال سالخوردگی است، همچنین به خدمات مراقبتی بلندمدت و مراقبت از سالمندان نیاز دارد؛ خدماتی که در حال حاضر در چین توسعه نیافته هستند. از لحاظ تاریخی، مراقبت از سالمندان در چین عمدتاً بر عهده خانواده بوده، اما دولت مساعدت‌هایی را برای فقیرترین افراد سالخورده (که در مناطق روستایی با عنوان ووبائو^{۸۸} و در مناطق شهری با عنوان «سه‌نه»^{۸۹} از آنها یاد می‌شود) ارائه می‌کند. تجدید سازمان بخش سلامت یکی از چالش‌های اساسی چین در سال‌های پیش رو است؛ یکی از اصلاحات پیچیده و چالش‌برانگیز از لحاظ سیاسی، و چالشی که در چین به واسطه سالخوردگی جمعیت و افزایش بیماری‌های غیرواگیردار تشدید شده است.

مثال:

- چین نوعی تحول باروری را در ۴۰ سال گذشته تجربه کرده که در کشورهای توسعه یافته معمولاً بیش از ۱۰۰ سال زمان برده است.

روندهای مخالف

- تجربه چین و جهان نشان می‌دهد که اصلاحات بخش سلامت پیچیده و از لحاظ سیاسی چالش برانگیز هستند، و این امر به طور ویژه در مورد چین به علت سرعت بالای سالخوردگی جمعیت این کشور بیشتر صدق می‌کند.
- تحلیل‌گران و متخصصان بر این باورند که رشد اقتصادی به خاطر سالخوردگی جمعیت و نیز افزایش خدمات‌گندتر خواهد بود، مگر آنکه میزان کلی رشد بهره‌وری افزایش یابد.
- **نیروهای محرک:** سیاست‌های جمعیت‌شناختی، ارزش‌های طبقه متوسط، سرعت تغییرات ساختاری و سرمایه‌گذاری‌ها در شبکه‌های حفاظتی و زیرساخت‌ها، تجهیز تکنولوژیکی عمدتاً در بخش بهداشت.

آینده: به نظر می‌رسد این روند یعنی پیرتر شدن جمعیت ناچاراً اتفاق خواهد افتاد. با یک اقتصاد پیچیده‌تر، حداقل در بعضی از بخش‌های کشور (شهرها)، دولت ملزم است تمهیداتی را اتخاذ کند که شبکه‌های حفاظتی مخصوص افراد سالخورده را ارتقا بخشد و از کارگران برای مدیریت بهتر ریسک‌های اساسی در یک بازار کار انعطاف‌پذیرتر حمایت کند، نظام‌های بیمه بیکاری و مستمری را اصلاح نماید، مراقبت بلندمدت را گسترش دهد، و مؤسسات بازار کار را تقویت کند تا سازوکارهای چانه‌زنی برای دستمزد و حل مناقشات را که منافع کارگران و کارمندان را متعادل می‌سازند، میسر سازد.

پیامدها

- رشد کندتر، نرخ‌های کمتر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، و سرمایه انسانی آموزش دیده‌تر به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار.
- تغییر در استراتژی بهداشت از مراقبت درمانی به مراقبت پیشگیرانه. هزینه‌های مالی برنامه‌های بهداشت و مستمری از طریق تأکید بیشتر روی مراقبت‌های بهداشتی اولیه بجای بیمارستان‌ها، اصلاحات ساختاری، و بهبود راندمان در ارائه خدمات از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات تأمین خواهد شد.
- نوآوری یک سازوکار مهم برای کنترل هزینه‌ها در عین ارتقای کیفیت و گسترش دسترسی به خدمات بهداشتی است.

روند ۱۳: حقوق مالکیت معنوی (برنامه‌ها و چهارچوب نظارتی حقوق مالکیت معنوی)

شرح: قبل از انقلاب صنعتی در اروپا، چین در تکنولوژی سردمدار جهان بود. در طول چند دهه گذشته این کشور عمدتاً بر روی قابلیت‌های تولیدی و ابتکارات هزینه‌ای - کپی برداری از محصولات، اما تلفیق نوآوری در آنها جهت کاستن از قیمت محصول^{۹۰} - در گروه‌های محصولات اساسی تمرکز کرده است. چین طی چند سال گذشته در تلاش برای پیشگام شدن در محصولات تکنولوژیکی و نوین تا سال ۲۰۲۵ الی ۲۰۳۰، سرمایه‌گذاری زیادی روی بخش تحقیق و توسعه کرده است. با مد نظر قرار دادن این چشم‌انداز، حفاظت از حقوق مالکیت معنوی امری ضروری است. این کشور یک اداره ثبت اختراع محلی را از اوایل دهه ۱۹۸۰ راه‌اندازی کرده است. با این وجود، هر روزه سطوح مختلفی از نقض حق مالکیت معنوی به وقوع می‌پیوندد که عمدتاً ناشی از اجرای ضعیف قانون است. شرکت‌های چینی و به ویژه شرکت‌های تحت مالکیت دولت در رابطه با رقابت در زمینه استفاده از تکنولوژی بسیار ستیزه‌جویانه عمل کرده‌اند. اما در سال‌های اخیر افزایش تعامل و همکاری با هم‌تایان از سراسر جهان (به ویژه غرب) آنها را نسبت به مسائل مربوط به حق مالکیت معنوی آگاه‌تر ساخته است. به علاوه، این کشور در حفاظت از حقوق مالکیت معنوی به منظور تحقق رؤیای خود یعنی تبدیل شدن به یک کشور پیشگام در تکنولوژی پیشرفت فراوانی کرده است، این امر با انجام اصلاحاتی در سال ۲۰۰۸ جهت حمایت از ایجاد و راه‌اندازی یک سیستم نوین و پیشرفته حق مالکیت فکری (مقررات، علامت‌های تجاری، حق تکثیر، و قوانین ثبت اختراع) که مطابق با ملزومات سازمان تجارت جهانی است، روی داده است.

علیرغم اصلاحات مقرراتی، اجرای قوانین همگام با بهسازی‌های صورت گرفته در چهارچوب حقوقی نبوده است. مشکل اجرای قانون در غرب چین و سایر مکان‌ها، با فاصله زیاد از شانگهای و پکن برجسته‌تر است، اما با افزایش روزافزون ثبت پرونده‌های قضایی توسط شرکت‌های چینی علیه نقض حقوق مالکیت معنوی از سوی سایر شرکت‌های چینی، آگاهی نسبت به حفاظت از حق مالکیت فکری بالاتر رفته و حفاظت‌های به عمل آمده مؤثرتر خواهند شد. در حالی که اصلاحات پیشین در سیستم حفاظت از حق مالکیت معنوی چین عمدتاً از فشارهای خارجی ناشی می‌شدند، در آینده تغییرات به صورت فزاینده ناشی از فشارهای داخلی خواهند بود.

داده‌های اخیر در زمینه ثبت اختراعات چشمگیر هستند. ثبت بین‌المللی نشانه‌ای تجاری توسط شرکت‌های چینی به سرعت افزایش یافته است (از ۲۵۹۸ مورد در سال ۲۰۰۰ به ۳۵۶۳۷ مورد در سال ۲۰۱۲)، که نشانگر هدف مبنی بر ایجاد برندهای بین‌المللی است. درخواست‌های ثبت اختراع نیز در حال فزونی هستند. برای مثال، ثبت اختراعات توسط چینی‌ها در داخل چین سهم رو به رشدی را در مقایسه با خارجی‌ها به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که از ۱۷۳۰۰۰ در سال ۲۰۰۵ (۵۴ درصد از مجموع موارد) به ۶۵۳۰۰۰ در سال ۲۰۱۲ (۸۲ درصد از مجموع موارد) رسیده است. مشوق‌های متعدد اعطایی از جانب دولت‌های محلی و مرکزی آنها را وادار به وضع قوانین بیشتر در خصوص مالکیت فکری کرده است. علیرغم این افزایش وسیع، بر تعداد امتیازنامه‌های ثبت اختراع اعطا شده (به صورت درصدی از کل درخواست‌های ارائه شده در کشور) افزوده شده است، که نشان‌دهنده افزایش نسبی کیفیت ثبت اختراعات است. این امر تا حدی به علت تلاش‌های مقامات چینی در راستای رسیدن به استانداردهای بین‌المللی بوده است.

از آنجا که چین خواهان تقویت نوآوری مبتنی بر تکنولوژی در آینده است، انتظار می‌رود نظام مالکیت معنوی این کشور نهایتاً یک سیستم قابل اطمینان، شفاف، و عادلانه را فراهم سازد که صرف نظر از ملیت یا موقعیت سازندگان یا مبتکران، نوآوری را ترویج داده و از آن حفاظت کند.

مثال ۱: شرکت ابررسانای آمریکا (AMSC) نرم‌افزار و سیستم‌های برقی شرکت چینی سینوول^{۹۱} (که سازنده توربین‌های بادی است) را تأمین می‌کرد، و پس از آنکه این شرکت به یکی از مهندسان AMSC پول پرداخت کرد تا کد منبع آن را سرقت کند، شرکت آمریکایی برای دریافت یک میلیارد دلار خسارت علیه آن اقامه دعوی کرد.

مثال ۲: در سال ۲۰۱۳، قریب به ۲/۳۸ میلیون درخواست ثبت اختراع دریافت شد و بیش از ۱/۳۱ میلیون مورد از آنها مورد تأیید قرار گرفتند. در عین حال، ۳۷۶۶۰ مناقشه بر سر امتیاز ثبت اختراع از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در سطح کشور حل و فصل شدند.

روندهای مخالف

- اجرای ضعیف قوانین حق مالکیت معنوی
- اقدامات و منابع ناکافی برای رسیدگی به حقوق مالکیت معنوی

نیروهای محرک: هدف چین مبنی بر سرمدمداری نوآوری در جهان؛ اثرات خارجی^{۹۲}

سرمایه‌گذاری‌ها در بخش تحقیق و توسعه؛ رقابت و اجرای قانون.

عوامل: مقامات چینی (اعم از ملی، منطقه‌ای و محلی)، شرکت‌های داخلی، شرکت‌های تحت مالکیت دولت، شرکت‌های خارجی، مبتکران چینی، دادگاه‌های چین، تنظیم‌کنندگان قوانین مالکیت معنوی، مأموران ثبت اختراع، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های چندملیتی، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا.

آینده: با افزایش تعداد مبتکران چینی، مسئولان حق مالکیت فکری تصدیق کرده‌اند که تحقق آرمان‌های چین در زمینه نوآوری بومی بدون یک نظام حفاظت از مالکیت معنوی که از اعتبار بسیار بیشتری برخوردار باشد و از سازندگان تکنولوژی‌های جدید حمایت کند، امکان‌پذیر نیست. به علاوه، همچنانکه شرکت‌های چینی بیشتر و بیشتر نوآور می‌شوند، تحت تأثیر عدم حفاظت مؤثر از حقوق مالکیت معنوی قرار گرفته و خواستار تغییر خواهند شد. یک سیستم کارآمد ثبت اختراع که نمایانگر تجربه غرب باشد، رشد قابلیت‌های نوآوری چین را تسریع خواهد کرد و شرکت‌های چندملیتی را به ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در چین ترغیب خواهد کرد. سیاست‌های مناسب در خصوص حق مالکیت فکری، انتقال نتایج تحقیق و توسعه از سازمان‌های دولتی به اقتصاد چین را تقویت خواهد نمود. نقض حقوق مالکیت معنوی هر روزه در حال رخ دادن است و در آینده نیز ادامه خواهد یافت، اما میزان آن کمتر خواهد بود.

پیامدها: ایجاد یک نظام نوآوری پویا و باز.

روند ۱۴: ارتباطات جهانی

شرح: فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال ایجاد یک چشم‌انداز جدید در زمینه تحقیق و توسعه هستند. این فناوری‌ها برای مثال تأمین مشترک منابع، شبکه‌بندی، رایانش ابری، شبیه‌سازی، و محیطه‌ای مجازی را تسهیل می‌کنند. فناوری اطلاعات و ارتباطات نحوه پیشرفت تحقیقات و نوآوری را تغییر داده‌اند، و شبکه‌بندی بی‌سابقه، به اشتراک‌گذاری خلاقیت و زیرساخت‌ها (مانند قدرت رایانش)، و نیز به کارگیری شیوه‌های جدید اشاعه اطلاعات و جذب سرمایه را با کلیک کردن یک دکمه میسر ساخته‌اند.

موجودیت فزاینده اطلاعات و رشد قابلیت‌های ارتباطی از عوامل اساسی جهانی سازی در قرن بیستم بوده‌اند. اینترنت خلاقیت و نوآوری را میسر ساخته و باعث ایجاد ساختارهای نظارتی

جدید، افزایش گشودگی، و مشارکت شده است. جدیدترین پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری اطلاعات و ارتباطات عبارتند از سازمان عامه خلاق^{۹۳} (دسترسی جهانی به تحقیقات و آموزش)، اینترنت اشیاء، نسل پنجم، توسعه پهنای باند و رایانش ابری.

در این چهارچوب، ارتباطات میان اروپا و چین با سرعتی بالا رو به افزایش است. همکاری در زمینه تحقیق و توسعه طی چند سال اخیر به طرز اساسی در حال گسترش بوده است. اروپا و چین منافع راهبردی مشترکی در افزایش بیش از پیش تلاش‌های ترکیبی دارند؛ تلاش‌هایی که کیفیت و کمیت نتایج تحقیقات و نوآوری تکنولوژیکی را هم در اروپا و هم در چین ارتقاء می‌بخشند. اتحادیه اروپا و چین توافقنامه‌های رسمی بسیاری را به امضاء رسانده‌اند که برخی از آنها با فعالیت‌های تحقیق و توسعه مرتبط بوده و به این موضوع اشاره دارند که دسترسی به اطلاعات و یک جریان ارتباطی رضایت‌بخش یا حداقلی بین دو طرف ملزوماتی کلیدی برای همکاری بین‌المللی به ویژه در زنجیره ارزش‌های جهانی تحقیق، توسعه و نوآوری محسوب می‌شوند.

اتصالات اینترنتی، VoIP، اشتراک فایل، رسانه جاری^{۹۴}، شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات سیار، تلویزیون اینترنتی و رسانه‌های جدید فعال در همه ساعات شبانه‌روز به صورت گسترده فراهم خواهند بود، و نه تنها در دسترس طبقه متوسط جدید و گروه‌های تحقیق و توسعه چین بلکه اکثریت چینی‌ها قرار خواهند گرفت. ارتباطات پیشرفته و ابزارهای دسترسی به تحول جامعه چین از طریق فراهم کردن امکان ارتباط برای افراد صرف نظر از موقعیت آنها و نیز دسترسی به یک منبع غنی از اطلاعات، تداوم بخشیده و دولت الکترونیک را در همه جنبه‌ها میسر می‌سازند.

مثال: پلتفرم اطلاعاتی استانداردهای اروپا و چین (CESIP) یک پایگاه جامع برای اطلاعات دسترسی به بازار است که به کسب و کارها کمک می‌کند تجارت بین شرکت‌های اروپایی و شرکت‌های کوچک و متوسط چینی را بین‌المللی کرده و نهایتاً تقویت نمایند. پلتفرم جدید CESIP اطلاعات مفصلی درباره استانداردها و ملزومات دسترسی به بازار اروپا و چین فراهم می‌کند.

۹۳. Creative Commons) یک سازمان غیرانتفاعی است که دفتر مرکزی آن در مانتین ویو، کالیفرنیا واقع شده است. این سازمان مجوز کپی‌رایت کامنز را ارائه می‌دهد. این سازمان چند پروانه حق تکثیر با عنوان پروانه‌های کپی‌رایت کامنز منتشر کرده است که به صورت آزاد در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. این پروانه‌ها به خالق اثر این اجازه را می‌دهند که بگویند چه حقوقی برای خودشان محفوظ بماند و چه حقوقی برای دریافت‌کننده اثر یا خالق‌های دیگر باقی بماند. (م؛ منبع: ویکی‌پدیا)

۹۴. streaming media) به آن دسته از محتوای چندرسانه‌ای گفته می‌شود که همزمان با ارسالش از طرف فرستنده محتوا، توسط گیرنده محتوا قابل نمایش است. به بیان دیگر، گیرنده محتوا نیاز ندارد که ابتدا تمام محتوا را بارگیری کند تا بتواند آن را نمایش بدهد، بلکه فرستنده می‌تواند محتوا را به صورت جاری ارسال کند. (م؛ منبع: ویکی‌پدیا)

روند مخالف

جهانی‌سازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات دنیایی جدید و باز را خلق کرده‌اند. با این وجود، در سال‌های اخیر مخاطرات و تهدیدهای متعددی مانند هک کردن، شرایط مبهم حق مالکیت معنوی، ایجاد مناقشات محلی و تروریسم وجود داشته است. این عوامل نگرانی‌های مختلفی را در زمینه شبکه‌سازی و همکاری ناشی از به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر تکنولوژی‌های جدید در چهارچوب زنجیره ارزش‌های جهانی تحقیق و توسعه به وجود آورده‌اند.

نیروهای محرک: حاکمیت جهانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر پیشرفت‌های تکنولوژیکی، جهانی شدن.

عاملان: دولت چین، اتحادیه اروپا، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات آموزشی، مؤسسات تحقیق و نوآوری، و غیره.

آینده: در ده‌الی پانزده سال آینده، ارتباطات بی‌سیم (از جمله شبکه‌های گسترده و اتصالات ماهواره‌ای)، نرم‌افزارها و برنامه‌های جدید احتمالاً همکاری بیشتر بین محققان از گوشه و کنار جهان را به منظور دسترسی به داده‌ها، اطلاعات و زیرساخت‌ها و خروجی‌های تحقیق و توسعه میسر می‌سازند. به اشتراک‌گذاری هوشمند، دسترسی و پردازش فعالیت‌های اطلاعاتی بهبود می‌یابد، و نیز امنیت و استفاده از تکنولوژی‌های رمزگذاری شده افزایش خواهد یافت.

پیامدها: رقابت، تجدید ساختار صنایع را رواج خواهد داد. مؤسسات به جنب و جوش درآمده و شاهد یک تأثیر اساسی بر روی نوآوری و رشد خواهیم بود. فناوری اطلاعات و ارتباطات سهم قابل توجهی از کل مخارج تحقیق و توسعه، درخواست‌های ثبت اختراع و استارت‌آپ‌های شرکتی را به خود اختصاص خواهد داد. ماهیت جهانی اینترنت، سرعت و گستره تحقیق و نوآوری را برانگیخته و انواع جدیدی از فعالیت کارآفرینی را موجب خواهد شد. هزینه‌های انتقال اطلاعات به میزان قابل توجهی کاهش خواهند یافت، که اشاعه اطلاعات و ایده‌ها را تقویت می‌نماید. توسعه اقتصادی به واسطه بهبود بهره‌وری و تداوم گسترش اقتصادی تجارت اینترنتی جهانی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

روند ۱۵: مهارت‌های زبانی

شرح: این شعار که «آموزش نیازمند نوسازی و نوسازی نیازمند آموزش است»^{۹۵}، نشان‌دهنده معضل پیش‌روی چین، همچنان که این کشور دستخوش تحولی سریع از یک جامعه عمدتاً زراعی به یک اقتصاد جهانی‌سازی شده و مدرن است.

نوسازی نظام آموزشی چین، به هم‌پیوستگی وسیع با فرهنگ جهانی، و ظرفیت اقتصادی بالاتر طبقه متوسط در حال ظهور، تبحر در زبان‌های خارجی را به یک مهارت استاندارد برای جوانان چینی بدل می‌سازد.

با اینکه آموزش همواره در چین بسیار مورد ملاحظه بوده است، نیروی جهانی شدن و ظهور عصر جدیدی از فناوری که ناشی از بین‌المللی‌سازی است، به این فرآیند شتاب بخشیده است. به منظور ایجاد اقتصادی متمرکز بر تولید کالا برای تجارت خارجی و جهت واکنش مؤثر نسبت به نیروهای جهانی شدن توسط چین، نظام آموزشی این کشور می‌بایست دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان در زمینه استانداردهای بین‌المللی را گسترش دهد.^{۹۶}

چین یادگیری زبان انگلیسی را با ارائه آن در مقاطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه (شامل راهنمایی) و دانشگاهی، به بخشی از استراتژی تقویت اقتصادی خود تبدیل کرده است. در سال ۲۰۱۰ طبق برآوردها بیش از ۱۰۰ هزار آموزگار انگلیسی زبان بومی در چین وجود داشتند، که در بازاری با ارزش بالغ بر سالانه ۳ میلیارد دلار کار می‌کردند. شمار فزاینده‌ای از آموزگاران، مربیان آموزگاری، و محققان اکنون اقدام به وقف خود برای یادگیری اصول آموزش زبان به محصلین جوان کرده‌اند. تحقیقات پیرامون آموزش انگلیسی در مقطع ابتدایی و تربیت معلم به طرز مبرمی جهت دستیابی به یک شناخت بهتر به منظور آگاه‌سازی بیشتر و بهبود شیوه‌های تدریس، ضروری است.

به منظور پاسداشت زبان‌های خارجی دیگری که در مدارس تدریس می‌شوند، پشتیبانی ویژه‌ای در این خصوص به عمل خواهد آمد به طوری که مدارس موجود که زبان‌های روسی یا ژاپنی یا سایر زبان‌های خارجی را تدریس می‌کنند در همان مناطق حفظ شوند.

طبق آنچه که نقشه زبانی جهان نشان می‌دهد، چینی زبان اکثریت مردم جهان است. اما با رشد اقتصادی سریعی که در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم، مردم چین مشتاق به یادگیری زبان‌های خارجی هستند. فهرستی از برترین زبان‌های خارجی که در چین آموخته می‌شوند

95. Ross, 1991, p. 67

96. Ross, 1992

بدین ترتیب است: ۱) انگلیسی، ۲) ژاپنی و کره‌ای، و ۳) فرانسوی و آلمانی. اخیراً زبان روسی هم در چین از محبوبیت برخوردار شده است.

مثال ۱: بنیاد کنفوسیوس در سال ۲۰۰۶ در دانشگاه وین به عنوان یک همکاری میان دفتر انجمن بین‌المللی زبان چینی (Haban)، دانشگاه مطالعات خارجی پکن و دانشگاه وین تأسیس گردید. این بنیاد برای معرفی و عرضه زبان و فرهنگ چینی و ترویج گفتگو و تبادل نظر بین جوامع و فرهنگ‌های مختلف اختصاص یافته است. بنیاد مذکور با تخصص و فعالیت‌های خود به مکانی برای ملاقات و عرصه‌ای برای بسیاری از طرح‌های مشترک تبدیل شده است.

مثال: مدارس زبان خارجی در حال تغییر رسالت خود از پرورش مهارت زبانی به آماده‌سازی دانش‌آموزانی با مهارت‌های متعدد است که در زمینه‌های زبان‌های خارجی و فرهنگ متبحر باشند. آموزشگاه زبان‌های خارجی تیانجین^{۹۷} که در سال ۱۹۶۴ و به عنوان مجموعه مدارس زبان‌های خارجی تحت نظارت نخست وزیر وقت چوئن لای^{۹۸} آغاز به کار کرد، بیشتر روی مهارت‌های فراگیر دانش‌آموزان تمرکز می‌کند تا تبحر صرف آنها در زبان، که اقدامی در راستای پرورش تخصص بیشتر و ایجاد ذهنیت‌های باز و مداراآمیز است. در سال ۲۰۱۲ چهل و نه نفر و در ۲۰۱۳ سی و پنج نفر از دانش‌آموخته‌گان این آموزشگاه مورد پذیرش دانشگاه‌های خارجی قرار گرفتند.

روندهای مخالف

- کمبود معلمان زبان خارجی کافی و واجد شرایط.
 - کمبود عرضه معلمان زبان خارجی.
 - پیدایش تکنولوژی‌ها/ برنامه‌های ترجمه خودکار.
 - روند متضاد ناشی از توقع چینی‌ها از خارجی‌ها برای یادگیری زبان چینی.
- نیروهای محرک:** جهانی شدن، نوسازی نظام آموزشی چین، به هم پیوستگی بالا با فرهنگ جهانی، نیاز به تجارت خارجی، طبقه متوسط شهری نوظهور، و غیره.
- عاملان: دانشگاه‌های داخلی و بین‌المللی، دولت، مدارس، معلمان و استادان، طبقه متوسط.
- آینده:** در سال‌های آتی درصد چینی‌هایی که به زبان‌های خارجی صحبت می‌کنند به طور مداوم افزایش خواهد یافت.
- پیامدها:** بهبود مهارت‌های کاری، افزایش همکاری بین‌المللی در زمینه تحقیقات، جابجایی دانش‌آموزان بین‌المللی.

97. Tianjin Foreign Languages School

98. Zhou Enlai

روند ۱۶: نظام آموزشی (طرز کار)

شرح: توسعه اجتماعی چین در طول سه دهه گذشته چشمگیر بوده است. از زمان تأسیس حکومت جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، این کشور از یک قدرت مهم با نرخ باسوادی پایین (یا کشوری که میزان باسوادی در بخش عظیمی از آن پایین بود) به قدرتی به همان اندازه مهم با آموزش ابتدایی همگانی (۷۷-۱۹۴۹)، و متعاقباً از یک قدرت مهم با آموزش ابتدایی همگانی به یک تولیدکننده منابع انسانی (۲۰۰۰-۱۹۸۷) تبدیل شده است. در جریان این روند، جمهوری خلق چین جمعیت کلان خود را از یک بار به یک مزیت قابل توجه بدل ساخته است. این دستاورد نشانگر تحول آموزش عالی در چین از یک سیستم آموزش طبقه ممتاز به یک نظام آموزش همگانی بود. اگر یک جهش سریع ۳۰ ساله به ۲۰۱۳ داشته باشیم، این کشور در مقایسه و وضعیت قبلش تقریباً غیر قابل تشخیص می‌شود. چین آموزش ابتدایی اجباری را همگانی ساخته و مشارکت عموم در سطوح بالاتر آموزش را تعمیم داده است. از زمان این تعمیم، ثبت‌نام‌های تحصیلی به سرعت افزایش یافته و ادامه تحصیل تا مقطع دبیرستان و بالاتر از آن رشد فراوانی داشته است. چین حدود ۱۳ درصد از مقالات علمی جهان را ارائه کرده و ۲۵ درصد از نیروی کار فعال در بخش تحقیق و توسعه در سطح جهان را دارا است، در حالی که بیش از شش میلیون نفر از دانشجویانش امسال از آموزش عالی فارغ‌التحصیل خواهند شد. چین همچنین نظام آموزش عالی خود را به روی دنیای خارج گشوده و به کشور دارای بیشترین تعداد دانشجوی خارجی در آسیا تبدیل شده است.

با این وجود، طبق آخرین داده‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، میزان تحصیلات متوسط در بین بزرگسالان ۲۵ تا ۶۴ ساله جزء پایین‌ترین نرخ‌ها بود (۲۲/۳ درصد، رتبه ۴۲ از ۴۲)، و درصد جوانان امروزی که پیش‌بینی می‌شود از مقطع متوسطه فارغ‌التحصیل شوند نیز در زمره پایین‌ترین نسبت‌ها است (۷۶/۴ درصد، رتبه ۲۴ از ۲۹). به طور مشابه، مجموع زمان آموزش اجباری در چین برای دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی جزء کوتاه‌ترین مدت‌ها در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای شریک^{۹۹} این سازمان بود. از سوی دیگر، نسبت دانش‌آموزان به پرسنل تدریس در مقطع متوسطه به طرز خاصی بالا است (۱۶ دانش‌آموز به ازای هر معلم، رتبه ۷ از ۳۵)، و چین یکی از جذاب‌ترین مقصدها برای دانش‌آموزان خارجی در مقایسه با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای شریک آن است (۲ درصد، رتبه ۱۰ از ۴۰).

۹۹. منظور کشورهایی است که عضو سازمان OECD نیستند اما با آن شراکت دارند (از جمله چین). (م)

توسعه آموزش و به ویژه آموزش عالی به صورت همگانی برای چین که خواهان تثبیت موقعیت خود در جهان است، مهم محسوب می‌شود. به دنبال این هدف، دولت در تلاش است نرخ ثبت نام ناخالص^{۱۰۰} در دبیرستان‌ها را تا سال ۲۰۲۰ به ۹۰ درصد افزایش دهد، که تعداد دانش‌آموزان در این مدارس را ۴۷ میلیون نفر می‌کند. تا آن زمان پیش‌بینی می‌شود نرخ ثبت‌نام ناخالص در آموزش عالی نیز به ۴۰ درصد برسد. از سال ۲۰۰۸ تعداد افراد در سن دانشگاه رو به کاهش نهاد؛ روندی که دست کم به مدت چند سال ادامه خواهد یافت.

چین کماکان از بقیه کشورهای عضو سازمان OECD و کشورهای شریک این سازمان از لحاظ اکثر شاخص‌ها عقب است. با این وجود ارقام مذکور به تدریج در حال بیشتر شدن هستند، که نشان دهنده یک پتانسیل بسیار بالا برای رشد بیشتر است که در آینده محرک عملکرد تحقیق و توسعه و رشد اقتصادی خواهد بود. نظام آموزشی چین در حال متحمل شدن اصلاحات مداوم است و اگرچه این نظام به میزان قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است، اما مشخص نیست که دولت تغییرات ساختاری لازم را در همه مقاطع (ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی) انجام خواهد دهد تا این کشور به یک اقتصاد دانش‌بنیان تبدیل شود یا خیر.

چین تا سال ۲۰۲۵ از لحاظ جمعیتی که آموزش عالی دریافت کرده‌اند، بزرگ‌ترین قدرت جهان خواهد بود. هم‌اکنون تا سال ۲۰۲۰ قریب به ۲۰۰ میلیون شهروند چینی صاحب مدرک دانشگاهی خواهند بود. شکی نیست که آموزش یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد سریع اقتصاد چین بوده است. وانگ شیائولو^{۱۰۱} پیش‌بینی می‌کند این روند ادامه یابد، و یک نرخ رشد اقتصادی ۹/۳۴ درصد را تا سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌کند، به گونه‌ای که طبق پیش‌بینی او نقش خالص آموزش در گسترش تولید ناخالص داخلی به سطح ۲/۴ درصد خواهد رسید.

مثال ۱: کیفیت آموزش دانشگاهی به سرعت رو به بهبود است: چین هم‌اکنون ۲۲ دانشگاه در ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان دارد، در مقایسه با ۱۲ دانشگاهی که همین هشت سال پیش در این فهرست داشت.

مثال ۲: به نظر می‌رسد نابرابری در نظام آموزشی چین رو به افزایش است. درصد دانشجویان در دانشگاه پکینگ^{۱۰۲} که دارای یک منشأ روستایی است، طی دهه اخیر به ۱۰ درصد (در مقایسه با ۳۰ درصد در دهه ۱۹۹۰) کاهش یافته است.

100. gross enrollment rate

101. Wang Xiaolu

102. Peking University

روندهای مخالف

- ایجاد اصلاحات در سیستم ثبت خانوار هو کو به منظور فراهم نمودن آموزش برای کودکان مهاجران شهری، ضروری است.
- نابرابری رو به افزایش در آموزش اجباری برای کودکانی با وضعیت جمعیت‌شناختی مختلف، اعم از مناطق مسکونی، طبقه‌بندی‌های اجتماعی و گروه‌های درآمدی.
- حدود یک سوم از شهروندان به نظام آموزشی اعتماد ندارند.
- نظام آموزشی کودکان را به خلاقیت ترغیب نمی‌کند.
- کمبود منابع آموزش همگانی.

نیروهای محرک

- قاطعیت برای تبدیل شدن به یک کشور پیشگام در زمینه نوآوری و در نتیجه رسیدن به غرب و سرانجام پیشی گرفتن از آن، از طریق دگرگون کردن تولید از فعالیت‌های کاربر به فعالیت‌های مهارت‌محور است.
- طبقه متوسط در حال ظهور.
- جهانی شدن.
- اصلاحات آموزشی.

عواملان: وزارت آموزش، دولت چین، مؤسسات آموزشی، مؤسسات پژوهشی، دانشگاه‌های داخلی و خارجی، طبقه متوسط شهری، و غیره.

پیامدها: چین به لحاظ سرمایه انسانی، جامعه هم‌هنگ، دسترسی برابر به آموزش برای همگان، پیشرفت تکنولوژیکی، و تراکم سرمایه انسانی جزء قدرت‌های جهان خواهد بود.

چین در خاورمیانه از دهه‌های محتاط

اندرو اسکوبیل
علیرضا نادر

مؤسسه رند

پیش گفتار

این پژوهش بخشی از پروژه «محورهای چین در خاورمیانه» در سال مالی ۲۰۱۴ است. این پروژه به بررسی نقش اقتصادی، سیاسی و نظامی چین در خاورمیانه پرداخته و چشم‌اندازهایی در اختیار ارتش ایالات متحده گذاشت تا به اتخاذ تصمیمات آگاهانه ارتش در ارتباط با حضور و موضع نیروها در منطقه کمک کند. این گزارش، منافع چین و استراتژی آن در قبال خاورمیانه را بررسی می‌کند. به بیان دقیق‌تر، این گزارش به بررسی نقش اقتصادی، سیاسی و امنیتی چین در منطقه پرداخته و به روابط چین با عربستان سعودی و ایران توجهی ویژه نشان می‌دهد و نهایتاً به پیامدهای استراتژی چین در قبال خاورمیانه برای ایالات متحده و مشخصاً ارتش ایالات متحده می‌پردازد. پژوهش و نگارش این گزارش در اکتبر سال ۲۰۱۴ به پایان رسید. حامی مالی این پژوهش رئیس ستاد جی ۸ ارتش ایالات متحده بود و آموزه‌ها، منابع و استراتژی‌های آن توسط مرکز آروبو رندا تدوین شده است. مرکز آروبو رندا، یک مرکز تحقیق و توسعه وابسته به بنیاد رندا است که بودجه آن به صورت فدرال و از جانب ارتش ایالات متحده تأمین می‌شود. کد شناسایی انحصاری این پروژه HQD136620 است.

خلاصه

این پژوهش به بررسی نقش‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی چین در خاورمیانه پرداخته و بر روابط چین با عربستان سعودی و ایران تمرکز می‌کند. همچنین پژوهش حاضر، به بررسی این مسأله می‌پردازد که چین در خاورمیانه چه اهدافی را دنبال می‌کند و نیز چرایی آن را مورد واکاوی قرار می‌دهد. خاورمیانه که روزگاری پکن آن را منطقه‌ای حاشیه‌ای و نسبتاً کم‌اهمیت در جهان تلقی می‌کرد، اکنون در محاسبات امنیت ملی چین حضوری پررنگ‌تر پیدا کرده است. علاقه و دخالت بی‌سابقه پکن در خاورمیانه این پرسش را پیش می‌آورد که انگیزه و محرک این اقدام چیست. چه چیزی توجه فزاینده چین به خاورمیانه را توضیح می‌دهد و تبعات این تحول برای ایالات متحده کدام‌اند؟

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که منافع اقتصادی و همچنین تلاش برای «تجدید موازنه» بین سیاست‌های داخلی، خارجی و امنیتی، محرک اصلی پکن است، به نحوی که این سیاست‌ها به سود شرق چین و شرق آسیا متمایل شوند. علاقه و تعامل روزافزون در خاورمیانه، بازتاب وابستگی فزاینده به منابع انرژی این منطقه و تلاش‌های چین برای «پیشروی به غرب» و آسیای میانه و ورای آن است. با آغاز طرح راه ابریشم جدید که شی جین پینگ در سپتامبر ۲۰۱۴ رسماً آن را اعلام کرد، استراتژی خاورمیانه‌ای پکن در چارچوب تلاش سفت و سخت و شدیداً جاه‌طلبانه برای ساخت یک کمربند راه ابریشم هوایی و راه ابریشم دریایی قرار گرفت که چین را به خاورمیانه و ماورای آن پیوند می‌دهد. اگرچه مقابله با ایالات متحده را نیز می‌توان به‌عنوان یک عامل محسوب نمود، اما محرک اصلی استراتژی خاورمیانه‌ای چین نیست.

این گزارش توصیه می‌کند که ایالات متحده از برخی تعاملات امنیتی رو به گسترش چین در خاورمیانه استقبال کند. در واقع، با توجه به اهمیت تعیین‌کننده منطقه برای اقتصاد چین و قدرت فزاینده آن، باید پکن پذیرفته شود. با این حال، پکن علاقه چندانی به گسترش سطح همکاری امنیتی خود با ایالات متحده و دولت‌های خاورمیانه‌ای ندارد، زیرا نگران است که درگیر تنش‌ها و مناقشات منطقه‌ای شود. چین بیمناک است که دخالت امنیتی بیشتر، جایگاه قابل توجه‌اش را به عنوان یک قدرت خارجی دارای روابط حسنه با دولت‌های بزرگ خاورمیانه، مخدوش سازد. چین بیم آن دارد که عملگرایی دیپلماتیک و تعامل امنیتی بیشتر در منطقه به قیمت خون، خزانه و شهرتش به عنوان دوست همگان و دشمن هیچکدام تمام شود. تمرکز این مطالعه بر روابط پکن با ریاض و تهران، ابعاد و تأثیر تعامل بیشتر چین را در منطقه توضیح می‌دهد، اما در عین حال بر محدودیت‌های واقعی استراتژی خاورمیانه چین نیز انگشت می‌گذارد. پکن، استراتژی «اژدهای محتاط» را در قبال منطقه اتخاذ کرده است.

همکاری امنیتی گسترده چین و عربستان سعودی - توسعه روابط اقتصادی جدی، روابط دیپلماتیک متعادل اما صمیمانه و تعاملات نظامی محدود - لزوماً زنگ خطر برای ایالات متحده نخواهد بود. این همکاری می‌تواند سودمند بوده و به محیط منطقه‌ای با ثبات تر کمک کند. همکاری امنیتی بیشتر چین با ایران در دسرساز است، اما جز رزمایش دریایی اخیر چین و ایران در خلیج فارس، هیچ نشانه و دلیل دیگری وجود ندارد که چین متعهد به ایجاد اتحاد با تهران شده باشد. بعید است که چین، حتی در صورت افزایش تنش‌ها بین ایالات متحده و چین بر سر خاورمیانه، برای «سلطه و تفوق» بر منطقه تلاشی انجام دهد. در عوض، ثبات در خاورمیانه می‌تواند محلی برای تعامل بیشتر ایالات متحده - چین باشد که در نهایت شاید به کاهش تنش‌های فزاینده در شرق آسیا کمک کند. در سطح استراتژی کلان، واشنگتن باید یک استراتژی دویبخشی اتخاذ نماید که در آن هم به پکن و هم به خاورمیانه پرداخته شود. نخست، ایالات متحده باید چین و دیگر قدرت‌های آسیایی را تشویق کند که درگیر تلاش‌ها برای افزایش ثبات منطقه‌ای شوند. دوم، واشنگتن باید تلاش کند که مجدداً به شرکایش تعهد امنیتی پایدار خود به آن منطقه را خاطر نشان سازد.

فصل اول - مقدمه

خاورمیانه که جمهوری خلق چین روزگاری آن را منطقه‌ای حاشیه‌ای و نسبتاً کم‌اهمیت در جهان تلقی می‌کرد، اکنون در محاسبات امنیت ملی چین حضوری پررنگ‌تر پیدا کرده است. علاقه و دخالت بی‌سابقه پکن در خاورمیانه این احتمال را افزایش می‌دهد که چین طرح‌هایی جاه‌طلبانه در منطقه دارد. چه چیزی توجه فزاینده چین به خاورمیانه را توضیح می‌دهد و خطوط تعامل چین با منطقه کدام‌اند؟

یک پاسخ این است که چین در حال واکنش به «تجدید موازنه» ایالات متحده در آسیا است، استراتژی که دولت اوباما در سال ۲۰۱۲ آن را اعلام کرد. پاسخ دیگر این است که خاورمیانه صرفاً اهمیت اقتصادی بیش از پیشی یافته است. با همه این اوصاف، پاسخ سومی هم وجود دارد که این منطقه اهمیت ژئواستراتژیک بسیار بیشتری برای پکن پیدا کرده است. دو پاسخ آخر از این مسأله حکایت دارند که فعالیت‌های جمهوری خلق چین اگر نگوییم به کل، ارتباط اندکی با تمهیدات سیاستی ایالات متحده دارند. این مطالعه ادعا می‌کند که تمرکز اصلی پکن بر امنیت انرژی است و تلاش می‌کند که بین سیاست‌های داخلی، خارجی و امنیتی خود «تجدید موازنه» برقرار کند، به نحوی که این سیاست‌ها به سود شرق چین و شرق آسیا تمایل پیدا کنند. با این همه، این تجدید موازنه پکن، نه واکنشی به تجدید موازنه دولت اوباما است و نه پدیده‌ای تازه؛ با این حال، ایالات متحده در هر دو مورد از محرک‌های اصلی، نقش قابل ملاحظه‌ای دارد، اما چین در هر مورد نقش بسیار متفاوتی برای ایالات متحده قائل است. در خصوص جستجوی چین برای انرژی، حضور ایالات متحده مثبت تلقی می‌شود، زیرا حضور نظامی و نفوذ ژئوپلیتیک قابل توجه آن، یکی از عوامل اصلی تضمین امنیت خاورمیانه محسوب شده و از این رهگذر به حفظ ثبات و در نتیجه توسعه اقتصادی منطقه‌ای و دسترسی پایدار به انرژی کمک می‌کند. در ارتباط با منافع امنیتی گسترده چین، حضور ایالات متحده منفی تصور می‌شود، زیرا اتحادها و وضعیت نظامی پیشگام آن، تهدیدی برای امنیت چین در سرتاسر محیط پیرامونی خود، خصوصاً در شرق آسیا، به شمار می‌رود.

آیا چین در قبال خاورمیانه یک استراتژی دارد؟ یافته‌های این گزارش نشان می‌دهند که پاسخ به این سؤال مثبت است. چین ظاهراً استراتژی «اژدهای محتاط» را در قبال منطقه در پیش گرفته است. پکن در تعامل خود با منطقه حساسیت عمیقی را نشان می‌دهد. چین در تلاش است که با احتراز سرسختانه از جانبداری در منازعات و مناقشات خاورمیانه، از منافع گسترده خود در منطقه محافظت کند. علاوه بر این، چین بسیار محتاط بوده و مراقب است که درگیر

مناقشات خاورمیانه نشده یا به هیچ یک از کشورهای خاورمیانه بیش از حد نزدیک نشود. این حساسیت و کناره‌جویی شدید، مانع بیان علنی یک سیاست یا استراتژی خاورمیانه‌ای یا پذیرش تعهدات جدی فراتر از حد لازم برای حفظ روابط تجاری صمیمانه و ارتباطات دیپلماتیک و امنیتی عملگرایانه در برابر دولت‌های منطقه می‌شود. فصل دوم به تعریف منافع و اهداف در حال گسترش چین در خاورمیانه پرداخته و توضیح می‌دهد که خاورمیانه چرا و چگونه به یکی از اولویت‌های اصلی چین در دوران پس از جنگ سرد بدل شده است. تمرکز چین بر استفاده از ابزارهای قدرت ملی که در روابط آن با عربستان سعودی و ایران، دو قدرت بزرگی که پکن آن‌ها را در منطقه محوری می‌داند، به کار گرفته شده‌اند، این استراتژی خاورمیانه را روشن می‌سازد. فصل سوم، رابطه رو به گسترش چین با عربستان سعودی، یکی از شرکای اصلی ایالات متحده را در منطقه بررسی می‌کند. فصل چهارم، به بررسی رابطه پایدار چین با ایران، یکی از رقبای اصلی ایالات متحده در خاورمیانه می‌پردازد. در نهایت، فصل پنجم به ارزیابی استراتژی چین در قبال منطقه پرداخته و تبعات آن برای ایالات متحده و ارتش ایالات متحده را بررسی می‌کند. پکن به دلیل اتخاذ استراتژی اژدهای محتاط، در حالی که در خاورمیانه یک سنگین وزن اقتصادی است، همچنان اصرار دارد که در دیپلماسی سبک وزن باشد و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی یک قدرت نظامی میان وزن در منطقه بماند.

فصل دوم - خاورمیانه چقدر برای چین اهمیت دارد؟

امروزه، جمهوری خلق چین اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای خاورمیانه قائل می‌شود. با وجود اینکه تمرکز اصلی پکن بر امنیت داخلی - همچنین ثبات محیط پیرامونی مجاور خود، علی‌الخصوص منطقه آسیا-اقیانوسیه و آسیای میانه - است، با این همه بیش از پیش در چارچوبی جهانی فکر و عمل می‌کند.^۲ برخی از مناطق جهان اهمیتی بیشتر از مناطق دیگر دارند. با اینکه هیچ رتبه‌بندی مشخصی وجود ندارد، در سال‌های اخیر خاورمیانه اهمیت روزافزونی برای چین یافته است. چرا این منطقه برای چین مهم است؟ آیا پکن در قبال خاورمیانه استراتژی مشخصی دارد؟ روندهای اصلی مشهود در تعامل چین در منطقه کدام‌اند؟ در فصل حاضر به این پرسش‌ها می‌پردازیم.

نخست، این فصل تاریخچه روابط جمهوری خلق چین با خاورمیانه را مختصراً بررسی می‌کند. در ادامه فصل به بررسی این مسأله می‌پردازد که آیا پکن در قبال خاورمیانه استراتژی مشخصی دارد و اگر دارد، این استراتژی چیست. در این راستا، فصل حاضر به تعریف منافع چین در خاورمیانه پرداخته و اهداف پکن را توصیف می‌نماید.

تاریخچه روابط

جمهوری خلق چین در دوران جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) قدرت ضعیف‌تری بود که دو ابرقدرت عرصه را بر آن تنگ کرده بودند، بنابراین در بیشتر این دوران در خاورمیانه حضوری نداشت. چین در منطقه صرفاً حضوری اندک داشت و منافع چندانی هم نداشت که در خطر باشند.^۳ با این حال، جمهوری خلق چین در دهه ۱۹۸۰ علاقه بیشتری به کسب نفوذ و گسترش حضور خود در خاورمیانه پیدا کرد که بیشتر برای رقابت با ایالات متحده و اتحاد شوروی و عمدتاً به حمایت از تلاش‌های خود برای به رسمیت شناخته شدن هر چه بیشتر توسط جامعه بین‌المللی در رقابت با جمهوری چین^۴ رقیب در تایوان بود.

2. Andrew J. Nathan and Andrew Scobell, *China's Search for Security*, New York: Columbia University Press, 2012.

3. Evan S. Medeiros, *China's International Behavior: Activism, Opportunism, and Diversification*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, MG-850-AF, 2009, pp. 160-161. For some authoritative overviews of China's involvement in the Middle East during the Cold War, see John Calabrese, "From Flyswatters to Silkworms: The Evolution of China's Role in West Asia," *Asian Survey*, Vol. 30, No. 9, September 1990; and Yitzhak Shichor, *The Middle East in China's Foreign Policy, 1949-1977*, New York: Cambridge University Press, 1979.

4. Republic of China (ROC)

توفیقات دیپلماتیک جمهوری خلق چین در خاورمیانه کم‌کم و آرام آرام بروز یافت که با دو موج از عادی‌سازی دیپلماتیک همراه شد. در سال ۱۹۵۶، مصر و سوریه اولین کشورهایی در منطقه بودند که با چین روابط دیپلماتیک برقرار کردند. هرچند، پیشرفت واقعی در دهه ۱۹۷۰ و در پی پذیرش جمهوری خلق چین در سازمان ملل رخ داد که کرسی شورای امنیت سازمان ملل به آن واگذار شد؛ کرسی که پیش از این در اختیار تایپه بود. در سال ۱۹۷۱، ایران، کویت و لبنان همگی جمهوری خلق چین را به جای جمهوری چین به رسمیت شناختند و نهایتاً اردن (۱۹۷۷) و لیبی و عمان (۱۹۷۸) هم با این موج همراه شدند. امارات متحده عربی در سال ۱۹۸۴ روابط خود با جمهوری خلق چین را عادی کرد و قطر در سال ۱۹۸۸، بحرین در سال ۱۹۸۹، عربستان سعودی در ۱۹۹۰ و اسرائیل در سال ۱۹۹۲ هم در ادامه از این روند تبعیت کردند.

منافع چین در خاورمیانه و وابستگی اقتصادی آن به منطقه از دهه ۱۹۹۰ روندی صعودی یافت و در سال‌های آینده هم احتمالاً افزایش می‌یابد. به زعم یکی از تحلیل‌گران امنیت بین‌المللی در مدرسه مرکزی حزب در پکن^۵ که یکی از برجسته‌ترین اندیکسده‌های چین است: «منافع ژئوپلیتیک، اقتصادی، انرژی و امنیتی چین در خاورمیانه بی‌وقفه گسترش می‌یابند».^۶ در مقابل، برخی ناظران تعهد ایالات متحده در قبال خاورمیانه و نفوذ آن منطقه را رو به کاهش می‌دانند. عقب‌نشینی ارتش ایالات متحده از عراق در سال ۲۰۱۱ و تعدیل نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان به این تصور دامن زده‌اند.^۷

جمهوری چین، که با نام‌های تایوان، چین تایپه و چین ملی نیز شناخته می‌شود، کشوری در شرق آسیا است که از جزایر تایوان، پنگو، کینمن، ماتسو و تعدادی جزیره کوچک دیگر تشکیل می‌شود که همگی در سواحل شرقی سرزمین اصلی چین واقع شده‌اند. دولت تایوان در اوایل دوران جنگ سرد از سوی بسیاری از کشورهای غربی و سازمان ملل متحد تنها دولت مشروع چین شناخته می‌شد. این دولت از اعضای مؤسس سازمان ملل بود و تا سال ۱۹۷۱ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بود اما در این سال از این سازمان اخراج شده و کرسی این کشور به دولت جمهوری خلق چین واگذار شد. (م)

5. Central Party School in Beijing

6. Gao Zugui, "Dabianju shenhua beijingxia Zhongguo yu Zhong Dong guanxi de fazhan" ["Development of China's Relations with the Middle East in the Context of Profound Changes"], *Heping yu fazhan [Peace and Development]*, No. 4, 2014, p. 45.

7. The real prospect of "a U.S. retreat from the region" is raised by Geoffrey Kemp. See his *The East Moves West: India, China, and Asia's Growing Presence in the Middle East*, Washington, D.C.: Brookings Institution, 2010, p. 18. These observers include Chinese analysts. See David Schenker, "China's Middle East Footprint," *Los Angeles Times*, April 27, 2013, p. 19; and Li Weijian, "Dangqian Zhong Dong anquan jushi ji dui Zhongguo Zhong Dong wajiao yingxiang" ["Current Security Situation in the Middle East and Implications for China's Middle East Diplomacy"], *Guoji guancha [International Observer]*, No. 3, 2014.

نیم‌نگاهی به برخی قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه این روند را روشن می‌سازد. با اینکه ایالات متحده همچنان مهم‌ترین شریک امنیتی عربستان سعودی است، این کشور به بزرگترین منبع نفت وارداتی و یکی از شرکای اقتصادی بیش از پیش مهم چین بدل شده است. به علاوه، با اینکه واشنگتن همچنان به عنوان مهم‌ترین پایتخت در خارج از منطقه شناخته می‌شود، کشورهای خاورمیانه پکن را برای تجارت، سرمایه‌گذاری، رایزنی‌های دیپلماتیک و حتی همکاری امنیتی مدنظر قرار می‌دهند. علاوه بر این، چین از عهده کار کارستان و شاهکار حفظ روابط حسنه عملاً با تمام کشورهای منطقه - از جمله ایران، عربستان سعودی و اسرائیل - علی‌رغم تخاصم دیرینه و ریشه‌دار بین این کشورها، برآمده است.^۸

آیا چین یک استراتژی خاورمیانه‌ای مشخص دارد؟

بدیهی‌ترین پاسخ این است که چین در قبال خاورمیانه استراتژی مشخصی ندارد، زیرا پکن هیچ استراتژی مشخصی را به‌طور علنی عنوان نکرده است.^۹ چرایی این مسأله را باید در تمایل چین به احتراز از جاروجنجال و صدمات ناشی از آن دانست. همان‌طور که در بالا اشاره شد، چین در میان قدرت‌های خارجی حاضر در خاورمیانه واجد جایگاه استثنایی است، به گونه‌ای که با تمام کشورهای این منطقه روابط مطلوب خود را حفظ کرده و پکن نمی‌خواهد که این جایگاه را با بیان مواضع سیاسی صریح یا یک استراتژی مشخص منطقه‌ای به خطر بیندازد. مبادرت به این کار خطر دشمنی و خصومت یک یا چند کشور در منطقه را به همراه خواهد داشت، کاری که چین تمایلی به انجام آن ندارد.^{۱۰}

پکن مراقب بوده این تصور ایجاد نشود که در امور سیاست داخلی دولت‌های خاورمیانه مداخله کرده یا در مسائل بحث‌انگیز منطقه‌ای موضع بسیار صریحی اتخاذ کند. برای نمونه، دخالت چین در روند صلح اسرائیل-فلسطین جزئی و ناچیز بوده است و همچنین از پیوستن به

8. Li Weijian, "Zhong Dong zai Zhongguo zhanlue zhong de zhongyaoxing ji shuangbian guanxi" [Bilateral Relations Between China and the Middle East and the Importance of the Middle East in China's Strategy], *XiYa Feizhou [West Asia and Africa]*, No. 6, 2004, p. 20. This is also noted by Kemp (2010, p. 67).

۹. در واقع، اکثر تحلیل‌گران چینی اصرار دارند که چین یک استراتژی خاورمیانه ندارد. مصاحبه‌های نویسنده با پژوهشگران مدنی و نظامی در پکن و شانگهای، سپتامبر ۲۰۱۴ (از این به بعد به ذکر «مصاحبه‌های نویسنده» بسنده می‌شود).

۱۰. مصاحبه‌های نویسنده؛ بحث‌های نویسنده با تحلیل‌گران خاورمیانه چینی در واشنگتن دی. سی، آوریل ۲۰۱۵ (از این به بعد به ذکر «بحث‌های نویسنده» بسنده می‌شود).

ائتلاف علیه دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) طفره رفت.^{۱۱} «عدم مداخله» یکی از اصول غالب سیاست خارجی چین است.

اما اگر چین یک استراتژی ناگفته در قبال خاورمیانه داشته باشد -جایی که بی‌شک پکن اهمیت بسیاری برای آن قائل است- چگونه به آن پی ببریم؟ اگر بر مبنای منافع ملی آشکار چین بتوان اهداف مشخصی را تعریف کرد و اگر ابزارهای قدرت ملی برای پیشبرد این اهداف مورد استفاده قرار گرفته باشند، می‌توان گفت که چین دارای یک استراتژی خاورمیانه‌ای است. بنابراین، باید بتوانیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

● چین به بیان کدام یک از منافع خود پرداخته است که در خاورمیانه در معرض خطر قرار داشته‌اند؟

● چین چه اهدافی را برای منطقه تعریف کرده است؟

● چین چه ابزاری را در خاورمیانه استفاده می‌کند و این ابزار چگونه به کار گرفته می‌شوند؟

ادامه این فصل به تعریف منافع کلیدی و اهداف چین در خاورمیانه می‌پردازد. سپس فصل‌های سوم و چهارم، با بررسی نحوه بهره‌گیری چین از ابزارهای قدرت ملی در اختیار خود، به تحلیل میزان کارآمدی پکن در تحقق این منافع و پیشبرد این اهداف می‌پردازد.

منافع و اهداف چین در خاورمیانه

امنیت انرژی، جاه‌طلبی‌های ژئواستراتژیک، پیوندهای خارجی با ثبات داخلی و جایگاه بهتر این قدرت بزرگ از جمله منافع اصلی چین در خاورمیانه هستند. تضمین دسترسی به انرژی و منابع دیگر، برقراری موازنه در مقابل نفوذ ایالات متحده -البته با اجتناب از مواجهه مستقیم- سرکوب حمایت لفظی و مادی از اقلیت اویغورهای^{۱۲} چین و دریافت تصدیق صریح و ضمنی دولت‌های خاورمیانه‌ای مبنی بر اینکه چین یک قدرت بزرگ است، اهداف پکن در خاورمیانه به شمار می‌روند.

۱۱. نام این سازمان برگردان عربی الدولة الاسلامی فی العراق و الشام (به شکل مختصر داعش) است. در غرب، عموماً با عنوان دولت اسلامی عراق و شام و دولت اسلامی عراق و سوریه یا صرفاً دولت اسلامی مورد اشاره قرار می‌گیرد. بحث‌های متعددی دربارهٔ دقیق‌ترین ترجمهٔ موجود از نام این سازمان وجود دارد، اما اینجا به داعش بسنده می‌کنیم.

12. Uighurs

اقلیتی از اقوام ترک و مسلمان سنی ساکن غرب چین که در ایالت خودگردان سین کیانگ یا ترکستان شرقی (اویغورستان) به مرکزیت اورومچی زندگی می‌کنند. حکومت مرکزی چین در سرکوب مسلمانان اویغور بسیار فعال بوده است. تاکنون اویغورها بارها برای استقلال از چین تلاش کرده‌اند که بی‌نتیجه مانده و دولت چین مکرراً استقلال طلبان اویغور را تروریست خوانده است.

امنیت انرژی

تداوم دسترسی به منابع انرژی، عمده‌ترین منفعت پکن در خاورمیانه است.^{۱۳} رشد اقتصادی چشمگیر و پایدار چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ باعث میل شدید این کشور به انرژی (و دیگر منابع طبیعی) شده است. نفت اهمیت فزاینده و بسزایی برای چین دارد، به گونه‌ای که این کشور از سال ۱۹۹۳ به یکی از واردکنندگان اصلی انرژی بدل شد؛ و خاورمیانه از سال ۱۹۹۵ منبع شماره یک نفت وارداتی چین بوده است.^{۱۴}

به نوشته یکی از تحلیل‌گران چینی در یکی از مجلات برجسته امور بین‌الملل در سال ۲۰۱۴، «خاورمیانه کماکان بزرگ‌ترین منبع واردات نفت چین خواهد بود و این یکی از دلایل اهمیت استراتژیک خاورمیانه برای چین است».^{۱۵} بی‌شک نفت در روابط دو جانبه چین با عربستان سعودی و ایران اهمیتی محوری دارد. در سال ۲۰۱۲، عربستان سعودی منبع شماره یک نفت (قبل از آنگولا و روسیه) و ایران چهارمین منبع مهم نفت وارداتی چین بود. (ر.ک. شکل ۲-۱) چین گاز طبیعی و فرآورده‌های آن را نیز در اهداف خود گنجانیده است. به علاوه، پکن فعالانه به دنبال فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری و اخذ قراردادهایی برای پروژه‌های زیربنایی و بازارهای جدید برای محصولات چینی در خاورمیانه می‌گردد. در واقع، ابتکار عمل جاده ابریشم جدید ۱۶ (که اغلب از آن با عنوان کمربند یا جاده^{۱۶} یاد می‌شود) و توسط شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۱۳ رسماً راه‌اندازی شد، طرحی همه‌جانبه و فراگیر است و ظاهراً همه انواع فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت حکومت جمهوری خلق چین، شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی و کارآفرینان چینی را در بر می‌گیرد.^{۱۸}

13. See, for example, Chu Shulong and Jin Wei, *Zhongguo waijiao zhanlue he zhengce* [China's Foreign Affairs Strategy and Policy], Beijing: Shishi Chubanshe, 2008), pp. 263–264; author interviews.

14. Jon B. Alterman and John W. Garver, *The Vital Triangle: China, the United States, and the Middle East*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 2008, p. 7, Figure 1.1.

15. Niu Xinchun, "China's Interests in and Influence over the Middle East," trans. Haibing Xing, *Contemporary International Relations*, Vol. 24, No. 1, January/February 2014a, p. 39.

16. New Silk Road

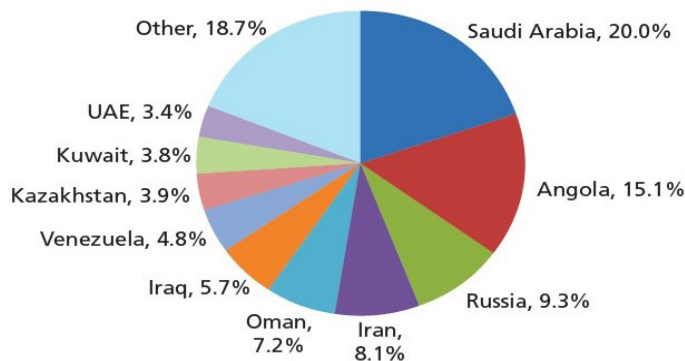
17. One Belt, One Road

18. See "Vision and Actions Are Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st Century Maritime Silk Road," news release, National Development and Reform Commission, Ministry of Foreign Affairs, Ministry of Commerce of the People's Republic of China with State Council authorization, March ,28 2015.

ژئواستراتژی

تمایل به گسترش نفوذ ژئواستراتژیک در ورای منطقه آسیا-اقیانوسیه و توسعه روابط با دیگر قدرت‌های بزرگ یا منطقه‌ای، دومین منفعت عمده چین در خاورمیانه محسوب می‌شود. علی‌رغم این تصور که چین بدل به قدرتی جهانی شده است، پکن اساساً قدرتی منطقه‌ای با حضوری جهانی باقی مانده است.^{۱۹} اما این بدان معنا نیست که چین فاقد منافع و آرمان‌های جهانی است. در حالی که پکن در گوشه و کنار جهان به طرز فزاینده‌ای فعال است، برای این کشور برخی مناطق آشکارا مهم‌تر از مناطق دیگر به شمار می‌رود. در اوایل قرن ۲۱، خاورمیانه به خاطر منابع قابل توجه انرژی و موقعیت ژئواستراتژیک محوری خود شاید مهم‌ترین ناحیه جهان برای پکن در خارج از منطقه آسیا-اقیانوسیه باشد.^{۲۰}

شکل ۱-۲ صادرکنندگان اصلی نفت به چین، بر مبنای ارزش، ۲۰۱۲



SOURCE: UN Comtrade Database, <http://comtrade.un.org>.

NOTE: UAE = United Arab Emirates.

پیشروی به سمت غرب

با بروز برخی تنش‌ها میان چین و همسایگانش در شرق آسیا -از جمله مناقشات بر سر دریای سرزمینی در دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی- تحلیل‌گران و پژوهشگران چینی دست به ارزیابی وضعیت ژئواستراتژیک این کشور و ارزیابی دوباره استراتژی کلان پکن، از تمرکز عمده بر اقیانوس آرام به رویکرد متوازن‌تر ناظر بر شرق و غرب کردند. از سال ۱۹۷۸ که

19. See, for example, Nathan and Scobell, 2012; and David Shambaugh, *China Goes Global: The Partial Power*, Oxford, UK: Oxford University Press, 2013.

۲۰. این مساوی ارزیابی مجدد از اهمیت منطقه برای چین است. مصاحبه‌های نویسنده. ر.ک. Medeiros, 2009, p. ۱۶۲.

رهبران حزب کمونیست چین برای مدرن‌سازی اقتصاد رو به زوال چین، سیاست «اصلاح و گشایش»^{۲۱} را در پیش گرفتند، جهت‌گیری استراتژیک اصلی پکن متوجه قلمرو دریایی تا کرانه‌های آسیای شرقی و ماورای آن بوده است. اینجا بود که اقتصادهای به اصطلاح چهار ببر آسیایی یعنی هنگ کنگ، کره، سنگاپور و تایوان و اقتصادهای بزرگ‌تر ژاپن و ایالات متحده در ماورای آن‌ها را به خود جلب کردند. در سه دهه ابتدایی اصلاحات اقتصادی، پررونق‌ترین و مدرن‌ترین بخش‌های کشور در امتداد ناحیه ساحلی شرقی چین در استان‌هایی مانند گوانگ‌دونگ^{۲۲} و فوجیان^{۲۳} دیده می‌شدند. این تحول از نظر منطقه‌ای ناموزون بود و نواحی داخلی و غیرساحلی کشور عقب‌مانده باقی ماند. پکن در تلاش برای جبران این عدم توازن، به عنوان بخشی از برنامه توسعه غربی که رسماً در سال ۱۹۹۹ آغاز شد، بودجه‌ای کلان و تلاشی قابل ملاحظه را صرف توسعه زیرساخت استان‌های غربی هم مرز با آسیا کرد.^{۲۴} اخیراً، به ویژه از سال ۲۰۱۰، رهبران چین به این باور رسیده‌اند که آنها تلاش جسورانه‌تر ایالات متحده برای مهار یا محدود کردن چین را درک کرده‌اند.^{۲۵} این مسأله به ملموس‌ترین وجه در منطقه «دریاهای نزدیک» احساس می‌شود، جایی که به اعتقاد چین، ایالات متحده از شبکه‌ای قدرتمند از متحدان، مشخصاً ژاپن و کره جنوبی، برخوردار بوده و تمرکز قابل ملاحظه‌ای از قدرت دریایی، هوایی و زمینی آن کشور در آنجا مستقر است و از برتری قدرت بهره می‌برد. پکن همچنین باور دارد که ایالات متحده مشغول تحکیم رابطه امنیتی خود با هند و افزایش روابط خود با دیگر شرکای امنیتی از جمله استرالیا و فیلیپین است.^{۲۶} از دیدگاه پکن، نظر به مسائل مطرح شده، این پرسش پیش می‌آید که چین چگونه باید با این وضعیت که

21. Reform and opening

برنامه اصلاح اقتصادی به نام «سوسیالیسم با خصوصیات چینی» در جمهوری خلق چین است که از سوی اصلاح‌طلبان درون حزب کمونیست چین به رهبری دنگ ژیاوپینگ در دسامبر ۱۹۷۸ آغاز شد.

22. Fujian

23. Guangdong

24. See Barry J. Naughton, "The Western Development Program," in Barry J. Naughton and Dali Yang, eds., *Holding China Together: Diversity and National Integration in the Post-Deng Era*, New York: Cambridge University Press, 2004.

۲۵. البته، تصور کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده این است که چین جسورتر و قاطع‌تر شده است. برای بحث درباره این تصورات متعارض، برای نمونه ر.ک.

Andrew Scobell and Scott W. Harold, "An 'Assertive' China? Insights from Interviews," *Asian Security*, Vol. 9, No. 2013, 2.

۲۶. برای این تحلیل که بر نگرانی چین درباره ژاپن و هند تأکید می‌کند، ر.ک.

John W. Garver and Fei-ling Wang, "China's Anti Encirclement Struggle," *Asian Security*, Vol. 6, No. 3, September–December 2010.

شبهه به یک استراتژی محاصره به نظر می‌رسد، پاسخ داده و از آن خلاصی یابد، چالشی که به ویژه در شرق آسیا رعب‌آور و نگران‌کننده به نظر می‌رسد.

در این شرایط است که برخی تحلیل‌گران چینی (مانند جی سی)، پیشنهاد کرده‌اند که چین باید «به سمت غرب پیشروی کند»، زیرا به نظر نمی‌رسد که استراتژی محاصره ایالات متحده در آسیای میانه و ماورای آن به این قدرت برقرار باشد. همان‌گونه که مقاله تأثیرگذار شی جین در یکی از مجلات برجسته و معتبر حزب کمونیست چین شرح می‌دهد: «اگر چین نتواند زنجیره‌های اول و دوم جزایر را بشکند، دشوار بتواند به یک دولت دریایی قدرتمند بدل شود».^{۲۷} در غرب دور^{۲۸}، واشنگتن شبکه‌ای از متحدان ندارد که بتواند چین را محاصره کند؛ بنابراین، چین فرصت‌های زیادی دارد که روابطش را گسترش داده و نفوذ ژئوپلیتیک و اقتصادی خود در آسیای میانه، خاورمیانه و ماورای آن را گسترش دهد.

در غرب دورتر، کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که در فاصله دورتری از مرزهای چین قرار گرفته‌اند، ظاهراً به اندازه برخی از متحدان ایالات متحده در شرق آسیا با پکن تخاصم ندارند. اما این بدان معنی نیست که پکن بخواهد به قیمت از دست رفتن نواحی دیگر، بر یک ناحیه جغرافیایی تمرکز کند؛ در واقع گفته جی سی ناظر بر یک «استراتژی امنیت ملی برای چین است که با پیشروی به شرق و غرب برای مقابله با «واقعیت‌های ژئوپلیتیک دریایی» رعب‌آور، «موازنه داخلی» ایجاد کند».^{۲۹}

اولین و علنی‌ترین بیان این طرح از جانب یکی از اهالی برجسته و بسیار مورد احترام جامعه دانشگاهی بود. وانگ جیسی^{۳۰} از دانشگاه پکن در سرمقاله‌ای در سال ۲۰۱۲ که بسیار مورد توجه هم قرار گرفت، پیشنهاد کرد چین باید به غرب دور از خود توجه بیشتری نشان دهد. به بیان دقیق‌تر، وانگ از یک موضع ژئواستراتژیک متوازن‌تری حمایت می‌کرد که به سرزمین‌های داخلی آسیای میانه و غرب اقیانوسیه توجه می‌کرد.^{۳۱}

27. “Zhongguo ‘xijin’ yong pingheng zhanlue zhilu” [“China’s ‘March West’ Guiding Balancing Strategy”], *Qiushi [Seeking Truth]*, April 22, 2014.

28. far west

اصطلاحی که در چین و ژاپن نخست برای اشاره به دنیای غرب و سپس برای اشاره به بخش‌های داخلی آسیا و هند به کار می‌رود.

29. “Zhongguo ‘xijin’ yong pingheng zhanlue zhilu,” 2014.

30. Wang Jisi

31. See Wang Jisi, “‘Xijin’: Zhongguo diyuan zhanlue de zai pingheng” [“‘Marching West’: China’s Geostrategic Rebalance”], *Huanqiu Shibao [Global Times]*, October 17, 2012.

جاده ابریشم و مشارکت استراتژیک

این طرح ظاهراً در سال ۲۰۱۳ کشش و جذابیت بیشتری به دست آورد، وقتی که شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین به‌طور علنی آغاز برخی از ابتکار عمل‌های پرسروصدای پیشروی به غرب، از جمله کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی را اعلام کرد، ابتکار عملی که نام خود را از مسیر تجاری قدیمی بین چین و غرب از طریق آسیای میانه و خاورمیانه وام گرفته است. شی جین‌پینگ در سخنرانی سپتامبر ۲۰۱۳ خود که در دانشگاهی ممتاز در قزاقستان ایراد می‌کرد، بر سیاست جمهوری خلق چین در قبال آسیای میانه تمرکز نمود و ایده جاده ابریشم جدید را بیان و برخی از ابتکار عمل‌های جدید چین را اعلام کرد.^{۳۲} اما این رویکرد شی جین‌پینگ را نیز باید تداوم یا گسترش منطقی استراتژی چین در قبال آسیای میانه تلقی کرد که از دهه ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمده بود.^{۳۳}

تحلیل‌گران چینی، خاورمیانه را یکی از گذرگاه‌های کلیدی جهان -ناحیه‌ای با اهمیت ژئواستراتژیک بسیار زیاد- تلقی کرده و علی‌الظاهر اندیشکده‌های پکن هر سال تحلیل‌گران مسائل خاورمیانه بیشتری را به کارکنان پژوهشی خود اضافه می‌کنند.^{۳۴} در مجموع، ذخایر قابل ملاحظه نفتی و سرمایه‌گذاری چشم‌گیری که ظاهراً چین در منطقه انجام داده، نشان می‌دهند که در سال‌های آینده اهمیت خاورمیانه برای پکن بیش از پیش افزایش پیدا می‌کند. این منطقه احتمالاً به عنوان بازاری برای کالاهای چینی و موقعیتی برای پروژه‌های بزرگ زیربنایی و شاید حتی منبعی از سرمایه‌گذاری در چین حائز اهمیت می‌ماند.^{۳۵} علاوه بر این، دست کم برخی تحلیل‌گران چینی باور دارند که دولت‌های خاورمیانه احتمالاً به «حامیان سیاسی مهمی» برای چین در عرصه جهانی بدل می‌شوند.^{۳۶}

32. See, for example, Wu Jiao and Zhang Yunbi, "Xi Proposes a 'New Silk Road' with Central Asia," *China Daily*, September 8, 2013.

33. See, for example, Andrew Scobell, Ely Ratner, and Michael Beckley, *China's Strategy Toward Central and South Asia: An Empty Fortress*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, RR-525-AF, 2014; and Kevin Sheives, "China Turns West: Beijing's Contemporary Strategy Towards Central Asia," *Pacific Affairs*, Vol. 79, No. 2, Summer 2006.

۳۴. مصاحبه‌های نویسنده.

۳۵. به نقل از تحلیل‌گران انرژی چینی و کارشناسان مسائل خاورمیانه که در اوایل سال ۲۰۱۳ مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. ر.ک.

Mathieu Duchatel, Oliver Brauner, and Zhou Hang, *Protecting China's Overseas Interests: The Slow Shift Away from Non-Interference*, SIPRI Policy Paper No. 41, Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute, June 2014, p. 28.

این مسأله در مصاحبه‌هایی که نویسنده در سپتامبر ۲۰۱۴ انجام داد هم مورد تأکید قرار گرفته بود.

36. See, for example, Li, 2004, p. 20.

عربستان سعودی و ایران، دو قدرت بزرگ خاورمیانه هستند که چین توجه ویژه‌ای به آنها دارد. پکن در سال ۱۹۹۹ با ریاض و سال ۲۰۰۰ با تهران رابطه‌ای برقرار کرد که از آن با عنوان «مشارکت استراتژیک» یاد می‌شود.^{۳۷} عربستان سعودی که یکی از صادرکنندگان بزرگ نفت و یکی از ثروتمندترین دولت‌های جهان محسوب می‌شود (هم از نظر مجموع تولید ناخالص داخلی و هم بر مبنای درآمد سرانه) یکی از بازیگران مهم در خاورمیانه است. با اینکه ریاض یکی از متحدان واشنگتن به شمار می‌رود، با پکن نیز روابط نزدیکی دارد. ایران بر مبنای معیارهای مختلف یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه به شمار می‌رود؛ با ۸۰ میلیون نفر جمعیت یکی از پرجمعیت‌ترین دولت‌های خاورمیانه است - تنها مصر است که جمعیت بیشتری نسبت به ایران دارد؛ و ایران علی‌رغم تحریم‌های سفت و سخت، همچنان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای منطقه است. تهران یکی از بزرگ‌ترین و مقتدرترین نیروهای مسلح منطقه را دارد.

در واقع، چین با جدیت به دنبال دولت‌های قدرتمند دیگری است که در نگرانی این کشور از برتری قدرت جهانی ایالت متحده سهمیم باشند.^{۳۸} علاوه بر این، تنها تعداد انگشت‌شماری از کشورها هستند که هم به‌طور جدی بیرون از شبکه جهانی متحدان و شرکای ایالات متحده باشند و هم قدرت و اراده لازم برای مخالفت با سیاست‌های ایالات متحده را داشته باشند. ایران، یکی از قدرت‌های بزرگ خاورمیانه و یکی از دشمنان سرکش و مهارناپذیر آمریکا است. از نظر چین، ایران بالقوه می‌تواند نقش یک متحد را ایفا کرده و به افزایش قدرت آسیایی و تعدیل نفوذ آمریکا در خاورمیانه کمک کند. اما با اینکه چین آشکارا ایالات متحده را رقیب می‌داند اما در پی دشمنی بی‌مورد با واشنگتن نیز نیست. در واقع، چین مشتاق است که روابط دوستانه و همکاری‌جویانه خود با ایالات متحده، علی‌الخصوص در خاورمیانه، را حفظ کند.^{۳۹} پکن، واشنگتن را یکی از تأمین‌کننده‌های اصلی امنیت در منطقه‌ای می‌داند که هیچ قدرت دیگری، از جمله چین، قادر به ایفای این نقش نیست. از این رو، چین در تعامل خود با ایران جانب حزم و احتیاط را پیشه نگه داشته است، هرچند افزایش تنش‌های ایالات متحده - چین در آسیای شرقی می‌تواند روابط محدود چین با ایران را دگرگون سازد.

37. Medeiros, 2009, p. 163.

38. For the logic as it refers to Iran, see Medeiros, 2009, p. 162.

۳۹. مصاحبه‌های نویسنده و گفتگوهای نویسنده.

ثبات داخلی و پیرامونی

حفظ امنیت داخلی در داخل کشور و محیط پیرامونی مجاور آن، سومین منفعت عمده چین در خاورمیانه است. رهبران حزب کمونیست چین از نارضایتی داخلی بیمناک هستند.^{۴۰} به گفته یکی از تحلیل‌گران چینی، «خاورمیانه بسط و امتداد استراتژیک محیط پیرامونی چین است». این تحلیل‌گر، یعنی لی ویجیان^{۴۱} از انستیتو مطالعات بین‌المللی شانگهای^{۴۲}، توضیح می‌دهد که:

پس از فروپاشی اتحاد شوروی ... گروهی از کشورهای اسلامی در آسیای میانه پدیدار شدند و این یک واقعیت مسلم و بی‌چون و چرماست که فاصله ژئوپلیتیکی بین چین و خاورمیانه به یکباره از بین رفت. منطقه غربی چین در اصل همسایه خاورمیانه بوده و مدت‌ها از طریق جاده ابریشم با خاورمیانه در ارتباط بوده است؛ این دو منطقه در ابعاد قومی، مذهبی و فرهنگی، وابستگی‌ها و روابط نزدیکی با هم دارند. روندهای حاکم در خاورمیانه و پان-ناسیونالیسم‌های^{۴۳} منطقه و جریان‌های افراط‌گرایی مذهبی و ایدئولوژیک، به عنوان بسط استراتژیک منطقه مرزی غرب چین، بر امنیت و ثبات این کشور، تأثیری مستقیم دارند.^{۴۴}

خاورمیانه می‌تواند به ناامنی پکن در ارتباط با نارضایتی عمومی در «سرزمین هان» در دشت‌های حاصلخیز شرقی و نواحی ساحلی و همچنین ناآرامی قومی در مناطق مرزی دوردست تر دامن بزند، مناطقی که اقلیت‌های قومی مانند ایغورها و تبتی‌ها در آن سکونت دارند و در سال‌های آخر نارضایتی زیادی از کنترل چینی‌ها بر آنجا نشان داده‌اند.^{۴۵}

حزب کمونیست چین نگران است که همدلی منطقه‌ای با ایغورها به حمایت لفظی و مادی از ایغورهای مسلمان بدل شود. پکن سخت تلاش می‌کند که مانع حمایت خارجی از آن چیزی شود که حزب کمونیست چین بر آن برچسب «تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی» یا «تجزیه‌طلبان ترکستان شرقی» زده است.^{۴۶} بزرگ‌ترین هراس چین این است که مبارزه

40. For studies that emphasize this point, see Susan Shirk, *China: Fragile Superpower*, Oxford, UK: Oxford University Press, 2007; and Nathan and Scobell, 2012.

41. Li Weijian

42. Shanghai Institutes of International Studies

43. pan-nationalisms

شکلی از ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی که طرفداران آن ادعا می‌کنند که مرزهای موجود با مرزهای ملی مورد ادعای آنها مطابقت ندارد. این نوع از ناسیونالیسم، با گروه‌های قومی یا فرهنگی در ارتباط است.

44. Li, 2014, pp. 18–19; RAND's translation.

45. Li, 2014, pp. 18–19.

46. Chu and Jin, 2008, p. 264. See also Medeiros, 2009, p. 166.

اویغورها به یک مبارزه جهانی مسلمانان، شبیه به جنگ دهه ۱۹۸۰ علیه اشغال افغانستان از سوی شوروی، بدل شود.

مشخصاً، پکن از گسترش ایدئولوژی جهادی رادیکال سنی در بین اویغورها بیمناک است. در دهه ۲۰۰۰، برخی از اویغورهای چینی در افغانستان به دست نیروهای ائتلاف دستگیر و به خلیج گوانتانامو منتقل شدند. به علاوه، اویغورهای چینی و حوئی‌های مسلمان ظاهراً به جنگجویان داعش در سوریه و عراق پیوسته‌اند. در اواخر سال ۲۰۱۴، حدود ۱۰۰ تن از شهروندان جمهوری خلق چین در کنار مسلمانان یاغی اهل اروپا و آمریکای شمالی، به قلمرو دولت اسلامی وارد شده‌اند.^{۴۷}

به علاوه، در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ شاهد افزایش حملات تروریستی در داخل چین بودیم. در اکتبر ۲۰۱۳، سانحه‌ای دلخراش پیش آمد که طی آن یک فرد خودروی خود را به میدان تیان ان من پکن کوید و آتش گرفت، میدانی که قلب نمادین چین است و پلیس حضور تقریباً در آنجا پررنگی دارد. این میدان، یکی از بناهای چین است که تحت نظارت شدید قرار دارد. در آوریل ۲۰۱۴ و اندکی بعد از دیدار شی جی پینگ از اورومچی، یک بمب منفجر شد. سپس، یک ماه بعد، یک ماشین بمب‌گذاری شده در مرکز منطقه خودمختار اویغورنشین سین کیانگ منفجر شد. حوادث دیگری نیز رخ داده‌اند که دو حمله شوک‌آور با چاقو به ایستگاه‌های قطار در جنوب چین از سوی مهاجمان مختلف از بارزترین این حملات بودند (کون‌مینگ، استان یون‌نان در مارس ۲۰۱۴ و گوانگ‌ژو، استان گوانگ‌دونگ در مه ۲۰۱۴). تقصیر هر دو حادثه به گردن افراط‌گرایان ایغور انداخته شد.^{۴۸} با نزدیک شدن به زمان کاهش نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان، چین نگران است که این تعدیل نیرو چه پیامدهایی برای منافع آن در منطقه خودمختار اویغورنشین سین کیانگ خواهد داشت.^{۴۹}

تحلیل‌گران چینی اذعان می‌کنند که آنچه بدبختی یک گروه قومی ستم‌دیده در غرب چین تصور می‌شود، در خاورمیانه موجب برانگیختن همدلی و جلب حمایت می‌شود.^{۵۰} بنابراین،

47. Author interviews and “Chinese Militants Get Islamic State ‘Terrorist Training’: Media,” Reuters, September 2014, 22.

با این حال، درصد جنگجویان غیرعرب در نیروهای داعش ظاهراً بسیار کم و تقریباً ۱۰ درصد است. ارتباطات شخصی با جان آلترمن.

48. Barbara Demick, “Xinjiang Attacks Attributed to China’s Uighurs Grow in Sophistication,” *Los Angeles Times*, May 22, 2014.

49. Andrew Scobell, “China Ponders Post-2014 Afghanistan: Neither ‘All in’ nor Bystander,” *Asian Survey*, Vol. 55, No. 2, March–April 2015.

50. See, for example, Niu, 2014a, p. 40.

پکن برای جلوگیری از حمایت علنی یا رسمی کشورهای خارجی از ایغورهای جمهوری خلق چین، از هیچ کاری دریغ نمی‌کند. تا به امروز چین در انجام این هدف مهم موفق بوده است. محکوم کردن سرکوب ناآرامی قومی سال ۲۰۰۹ در سین کیانگ از سوی حکومت ترکیه یکی از استثناهای درخور توجه بر این قاعده بود.^{۵۱}

علاوه بر این، رهبران چین نگران تأثیر قیام‌های موسوم به بهار عربی هستند که در سال ۲۰۱۱ از تونس آغاز شد و رژیم‌های دیکتاتوری در لیبی و مصر را سرنگون کرد. بهار عربی دوباره به نگرانی‌های جمهوری خلق چین درباره ناآرامی سیاسی در داخل ناحیه اقلیت قومی نشین هان در چین دامن زده است.^{۵۲} پکن نگران شیخ انقلاب یاس^{۵۳} بود که موج قیام‌های خاورمیانه جرقه آن را زد. با گذشت ۲۵ سال از نهضت دموکراسی چین در سال ۱۹۸۹، رهبران چین نسبت به چشم‌انداز ناآرامی داخلی نیز حساس هستند.^{۵۴} در اواخر سال ۲۰۱۴، با ظهور جنبش چتر^{۵۵} در هنگ‌کنگ، این نگرانی افزایش پیدا کرد.

رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ

ارتقای جایگاه پکن به منزله یک قدرت بزرگ، چهارمین منفعت چین در خاورمیانه محسوب می‌شود. از نظر رهبران چین، بحث امنیت ملی از داخل کشور آغاز و با امنیت نظام سیاسی درهم آمیخته می‌شود، نگرانی امنیتی عمده پکن تضمین تداوم حاکمیت حزب کمونیست چین است.^{۵۶} این مسأله به معنای حفظ مشروعیت سیاسی در نظر مردم چین و ادامه کنترل سیاسی سفت و سخت حول این محور است که حزب کمونیست چین به عنوان طلایه‌دار منافع چین تصور شود. شاید این مسأله که یک رژیم دیکتاتوری به افکار عمومی چنین توجه زیادی نشان بدهد، کمی تناقض‌آمیز به نظر برسد، اما حزب کمونیست چین برای وجهه خود نزد مردم چین اهمیت زیادی قائل است.^{۵۷} مردم چین به خاطر نفوذ فزاینده اقتصادی، نظامی و

51. Niu, 2014a, p. 41.

۵۲. برخی تحلیل‌گران چینی به این مسأله اشاره کرده‌اند. یکی از نویسندگان اظهار داشت که «مشروعیت از دست رفته» مبارک، قذافی و اسد، پکن را نگران کرده و به ترس‌ها از «رسوخ ایدئولوژی‌های غربی» دامن زد. Niu, 2014a, p. ۴۲.

53. Jasmin Revolution

نام دیگر انقلاب تونس

54. Andrew Jacobs, "Tiananmen Square Anniversary Prompts Campaign of Silence," *New York Times*, May 28, 2014.

55. Umbrella Movement

56. Nathan and Scobell, 2012.

۵۷. مصاحبه‌های نویسنده.

دیپلماتیک کشورشان در دوران اصلاحات، انتظار دارند ببینند که کشورشان در مسائل بین‌المللی و کانون‌های اصلی بحران به ایفای بیش از پیش نقش‌های دیپلماتیک و حتی نظامی پردازد. در نتیجه، پکن در سال ۲۰۱۳ بر اتخاذ موضعی «اصولی» و مستقل در خصوص مداخله ایالات متحده در عراق پافشاری کرد. پکن در قبال جنگ داخلی سوریه هم موضعی متضاد با سیاست ایالات متحده در پیش گرفته و تأکید کرد که «بحران جاری ... باید از طریق گفتگوی سیاسی به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز حل شود»^{۵۸} تا از رهگذر سرنگونی رژیم اسد حل و فصل گردد. چین برای حفظ نفوذ خود در خاورمیانه تلاش می‌کند که از برانگیختن دشمنی حکومت‌های موجود اجتناب کرده و برای اصل عدم مداخله خود و حمایت از ثبات تأکید دارد. به گفته یکی از تحلیل‌گران: «چین هرگز مشروعیت حکومت‌های خاورمیانه را زیر سؤال نبرده است، اما وقتی این حکومت‌ها با مخالفت خشم‌آلود مردم خودشان مواجه می‌شوند، بر سر دوراهی قرار می‌گیرند»^{۵۹}.

به علاوه، پکن دهه‌ها است که ادعای برتن کردن ردای رهبری جهان در حال توسعه را داشته و خود را یک کشور در حال توسعه یا «جهان سومی» معرفی می‌کند. اهمیت این مسأله در اینجا است که چین خود را متفاوت با کشورهای توسعه‌یافته، قدرت‌های غربی و ابرقدرت‌های گذشته و کنونی تلقی می‌کند. برخلاف این دولت‌ها، چین خود را یک قدرت امپریالیستی نمی‌داند و معتقد است که در طول تاریخ به کشور غیر غربی ستم یا تعدی نکرده است؛ در حال حاضر هم در صدد بهره‌گیری و استثمار از دولت‌های در حال توسعه نیست. پکن مُصرانه می‌گوید که برخلاف شوروی سابق یا ایالات متحده، هیچ‌گونه جاه‌طلبی هژمونیک نداشته و در کنار جهان در حال توسعه ایستاده است.^{۶۰} پکن از اوایل دهه ۱۹۵۰ اصرار داشته که پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، یعنی احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت، عدم تهاجم، عدم مداخله در امور داخلی، برابری و منافع متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز بر روابط این کشور با دولت‌های در حال توسعه حاکم بوده است.^{۶۱} این موضعی بود که چین در کنفرانس

58. "China Issues 6-Point Statement on Syria," CCTV.com, March 4, 2012.

59. Niu, 2014a, pp. 42–43.

60. Peter Van Ness, "China as a Third World State: Foreign Policy and Official National Identity," in Lowell Dittmer and Samuel S. Kim, eds., *China's Quest for National Identity*, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 1993.

61. Steven I. Levine, "China in Asia: The PRC as a Regional Power," in Harry Harding, ed., *China's Foreign Relations in the 1980s*, New Haven, Conn.: Yale University Press, 1984, pp. 116–117.

سال ۱۹۵۵ آسیایی-آفریقایی دولت‌های عدم تعهد که در باندونگ اندونزی برگزار شد، اتخاذ نمود. سپس، دنگ ژیاوپینگ^{۶۲} در سال ۱۹۷۴ در سخنرانی مهمی که در مجمع عمومی سازمان ملل ایراد کرد، علناً اظهار داشت که چین بخشی از «جهان سوم» است که در مقابل بلوک سرمایه‌داری دولت‌های «جهان اول» تحت رهبری ایالات متحده و بلوک سوسیالیستی «جهان دوم» به رهبری شوروی قرار دارد.

اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، در چهار دهه اول سیاست خارجی جمهوری خلق چین و زمانی که پکن مداخله، حضور یا منافع محدودی در جهان در حال توسعه داشت، تا حد زیادی حفظ شدند. با این حال، از دهه ۱۹۹۰، با افزایش مداخله چین در جهان در حال توسعه، پابندی پکن به پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بسیار چالش‌برانگیز از کار درآمده است.^{۶۳} تعداد زیادی از شهروندان جمهوری خلق چین از حکومت خود انتظار دارند که شبیه به حکومت‌های قدرت‌های بزرگ دیگر رفتار کرده و برای حفاظت از منافع کلان برون مرزی چین، نه فقط در منطقه آسیا-اقیانوسیه، بلکه در کل جهان، گام بردارد. برخی تحلیل‌گران چینی می‌گویند که منافع گسترده چین در خاورمیانه - علی‌الخصوص حفاظت از اتباع چینی و مقابله با تهدیدات متوجه امنیت انرژی چین - «پاسخی پیش‌تازانه‌تر و غیرمنفعلانه‌تر»، از جمله با استفاده احتمالی از نیروی نظامی می‌طلبد.^{۶۴}

در سال‌های اخیر، حفاظت از اتباع چینی در خارج از کشور به یکی از اولویت‌های حکومت بدل شده و مسأله‌ای است که وقتی پای انتقادات داخلی از آن به میان می‌آید، پکن احساس آسیب‌پذیری می‌کند. امنیت شهروندان چینی در خارج از کشور یکی از مؤلفه‌های اصلی منافع برون مرزی چین است که شکلی بیش از پیش در خور توجه از منافع ملی محسوب می‌شود. در واقع، هو جینتاو^{۶۵} در سخنرانی نوامبر ۲۰۱۲ خود در کنگره هجدهم حزب کمونیست چین

62. Deng Xiaoping

63. See, for example, Yitzhak Shichor, "Fundamentally Unacceptable yet Occasionally Unavoidable: China's Options on External Interference in the Middle East," *China Report*, Vol. 49, No. 1, 2013.

64. Qian Xuewen, "Zhong Dong jubian dui Zhongguo haiwai liyi de yingxiang" ["Impact of Middle East Turmoil on China's Overseas Interests"], *Alabo Shijie Yanjiu [Arab World Studies]*, No. 6, November 2012. See also Zhao Jingfang, "Pojie nengyuan anquan kunjing: waijiao he junshi shouduan" ["Solving Energy Difficulties: Diplomatic and Military Methods"], *Shijie Zhishi [World Affairs]*, No. 18, 2012, pp. 50-51. Zhao is a professor at the People's Liberation Army (PLA) National Defense University.

65. Hu Jintao

بر این مسأله تأکید کرد. ظاهراً هیچ آمار دقیق یا رسمی از تعداد شهروندان چینی ساکن در خارج از کشور وجود ندارد. اما تحلیل گران تخمین می‌زنند که تقریباً ۵ میلیون چینی در خارج از مرزهای این کشور اقامت دارند که قریب به ۵۵۰ هزار نفر آنان در خاورمیانه هستند.^{۶۶} مهاجران چینی امروزی انتظاراتی بالاتر از نسل‌های پیشین خود داشته و از حکومت خود توقع دارند که در صورت به خطر افتادن امنیت‌شان، اقدام لازم صورت پذیرد. به علاوه، شهروندان چینی به تلفن‌های همراه و اینترنت دسترسی داشته و می‌توانند برای علنی ساختن گرفتاری و مخمصه‌های خود از آنها استفاده کنند. یکی از گزارش‌های اخیر در مورد منافع برون مرزی چین تأکید می‌کند که «حفاظت از اتباع خارج از کشور به احتمال خیلی زیاد ... به مداخله‌ای بیش از حفاظت از منافع انرژی منتهی می‌شود».^{۶۷}

تمایل پکن برای اینکه از جانب دولت‌های دیگر و مردم چین، یک قدرت بزرگ تلقی شود، به مداخله نظامی بیشتر چین در خاورمیانه طی چند دهه گذشته منتهی شده است. تمایل و ظرفیت به کارگیری نیروهای نظامی در منطقه نشان‌گر چرخشی چشمگیر در مواضع پیشین است که چین بر اساس آن از مداخله مستقیم در معضلات منطقه‌ای سرباز می‌زد. برخی از نمونه‌های درخور توجه مداخله نظامی بیشتر چین در ۳۰ سال گذشته در چچن و آفریقای شمالی، مشارکت در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل، حضور در تلاش‌های مبارزه با دزدی دریایی و تخلیه شهروندان غیرنظامی چین را شامل می‌شوند. هر یک از این کارها از تمایل بیشتر چین برای ایفای نقشی فعال در خاورمیانه و آفریقای شمالی حکایت دارد.

اولین دخالت چین در سال ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، زمانی که پنج ناظر نظامی این کشور برای مأموریت سازمان نظارت آتش بس سازمان ملل متحد در بلندی‌های جولان اعزام شدند. از دسامبر ۲۰۱۲، چین ۳۳۵ پرسنل مهندسی و پزشکی در نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در لبنان و صدها پرسنل تحت حمایت سازمان ملل در سودان دارد.^{۶۸} تصمیم پکن در دسامبر ۲۰۰۸ مبنی بر اعزام ناوگانی مشکل‌از سه کشتی نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق چین

66. Niu, 2014a, pp. 41–42.

67. Duchatel, Brauner, and Zhou, 2014, p. 50.

68. International Crisis Group, *China's Growing Role in UN Peacekeeping*, Asia Report No. 166, Brussels, April 17, 2009; and Bates Gill and Chin-hao Huang, "China's Expanding Presence in UN Peacekeeping Operations and Implications for the United States," in Roy Kamphausen, David Lai, and Andrew Scobell, eds., *Beyond the Strait: PLA Missions Other Than Taiwan*, Carlisle Barracks, Pa.: U.S. Army War College Strategic Studies Institute, 2009. See also Information Office of the State Council, *The Diversified Employment of China's Armed Forces*, Beijing, April 2013.

برای شرکت در عملیات‌های مقابله با دزدی دریایی در خلیج عدن یکی دیگر از چرخش‌های چشمگیر نسبت به گذشته بود.^{۶۹} سپس واحدهای هوایی و دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق چین، در سال ۲۰۱۱ و برای اولین بار در تخلیه بیش از ۳۵ هزار شهروند چینی از طریق هوا و دریا از لیبی، نقشی کلیدی اما بسیار محدود ایفا کردند. دست بر قضا، تجهیزات نظامی در منطقه حاضر بودند اما نیروی محرک امر، انتظارات مردمی فزاینده از حزب کمونیست چین برای اقدام سنجیده جهت حفاظت از شهروندان چینی در معرض خطر در آن‌سوی جهان بود. از جمله عملیات‌های دیگر تخلیه شهروندان چینی، در لبنان سال ۲۰۰۶، مصر سال ۲۰۱۱، سوریه سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ و یمن سال ۲۰۱۵ بوده‌اند که وزارتخانه‌های جمهوری خلق چین، از جمله وزارت امور خارجه همگی آنها را سازماندهی کرده‌اند، اما ارتش آزادی‌بخش خلق چین در هیچ یک از این عملیات‌ها -جز یمن- دخالت کامل نداشت.^{۷۰}

نتیجه‌گیری

از اوایل دهه ۱۹۹۰ که افزایش تقاضای انرژی چین و سهم اقتصادی فزاینده چین با منافع ژئواستراتژیک پایدار تلفیق شده‌اند، خاورمیانه اهمیتی بیش از پیش برای پکن پیدا کرده است. با گسترش منافع ملی چین در منطقه، ظاهراً پکن استراتژی اژدهای محتاط را تدوین کرده است، که بر مبنای آن، چین تمایلی به افزایش دخالت امنیتی خود یا افزایش حضور دیپلماتیک خود ندارد، گرچه رسماً ناکفته است و صحبتی از آن میان نیاورده است. خلاصه، چین در خاورمیانه احساس آسیب‌پذیری می‌کند اما مطمئن نیست که چگونه باید از منافع فزاینده خود در منطقه محافظت کند. منافع چین در خاورمیانه و اهداف ملی مرتبط در این فصل تعریف شده‌اند. به نظر می‌رسد که امنیت انرژی و سهم اقتصادی، منافع بزرگ پکن باشند و ظاهراً هدف پکن در اینجا، تضمین دسترسی به منابع و بازارهای منطقه باشد. اعلام رسمی تمهید جاده ابریشم جدید از سوی شی جین‌پینگ بر اقتصاد به عنوان اولویت اصلی چین تأکید کرد.

69. Andrew S. Erickson and Austin M. Strange, *No Substitute for Experience: Chinese Antipiracy Operations in the Gulf of Aden*, China Maritime Study No. 10, Newport, R.I.: U.S. Naval War College, November 2013.

۷۰. برای خلاصه و تحلیلی کوتاه از عملیات تخلیه غیرنظامی لیبی، ر.ک.

Duchatel, Brauner, and Zhou, 2014, pp. 48–50.

برای خلاصه‌ای از عملیات تخلیه غیرنظامی یمن، ر.ک.

Shannon Tiezzi, "Chinese Nationals Evacuate Yemen on PLA Navy Frigate," *The Diplomat*, March 30, 2015.

موضع ژئواستراتژیک چین، دومین منفعت مهم این کشور در منطقه است. پکن درصدد است که نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه را متوازن سازد اما این به آن معنی نیست که پکن بخواهد با جدیت با واشنگتن مخالفت کرده یا حضور نظامی خود را به طرز چشم گیری گسترش دهد. در عوض، چین تلاش می کند که با ایالات متحده همکاری نماید، زیرا پکن، واشنگتن را نیرویی حیاتی برای ثبات در منطقه تلقی کرده، گرچه هر دو پایتخت بر سر تعاریف اوضاع و شرایط منتهی به ثبات اختلاف نظر دارند. تضمین آرامش داخلی در خانه، سومین منفعت کلیدی چین در خاورمیانه است. در اینجا هدف اصلی، سرکوب هرگونه انتقاد علنی از سیاست های چین، مشخصاً در ارتباط با مسلمانان چینی و ایغورهای سین کیانگ است. پکن گوش به زنگ است که مخفیانه به لابی کردن پردازد تا مطمئن شود هیچ یک از حکومت های خاورمیانه از ایغورها در جمهوری خلق چین حمایت رسمی نکنند یا اجازه انتقادات علنی از سیاست ها یا اقدامات چین در قبال ایغورها را ندهند. بهبود جایگاه چین به عنوان یک قدرت بزرگ، منفعت چهارم و کلیدی پکن در خاورمیانه است. در این راستا، هدف چین دریافت احترام و ملاحظه دیپلماتیک در خور یک قدرت بزرگ از جانب کشورهای منطقه است.

ارزیابی اولیه از استراتژی خاورمیانه چین نشان می دهد که این کشور تا به امروز توفیق زیادی داشته است، پکن دست کم توانسته است که از چهار منفعت کلیدی خود در خاورمیانه به خوبی حفاظت کرده و اهداف مرتبط تعریف شده را ترویج نماید. اما این تنها یک ارزیابی اولیه است. یک قضاوت جامع تر مستلزم نگاهی دقیق تر است تا ارزیابی کنیم که چین دقیقاً به چه شکلی از این منافع محافظت کرده و این اهداف را در موارد مشخص ترویج می دهد. فصل آینده بر ابزار و سازوکارهایی تمرکز دارند که چین در روابط خود با دو قدرت اصلی خاورمیانه به کار گرفته است: عربستان سعودی و ایران.

فصل سوم - تعامل چین با عربستان سعودی

این فصل و فصل بعدی بر مدیریت روابط دوجانبه چین با کشورهای کلیدی خاورمیانه تمرکز می‌کنند. این فصل به بررسی این مسأله می‌پردازد که پکن چگونه ابزار قدرت ملی خود را به کار می‌گیرد تا از منافع خود در عربستان سعودی و کل خاورمیانه حمایت کرده و اهداف خود را پیش ببرد. چین و عربستان سعودی پیوندهای تنگاتنگ و فزاینده‌ای دارند. این روابط دوجانبه در ۲۵ سال گذشته شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. یکی از تحلیل‌گران ایالات متحده در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۲ اظهار داشت که روابط اقتصادی دوجانبه این دو کشور «گسترده و عمیق» شده‌اند.^{۷۱}

فصل دوم به تعریف منافع و اهداف جمهوری خلق چین در خاورمیانه پرداخت. اگر بخواهیم خلاصه بیان کنیم، این منافع و اهداف عبارتند از: (۱) تضمین دسترسی به منابع انرژی و گسترش روابط اقتصادی؛ (۲) ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده در عین تلاش برای همکاری؛ (۳) سرکوب حمایت معنوی یا مادی از افراط‌گرایان مسلمان در جمهوری خلق چین؛ و (۴) برخورداری از احترام درخور یک قدرت بزرگ. فصل حاضر، روابط چین با پادشاهی عربستان سعودی را تحلیل می‌کند. این رویکرد می‌تواند راهی سودمند برای ارزیابی میزان موفقیت چین در اجرای استراتژی‌های محتاط، قبل و بعد از برقراری روابط دیپلماتیک کامل بین پکن و ریاض را در سال ۱۹۹۰، فراهم سازد. بررسی حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی نشان می‌دهد که پکن در اجرای استراتژی خاورمیانه‌ای خود بسیار موفق بوده است.

ابزارها و سازوکارهای چین

استراتژی چین در قبال عربستان سعودی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: قبل و بعد از سال ۱۹۹۰، سالی که دو دولت روابط دیپلماتیک کامل برقرار کردند (پس از آنکه ریاض روابط رسمی با تاییه را قطع کرد). قبل از سال ۱۹۹۰، ابزار اصلی چین، دیپلماتیک و نظامی و اهداف آن ژئواستراتژیک و در چاقوب آرمان رسیدن به جایگاه قدرت بزرگ بود. پکن در خاورمیانه یک تازه وارد بود و تلاش می‌کرد که خود را به دو ابرقدرت برساند. به علاوه، تمرکز جمهوری خلق چین بر تقویت این ادعای خود بود که تنها حکومت مشروع چین است و درگیر کشمکش برای متقاعد ساختن دولت‌ها -از جمله عربستان سعودی که با جمهوری چین در تایوان روابط دائم دیپلماتیک در سطح سفیر داشت- بود که مسأله به رسمیت شناختن را

71. Thomas W. Lippman, *Saudi Arabia on the Edge: The Uncertain Future*, Washington, D.C.: Potomac Books, 2013, p. 256.

از تاپیه به پکن تغییر دهند. چین تا قبل از دهه ۱۹۹۰ از بازیگران بزرگ در خاورمیانه محسوب نمی‌شد و پکن برای افزایش نفوذ خود در منطقه به دنبال اهرم فشار بود؛ و آنچه پکن یافت، اهرم فشار نظامی در قالب فروش موشک‌های بالستیک بود، سیستمی تسلیحاتی که هیچ قدرت بزرگ دیگری حاضر نبود در اختیار ریاض بگذارد. این معامله به هموار کردن راه برای عادی‌سازی روابط در سال ۱۹۹۰ کمک کرد. متعاقب این پیشرفت ژئواستراتژیک، چین برای پیشبرد منافع خود در عربستان سعودی بر روابط اقتصادی تأکید نموده، هر چند از عناصر دیپلماتیک و نظامی هم غافل نشده است.

دیپلماسی: موفقیت ژئواستراتژیک و افزایش جایگاه قدرت بزرگ

دوران پیش از سال ۱۹۹۰

پکن اولین بار در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یک بازیگر دیپلماتیک وارد خاورمیانه شد. در سال ۱۹۷۱، جمهوری خلق چین در پی پذیرش در سازمان ملل، جای جمهوری چین (تایوان) را گرفته و کرسی دائم شورای امنیت را در اختیار گرفت؛ و متعاقب سفر تاریخی یک سال بعد ریچارد نیکسون به پکن و نهایتاً عادی‌سازی کامل روابط ایالات متحده-چین در سال ۱۹۷۹، اعتبار جهانی چین به‌طور ملموسی افزایش یافت. با این همه، بسیاری از دولت‌های منطقه، از جمله عربستان سعودی، روابط دیپلماتیک خود با تایوان را حفظ کردند. در نتیجه، رقابت دیپلماتیک با تاپیه یکی از انگیزه‌های اصلی پکن در گسترش نفوذ خود در خاورمیانه بود. کشمکش پیوسته برای متقاعد ساختن پایتخت‌های منطقه جهت قطع روابط با تاپیه جریان داشت. پیشرفت دیپلماتیک جمهوری خلق چین در خاورمیانه آهسته بود، منطقه‌ای از جهان که تحت سلطه دو ابرقدرت بود و چین بیشتر یک غریبه محسوب می‌شد.

در دهه ۱۹۸۰، خاورمیانه شاهد بی‌ثباتی شدیدی بود. عربستان سعودی از جانب نظام انقلاب اسلامی ایران، که درگیر جنگی همه‌جانبه و بی‌رحمانه با عراق بود، احساس خطر می‌کرد و شبح بی‌پایان کمونیسم تحت حمایت شوروی بر منطقه سایه انداخته بود. ریاض که در منطقه‌ای بی‌ثبات واقع شده و تهدیدات و چالش‌های متعددی را پیش خود دارد، درصدد تقویت قابلیت‌های دفاعی خود بود. سعودی‌ها تلاش داشتند که از ایالات متحده، متحد اصلی خود، جنگنده‌های پیشرفته و تسلیحات متعارف دیگر بگیرند.

وقتی اسرائیل چوب لای چرخ تلاش‌های عربستان سعودی گذاشت، سعودی‌ها کشور دیگری پیدا کردند - چین - که حاضر باشد یک قابلیت جدید قابل ملاحظه در اختیارشان

بگذارد: موشک‌های بالستیک با برد متوسط^{۷۲}. چین به دو دلیل حاضر شد که در اواسط دهه ۱۹۸۰، موشک‌های بالستیک با برد متوسط را در اختیار سعودی‌ها بگذارد: پرداخت مالی قابل ملاحظه‌ای داشت و این معامله به پکن امکان داد که در یکی از پایتخت‌های مهم خاورمیانه و از متحدان ایالات متحده، به نفوذ سیاسی دست پیدا کند.^{۷۳} فروش و تحویل موشک‌های بالستیک با بُرد متوسط پنهانی صورت گرفت، اما وقتی اخبار آن علنی شد، جنجال بزرگی به راه افتاد. این موشک‌ها قابلیت رهگیری اهداف در بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله اسرائیل، را داشتند.

ظرف چند سال معلوم شد که مناسبات جهانی قدرت در حال تغییر هستند. وقایع سال ۱۹۸۹ از افول قدرت شوروی حکایت داشتند و سقوط دیوار برلین از فروپاشی بلوک شوروی خبر می‌داد. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، عربستان تنها ایالات متحده، یک حامی بسیار قدرتمند و یگانه ابرقدرت باقیمانده، را در کنار خود می‌دید. چین هم پویاترین قدرت در حال ظهور جهان با حضوری فزاینده در خاورمیانه تلقی می‌شد.

از نظر ریاض، این مهم به معنای ضرورت بیشتر روابط با پکن بود. این باور که چین اگرچه یک رژیم کمونیستی است، اما (برخلاف اتحاد شوروی) هیچ گونه تهدید ایدئولوژیک یا نظامی همراه ندارد و هم‌زمان احتمال همکاری اقتصادی و حتی امنیتی را عرضه می‌کند، تجدید رابطه را آسان‌تر کرد. به علاوه، ریاض متوجه تمایل جدی پکن برای حفظ ثبات داخلی به هر قیمت ممکن بود. متعاقب قتل عام ژوئن ۱۹۸۹ در میدان تیان‌آن‌من، در حالی که بسیاری از کشورهای جهان تلاش می‌کردند از جمهوری خلق چین فاصله بگیرند، ریاض آماده حرکت به جلو و مذاکره برای برقراری روابط کامل دیپلماتیک شده بود. جمهوری خلق چین و عربستان سعودی بعد از امضای یک یادداشت تفاهم در نوامبر ۱۹۸۸، برای گشایش دفاتر تجاری توافق کرده و به سرعت، در جولای ۱۹۹۰ و علی‌رغم وقایع میدان تیان‌آن‌من، برای برقراری روابط کامل دیپلماتیک وارد عمل شدند.^{۷۴}

72. intermediate-range ballistic missiles (IRBMs)

۷۲. در باب انگیزه‌های جمهوری خلق چین از صادرات سلاح، ر.ک.

discussion in John W. Lewis, Hua Di, and Xue Litai, "Beijing's Defense Establishment: Solving The Arms-Export Enigma," *International Security*, Vol. 15, No. 4, Spring 1991.

74. "China and Saudi Arabia" website of the PRC Embassy in Jeddah, August 26, 2004.

دوران پس از سال ۱۹۹۰

در عرض چند سال، زمانی که دنگ ژیاوپینگ^{۷۵} رهبر تأثیرگذار این کشور، به سیاست اصلاحات و باز کردن درها بر روی جهان خارج با موفقیت جانی دوباره به چین بخشید، اقتصاد چین بعد از کسادى دوران تیان آن‌من دوباره احیا شد. در نتیجه، تولید داخلی دیگر پاسخگوی عطش روزافزون چین برای انرژی نبود. در سال ۱۹۹۳، چین بدل به یکی از واردکنندگان اصلی نفت شد. تولیدکنندگان عمده نفت مانند عربستان سعودی اهمیت بیشتری برای چین پیدا کردند و خاورمیانه یکی از مناطقی در جهان بود که اهمیت ژئواستراتژیک بیشتری یافت. پکن علاقه بسیار زیادی به افزایش نفوذ خود در خاورمیانه و حفظ ثبات منطقه پیدا کرد که بر امنیت انرژی و اقتصادی چین تأثیری مستقیم داشت.

ریاض بیشتر از آنکه دل‌نگران دخالت فزاینده پکن باشد، دل‌مشغول کاهش سطح تعهد واشنگتن در قبال منطقه بود. اشغال (۲۰۰۳) و سپس عقب‌نشینی نظامی ایالات متحده از عراق (۲۰۱۲)، تعدیل نیروها در افغانستان و میزبانی دولت اوباما از یک هیأت نمایندگی اخوان‌المسلمین در واشنگتن (اوایل ۲۰۱۵) و کاهش واردات نفت ایالات متحده از عربستان سعودی از جمله نشانه‌های این به اصطلاح کاهش تعهد واشنگتن بودند. به علاوه، عربستان سعودی از رفتار سیاسی کلی واشنگتن، از جمله عدم مداخله نظامی در سوریه، مذاکره با ایران بر سر برنامه هسته‌ای و پشتیبانی ایالات متحده از برقراری دموکراسی در خاورمیانه بیش از پیش ناراضی و دلواپس شده است. این مسائل در مجموع باعث تردید ریاض در ارتباط با اطمینان‌پذیری بلندمدت واشنگتن به عنوان یک متحد شده است.^{۷۶}

در روابط بین‌الملل، نمادها می‌تواند به اندازه اصل موضوعات اهمیت داشته باشد. دیدارهای رهبران سیاسی ارشد ایالات متحده می‌تواند پیام‌های روشنی درباره ارزش یک رابطه دوجانبه به همراه داشته باشد. این مسأله در مورد خاورمیانه بسیار صادق است، چرا که قدرت‌های خارجی بیشتری به منطقه توجه نشان می‌دهند. این مهم در حجم بیشتر سفرهای رهبران ارشد کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و چین نمود پیدا می‌کند.^{۷۷} روابط ایالات متحده-سعودی

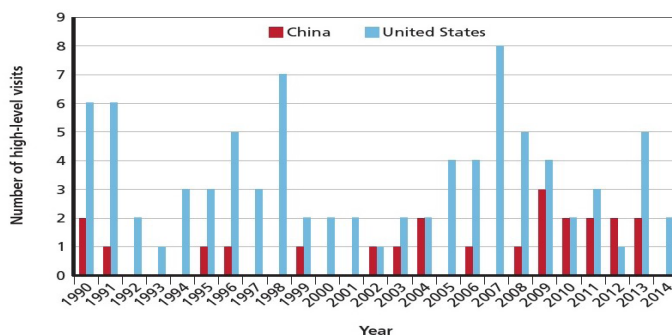
75. Deng Xiaoping

۷۶. مقامات سعودی، به صورت خصوصی و غیرخصوصی، این نگرانی‌ها را ابراز داشته‌اند. برای نمونه، ر.ک. Martin Chulov, "Barack Obama Arrives in Saudi Arabia for Brief Visit with Upset Arab Ally," *Guardian*, March 2014, 28; and "Saudi Arabia and the United States: Awkward Relations," *The Economist*, March 2014, 29, p. 47.

تحلیل‌گران چینی هم به این نگرانی‌ها اشاره کرده‌اند. برای نمونه، ر.ک. Li, 2014, pp. 28-30.
77. Christopher Davidson, *The Persian Gulf and Pacific Asia: From Indifference to Interdependence*, New York: Columbia University Press, 2010, pp. 79-94.

از نظر دیدارهای بلندپایه -و همکاری امنیتی، از جمله فروش تسلیحات- بسیار استوار و جدی به نظر می‌رسد (ر.ک. شکل ۳-۱).^{۷۸} تازه‌ترین دیدار باراک اوباما در ژانویه ۲۰۱۵ و بعد از مرگ عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود بود. این سومین دیدار اوباما از پادشاهی سعودی در مقام ریاست جمهوری ایالات متحده بود (اولین دیدار در ژوئن ۲۰۰۹ صورت گرفت). اما دیدار اوباما به خاطر تنش‌های فزاینده بین واشنگتن و ریاض و با هدف اطمینان‌بخشیدن به رهبران سعودی بود که ایالات متحده هنوز قاطعانه متعهد به همکاری خود با عربستان سعودی است.^{۷۹} تصمیم سلمان بن عبدالعزیز آل سعود مبنی بر عدم حضور در نشست بین ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس که در مه ۲۰۱۵ در واشنگتن برگزار شد، بی‌اعتنایی و کم‌محلی سعودی‌ها تلقی شد تا نارضایتی خود را از تلاش‌های دولت اوباما برای به سرانجام رساندن یک توافق هسته‌ای با ایران نشان دهند.^{۸۰} با این حال، بنا نیست که به سلطنت رسیدن ملک سلمان آل سعود، که در پی مرگ ملک عبدالله در ژانویه ۲۰۱۵ بر تخت پادشاهی نشست، خللی در روابط نزدیک و پایدار بین ریاض و واشنگتن ایجاد نماید.^{۸۱}

شکل ۱-۳ دیدارهای رده بالای چین و ایالات متحده از عربستان سعودی، ۱۹۹۰-۲۰۱۴



SOURCE: Compiled by authors from RAND databases.

۷۸. ما دیدارهای سران چینی از جمله رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر، مشاوران دولتی، اعضای کمیته دائمی پلیتوروی حزب کمونیست چین، رئیس‌کنگره ملی خلق، رئیس‌کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین، وزیر امور خارجه، وزیر دفاع، وزیر امنیت عمومی، فرستاده‌های ویژه و هر سفری از جانب رئیس‌سایونیک را دیدارهای سطح بالای چینی‌ها در شمار آوردیم. دیدارهای سران ایالات متحده از جمله رئیس‌جمهور، معاون اول رئیس‌جمهوری، وزیر امور خارجه، وزیر دفاع، رئیس‌ستاد مشترک نیروهای مسلح، رئیس‌سی.آی.ای، رئیس‌سنا و فرستادگان ویژه را دیدارهای سطح بالا به حساب آوردیم.

79. Chulov, 2014.

80. Helene Cooper, "Saudi Arabia Says King Won't Attend Meetings in U.S.," *New York Times*, May 10, 2015.

81. Frederic Wehrey, "After King Abdullah, Continuity," *Carnegie Endowment for International Peace*, January 23, 2015.

از نظر عربستان سعودی، چین می‌تواند راه حلی نسبی برای رابطه پر آشوب خود با ایالات متحده ارائه دهد. چین کشوری بزرگ است که اقتصادی پویا دارد، از نظر ایدئولوژیک میانه‌رو است، از ثبات سیاسی برخوردار است، به دنبال حقوق بشر نیست و محدودیت چندانی، البته اگر محدودیتی وجود داشته باشد، بر نوع سیستم‌های تسلیحاتی که عربستان سعودی می‌تواند خریداری کند، هم وضع نمی‌کند. علاوه بر این، پکن با دیدارهای فزاینده رهبران ارشد چینی از اواسط دهه ۲۰۰۰ به دنبال جلب توجه و نظر ریاض بوده است (ر.ک. شکل ۳-۱). به عنوان مثال، می‌توان به دو دیدار جیانگ زمین^{۸۲} رئیس‌جمهور چین، یکی در سال ۲۰۰۶ و دیگری در سال ۲۰۰۹، اشاره کرد.

در عرض چند دهه، پکن و ریاض پایه و اساس رابطه‌ای پایدار را ایجاد کردند. از سال ۱۹۹۰ که روابط دو کشور به سطح استقرار سفارت ارتقا یافت، رهبران ارشد چین به دفعات به عربستان سعودی سفر کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این سفرها، بازدید جیانگ زمین در سال ۱۹۹۹ بود که به یک توافق دوجانبه برای گسترش همکاری در حوزه انرژی انجامید. سپس، در ژانویه ۲۰۰۶، ملک عبدالله برای اولین سفر رسمی خارجی خود از زمان نشستن بر تخت سلطنت به چین سفر کرد.^{۸۳} تنها سه ماه بعد، در آوریل ۲۰۰۶، هو جیتائو از عربستان سعودی دیدار و توافقنامه‌ای پیرامون همکاری‌های انرژی و امنیتی بین دو طرف امضاء شد. رئیس‌جمهور خلق چین، دومین رهبر خارجی بود که در مجلس شورای سعودی سخنرانی کرده است؛ هو در فوریه ۲۰۰۹ دوباره از عربستان سعودی دیدار کرد و در آنجا اظهار داشت که «چین برای روابط دوجانبه با عربستان سعودی اهمیت بسیار زیادی قائل است» و تأکید داشت که پکن مشتاق «تعمیق همکاری عملی» بین دو کشور است.^{۸۴} این رابطه ابعاد معنوی و بشردوستانه هم دارد. ابعاد بشردوستانه رابطه زمانی مشهود شد که حکومت سعودی بیشترین کمک خارجی را به قربانیان زلزله سال ۲۰۰۸ سیچوآن کرد.^{۸۵}

روشن است که نسل جدید رهبران چین همچنان ارزش زیادی برای رابطه پکن با ریاض

82. Jiang Zemin

83. Karen Elliott House, *On Saudi Arabia: Its People, Past, Religion, Fault Lines—and Future*, New York: Knopf, 2012, p. 238.

84. “Chinese President Arrives in Riyadh at Start of ‘Trip of Friendship, Cooperation,’” *Xinhua*, February 10, 2009.

۸۵. بنا به گزارش‌ها، حکومت سعودی ۲۷/۵ میلیون دلار آمریکا کمک مالی و ۵/۵ میلیون دلار آمریکا نیز تجهیزات تدارک دیده است.

“Chinese President Arrives in Riyadh at Start of ‘Trip of Friendship, Cooperation,’” 2009.

قائل هستند. شی جین پینگ در مارس ۲۰۱۳ به سمت رهبری چین برگزیده شد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۳ در این مقام خدمت کند. در مارس ۲۰۱۴، شی جین پینگ در دیدار با شاهزاده سلمان بن عبد العزیز آل سعود، جانشین ولیعهد عربستان (و وزیر دفاع کنونی) اظهار داشت: «هر دو طرف باید همکاری انرژی را یک ستون دانسته و شراکت در هوافضا و انرژی‌های نوین را برای ایجاد روابط نزدیک‌تر گسترش دهند».^{۸۶} رهبر چین از ریاض دعوت کرد که به کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی ملحق شود. شی جین پینگ تأکید کرد که عربستان سعودی «دوست، برادر و شریک خوب چین در خاورمیانه و خلیج فارس است». او همچنین تصریح نمود که «چین از عربستان سعودی در راستای انتخاب مسیر توسعه‌ای که با شرایط این کشور منطبق باشد حمایت می‌کند».^{۸۷} وی با بیان این جمله به دنبال آن است که نشان دهد چین سیاست عدم مداخله را دنبال می‌کند و برخلاف ایالات متحده، درباره حقوق بشر یا سرکوب داخلی برای عربستان سعودی موعظه نمی‌کند.

شاید واکنش‌گتن به تعداد دفعات دیدار مقامات ارشد از منطقه یا کشور توجه چندانی نکند، اما این مسأله برای سایر کشورها دارای اهمیت است. دیدارهای رهبران در سطح ملی، به منزله شاخص سطح ارزشی تلقی می‌شود که یک دولت برای رابطه خود با دولت دیگر قائل است. به طور خاص برای چین این معیارها و موازین مهم است، زیرا نمادگرایی و تشریفات به اندازه محتوا و اصل موضوعات اهمیت دارد. به علاوه، دیدارهای رده بالا نتایج و دستاوردهایی عینی و ملموسی دارند. بنابراین، این دیدارها معیاری سودمند از سطح تعهد یک کشور به یک کشور دیگر هستند.^{۸۸}

بررسی فراوانی دیدارهای مقامات رده بالای جمهوری خلق چین از عربستان سعودی از زمان عادی شدن روابط دو کشور در سال ۱۹۹۰، رفت و آمد متناوب اما پیوسته رهبران ارشد پکن به ریاض را نشان می‌دهد. به علاوه، از اواخر دهه ۲۰۰۰، این دیدارها افزایشی محسوس داشته‌اند و بر اهمیت فزاینده‌ای تأکید دارند که چین برای عربستان سعودی قائل است. با اینکه در دو دهه گذشته، مقامات رده بالای ایالات متحده در سال بسیار بیشتر از هم‌تایان چینی خود به پادشاهی سعودی سفر کرده‌اند، اما در عین حال شاهد افزایش دیدارهای مقامات جمهوری خلق چین بوده‌ایم. در بازه زمانی شش ساله ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳، فراوانی این دیدارهای سالانه به فراوانی دیدارهای مقامات ایالات متحده نزدیک شد، هرچند فراوانی ایالات متحده همچنان به طرز محسوسی بالاتر بوده و سالانه ۲/۸ نفر برای مقامات ایالات متحده در مقایسه با ۲/۰ نفر

86. Shannon Tiezzi, "Saudi Arabia, China's Good Friend," *The Diplomat*, March 14, 2014a.

87. Tiezzi, 2014a.

88. Davidson, 2010, p. 79.

برای مقامات جمهوری خلق چین است. با این همه، تقریباً با گذشت سه سال از سر کار آمدن شی جین پینگ در مقام ریاست جمهوری، او هنوز از عربستان سعودی دیدار نکرده که نشان می‌دهد از نظر چین، رابطه پکن با ریاض پیچیده شده است. پروژه جاده ابریشم، گل سرسبد ابتکارهای سیاست خارجی شی جین پینگ است و خاورمیانه یکی از مؤلفه‌های کلیدی این تلاش است. در این شرایط، انتظار می‌رود که سفر به مهم‌ترین منبع انرژی چین در منطقه یکی از اولویت‌های جدی شی جین پینگ در دور اول ریاست جمهوری باشد. با وجود این، چین در راستای استراتژی اژدهای محتاط، احتیاط بسیار و اکراه شدید بروز داده و نگران است که اقدام دیپلماتیک توازن‌بخش موشکافانه و حساس آن در خاورمیانه برهم خورد.

مسائل حساس دوجانبه

چین در تلاشی مداوم و مستمر برای پرهیز از مناقشه، جلوگیری از اختلاف نظرات علنی و ساکت کردن انتقادات است. پکن بر دولت‌های دیگر فشار زیادی می‌آورد که چین را به طور علنی محکوم نکنند یا حتی درباره امور داخلی آن به ابراز نگرانی نپردازند. برای دولت‌های خاورمیانه‌ای یا اسلامی، برخورد پکن با مسلمانان، علی‌الخصوص ایغورها، یکی از این موضوعات نهی شده است. اما موضوعات دیگر مانند حمایت از چین واحد و وحدت ملی هم به همان اندازه اهمیت دارند، یعنی نباید هیچ دیدگاه و کلامی بر زبان برانند که حمایت یا همدردی با مناقشات تایوان، تبت یا سین کیانگ تعبیر شود.

مساعدت برای حج، یکی از نمادهای مهم بین‌المللی و داخلی تعهد پکن برای برخورد عادلانه با اسلام است. از سال ۱۹۵۵، جمهوری خلق چین هر ساله به مسلمانان چینی اجازه داده که برای حج و زیارت به عربستان سعودی بروند (البته بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹، یک وقفه ۱۵ سال وجود داشته است). از نظر پکن، این جریان به مشروعیت بخشیدن به رژیم در نظر تقریباً ۲۰ میلیون چینی مسلمان کمک می‌کند. به علاوه، شیوه‌ای است که پکن بتواند به چینی‌های مسلمان وفادار و میانه‌رو پاداش دهد. هم‌زمان، شاهد و گواهی روشن برای سعودی‌ها و دولت‌های مسلمان دیگر است که چین به باورها و شعائر مذهبی مردم خود احترام می‌گذارد و چهره‌ای مهربان‌تر و رؤوف‌تر عرضه کرده و تصویر بی‌رحم از سرکوب چین در سین کیانگ را تعدیل می‌نماید.^{۸۹} تعداد سالانه حجاج چین در دهه ۱۹۹۰ همیشه بالغ بر ۶ هزار نفر بود،

89. Ben Simpfendorfer, *The New Silk Road: How a Rising Arab World Is Turning Away from the West and Rediscovering China*, Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan, 2009, pp. 171–172.

اما این تعداد ظاهراً در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۱۰ هزار نفر رسیده است.^{۹۰} به نظر می‌رسد که اکثریت این شهروندان چینی بیشتر مسلمانان هوئی^{۹۱} باشند تا ایغوری یا دیگر اقلیت‌های قومی. حوثی‌ها را عملاً نمی‌توان از چینی‌های هان تشخیص داد، آن‌ها به لحاظ جغرافیایی در سرتاسر چین پراکنده شده و به لحاظ فرهنگی هم شبیه و همگن هستند، در مقابل، ایغورها ترک هستند که از نظر نژادی و فرهنگی با مردم هان تفاوت داشته و عمدتاً در غرب منطقه خودمختار سین‌کیانگ چین متمرکز شده‌اند. مردم هان از نظر حکومت چین قابل اعتمادتر بوده و چندان مستعد و پذیرای سه‌شر «تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی» نیستند.^{۹۲}

به علاوه، چین به هر ترتیب ممکن توانسته که از اتخاذ مواضع صریح در باب مسائل مناقشه برانگیز با موفقیت احتراز جسته و با اختلاف نظرها در امور خاورمیانه برخوردی سنجیده داشته است. مشخصاً دو مسأله کلیدی برای روابط نزدیک‌تر چین-سعودی در دسرساز بوده‌اند: سوریه و ایران. ریاض و پکن دیدگاه‌های مشابهی درباره بهار عربی دارند- هر دو نهضت‌های مردمی در جهان عرب را تهدیدآمیز می‌دانند- اما رویکردهای متفاوتی به جنگ داخلی سوریه داشته‌اند. چین از روسیه تمکین کرده و مخالف مداخله یا «فضولی»^{۹۳} خارجی در سوریه است، در حالی که عربستان سعودی از مداخله خارجی، علی‌الخصوص ایالات متحده یا مداخله نظامی غرب، حمایت می‌کند. ریاض خواهان سرنگونی رژیم اسد تحت حمایت ایران است که بزرگ‌ترین رقیب و دشمن عربستان سعودی در خاورمیانه هم محسوب می‌شود.^{۹۴} پکن منافع ملی مسنجم چندانی در دمشق ندارد، برخلاف مسکو که با رژیم اسد روابطی نزدیک داشته و شهروندان روس بسیار زیادی در سوریه حضور دارند که عمدتاً زنان روسی هستند که با مردان سوری ازدواج کرده‌اند.^{۹۵}

از نظر چین، یکی از مسائل مهم در معرض خطر در سوریه، اصل حاکمیت مستقل دولت در حقوق بین‌الملل و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر است که چین از

90. John Calabrese, "Saudi Arabia and China Extend Ties Beyond Oil," *China Brief*, Vol. 5, No. 20, October 2005.

91. Hui

92. Brent Crane, "A Tale of Two Chinese Muslim Minorities," *The Diplomat*, August 22, 2014.

93. meddling

94. Jasper Wong, "Saudi-China Relations Emblematic of China's New Foreign Policy Challenges," *The Interpreter*, July 18, 2014.

۹۵. یکی از کارشناسان چینی در امور خاورمیانه گفت: «ما واقعاً هیچ منفعی در سوریه نداریم.» مصاحبه‌های نویسنده.

دیرباز پاس داشته است.^{۹۶} در نهایت، چین بعد از اینکه احساس کرد در سال ۲۰۱۱ در لیبی مورد خیانت قرار گرفته، به هیچ وجه دیگر علاقه‌ای به حمایت از مداخله در سوریه ندارد. پکن از قطعنامه ۱۹۷۰ شورای امنیت سازمان ملل (که از جمله بسیاری موارد، بر لیبی تحریم تسلیحات وضع می‌کند) حمایت کرد. یک ماه بعد، به قطعنامه ۱۹۷۳ رأی ممتنع داد که بر فراز لیبی یک منطقه پرواز ممنوع وضع کرد. از نظر پکن، تغییر موضع به حمایت هوایی فعالانه‌تر ناتواز گروه‌های مخالف «پارا از حدود قطعنامه فراتر گذاشت».^{۹۷} چین باور داشت که با یک سیاست بازدارنده و دفاعی موافقت کرده است و نه یک عملیات هوایی قاطعانه و تهاجم محور. چین و عربستان سعودی در خصوص ایران هم اختلاف نظر دارند. در حالی که پکن، تهران را یک رفیق همیشگی، هرچند بدقلق، تصور می‌کند (ر.ک. فصل چهارم) ریاض، تهران را رقیب و دشمن بزرگ خود در منطقه می‌داند. بنابراین، ایران یک مسأله جدی برای عربستان سعودی است و جنگ داخلی سوریه یک مسأله ثانویه و فرعی محسوب می‌شود.^{۹۸} به گفته و و بینگ‌بینگ^{۹۹} از دانشگاه پکن «رقابت یا ... تخاصم بین عربستان سعودی و ایران که قدمت آن به انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد» یکی از «تناقضات درونی» در رویکرد پکن به خلیج فارس بوده است.^{۱۰۰} رابطه جمهوری خلق چین با ایران به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد و دو کشور همواره نزدیک بوده‌اند، هرچند روابطشان پیچیده شده است (ر.ک. فصل چهارم). از آنجا که تهران و ریاض یکدیگر را با دیده ظن و تردید و به چشم رقیب نگاه می‌کنند، این واقعیت که چین با ایران روابط دوستانه دارد، خود منشاء اختلاف و ناسازگاری است. با وجود این، رسانه‌های «نخبه‌گرا» و «عوام‌گرای» سعودی، در موضوعات سوریه و سین کیانگ، انتقادات علنی قابل توجهی را متوجه چین می‌سازند. در این سال‌ها، تصور عمومی از چین در عربستان سعودی ترکیب و تلفیقی از نقطه نظرات مثبت و منفی بوده است. از یک سو، بسیاری از سعودی‌ها از «الگوی توسعه [اقتصادی] چین و قابلیت این کشور در تلفیق

96. Chu Shulong, "Bei Fei Zhong Dong jushi yu Zhongguo" ["China and the Changing Situation in the Middle East and North Africa"], *Xiandai Guoji Guanxi [Contemporary International Relations]*, No. 3, 2011.

97. Duchatel, Brauner, and Zhou, 2014, p. 11.

98. Personal communication to the authors from Jon Alterman.

99. Wu Bingbing

100. Wu Bingbing, "Strategy and Politics in the Gulf as Seen from China," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, p. 22.

فرهنگ سنتی خود با مدرنیته علناً تمجید و تحسین» ابراز می‌دارند.^{۱۰۱} از سوی دیگر، بسیاری از سعودی‌ها «نسبت به برخورد [چین] با مسلمانان بومی ... و هویت [چین] به عنوان یک کشور ... [دارای] «خداناباوری دولتی»^{۱۰۲} ... واقعاً نگران و بیمناک هستند».^{۱۰۳} اما دست کم از اوایل قرن ۲۱، افکار عمومی سعودی «چندگانگی منفی زیادی» نسبت به چین پیدا کرده است. در مقابل «افزایش تعاملات سیاسی و اقتصادی بین عربستان سعودی و چین، افکار عمومی سعودی یک تصور منفی پایدار از چین» داشته است.^{۱۰۴} شورش‌های جولای ۲۰۰۹ در سین کیانگ - که «نقطه عطفی مهم» در تصورات سعودی‌ها نسبت به چین بود - به منزله خشونت و بی‌رحمی علیه مسلمانان تلقی شد.^{۱۰۵} سپس، از زمان اولین رأی‌گیری شورای امنیت در اکتبر ۲۰۱۱، رسانه‌های سعودی در پوشش خود از نقش چین در بحران سوریه، لحنی عمدتاً منفی داشته‌اند.^{۱۰۶}

همکاری در حوزه‌های انرژی و اقتصادی

هر روز که می‌گذرد، جمهوری خلق چین یک شریک بزرگ‌تر انرژی و اقتصادی سعودی می‌شود، در حالی که ظاهراً از اهمیت ایالات متحده از این لحاظ کاسته می‌شود. به گفته یکی از کارشناسان ایالات متحده: «در حالی که تقاضای نفت ایالات متحده را کم و بی‌رونق است، تقاضای نفت چین افزایشی شدید دارد و بنا بر پیش‌بینی‌ها همچنان هم افزایش خواهد داشت».^{۱۰۷} پکن، ریاض را به عنوان یک «شریک تجاری» به تهران ترجیح می‌دهد، زیرا عربستان سعودی ستیزه‌جویی کمتری داشته و صادرکننده نفتی قابل اعتمادتری است.^{۱۰۸} عربستان سعودی از سال

101. Mohammend Turki Al-Sudairi, *China in the Eyes of the Saudi Media*, GRC Gulf Papers, Jeddah, Saudi Arabia: Gulf Research Center, February 2013, p. 9.

روزنامه‌های «نخبه‌گرا» روزنامه‌هایی هستند که نخبگان می‌خوانند و روزنامه‌های «عوام‌گرا» روزنامه‌هایی تلقی می‌شوند که سعودی‌های عادی می‌خوانند. به زعم السودی، «همه روزنامه‌های سعودی ... به خاطر ماهیت سانسور و ممیزی ... تا حدی خط مشی رسمی را بازتاب می‌دهند». با این حال، روزنامه‌های عوام‌گرا در «ممیزی خودشان آزادی عمل بیشتری» دارند.

102. state atheism

103. Al-Sudairi, 2013, p. 31.

104. Al-Sudairi, 2013, p. 6.

105. Al-Sudairi, 2013, p. 14.

106. Al-Sudairi, 2013, p. 20.

107. Jon B. Alterman, "The Vital Triangle," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, p. 28.

108. Jean-Francois Seznec, "China and the Gulf in 2010: A Political Economic Survey," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, p. 56.

۲۰۰۲ منبع اصلی نفت خام وارداتی چین بوده و ریاض بارها به پکن اطمینان خاطر داده است -در بالاترین سطوح و مشخصاً طی دیدار هو جینتائو رئیس‌جمهور از ریاض در فوریه ۲۰۰۹- که چین برای تأمین عرضه پیوسته نفت خام می‌تواند بر روی پادشاهی سعودی حساب کند.^{۱۰۹} یکی از دیپلمات‌های ارشد چینی و سفیر پیشین چین در ریاض درست پیش از دیدار هو جینتائو علناً اعلام داشت که همکاری نفتی بین چین و عربستان سعودی احتمالاً ۵۰ سال به طول خواهد انجامید.^{۱۱۰}

گزارش یکی از خبرگزاری‌های داخلی و رسمی چین که در ژانویه ۲۰۰۶ منتشر شد، ارزش عربستان سعودی در نگاه چین را اجمالاً بیان می‌کند: «عربستان سعودی یک تأمین‌کننده نفتی بسیار خوب و قابل اعتماد است. مانند نیجریه نیست که آنقدر عوامل بی‌ثبات‌کننده دارد که عرضه نفت آن دست‌خوش نوسان‌های شدید می‌شود. با ایران و عراق هم شباهتی ندارد که عرضه نفت‌شان تحت تأثیر اوضاع سیاسی بی‌ثبات قرار گیرد».^{۱۱۱}

رئیس و مدیرعامل سعودی آرامکو^{۱۱۲} در سال ۲۰۱۰ به خبرنگاران گفت: «روندهای جمعیتی و اقتصادی، همه چیز را روشن کرده‌اند، وضعیت اظهر من الشمس است. چین بازار رو به رشد نفت است».^{۱۱۳} تقاضای چین برای نفت (و دیگر منابع انرژی) در حالی رو به افزایش است که تقاضای ایالات متحده و اتحادیه اروپا ثابت و بی‌تغییر است.^{۱۱۴} در واقع، چین برای نفت تکیه و وابستگی بیش از پیش به عربستان سعودی پیدا کرده است. واردات نفت چین از عربستان سعودی از میزانی ناچیز در سال ۱۹۹۸ به تقریباً ۱/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۳ افزایش پیدا کرده است. در مقابل، وابستگی ایالات متحده به نفت سعودی کاهش داشته است: از ۱/۵ میلیون بشکه در روز به ۱/۳ میلیون بشکه در روز در همین بازه زمانی (ر.ک. شکل ۳-۲). در واقع، ایالات متحده دیگر به عنوان مشتری نفت سعودی از احترام و ویژه برخوردار

109. Erica Downs, "China-Gulf Energy Relations," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, pp. 62-63.

110. Downs, 2011, p. 66.

111. *Zhongguo Tongxunshu*, January 20, 2006, as quoted in Alterman and Garver, 2008, p. 33.

112. Saudi Aramco

شرکت ملی نفت عربستان سعودی است، که تحت تملک دولت مرکزی عربستان می‌باشد و در سال ۲۰۰۵ ارزش بازار آن، معادل ۷۸۱ میلیارد دلار برآورد شد. این شرکت، از لحاظ مالکیت ذخایر (نفت و گاز) به‌عنوان یکی از با ارزش‌ترین شرکت‌های جهان محسوب می‌شود.

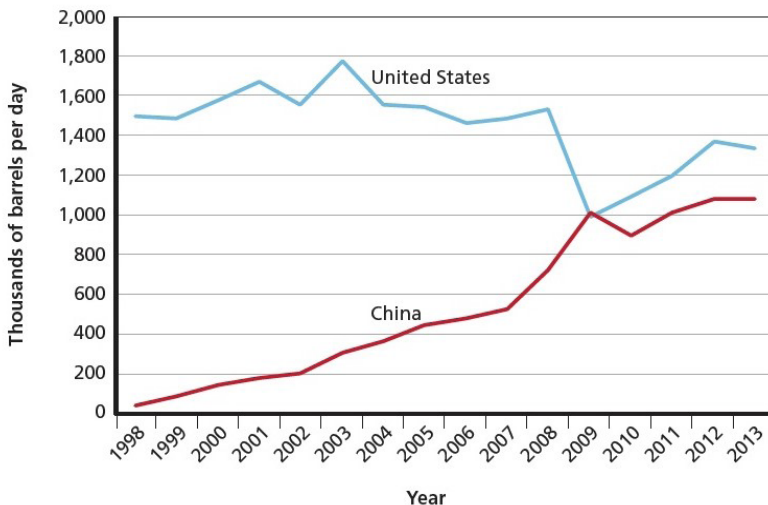
113. Jad Mouawad, "China's Growth Shifts the Geopolitics of Oil," *New York Times*, March 19, 2010.

۱۱۴. مکاتبات شخصی با نویسنده از جان آلترمن

نیست: در سال ۲۰۰۹، ریاض تصمیم گرفت به تخفیف ۱ دلار به ازای هر بشکه که برای فروش فراورده‌های نفتی به ایالات متحده در نظر گرفته بود، پایان دهد.^{۱۱۵} اما ایالات متحده در مقام مهم‌ترین شریک امنیتی و اقتصادی عربستان سعودی همچنان از جایگاه ویژه‌ای نزد این کشور برخوردار است.^{۱۱۶}

همکاری انرژی چین-سعودی به سرعت رو به افزایش است. در بخش نفت، این همکاری از صرف صادرات نفتی به حوزه‌هایی مانند پالایش گسترش پیدا کرده است. این همکاری در بخش‌های دیگر انرژی، از جمله گاز طبیعی و حتی نیروی هسته‌ای هم رو به افزایش است؛ و تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه هم روندی صعودی را تجربه می‌کند.

شکل ۲-۳- صادرات نفت سعودی به ایالات متحده و چین، ۱۹۹۸-۲۰۰۳



SOURCE: Compiled by authors from Energy Information Administration and Lexis Nexis.

پالایشگاه‌ها

در حوزه پالایش یک همکاری دوجانبه رو به رشد وجود دارد. نفت خام «ترش» عربستان سعودی بیش از آن است که این کشور بتواند بفروشد و چین حاضر است که برای فرآوری آن پالایشگاه‌های جدیدی بسازد. در دیدار سال ۱۹۹۹ جیانگ زمین، رئیس‌جمهور جمهوری

115. Manochehr Dorraj and James English, "The Dragon Nests: China's Energy Engagement of the Middle East," *China Report*, Vol. 49, No. 1, February 2013, p. 49.

۱۱۶. ارتباطات شخصی با نویسندگان از جان آلترمن

خلق چین، دو حکومت توافقی امضا کردند که به شرکت‌های سعودی اجازه می‌داد تا در پالایشگاه‌های نفت چینی سرمایه‌گذاری کنند و در مقابل شرکت‌های چینی اجازه اکتشاف ذخایر انرژی سعودی و تعقیب دیگر پروژه‌های سرمایه‌گذاری را پیدا می‌کردند. در نتیجه، در اوایل دهه ۲۰۰۰، شرکت چینی ساینوپک و شرکت سعودی آرامکو مشترکاً در نزدیکی بندر شمالی چینگ‌دائو در استان شاندونگ یک پالایشگاه ساختند. دست‌کم یک پالایشگاه دیگر، این بار در استان فوجیان در سال ۲۰۰۸ به عنوان سرمایه‌گذاری مشترک بین اکسان‌موویل، آرامکو و ساینوپک، ساخته شد. قرار است که ساخت دو پالایشگاه دیگر هم آغاز شود که یکی در سال ۲۰۱۵ در کائوفیدیان^{۱۱۷} در نزدیکی تیانجین^{۱۱۸} به دست ساینوپک برای فرآوری نفت خام سعودی و دیگر، بخشی از سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت سعودی آرامکو در آنینگ^{۱۱۹} در استان یوننان^{۱۲۰} محصور در خشکی برای فرآوری نفت خام سعودی است که از طریق خط لوله‌های نفت میانمار ارسال می‌شود و طبق برنامه در سال ۲۰۱۶ کلنگ آن زده می‌شود. در سال ۲۰۱۶، ریاض و پکن برای ساخت یک مجتمع ذخیره نفت در جزیره هاینان^{۱۲۱} در نزدیکی جایی که ساینوپک مشغول ساخت یک پالایشگاه نفت است، توافقنامه‌ای مشترک امضا کردند.^{۱۲۲}

فرآورده‌های پتروشیمی و گاز طبیعی

همکاری دوجانبه در پروژه‌های پتروشیمی و گاز طبیعی هم با سرعت زیاد پیش می‌رود. چین اشتباهی سیری‌ناپذیر برای نفت و فرآورده‌های پتروشیمی، از جمله محصولات مورد استفاده برای کودهای شیمیایی، دارد. عربستان سعودی سالانه ده‌ها میلیارد دلار فرآورده‌های پتروشیمی به چین صادر می‌کند.^{۱۲۳} تا اینجای کار دست‌کم سه تأسیسات پتروشیمی ساخته شده یا توسعه پیدا کرده‌اند: یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت چینی ساینوپک و شرکت سعودی

117. CaoFeida

118. Tianjin

119. Anning

120. Yunnan

121. Hainan

122. The information in this paragraph comes from the following sources: Calabrese, 2005; Kemp, 2010, pp. 81–84; U.S. Energy Information Administration, “Country Analysis Brief: China,” Washington, D.C., February 4, 2014; Alterman and Garver, 2008, p. 33.

123. Sez nec, 2011, p. 59.

آرامکو در بخش شرقی گوانژو^{۱۲۴} در استان فوجیان؛^{۱۲۵} تلاشی جمعی بین اکسان‌موویل، آرامکو و ساینوپک که در سال ۲۰۰۸ در استان فوجیان ساخته شد؛^{۱۲۶} و دو تأسیسات پالایشگاهی دیگر که شرکت صنایع شیمیایی عربستان (سابک)^{۱۲۷} در سال ۲۰۱۲ بودجه ساخت آن در تیانجین^{۱۲۸} و چونگ کینگ^{۱۲۹}، دو شهر بزرگ چین، را تأمین کرد.^{۱۳۰} به علاوه، شرکت‌های چینی هم به دنبال پروژه‌های گاز طبیعی هستند. برای نمونه، ساینوپک در سال ۲۰۰۴ توانست با موفقیت در مناقصه‌ای برای بهره‌برداری از میدین ربع الخالی^{۱۳۱} عربستان سعودی پیروز شود.^{۱۳۲}

انرژی هسته‌ای

همکاری‌های دوجانبه در حوزه انرژی تنها به صادرات نفت عربستان به چین یا حتی همکاری در بخش نفت محدود نمی‌شود. دامنه همکاری بسیار گسترده‌تر است و انرژی هسته‌ای را نیز شامل می‌شود. این تحول از دو جهت قابل توجه است: نگرانی‌هایی درباره امنیت هسته‌ای پیش آورده و باعث هشدارهایی درباره امکان بالقوه اشاعه تسلیحات هسته‌ای می‌شود. چین و عربستان سعودی برای «افزایش همکاری بین دو کشور در توسعه و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف مسالمت‌آمیز» معاهده‌ای امضا کردند. این توافق در دیدار ۱۵ ژانویه ۲۰۱۲ ون جیابائو، نخست‌وزیر چین، از ریاض به امضا رسید. توافقنامه مذکور بخش‌هایی چون نگهداری و توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای و راکتورهای پژوهشی و همچنین تدارک سوخت هسته‌ای را در بر می‌گیرد. این معاهده بلافاصله پس از توافقنامه‌های مشابه عربستان با فرانسه، آرژانتین و کره جنوبی اتفاق افتاد.^{۱۳۳} منطق پشت پرده علاقه‌مندی عربستان سعودی به انرژی هسته‌ای ظاهراً دو وجه دارد. اول، مسأله غرور است، فن آوری که در خور یک قدرت بزرگ است. دوم، علی‌رغم وفور کنونی هیدروکربن‌ها، در پادشاهی این باور وجود دارد که عربستان سعودی شاید در مقطعی در آینده نیازمند منبع جایگزین انرژی شود. به نظر می‌رسد که ریاض علاقه چندانی به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای ندارد، گرچه ظاهراً سعودی‌ها مشتاق دستیابی به

124. Quanzhou

125. The information in this paragraph comes from Calabrese, 2005.

126. U.S. Energy Information Administration, 2014.

127. Saudi Basic Industries Corporation (SABIC)

128. Tianjin

129. Chongqing

130. "About SABIC in China," SABIC, January 20, 2012.

131. Rub al-Khali

132. Calabrese, 2005.

133. Summer Said, "Saudi Arabia, China Sign Nuclear Cooperation Pact," *Wall Street Journal*, January 16, 2012.

نیروی موشکی استراتژیک هستند و به گفته برخی خبرنگاران این نیرو را از چین به دست آورده‌اند.^{۱۳۴}

تجارت و سرمایه‌گذاری

فعالیت‌های اقتصادی چین-سعودی در قالب تجارت و سرمایه‌گذاری به بخش‌های غیرانرژی نیز تسری پیدا کرده است. از اواخر دهه ۱۹۹۰، عربستان سعودی و چین، منحصراً در بخش‌های نفت و انرژی، میلیارد‌ها دلار تجارت سالانه داشته‌اند. به علاوه، این دو کشور سرمایه‌گذاری اقتصادی بزرگی در یکدیگر انجام داده‌اند که ارزش آن هم به میلیارد‌ها دلار می‌رسد. برای نمونه، سابک^{۱۳۵} در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که برای ساخت یک منطقه جدید فن آوری پیشرفته در شانگهای، ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خواهد کرد.^{۱۳۶} پیش از این در سال ۲۰۰۶، شرکت آلومینیوم چین، ۱۳۷ تولیدکننده بزرگ دولتی آلومینیوم، با همکاری شرکت‌های سعودی یک واحد صنعتی چند میلیارد دلاری در عربستان سعودی ساخت.^{۱۳۸} شرکت‌های چینی دیگر که در ساخت واحدهای پتروشیمی در عربستان سعودی فعال هستند، قراردادهایی به ارزش صدها میلیون دلار به دست آورده‌اند.^{۱۳۹}

در سال ۲۰۰۹، شرکت راه‌آهن چین^{۱۴۰} در مناقصه ساخت یک سیستم حمل و نقل عمومی در مکه برنده شد. ۱۴۱ قرارداد ۱/۸ میلیارد دلاری ساخت یک شبکه حمل و نقل محلی که قادر به جابجایی خیل مسلمانانی باشد که هر ساله از سرتاسر جهان برای حج می‌آیند. شرکت راه‌آهن چین در سال ۲۰۰۹ هم برای ساخت ۲۰۰ مدرسه ابتدایی و راهنمایی در عربستان قراردادی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار با وزارت آموزش و پرورش سعودی بست.^{۱۴۱}

134. Colin H. Kahl, Melissa G. Dalton, and Matthew Irvine, *Atomic Kingdom: If Iran Builds the Bomb, Will Saudi Arabia Be Next?* Washington, D.C.: Center for New American Security, February 2013.

۱۳۵. SABIC شرکت صنایع شیمیایی عربستانی است، که در زمینه تولید طیف وسیعی از مواد شیمیایی، کود، بسپار و پلاستیک، همچنین استخراج معادن و فلزات، فعالیت می‌نماید. (م)

136. "About SABIC in China," 2012.

137. Aluminum Corporation of China Limited (CHALCO)

138. Jon B. Alterman, "China's Soft Power in the Middle East," in Carolina G. McGiffert, ed., *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States: Competition and Cooperation in the Developing World*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 2009, p. 67.

139. See, for example, several issues of *China Chemical Reporter*: October 16, 2005, p. 5; December 26, 2007; June 26, 2009, p. 23.

140. China Railway Corporation (CRC)

141. Kemp, 2010, pp. 81–82. See also Davidson, 2010, p. 40.

142. Davidson, 2010, p. 59.

همکاری نظامی و امنیتی

ارزیابی روابط دفاعی چین-سعودی کار دشواری است. این روابط در ظاهر مستحکم است، اما دامنه‌ای محدود دارد. یکی از تحلیل‌گران معتبر، روابط نظامی دوجانبه چین و عربستان سعودی را «مبهم» توصیف کرد.^{۱۴۳} با این حال، هر دو طرف رابطه امنیتی را متقابلاً سودمند می‌دانند، اگرچه این رابطه انحصاری نیست. با اینکه ریاض علاقمند به دخالت بیشتر چین در امنیت خاورمیانه است و پکن هم به‌طور اصولی با این امر موافق است، اما تا به این جای کار روابط دفاعی آن‌ها عمدتاً بر فروش سلاح‌های چینی متمرکز بوده است.

محمد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان، در دیدار مارس ۲۰۱۴ از پایتخت چین گفت: «عربستان سعودی آماده افزایش همکاری با چین است تا از صلح، امنیت و ثبات در منطقه محافظت نماید». سلمان که در ژانویه ۲۰۱۵ رئیس دولت شده، اعلام کرد که سعودی‌ها خواهان آن هستند که چین از «وزن سیاسی و اقتصادی سنگین خود برای ایفای نقشی برجسته در دستیابی به صلح و امنیت در منطقه» استفاده کند. اما ریاض به دنبال یک رابطه دفاعی انحصاری با پکن نیست؛ عربستان سعودی به سراغ هند و اندونزی هم رفته و در سال ۲۰۱۳ با هر دو کشور قرارداد همکاری دفاعی امضا کرد.^{۱۴۴} بنا به گزارش‌ها، چانگ وان‌چوان^{۱۴۵}، وزیر دفاع ملی جمهوری خلق چین، در دیدار سال ۲۰۱۴ به همتای سعودی خود گفته است، از آنجا که چین تا این حد برای «دوستی با عربستان سعودی ارزش قائل می‌شود... فرقی نمی‌کند اوضاع بین‌المللی دستخوش چه تحولاتی شود، تعهد چین بلندمدت است».^{۱۴۶} تا به امروز، رابطه دفاعی دوجانبه شدیداً بر فروش مخفیانه سلاح‌های حساس متمرکز بوده و در حوزه‌های دیگر مانند تبادلات و رزمایش مشترک ارتش‌های دو کشور فعالیت بسیار محدودی وجود داشته است. واقع، عمده علاقه سعودی‌ها به چین به‌عنوان یک منبع مناسب تأمین جنگ‌افزار بوده است. آموزش نیروهای مسلح سعودی از سوی پرسنل ارتش چین ظاهراً بسیار کم و ناچیز بوده یا دست کم بی‌سر و صدا انجام شده است. علاوه بر این، به نظر نمی‌رسد که تعاملات نظامی بین چین و عربستان سعودی، دست کم در سطوح ارشد، نهادینه یا شدید باشد. بررسی دقیق و کامل سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که هیچ‌یک از رهبران ارشد ارتش آزادی‌بخش

143. Calabrese, 2005.

144. Tiezzi, 2014a.

145. Chang Wanquan

146. "Chang Wanquan Meets with Crown Prince of Saudi Arabia," *China Military Online*, March 17, 2014.

خلق از ریاض دیدن نکرده‌اند، از جمله سفر وزیر دفاع یا فرمانده و جانشینان فرماندهی هیچ کدام از چهار دپارتمان اصلی ثبت نشده است: ستاد کل نیروهای مسلح، دپارتمان سیاسی کل، دپارتمان لجستیک کل و دپارتمان کل جنگ‌افزار.^{۱۴۷} با اینکه چین از سال ۲۰۰۳ در تمرین‌های نظامی یک جانبه یا چندجانبه مختلفی شرکت کرده است، هیچ یک از این تمرین‌ها با حضور واحدهایی از نیروهای مسلح عربستان نبوده است.^{۱۴۸} فروش تسلیحات در بخش بعدی بررسی می‌شود.

با وجود دامنه محدود روابط، صحبت‌های مقامات چینی درباره موضوع روابط ارتش‌های دو کشور پرشور و حرارت بوده است. پوشش رسمی رسانه‌های چینی از دیدار وزیر دفاع سعودی از پکن در سال ۲۰۰۴ تصریح می‌کرد که: «در سال‌های اخیر دو ارتش شاهد دیدارهای متقابل عالی‌رتبه بی‌وقفه و همکاری عالی در حوزه‌های تعلیم پرسنل و تجهیزات و فن‌آوری بوده‌اند».^{۱۴۹} شواهد موجود درباره تعلیم نظامی مختصر و محدود هستند، گرچه گزارش‌هایی وجود دارند که حدود هزار مشاور نظامی چین از دهه ۱۹۹۰ مشغول فعالیت در تأسیسات موشکی سعودی هستند.^{۱۵۰}

فروش تسلیحاتی چین از سال ۱۹۹۰: از هویتزرها^{۱۵۱} تا موشک‌های بالستیک قاره پیمان؟

عربستان سعودی تاکنون بزرگ‌ترین واردکننده سلاح در خلیج فارس بوده است.^{۱۵۲} تاریخچه

147. Heidi Holz and Kenneth Allen, "Military Exchanges with Chinese Characteristics: The People's Liberation Army Experience with Military Relations," in Roy Kamphausen, David Lai, and Andrew Scobell, eds., *The PLA at Home and Abroad: Assessing the Operational Capabilities of China's Military*, Carlisle Barracks, Pa.: U.S. Army War College Strategic Studies Institute, 2010. The highest-ranking PLA officer to visit Saudi Arabia was a military region commander (p. 479).

۱۴۸. کاغذ سفید دفاعی سال ۲۰۱۲ چین، در پیوست خود فهرستی جامع از تمرین‌های نظامی چین ارائه می‌کند. عدم حضور عربستان سعودی قابل توجه است. ر.ک.

Information Office of the State Council, 2013.

149. "Chang Wanquan Meets with Crown Prince of Saudi Arabia," 2014.

150. Kemp, 2010, p. 84.

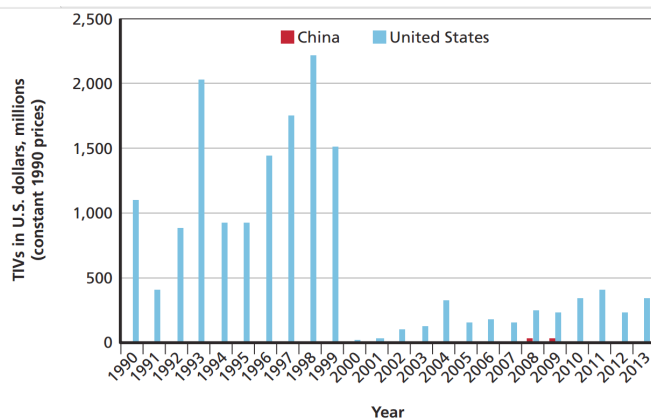
151. Howitzer

هویتزر یکی از ادوات توپخانه‌ای است که برخی از ویژگی‌های توپ جنگی و خمپاره را با یکدیگر ترکیب کرده است. هویتزرها معمولاً با لوله نسبتاً کوتاه، شتاب متوسط گلوله، و قابلیت شلیک گلوله در خط سیر کمانی شناخته می‌شوند. (م)

152. Carina Solmirano and Pieter D. Wezeman, "Military Spending and Arms Procurement in the Gulf States," SIPRI Fact Sheet, Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute, October 2010, p. 2.

معاملات تسلیحاتی بین پکن و ریاض از سال ۱۹۹۰ و خصوصاً زمانی که با فروش سلاح ایالات متحده به عربستان سعودی مقایسه کنیم، بسیار قابل توجه بوده است (ر.ک شکل ۳-۳). ایالات متحده و بریتانیا، مهم‌ترین منابع جنگ‌افزارهای وارداتی سعودی بوده‌اند. برای نمونه، بریتانیا هواپیماهای جنگنده پیشرفته در اختیار عربستان سعودی گذاشته است و ایالات متحده در سال‌های اخیر جت‌های جنگنده و هلیکوپتر به سعودی‌ها فروخته است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، ۴۳ درصد از حجم واردات سلاح‌های سعودی از بریتانیا، ۴۰ درصد از ایالات متحده و تنها ۶ درصد از حجم کل واردات سلاح عربستان سعودی از چین بوده است.^{۱۵۳} بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳، مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم^{۱۵۴} تنها فروش ۵۴ هویتزر پی.ال.زد-۴۵، ۱۵۵ میلی‌متری خودکشی را ثبت کرده است که در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به عربستان سعودی تحویل داده شده بودند.^{۱۵۵}

شکل ۳-۳ ارزش شاخص روند (TIV) مؤسسه سپری صادرات رسمی تسلیحات به عربستان سعودی، ۱۹۹۰-۲۰۱۳



SOURCE: Compiled from SIPRI databases

برای ارزش‌گذاری بر این معاملات دو راه پیش‌رو داریم، ارزش مالی و ارزش شاخص روند ۱۵۶. اولی به میزان تقریبی‌ای اشاره دارد که مشتری در عمل برای جنگ‌افزار پرداخته است؛ بنا به تعریف مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم، دومی هزینه حدودی تولید

153. Solmirano and Wezeman, 2010, pp. 3-4.

154. Stockholm International Peace Research Institute

155. See "China Exports PLZ45 155mm Guns to Saudi Arabia," Kanwa Asian Defense Review, August 2008, p. 11.

156. trend indicator value (TIV)

جنگ‌افزار است که هدف از آن «نشان دادن [ارزش] منابع نظامی است تا ارزش مالی انتقال».^{۱۵۷} با استفاده از روش ارزش مالی، میزان کل معامله سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۴۰۰ میلیون دلار بود؛ با استفاده از روش دوم، این ارزش کمتر و تنها ۶۶ میلیون دلار بوده است. در مقابل، ایالات متحده از سال ۱۹۹۰ حدود چند میلیارد دلار تسلیحات به عربستان فروخته است. همچنین، این میزان قطره‌ای ناچیز در دریای بزرگ هزینه‌های نظامی سعودی در دو سال اخیر بوده است. بنا بر داده‌های مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم، مجموع کل هزینه‌های دفاعی ریاض در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ چیزی بیش از ۷۲ میلیارد دلار بوده است.^{۱۵۸}

اما فروش واقعی تسلیحات چین به عربستان سعودی شاید قابل توجه‌تر از آن چیزی باشد که این داده‌ها نشان می‌دهند. به وفور می‌توان گزارش‌هایی درباره انتقال محرمانه موشک‌های بالستیک و کروز چینی یافت. کارشناسان مطلع خلع سلاح مانند جفری لویس^{۱۵۹}، مدیر پروژه منع گسترش تسلیحات در شرق آسیا وابسته به مرکز مطالعات منع گسترش تسلیحات در مونته‌ری کالیفورنیا معتقد است که این گزارش‌ها موثق و بر اساس تحلیل تصاویر ماهواره‌ای پایگاه‌های موشکی در عربستان سعودی و دیگر شواهد موثق به دست آمده است. به گمان لویس، «عربستان سعودی در موشک‌های بالستیک و کروز متعارف سرمایه‌گذاری سنگینی کرده است تا پادشاهی سعودی بازدارندگی استراتژیک داشته باشد». لویس تأکید می‌کند که باور دارد ریاض به دنبال بازدارندگی متعارف است و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که سعودی‌ها علاقه‌ای به کسب زرادخانه هسته‌ای داشته باشند.^{۱۶۰} علاوه بر این، کاملاً محتمل است که چین، موشک‌های بالستیک با بُرد متوسط در اختیار عربستان سعودی گذاشته باشد. با اینکه به نظر می‌رسد پکن هنجار منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفته باشد، آنجا که بحث از موشک‌های بالستیک و کروز به میان می‌آید، این هنجار چندان مصداق پیدا نمی‌کند.^{۱۶۱} یکی از سرلشگرهای بازنشسته سعودی ظاهراً در نشست خبری در سپتامبر ۲۰۱۴ اظهار داشته که

157. "SIPRI Arms Transfers Database—Methodology," web page, Stockholm International Peace Research Institute, undated.

158. Solmirano and Wezeman, 2010, p. 2.

159. Jeffrey Lewis

160. Jeffrey Lewis, "Saudi Arabia's Strategic Dyad," *Arms Control Wonk*, July 15, 2013; Jeffrey Lewis, "Why Did Saudi Arabia Buy Chinese Missiles?" *Foreign Policy*, January 30, 2014.

161. See, for example, Evan Medeiros, *Reluctant Restraint: The Evolution of China's Non-proliferation Policies and Practices, 1980-2004*, Stanford, Calif.: Stanford University Press, 2007.

«در حقیقت، ارتش سعودی موشک‌های دی.اف-۲۱^{۱۶۲} را از چین گرفته است ... قراردادی که شامل ... کنترل و نگهداری و امکانات بروزرسانی می‌شود».^{۱۶۳}

همچنین، به نظر می‌رسد که علاقه سعودی‌ها به خریداری تجهیزات نظامی و سیستم‌های نظامی از چین ادامه دارد. وقتی وزیر دفاع عربستان در مارس ۲۰۱۴ با همتای چینی خود در پکن دیدار کرد، ژنرال لئو شنگ، جانشین دپارتمان جنگ‌افزارهای عمومی ارتش آزادی بخش خلق چین هم ظاهراً در این جلسه حضور داشته است.^{۱۶۴} به علاوه، رسانه‌های روسیه در آوریل ۲۰۱۴ گزارش کردند که چین و عربستان سعودی برای تأمین تعداد نامعلومی پهپاد، قرارداد امضا کرده‌اند.^{۱۶۵} در ارتباط با ماهیت پنهانی این معاملات گزارش شده و بی‌توجهی کامل به رژیم‌های منع گسترش تسلیحات، نگرانی‌هایی مطرح شده است. اما شاید بیشترین دغدغه و نگرانی این باشد که چنین معاملاتی موازنه حساس قدرت در خلیج فارس و خاورمیانه بزرگ را به خطر بیندازند. وضعیت منطقه با انتقال شیخ خشونت فرقه گرایانه جاری در سوریه و عراق به دولت‌های همسایه متغیر و بی‌ثبات شده است. برخی دیگر از دولت‌های نیرومند نظامی، خصوصاً ایران، عربستان سعودی را با دیده ظن و تردید بسیار می‌نگرند. هریک از این دولت‌ها می‌توانند به آنچه که ممکن است به منزله پر کردن زرادخانه تسلیحاتی عربستان درک کنند، به گونه‌ای واکنش نشان دهند که شاید بر شدت تنش‌های منطقه‌ای بیافزاید.

یکی از تحلیل‌گران ایالات متحده اخیراً اظهار داشت که «همکاری دفاعی چین-عربستان سعودی ممکن است افزایش یابد».^{۱۶۶} عقیده این تحلیل‌گر، می‌تواند مبتنی بر همگرایی فزاینده منافع باشد: پکن و ریاض نگران یک محیط امنیتی خشونت‌آمیز در منطقه و تعهد مشترک به گسترش همکاری دوجانبه انرژی، همراه با دلواپسی نسبت به آینده اقدامات امنیتی ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس هستند. با این همه، روابط دفاعی چین شدیداً به فروش تسلیحات گرایش دارد. انگیزه‌های در پس این معاملات پولی و نفوذ ژئواستراتژیک هستند.

162. DF-21 missile

یک شبه موشک بالستیک نظامی با برد متوسط است که به جهت حمله و مورد هدف قراردادن کشتی‌های جنگی در دریا طراحی شده است. (م)

163. "Saudi Arabia Admits to Purchase of Chinese DF-21 Missile," *Want China Times*, September 22, 2014. For analysis, see Ethan Meick, *China's Reported Ballistic Missile Sale to Saudi Arabia: Background and Potential Implications*, Washington, D.C.: U.S.-China Economic and Security Review Commission, June 16, 2014.

164. "Chang Wanquan Meets with Crown Prince of Saudi Arabia," 2014.

165. "Saudi Arabia Signs Deal for China's Pterodactyl Drone," *Want China Times*, May 7, 2014.

166. Meick, 2014, p. 4.

نتیجه‌گیری

بررسی ابزار دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی قدرت ملی چین در رابطه این کشور با عربستان سعودی، تصویر بسیار مثبتی از پکن را نشان می‌دهد. پکن ماهرانه به ترویج منافع پرداخته که در فصل دوم تشریح شده‌اند و به اهداف خود دست یافته است. به بیان دقیق‌تر، چین

- دسترسی به منابع انرژی در عربستان سعودی و گسترش روابط اقتصادی با این کشور را تضمین کرده است.

- برای ایجاد موازنه در برابر نفوذ ایالات متحده با عربستان سعودی به مشارکت استراتژیک رسیده است.

- جلوی اکثر انتقادات پیرامون برخورد پکن با مسلمانان، از جمله اوغورها، را گرفته است.
- از عربستان سعودی مرتب این تصدیق را دریافت کرده که چین یک قدرت بزرگ در حال ظهور است.

خلاصه، بررسی تلاش‌های چین در قبال عربستان سعودی نشان می‌دهد که استراتژی خاورمیانه پکن تا به امروز عمدتاً یک موفقیت برای چین بوده است. با این همه، پرسش‌هایی درباره پایداری و تداوم این استراتژی مطرح است.

با اینکه روابط دوجانبه در حوزه‌های انرژی و اقتصاد استوار و رو به افزایش هستند، پیوندهای دیپلماتیک و نظامی چین با عربستان سعودی به ترتیب سطحی و نسبتاً کم بوده‌اند. از نظر ژئواستراتژیک، چین در برابر ایالات متحده یک موازنه نرم برقرار کرده است. پکن و ریاض بیشتر در این زمینه هم عقیده‌اند که با چه چیزهایی مخالفند تا اینکه حامی چه چیزهایی هستند. در نتیجه، دو حکومت در «مخالفت... با هنجارهای سیاسی جهانی» که ایالات متحده و دموکراسی‌های غربی دیگر ترویج کرده‌اند، متحد و هم نظر هستند.^{۱۶۷} حزب کمونیست چین و خاندان سلطنتی سعودی، ایالات متحده را حامی حقوق بشر دانسته و دموکراسی‌سازی را خطرناک تلقی می‌کنند و از بهار عربی احساس تهدید می‌کنند. با این حال، مسائل متعددی مطرح هستند که چین و عربستان سعودی بر سر آنها اختلاف نظر دارند و سوریه و ایران از جمله نمونه‌های آن هستند. همچنین، با وجود اعلان‌های رسمی سعودی‌ها مبنی بر «دوستی سنتی و همگرایی استراتژیک» بین ریاض و پکن، این احساس ملموس وجود دارد که چین «نه دوست و نه دشمن» عربستان سعودی است.^{۱۶۸} همکاری پکن-ریاض بر نامی‌های متقابل

167. Alterman and Garver, 2008, pp. 35–36.

168. Al-Sudairi, 2013, p. 31.

مبتنی بوده و زاده الزامی عملگرایانه است. با اینکه اوضاع کنونی، همکاری اقتصادی جاری را تقویت می‌کند، لزوماً قرار نیست که خشت و ملات یک شراکت استراتژیک استوار و پایدار را فراهم سازد.

همکاری‌ها در حوزه انرژی، سنگ محک رابطه دو جانبه است، عرصه‌ای که منافع پکن و ریاض مکمل یکدیگر می‌شوند: جمهوری خلق چین خواهان دسترسی باثبات، قابل اتکا و بلندمدت به ذخایر انرژی است و عربستان سعودی مشتاق است که یک شریک انرژی پایدار و مورد اعتماد داشته باشد. به علاوه، دو رژیم کلاً از نظام‌های سیاسی و نقطه نظرات ژئواستراتژیک یکدیگر رضایت دارند، هیچ یک به دنبال تغییر و تحول دیگری نیست و هیچ کدام از طرف‌ها، دیگری را عامل تهدید ثبات داخلی یا تمامیت ارضی نمی‌داند. منافع امنیتی چین-سعودی هم هم‌پوشانی دارند. روابط دیپلماتیک نسبتاً باثبات هستند، گرچه دیدارهای رهبران ارشد چینی از عربستان سعودی در حال حاضر متوقف شده است. اما ضعیف‌ترین ابزاری که به عنوان بخشی از استراتژی چین در قبال خاورمیانه و عربستان سعودی به کار گرفته شده، همچنان قدرت نظامی بسیار محدود چین در منطقه است.

با همه این اوصاف، هر دو کشور تداوم همکاری امنیتی محدود اما درخور توجه را سودمند می‌دانند. با اینکه عربستان سعودی ظاهراً به تحکیم روابط دفاعی با چین نگاهی مثبت دارد، اما افزایش کیفی این روابط دفاعی، بدون کاهش جدی در تعهد امنیتی ایالات متحده به عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس، چشم‌اندازی بعید و نامحتمل به نظر می‌رسد. علاوه بر این، بخش نظامی چین بضاعت تولید و ارائه جنگ‌افزارهای از نوع آمریکایی را ندارد و از تجربه جنگی و عملیاتی ایالات متحده نیز برخوردار نیست؛ و استراتژی اژدهای محتاط به این معنی است که پکن برای افزایش کیفی روابط امنیتی مردد و دو دل است. اما چین می‌خواهد که تأمین‌کننده مطمئن سیستم‌های تسلیحاتی کلیدی بماند، سیستم‌هایی که شاید ایالات متحده تمایلی به تأمین آن‌ها نداشته باشد. موشک‌های بالستیک با بُرد متوسط و پهپادهای بدون سرنشین از جمله این سیستم‌ها هستند که ظاهراً پکن در اختیار ریاض گذاشته است.

فصل چهارم - چین و ایران؛ روابطی نزدیک اما پیچیده

چین و ایران روابطی نزدیک اما پیچیده دارند. این دو کشور از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند. هر دو تمدن‌های باستانی و امپراطوری‌های مهمی بوده‌اند. مقامات ایرانی و چینی مرتباً بر مشترکات میراث باستانی خود و همکاری بر روی مسائل معاصر تأکید دارند. ایرانی‌ها نیز مانند چینی‌ها به خود می‌بالند که یکی از «نخستین» تمدن‌های باستان بوده‌اند. ایران خود را یک قدرت «طبیعی» در خاورمیانه می‌داند. نه تنها نقش تاریخی ایران بلکه وسعت، جمعیت زیاد و مأموریت انقلابی آن برای رهانیدن منطقه از «امپریالیسم» غربی و خصوصاً آمریکا، به احساس قدرت این کشور شکل می‌دهند. ایران و چین از انقیاد خاص خود به دست قدرت‌های غربی در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی عمیقاً آزرده خاطر و خشمگین هستند.

خاستگاه کمونیستی و ضد غربی چین و فقدان پیشینه دخالت امپریالیستی این کشور در ایران، پکن را شریکی جذاب برای نظام ایران می‌سازد.^{۱۶۹} و درگیری کنونی چین برای عقب راندن قدرت آمریکا در شرق آسیا می‌تواند برای رهبری ایران جذابیت زیادی داشته باشد، خصوصاً که تهران حتی بعد از حصول توافق هسته‌ای نیز با خصومت بی‌وقفه با ایالات متحده مواجه است. مقامات ایرانی، علی‌الخصوص محافظه کاران، دوست دارند که چین را شریکی استراتژیک بدانند که به کاهش انزوای ایران و رشد اقتصادی آن کمک کرده و جنگ‌افزارها و فناوری مدرن در اختیار این کشور می‌گذارد تا ایران را مبدل به یک قدرت مسلط منطقه‌ای کند. از این‌ها گذشته، دو کشور تاریخ همکاری اقتصادی، نظامی و حتی هسته‌ای طولانی دارند. اما روابط چین و ایران بی‌عیب و نقص هم نیست. چین که یکی از اعضای گروه ۵+۱ شورای امنیت سازمان ملل (پنج عضو دائم - ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین - به علاوه آلمان) بود که بر سر برنامه هسته‌ای با ایران مذاکره می‌کرد، از تلاش‌های به رهبری ایالات متحده برای انزوای اقتصادی ایران و افزایش فشار بر تهران جهت دستیابی به توافق هسته‌ای، حمایت کرد. حکومت چین به همراه بیشتر صنعت چین از تحریم‌های ایالات متحده و سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای ایران تبعیت کرده‌اند. چین با اینکه هنوز بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است، برای اجتناب از نقض تحریم‌های ایالات متحده، خرید نفت ایران را به شدت کاهش داده است. به علاوه، چین عمده فعالیت‌های تجاری خود در ایران را متوقف کرده و قادر نبوده که به وعده خود مبنی بر تحویل چند پروژه بزرگ جامه عمل بپوشاند.

169. Scott Warren Harold and Alireza Nader, *China and Iran: Economic, Political, and Military Relations*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, OP-351-CMEPP, 2012.

شرکت‌های چینی اوضاع را برای ایران بغرنج‌تر کرده‌اند و به خاطر تحریم‌های مالی که ایران را از نظام مالی جهانی دور نگه داشته، پول نفت ایران را نقد پرداخت نمی‌کنند. در عوض، ایران وادار به پذیرش یک نظام تهاتر شده است که بر اساس آن باید از عایدات نفتی خود از چین برای خرید کالاهای چینی مختلف از کالاهای مصرفی گرفته تا خودرو استفاده کند.^{۱۷۰} بسیاری از ایرانی‌هایی که به محصولات غربی دسترسی ندارند، از محصولات چینی «بی‌کیفیتی» که به راحتی از بین می‌روند یا با سلیقه ایرانی جور در نمی‌آیند، شکایت می‌کنند. ایرانی‌ها سرازیر شدن واردات چینی را باعث و بانی تحت فشار قرار گرفتن تولید داخلی و تشدید بیکاری از زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۲۰۱۳-۲۰۰۵) دانسته‌اند که به انزوای فزاینده ایران منتهی شده است.^{۱۷۱} وزارت صنایع ایران در آگوست ۲۰۱۰ اعلام کرد که مجوز واردات ۱۷۰ کالا به دلیل عدم مطابقت با استانداردهای کیفیت ایران لغو شده است.^{۱۷۲} بیش از ۸۰ درصد از کالاهای ممنوعه چینی و عمدتاً اسباب‌بازی، وسایل الکترونیکی و لوازم خانگی بودند. اتاق بازرگانی ایران و چین تلاش کردند این شکایت‌ها را با انتساب آنها به «تبلیغات غربی» رد کنند، تبلیغاتی که هدف از آن لطمه زدن به روابط بین دو کشور است.^{۱۷۳} تصورات منفی از چین به مردم عادی محدود نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد که نفرت از چین در میان برخی از نخبگان سیاسی و روحانیون هم رو به افزایش باشد.^{۱۷۴} تصور چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو این است که حکومت چین از دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، در بدترین شکل سوءاستفاده اقتصادی و سیاسی همدستی دارد.

مخصوصاً، تصور جنبش اصلاحات بر این است که چین با تدارک گاز اشک‌آور و فناوری رصد و نظارت در سرکوب اعتراضات سال ۸۸ جنبش سبز به حکومت ایران کمک کرده است.^{۱۷۵} در زمان اعتراضات، برخی از معترضان حتی شعارهای «مرگ بر چین» سر دادند.^{۱۷۶}

170. "China Floods Iran with Cheap Consumer Goods in Exchange for Oil," *Guardian*, February 2013, 20.

171. "Enteghad az Dowlat beh Dalile 'Vagozaariye Bazaare Iran beh Chiin'" ["Criticism of Administration for 'Handing Iranian Market Over to China'"], *Deutsche Welle*, June 6, 2012.

172. "Fehreste 170 Kalaaye Varedaatiye Bi-Keyfiyat" ["List of 170 Poor Quality Imported Goods"], *Tabnak*, August 24, 2010.

173. "Bi Keyfiyat Budan e Kola haye Chini Tabligh e Gharb Ast" ["The Poor Quality of Chinese Goods Is Western Propaganda"], *Digarban.com*, March 11, 2012.

174. "Enteghad Az Dowlat Beh Dalile 'Vagozaariye Bazaare Iran Beh Chiin,'" 2012.

175. Harold and Nader, 2012.

176. Harold and Nader, 2012.

همچنین به زعم بسیاری از ایرانی‌ها و رهبران سیاسی میانه‌روتر یا اصلاح‌طلب، ایران وابستگی زیادی به چینی پیدا کرده که مشتاق بهره جستن از انزوای اقتصادی ایران است. اجرای سرسختانه رژیم تحریم‌ها علیه تهران، امکان تجارت یا سرمایه‌گذاری غربی‌ها در این کشور را عملاً از بین برده و رقیب چندانی برای پکن باقی نمانده و اوضاع بسیار مطلوبی پیش روی چین نهاده تا در چارچوب آن به گفتگوی تجاری با ایران پردازد.^{۱۷۷}

سیاست چین در قبال ایران همچنان ایجاد موازنه محتاطانه است؛ رعایت گسترده تحریم‌ها و محدودیت‌های تحت رهبری ایالات متحده و در عین حال سرمایه‌گذاری در فرصت‌هایی که انزوای ایران برایش فراهم ساخته است. پکن نمی‌خواهد که یک ایران هسته‌ای یا تقابل علنی و بحران نظامی ببیند، اما به اندازه واشنگتن هم نگران گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ایران نیست. دستگاه‌های امنیت ملی چین عموماً ایران را کشوری با ثبات در منطقه‌ای متلاطم تلقی می‌کنند که می‌تواند به حفاظت از منافع اقتصادی و ژئواستراتژیک چین کمک کند.^{۱۷۸} مشخصاً، به نظر می‌رسد که دستگاه امنیت ملی چین، ایران را وزنه‌ای مؤثر در برابر گروه‌هایی مانند دولت اسلامی می‌داند.^{۱۷۹} اما با اینکه چین می‌تواند به نحوی از توافق هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها سود ببرد، حفظ یک بحران پایدار، سطح پایین و ملایم نیز قابل قبول بوده و به دسترسی پکن به بازار ایران در بجه‌افول اقتصادی ایران تداوم می‌بخشد. دولت حسن روحانی با چین برخوردی صمیمانه داشته و علاقه خود نسبت به روابط نزدیک‌تر چین و ایران را نشان داده است. دولت روحانی با وجود تبعیت چین از تحریم‌ها، روابط بهتر با پکن را از مؤلفه‌های مهم کاهش انزوای ایران تلقی می‌کند. چین می‌تواند در پی توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵ به یک شریک انرژی و اقتصادی مهم‌تر از پیش بدل شود؛ سرمایه‌گذاری چین در بخش انرژی ایران می‌تواند بخش مهمی از تلاش روحانی برای خصوصی‌سازی اقتصاد و ادغام بیشتر آن در نظام جهانی باشد. چین همچنان یک وزنه تعادل مفید در برابر نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه و ماورای آن خواهد بود. در عین حال، حسن روحانی شاید بخواهد که در روابط چین و ایران دوباره موازنه‌ای برقرار نماید تا به مدد گسترش بهتر روابط با غرب از وابستگی ایران به پکن بکاهد. ایرانی‌ها کلاً نسبت به سلطه قدرت‌های خارجی، چه غربی باشد و چه غیره، حساس هستند.

177. Dorraj and English, 2013.

۱۷۸. بحث با تحلیل‌گران چینی، پکن و شانگهای، ۱۷-۸ سپتامبر ۲۰۱۴.

۱۷۹. بحث با تحلیل‌گران چینی، پکن، ۱۵-۸ سپتامبر ۲۰۱۴.

از نقطه نظر چین، ایران می‌تواند به مقابله با قدرت ایالات متحده در خاورمیانه کمک کند.^{۱۸۰} ایران تنها قدرت منطقه‌ای عمده است که متحد ایالات متحده محسوب نمی‌شود. اگر چین تصمیم بگیرد که حضور نظامی خود در خاورمیانه را افزایش دهد، ایران می‌تواند نقش ذی‌قیمتی در دستیابی به اهداف ژئواستراتژیک پکن ایفا نماید.

اما مبالغه‌آمیز خواهد بود که چین و ایران را شرکایی برابر بدانیم. چین، در بهترین حالت، ایران را شریکی جزء^{۱۸۱} می‌داند. وزن روابط اقتصاد چین با ایالات متحده بر کفه اهمیت ایران در نظر چین سنگینی می‌کند.^{۱۸۲} و پکن مراقب است که اسباب آزردهی خاطر رقبای منطقه‌ای بزرگ ایران، یعنی اسرائیل و عربستان سعودی، را فراهم نسازد. تحلیل‌گران چین در بحث‌های خود با نویسندگان گزارش حاضر در سال ۲۰۱۴ تأکید داشتند که ریاض، شریک/استراتژیک پکن است، اما برای توصیف روابط چین با ایران از این اصلاح استفاده نمی‌کردند.^{۱۸۳} در حال حاضر، چین از ماهیت رابطه خود با ایران رضایت دارد.

افزایش روابط در آستانه انقلاب ایران

چین و ایران قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹، روابط صمیمانه، اگرچه چندانگرم، برقرار کردند. محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران، چین را یک بازیگر مهم در عرصه بین‌المللی تلقی می‌کرد، اما بیشتر تمرکزش بر رقابت جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد شوروی بود. شاه که دشمن قسم‌خورده کمونیسم بود، اتحاد خود با غرب، علی‌الخصوص ایالات متحده، را یکی از ستون‌های حاکمیت و قابلیت ایران برای نمایش قدرت خود در خاورمیانه تلقی می‌کرد. انقلاب سال ۱۹۷۹ باعث تغییری اساسی در روابط چین و ایران شد. جایگزینی یک حکومت دین‌سالار شیعی انقلابی و ضدآمریکایی با حکومت شاه، ایران را از اردوگاه غرب خارج کرد؛ سیاست خارجی تهران بر «آزادسازی» خاورمیانه از یوغ آمریکا متمرکز شد. اما تهران از مسکو و احزاب کمونیستی وابسته به آن در ایران و سراسر منطقه نگران بود. چین قدرت مستقل، انقلابی و در حال توسعه و مشغول رقابت با واشنگتن و مسکو و در نتیجه شریکی جذاب‌تر برای ایران بود.

180. John Garver, "China-Iran Relations: Cautious Friendship with America's Nemesis," *China Report*, Vol. 49, No. 1, February 2013.

181. junior partner

182. Manochehr Dorraj and James English, "China's Strategy for Energy Acquisition in the Middle East: Potential for Conflict and Cooperation with the United States," *Asian Politics & Policy*, Vol. 4, No. 2, April 2012.

۱۸۳. بحث با تحلیل‌گران چینی، پکن، ۱۵-۸ سپتامبر ۲۰۱۴.

روابط بین چین کمونیستی و جمهوری اسلامی در ابتدای کار لرزان و دشوار بود. هوآگوئو فنگ^{۱۸۴} دبیر حزب کمونیست چین، یکی از آخرین مقامات عالی رتبه‌ای بود که قبل از فرار شاه از ایران با وی دیدار کرد. آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، ابتدا چین را قدرتی غیردوست تلقی می‌کرد. هرچند، انزوای ایران پس از انقلاب و احساس قربابت با چین به روابط فزاینده بین دو کشور بدل شد.

جنگ ایران با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) یکی از بزرگ‌ترین عوامل محرک همکاری چین و ایران بود. ایران قبل از انقلاب، یکی از دریافت‌کنندگان بزرگ سلاح‌های ایالات متحده بود و در دوران جنگ طولانی و خونبار خود با عراق برای تجدید دوباره ذخایر و انبارهای سلاح خود دچار دردسر و گرفتاری شده بود. تهران بیشتر بر بازیگران خرده‌پایی چون سوریه، لیبی و کره شمالی تکیه داشت، در حالی که عراق از ایالات متحده، فرانسه، اتحاد شوروی و بسیاری از قدرت‌های دیگر سلاح دریافت می‌کرد.

چین تنها قدرت بزرگی بود که حاضر به فروش سلاح به ایران شد (هرچند پکن هم‌زمان به عراق هم سلاح و هواپیماهای نظامی می‌فروخت).^{۱۸۵} علاوه بر این، چین در دهه ۱۹۸۰ از حمایت از کمونیسم انقلابی دست کشید و خطر چندانی را متوجه الگوی جدید حکومت اسلامی ایران نمی‌کرد.

تلاش‌های ایران برای بهبود اوضاع بعد از جنگ به این معنی بود که این کشور دیگر نمی‌تواند سیاست خارجی خود را فقط بر ایدئولوژی استوار سازد. تهران برای بازسازی پس از جنگ نیازمند دستیابی به سرمایه‌گذاری، تجارت و فناوری خارجی بود. عملگرایان ایرانی مانند علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور، به دنبال روابط نزدیک‌تر با قدرت‌های خارجی، خصوصاً کشورهای غیر غربی بود. رفسنجانی علاقه زیادی داشت که بدون انجام اصلاحات سیاسی، اقتصاد را خصوصی‌سازی کند؛ برخلاف غربی‌ها، چین درباره دموکراسی و حقوق بشر چیزی به ایران نمی‌گفت.

دیدار سال ۱۹۹۲ رفسنجانی از یک نقطه عطف در روابط چین و ایران حکایت داشت. بعدها، چین به یک شریک مهم تجاری و نظامی ایران بدل شد. مشخصاً، چین نه تنها سلاح بلکه فوت و فن و فناوری توسعه برنامه نظامی و هسته‌ای را هم در اختیار ایران گذاشت.^{۱۸۶} لزوم

184. Hua Guofeng

185. See the SIPRI Arms Transfers Database at www.sipri.org/databases/armstransfers (accessed September 16, 2014).

186. Harold and Nader, 2012.

خروج از انزوا، استراتژی ایران را شکل داده بود و با اینکه چین مصرانه به دنبال تحمیل خود به صحنه جهانی بود، همکاری اقتصادی و نظامی فزاینده آن با ایران مبتنی بر محاسبات عملگرایانه بود، نه نوعی استراتژی کلان در قبال خاورمیانه.

اقتصاد چین در دهه ۱۹۹۰ شاهد رشدی پایدار بود. چین نفت ایران را لازم داشت و بازسازی این کشور خاورمیانه‌ای را یک فرصت تجاری خوب تلقی می‌کرد. در سال ۱۹۹۳، چین بدل به یکی از واردکنندگان عمده نفت شد و اهمیت ایران در محاسبات چین افزایش پیدا کرد.^{۱۸۷} تنش‌های ایالات متحده-چین بر سر قتل عام میدان تیان‌آن‌من هم نقش انگیزه‌ای برای همکاری بیشتر چین-ایران را ایفا کرد.

با این حال، روابط چین با ایران مبتنی بر اوضاع و شرایط، فراز و فرود داشته است. چین هر زمان که منافعش حکم کند با ایران وارد معامله می‌شود، اما اگر واشنگتن فشار بیاورد، حاضر است که روابط خود با ایران را قطع کند. دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاید دوره همکاری‌های فزاینده چین و ایران بود، اما این روابط در اواخر دهه ۱۹۹۰ تا حدی رو به سردی گذاشت. به نظر می‌رسید که پکن تصمیم گرفته که روابط دوجانبه را محدود نماید؛ حمایت چین از برنامه هسته‌ای و موشکی ایران در سال ۱۹۹۷، به عنوان بخشی از تلاش پکن برای بهبود روابط با واشنگتن کاهش یافت.^{۱۸۸}

رهبری چین که بر سر تایوان با ایالت متحده تنش‌های فزاینده‌ای پیدا کرده و مشتاق پیوستن به سازمان تجارت جهانی بود، به این نتیجه رسید که رابطه کمتر فعال با تهران باعث افزایش روابط چین با ایالات متحده شده و به اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیک بیشتر پکن سود می‌رساند. با همه این اوصاف، رابطه چین با ایران در دهه آغازین قرن ۲۱ دوباره شاهد بهبودی قابل ملاحظه‌ای بود. از آنجا که نیازهای انرژی چین افزایشی قابل ملاحظه داشت، رهبری آن بر سیاست «رو به بیرون»^{۱۸۹} سرمایه‌گذاری در بازارهای غنی از انرژی تأکید کرد. ذخایر گسترده انرژی ایران، نزدیکی جغرافیایی نسبی آن به چین و خصومت آن با ایالات متحده، این کشور را به یک شریک تجاری جذاب بدل کرد.

همکاری نظامی و هسته‌ای

در سه دهه گذشته، چین در مدرن‌سازی نظامی و توسعه هسته‌ای ایران یک شریک مهم و کلیدی بوده و سلاح‌های سبک و موشک‌های کروز ضد کشتی در اختیار ایران گذاشته و از

187. Harold and Nader, 2012.

188. Garver, 2013.

189. going out

توسعه قابلیت‌های تولید نظامی داخلی خود ایران هم حمایت کرده است.^{۱۹۰} چین در اجرای برنامه هسته‌ای ایران در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هم کارگشا و سودمند بود.^{۱۹۱} تدارک سلاح‌های پیشرفته برای ایران (و انتقال گاه به گاه آنها به بازیگران تابعه دولت^{۱۹۲}) از صنایع دفاعی چین حمایت کرده و ایران را به عنوان یک وزنه تعادل منطقه‌ای سودمند در برابر ایالات متحده تقویت می‌کرد.

در سال ۲۰۰۸، چین از روسیه پیشی گرفت و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات ایران شد.^{۱۹۳} از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹، موشک‌های ضدکشتی و ضدهوایمما، غالب فروش تسلیحاتی چین به ایران بوده‌اند.^{۱۹۴} موشک‌های کروز ضدکشتی سی-۸۰۱، سی-۸۰۲ و سی-۷۰۴ و موشک‌های زمین به هوای قابل حمل کیو دلبلیو-۱۱ از این جمله بوده‌اند.^{۱۹۵} در مارس ۲۰۱۰، ایران تأسیسات ساخت چین برای موشک‌های ضدکشتی هدایت‌شونده نصر-۱ را افتتاح کرد.^{۱۹۶} نصر-۱ بر اساس سی-۷۰۴ چینی ساخته شده است.^{۱۹۷} چین به ایران کمک کرده که موشک‌های کروز ضدکشتی خود با عنوان نور را هم بسازد که مدل به‌روز شده‌ای از سی-۸۰۲ چینی است.^{۱۹۸} از سال ۲۰۰۵، ایران به واسطه عضویت در سازمان همکاری‌های افضای آسیا^{۱۹۹} در برنامه موشکی خود از مساعدت بهره‌مند شده است.^{۲۰۰} از طریق این سازمان بود که چین در توسعه موشک‌های بالستیک به ایران کمک کرد تا بتواند ماهواره پرتاب کند.^{۲۰۱} از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۶، چین در توسعه برنامه هسته‌ای ایران به این کشور کمکی حیاتی کرده است.^{۲۰۲} چین به ایران در ساختن مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان یاری رساند که در سال ۱۹۸۴ آغاز به کار کرد. چین، مهندسان هسته‌ای ایران را آموزش داد و در استخراج اورانیوم به این کشور کمک کرد. در سال ۱۹۹۰، ایران و چین یک قرارداد همکاری هسته‌ای امضا کردند.

190. Harold and Nader, 2012.

191. Harold and Nader, 2012.

192. Robert F. Worth and C. J. Chivers, "Seized Chinese Weapons Raise Concerns on Iran," *New York Times*, March 2, 2013.

193. Worth and Chivers, 2013.

194. Worth and Chivers, 2013.

195. Worth and Chivers, 2013; Garver, 2013.

196. "China Opens Missile Plant in Iran," *UPI*, April 23, 2010.

197. "Iran > Procurement," *Jane's Sentinel Security Assessment—The Gulf States*, IHS Jane's, September 10, 2014.

198. "China Opens Missile Plant in Iran," 2010.

199. Asia Pacific Space Cooperation Organization (APSCO)

200. Garver, 2013.

201. Garver, 2013.

202. Harold and Nader, 2012.

یک سال بعد، چین یک محموله یک تُنی هگزافلوراید اورانیوم^{۲۰۳} به ایران فرستاد.^{۲۰۴} بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲، ایران برای آزمایش سانتریفوژهای خود در شرکت کالای الکترونیک در تهران از هگزافلوراید اورانیومی استفاده کرد که چین به این کشور داده بود.^{۲۰۵} در سال ۱۹۹۷، پکن در تلاش برای بهبود روابط با واشنگتن به حمایت رسمی از برنامه هسته‌ای ایران پایان داد. با اینکه چین در سال‌های اخیر همکاری نظامی خود را تعدیل کرده است، در پی تشدید تحریم‌ها هر دو کشور همچنان بر تحکیم این رابطه تأکید داشتند. حسین دهقان، وزیر دفاع ایران، در مه ۲۰۱۴ از پکن دیدار کرد؛ او مورد استقبال چانگ وان چوان، همتای چینی خود قرار گرفت. دهقان درباره وضعیت امنیت جهانی به تبادل نظر پرداخته و خواهان تجدید پیوندهای باستانی دو کشور شد که نماد آن جاده ابریشم بود. او همچنین خواستار افزایش همکاری ایران و چین در امور دفاعی، امنیتی و نظامی شد.^{۲۰۶}

رسانه‌های ایرانی بعدها مدعی شدند که چانگ، ایران را یک «شریک استراتژیک» توصیف کرده است.^{۲۰۷} بی‌شک این مسأله از آرزوهای ایران برای چنین رابطه‌ای حکایت دارد،^{۲۰۸} اما چین در سال‌های اخیر در ترسیم همکاری امنیتی خود با ایران ملاحظه‌کارتر بوده و ظاهراً خیلی مشتاق نیست که از اصطلاح «شریک استراتژیک» استفاده کند.^{۲۰۹} با همه این اوصاف، ناوهای جنگی چین در سپتامبر ۲۰۱۴ برای انجام تمرین‌های دریایی برای اولین بار وارد بنادر ایران شدند^{۲۱۰} که دیدگاه‌های ایرانی‌ها مبنی بر یک رابطه استراتژیک شکوفایی بین دو کشور را تقویت کرد.

با وجود کاهش کمک نظامی حکومت چین به ایران، مراوده با چینی‌ها در برنامه‌های

203. uranium hexafluoride (UF6)

204. David Albright and Andrea Stricker, "Iran's Nuclear Program," in United States Institute of Peace, *The Iran Primer*, Washington, D.C., updated September 2015.

205. International Atomic Energy Agency, *Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran*, Vienna, November 10, 2003.

206. "Takid e Vazirae e Defa' e Iran va Chin bar Gostaresh e Hamkari haye Defa'ee Tehran va Peka" ["Tehran and Beijing—Iranian and Chinese Defense Secretaries Emphasize Increase in Defense Cooperation"], Fars News Agency, May 5, 2014.

207. "Takid e Vazirae e Defa' e Iran va Chin bar Gostaresh e Hamkari haye Defa'ee Tehran va Peka," 2014.

208. "Iran Views China Ties as Strategic: Official," PressTV, April 8, 2014.

209. "Xi Jinping Holds Talks with President Hassan Rouhani of Iran, Stressing to Promote China-Iran Friendly Cooperation to New High," Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, May 22, 2014.

210. Thomas Erdbrink and Chris Buckley, "China and Iran to Conduct Joint Naval Exercises in the Persian Gulf," *New York Times*, September 21, 2014.

گسترش و نوسازی دفاعی ایران همچنان با اهمیت باقی مانده است. روشن نیست که حکومت چین از این فعالیت‌ها اطلاع دارد یا تصمیم گرفته که آنها را نادیده بگیرد. در آوریل ۲۰۱۴، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، هشت شرکت مستقر در چین را به خاطر فعالیت به‌عنوان پوششی برای اقدامات کارل لی^{۲۱۱}، تاجر چینی (که به لی فنگگ وی هم شهرت دارد)، در حمایت از فعالیت‌های اشاعه برنامه موشکی ایران مورد تحریم قرار داد.^{۲۱۲} لی به نقض قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی^{۲۱۳} و تلاش برای تدارک فناوری با کاربرد دوگانه برای صنایع دفاعی و هوافضای ایران متهم شد.^{۲۱۴} با اینکه لی «اشاعه‌دهنده معروف» و «تأمین‌کننده اصلی» در جایگاه یک مقام رسمی حکومتی عمل نکرده بود، پکن سریعاً به دفاع از او برخاست و اظهار داشت که «سرسختانه مخالف» تحریم‌های یک‌جانبه است و هشدار داد که اقدامات ایالات متحده به تلاش‌ها برای منع گسترش تسلیحات لطمه خواهد زد.^{۲۱۵}

به گفته ون وان دیپن،^{۲۱۶} معاون دستیار وزیر امور خارجه در امور امنیتی و عدم اشاعه، لی «یکی از اشاعه‌دهندگان برجسته و منبع اصلی تدارکات برنامه موشکی ایران است. متأسفانه به نظر می‌رسد که او همچنان قادر است که به فن‌آوری‌های مورد نیاز ایران با فعالیت در قلمرو چین دست پیدا کند».^{۲۱۷} ایالات متحده ظاهراً ناخردسندی خود از ناکامی چین در تبعیت کامل از رژیم‌های منع گسترش بین‌المللی را ابراز داشته است، هرچند اذعان داشته که چین در این حوزه میزانی از پیشرفت و همکاری را نشان داده است.

در آوریل ۲۰۱۴، ایالات متحده، سیهای چنگ چینی را به نقض تحریم‌های ایالات متحده از طریق کمک به ایران در تدارک هزاران ترانس‌میتز فشار^{۲۱۸} ساخت ایالات متحده که برای غنی‌سازی اورانیوم مورد استفاده قرار می‌گیرد، متهم کرد.^{۲۱۹}

211. Karl Lee

212. "US Targets Weapons, Oil Sanctions Evaders," in *The Iran Primer*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace, April 29, 2014.

213. International Emergency Economic Powers Act

214. U.S. Department of Justice, "'Karl Lee' Charged in Manhattan Federal Court with Using a Web of Front Companies to Evade U.S. Sanctions," Office of Public Affairs, April 29, 2014.

215. "China 'Resolutely Opposes' U.S. Sanctions on Missile Parts Supplier," Reuters, April 30, 2014 .

216. Vann Van Diepen

217. William MacLean, "Iran Seeks Banned Nuclear Items, Uses China Trader for Missile Parts: U.S.," Reuters, March 17, 2014.

218. pressure transducer

219. "U.S. Accuses Chinese Man Of Breaching Iran Nuclear Sanctions," BBC, April 4, 2014.

همکاری اقتصادی و انرژی

نیاز روزافزون چین به انرژی، مهم‌ترین نقش را در روابط این کشور با ایران ایفا می‌کند. توسعه اقتصاد بی‌وقفه چین، اهمیت دسترسی به نفت خلیج فارس را بیش از پیش می‌سازد.^{۲۲۰} در سال ۲۰۱۱، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خلیج فارس در جهان شد (که ۲۶ درصد از کل مصرف این کشور را تشکیل می‌دهد).^{۲۲۱} در سال ۲۰۱۴، ایران ۱۰ درصد از واردات نفتی چین را تأمین می‌کرد.^{۲۲۲} به دنبال پذیرش عضویت چین در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، روابط پکن با تهران نزدیک‌تر شد.^{۲۲۳} واردات نفت چین از ایران در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ دو برابر شد (گرچه واردات چین از عربستان سعودی در همین دوره افزایشی هفت برابری داشت).^{۲۲۴} در این حین، کسب و کارهای چینی از فرصت غیرمنتظره خروج شرکت‌های بین‌المللی از بازار ایران در پی فشار ایالات متحده نهایت استفاده را بردند. ۲۲۵ در سال ۲۰۰۵، چین جای ژاپن را به عنوان منبع اصلی واردات ایران گرفت.^{۲۲۶} و در سال ۲۰۰۷، چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران از اتحادیه اروپا پیشی گرفت.^{۲۲۷}

نفت و گاز

ایران دریافته که منفعت اصلی تجارت با شرکت‌های چینی، تمایل بیشتر آن‌ها به انتقال فن‌آوری در مقایسه با شرکت‌های غربی است. به زعم جان گارور^{۲۲۸}، فن‌آوری صنعتی چین با اینکه به اندازه فن‌آوری غربی پیشرفته نیست، اغلب «به قدر کفایت خوب» است و هنوز «گامی به جلو برای صنایع ایران» محسوب می‌شود.^{۲۲۹}

ایران، علاوه بر فناوری، چین را منبع سرمایه‌گذاری‌های بسیار ضروری خود می‌داند. از سال ۲۰۰۴، چین یکی از سرمایه‌گذارهای اصلی در زیرساخت انرژی ایران بوده است.^{۲۳۰} ایران

220. Samir Tata, "Recalibrating American Grand Strategy: Softening US Policies Toward Iran in Order to Contain China," *Parameters*, Vol. 42, No. 4, 2013.

221. Tata, 2013.

222. Xiangming Chen and Ivan Su, "A Different Global Power? Understanding China's Role in the Developing World," *The European Financial Review*, June 2014.

223. Harold and Nader, 2012.

224. Garver, 2013.

225. Harold and Nader, 2012.

226. Garver, 2013.

227. Lauren Dickey and Helia Ighani, "Iran Looks East, China Pivots West," *The Diplomat*, August 25, 2014.

228. John Garver

229. Garver, 2013, p. 77.

230. Dickey and Ighani, 2014.

برای به روز کردن زیرساخت انرژی خود نیازمند بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه است.^{۲۳۱} در سال ۲۰۰۴، شرکت چینی ساینوپک برای توسعه میدان نفتی یادآوران یک قرارداد ۱۰۰ میلیارد دلاری با شرکت ملی نفت ایران امضا کرد.^{۲۳۲} در سال ۲۰۰۶، بعد از اینکه ایالات متحده موفق شد به شرکت اکتشاف نفت و گاز اینپکس ژاپن فشار بیاورد که سهم خود در میدان نفتی آزادگان را ۹۰ درصد کاهش دهد، شرکت ملی نفت چین جای این شرکت ژاپنی را گرفت.^{۲۳۳} در سال ۲۰۰۹، چین شریک اصلی ایران در توسعه بخش انرژی بود و فقط آن سال حدود ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرد.^{۲۳۴}

در پی تحریم‌های ایالات متحده بر صادرات بنزین ایران در سال ۲۰۰۹، شرکت‌های چینی برای بهبود پالایش بنزین ایران قراردادهایی به ارزش ۳ میلیارد دلار امضا کردند.^{۲۳۵} و در همان سال، شرکت ملی نفت چین برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی ایران قراردادی ۴/۷ میلیارد دلاری امضا کرد.^{۲۳۶} در سال ۲۰۱۱، چین برای سرمایه‌گذاری ۲/۵ میلیارد دلاری جهت توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی قراردادی را به امضا رساند.^{۲۳۷} و در سال ۲۰۱۳، ساینوپک و یک شرکت کره جنوبی برای ارتقای پالایشگاه نفت اصفهان، قراردادی به ارزش ۱/۵ میلیارد دلاری امضا کردند.^{۲۳۸}

پتروشیمی

چین بزرگترین بازار محصولات پتروشیمی ایران، علی‌الخصوص متانول است.^{۲۳۹} بعد از لغو تحریم‌های صنعت پتروشیمی ایران به عنوان بخشی از توافق موقت هسته‌ای که در نوامبر ۲۰۱۳ بین ایران و گروه ۵+۱ امضا شد، چین سرمایه‌گذاری خود در این بخش از بازار ایران را افزایش داد. در ژوئن ۲۰۱۴، ایران اعلام کرد که چین بودجه تکمیل هفت تأسیسات متانول در پارس جنوبی را تأمین خواهد کرد.^{۲۴۰} چین برنامه دارد که در مجتمع پتروشیمی بوشهر هم ۲/۶ میلیارد

231. Dorraj and English, 2013.

232. Janet Xuanli Liao, "China's Energy Diplomacy and Its 'Peaceful Rise' Ambition: The Cases of Sudan and Iran," *Asian Journal of Peacebuilding*, Vol. 1, No. 2, 2013.

233. Liao, 2013.

234. Garver, 2013.

235. Liao, 2013.

236. Liao, 2013.

237. Liao, 2013.

238. Liao, 2013.

239. Harold and Nader, 2012.

240. "China to Finance 7 Iranian Methanol Projects," Fars News Agency, June 14, 2014.

دلار سرمایه‌گذاری کند.^{۲۴۱} در مه ۲۰۱۴، شرکت‌های چینی برنامه خود را برای سرمایه‌گذاری بیش از ۶۰۰ میلیون دلار جهت ساخت مجتمع پتروشیمی لردگان اعلام کردند.^{۲۴۲} به علاوه، چین به ایران کمک می‌کند که زیرساخت غیرانرژی خود را نیز توسعه دهد. در سال ۲۰۱۰، چین برای پروژه‌های بهسازی شهر تهران، یک میلیارد دلار بودجه تأمین کرد.^{۲۴۳} و از اواسط دهه ۲۰۰۰، شرکت‌های چینی برای ساخت سدهای آبی در سراسر ایران بیش از میلیاردها دلار قرارداد امضاء کرده‌اند.^{۲۴۴} این پروژه‌ها برای بیش از صدها کارگر چینی ایجاد اشتغال کرده است.^{۲۴۵}

چین و تحریم‌ها

به استثنای چند مورد، چین کلاً از تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده علیه ایران تبعیت کرده است. پکن در حمایت از آخرین دور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل (۱۹۲۹) علیه ایران رأی داد و راه را برای تحریم‌های سختگیرانه‌تر ایالات متحده و اتحادیه اروپایی هموار کرد؛ و علی‌رغم مخالفت علنی خود با سیاست تحریم، چین از استراتژی گروه ۵+۱ برای افزایش فشار بر ایران حمایت کرده است.

بی‌شک چین بزرگ‌ترین ذی‌نفع مناقشه هسته‌ای ایران با غرب بوده است. منوچهر دراج^{۲۴۶} و جیمز انگلیش^{۲۴۷} می‌گویند که «پکن با مهارت تمام از پیوندهای خود با تهران به‌عنوان یک برگ برنده در روابطش با ایالات متحده استفاده کرد» و در ازای موافقت با تحریم‌های سازمان ملل، از واشنگتن امتیاز گرفت.^{۲۴۸} این امتیازات به چین اجازه می‌داد که بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بماند. چین از اغماض‌ها در اجرای قوانین تحریمی^{۲۴۹} برخوردار می‌شد تا نفت ایران را وارد کند که به خاطر فرصت‌های وارداتی محدود ایران با تخفیف عرضه می‌شد. به

241. "China to Finance 7 Iranian Methanol Projects," 2014.

242. "China to Finance 7 Iranian Methanol Projects," 2014.

243. Harold and Nader, 2012.

244. "Iran, China to Sign \$2b Deal on Dams," *Press TV*, May 10, 2007; Harold and Nader, 2012.

245. Harold and Nader, 2012.

246. Manochehr Dorraj

247. James English

248. Dorraj and English, 2012.

249. Waiver

خودداری از اجرای قوانین تحریمی. برخی از تحریم‌های آمریکا به موجب قوانین وضع شده‌اند و بنابراین دولت آمریکا اختیار لغو یا تعلیق آنها را ندارد، اما در اکثر قوانین مزبور، این اختیار داده شده است که بنا به ملاحظاتی همچون امنیت ملی یا منافع ملی از اجرای تحریم‌ها خودداری کند.

گفته کنت کاتزمن^{۲۵۰}، «ایران اساساً تحت برنامه جنس بنجل در برابر نفت است».^{۲۵۱} در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۳، چین نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار بدهی معوقه به ایران داشت که نتیجه تحریم‌ها بر نظام بانکی ایران بود.^{۲۵۲}

به علاوه، چین در عین اینکه توافقات خود با ایران را حفظ کرده، برای دلجویی و ساکت کردن ایالات متحده «آهسته» پیش رفته است.^{۲۵۳} استراتژی چین «دو دستی چسبیدن به پروژه‌هایی است که به خاطر آن‌ها قراردادهای الزام آور امضا کرده، اما در عین حال هرگونه سرمایه‌گذاری قابل توجه در این پروژه‌ها، تا زمانی که انجام سرمایه‌گذاری امن نباشد، به تأخیر می‌افتند».^{۲۵۴} شرکت‌های چینی به عنوان بخشی از این استراتژی، اغلب قراردادهای بزرگی با ایران امضاء کرده‌اند اما برای انتقال بودجه جهت آغاز این قراردادها این دست و آن دست می‌کنند.^{۲۵۵}

با وجود اینکه چین برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی قرارداد ۴/۷ میلیارد دلاری امضا کرده است، مجموع سرمایه‌گذاری آن در آگوست ۲۰۱۱ کلاً ۱۸ میلیون دلار بود. ۱۸۲۵۶ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، ۲ میلیون دلار کمتر از محدودیتی بود که ایالات متحده در قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و منع سرمایه‌گذاری ایران^{۲۵۷} برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران وضع کرده بود (در سال ۲۰۱۳، شرکت ملی نفت چین کاملاً از قرارداد عقب‌نشینی کرد).^{۲۵۸} در ژانویه ۲۰۱۲، ایران به خاطر دیر کردهای شرکت ملی نفت فلات قاره چین^{۲۵۹} در توسعه میدان پارس شمالی، موقتاً جلوی فعالیت آن را گرفت.^{۲۶۰} در آوریل ۲۰۱۴، ایران قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری میدان نفتی آزادگان با چین را به خاطر دیر کردها لغو کرد.^{۲۶۱}

250. Kenneth Katzman

251. Indira A. R. Lakshmanan, and Pratish Narayanan, "India and China Skirt Iran Sanctions with 'Junk for Oil,'" Bloomberg, March 30, 2012.

252. Yun Sun, "Iran and Asia 1: China Is the Quiet Giant," in *The Iran Primer*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace, January 29, 2014.

253. Garver, 2013.

254. Erica Downs, "Cooperating with China on Iran," The German Marshall Fund of the United States, January 2012, p. 5.

255. Zhao Hong, "China's Dilemma on Iran: Between Energy Security and a Responsible Rising Power," *Journal of Contemporary China*, Vol. 23, No. 87, 2014.

256. Downs, 2012.

257. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act

258. Liao, 2013.

259. China National Offshore Oil Corporation

260. Downs, 2012.

261. Dickey and Ighani, 2014.

برخی از شرکت‌های چینی تصمیم گرفته‌اند که برای اجتناب از تحریم‌های ایالات متحده کلاً از پروژه‌ها کناره‌گیری کنند. در سال ۲۰۱۲، بانک صنعتی و بازرگانی چین^{۲۶۲} تسلیم فشار ایالات متحده شد و از توافق با ایران برای کمک به تأمین بودجه خط لوله گاز ایران-پاکستان کناره‌گیری کرد.^{۲۶۳} در آوریل ۲۰۱۳، مدیرعامل شرکت زد.تی.ای، دومین سازنده بزرگ تجهیزات مخابراتی چین، اعلام کرد که این شرکت «اساساً معامله با ایران را متوقف کرده است».^{۲۶۴} ایالات متحده این گروه را به فروش سیستم نظارتی بالقوه به حکومت ایران متهم کرده بود، هرچند این شرکت شاکی بود که رقبا دیگر تعداد بیشتری از همان تجهیزات را به ایران فروخته‌اند.^{۲۶۵} چند ماه بعد، دو شرکت کشتیرانی بزرگ چینی، خطوط کانتینری کشتیرانی چین^{۲۶۶} و خطوط کانتینری شرکت گروه کشتیرانی اوشن چین^{۲۶۷} هم در پاسخ به تشدید تحریم‌های ایالات متحده، ارتباطات خود با ایران را قطع کردند^{۲۶۸} و به تعدادی دیگر از خطوط کشتیرانی بزرگ بین‌المللی پیوستند که سال قبل کناره‌گیری کرده بودند. تجارت دو جانبه به خاطر تحریم‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و از ۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسید.^{۲۶۹} مناقشات بین ایران و شرکت‌های چینی بر سر شرایط قراردادها هم تأثیری منفی بر روابط تجاری داشت.^{۲۷۰} سرمایه‌گذاری غیرانرژی چین هم کاهشی ۸۷ درصدی داشت و از ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ رسید.^{۲۷۱} در سال ۲۰۱۳، ایران از سومین تأمین‌کننده نفت چین به جایگاه ششم تنزل پیدا کرد.^{۲۷۲} با این حال، تبعیت چین از تحریم‌ها بی‌چون و چرأ هم نبود. در ژانویه ۲۰۱۴، ایالات متحده اعلام کرد، تا زمانی که چین سطح واردات کنونی نفت خام خود از ایران را حفظ کند،

262. Industrial and Commercial Bank of China

263. Paul Richter and Alex Rodriguez, "Chinese Bank Pulls Out of Pakistan-Iran Pipeline Project," *Los Angeles Times*, March 14, 2012.

264. Jason Subler, "China's ZTE Says It Basically Dropped Iran Business," Reuters, April 18, 2013 .

265. Subler, 2013.

266. China Shipping Container Lines

267. China Ocean Shipping Group Company Container Lines

268. Jonathan Saul, "Chinese Firms Drop Iran as Latest U.S. Sanctions Bite," Reuters, July 1, 2013 .

269. Liao, 2013.

270. U.S. Energy Information Administration, "Country Analysis Brief: Iran," Washington, D.C., July 21, 2014, p. 17.

271. Liao, 2013.

272. Liao, 2013.

تحریم‌های مرتبط با واردات نفت خام این کشور را اجرایی نمی‌کند.^{۲۷۳} با این حال، چین در نیمه اول سال ۲۰۱۴ میزان بی‌سابقه‌ای نفت از ایران را وارد کرد که نسبت به سال پیش افزایشی ۴۸ درصدی داشت.^{۲۷۴} در ژوئن ۲۰۱۴، ساینوپک تولید در میدان نفتی یادآوران را دو برابر کرد و به ۵۰ هزار بشکه در روز رساند.^{۲۷۵} در سال ۲۰۱۴، ایران دوباره جایگاه سوم خود (در صادرات نفت به چین) را به دست آورد و ۱۰ درصد از واردات نفت چین را تأمین می‌کرد.^{۲۷۶} در سال ۲۰۰۹، چین با تدارک نزدیک به ۴۰ هزار بشکه بنزین در روز برای ایران به این کشور کمک کرد که تحریم‌های بنزین را دور بزند.^{۲۷۷} در سال ۲۰۱۲، وزارت امور خارجه ایالات متحده شرکت چینی ژوهای ژنرونک^{۲۷۸} را به خاطر تحویل بنزین به ایران مورد تحریم قرار داد.^{۲۷۹}

روابط در دوران دولت روحانی

دولت روحانی به دنبال روابط بهتر با سایر کشورهای جهان، علی‌الخصوص قدرت‌های خارجی در اروپا و آسیا است. دولت روحانی هرچند شاید متوجه وابستگی بیش از حد ایران به چین باشد، با این همه به اهمیت چین در دستیابی به اهداف اقتصادی، ژئوپلیتیک و حتی نظامی خود واقف است.

روحانی برخواسته از جریانی میانه‌رو و عملگرا در سیاست ایران است که ایدئولوژی را منبای سیاست خارجی و اقتصادی نمی‌داند. روحانی و حامیان او متعهد به حفظ جمهوری اسلامی و گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه هستند. اما با «اصول‌گرایانی» مانند احمدی‌نژاد که جهان را از دریچه‌ای ایدئولوژیک می‌دید، اختلاف‌نظرهای سیاسی جدی دارند. از نظر روحانی، بقای جمهوری اسلامی منوط به وحدت در داخل، استفاده هوشمندانه از دیپلماسی، تصدیق بین‌المللی، پویایی اقتصادی و قدرت نظامی است.

رویکرد متعادل‌تر روحانی به سیاست خارجی هم‌تراز کنار گذاشتن یک قدرت یا مجموعه‌ای از قدرت‌ها به خاطر دیگری نیست. عملگرایان ایرانی ممکن است گاهی از اوقات از چین انتقاد

273. Wayne Ma, "China Imports Record Amount of Iranian Crude," *Wall Street Journal*, July 21, 2014.

274. Dickey and Ighani, 2014; Ma, 2014.

275. Dickey and Ighani, 2014.

276. Chen and Su, 2014.

277. Liao, 2013.

278. Zhuhai Zhenrong

279. Downs, 2012.

کنند، اما قدر روابط مستحکم با چین را هم می‌دانند و دیدگاه روحانی درباره چین بسیار نزدیک به دیدگاه رفسنجانی است که یکی از بنیان برقراری روابط نزدیک ایران و چین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود. حسن روحانی هم مانند سلف و حامی خود، ظاهراً به اصلاحات اقتصادی بدون تغییرات سیاسی جدی باور دارد. چین، یک «کشور در حال توسعه» موفق است که توانسته نظام سیاسی اقتدارگرا و خاستگاه ایدئولوژیک خود را حفظ کرده و خود را به عنوان الگویی ارزشمند برای تقلید عرضه کند.

روحانی بلافاصله پس از پیروزی خود در انتخابات اعلام کرد که توسعه همه جانبه روابط ایران با چین یکی از اولویت‌های ویژه سیاست خارجی ایران است،^{۲۸۰} برنامه‌ای که علی لاریجانی، رئیس مجلس، هم در دیدار اکتبر ۲۰۱۳ خود از پکن که به دعوت رهبری چین صورت گرفت، بر آن تأکید کرد.^{۲۸۱}

دولت روحانی مشتاق گسترش روابط در حوزه‌های انرژی و اقتصادی با چین است. اکثر کسب و کارهای غربی و آسیایی بعد از اعمال تحریم‌ها از ایران فرار کردند، اما کسب و کارهای چینی خود را با آنچه می‌توان به بیانی دقیق یک الگوی مقاومتی توصیف کرد، تطبیق دادند. چین خرید نفت ایران را کاهش داده است و در پرتو تحریم‌های سختگیرانه، از سرمایه‌گذاری بیشتر خودداری کرده، اما توافق هسته‌ای امکان افزایش روابط تجاری با ایران را فراهم ساخت.

از برخی جهات، چین در مقایسه با قدرت‌های دیگر در موقعیت بهتری برای بهره بردن از توافق هسته‌ای قرار دارد. پکن در حمایت از قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل رأی داد و راه را برای تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه سختگیرانه‌تر علیه ایران هموار کرد و چین عمدتاً از تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده تبعیت کرده است. اما به نظر ایران، چین در مقایسه با ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا و حتی روسیه، رویکردی «نرم‌تر» در قبال ایران اتخاذ کرده است. اعضای غربی گروه ۵+۱ مصرانه دنبال افزایش فشار بر ایران بوده‌اند و روسیه، گرچه ابتدا مخالف تحریم‌های بیشتر بود، عمدتاً نقشی حمایتی ایفا کرده است. در سوی دیگر، چین در

280. "Tose'e Ravabet Ba Chin Az Oloviat haye Vizhe e Siasate Khareji e Dowlat e Ayande Ast" ["The Development of Relations with China Is One of the Special Political Priorities of the Next Government"], *Hamshahri Online*, June 26, 2013.

281. "Larinjani Dar Daneshgah e Motale'at e Khareji e Pekan Sokhanrani MiKonad" ["Larinjani Speaks at the Beijing Foreign Studies University"], Iranian Students' News Agency, October 29, 2013.

جریان گروه ۵+۱ عمدتاً منفعل بوده و از تصمیمات جمعی گروه پیروی کرده است. به علاوه، چین با وجود تحریم‌ها شریک انرژی و تجاری شماره یک ایران مانده است. بنابراین، دولت روحانی احتمالاً چین را منبع اصلی رشد اقتصادی آینده ایران تلقی می‌کند. روحانی و مقامات دولت از زمان انتخابات برای تحکیم روابط با پکن حرکت‌های مختلفی انجام داده‌اند.

در مه ۲۰۱۴، حسن روحانی در نشست کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا^{۲۸۲} در شانگهای شرکت کرد و آنجا در دیدار دوجانبه با همتای چینی خود و تاجران ایرانی ساکن چین، خواهان گسترش پیوندهای اقتصادی ایران با آن کشور شد.^{۲۸۳}

حسن روحانی شاید ابتکار جاده ابریشم چین را موتوری برای رشد اقتصادی تلقی کند. کمربند اقتصادی بلندپروازانه جاده ابریشم که بی‌شک پاسخی به جاده ابریشم جدید ایالات متحده است که حرف و حدیث‌های زیادی درباره‌اش مطرح بود، به دنبال تقویت روابط منطقه‌ای در امتداد شبکه خود است و «نه تنها یک مسیر اقتصادی، بلکه جامعه‌ای با منافع، سرنوشت و مسئولیت‌های مشترک» ایجاد می‌کند.^{۲۸۴}

کمربند اقتصادی جاده ابریشم خود یکی از بهترین نشانه‌های اهمیتی است که چین برای روابط خود با همسایگان آسیای میانه و آسیای غربی قائل است. پکن پیش از نشست کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا، مجموعه‌ای فشرده از توافقات دوجانبه در حوزه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری و تبادلات فرهنگی با این کشورها امضا کرد.^{۲۸۵} با اینکه برخی نظریه‌پردازان و روشنفکران چینی با «حرکت به سوی غرب» خواندن این استراتژی، نسبت به پیامدهای آن حساسیت نشان داده‌اند،^{۲۸۶} روشن است که چین این روابط را جدی می‌گیرد و برای تقویت و گسترش آن‌ها اقدام کرده است.

282. Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia (CICA)

283. "President Prior to His Departure to China: Iran's Economic Ties with East/China Is Important to Iran," *President.ir*, May 20, 2014; "Hozur e Rouhani Dar Neshast e CICA/Didar Ba Saran e Rusiye Va Chin Dar Shanghai" ["Rouhani Present at CICA Meeting/Meeting with Russian and Chinese Leaders in Shanghai"], *Aftab News*, April 29, 2014.

284. Shannon Tiezzi, "China's 'New Silk Road' Vision Revealed," *The Diplomat*, May 9, 2014b. See also "Ahiai e Rah e Abrisham Hadaf e Bargozari e Namayeshgah Moshtarak eIran Va Chin Ast" ["The Revival of the Silk Road Is the Goal of Holding a Joint Iranian and Chinese Exhibition"], *Tasnim News Agency*, August 12, 2014.

285. Lauren Dickey, "China Takes Steps Toward Realizing Silk Road Ambitions," *China Brief*, Vol. 14, No. 11, June 4, 2014.

286. Xuetong Yan, "Silk Road Economic Belt Shows China's New Strategic Direction: Promoting Integration with Its Neighbors," *Carnegie-Tsinghua Center for Global Policy*, February 27, 2014.

جاده ابریشم جدید چین، برخلاف ابتکار ایالات متحده، آشکارا ایران را هم شامل خواهد شد.^{۲۸۷} یکی از مسیرهای پیشنهادی از ترکمنستان وارد ایران شده و در امتداد ساحل جنوبی دریای خزر حرکت کرده و از مرز ایران با شمال عراق خارج می‌شود.^{۲۸۸} یکی دیگر از مسیرهایی که مورد بحث قرار گرفته، از پاکستان وارد ایران شده و از مرز ایران با جنوب عراق خارج می‌شود.^{۲۸۹}

در ابعادی بزرگ‌تر، حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ایران به چین اجازه خواهد داد که ایران را بیشتر در حوزه نفوذ اقتصادی خود ادغام نماید. برای نمونه، پکن در حال بررسی سرمایه‌گذاری در شبکه خط لوله گازی است که ایران را از طریق ترکمنستان و قزاقستان به چین مرتبط می‌سازد. دور زدن مسیر دریایی از آسیب‌پذیری چین در برابر مداخله نیروی دریایی ایالات متحده در ذخایر انرژی آن می‌کاهد.^{۲۹۰}

سازمان همکاری شانگهای^{۲۹۱}، یکی دیگر از راه‌های بالقوه برای همکاری اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین-ایران است. ایران مدت‌هاست امید دارد که به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شود. سازمان همکاری شانگهای (متشکل از چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) عمدتاً تحت سلطه چین و روسیه است و ظهور چین به عنوان یک قدرت مسلط در آسیای میانه را تسهیل کرده است.

دولت احمدی‌نژاد رجزخوانی می‌کرد که ایران نیازی به غرب ندارد و در عوض یک سیاست خارجی متمرکز بر شرق را دنبال خواهد کرد که البته به‌طور مبهمی تعریف شده بود. سازمان همکاری شانگهای، کانون توجه احمدی‌نژاد برای تعامل با شرق شد.^{۲۹۲} احمدی‌نژاد، سازمان همکاری شانگهای را که سازمانی امنیتی به رهبری روسیه و چین است، ابزاری برای مقابله ایران با حضور ایالات متحده در منطقه و گریز از انزوای تلقی می‌کرد.

با این حال، احمدی‌نژاد در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ در کسب عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای ناکام ماند. با اینکه سازمان همکاری شانگهای به دنبال برقراری موازنه

287. Tiezzi, 2014b.

288. Tiezzi, 2014b.

289. David Daokui Li, Ming Feng, Jinjian Shi, Zhen He, and Wen Liu, "Silk Road Economic Belt: Prospects and Policy Recommendations," working paper, Beijing: Center for China in the World Economy, Tsinghua University, May 20, 2014.

290. Samir Tata, "US, Iran and China: An Emerging Strategic Triangle," The International Relations and Security Network, January 30, 2014.

291. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

292. Shahram Akbarzadeh, "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and Realpolitik in Iranian Foreign Policy," *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 69, No. 1, 2015.

در برابر فعالیت‌های ایالات متحده در آسیای میانه است، کشورهای عضو به بهانه حرف‌های ستیزه‌جویانه احمدی‌نژاد در مورد ایالات متحده، از پذیرش ایران طفره رفتند.^{۲۹۳} علاوه بر این، کشورهای نسبتاً سکولار عضو سازمان همکاری‌های شانگهای نگران ایدئولوژی اسلامی ایران بودند. ایران از سال ۲۰۰۵ عضو ناظر بوده و به عضویت کامل درنیامده است. این مسأله شاید از عدم رغبت چین و روسیه برای گسترش عضویت سازمان به دیگر بازیگران عمده ناشی شده باشد: سازمان همکاری‌های شانگهای علاوه بر دو قدرت از دولت‌های نسبتاً کوچک تشکیل شده است. ایران نسبت به چین یا روسیه یک قدرت بزرگ محسوب نمی‌شود، اما نفوذ فرهنگی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای در آسیای میانه داشته و در آینده می‌تواند به رقیب چین بدل شود. هرچند، تحلیل‌گران چینی توضیح دادند که ایران، بعد از ورود هند و پاکستان به سازمان همکاری‌های شانگهای، «در نوبت بعدی» پیوستن به این سازمان قرار دارد.^{۲۹۴}

حضور ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند منافع چین در آسیای میانه و سراسر جهان اسلام را تقویت کند. به نظر پکن، ایران نقش بالقوه مهمی در کاهش حجم انتقادات مسلمانان از سرکوب جدایی‌طلبان اوغور در چین ایفا می‌کند.

حکومت چین در سین کیانگ با بی‌ثباتی فزاینده دست و پنجه نرم می‌کند، استانی که محل سکونت ایغورهای مسلمان است، مردمانی ترک‌تبار که ادعا می‌کنند از سوی حکومت مرکزی تحت کنترل هان‌ها در پکن، شدیداً مورد تبعیض گسترده قرار دارند. با اینکه سرکوب ایغورها از سوی چین، اعتراض و محکومیت برخی محافل را در ایران، خصوصاً روحانیون ارشد شیعه در قم، به همراه داشته است، جمهوری اسلامی تا اینجای کار به احترام حساسیت چینی‌ها با درایت از جلب توجه‌ها به این مسأله طفره رفته است.^{۲۹۵}

ایران همین کار را برای روس‌ها در چچن انجام داده است و احتمالاً در سازمان کنفرانس اسلامی از چین در برابر واکنش‌های بین‌المللی اسلامی حفاظت می‌کند و در عوض تنها محکومیت ملایم خشونت «افراط‌گرایانه» در سین کیانگ را پیشنهاد می‌کند.^{۲۹۶} در سال ۲۰۰۷، تارنمای آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، به ایرانی‌ها درباره انتقاد از چین برای سرکوب اوغورها هشدار داد، زیرا انجام این کار روابط ایران-چین را تضعیف خواهد کرد.^{۲۹۷} دولت روحانی هم

293. Akbarzadeh, 2015.

۲۹۴. بحث با تحلیل‌گران چینی، پکن و شانگهای، ۱۵-۸ سپتامبر، ۲۰۱۴.

295. Oppositional figures inside Iran, however, have spoken; see Robert F. Worth, "Clerics Fault a Mute Iran as Muslims Die in China," *New York Times*, July 13, 2009.

296. "Iran Condemns Violence in Xinjiang, China," Islamic Republic News Agency, July 30, 2014.

297. Akbarzadeh, 2015.

احتمالاً برای تمرکز بر بهبود روابط با چین، مسأله اویغورها را نادیده می‌گیرد. یکن نیز احتمالاً برای تقویت منافع خود در افغانستان به ایران متکی می‌شود، زیرا هر دو کشور منافع مشترکی در ثبات افغانستان دارند. چین که ۸۰ کیلومتر مرز زمینی با افغانستان دارد، ۳/۵ میلیارد دلار در معدن مس عینک^{۲۹۸} سرمایه‌گذاری کرده و از سال ۲۰۱۲ از میدان نفتی آمو دریا، نفت استخراج کرده است. ایران نگران ظهور دوباره طالبان و دیگر گروه‌های مخالف ایران است. به علاوه، حکومت ایران نگران سرازیر شدن مواد مخدر به داخل ایران نیز هست. چین نیز نگرانی‌های مشابهی دارد و صادرات مواد مخدر افغانستان از راه ایران را یک تهدید اجتماعی تلقی می‌کند؛^{۲۹۹} چین در نشست‌های متعدد سازمان همکاری شانگهای بر این مسأله تأکید کرده و خواهان حمایت این سازمان در مبارزه با این معضل شده است.^{۳۰۰} چین به آسیب‌پذیری خود در مبارزه با مواد مخدر آگاه است و با توجه به ماهیت فی‌نفسه بین‌المللی این معضل، همکاری منطقه‌ای را حیاتی می‌داند.^{۳۰۱}

چین و ایران تشکیل یک کارگروه مشترک برای مبارزه با مواد مخدر، پولشویی، قاچاق انسان و جعل گذرنامه را اعلام کرده‌اند.^{۳۰۲} هرچند که با توجه به اتکای شدید ایران به بانکداری غیرشفاف، تعقیب قضایی پرونده‌های پولشویی احتمالاً پراکنده و گاه و بی‌گاه خواهد بود، نگرانی این کشور در خصوص مواد مخدر واقعی و جدی است. دامنه و ابعاد حیرت‌انگیز اعتیاد به مواد مخدر در ایران که مدت‌های مدید نادیده گرفته و پنهان شده بود، در سال‌های اخیر بیش از پیش مشهود شده است^{۳۰۳} و حکومت بر مبارزه با این معضل تأکیدی فزاینده داشته است.^{۳۰۴}

298. Aynak copper mine

299. Murray Scot Tanner, *China Confronts Afghan Drugs: Law Enforcement Views of "The Golden Crescent,"* Arlington, Va.: CNA China Studies, March 2011.

300. "SCO Summit Is Held in Tashkent Hu Jintao Attends and Delivers an Important Speech to the Summit," Embassy of the People's Republic of China in the United States of America, June 11, 2010.

301. Tanner, 2011.

302. "Tashkil e Goruh haye Amaliati e Moshtarak e Iran va Chin Baray e Mobareze Ba Mavad e Mokhader" ["Formation of Joint Iranian-Chinese Working Groups to Combat Drugs"], *Tasnim News*, July 5, 2013.

303. "The Other Religion: Why So Many Young Iranians Are Hooked On Hard Drugs," *The Economist*, August 17, 2013.

304. "Afzayesh e Amar e Masraf e Mavad e Mokhader e Sanaty Mian e Javanan va Zanan/ Hal e Ma'zal Eshteghal Mohemtarin Rahkar e Mobareze ba E'tiad" ["Statistical Rise in Drug Use Among Youth and Women/Solving Employment Problems the Most Important Approach in Combating Addiction"], Mehr News, undated.

دولت روحانی احتمالاً چین را نه تنها شریکی ژئواستراتژیک بلکه یک شریک بالقوه نظامی هم تلقی می‌کند. دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، ایران را به انزوای اقتصادی و بی‌میلی روسیه و چین برای فروش سیستم‌های تسلیحاتی مهم به تهران کشاند. روسیه فروش سیستم موشکی پیشرفته زمین به هوای اس-۳۰۰ به ایران را به خاطر فشار واشنگتن و تل‌آویو لغو کرد؛ و چین که روزگاری از تأمین‌کننده‌های بزرگ سلاح ایران بود، بیشتر روابط دفاعی و امنیتی خود با حکومت ایران را متوقف کرده است.

توافق هسته‌ای می‌تواند با مشروعیت بخشیدن به فروش تسلیحات به دولت روحانی، همه این مسائل را تغییر دهد، هرچند ایران متعاقب اجرای توافق با ممنوعیت پنج ساله خرید سلاح‌های متعارف مواجه خواهد شد؛ و کشمکش‌های فزاینده بین چین و ایالات متحده می‌تواند پکن را متقاعد کند که روابط دفاعی و امنیتی خود را با تهران تقویت نماید. این بدان معنی نیست که چین، به این زودی‌ها ایران را یک متحد یا شریک نظامی قلمداد خواهد کرد. در عوض، اگر توافق هسته‌ای ایران را یک بازیگر بین‌المللی مسئولیت‌پذیرتر نشان دهد، چین با فروش سیستم‌های پیشرفته‌تر، روابط دفاعی خود با ایران را افزایش می‌دهد.^{۳۰۵}

نتیجه‌گیری

چین و ایران در سطوح بسیاری شرکای طبیعی هستند. چین، مانند کشورهای غربی مثل بریتانیا و ایالات متحده، سبقه مداخله در ایران را ندارد. علاوه بر این، پکن از سیاست داخلی حکومت ایران انتقاد نمی‌کند. ایران و چین کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که از قدرت ایالات متحده در همسایگی خود هراس دارند؛ و هر دو چیزی مورد نیاز دیگری دارند؛ ایران منابع عظیم انرژی دارد، در حالی که چین منبع فناوری، سرمایه و شاید سخت‌افزار نظامی باشد. روحانی و حامیان میانه‌رو و اصلاح‌طلب او مشتاق بهبود روابط با اروپا و میزانی از تنش‌زدایی با ایالات متحده هستند. نوسازی و تجدید قوای ایران در دولت روحانی می‌تواند به این کشور اجازه دهد که وابستگی اقتصادی و نظامی کمتری به چین پیدا کند؛ و آنچه مردم ایران و بسیاری از نخبگان آن کالاها و فناوری برتر تلقی می‌کنند را روانه ایران سازد.

فرصت‌های اقتصادی چین در ایران می‌تواند با کاهش یا لغو تحریم‌ها افزایش پیدا کند، اما هیچ تضمینی وجود ندارد. شرکت‌های غربی که به ایران برمی‌گردند، با چینی‌ها رقابت خواهند کرد. ایرانی‌ها، کالاهای مصرفی غربی را با کیفیت‌تر می‌دانند و شرکت‌های انرژی غربی از فناوری بالاتری برخوردارند. تولید بیشتر نفت ایران، بهای جهانی نفت را پایین می‌آورد

که نهایتاً به سود چین است. با این حال، چین در کوتاه‌مدت توافق‌های جذاب قیمت نفتی که ایران به خاطر تحریم‌ها و توافق تهاثر برای محصولات نامرغوب چینی مجبور به پذیرش آنها شده بود، را از دست خواهد داد.

چین برای روابط نزدیک با ایران ارزش قائل است اما می‌خواهد مطمئن شود که این تصور برای غرب ایجاد نمی‌شود که دو کشور به هم نزدیک هستند. پکن تعاملات اقتصادی خود با ایران را به خاطر جاه‌طلبی‌های هسته‌ای و تحریم‌های متعاقب آن، محدود کرده بود. با این حال، چین از وابستگی ایران به خود سود می‌برد و پکن مانند جمهوری اسلامی می‌خواهد در برابر ایالات متحده در خلیج فارس موازنه برقرار کند. از اینها گذشته، حجم تجارت چین با ایالات متحده، تجارت ایران-چین را تحت الشعاع قرار می‌دهد و چین روابط محکمی با دشمنان ایران، مانند اسرائیل و عربستان سعودی، هم دارد.^{۳۰۶} علاوه بر این، چین می‌خواهد که یک شریک بین‌المللی مسئول به نظر برسد و در نتیجه در صورت شکست توافق هسته‌ای، مستعد فشار غرب برای محدود ساختن روابط با ایران خواهد بود.^{۳۰۷} با وجود نزدیکی ایران و چین، دو کشور در تقبل یک شراکت استوارتر و استراتژیک‌تر، موانعی هم پیش روی خود دارند.

306. Harold and Nader, 2012.

307. Liao, 2013.

فصل پنجم - اژدهای محتاط به کجا می‌رود؟ پیامدها برای ایالات متحده

نظر پکن درباره خاورمیانه چیست؟ اهمیت این منطقه برای چین روز به روز افزایش می‌یابد. در واقع، خاورمیانه سریعاً به مهم‌ترین منطقه برای چین در خارج از منطقه آسیا-اقیانوسیه بدل شده است. دلایل آن به ناامنی زیاد چین در حوزه انرژی، بی‌ثباتی داخلی و این تصور که خاورمیانه یکی از مناطق کلیدی و ژئواستراتژیک جهان است، مربوط می‌شوند. از نظر پکن، خاورمیانه امتداد سرزمین‌های مرزی‌اش در آسیای میانه و حاشیه امتداد یافته چین است.

پکن در دوران ریاست جمهوری شی جین پینگ - شبیه دولت اوباما در واشنگتن - به دنبال سیاست خارجی و امنیتی است که از نظر ژئواستراتژیک متوازن تر باشد. در حالی که ایالات متحده مشغول تجدید موازنه در آسیا-اقیانوسیه است، چین برای تجدید موازنه «به سوی غرب» تلاش می‌کند تا آنچه تأکید بیش از حد و نامتعادل رویکرد «به سوی شرق» از نظر توسعه اقتصادی و حفاظت از امنیت ملی به بار آورده را اصلاح کند.

با این همه، این تجدید موازنه پکن نه واکنش به تجدید موازنه دولت اوباما است و نه پدیده‌ای جدید؛ چین در میانه یک تجدید موازنه ژئواستراتژیک قرار دارد که می‌توان آن را تداوم تلاش‌ها برای تمرکز بیشتر توجه بر خاورمیانه از اواسط دهه ۱۹۹۰ تلقی کرد. از نظر چین، خاورمیانه اهمیتی بیش از پیش یافته است و نگرانی‌های پکن درباره بی‌ثباتی دیرینه در منطقه (خصوصاً سوریه و عراق) رو به افزایش است. این تجدید موازنه شامل روندهایی می‌شود که مشهودند و درک آن‌ها برای سیاست‌گذاران ایالات متحده از اهمیت بسزایی برخوردار است. چین قصد دارد که با اهرم ساختن روابط خود با قدرت‌های کلیدی منطقه‌ای از منافع بزرگ‌تر خود حفاظت نماید، علی‌الخصوص:

- عربستان سعودی: که دولتی باثبات و مشتاق مشارکت با چین و قادر به تعهد نسبت به همکاری اقتصادی بلندمدت تلقی می‌شود
- ایران: که شریک نزدیک اما پیچیده چین تلقی می‌شود که هرچند تحت تحریم‌ها و فشار بین‌المللی قرار دارد، می‌تواند بعد از توافق هسته‌ای نقش یک شریک اقتصادی و ژئواستراتژیک بزرگ‌تر را ایفا نماید.

اهداف ناهم‌خوان در خاورمیانه

چین یک اژدهای محتاط و بسیار دست به عصا است و مراقب است که درگیر مناقشات

خاورمیانه نشده و به هیچ یک از کشورهای منطقه هم بیش از حد نزدیک نشود؛ چین بیمناک از برانگیختن خشم یک یا چند دولت در منطقه، از ارائه یک سیاست یا استراتژی خاورمیانه‌ای صریح و مفصل طفره رفته است. در دوران ریاست جمهوری شی جین‌پینگ، پکن واجد یک استراتژی مبسوط خاورمیانه نیست. در عوض، چین علناً رویکرد خود در قبال منطقه را تحت عنوان مفهوم موسع‌تر «حرکت به غرب» گنجانده است که تلاشی برای تجدید موازنه در مرکز ثقل و موضع امنیت ملی نامتقارن آن محسوب می‌شود. اساساً، این تلاش بسط رویکرد پکن در قبال آسیای میانه است که بر گسترش روابط اقتصادی، خصوصاً تجارت و پیوندها در زمینه حمل و نقل تأکید دارد. رهبران چین با اشاره مستقیم به مسیرهای تجاری زمینی قرن‌ها پیش - که از آن عموماً با عنوان جاده ابریشم یاد می‌شود - بینش توسعه اقتصادی مشترک و منافع متقابل در امتداد خشکی و دریا را ترویج داده‌اند. در نتیجه این نگرانی‌ها، تحلیل‌گران و رهبران چینی، خاورمیانه را امتداد حوزه پیرامونی چین تلقی می‌کنند. استفاده مکرر از اصطلاح خاورمیانه بزرگ، یکی از نشانه‌های روشن این طرح است. این اصطلاح نه تنها به خاورمیانه بلکه به آسیای جنوبی و آسیای میانه هم اشاره دارد.^{۳۰۸} این استراتژی «حرکت به غرب» بر نقطه قوت چین - یعنی اقتصاد - تمرکز داشته و از طریق ابتکار عمل کمربند جاده ابریشم، یک جاده جدید برقرار می‌شود. پکن در صدد استفاده از موفقیت‌های خود در آسیای میانه و تکرار این پیشینه مثبت در خاورمیانه و جاهای دیگر است.

منافع فزاینده و تعامل بیش از پیش پکن در منطقه، دستاوردهای تحسین‌برانگیز و محدودیت‌های استراتژی خاورمیانه چین را برجسته می‌سازد. به بیان دقیق‌تر، بین منافع، اهداف متناظر و انواع ابزارها و سازوکارهایی که پکن حاضر و قادر است وقف دستیابی به این منافع نماید، همخوانی وجود ندارد. منافع اصلی و اهداف مرتبط چین در خاورمیانه، یک محیط صلح‌آمیز و باثبات را مسلم فرض می‌کنند. با این همه، تمرکز اصلی چین بر تلاش‌های اقتصادی با دخالت دیپلماتیک محدود و کمک‌های نظامی جزئی است. واقعیت خاورمیانه با یک محیط صلح و ثبات فاصله زیادی دارد. حفظ اندکی ثبات مستلزم تلاش‌های سرسختانه قدرت‌های خارجی برای دادن اطمینان خاطر به متحدان و در صورت لزوم، بازداشتن و مبارزه با دشمنان است. این

308. Liu Zhongmin, "Shi shui Zhong Dong: Bianjuxiade Zhongguo waijiao" ["Testing the Waters in the Middle East: China's Foreign Relations Under Turbulent Change"], *Shijie Zhi-shi [World Affairs]*, No. 5, 2013, p. 48.

همان‌طور که یکی از تحلیل‌گران چینی اشاره می‌کند، اصطلاح *خاورمیانه بزرگ* اساساً ابتداء دولت جرج بوش پسر است. چینی‌ها از این اصطلاح استقبال کرده‌اند اما یک نگرش متمایز چینی به آن بخشیده‌اند. ان، ۲۰۰۴.

نقشی است که چین تا امروز تمایل یا توان ایفای آن را نداشته است. ایالات متحده بازیگری اصلی است که این نقش را ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد که چین تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، تابع و پذیرای این اوضاع بوده و از سواری مجانی رضایت کامل دارد. چین و ایالات متحده، در خاورمیانه منافعی موازی و هم‌پوشان دارند و هر دو خواهان ثبات و دسترسی نامحدود به انرژی هستند.^{۳۰۹} با این حال، چین نمی‌خواهد مانند ایالات متحده، پیشگیری از «توسعه، اشاعه یا استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی» را اولویت اصلی خود سازد.^{۳۱۰} البته منظورمان این نیست که چین مخالف این اهداف است؛ بلکه، این مسائل اولویت‌های اصلی چین نیستند. به علاوه، پکن از اهداف واشنگتن مبنی بر پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر در خاورمیانه هم پشتیبانی نمی‌کند.

پکن، سیاست خارجی واشنگتن را به دیده ظن و تردید نگریسته و احساس می‌کند که ایالات متحده، حکومت‌های دیکتاتوری را هدف قرار داده و قصد سرنگونی حزب کمونیست چین را دارد. دست کم، تصور چین بر این است که ایالات متحده تلاش می‌کند تا قدرت شکوفای اقتصادی و نظامی چین را محدود کند. هر چند چین خود را گرفتار رقابت قدرت‌های بزرگ با واشنگتن تلقی می‌کند، اما خواهان حفظ اوضاع کلی روابط صمیمانه و همکاری جویانه ایالات متحده-چین و همچنین ترویج ثبات در خاورمیانه است. در عین حال، واشنگتن نسبت به نیات پکن بدگمان است اما از کمک بیشتر چین به امنیت منطقه استقبال می‌کند. هر چند بعید است که چین از ایالات متحده حمایت چندانی کند، اما مستقیماً به نقش ایالات متحده در خاورمیانه اعتراضی نمی‌کند یا آن را به چالش نمی‌کشد.

این ناهمخوانی بین منافع، تعهدات و اهداف، احتمالاً ادامه پیدا می‌کند. استراتژی ازدهای محتاط، استراتژی چین در قبال خاورمیانه را به بهترین شکل توصیف می‌کند که مشتاق تعامل تجاری با منطقه و برخورداری از روابط حسنه با تمام دولت‌های خاورمیانه است، اما رغبتی به تعمیق این تعامل، از جمله تقویت فعالیت‌های دیپلماتیک و امنیتی خود، بیشتر از حد لازم برای پول در آوردن و تضمین جریان انرژی ندارد. پکن تلاش می‌کند تا جلوی انتقادات از سیاست‌های چین، از جمله در خصوص مسلمانان چین را بگیرد و جایگاه قدرت بزرگ آن به رسمیت شناخته شود. نتیجه چینی است که برای خاورمیانه اهمیتی بیش از پیش قائل است

۳۰۹. بنا به *استراتژی امنیت ملی* سال ۲۰۱۵، ایالات متحده خواهان «ثبات و صلح در خاورمیانه» و «جریان آزاد انرژی از منطقه به جهان» است.

Barack Obama, *National Security Strategy*, Washington, D.C.: White House, February 2015, p. 26.
310. Obama, 2015, p. 26.

اما کشوری است که در آینده‌ای نزدیک در منطقه یک سنگین وزن اقتصادی به شما می‌رود، همچنان اصرار دارد که در دیپلماسی سبک وزن باشد و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی یک قدرت نظامی میان وزن در منطقه بماند.

چین تمایلی ندارد که از نظر نظامی در خاورمیانه درگیر و گرفتار شود. راحت‌تر است که سرد و بی‌اعتنا مانده و با همه دولت‌های منطقه روابط حسنه داشته باشد و اجازه دهد که ایالات متحده همه کارهای سخت و طاقت‌فرسا را انجام دهد؛ تقریباً هیچ کدام از تحلیل‌گران چینی انتظار ندارند که ایالات متحده کاملاً از منطقه عقب‌نشینی کند.^{۳۱۱} اما پکن از جانب واشنگتن احساس فشار می‌کند و کشورهای خاورمیانه از آن انتظار دارند که نقش پررنگ‌تری ایفا کند. وقتی سوزان رایس^{۳۱۲}، مشاور امنیت ملی، در اوایل سپتامبر ۲۰۱۴ از پکن دیدار کرد، ظاهراً از چین خواسته است که به امنیت خاورمیانه کمک کند و به نبرد در برابر دولت اسلامی پیوندد. تحلیل‌گران چینی متعاقب دیدار وی ظاهراً مطمئن نبودند که چگونه باید پاسخ دهند و دولت او با دقتاً به دنبال چه حمایتی از جانب چین است.^{۳۱۳}

فیل در اتاق^{۳۱۴}

از نظر چین، ایالات متحده فیل در اتاق است. یک محیط صلح‌آمیز در منطقه، پیش شرط لازم برای تدوام رشد و همچنین تجارت و سرمایه‌گذاری است. این شرط، یک خاورمیانه باثبات را فرض می‌کند. چین در موقعیتی نیست که بخواهد به شیوه‌ای چشمگیر، جز تلاش‌های جزئی مانند تأمین نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و کار گروه دریایی کوچک برای گشت‌زنی‌های مبارزه با دزدی دریایی، امنیت را تأمین نموده یا حتی به تأمین آن کمک کند. پکن می‌داند که کس دیگری باید صلح و امنیت منطقه‌ای را تأمین نماید و ایالات متحده، بازیگری قابل قبول است.

افزایش حضور چین در خاورمیانه چه معنایی برای منافع دیرپای ایالات متحده در منطقه دارد؟ آیا نفوذ فزاینده چین تهدیدی را متوجه همکاری‌های امنیتی ایالات متحده با سازمان

311. See, for example, Niu Xinchun, “‘Nengyuan duili’ wei shixian ding Zhong Dong li-bukai” [“‘Energy Independence’ Not to Be Achieved (the U.S.) Inseparably Bound to the Middle East”], *Shijie Zhishi [World Affairs]*, No. 1, 2014b.

312. Susan Rice

313. On U.S. pressure: author interviews, September 2014; on regional expectations: Li Weijian, 2014, pp. 33–34.

314. Elephant in the Room

اصطلاحی است که عموماً به معنی مشکلی پیچیده که همه از آن خبر دارند اما به روی خود نمی‌آورند مورد استفاده قرار می‌گیرد. (م)

همکاری خلیج فارس و وضع نظامی ایالات متحده در خاورمیانه می‌کند؟ تا به امروز، نفوذ چینی‌ها در منطقه عمدتاً اقتصادی بوده است. اما تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده جایگاه ژئوپلیتیکی بیشتری به پکن می‌دهد و نیازهای قابل ملاحظه انرژی چین، خاورمیانه را برای اقتصاد چین واجد اهمیت بسیاری کرده و اگر ناامنی دسترسی این کشور به این منابع را تهدید کند، سخت بتواند تنها با بی‌اعتنایی نظاره‌گر باشد. هم‌زمان، از نظر کشورهای منطقه، نفوذ اقتصادی و سیاسی ایالات متحده در خاورمیانه ایستا بوده یا رو به افول گذاشته و نگرانی‌های منطقه درباره نیروی پایدار و اشنگتن به عنوان متحد یا شریک امنیتی افزایش پیدا کرده است. علاقه‌کورهایی مانند عربستان سعودی به گسترش همکاری دفاعی با چین بیش از اینکه از علاقمندی زیاد سعودی‌ها به مداخله نظامی بیشتر چین در منطقه باشد، از ابهام‌های فزاینده درباره تعهدات امنیتی و اشنگتن ناشی می‌شود. واقعیت بسیار متفاوت است، ایالات متحده همچنان قاطعانه متعهد به خاورمیانه است: این امر از اقدامات، اظهارات و اسناد کلیدی دولت اوپاما، از جمله *استراتژی امنیت ملی* منتشره در سال ۲۰۱۵ و *بررسی دفاعی چهارساله* منتشره در سال ۲۰۱۴ مشهود است؛ و بعید است که دولت بعد هم در سطح تعهد خود تغییر زیادی داشته باشد. با این حال یکی از تحلیل‌گران ایالات متحده اشاره کرد که برخی ناظران فرض می‌کنند که نهایتاً، «چین جای ایالات متحده به عنوان ضامن اصلی امنیت پادشاهی سعودی را می‌گیرد»^{۳۱۵} این اتفاق حداقل در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت بسیار بعید به نظر می‌رسد. این استدلال دو دلیل دارد: نخست، و اشنگتن صحبتی مبنی بر قصد خود برای عقب‌نشینی از خلیج فارس نداشته است؛ دوم، پکن نشانه‌ای از علاقمندی و اشتیاق برای گرفتن جای ایالات متحده به عنوان بازیگر اصلی عرصه امنیت نشان نمی‌دهد. چین نمی‌تواند همان سطح از جنگ‌افزارهای با فناوری بالا را در اختیار سعودی‌ها بگذارد و نیروهای مسلح آن سطح تجربه گسترده عملیات‌های نظامی و غیرنظامی نیروهای ایالات متحده را ندارند. با همه این اوصاف، در صورت محال که و اشنگتن بخواهد تعهد خود در قبال منطقه خاورمیانه یا خلیج فارس را کاهش دهد، شاید روابط چین - سعودی نزدیک‌تر شود.

همکاری امنیتی گسترده بین چین و عربستان سعودی لزوماً برای ایالات متحده زنگ خطر محسوب نمی‌شود. در واقع، این همکاری می‌تواند برای یک محیط منطقه‌ای با ثبات‌تر سودمند بوده و به آن کمک کند. با این حال، هدف از فروش محرمانه سلاح و توافق‌های پشت پرده، احتمالاً برای ایجاد اضطراب و نگرانی بین کشورهای دیگر در منطقه است و در نتیجه می‌تواند منافع ایالات متحده در خلیج فارس و خاورمیانه بزرگ را تضعیف نماید. همکاری

امنیتی گسترده بین چین و ایران احتمالاً نگران‌کننده خواهد بود، اما اگر این رابطه شفاف و بعد از توافق هسته‌ای باشد، جایی برای نگرانی وجود نخواهد داشت.

اما نه پکن به عنوان یک متحد پایدار یا قابل اتکا، پیشینه ممتاز و خوبی دارد و نه ارتش آزادی بخش خلق پیشینه‌ای در همکاری‌های کارآمد با ارتش‌های دیگر برای تحقق اهداف بلندمدت دارد. هرچند بی‌شک استثنائاتی - مشخصاً، کره شمالی و پاکستان - وجود دارد، حتی این استثناءها هم از تنش و آشوب به ستوه آمده‌اند. به بیان دیگر، چین از چیزی شبیه به مجموعه‌ای از متحدان نظامی پایدار و ارتش‌های متحدی که ایالات متحده دارد، بی‌بهره است. ارتش ایالات متحده به رزمایش‌های نظامی مشترک و همکاری با متحدان و ارتش‌های دوست عادت دارد، در حالی ارتش آزادی بخش خلق به این کارها خو نگرفته است. به علاوه، چین باید متحدان و شرکای نظامی پیدا کند و مشخص نیست که این‌ها چه زمانی می‌توانند در عملیات کنار یکدیگر کارآمد و مؤثر واقع شوند. رزمایش با ارتش‌های دیگر هنوز یک مفهوم نسبتاً جدید است، اولین رزمایش نظامی که ارتش آزادی بخش خلق با نیروهای مسلح یک کشور دیگر برگزار کرد، در سال ۲۰۰۳ با قزاقستان بود. با اینکه چین مرتب رزمایش‌های دو جانبه و چندجانبه برگزار می‌کند، این رزمایش‌ها عمدتاً ابعادی کوچک داشته و عاری از پیچیدگی بوده‌اند.^{۳۱۶} تصور اینکه چین بخواهد برای مقابله با نیروهای داعش در عراق و سوریه به اقدامات بزرگ و پیچیده چندجانبه دست بزند یا حتی تلاشی مانند عملیات سپر صحرا یا توفان صحرا انجام دهد، که طی آن ایالات متحده توانست ائتلافی از کشورهای مختلف را گرد هم آورد، دشوار است. چه شاخص‌هایی از ارتقای کیفی روابط امنیتی چین در خاورمیانه حکایت دارند؟ این شاخص‌ها باید موارد زیر را شامل شوند:

- آغاز رزمایش‌های دو جانبه یا چندجانبه با کشورهای مشخص یا گروه‌های امنیتی
- فروش گسترده جنگ‌افزارهای متعارف یا استراتژیک به دولت‌های مشخص
- تبادلات نظامی گسترده و دیپلماسی دفاعی با دولت‌های مشخص
- توافقات ایجاد پایگاه رسمی، در حال حاضر چین هیچ توافق تأسیس پایگاه رسمی در خاورمیانه ندارد.

۳۱۶. برای مروری اجمالی بر حضور چین در تمرین‌های سازمان همکاری شانگهای، ر.ک. Scobell, Ratner, and Beckley, 2014, pp. 37-40.

توصیه‌ها

در سطح استراتژی کلان، واشنگتن باید یک استراتژی دوجانبه در پیوند با خاورمیانه و چین اتخاذ نماید. نخست، ایالات متحده باید چین و قدرت‌های آسیایی دیگر را تشویق کند که بیشتر درگیر تلاش‌ها برای افزایش ثبات منطقه‌ای شوند.^{۳۱۷} دوم، واشنگتن باید تلاش کند که به شرکای دیرپای خود در منطقه پیرامون تعهدات امنیتی‌اش اطمینان خاطر بدهد. به همراه این اقدامات سیاسی، پنتاگون باید برای این منطقه بی‌ثبات که اهمیت ژئواستراتژیک زیادی برای ایالات متحده دارد، مفاهیم استراتژیک و عملیاتی را برای چین به کار ببندد و انجام این کار، گزینه‌هایی برای همکاری با چین و برقراری روابط جهانی سازنده‌تر و همکاری جویانه بین چین و دولت‌های دیگر ایجاد می‌کند. این بدان معنا است که پذیرای تفکرات جدید و رویکردهای تازه تلاش برای حفاظت از منافع کلیدی ایالات متحده در خاورمیانه، از جمله «افزایش قابلیت [ایالات متحده] برای همکاری در حوزه‌های منسجم و علمی» با ارتش آزادی بخش خلق چین است.^{۳۱۸}

تشویق چین

ایالات متحده باید از تعامل امنیتی گسترده‌تر چین در خاورمیانه استقبال کند. هر چند، با وجود اهمیت قابل ملاحظه منطقه برای اقتصاد چین و قدرت فزاینده آن، چین نسبت به این تعامل مردد و دودل است. با همه این اوصاف، ایالات متحده به دنبال «شرکای توانا» و قابل اتکا است تا به چالش‌های بلندمدت مدیریت امنیت در خاورمیانه (و جاهای دیگر) بپردازد.^{۳۱۹} نقش‌های گسترده‌تر برای چین و قدرت‌های آسیایی دیگر می‌تواند پیامدهای مثبتی برای ایالات متحده و متحدان آن به دنبال داشته باشد. به علاوه، خاورمیانه دستخوش آشوب است و «کشمکش بر سر قدرت بین و در داخل بسیاری از دولت‌های منطقه جریان دارد».^{۳۲۰} نه تنها چین بلکه دولت‌های آسیایی دیگر - هند، ژاپن و کره جنوبی - منافع انرژی و اقتصادی فزاینده‌ای در خاورمیانه دارند و هر یک می‌توانند برای کمک به ارتقای ثبات منطقه‌ای کمک کنند، خصوصاً که اگر

۳۱۷. استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۵ اعلام می‌کند: «ما [ایالات متحده] به دنبال همکاری در خصوص چالش‌های منطقه‌ای و جهانی مشترک هستیم»

(Obama, 2015, p. 24)

318. U.S. Department of Defense, *Quadrennial Defense Review*, Washington, D.C., 2014, p. 17.

319. Obama, 2015, p. 3.

320. Obama, 2015, p. 5.

بتوانند با یکدیگر همکاری داشته باشند.^{۳۲۱} در حالی که برخی از این دولت‌های آسیایی مأمین بدگمانی و بی‌اعتمادی متقابل هستند و در همسایگی خود منازعات سرزمینی لاینحل دارند، احتمال همکاری واقعی برای ترویج منافع مشترک در جاهایی مانند خاورمیانه وجود دارد. همکاری امنیتی گسترده بین چین، عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس لزوماً موجب نگرانی ایالات متحده نیست. این همکاری می‌تواند سودمند بوده و به یک محیط منطقه‌ای با ثبات‌تر کمک کند. همکاری امنیتی چین با ایران مسأله‌دارتر است، اما با وجود رزمایش نیروهای دریایی چین-ایران در سال ۲۰۱۴ در خلیج فارس، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که پکن مشتاق اتحاد با تهران باشد.^{۳۲۲} در واقع، روابط امنیتی مستمر اما شفاف بین پکن و تهران در پی اجرای توافق هسته‌ای می‌تواند به ایران اطمینان خاطر دهد که در مسیر درستی قرار گرفته و شریک دیرینه‌اش او را تنها نگذاشته است.

منطقه دستخوش تحولات جنجال‌برانگیزی است و دورنمای محیط امنیتی آینده اصلاً روشن نیست. پکن شاید بعد از واشنگتن، به مهم‌ترین پایتخت در خارج از منطقه بدل شده باشد. در این شرایط، ایالات متحده باید از همکاری با چین در خاورمیانه و خلیج فارس استقبال کند که تقارن منافع وجود دارد، در عین حال در صورت نیاز در زمان تعارض منافع باید آمادگی مقابله با چین را هم داشته باشد. بعید است که چین، حتی در صورت افزایش تنش‌های ایالات متحده-چین در خاورمیانه، به خاطر تداوم استراتژی‌های محتاط بخواهد بر منطقه سلطه پیدا کند. در عوض، بی‌ثباتی در خاورمیانه می‌تواند راهی برای تعامل بیشتر چین-ایالات متحده فراهم سازد و همکاری بین چین و همسایگان آسیایی آن نهایتاً می‌تواند به کاهش تنش‌های رو به افزایش در شرق آسیا کمک کند.

خاطر جمع کردن شرکا

ایالات متحده در عین تشویق چین برای برعهده گرفتن نقشی فعالانه‌تر در منطقه باید همچنان نقش امنیتی پیشگام در خلیج فارس را خود ایفا کند. تقابل نظامی بین ایالات متحده و چین در خاورمیانه کاملاً نامحتمل است. در واقع، چین در منطقه حتی نیروهای لازم برای دست زدن به چنین تلاشی را ندارد، چه برسد به اراده سیاسی یا تمایل به مخالفت مستقیم با ایالات متحده در خاورمیانه یا خلیج فارس. تهدیدات جدی متوجه منطقه از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی

۳۲۱. در باب دخالت اقتصادی فزاینده این دولت‌های آسیایی در خاورمیانه، ر.ک.

Kemp, 2010; and Davidson, 2010.

322. Ankit Panda, "China and Iran's Naval Exercise," *The Diplomat*, September 23, 2014.

و جسارت ایران ناشی می‌شوند.^{۳۳۳} تمرکز استراتژیک ایالات متحده در منطقه همچنان بر تقویت قابلیت‌های شرکا و بازدارندگی و مهار ایران است. در این تلاش، ارتش ایالات متحده نقشی کلیدی در گسترش روابط با نیروهای زمینی شرکای عرب و حفظ حضور مستقیم در کویت دارد. این نقش به نیروهای ارتش محدود نمی‌شوند؛ خاطر جمع کردن شرکا در مواجهه با تهدیدات واقعی مستقیم یک مأموریت مشترک محوری برای تمام مراتب جزء در فرماندهی مرکزی ایالات متحده است.

واشننگتن باید ابتکارهایی را که چاک هیگل^{۳۳۴} وزیر وقت دفاع شروع کرد، ادامه دهد. در مه ۲۰۱۴، هیگل برای شرکت در نشست گفتگوی وزرای دفاع ایالات متحده-شورای همکاری خلیج فارس به جده عربستان سعودی سفر کرد. دیدار هیگل با سفرهای ویلیام برنز معاون وزیر امور خارجه وقت در فوریه و دیدار او با ما در مارس همراه شد. این مقامات ارشد ایالات متحده، ظاهراً بر تقویت تعهدات امنیتی پیوسته ایالات متحده در قبال خلیج فارس تأکید داشته‌اند که به طرق مختلف مانند حضور تقریباً ۳۵ هزار سرباز در نزدیک به ده‌ها پایگاه در سراسر منطقه و فروش جنگ‌افزارهای پیشرفته، از جمله سیستم‌های دفاع موشکی به شش دولت عضو شورای همکاری خلیج فارس، نمود یافته است.^{۳۳۵} کمک ارتش به این تلاش‌های جاری قابل توجه بوده و باید تداوم یابد.

در سطح عملیاتی، دولت او با ما تلاش نمود تا بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی را متقاعد کند که یک سپر دفاع موشکی منطقه‌ای مستقر کنند. به گفته هیگل، ایالات متحده می‌خواهد که «همکاری متقابل و ... توسعه نیروی چندجانبه پیچیده» شورای همکاری خلیج را افزایش دهد.^{۳۳۶} ارتش ایالات متحده باید عرضه موشک‌های پک-۳ به عربستان سعودی در چارچوب یک معامله ۱/۷۵ میلیارد دلاری که اجازه آن در اکتبر ۲۰۱۴ صادر شده را تسهیل نماید.^{۳۳۷}

323. The analysis in this paragraph draws on the *Quadrennial Defense Review* (U.S. Department of Defense, 2014, p. 33), the *National Security Strategy* (Obama, 2015, p. 26), and work by RAND's Michael Johnson conducted for the U.S. Army.

324. Chuck Hagel

325. Paul Richter, "U.S. Aims to Bolster Ties with Persian Gulf States," *Los Angeles Times*, February 20, 2014.

326. Rachel Oswald, "Hagel Urges Gulf States to Collaborate on Missile Defense," *Global Security Newswire*, May 15, 2014.

327. Jeremy Binnie, "US Approves Saudi PAC-3 Sale," *Jane's Defence Weekly*, October 2, 2014.

درگیری بیشتر چین در خاورمیانه می‌تواند در پرتو تنش‌ها بین ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن صورت بگیرد. با این حال، ایالات متحده مصمم است که ضامن امنیت عربستان سعودی و دولت‌های کوچک‌تر خلیج فارس باقی بماند. روابط فزاینده اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی چین با این کشورها، الزاماً به منافع ایالات متحده لطمه نمی‌زند. هرچه باشد، همکاری بیشتر بین ایالات متحده، چین و قدرت‌های آسیایی دیگر بر سر امنیت خاورمیانه می‌تواند به کاهش تنش‌ها در نواحی دیگر مانند شرق آسیا منتهی شود.

در حال حاضر، به نظر نمی‌رسد که تقاضایی برای نیروهای بیشتر ایالات متحده جهت مقابله با تعهدات فزاینده چین در قبال منطقه وجود داشته باشد. چین علاقه‌ای به دادن تعهداتی از این دست ندارد، هر چند ایالات متحده ظاهراً خواهان سطح بیشتری از مشارکت چین برای کمک به افزایش ثبات در منطقه است. اگر بی‌ثباتی بخواهد تولید انرژی خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهد، چین باید در ارتباط با افزایش دخالت امنیتی خود تصمیم‌های دشواری اتخاذ کند. این امر احتمالاً منوط به اقدامات ایالات متحده خواهد بود، چین مداخله ایالات متحده را مانند گذشته پذیرفته است و این ایالات متحده است که باید برای مداخله تصمیم بگیرد. تلاش‌های همکاری جویانه پیش از چنین واقعه‌ای می‌تواند به نتیجه‌ای بهتر منتهی شود که بی‌شک تنش‌ها بین ایالات متحده و چین را افزایش نمی‌دهد.

- "About SABIC in China," SABIC, January 20, 2012. As of October 14, 2015: http://sabic.51job.com/asia_china.php
- "Afzayesh e Amar e Masraf e Mavad e Mokhader e Sanaty Mian e Javanan va Zanan/Hal e Ma'zal Eshteghal Mohemtarin Rahkar e Mobareze ba E'tiad" ["Statistical Rise in Drug Use Among Youth and Women/Solving Employment Problems the Most Important Approach in Combating Addiction"], Mehr News, undated. As of September 22, 2014: <http://www.mehrnews.com/detail/News/2353228>
- "Aghaz e Ejlase Saran e CICA Dar Shanghai e Chin Ba Hozur e Doktor Rouhani" ["Rouhani Present at Start of Leaders' Meetings at CICA in Shanghai, China"], President.ir, May 21, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.president.ir/fa/77660>
- "Ahiai e Rah e Abrisham Hadaf e Bargozari e Namayeshgah Moshtarak e Iran Va Chin Ast" ["The Revival of the Silk Road Is the Goal of Holding a Joint Iranian and Chinese Exhibition"], Tasnim News Agency, August 12, 2014.
- Akbarzadeh, Shahram, "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and Realpolitik in Iranian Foreign Policy," *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 69, No. 1, 2015, pp. 88–103.
- Albright, David, and Andrea Stricker, "Iran's Nuclear Program," in United States Institute of Peace, *The Iran Primer*, Washington, D.C., updated September 2015. As of October 14, 2015: <http://iranprimer.usip.org/resource/irans-nuclear-program>
- Alterman, Jon B., "China's Soft Power in the Middle East," in Carolina G. McGiffert, ed., *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States: Competition and Cooperation in the Developing World*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 2009.
- , "The Vital Triangle," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, pp. 27-37

- Alterman, Jon B., and John W. Garver, *The Vital Triangle: China, the United States, and the Middle East*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 2008.
- “Bi Keyfiat Budan e Kola haye Chini Tabligh e Gharb Ast” [“The Poor Quality of Chinese Goods is Western Propaganda”], Digarban.com, March 11, 2012. As of October 31, 2014: <http://www.digarban.com/node/5413>
- Binnie, Jeremy, “US Approves Saudi PAC-3 Sale,” *Jane’s Defence Weekly*, October 2, 2014.
- Calabrese, John, “From Flyswatters to Silkworms: The Evolution of China’s Role in West Asia,” *Asian Survey*, Vol. 30, No. 9, September 1990, pp. 862–876.
- , “Saudi Arabia and China Extend Ties Beyond Oil,” *China Brief*, Vol. 5, No. 20, October 2005.
- “Chang Wanquan Meets with Crown Prince of Saudi Arabia,” *China Military Online*, March 17, 2014.
- Chen, Xiangming, and Ivan Su, “A Different Global Power? Understanding China’s Role in the Developing World,” *The European Financial Review*, June 2014.
- “China and Saudi Arabia,” website of the PRC Embassy in Jeddah, August 26, 2004.
- “China Exports PLZ45 155mm Guns to Saudi Arabia,” *Kanwa Asian Defense Review*, August 2008.
- “China Floods Iran with Cheap Consumer Goods in Exchange for Oil,” *Guardian*, February 20, 2013. As of October 31, 2014: <http://www.theguardian.com/world/iran-blog/2013/feb/20/china-floods-iran-cheap-consumer-goods>
- “China Issues 6-Point Statement on Syria,” *CCTV.com*, March 4, 2012. As of October 7, 2014:
<http://english.cntv.cn/program/newsupdate/20120304/107425.shtml>
- “China Opens Missile Plant in Iran,” *UPI*, April 23, 2010. As of October 31, 2014: http://www.upi.com/Business_News/Security-Industry/2010/04/23/China-opens-missile-plant-in-Iran/UPI-82791272037022
- “China ‘Resolutely Opposes’ U.S. Sanctions on Missile Parts Supplier,”

- Reuters, April 30, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.reuters.com/article/2014/04/30/us-china-usa-iran-idUSBREA3T07720140430>
- "China to Finance 7 Iranian Methanol Projects," Fars News Agency, June 14, 2014. As of October 31, 2014:
<http://english.farsnews.com/newstext.aspx?nn=13930324000818>
 - "Chinese Militants Get Islamic State 'Terrorist Training': Media," Reuters, September 22, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.reuters.com/article/2014/09/22/us-china-xinjiang-idUSKCN0HH10J20140922>
 - "Chinese President Arrives in Riyadh at Start of 'Trip of Friendship, Cooperation,'" Xinhua, February 10, 2009.
 - Chu Shulong, "Bei Fei Zhong Dong jushi yu Zhongguo" ["China and the Changing Situation in the Middle East and North Africa"], *Xiandai Guoji Guanxi* [Contemporary International Relations], No. 3, 2011.
 - Chu Shulong and Jin Wei, *Zhongguo waijiao zhanlue he zhengce* [China's Foreign Affairs Strategy and Policy], Beijing: Shishi Chubanshe, 2008.
 - Chulov, Martin, "Barack Obama Arrives in Saudi Arabia for Brief Visit with Upset Arab Ally," *Guardian*, March 28, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.theguardian.com/world/2014/mar/28/barack-obama-saudi-arabia-arab-ally>
 - Cooper, Helene, "Saudi Arabia Says King Won't Attend Meetings in U.S.," *New York Times*, May 10, 2015.
 - Crane, Brent, "A Tale of Two Chinese Muslim Minorities," *The Diplomat*, August 22, 2014. As of September 26, 2014: <http://thediplomat.com/2014/08/a-tale-of-two-chinese-muslim-minorities/>
 - Davidson, Christopher, *The Persian Gulf and Pacific Asia: From Indifference to Interdependence*, New York: Columbia University Press, 2010.
 - Demick, Barbara, "Xinjiang Attacks Attributed to China's Uighurs Grow in Sophistication," *Los Angeles Times*, May 22, 2014. As of May 24, 2014: <http://www.latimes.com/world/asia/la-fg-car-bombs-china-uighur-20140522-story.html>
 - Dickey, Lauren, "China Takes Steps Toward Realizing Silk Road Ambitions," *China Brief*, Vol. 14, No. 11, June 4, 2014.
 - Dickey, Lauren, and Helia Ighani, "Iran Looks East, China Pivots West,"

The Diplomat, August 25, 2014.

- Dorraj, Manochehr, and James English, "China's Strategy for Energy Acquisition in the Middle East: Potential for Conflict and Cooperation with the United States," *Asian Politics & Policy*, Vol. 4, No. 2, April 2012, pp. 173–191.
- , "The Dragon Nests: China's Energy Engagement of the Middle East," *China Report*, Vol. 49, No. 1, February 2013, pp. 43–67.
- Downs, Erica, "China-Gulf Energy Relations," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, pp. 62–78.
- , "Cooperating with China on Iran," *The German Marshall Fund of the United States*, January 2012.
- Duchatel, Mathieu, Oliver Brauner, and Zhou Hang, *Protecting China's Overseas Interests: The Slow Shift Away from Non-Interference*, SIPRI Policy Paper No. 41, Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute, June 2014.
- "Enteghad az Dowlat beh Dalile 'Vagozaariye Bazaare Iran beh Chiin'" ["Criticism of Administration for 'Handing Iranian Market Over to China'"], *Deutsche Welle*, June 6, 2012.
- Erdbrink, Thomas, and Chris Buckley, "China and Iran to Conduct Joint Naval Exercises in the Persian Gulf," *New York Times*, September 21, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.nytimes.com/2014/09/22/world/middleeast/china-and-iran-toconduct-joint-naval-exercises-in-the-persian-gulf.html>
- Erickson, Andrew S., and Austin M. Strange, *No Substitute for Experience: Chinese Antipiracy Operations in the Gulf of Aden*, China Maritime Study No. 10, Newport, R.I.: U.S. Naval War College, November 2013.
- "Fehreste 170 Kalaaye Varedaatiye Bi-Keyfiyat" ["List of 170 Poor Quality Imported Goods"], *Tabnak*, August 24, 2010. As of October 31, 2014: <http://www.tabnak.ir/fa/news/116070>
- Gao Zugui, "Dabianju shenhua beijingxia Zhongguo yu Zhong Dong guanxi de fazhan" ["Development of China's Relations with the Middle East in the Context of Profound Changes"], *Heping yu Fazhan* [Peace and Devel-

- opment], No. 1, 2014, pp. 39-47.
- Garver, John, "China-Iran Relations: Cautious Friendship with America's Nemesis," *China Report*, Vol. 49, No. 1, February 2013, pp. 69–88.
 - Garver, John W., and Fei-ling Wang, "China's Anti-Encirclement Struggle," *Asian Security*, Vol. 6, No. 3, September–December 2010, pp. 238–261.
 - Gill, Bates, and Chin-hao Huang, "China's Expanding Presence in UN Peacekeeping Operations and Implications for the United States," in Roy Kamphausen, David Lai, and Andrew Scobell, eds., *Beyond the Strait: PLA Missions Other Than Taiwan*, Carlisle Barracks, Pa.: U.S. Army War College Strategic Studies Institute, 2009, pp. 99–126.
 - Harold, Scott Warren, and Alireza Nader, *China and Iran: Economic, Political, and Military Relations*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, OP-351-CMEPP, 2012. As of September 4, 2014: http://www.rand.org/pubs/occasional_papers/OP351.html
 - Holz, Heidi, and Kenneth Allen, "Military Exchanges with Chinese Characteristics: The People's Liberation Army Experience with Military Relations," in Roy Kamphausen, David Lai, and Andrew Scobell, eds., *The PLA at Home and Abroad: Assessing the Operational Capabilities of China's Military*, Carlisle Barracks, Pa.: U.S. Army War College Strategic Studies Institute, 2010, pp. 430–480.
 - House, Karen Elliott, *On Saudi Arabia: Its People, Past, Religion, Fault Lines—and Future*, New York: Knopf, 2012.
 - "Hozur e Rouhani Dar Neshast e CICA/Didar Ba Saran e Rusiye Va Chin Dar Shanghai" ["Rouhani Present at CICA Meeting/Meeting with Russian and Chinese Leaders in Shanghai"], *Aftab News*, April 29, 2014. As of September 4, 2014: <http://aftabnews.ir/fa/news/241771>
 - Information Office of the State Council, *The Diversified Employment of China's Armed Forces*, Beijing, April 2013.
 - International Atomic Energy Agency, *Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran*, Vienna, November 10, 2003.
 - International Crisis Group, *China's Growing Role in UN Peacekeeping*, Asia Report No. 166, Brussels, April 17, 2009. As of October 31, 2014: http://www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/north-east-asia/166_chi-

nas_growing_role_in_un_peacekeeping.pdf

- “Iran, China to Sign \$2b Deal on Dams,” Press TV, May 10, 2007. As of October 31, 2014:

<http://edition.presstv.ir/detail/9403.html>

- “Iran > Procurement,” in Jane’s Sentinel Security Assessment—The Gulf States, HIS Jane’s, September 10, 2014. As of September 10, 2014: <https://janes.ihs.com/CustomPages/Janes/DisplayPage.aspx?DocType=Reference&ItemId=+++1303499&Pubabbrev=GULF>

- “Iran Condemns Violence in Xinjiang, China,” Islamic Republic News Agency, July 30, 2014. As of October 31, 2014:

http://www.irna.ir/en/News/2732753/Politic/Iran_condemns_violence_in_Xinjiang_China

- “Iran Views China Ties as Strategic: Official,” PressTV, April 8, 2014. As of October 31, 2014:

<http://www.presstv.com/detail/2014/04/08/357664/iran-hails-strategic-ties-with-china/>

- Jacobs, Andrew, “Tiananmen Square Anniversary Prompts Campaign of Silence,” New York Times, May 28, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.nytimes.com/2014/05/28/world/asia/tiananmen-square-anniversary-prompts-campaign-of-silence.html>

- Kahl, Colin H., Melissa G. Dalton, and Matthew Irvine, Atomic Kingdom: If Iran Builds the Bomb, Will Saudi Arabia Be Next? Washington, D.C.: Center for a New American Security, February 2013.

- Kemp, Geoffrey, The East Moves West: India, China, and Asia’s Growing Presence in the Middle East, Washington, D.C.: Brookings Institution, 2010.

- Lakshmanan, Indira A.R., and Pratish Narayanan, “India and China Skirt Iran Sanctions with ‘Junk for Oil,’” Bloomberg, March 30, 2012. As of September 4, 2014: <http://www.bloomberg.com/news/2012-03-29/india-and-china-skirt-iran-sanctions-with-junk-for-oil-.html>

- “Larinjani Dar Daneshgah e Motale’at e Khareji e Pekan Sokhanrani MiKonad” [“Larinjani Speaks at the Beijing Foreign Studies University”], Iranian Students’ News Agency, October 29, 2013.

- Levine, Steven I., "China in Asia: The PRC as a Regional Power," in Harry Harding, ed., *China's Foreign Relations in the 1980s*, New Haven, Conn.: Yale University Press, 1984, pp. 107–145.
- Lewis, Jeffrey, "Saudi Arabia's Strategic Dyad," *Arms Control Wonk*, July 15, 2013. As of October 31, 2014: <http://lewis.armscontrolwonk.com/archive/6688/saudi-arabias-strategic-dyad>
- , "Why Did Saudi Arabia Buy Chinese Missiles?" *Foreign Policy*, January 30, 2014. Lewis, John W., Hua Di, and Xue Litai, "Beijing's Defense Establishment: Solving the Arms-Export Enigma," *International Security*, Vol. 15, No. 4, Spring 1991, pp. 87–109.
- Li, David Daokui, Ming Feng, Jinjian Shi, Zhen He, and Wen Liu, "Silk Road Economic Belt: Prospects and Policy Recommendations," working paper, Beijing: Center for China in the World Economy, Tsinghua University, May 20, 2014. As of October 31, 2014: <http://intl.ce.cn/specials/zxxx/201405/26/P020140526515434111874.pdf>
- Li Weijian, "Zhong Dong zai Zhongguo zhanlue zhong de zhongyaoxing ji shuangbian guanxi" ["Bilateral Relations Between China and the Middle East and the Importance of the Middle East in China's Strategy"], *XiYa Feizhou [West Asia and Africa]*, No. 6, 2004.
- , "Dangqian Zhong Dong anquan jushi ji dui Zhongguo Zhong Dong waijiao yingxiang" ["Current Security Situation in the Middle East and Implications for China's Middle East Diplomacy"], *Guoji guancha [International Observer]*, No. 3, 2014.
- Liao, Janet Xuanli, "China's Energy Diplomacy and Its 'Peaceful Rise' Ambition: The Cases of Sudan and Iran," *Asian Journal of Peacebuilding*, Vol. 1, No. 2, 2013, pp. 197–225.
- Lippman, Thomas W., *Saudi Arabia on the Edge: The Uncertain Future*, Washington, D.C.: Potomac Books, 2013.
- Liu Zhongmin, "Shi shui Zhong Dong: Bianjuxiade Zhongguo waijiao" ["Testing the Waters in the Middle East: China's Foreign Relations Under

Turbulent Change”], *Shijie Zhishi* [World Affairs], No. 5, 2013.

- Ma, Wayne, “China Imports Record Amount of Iranian Crude,” *Wall Street Journal*, July 21 2014. As of October 31, 2014: <http://online.wsj.com/articles/china-imports-record-amount-of-iranian-crude-1405946504>
- MacLean, William, “Iran Seeks Banned Nuclear Items, Uses China Trader for Missile Parts: U.S.,” *Reuters*, March 17, 2014. As of September 4, 2014: <http://www.reuters.com/article/2014/03/17/us-iran-nuclear-supplies-idUSBREA2G1EF20140317>
- Medeiros, Evan S., *Reluctant Restraint: The Evolution of China’s Nonproliferation Policies and Practices, 1980–2004*, Stanford, Calif.: Stanford University Press, 2007.
- , *China’s International Behavior: Activism, Opportunism, and Diversification*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, MG-850-AF, 2009. As of October 14, 2015: <http://www.rand.org/pubs/monographs/MG850.html>
- Meick, Ethan, *China’s Reported Ballistic Missile Sale to Saudi Arabia: Background and Potential Implications*, Washington, D.C.: U.S.-China Economic and Security Review Commission, June 16, 2014.
- Mouawad, Jad, “China’s Growth Shifts the Geopolitics of Oil,” *New York Times*, March 19, 2010. As of October 31, 2014: <http://www.nytimes.com/2010/03/20/business/energy-environment/20saudi.html>
- Nathan, Andrew J., and Andrew Scobell, *China’s Search for Security*, New York: Columbia University Press, 2012.
- Naughton, Barry J., “The Western Development Program,” in Barry J. Naughton and Dali Yang, eds., *Holding China Together: Diversity and National Integration in the Post-Deng Era*, New York: Cambridge University Press, 2004, pp. 253–295.
- Niu Xinchun, “China’s Interests in and Influence over the Middle East,” trans. Haibing Xing, *Contemporary International Relations*, Vol. 24, No. 1, January/February 2014a, pp. 37–58.
- , “‘Nengyuan duili’ wei shixian ding Zhong Dong libukai” [“‘Energy Independence’ Not to Be Achieved (the U.S.) Inseparably Bound to the Middle East”], *Shijie Zhishi* [World Affairs], No. 1, 2014b.

- Obama, Barack, National Security Strategy, Washington, D.C.: White House, February 2015.
- Oswald, Rachel, "Hagel Urges Gulf States to Collaborate on Missile Defense," Global Security Newswire, May 15, 2014.
- "The Other Religion: Why So Many Young Iranians Are Hooked on Hard Drugs," The Economist, August 17, 2013. As of September 4, 2014: <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21583717-why-so-many-young-iranians-are-hooked-hard-drugs-other-religion>
- Panda, Ankit, "China and Iran's Historic Naval Exercise," The Diplomat, September 23, 2014. As of November 6, 2015: <http://thediplomat.com/2014/09/china-and-irans-historic-naval-exercise/>
- "President Prior to His Departure to China: Iran's Economic Ties with East/China Is Important to Iran," President.ir, May 20, 2014. As of September 4, 2014: <http://president.ir/en/77630>
- Qian Xuewen, "Zhong Dong jubian dui Zhongguo haiwai liyi de yingxiang" ["Impact of Middle East Turmoil on China's Overseas Interests"], Alabo Shijie Yanjiu [Arab World Studies] No. 6, November 2012, pp. 50-51.
- Richter, Paul, "U.S. Aims to Bolster Ties with Persian Gulf States," Los Angeles Times, February 20, 2014. As of October 31, 2014: <http://articles.latimes.com/2014/feb/20/world/la-fg-wn-us-gulf-states-20140220>
- Richter, Paul, and Alex Rodriguez, "Chinese Bank Pulls Out of Pakistan-Iran Pipeline Project," Los Angeles Times, March 14, 2012. As of October 31, 2014: <http://articles.latimes.com/2012/mar/14/world/la-fg-pakistan-china-pipeline-20120315>
- Said, Summer, "Saudi Arabia, China Sign Nuclear Cooperation Pact," Wall Street Journal, January 16, 2012. As of October 31, 2014: <http://online.wsj.com/articles/SB10001424052970204468004577164742025285500>
- "Saudi Arabia Admits to Purchase of Chinese DF-21 Missile," Want China Times, September 22, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.wantchinatimes.com/news-subclass-cnt.aspx?id=20140922000059&cid=1101>
- "Saudi Arabia and the United States: Awkward Relations," The Economist, March 29, 2014.
- "Saudi Arabia Signs Deal for China's Pterodactyl Drone," Want China

Times, May 7, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.wantchinatimes.com/news-subclass-cntasp?id=20140506000088&cid=1101>

- Saul, Jonathan, "Chinese Firms Drop Iran as Latest U.S. Sanctions Bite," Reuters, July 1, 2013.
- Schenker, David, "China's Middle East Footprint," Los Angeles Times, April 27, 2013.
- Scobell, Andrew, "China Ponders Post-2014 Afghanistan: Neither 'All in' nor Bystander," Asian Survey, Vol. 55, No. 2, March–April 2015, pp. 325–345.
- Scobell, Andrew, and Scott W. Harold, "An 'Assertive' China? Insights from Interviews," Asian Security, Vol. 9, No. 2, 2013, pp. 111–131.
- Scobell, Andrew, Ely Ratner, and Michael Beckley, China's Strategy Toward South and Central Asia: An Empty Fortress, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, RR-525-AF, 2014. As of October 14, 2015: http://www.rand.org/pubs/research_reports/RR525.html
- "SCO Summit Is Held in Tashkent Hu Jintao Attends and Delivers an Important Speech to the Summit," Embassy of the People's Republic of China in the United States of America, June 11, 2010. As of September 4, 2014: <http://www.china-embassy.org/eng//zgyw/t708530.htm>
- Seznec, Jean-Francois, "China and the Gulf in 2010: A Political Economic Survey," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., China and the Persian Gulf: Implications for the United States, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, pp. 54–61.
- Shambaugh, David, China Goes Global: The Partial Power, Oxford, UK: Oxford University Press, 2013.
- Sheives, Kevin, "China Turns West: Beijing's Contemporary Strategy Towards Central Asia," Pacific Affairs, Vol. 79, No. 2, Summer 2006, pp. 205–224.
- Shichor, Yitzhak, The Middle East in China's Foreign Policy, 1949–1977, New York: Cambridge University Press, 1979.
- , "Fundamentally Unacceptable yet Occasionally Unavoidable: China's Options on External Interference in the Middle East," China Report, Vol. 49, No. 1, 2013, pp. 25–41.

- Shirk, Susan, *China: Fragile Superpower*, Oxford, UK: Oxford University Press, 2007.
- Simpfendorfer, Ben, *The New Silk Road: How a Rising Arab World Is Turning Away from the West and Rediscovering China*, Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan, 2009.
- “SIPRI Arms Transfers Database—Methodology,” web page, Stockholm International Peace Research Institute, undated. As of November 20, 2015: http://www.sipri.org/databases/armstransfers/background/background_default
- Solmirano, Carina, and Pieter D. Wezeman, “Military Spending and Arms Procurement in the Gulf States,” SIPRI Fact Sheet, Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute, October 2010.
- Subler, Jason, “China’s ZTE Says It Basically Dropped Iran Business,” Reuters, April 18, 2013. As of September 4, 2014: <http://www.reuters.com/article/2013/04/18/us-zte-iran-idUSBRE93H0A820130418>
- Al-Sudairi, Mohammend Turki, *China in the Eyes of the Saudi Media*, GRC Gulf Papers, Jeddah, Saudi Arabia: Gulf Research Center, February 2013.
- Sun, Yun, “Iran and Asia 1: China Is the Quiet Giant,” in *The Iran Primer*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace, January 29, 2014. As of October 31, 2014: <http://iranprimer.usip.org/blog/2014/jan/29/iran-and-asia-1-china-quiet-giant>
- “Takid e Roosai Jomhure Iran Va Chin Bar Tose’e e Hame Janbe e Monasebat Mian e Do Keshvar” [“Leaders of Iranian and Chinese Republics Emphasize Development of Bilateral Relations”], President.ir, May 22, 2014. As of September 4, 2014: <http://www.president.ir/fa/77824>
- “Takid e Vazirae e Defa’ e Iran va Chin bar Gostaresh e Hamkari haye Defa’ee Tehran va Pekan” [“Tehran and Beijing—Iranian and Chinese Defense Secretaries Emphasize Increase in Defense Cooperation”], Fars News Agency, May 5, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930215000326>
- Tanner, Murray Scot, *China Confronts Afghan Drugs: Law Enforcement Views of “The Golden Crescent,”* Arlington, Va.: CNA China Studies, March 2011.
- “Tashkil e Goruh haye Amaliati e Moshtarak e Iran va Chin Baray e Mo-

bareze Ba Mavad e Mokhader” [“Formation of Joint Iranian-Chinese Working Groups to Combat Drugs”], Tasnim News, July 5, 2013. As of September 4, 2014: <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/91768>

- Tata, Samir, “Recalibrating American Grand Strategy: Softening U.S. Policies Toward Iran in Order to Contain China,” *Parameters*, Vol. 42, No. 4, 2013, pp. 47–58.

———, “US, Iran and China: An Emerging Strategic Triangle,” *The International Relations and Security Network*, January 30, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.isn.ethz.ch/DigitalLibrary/Articles/Detail/?lng=en&id=176024>

- Tiezzi, Shannon, “Saudi Arabia, China’s Good Friend,” *The Diplomat*, March 14, 2014a. As of October 31, 2014:

<http://thediplomat.com/2014/03/saudi-arabia-chinas-good-friend/>

———, “China’s ‘New Silk Road’ Vision Revealed,” *The Diplomat*, May 9, 2014b. As of September 4, 2014: <http://thediplomat.com/2014/05/chinas-new-silk-road-vision-revealed/>

———, “Chinese Nationals Evacuate Yemen on PLA Navy Frigate,” *The Diplomat*, March 30, 2015. As of November 6, 2015: <http://thediplomat.com/2015/03/chinese-nationals-evacuate-yemen-on-pla-navy-frigate/>

- “Tose’e Ravabet Ba Chin Az Oloviat haye Vizhe e Siasate Khareji e Dowlat e Ayande Ast” [“The Development of Relations with China Is One of the Special Political Priorities of the Next Government”], *Hamshahri Online*, June 26, 2013. As of September 4, 2014: <http://www.hamshahronline.ir/details/220457>

- “U.S. Accuses Chinese Man Of Breaching Iran Nuclear Sanctions,” *BBC*, April 4, 2014. As of October 31, 2014:

<http://www.bbc.com/news/world-us-canada-26892568>

- U.S. Department of Defense, *Quadrennial Defense Review*, Washington, D.C., 2014.

- U.S. Department of Justice, “‘Karl Lee’ Charged in Manhattan Federal Court with Using a Web of Front Companies to Evade U.S. Sanctions,” *Office of Public Affairs*, April 29, 2014. As of September 4, 2014:

<http://www.justice.gov/opa/pr/2014/April/14-nsd-450.html>

- U.S. Energy Information Administration, “Country Analysis Brief: China,” Washington, D.C., February 4, 2014.
- , “Country Analysis Brief: Iran,” Washington, D.C., July 21, 2014.
- “US Targets Weapons, Oil Sanctions Evaders,” in *The Iran Primer*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace, April 29, 2014. As of September 2014: <http://iranprimer.usip.org/blog/2014/apr/29/us-targets-weapons-oil-sanctions-evaders>
- Van Ness, Peter, “China as a Third World State: Foreign Policy and Official National Identity,” in Lowell Dittmer and Samuel S. Kim, eds., *China’s Quest for National Identity*, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 1993, pp. 194–214.
- “Vision and Actions Are Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st Century Maritime Silk Road,” news release, National Development and Reform Commission, Ministry of Foreign Affairs, Ministry of Commerce of the People’s Republic of China with State Council authorization, March 28, 2015.
- Wang Jisi, “‘Xijin’: Zhongguo diyuan zhanlue de zai pingheng” [“‘Marching West’: China’s Geostrategic Rebalance”], *Huanqiu Shibao* [Global Times], October 17, 2012. As of October 31, 2014: http://opinion.huanqiu.com/opinion_world/2012-10/3193760.html
- Wehrey, Frederic, “After King Abdullah, Continuity,” Carnegie Endowment for International Peace, January 23, 2015. As of January 28, 2015: <http://carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=58810>
- Wong, Jasper, “Saudi-China Relations Emblematic of China’s New Foreign Policy Challenges,” *The Interpreter*, July 18, 2014. As of October 31, 2014: <http://www.lowyinterpreter.org/post/2014/07/18/Saudi-China-relations-Chinas-new-foreign-policy-challenges.aspx>
- Worth, Robert F., “Clerics Fault a Mute Iran as Muslims Die in China,” *New York Times*, July 13, 2009. As of September 23, 2014: <http://www.nytimes.com/2009/07/14/world/middleeast/14iran.html>
- Worth, Robert F., and C. J. Chivers, “Seized Chinese Weapons Raise Concerns on Iran,” *New York Times*, March 2, 2013. As of September 4, 2014: http://www.nytimes.com/2013/03/03/world/middleeast/seized-arms-off-yemen-raise-alarm-over-iran.html?_r=0

- Wu Bingbing, "Strategy and Politics in the Gulf as Seen from China," in Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein, eds., *China and the Persian Gulf: Implications for the United States*, Washington, D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2011, pp. 10–26.
- Wu Jiao and Zhang Yunbi, "Xi Proposes a 'New Silk Road' with Central Asia," *China Daily*, September 8, 2013. As of October 31, 2014: http://usa.chinadaily.com.cn/china/2013-09/08/content_16952304.htm
- "Xi Jinping Holds Talks with President Hassan Rouhani of Iran, Stressing to Promote China-Iran Friendly Cooperation to New High," Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, May 22, 2014.
- Yan, Xuetong, "Silk Road Economic Belt Shows China's New Strategic Direction: Promoting Integration with Its Neighbors," Carnegie-Tsinghua Center for Global Policy, February 27, 2014. As of September 4, 2014: <http://carnegietsinghua.org/2014/02/27/silk-road-economic-belt-shows-china-s-new-strategic-direction-promoting-integration-with-its-neighbors>
- Zhao Hong, "China's Dilemma on Iran: Between Energy Security and a Responsible Rising Power," *Journal of Contemporary China*, Vol. 23, No. 87, 2014, pp. 408–424.
- Zhao Jingfang, "Pojie nengyuan anquan kunjing: waijiao he junshi shouduan" ["Solving Energy Difficulties: Diplomatic and Military Methods"], *Shijie Zhishi* [World Affairs], No. 18, 2012, pp. 44–53.
- "Zhongguo 'xijin' yong pingheng zhanlue zhilu" ["China's 'March West' Guiding Balancing Strategy"], *Qiushi* [Seeking Truth], April 22, 2014. As of October 31, 2014: http://www.qstheory.cn/gj/gjsspl/201404/t20140422_342588.htm

روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین تا سال ۲۰۲۵

ساخت آینده‌ای مشترک

گزارشی مشترک از بروگل، چاتم هاوس، مرکز مبادلات اقتصادی

بین‌المللی چین و دانشگاه چینی هنگ کنگ

آلیشیا گارسیا هررو

کووک

لیو جیانگ دانگ

تیم سامرز

ژانگ یانگ

خلاصه اجرایی

سابقه

اتحادیه اروپا و چین اشتراکات فراوانی دارند. تولید ناخالص داخلی آنها (به ترتیب ۱۴,۷۲ و ۹,۷۵ تریلیون یورو در سال ۲۰۱۵) در جایگاه دوم و سوم و پس از ایالات متحده آمریکا (۱۶,۶۴ تریلیون یورو) قرار دارد. این دو، اقتصادهایی با بیشترین ادغام خارجی در سطح جهان هستند، به طوری که حجم سالانه تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات در سال ۲۰۱۵ برای آنها به ترتیب ۱۵ تریلیون یورو (۵ تریلیون یورو اگر تنها تجارت خارجی با اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود) و ۴,۷۵ تریلیون یورو بوده است. تجارت سالانه دوجانبه کالا و خدمات این دو اقتصاد در سال ۲۰۱۵ در سطح ۵۸۰ میلیارد یورو بوده، به گونه‌ای که هر کدام از آنها نسبت به دیگری به عنوان بزرگترین منبع واردات و دومین مقصد صادرات بوده است. رهبران اتحادیه اروپا و چین اعتقاد دارند که چندجانبه‌گرایی^۱ اثربخش مبتنی بر قواعد، باید هسته حکمرانی جهانی را تشکیل دهد. این دو همچنین از نظر امنیتی نیز با هم در رقابت نیستند.

در همین حال، ایالات متحده آمریکا در حال عقب‌نشینی از ایفای نقش رهبری در پشتیبانی از بازارهای جهانی گشوده‌تر است و نگرانی‌های عمیقی در سطح جهان درباره اثرات منفی جهانی شدن بر نابرابری درآمدی وجود دارد. این تغییرات کلی، برهه‌ای مهم را برای اتحادیه اروپا و چین رقم زده تا به تعمیق روابط اقتصادی دوجانبه خود از طریق افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، ارتقای همکاری در زمینه تغییرات اقلیمی، انرژی و محیط‌زیست، حاکمیت جهانی و همکاری در علوم، فناوری و نوآوری، زیرساخت و خدمات مالی، بیان‌دیشند. این

1. multilateralism

تلاش‌ها می‌تواند مزایای دوجانبه داشته باشد - به پایدار شدن رشد اقتصادی کمک می‌کند، اشتغال ایجاد کرده و سطح رفاه اجتماعی را نه تنها در جوامع خود بلکه در سطح جهانی ارتقاء می‌دهند.

تجارت کالا، قوه محرک روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین بوده است. تجارت دوجانبه کالاها به طور میانگین سالانه ۱۴,۴ درصد بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ رشد نمود، گرچه این رشد بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ به ۳,۶ درصد کاهش یافت اما تجارت کالا از ابتدای سال ۲۰۱۷ دوباره افزایش یافته است. با برون‌رفت اتحادیه اروپا از بحران مالی طولانی‌مدت، و تعهد چین برای تثبیت نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی خود در بالای ۶ درصد از طریق اصلاحات و گشایش بازار، فرصت‌های چشمگیری برای هر دو طرف به منظور تعمیق روابط اقتصادی خود در آینده وجود دارد.

با این حال، ورای تجارت کالا، بسیاری از حوزه‌های تعامل اقتصادی از جمله تجارت خدمات، سطوح سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری در نوآوری صنعتی و تکنولوژیکی و یکپارچگی بازار مالی هنوز به اندازه کافی توسعه نیافته است. واردات خدمات توسط چین بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ سالانه با نرخ بیش از ۲۵ درصد رشد نمود و مازاد تجاری اتحادیه اروپا با چین از سال ۲۰۱۰ به طور میانگین سالانه ۳۷ درصد رشد نمود تا در سال ۲۰۱۵ به ۱۱ میلیارد یورو رسید. حجم موجود تجمعی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اتحادیه اروپا و چین در یکدیگر، وزن کلی آنها را در اقتصاد جهانی یا شدت تجارت آنها را منعکس نمی‌کند. در سال ۲۰۱۵، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در سرزمین اصلی چین (شامل هنگ کنگ، کنگ (نمی‌گردد) حدود ۱۶۸ میلیارد یورو و سرمایه‌گذاری سرزمین اصلی چین در اتحادیه اروپا تنها ۳۵ میلیارد یورو (۱۱۵ میلیارد یورو با لحاظ هنگ کنگ) بود، گرچه جریان‌های سرمایه‌گذاری چین به سمت اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی رشد یافته است. در مقابل، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در ایالات متحده ۲,۶ تریلیون یورو و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در اتحادیه اروپا ۲,۴ تریلیون یورو بوده است. این حجم پایین سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که فضای زیادی برای افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری در هر دو جهت در سال‌ها و دهه‌های پیش رو وجود دارد.

افزایش مصرف چین به خصوص در بخش خدمات، پتانسیل ایجاد بازاری جدید برای کسب و کارهای اروپایی را دارد، در حالی که افزایش سرمایه‌گذاری چین در اتحادیه اروپا، علاوه بر افزایش تولید ناخالص داخلی و اشتغال اتحادیه اروپا، باعث بهبود رقابت‌پذیری جهانی شرکت‌های چینی نیز می‌گردد.

با این حال، ارتقای روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین به سمت یک مشارکت راهبردی واقعی مورد انتظار رهبران اروپایی و چینی، مستلزم تلاش بیشتر از ناحیه طرفین است. از یک سو، بسیاری از صاحبان کسب و کارهای اروپایی، شرکت‌های چینی را به عنوان منشأ رقابت نابرابر هم در بازارهای چین و هم بازارهای اتحادیه اروپا می‌پندارند. از سوی دیگر، شرکت‌های چینی این نگرانی را دارند که اتحادیه اروپا ابزارهای سیاستی همچون سیاست‌های ضد دامپینگ و حقوق گمرکی جبرانی^۲ را علیه آنها اعمال نماید که در چین، ناعادلانه قلمداد می‌شوند. علاوه بر این، رهبران اتحادیه اروپا سرگرم یک برنامه سیاستی کامل، از اصلاحات منطقه یورو تا مذاکرات خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، هستند.

چین نیز در میانه یک تحول اقتصادی پیچیده است. تغییرات ساختاری در اقتصاد و نرخ‌های کندتر رشد چین، چالش‌هایی را برای فعالیت شرکت‌های اروپایی و چینی در این کشور ایجاد می‌کند. اثر فناوری‌های نوین و نوآوری احتمالاً باعث تشدید اختلال در مدل‌های جاری کسب و کار شده و فرصت‌های اقتصادی جدیدی ایجاد می‌کند. در این شرایط، تفاوت‌ها در نقش دولت در اقتصادهایشان بدین معناست که مدل‌های اقتصادی اروپایی و چینی احتمالاً در آینده قابل پیش‌بینی، همگرا نمی‌شوند. تفاوت‌های چشمگیر بین سیستم‌های سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و چین هم به چالش‌های تعمیق روابط اقتصادی دوجانبه آنها افزوده می‌شود.

توصیه‌ها

با توجه به این ترکیب از چالش‌ها و فرصت‌ها، این نکته حائز اهمیت است که رهبران اتحادیه اروپا و چین توجه بیشتری به راهبرد دوجانبه خود داشته و این نکته را مدنظر داشته باشند که چگونه تعمیق روابط اقتصادی آنها از الان تا سال ۲۰۲۵ می‌تواند منافع دوطرفه را برای آنها به همراه داشته باشد. این به معنای اتکا به برنامه راهبردی ۲۰۲۰ برای همکاری اتحادیه اروپا - چین^۳، بیان مجدد منافع مشترکشان در زمینه جهانی جدید، و در عین حال، تشخیص دقیق‌تر تفاوت‌ها، و اولویت‌بندی پیشرفت است. هدف اصلی باید ارتقای پایدار، متوازن و جامع رشد هر دو اقتصاد باشد.

2. countervailing duties

3. EU-China 2020 Strategic Agenda for Cooperation

به طور خاص، اتحادیه اروپا و چین باید:

۱. در مورد یک موافقتنامه سرمایه‌گذاری در اسرع وقت به نتیجه برسند

مذاکرات در حال انجام اتحادیه اروپا - چین در خصوص موافقتنامه سرمایه‌گذاری، می‌تواند به عنوان یک خط‌مشی برای رسیدگی به تفاوت‌ها و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های بیشتر، با نگاهی به رسیدن به یک موافقتنامه سرمایه‌گذاری بین اتحادیه اروپا و چین، مورد استفاده قرار گیرد. موافقتنامه سرمایه‌گذاری جایگزین توافقات دوجانبه موجود بین چین و کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواهد شد. هدف چین موافقت‌نامه‌ای، ایجاد محیطی بازتر، شفاف‌تر و امن‌تر برای جریان‌های سرمایه‌گذاری آینده است.

در حال حاضر، دسترسی به بازار، چالشی‌ترین موضوع در این مذاکرات است. سرمایه‌گذاران بالقوه چینی در اتحادیه اروپا، موشکافی فزاینده از جانب تنظیم‌گران ملی اتحادیه اروپا را در زمینه امنیت ملی و رقابت ناعادلانه احساس می‌کنند. بر عکس، شرکت‌های اروپایی به استناد راهبرد توسعه داخلی و حمایت از بخش‌های خاص در چین، محدودیت‌های عمده‌ای را برای دستیابی به بازارهای این کشور می‌پندارند. بنابراین، در این موافقتنامه سرمایه‌گذاری، هدف باید ایجاد محیط‌های کسب و کار عادلانه، پایدار، شفاف و قابل پیش‌بینی در چین و اتحادیه اروپا باشد، به گونه‌ای که با شرکت‌های هر دو طرف، صرف نظر از کشور اصلی آنها، به طور یکسان برخورد شود. این مستلزم این است که هم اتحادیه اروپا و هم چین راهبردهای متناظر و چارچوب‌های نهادی خود را به روز نموده تا ایجاد چنین محیط‌هایی را تضمین کرده و حمایت از حقوق مالکیت معنوی را تقویت نمایند.

برخی از نگرانی‌های اتحادیه اروپا می‌تواند تا حدی از طریق اتخاذ اصول متداول بین‌المللی حاکمیت شرکتی توسط شرکت‌های چینی مدنظر قرار گیرد. چین این انتظار را دارد که اتحادیه اروپا اذعان داشته باشد که شرکت‌های چینی در حال شروع از نقطه‌ای متفاوت بوده و با سیستم اقتصادی متفاوتی عمل می‌کنند. با این وجود، دولت چین بیان داشته که متعهد به گشودن بیشتر بازارهای خود به روی سرمایه‌گذاران خارجی بوده و به بازار اجازه ایفای نقش تعیین‌کننده در تخصیص منابع را می‌دهد. بنابراین، یک گام مهم در راستای نیل به این توافق، آغاز اعمال «لیست منفی»^۴ سرمایه‌گذاری در مورد کل قلمرو سرزمینی و نه صرفاً مناطق آزاد تجاری است، که پس از آن می‌تواند توافقی بین اتحادیه اروپا و چین در مورد لیست منفی کوتاه‌تر برای سرمایه‌گذاری صورت پذیرد.

ضمناً، برنامه کار سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین بیشتر باید بر بخش خدمات دو طرف متمرکز باشد. یک موافقتنامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین پتانسیل تحریک دور جدیدی از اصلاحات اقتصادی، شامل کسب و کارهای دولتی، و آزادسازی بازار در چین را دارد.

۲. مذاکرات در خصوص ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا - چین را آغاز نمایند

چنین مذاکراتی می‌تواند بر مبنای نتیجه موفق موافقتنامه سرمایه‌گذاری بین اتحادیه اروپا و چین آغاز گردد. اهمیت نسبی چین برای اتحادیه اروپا به عنوان یک شریک تجاری در سال‌های پیش رو افزایش خواهد یافت، گرچه اهمیت نسبی اتحادیه اروپا برای چین احتمالاً اندکی کاهش می‌یابد (تا سال ۲۰۲۰، ممکن است اتحادیه اروپا دیگر بزرگ‌ترین شریک تجاری چین نباشد، و این تا حدی به دلیل خروج انگلستان از اتحادیه اروپا است). این بدین معناست که میزان گشودگی چین و اتحادیه اروپا به بازارهایشان و بهبود آزادسازی و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری با یکدیگر، عاملی مهم در شکل‌دهی روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین تا سال ۲۰۲۵ است.

با تداوم توسعه و شهری شدن اقتصاد چین، هدایت در راستای تغییر به سمت مصرف باکیفیت‌تر و فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر، گسترش دسترسی به بازار و هماهنگ‌سازی مقررات بین اتحادیه اروپا و چین، از اهمیت بیشتری برخوردار شده و احتمالاً دستیابی به آن نیز سهل‌تر خواهد گشت. تجارت خدمات باید به طور فعال در هر دو جهت ارتقاء یابد. محصولات و خدمات مراقبت بهداشتی نمونه‌های خوبی از حوزه‌هایی هستند که می‌توانند برای هر دو طرف دارای نفع باشند. با توجه به تغییر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جمعیت سالخورده چین و شکاف ظرفیت در ارائه مراقبت‌های بهداشتی بین اتحادیه اروپا و چین، این بخش باید یک حیطه مهم برای گشایش بازار باشد.

به عنوان نمونه‌ای از اثرات احتمالی موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، تحقیقات چینی برآورد می‌کنند که یک موافقت‌نامه تجارت آزاد در سال ۲۰۲۰ می‌تواند صادرات اتحادیه اروپا به چین را در یک دوره ۵ ساله تا سال ۲۰۲۵ به اندازه یک سوم افزایش دهد، در حالی که صادرات چین به اتحادیه اروپا ۲۰ درصد بالاتر خواهد بود. گرچه یک موافقت‌نامه تجارت آزاد به بهبود موازنه تجاری اتحادیه اروپا - چین کمک می‌کند، اما از بین بردن کسری تجاری^۵ اتحادیه اروپا با چین مستلزم تلاش‌های مشترک بیشتر در ورای یک موافقت‌نامه تجارت آزاد است.

در همین حال، دو طرف باید همکاری عملی و آزادسازی بازار را در تعدادی از حوزه‌های مرتبط ترغیب نمایند، در حالی که تحقیقات بیشتری انجام داده و در مورد نحوه کمک موافقت‌نامه تجارت آزاد به توسعه اقتصادی دوجانبه وارد مذاکره شوند.

۳. از ابتکار یک کمربند، یک جاده^۶ به عنوان یک سکو برای گسترش بیشتر تجارت دوجانبه و همکاری اقتصادی استفاده نمایند

ابتکار یک کمربند، یک جاده فرصت را برای منافع جبرانی به نفع اتحادیه اروپا و چین فراهم می‌کند. اتحادیه اروپا فرصت تبدیل شدن به لنگر غربی ابتکار یک کمربند، یک جاده را دارد که هدف آن، ایجاد ارتباطات زمینی و دریایی بین بازارهای به سرعت در حال رشد آسیای شرقی و بازارهای توسعه‌یافته اروپا، افزایش تجارت بین آنها و همچنین بازارهای مستقر در مسیرهای ریلی و دریایی برنامه‌ریزی شده است. سرمایه‌گذاری چینی همراه با «برنامه یونکر»^۷ اتحادیه اروپا می‌تواند به برخی از تنگناهای زیرساختی اتحادیه اروپا به خصوص در تأسیسات بندری و ریلی در اروپای شرقی و مرکزی پرداخته و مسیرهای ریلی جدیدی را بین اروپا و چین ایجاد نماید. در نتیجه این کار، تجارت جهانی اروپا می‌تواند حدود ۶ درصد افزایش یابد و زمانی که تمام پروژه‌های مرتبط کامل شوند، این کار از طریق کاهش اساسی هزینه‌های حمل و نقل صورت می‌گیرد. شرکت‌های اتحادیه اروپا می‌توانند از این مسیرهای جدید برای افزایش حجم صادرات خود به بازار مصرف در حال رشد چین استفاده کنند، و از سوی دیگر، شرکت‌های چینی رقابت‌پذیری قیمتی محصولات صادراتی خود را بهبود می‌بخشند.

مؤسسات مالی اتحادیه اروپا به نوبه خود می‌توانند در مدیریت مالی بلندمدت پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی پیچیده کسب تجربه نمایند، در حالی که سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا می‌تواند به پروژه‌های ابتکار یک کمربند، یک جاده در راستای تحقق استانداردهای الزامی جهانی برای پایداری زیست‌محیطی و دیگر اشکال پایداری کمک نماید. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری، تجارت و همکاری‌های صنعتی جدید مرتبط با ابتکار یک کمربند، یک جاده می‌تواند به تقویت رشد در اتحادیه اروپا و همسایگان آن کمک کند. اتحادیه اروپا و چین باید اطمینان حاصل نمایند که این سرمایه‌گذاری‌ها به توسعه متوازن، پایدار و جامع برای هر دو طرف و کل اقتصاد جهان منجر می‌شوند.

6. China's Belt and Road Initiative

7. Juncker Plan

۴. همکاری اتحادیه اروپا - چین در زمینه امنیت انرژی و تغییر اقلیم را

تعمیق نمایند

اتحادیه اروپا و چین اهداف مشترک فراوانی در زمینه انرژی و اقلیم دارند. در سال ۲۰۱۶، اتحادیه اروپا و چین یک نقشه راه همکاری در زمینه انرژی امضا کردند که هدف از آن، ارتقای همکاری‌های دوجانبه در زمینه امنیت انرژی، ایجاد زیرساخت‌ها و شفافیت بازار بود. اهداف آتی شامل تقویت همکاری‌های دوجانبه در زمینه طراحی، سیستم‌های انرژی کم کربن، خط مشی گذاری انرژی، تنظیم استانداردها، و قیمت گذاری و مکانیزم‌های حاکمیت به خصوص در انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر است.

پس از اینکه رییس‌جمهور ایالات متحده دونالد ترامپ در ژوئن ۲۰۱۷ اعلام کرد که ایالات متحده از توافق پاریس^۸ در زمینه تغییرات اقلیمی بیرون خواهد آمد، اتحادیه اروپا و چین بر پشتیبانی قوی خود از این توافق تأکید نمودند. به منظور کمک به پیشرفت داخلی و بین‌المللی در راستای اهداف پاریس، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت که در کنوانسیون کالبدی سازمان ملل متحد در مورد تغییر اقلیم^۹ بیان شده، گام‌هایی بردارند. اینها شامل پیگیری مشارکت‌های تعیین شده ملی^{۱۰}، تضمین تأمین مالی برنامه‌ها در کشورهای کمتر توسعه یافته، و تعمیق همکاری‌های خود در تسهیم و شفافیت داده‌ها در مجامع چند جانبه می‌گردد. تأمین مالی اقلیمی، شامل تأمین مالی توسعه سبز، باید حوزه اصلی دیگر برای همکاری‌های عمیق تر باشد.

۵. بر فرصت‌های ارائه شده توسط پیشرفت‌های نوین در علم، فناوری و

نوآوری تمرکز نمایند

پیشرفت‌های در علم، فناوری و نوآوری، عوامل اصلی شکل دهی توسعه اقتصادی اتحادیه اروپا، چین و کل جهان در سال‌های پیش رو خواهد بود. آنها همچنین برای مدیریت چالش‌های جهانی همچون تغییر اقلیم، کارایی انرژی و سالخوردگی سالم و فعال، ضروری خواهند بود. اتحادیه اروپا و چین اقدامات عمده‌ای برای استفاده از این فرصت‌ها در حال انجام دارند و در صورت لزوم باید همکاری‌های بین مرزی را نیز تسهیل نمایند.

چیزی که این حوزه را برای همکاری اتحادیه اروپا - چین نویدبخش می‌سازد این می‌باشد که پیشرفت در علم، فناوری و نوآوری، زمینه‌ای است که کمتر متکی به دسترسی به بازار و بیشتر متکی به ظرفیت کسانی است که در نوآوری برای خلق شبکه‌ها در طول مرزها مشغول

8. Paris Agreement

9. United Nations Framework Convention on Climate Change

10. Intended Nationally Determined Contributions

هستند. شرکت‌هایی که با پیشرفت در علم، فناوری و نوآوری سروکار دارند در حال حاضر تحقیق و توسعه، همکاری با دانشگاه‌ها و زنجیره‌های ارزش تولید در بین موقعیت‌های چندگانه را به هم ارتباط می‌دهند. برآورد شده که بنگاه‌های اتحادیه اروپا بیش از ۴۰ درصد از تحقیق و توسعه خود را در خارج از کشورهای این اتحادیه انجام می‌دهند و سرمایه‌گذاری‌های آنها در مراکز تحقیق و توسعه در چین، بخش قابل توجهی از سیستم نوآوری چین را تشکیل می‌دهد. به طور مشابه، کسب و کارهای چینی در حال ساخت مراکز بیشتر تحقیق و توسعه، طراحی و اطلاعات در اروپا هستند.

گرچه چین از لحاظ علم، فناوری و نوآوری در بسیاری از بخش‌های تولید و خدمات عقب‌تر است، اما برخی از شرکت‌های چینی در حال حاضر در زیرساخت ارتباطات و نرم‌افزارها و همچنین تجارت الکترونیک در سطح جهان سرآمد هستند. همانطور که اندازه بازار داخلی چین رشد می‌کند، شرکت‌های این کشور به طور فزاینده با شرکت‌های اتحادیه اروپا و سایر نقاط جهان در حوزه‌هایی همچون کشاورزی نوین، تولید پیشرفته، و خدمات همکاری می‌کنند. ظهور این بخش‌ها، راهی را نشان می‌دهد که طی آن، فرصت‌های همکاری کسب و کار - به - کسب و کار اتحادیه اروپا با چین همچنان در حال تغییر از تولید سنتی به تولید پیشرفته و همچنین صنایع فناوری اطلاعات، امنیت اینترنت، زیست دارو، انرژی تجدیدپذیر و خودروهای با انرژی‌های نو است.

هنوز تلاش‌های فعالانه زیادی از جانب هر دو طرف مورد نیاز خواهد بود تا همکاری برد-برد را تضمین کند. شرکت‌های چینی، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اتحادیه اروپا در مورد صادرات محصولات با فناوری بالا را تبعیض آمیز و ناعادلانه می‌دانند. از سوی دیگر، بنگاه‌های اتحادیه اروپا بر این گمانند که حقوق مالکیت معنوی آنها به طور کافی حمایت نمی‌شود و اینکه انتقال تکنولوژی، یک طرفه خواهد بود. علاوه بر این، آنها به شدت در مورد حمایت‌های دولت چین از بخش‌های داخلی با فناوری بالا، نگران هستند.

بنابراین، هم اتحادیه اروپا و هم چین باید فرصت‌های ویژه‌ای را برای همکاری فنی ایجاد نمایند. نگرانی‌هایی در مورد امنیت سایبری هم باید با دقت و حساسیت مدیریت شود. با این حال، افزایش تمرکز چین بر حمایت از مالکیت معنوی و همکاری نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا در زمینه تنظیم استانداردهای جهانی برای فناوری‌های آینده می‌تواند به هر دو طرف در مورد غلبه بر موانع موجود همکاری، کمک کند. نهایتاً، چیزی که شرکت‌های چینی و اروپایی با یکدیگر طراحی و تولید می‌کنند اهمیتی برابر با چیزی خواهد داشت که آنها به هم می‌فروشند.

سرمایه‌گذاری بیشتر بر همکاری در زمینه علم، فناوری و نوآوری تحت یک رویکرد شبکه‌ای تا حد زیادی به تسهیل سفر و کار افراد در بازارهای طرفین بستگی دارد. به عنوان سطح ابتدایی، رشد طبقه متوسط چینی و افزایش سطوح مصرف، احتمال گسترش قابل توجه در تعداد گردشگران و دانشجویان چینی در اروپا را افزایش می‌دهد. بر اساس تحقیقات چینی، در سال ۲۰۱۵ سرانه مصرف گردشگران چینی در اروپا به ۲۲۰۰ یورو رسید که به اندازه ۰,۳ درصد به تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا کمک نمود و اشتغال این اتحادیه را به اندازه ۰,۶ واحد درصد افزایش داد. تمام حوزه‌هایی که در اینجا توصیف شد، از تجارت و سرمایه‌گذاری تا تعمیق تبادلات فرد به فرد، از روایدهای هدفمند، متقابل، چند ساله و ورود مکرر، منتفع می‌شوند.

۶. از همکاری بیشتر اتحادیه اروپا - چین در بخش مالی پشتیبانی نمایند

افزایش سطوح تجارت و سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین، که بخشی از آن به واسطه افزایش حضور شرکت‌های چینی در اتحادیه اروپا در راستای جهانی شدن است، مستلزم پشتیبانی مالی از جانب مؤسسات در اتحادیه اروپا و چین است. مداخلات اولیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا^{۱۱} و ورود چین در بانک اروپایی ساخت و توسعه^{۱۲} نشان داد که اتحادیه اروپا و چین تمایل به تعمیق همکاری در مؤسسات مالی چندجانبه دارند. تقاضای گسترده برای تأمین مالی زیرساختی در آسیا و در راستای ابتکار یک کمربند، یک جاده فرصت‌های جدیدی را برای همکاری مالی ایجاد خواهد نمود به خصوص اگر دو طرف با هم از این فرصت‌ها برای پشتیبانی از مکانیزم‌های تأمین مالی و محصولات سبز استفاده نمایند. اقتصادهای اتحادیه اروپا و چین عمدتاً تحت سلطه تأمین مالی بانکی هستند و گسترش سریع بازارهای سرمایه خود را تجربه می‌کنند، گرچه آنها از نقاط شروع بسیار متفاوتی آغاز کرده‌اند. آزادسازی الزامات ورود برای مؤسسات مالی اتحادیه اروپا به بازار چین، آنها را قادر به پشتیبانی از اصلاحات چین و توسعه صنعت خدمات مالی این کشور، شامل کمک به بهبود استانداردهای تنظیمی و نظارت مالی فنی، کرده و بدین سان کارایی تخصیصی در چین را ارتقاء داده و توسعه پایدار و باثبات را تضمین می‌نماید. به طور مشابه، مؤسسات مالی چینی باید برای فعالیت در اتحادیه اروپا ترغیب شوند. علاوه بر این، به شرکت‌های اتحادیه اروپا و چین باید این اجازه داده و آنها را تشویق نمود تا سهام خود را در بازارهای سرمایه یکدیگر ارائه کرده و اوراق بدهی منتشر کنند و بدین طریق، توسعه تأمین مالی مستقیم را تسهیل نمایند.

11. Asian Infrastructure Investment Bank

12. European Bank for Reconstruction and Development

گرچه اکثر طبقات حساب سرمایه چین در حال حاضر قابل تبدیل، قابل تبدیل ابتدایی یا قابل تبدیل جزئی هستند، اما دارایی‌های ارزی خارجی بخش خصوصی چین هنوز نسبتاً کم است و سبب دارایی‌های سرمایه‌گذاران جهانی در چین نیز به همین گونه است. با این حال، فرایند توازن مجدد سبب جهانی زمانی آغاز خواهد شد که کنترل‌های سرمایه‌چین آسان‌تر شود به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری‌های در سهام و اوراق در هر دو جهت جریان یابند. در این صورت، فرصت‌های جدیدی برای تعمیق همکاری‌های اتحادیه اروپا و چین به منظور تضمین تحول پایدار و نظام‌مند در بازارهای سرمایه بین‌المللی و ارز خارجی چین (شامل هنگ کنگ) به وجود خواهد آمد.

اتحادیه اروپا و چین با همکاری هم می‌توانند استفاده از یورو و رنمینبی^{۱۳} (یوان) را در معاملات جهانی افزایش دهند. بین‌المللی شدن رنمینبی با سطح بالایی از مداخله مؤسسات مالی اتحادیه اروپا در حال انجام است. در بلندمدت‌تر، زمانی که بازارهای مالی چین به اندازه کافی پخته و باز شوند، فرصت‌های بیشتری برای همکاری اتحادیه اروپا و چین به منظور حفظ یکپارچگی بازارهای مالی جهانی و تقویت معماری مالی جهانی وجود خواهد داشت.

۷. به تقویت مکانیزم‌های حکمرانی جهانی خوب کمک کنند

هم اتحادیه اروپا و هم چین باید به ارتقای یک اقتصاد جهانی باز ادامه داده و به بهبود نظم اقتصادی جهانی کمک نمایند. تقویت روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین نه تنها منافع بالقوه‌ای را برای اتحادیه اروپا و چین به همراه دارد بلکه همچنین به تقویت اقتصاد جهانی و در مرتبه بالاتر، تقویت حکمرانی جهانی کمک کرده و به جایگاه این دو اقتصاد در سطح جهانی اهمیت می‌بخشد. با این حال، اثرات و منافع این همکاری، به پیش شرط‌های ویژه‌ای بستگی دارد.

اول اینکه با توجه به اهمیت ویژه ایالات متحده برای اتحادیه اروپا و چین و همچنین اقتصاد جهانی، باید مشخص شود که همکاری اتحادیه اروپا - چین ضروری برای ایالات متحده به همراه نداشته باشد. یافتن راه‌هایی برای ارتباط دادن ایالات متحده به جنبه‌های تنظیمی، مالی و تحقیق و توسعه اتحادیه اروپا - چین و دیگر مکانیزم‌های همکاری باید یک هدف در پکن، بروکسل و دیگر پایتخت‌های اروپایی باشد.

دوم اینکه، منافع ارتباط نزدیک‌تر اتحادیه اروپا - چین احتمالاً بیشتر می‌شود اگر ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و انگلستان بتوانند بر خروج حساس انگلستان از اتحادیه به توافق برسند که این کار، ارتباط اقتصادی مداوم و نزدیک بین آنها را تضمین می‌کند.

نهایتاً، همکاری دوجانبه بین اتحادیه اروپا و چین در موضوعات مرتبط با حکمرانی جهانی - از روابط تجاری عمیق‌تر و همکاری مالی تا سیاست‌های تغییر اقلیم - باید به تقویت گروه ۲۰^{۱۴}، سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای چندجانبه مرتبط کمک کند. این تضمین می‌کند که همکاری دوجانبه عمیق‌تر می‌تواند به نفع کل جهان بوده و در طول زمان پایدار باشد.

مقدمه

با افزایش رو به رشد نااطمینانی جهانی، یافتن راهی برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی دوجانبه، برای اتحادیه اروپا و چین اهمیت یافته است. اتحادیه اروپا و چین، به عنوان دومین و سومین اقتصاد بزرگ دنیا، مسئولیت مشترکی در حمایت از سیستم تجارت جهانی آزاد و دیگر اشکال همکاری چند جانبه، به خصوص در مصاف با تغییر اقلیم دارند. با بیان این مقدمه، این گزارش نتایج اصلی پروژه تحقیقاتی بین اندیشکده‌های اروپایی و چینی را ارائه می‌دهد که به چشم‌انداز روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین تا سال ۲۰۲۵ می‌پردازد. همانطور که در گزارش می‌آید، دو طرف فرصت تعمیق همکاری‌های خود در زمینه‌هایی همچون تجارت و سرمایه‌گذاری، زیرساخت، انرژی، محیط‌زیست و توافق اقلیمی پاریس، علم، فناوری، نوآوری و همکاری صنعتی، خدمات مالی، تبادلات فرد - به - فرد، و حکمرانی جهانی را دارند. در این مسیر، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند به تضمین این موضوع کمک کنند که توسعه جهانی، باثبات، قوی، متوازن و پایدار است.

محرك‌های ارتباطات اتحادیه اروپا - چین در جهان در حال تغییر

اتحادیه اروپا و چین اشتراکات فراوانی دارند. تولید ناخالص داخلی آنها (به ترتیب ۱۴,۷۲ و ۹,۷۵ تریلیون یورو در سال ۲۰۱۵) در جایگاه دوم و سوم و پس از ایالات متحده آمریکا (۱۶,۶۴ تریلیون یورو) قرار دارد. این دو، اقتصادهایی با بیشترین ادغام خارجی در سطح جهان هستند، به طوری که حجم سالانه تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات در سال ۲۰۱۵ برای آنها به ترتیب ۱۵ تریلیون یورو و ۴,۷۵ تریلیون یورو بوده است. امروزه، چین به طور قابل توجهی گشوده‌تر از آن چیزی است که ژاپن یا کره جنوبی در مراحل مشابه توسعه خود بودند. در سال ۲۰۱۵ کل تجارت اتحادیه اروپا با شرکای خود در خارج از اتحادیه ۵ تریلیون یورو و اندکی بیشتر از تجارت بین‌المللی چین بود. در سال ۲۰۱۵ تجارت دوجانبه سالانه کالا و خدمات آنها ۵۸۰ میلیارد یورو بود به گونه‌ای که هر کدام از آنها نسبت به دیگری به عنوان بزرگترین منبع واردات و دومین مقصد صادرات بوده است. رهبران اتحادیه اروپا و چین اعتقاد دارند که چندجانبه‌گرایی^{۱۵} اثربخش مبتنی بر قواعد، باید هسته حکمرانی جهانی را تشکیل دهد. این دو همچنین از نظر امنیتی نیز با هم در رقابت نیستند.

در همین حال، اقتصاد جهانی در حال تغییر است. به طور خاص، ایالات متحده آمریکا در حال عقب‌نشینی از ایفای نقش رهبری چندجانبه خود در اقتصاد جهانی و تجارت بین‌الملل است.

بنابراین، این موضوع دارای اهمیت بیش از پیش است که اتحادیه اروپا و چین باید این نکته را مدنظر داشته باشند که آیا تعمیق روابط اقتصادی آنها می‌تواند منافع چند جانبه از لحاظ تحریک رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، و بهبود سطوح رفاه اجتماعی داشته باشد. همانطور که رهبران آنها اخیراً بیان داشته‌اند، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند برای تسهیل گشودگی و همکاری، با هم کار کنند.

با این وجود، هم موانع قبلی و هم موانع جدیدی در مسیر تحقق این رویا قرار دارد. در سال‌های اخیر، بسیاری از صاحبان کسب و کارهای اتحادیه اروپا، شرکت‌های چینی را به عنوان منشأ رقابت ناعادلانه قلمداد می‌کنند زیرا با ظهور رقبای نوظهور چینی، بازده سرمایه‌گذاری اروپائیان در چین کاهش یافته است. مالکیت دولتی کماکان ویژگی برجسته اقتصاد چین است، و این نگرانی‌هایی را برای اتحادیه اروپا در زمینه دسترسی به بازار ایجاد می‌کند. دولت چین نیز بر این باور است که اتحادیه اروپا علیه بنگاه‌های دولتی چینی تبعیض قائل می‌شود، حتی با وجود اینکه آنها به طور فزاینده‌ای ساختار خود را به شرکت تغییر داده و در طی اصلاحات، بازار محور شده‌اند. مدل اقتصادی چین احتمالاً نمی‌تواند در آینده نزدیک با مدل اروپایی همگرا شود.

علاوه بر این، به دنبال بحران مالی و دوره طولانی ریاضت اقتصادی در اکثر کشورهای اروپایی، دولت‌های اتحادیه اروپا از پشتیبانی سیاسی کمتری برای بحث در مورد توافقات تجاری برخوردارند زیرا ممکن است اینطور قلمداد شود که این کار می‌تواند موجب مختل شدن بخش‌های خاصی از اقتصادهای ملی گردد. در عوض، آنها با احساسات پوپولیستی و احزاب سیاسی مواجه هستند که استدلال می‌کنند که جهانی شدن ریشه اصلی فشارهای اجتماعی و ناامنی حاضر بوده و نابرابری اقتصادی را افزایش داده است. علاوه بر این، در حالی که مدل رفاه اجتماعی اتحادیه اروپا پیشرفته‌تر از مدل ایالات متحده آمریکا است، اما بحث‌های نابرابری در اروپا هم بالا گرفته و به سمت یک عامل یعنی تجارت تغییر جهت یافته است، در حالی که اثرات عوامل ساختاری دیگر همچون سالخوردگی جمعیتی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی، اتوماسیون صنعتی و بازارهای چندپاره خدمات در اتحادیه اروپا را نادیده می‌گیرند.

در مواجهه با تصمیم انگلستان در ژوئن ۲۰۱۶ برای خروج از اتحادیه اروپا، رهبران اتحادیه اروپا هم باید زمان و منابع بیشتری را طی دو سال آینده هزینه کنند تا به این توافق برسند که چگونه به بهترین نحو اثرات منفی تصمیم انگلستان را کاهش دهند به جای اینکه چالش‌های پیچیده مذاکره در خصوص توافقات اقتصادی جدید با چین و دیگر شرکای تجاری را منعکس

نمایند. همچنین با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، تمرکز بیشتری بر حکمرانی منطقه یورو و دیگر اشکال یکپارچگی اتحادیه اروپا وجود خواهد داشت.

چین هم به سهم خود با چالش‌های بسیاری در گذار پیچیده خود به سمت یک مدل اقتصادی جدید مواجه است، مدلی که بر توسعه هماهنگ، گشودگی بیشتر، نوآوری، رشد فراگیر و توسعه سبز تأکید دارد. ایجاد توازن در انجام اصلاحات ساختاری طرف عرضه به منظور کاهش ظرفیت مازاد و ارتقای کارایی اقتصادی، و در عین حال حفظ تقاضای داخلی به منظور تضمین رشد اقتصادی ثابت و سالم، امری دشوار است. ساختار اقتصادی چین باید منطقی شود تا بتواند از یک اقتصاد مبتنی بر صادرات و سرمایه‌گذاری به سمت یک اقتصاد مصرف محور پیش برود. بهبود سریع در بازارهای مالی داخلی، استانداردهای تنظیمی، و ارائه خدمات رفاه اجتماعی، ضروری هستند و در عین حال، ریسک‌های سیستمی باید به صورت اثربخش مدیریت شوند. انجام مذاکرات گشایش بازار در این زمینه می‌تواند چالش‌های بیشتری را در کنار فرصت‌هایی برای توسعه و رقابت‌پذیری بلندمدت ایجاد نماید.

رهبری چین باید همچنین با زمینه منطقه‌ای پیچیده فزاینده‌ای دست و پنجه نرم کند که بر اساس آن، روابط با همسایه‌ها همچنین ایالات متحده مستلزم توجه دائمی است. و در اروپا، سرمایه‌گذاران بالقوه چینی با موشکافی زیاد قانونگذاران ملی اتحادیه اروپا در مورد امنیت ملی و یارانه‌های دولتی مواجه هستند.

علیرغم وجود این چالش‌ها، اقتصادهای اتحادیه اروپا و چین در آینده به طور ننگشودنی با هم مرتبط خواهند ماند، به ویژه به دلیل اندازه و سطح فعلی وابستگی متقابل اقتصادهای آنها. با توجه به این واقعیت، دولت‌ها و کسب و کارهای هر دو طرف باید به دنبال راهی برای غلبه بر موانع موجود و طراحی راه‌های واقع‌گرایانه برای اتکا بر روابط موجودشان باشند. با انجام این کار، نه تنها هر دو طرف در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند بهترین استفاده را از نقاط قوت اقتصادی و رقابتی خود بکنند، بلکه آنها این شانس را خواهند داشت که در بهبود چشم‌انداز اقتصادی طرف دیگر، مزایای چند جانبه هر دو طرف و منافع اقتصاد جهانی، نقشی ایفا نمایند.

تغییرات ساختاری: شرایط جهانی

در طول ۲۵ سال گذشته، تغییرات جهانی در قدرت نسبی اقتصادی و سیاسی جهانی، از جمله ظهور چین، با دوره‌ای از تشدید جهانی شدن همراه بوده است. این تغییر، با موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه تسهیل شده و محرک آن نیز تأسیس شرکت‌های چند ملیتی است که کشورهای در حال توسعه را به اقتصاد جهانی وارد می‌کنند. در طول این فرایند، سرعت رشد اقتصاد و تولید ناخالص داخلی سرانه چین بسیار بیشتر از هم‌تایان جهانی خود بوده است. با این حال از زمان بحران مالی، رشد جهانی با کاهش سرعت قابل توجهی همراه بوده و بحث‌های زیادی در مورد آینده جهانی شدن وجود دارد. برخی استدلال می‌کنند که ماهیت جهانی شدن در حال تغییر است: از جهانی شدن تولید - با سطوح بالای تجارت - به جهانی شدن مصرف، دانش و نوآوری، فرایندی که در آن، اقتصادها و شرکت‌های غیر غربی می‌توانند نقش فعال‌تری داشته باشند. برخی دیگر آغاز عقب نشینی به سمت ناسیونالیسم اقتصادی را به عنوان تهدیدی بنیادی در برابر نظم لیبرال و همبستگی اقتصادی از جانب غرایز حمایت‌گرایی و سیاست‌های پوپولیستی در اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور، قلمداد می‌کنند. این پیشرفت‌ها، چالش‌های جدیدی را برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی و همچنین حکمرانی اقتصادی جهانی ایجاد کرده و تأثیر مستقیمی بر آینده روابط اقتصادی بین اتحادیه اروپا و چین خواهند داشت.

روندهای تکنولوژیکی و جمعیتی به تغییرات اقتصاد جهانی می‌افزایند. اثر فناوری و نوآوری احتمالاً به تخریب مدل‌های کسب و کار موجود شدت بخشیده و البته فرصت‌های اقتصادی جدیدی را به وجود می‌آورد. یک پیامد آن، نوآوری متنوع‌تر با ادغام چین و دیگر اقتصادهای نوظهور جهان در جهانی شدن نوآوری و افزایش ذخیره سرمایه انسانی با کیفیت است که در سال‌های اخیر در جهان توسعه یافته متمرکز شده بود. روندهای جمعیت شناختی نیز به این تغییرات دامن می‌زند به گونه‌ای که افزایش سن در اکثر کشورهای توسعه یافته با ظهور طبقه متوسط جوان‌تر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به توازن می‌رسد، از جمله چین که گرچه سن جمعیت آن در حال افزایش است اما به شهری شدن ادامه داده، سطح تولید ناخالص داخلی سرانه خود را ارتقاء داده و بیشتر مصرف می‌کنند.

اتحادیه اروپا و چین از نظر وزن نسبی اقتصادی، نشانه تغییرات جهانی هستند. چین با لحاظ نرخ ارز اسمی، ۱۴٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۵ را دارا بود که این رقم برای اتحادیه اروپا ۲۲ درصد و برای ایالات متحده آمریکا ۲۴ درصد بود (بدون انگلستان، سهم اتحادیه اروپا ۱۸ درصد بود). با این حال، با توجه به رشد اقتصادی سریع در چین و رشد کندتر

در اروپا، این نسبت‌ها در حال واگرا شدن هستند. سال‌ها پس از برنامه انگلستان برای خروج از اتحادیه اروپا، اقتصاد چین از لحاظ ارقام کلی از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا پیشی خواهد گرفت. تا سال ۲۰۲۵، اقتصاد این کشور می‌تواند حدود ۱۰ درصد بزرگ‌تر باشد (بدون خروج انگلستان، اتحادیه اروپا در سال‌های پیش رو کماکان تولید ناخالص داخلی بسیار بزرگ‌تری از چین خواهد داشت).

در تجارت و سرمایه‌گذاری، هم اتحادیه اروپا و هم چین از بازیگران اصلی جهانی هستند. چین بزرگ‌ترین صادرکننده کالا بوده و در سال ۲۰۱۴ از اتحادیه اروپا پیش افتاده است. اتحادیه اروپا دومین صادرکننده بزرگ کالا و خدمات در دنیا و پس از ایالات متحده است. در خدمات، اتحادیه اروپا هم از لحاظ صادرات و هم واردات در سطح جهان پیشرو است و بالاتر از ایالات متحده قرار دارد، در حالی که چین هنوز در جایگاه سوم قرار دارد. ساختار تجارت کالا نشان‌دهنده ویژگی‌های تولید صنعتی متفاوت در اتحادیه اروپا و چین است. بخش صنعت، ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۴ را شامل می‌شد در حالی که این رقم برای اتحادیه اروپا ۲۴ درصد بود. در نتیجه، چین در ۲۰ سال گذشته مازاد حساب جاری عظیمی را انباشته است در حالی که تفاوت‌های چشمگیری در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود دارد به گونه‌ای که آلمان از لحاظ حساب جاری به اندازه ۸,۳ درصد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۶ مازاد و انگلستان ۴,۴ درصد کسری دارد.

از لحاظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اتحادیه اروپا با ۷,۷ تریلیون دلار (۲۰۱۶-۱۹۹۰) بزرگ‌ترین سهم مثبت را داشته و پس از آن ایالات متحده با ۶,۴ تریلیون دلار قرار دارد، گرچه با توجه به سهم ۱,۲ تریلیون دلاری انگلستان، با خروج این کشور از اتحادیه اروپا و با لحاظ همسان بودن سایر موارد، سهم اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا برابر خواهد بود. سهم چین از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارده^{۱۶} (حدود ۱,۸ تریلیون دلار) هنوز بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادره^{۱۷} آن است (حدود ۱,۲ تریلیون دلار)، گرچه این شکاف در حال کمتر شدن است؛ در سال ۲۰۱۶، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادره چین به ۱۷۰ میلیارد دلار رسید در حالی که جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارده ۱۲۶ میلیارد دلار بود. با این حال اکنون جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین یا هم‌تراز اتحادیه اروپا بوده و یا از آنها پیشی گرفته است.

16. inward FDI

17. outward FDI

چشم‌انداز اتحادیه اروپا و چین تا سال ۲۰۲۵

هم اتحادیه اروپا و هم چین با چالش‌های اقتصادی جدی، به خصوص در هضم عواقب بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و همچنین در مواجهه با یک ایالات متحده انزواگرتر و حمایت‌گراتر، مواجه هستند. اقتصادهای آنها حجم بدهی بیشتر و بازارهای مالی ضعیف‌تری نسبت به شرایط قبل از بحران دارد. برای چین، این تا حدی نتیجه حفظ سطح بالای رشد اقتصادی از زمان بحران است که با مشوق‌های مالی و اعتباری بزرگی به دست آمد، به گونه‌ای که بخش شرکتی در حال حاضر به اندازه حدود ۱۶۵ درصد تولید ناخالص داخلی، بدهی دارد. بحران، در مراحل اولیه تحول اقتصادی و گذار این کشور از اتکای به سرمایه‌گذاری و صادرات به سمت مصرف بیشتر و خدمات، به وقوع پیوست. اصلاحات ساختاری نقش مهمی را در این فرایند ایفا می‌کنند و یک برنامه اصلاحات تا سال ۲۰۲۰ در نوامبر ۲۰۱۳ در سومین مجمع عمومی هجدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین^{۱۸} به تصویب رسید. با این حال، باز هم بحث‌هایی وجود داشت که آیا این اصلاحات از سرعت کافی برخوردار است. احتمالاً سرعت اصلاحات و گشایش چین پس از نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین^{۱۹} در اواخر سال ۲۰۱۷ بیشتر خواهد شد، کنگره‌ای که باید فرصت‌های جدیدی را برای همکاری اتحادیه اروپا - چین فراهم نماید.

دو سناریو برای اقتصاد چین تا سال ۲۰۲۵ وجود دارد. اول، اصلاحات ساختاری طرف عرضه به آرامی پیش رفته و عدم توازن‌های ساختاری کاهش می‌یابند به گونه‌ای که صنایع و مدل‌های کسب و کار جدید به سرعت توسعه می‌یابند. در این مورد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سالانه چین در دوره ۲۰-۲۰۱۶ می‌تواند به طور میانگین در سطح ۶٫۵ درصد باقی بماند و در دوره ۲۵-۲۰۲۱ به حدود ۵٫۵ درصد برسد. متناوباً، تداوم تناقض‌های ساختاری در اقتصاد می‌تواند منجر به کاهش نرخ رشد به پایین‌تر از این سطوح گشته، مشکل ظرفیت مازاد در صنایع خاص را تشدید نموده و باعث ضعف عملکرد شرکت‌ها و بار بدهی بیشتر گردد. در سناریوی دیگر، احتمال تغییرات در سرتاسر اقتصاد چین وجود دارد. در برخی از مناطق و بخش‌ها، تغییر به سمت نقش قوی‌تر مصرف و خدمات، محرکی قوی برای رشد خواهد بود و نوآوری به چین اجازه می‌دهد که در زنجیره ارزش افزوده به سمت بالا حرکت کند. شهرنشینی ادامه خواهد یافت و پیش‌بینی می‌شود نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری تا سال

18. Central Committee of the Communist Party of China

19. National Congress of the Chinese Communist Party

۲۰۲۵ به حدود ۶۵ درصد برسد. با ادامه افزایش درآمد سرانه، تقاضای چین برای محصولات و خدمات با کیفیت، رشد خواهد نمود. با توجه به افزایش فرصت‌های کسب و کار جدید، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم بین چین و اتحادیه اروپا نیز باید ادامه پیدا کند. دولت چین اهمیت این توسعه‌ها را تشخیص داده و در حال اجرای سیاست‌های درست برای تسهیل آنها می‌باشد. با این وجود، بسیاری از کسب و کارهای اتحادیه اروپا می‌خواهند که چین به فرایند آزادسازی سرعت بخشد.

برای اتحادیه اروپا، جمعیت در حال پیر شدن و گسترش کند بهره‌وری، رشد اقتصادی بالقوه را در سطوح نسبتاً پایینی نگه خواهد داشت. با این حال، ظرفیت تکنولوژیکی در بخش‌های اصلی اقتصاد جدید باید به اتحادیه اروپا این امکان را بدهد که خود را در نقطه بالای زنجیره تولید جهانی حفظ نماید. یک متغیر اصلی، اثر خروج انگلستان از اتحادیه اروپا است. در این گزارش فرض شده که انگلستان از بازار واحد^{۲۰} خارج شده و به احتمال زیاد اتحادیه گمرکی را نیز ترک خواهد نمود. در این شرایط، پیش‌بینی اینکه انگلستان و اتحادیه اروپا برای مدیریت روابط اقتصادی خود به چه توافقی می‌رسند دشوار است، گرچه فرض بنیادی این گزارش این است که آنها به توافق منطقی باز خواهند رسید. پس از خروج انگلستان، اتحادیه اروپا یک بلوک اقتصادی نسبتاً کوچک‌تر خواهد بود (حدود ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی فعلی). اما خروج انگلستان از اتحادیه اروپا می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای یکپارچگی اتحادیه اروپا ایجاد نماید، امری که قبلاً با مقاومت این کشور روبرو بود.

مباحث عمومی بسیار زیادی در مورد سناریوهای غیرمحمتم‌تری وجود دارد که در حرکت به سوی ۲۰۲۵ به وقوع می‌پیوندند، گرچه ما آنها را غیرمحمتم می‌دانیم. برای چین، این می‌تواند شامل مواجهه اقتصاد با «فروود سخت»^{۲۱} یا ریسک‌هایی در سیستم مالی باشد که خارج از کنترل هستند. این به وضوح باعث ضعیف شدن چین به عنوان یک شریک برای اتحادیه اروپا می‌گردد، و با توجه به اهمیت اقتصادی جهانی چین، برای کل اقتصاد جهانی امری نامناسب خواهد بود. یک سناریوی بعید دیگر برای اتحادیه اروپا می‌تواند چند پاره‌تر شدن آن باشد، به گونه‌ای که کشورهای دیگر عضو غیر از انگلستان به دنبال بازتنظیم روابط خود با اتحادیه باشند (یا حتی اتحادیه اروپا را ترک کنند). یک اتحادیه اروپای ضعیف، به خصوص با توجه به تغییرات ساختاری گسترده‌تر در قدرت اقتصادی جهانی، شریک غیر جذاب‌تری برای چین است.

20. single market

21. hard landing

روابط اتحادیه اروپا - چین: از ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۵

روابط رسمی بین کمیسیون وقت اروپا و جمهوری خلق چین در سال ۱۹۷۵ آغاز گردید. روابط از آن زمان گسترده تر شد و از تمرکز بر تجارت، سرمایه گذاری و تبادل فناوری به دامنه وسیع تری از موضوعات، از انرژی و امنیت سایبری تا تبادلات فرهنگی و آموزشی گسترش یافت. از سال ۱۹۹۸، نشست های اتحادیه اروپا - چین تقریباً هر سال برگزار شده است. در سال ۲۰۰۳، دو طرف به یک مشارکت راهبردی جامع رسیدند که در قالب «برنامه راهبردی ۲۰۲۰ برای همکاری اتحادیه اروپا - چین» در سال ۲۰۱۳ در چهار حوزه صلح، رفاه، توسعه پایدار و تبادلات فرد به فرد مطرح گردید. در مارس ۲۰۱۴، شی جین پینگ^{۲۲} اولین رئیس جمهور چینی بود که از دفاتر اتحادیه اروپا در بروکسل بازدید کرده و خواستار مشارکت در زمینه صلح، رشد، اصلاحات و تمدن شد.

اشتراکات زیادی بین اتحادیه اروپا و چین از لحاظ چشم انداز راهبردی وجود دارد؛ این شامل تمایل برای محوریت «چند جانبه گرایی»^{۲۳} برای حکمرانی جهانی است. چین از سال ها قبل، اتحادیه اروپا را به عنوان یکی از قطب های مهم در نظام نوین جهان چند قطبی می داند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از حامیان اولیه چین برای تأسیس بانک سرمایه گذاری زیرساختی آسیا در سال ۲۰۱۵ بودند و در سال ۲۰۱۶، چین سهامدار بانک اروپایی ساخت و توسعه گردید. هر دو، جهانی شدن را بسیار سودمند می دانند اما همچنین به دنبال راه های جدیدی برای مدیریت اثرات آن هستند. در ژوئن ۲۰۱۷، پس از اینکه ایالات متحده اعلام نمود که از توافق پاریس در زمینه تغییرات اقلیمی خارج خواهد شد، اتحادیه اروپا و چین بر پشتیبانی قوی خود از این توافق تأکید نمودند.

با این حال، دو طرف همواره دارای چشم انداز راهبردی یکسانی نیستند. اول اینکه ایالات متحده نقش پررنگی را در روابط اتحادیه اروپا - چین ایفا می کند، همانطور که در مباحث اتحادیه اروپا در اوایل سال ۲۰۰۰ در خصوص رفع تحریم های چین و ورود چین به برنامه ماهواره ای گالیله اتحادیه اروپا بروز نمود. علاوه بر این، رابطه اتحادیه اروپا - چین بین دو بازیگر برابر نیست. چین یک کشور واحد البته پیچیده و متنوع می باشد در حالی که اتحادیه اروپا یک بازیگر منطقه ای فراملی متشکل از مؤسسات و کشورهای اروپایی عضو است که هر کدام روابط دو جانبه و رویکردهای خود را نسبت به چین دارند. دستیابی به مشارکت راهبردی مورد نظر رهبران چین و اتحادیه اروپا مستلزم تلاش بیشتر از ناحیه هر دو طرف است.

22. Xi Jinping

23. multilateralism

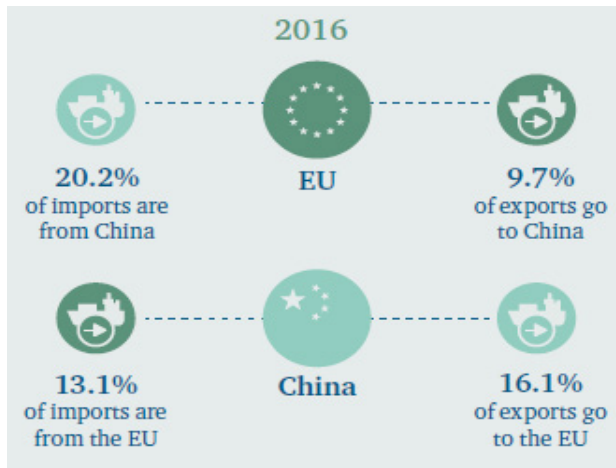
تجارت در قلب روابط اتحادیه اروپا - چین بوده است. این به جایی رسیده که ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا با هم بزرگترین شریک تجاری چین، و چین نیز پس از ایالات متحده آمریکا، دومین شریک تجاری اتحادیه اروپا می‌باشد. از دهه ۱۹۸۰، انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سمت اتحادیه اروپا به چین، تا سال ۲۰۱۵ به ۱۶۸ میلیارد یورو رسیده در حالی که در طی چند سال اخیر، جریان‌های سرمایه‌گذاری چین به سمت اتحادیه اروپا افزایش یافته است، به گونه‌ای که ارزش این معاملات در سال ۲۰۱۶ حدود ۳۵ میلیارد یورو بوده است. همکاری مالی نیز در این مدت با رشد مواجه بوده است. مراکز فراساحلی با رنمینی در اروپا تأسیس شده و بخش قابل توجهی از تجارت بین چین و کشورهای اتحادیه اروپا با رنمینی انجام می‌شود. معاملات همچنین در موضوعات انرژی و اقلیم، علم، فناوری و نوآوری، و روابط فرد به فرد افزایش یافته است. اقدامات اخیر اتحادیه اروپا و چین می‌تواند مبنایی قوی برای همکاری راهبردی در سرمایه‌گذاری زیرساختی باشد، اقداماتی که به خصوص تحت تأثیر ابتکار یک کمربند، یک جاده چین صورت گرفته است.

در گذشته، علیرغم اختلافات گاه و بیگاه حول تجارت و سرمایه‌گذاری و موضوعات خاصی همچون فولاد و پتل‌های خورشیدی، یک مکملیت عمومی^{۲۴} قوی در روابط اقتصادی و تجاری دو طرف وجود داشت. اما این دوره در حال حاضر ممکن است به سمت تصویر اقتصادی پیچیده‌تری رفته باشد که ویژگی آن، رقابت فزاینده در برخی حوزه‌ها و مکملیت در برخی دیگر است. این پیچیدگی اضافی احتمالاً ویژگی روابط بین اتحادیه اروپا و چین تا سال ۲۰۲۵ باشد.

روابط تجاری

روابط تجاری تا به امروز

تجارت، توسعه یافته‌ترین حوزه در تعاملات بین اتحادیه اروپا و چین است. تجارت کالا به خصوص پس از الحاق چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ به سرعت گسترش یافت به گونه‌ای که از ۱۱۳ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۱ به ۵۱۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ رسید. اتحادیه اروپا و چین بزرگ‌ترین منبع واردات برای یکدیگر هستند: در سال ۲۰۱۶، چین ۲۰,۲ درصد از واردات اتحادیه اروپا را شامل می‌شد (ایالات متحده ۱۴,۵ درصد)، در حالی که در سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا ۱۳,۱ درصد از واردات چین را شامل می‌شد. دو طرف، دومین مقصد صادراتی یکدیگر هستند: در سال ۲۰۱۶ چین مقصد ۹,۷ درصد صادرات اتحادیه اروپا بود (ایالات متحده ۲۰,۸ درصد) و در همین سال، اتحادیه اروپا ۱۶,۱ درصد صادرات چین را شامل می‌شد (ایالات متحده ۱۸,۲ درصد).



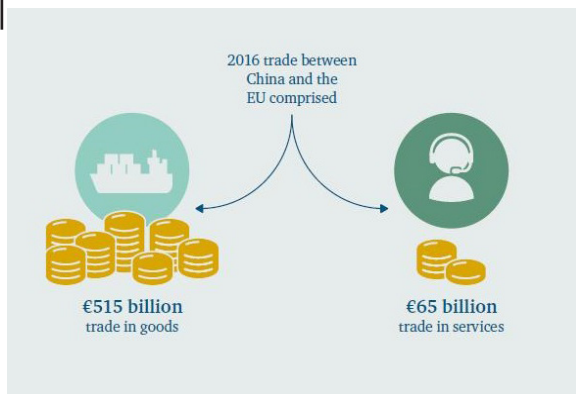
اتحادیه اروپا و چین
بزرگ‌ترین منبع واردات
و دومین مقصد صادراتی
یکدیگر هستند

در مقابل، تجارت دوجانبه خدمات اتحادیه اروپا - چین تنها حدود یک هشتم تجارت کالا می‌باشد. بر اساس آمار اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا ۳۸ میلیارد یورو خدمات به چین، و چین نیز ۲۷ میلیارد یورو به اتحادیه اروپا صادر نمود. اهمیت تجارت خدمات نسبت به کالا برای دو طرف بسیار متفاوت است: صادرات خدمات اتحادیه اروپا به چین معادل ۲۲ درصد صادرات کالاهای آن است اما این نسبت برای چین تنها ۸ درصد صادرات به اتحادیه اروپا می‌باشد. واردات خدمات چین بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به طور میانگین با نرخ سالانه بیش از ۲۵ درصد رشد نمود و مازاد تجاری اتحادیه اروپا در خدمات با چین از سال ۲۰۱۰ با

نرخ میانگین سالانه ۳۷ درصد افزایش یافته و در سال ۲۰۱۵ به ۱۱ میلیارد یورو رسیده است. همین طور، پتانسیل فراوانی برای گسترش تجارت خدمات اتحادیه اروپا و چین در آینده وجود دارد و این به خصوص به میزان گشودگی بازار چین به رقابت خارجی بستگی دارد.

تجارت کالا عمدتاً متشکل از محصولات تولیدی است که ۸۴ درصد صادرات اتحادیه اروپا به چین و ۹۷ درصد صادرات چین به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ را شامل می‌شود (محصولات کشاورزی و مواد خام، مابقی صادرات کالا را تشکیل می‌دهند). برای هر دو طرف، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل بیش از نیمی از کل صادرات کالا را شامل می‌شوند، گرچه ترکیب کالا در این دسته متفاوت است. برای چین، اقلام عمده شامل تجهیزات اداری و ارتباطی (۳۰ درصد کل صادرات کالا) و ماشین‌آلات الکتریکی (۱۰ درصد) بود در حالی که برای اتحادیه اروپا، تجهیزات حمل و نقل (۲۵ درصد از کل صادرات)، ماشین‌آلات غیرالکتریکی (۱۵ درصد) و محصولات شیمیایی (۱۳ درصد) اقلام عمده صادراتی بودند. این ترکیب تجارت، کاربر یا سرمایه‌بر بودن نسبی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که اکثر صادرات چین به اتحادیه اروپا در قسمت پایین یا میانه طیف ارزش افزوده قرار دارد. همان طور که واردات چین از کالاهای بالاتر در زنجیره ارزش از اتحادیه اروپا افزایش می‌یابد که نشانگر مصرف بیشتر چین است، و صادرات چین نیز به سمت بالای زنجیره ارزش حرکت می‌کند، ساختار تجارت بین اتحادیه اروپا و چین به تکامل خود ادامه خواهد داد.

آمار اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که در طول دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، سهم چین از کل تجارت اتحادیه اروپا از ۹٫۵ درصد به ۱۴٫۸ درصد افزایش یافته است. با این حال، سهم اتحادیه اروپا از حجم تجارت چین در این دوره از ۱۵٫۳ درصد به ۱۴٫۳ درصد کاهش یافته و این حاکی از آن است که اهمیت نسبی اتحادیه اروپا به عنوان یک شریک تجاری برای چین کاهش یافته است. کاهش اندازه اقتصاد اتحادیه اروپا پس از خروج انگلستان از این اتحادیه باعث کاهش بیشتر اهمیت نسبی اتحادیه اروپا برای کل تجارت چین خواهد شد. تا سال ۲۰۲۰، ده کشور عضو اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا^{۲۵} می‌توانند به بزرگترین شرکای تجاری چین تبدیل شوند.



تجارت، هسته روابط اتحادیه اروپا - چین است اما در حالی که تجارت کالا به خوبی توسعه یافته، تجارت خدمات هنوز عقب تر است.

اتحادیه اروپا با کسری تجاری قابل توجه با چین مواجه است، گرچه اندازه نسبی آن پس از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، با توجه به سهم نامتناسب انگلستان در کسری، کاهش خواهد یافت. بر اساس آمار اتحادیه اروپا، کسری تجاری سالانه اتحادیه اروپا از ۱۰۹ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۵ به ۱۸۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ رسیده و در سال ۲۰۱۶ با اندکی کاهش ۱۷۵ میلیارد یورو بوده است؛ در سال ۲۰۱۵ ارزش صادرات کالای چین به اتحادیه اروپا ۳۵۰ میلیارد یورو و واردات از اتحادیه اروپا ۱۷۰ میلیارد یورو بوده است. آمارهای چین مازاد اندکی را نشان داد اما از ۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۱۴۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ و با اندکی کاهش، به ۱۳۱ میلیارد دلار (۱۱۰ میلیارد یورو) در سال ۲۰۱۶ رسیده است. این مازاد تا حدی بیانگر ساختار تجارت و موقعیت چین در اقتصاد جهانی به عنوان یک مونتاژ کننده اصلی کالاهایی می باشد که ارزش افزوده نسبتاً پایینی دارند، در حالی که شرکت های اروپایی ارزش افزوده بالاتری را از طریق برندینگ و بازاریابی ایجاد می کنند. این الگو در حال حاضر به تدریج در حال تغییر است به گونه ای که محتوای ارزش افزوده صادرات چین در حال افزایش است.

از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، سهم چین از کل تجارت اتحادیه اروپا افزایش یافت اما سهم اتحادیه اروپا از کل حجم تجارت چین با کاهش روبرو بود.



این نقطه، از تحلیل ارزش افزوده جریان‌های تجارت به دست آمده است. از این دیدگاه، مازاد تجاری چین در مقابل اتحادیه اروپا بسیار پایین‌تر است. به عنوان مثال، یک تحلیل انجام شده توسط آکادمی علوم چین^{۲۶} برآورد نمود که میانگین ارزش افزوده داخلی هر ۱۰۰۰ دلار صادرات چین به اتحادیه اروپا حدود ۶۷۹ دلار است، در حالی که ارزش افزوده داخلی هر ۱۰۰۰ دلار صادرات اتحادیه اروپا به چین حدود ۷۹۱ دلار می‌باشد. این واقعیت که حدود ۳۵ درصد صادرات چین به اتحادیه اروپا را تجارت مونتاژی تشکیل می‌دهد، عامل مهم این تفاوت است.

با استفاده از این برآوردها، و با لحاظ تفاوت بین قیمت‌های تحویل به کشتی^{۲۷} و قیمت با لحاظ بیمه و هزینه حمل^{۲۸}، و اثر صادرات مجدد از طریق هنگ‌کنگ، این تحلیل برآورد نمود که مازاد تجاری چین با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ به جای رقم تعدیل‌نشده ۱۳۱ میلیارد دلار، ۹۰٫۱ میلیارد دلار از نظر ارزش افزوده بود. این مازاد ۹۰٫۱ میلیارد دلاری به ۵۳٫۴ میلیارد دلار کاهش می‌یابد اگر تجارت خدمات نیز لحاظ گردد. این مطالعه با استفاده از رویکرد ارزش افزوده به تجارت برآورد نمود که صادرات چین به اتحادیه اروپا به ایجاد ۱۱٫۴۹ میلیون نفر-سال اشتغال در سال ۲۰۱۶ برای چین کمک نمود در حالی که اشتغال ایجادشده اتحادیه اروپا به واسطه صادراتش به چین تنها ۲٫۶۴ میلیون نفر-سال بود. از سوی دیگر، یک مطالعه توسط بروگل^{۲۹}، به کاهش معنادار آماری در اشتغال تولیدی اتحادیه اروپا در نتیجه واردات چین اشاره نمود، گرچه ۵ درصد کاهش برآورد شده در طول دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۱ در اشتغال اروپا به واسطه واردات چین تا حدود یک سوم با اشتغال ایجاد شده توسط صادرات اتحادیه اروپا به چین جبران گردید.

ارزش افزوده صادرات چین از سال ۲۰۰۷ به طور قابل توجهی رشد نمود و این به دلیل به‌روزرسانی صنعت این کشور پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و کاهش سهم تجارت جهانی محصولات فرآوری‌شده و در عین حال افزایش تجارت عمومی با استفاده بیشتر از نهاده‌های عمومی بود. نمودارهای ۱ و ۲ روند نسبت مازاد تجارت ارزش افزوده به مازاد تجارت ناخالص را نشان می‌دهد.

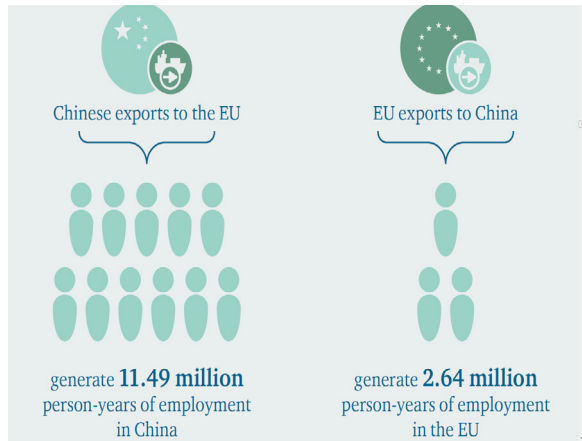
26. Chinese Academy of Sciences

27. FOB (free on board)

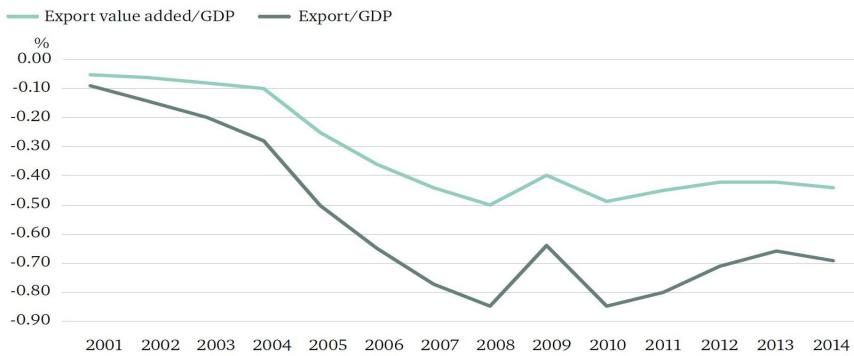
28. CIF (cost, insurance and freight)

29. Bruegel

اثر صادرات چین به اتحادیه اروپا بر اشتغال داخلی بیشتر از صادرات در جهت دیگر است.



نمودار ۱- مازاد دوجانبه چین با اتحادیه اروپا بر حسب ناخالص و ارزش افزوده



نمودار ۲- مازاد تجارت ارزش افزوده



با پیشروی به سمت ۲۰۲۵، عوامل متعددی باعث تغییر در ماهیت تجارت اتحادیه اروپا-چین می‌گردند. اول اینکه تجارت خدمات احتمالاً سریع‌تر از تجارت کالا رشد می‌کند به خصوص اگر چین گشودگی بیشتری در مقابل واردات خدمات پیدا کند. در حال حاضر، بخش خدمات ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین را شامل می‌شود. دوم اینکه، واردات و صادرات مرتبط با سرمایه‌گذاری و همچنین تجارت الکترونیکی فرامرزی به طور قابل توجهی رشد خواهد نمود. علاوه بر این، انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادره چین به ۷۵۰ میلیارد دلار برسد، و به دنبال آن است که ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی ۵ سال آینده جذب نماید؛ این باعث توسعه تجارت خواهد شد. نهایتاً اینکه تجارت می‌تواند به واسطه همکاری اتحادیه اروپا-چین در ظرفیت انجام خدمات و ارتباط تحت ابتکار یک کمر بند، یک جاده تقویت گردد.

چارچوب‌های دوجانبه و چند جانبه برای تجارت اتحادیه اروپا - چین

تجارت کالا و خدمات اتحادیه اروپا-چین در چارچوب قواعد و تعهدات مورد توافق چند جانبه سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود اما این بر خلاف سابقه تعداد فزاینده موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد مورد مذاکره و عمل توسط اتحادیه اروپا و چین که راهبردهای آنها برای ارتقای تجارت با شرکای متعدد طراحی شده، می‌باشد. با این حال اکنون هیچ موافقت‌نامه تجارت دوجانبه رسمی بین اتحادیه اروپا و چین وجود ندارد، گرچه تجارت، موضوع اصلی دستور کار نشست‌های منظم و گروه‌های کاری و به خصوص گفتمان عالی سالانه تجارت و اقتصاد^{۳۰} است که از سال ۲۰۰۸ برگزار می‌گردد. به عنوان مثال، چهار گروه کاری بر موضوعات دسترسی بازار در حیطه تجارت کالا، خدمات، موانع فنی تجارت و ایمنی غذایی، و موضوعات مربوط به سلامت گیاهان و حیوانات تشکیل شده است.

یکی از ارکان اصلی ارتباط بین اتحادیه اروپا و چین، دامپینگ و ضد دامپینگ بوده است، موضوعی که چین موضع اصلی تمرکز کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده و چین نیز موارد ضد دامپینگ را در مورد شرکت‌های اروپایی اعمال می‌نماید. این سؤال که آیا اتحادیه اروپا به چین وضعیت و شأن اقتصاد بازار را می‌دهد نیز مورد اصلی دستور کار از سال ۲۰۱۴ تا اواخر ۲۰۱۶ بوده است. دولت چین پافشاری نمود که ماده ۱۵ پروتکل الحاق چین به سازمان تجارت جهانی باید به عنوان «بند انقضاء»^{۳۱} قلمداد شده و استدلال نمود که بر اساس ماده ۱۵(d)

30. annual High Level Economic and Trade Dialogue

31. sunset clause

پروتکل الحاق این کشور به سازمان تجارت جهانی، روش استفاده از قیمت‌های کشور ثالث برای دامپینگ توسط چین باید پس از دسامبر ۲۰۱۶ متوقف گردد. اما با توجه به دیدگاه‌های مختلف در اتحادیه اروپا، چین موضوع را به مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی موکول کرده است. در نوزدهمین نشست رهبران اتحادیه اروپا - چین در بروکسل، اتحادیه اروپا نیز تأیید نمود که چین باید از قواعد سازمان تجارت جهانی پیروی نماید.

این واقعیت که تجارت اتحادیه اروپا - چین از سال ۲۰۱۱ همگام با رشد تجارت جهانی دچار افت قابل توجهی شده بر مباحث جاری در خصوص چارچوب آتی روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین تأثیرگذار است. کل تجارت اتحادیه اروپا - چین در دوره ۱۱-۲۰۰۱ سالانه به طور میانگین ۱۴٫۴ درصد رشد نمود (علیرغم آسیب‌های بحران مالی ۰۸-۲۰۰۷ به تجارت) اما در دوره ۱۶-۲۰۱۱ رشد به سالانه ۳٫۶ درصد سقوط نمود. بحران بدهی دولتی اروپا به این رکود چشمگیر دامن زد اما موضوعات عمومی نیز وجود دارند که منجر به رکود تجارت جهانی شدند. بسیاری از تحلیل‌ها نشان داده که کاهش در سرعت آزادسازی تجارت به صورت جهانی، افزایش احساسات حمایت‌گرایی در بسیاری از نقاط دنیا، و سرمایه‌گذاری ضعیف در بسیاری از اقتصادها، برخی از عوامل مؤثر در این موضوع هستند. با توجه به بازیابی اقتصاد اتحادیه اروپا و احیای سرمایه‌گذاری، رشد تجارت اتحادیه اروپا - چین نیز همراستا با بازیابی جهانی در تجارت، آغاز شده است.

در حال حاضر تمرکز اصلی مذاکرات اقتصادی اتحادیه اروپا - چین، مدیریت سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین است که از مذاکرات آن از سال ۲۰۱۳ آغاز شده است. برنامه راهبردی ۲۰۲۰ برای همکاری اتحادیه اروپا - چین هم اهداف وسیع‌تری را از جمله یک موافقت‌نامه تجارت آزاد جامع و عمیق شناسایی کرده است. دیدگاه اتحادیه اروپا این است که دو طرف ابتدا باید در مورد سرمایه‌گذاری به توافق برسند و سپس در مورد موافقت‌نامه تجارت آزاد مذاکره نمایند.

خروج انگلستان از اتحادیه اروپا نیز پیش‌بینی در مورد اثر موافقت‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا - چین را دشوار کرده، و این بستگی به ماهیت و زمانبندی هرگونه توافق حاصله بین انگلستان و اتحادیه اروپا دارد. گرچه طرفدارانی برای موافقت‌نامه زود هنگام تجارت آزاد انگلستان - چین وجود دارد اما این از نظر اقتصادی به نفع انگلستان نیست که قبل از تعامل اتحادیه اروپا، با چین به توافق برسد.

موافقت نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا - چین و پیش‌بینی‌های تجارت

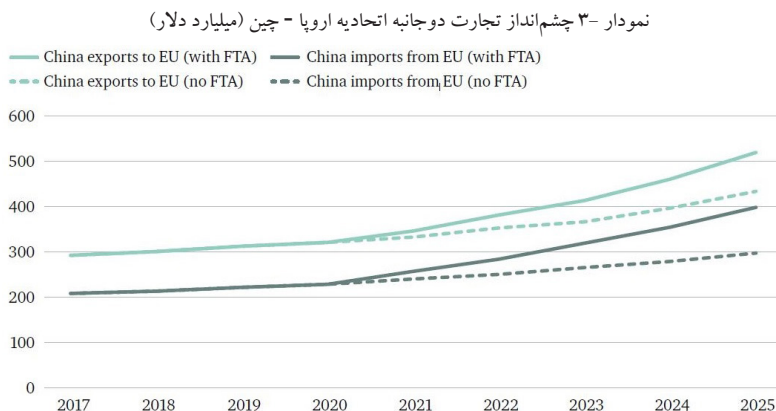
تحقیقات توسط مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین^{۳۲} با استفاده از مدل جاذبه^{۳۳} برای تجارت نشان می‌دهد که اگر چین و ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا بتوانند طی دهه‌های آینده اصلاح ساختاری و تحول اقتصادی را به طور اثربخش به عمل آورند، و اگر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سالانه چین در حدود ۶ درصد و برای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا بالای ۱٫۷ درصد پایدار بماند، سپس حجم تجارت دوجانبه سالانه بین اتحادیه اروپا و چین می‌تواند از ۶۷۸ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۵ تجاوز نماید. از این میزان، صادرات چین به اتحادیه اروپا ۴۰۴ میلیارد یورو و واردات آن ۲۷۷ میلیارد یورو خواهد بود که این نشانگر ۱۲۶ میلیارد یورو (با قیمت‌های سال ۲۰۱۶) مازاد تجاری است. اگر اصلاحات طرف عرضه در چین موفقیت‌مورد انتظار را نداشته باشد، و نرخ رشد اقتصادی اتحادیه اروپا نیز پایین‌تر باشد، تجارت دوجانبه می‌تواند باز هم به ۶۵۹ میلیارد یورو برسد، به گونه‌ای که صادرات و واردات چین به ترتیب ۳۹۳ و ۲۷۱ میلیارد یورو خواهد بود.

کاهش تعرفه‌ها می‌تواند اثرات تجارت‌زایی^{۳۴} داشته باشد، گرچه میزان دقیق آن مشمول نااطمینانی‌های متعددی است. تحقیقات توسط مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین که برای این پروژه انجام شده بیان می‌دارد که اگر موافقت‌نامه تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۲۰ برای دستیابی به تعرفه صفر به امضای طرفین برسد، تا سال ۲۰۲۵ صادرات اتحادیه اروپا به چین تا سه برابر سناریوی عدم وجود موافقت‌نامه تجارت آزاد افزایش خواهد یافت و صادرات چین به اتحادیه اروپا نیز ۲۰ درصد بیشتر خواهد بود. در حالی که موافقت‌نامه تجارت آزاد در آینده نزدیک به نتیجه نخواهد رسید، نمودار ۳ پیش‌بینی‌های مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین در مورد اثرات چنین موافقت‌نامه‌ای بر تجارت را با فرض چشم‌انداز خوش‌بینانه برای رشد اقتصادی، نشان می‌دهد.

32. China Center for International Economic Exchanges (CCIEE)

33. gravity model

34. trade-creation effects



این تا حدی به موازنه تجاری اتحادیه اروپا - چین کمک می کند، اما باز هم عدم توازن های قابل توجهی وجود خواهد داشت. برای این پروژه، محققان بروگل اثر رکود ساختاری چین بر عدم توازن های تجاری بین اتحادیه اروپا و چین را تحلیل نمودند. رشد ضعیف تر چین باعث فروکش کردن ظرفیت مصرف و کاهش واردات از اتحادیه اروپا می گردد، در حالی که ظرفیت صادراتی چین با سرعت بسیار کمتری کاهش می یابد و این به علت ظرفیت مازاد تولید این کشور است. در این مورد، کسری تجاری اتحادیه اروپا حتی در بلندمدت و حتی از لحاظ ارزش افزوده نیز به راحتی کاهش پیدا نمی کند زیرا چین به حرکت خود به سمت بالای زنجیره ارزش ادامه می دهد. با این حال، محققان مرکز مبادلات اقتصادی بین المللی چین به این نتیجه رسیدند که با توجه به اثرگذاری تدریجی سیاست های گسترش مصرف داخلی چین، حجم و نرخ رشد واردات به خصوص در بخش خدمات به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. افزایش واردات چین از اتحادیه اروپا احتمالاً بخش مهمی از همکاری اقتصادی اتحادیه اروپا - چین خواهد بود.

لارنس لا^{۳۵} از دانشگاه چینی هنگ کنگ^{۳۶} بیان می دارد که یکی از راه های کاهش تنش ها در تجارت اتحادیه اروپا - چین، بررسی هماهنگ سازی نرخ ارز بین دو طرف است. این پیشنهاد بر مبنای کار رابرت ماندل^{۳۷} در مورد هماهنگ سازی کارا و سازگار نرخ ارز بین دو شریک تجاری است. ایده این است که در مورد اتحادیه اروپا و چین، دو طرف در مورد

35. Lawrence Lau

36. Chinese University of Hong Kong

37. Robert Mundell

دامنه‌ای از نوسانات برای نرخ تبادل رنمینبی/یورو مثلاً ۵ درصد بالاتر یا پایین‌تر از نرخ اصلی به توافق می‌رسند و برای مهار نوسانات در این دامنه مداخله می‌کنند. چنین ترتیباتی باعث ثبات انتظارات از نرخ تبادل رنمینبی/یورو برای صادرات، واردات و سرمایه‌گذاران مستقیم در هر دو طرف اتحادیه اروپا و چین می‌گردد.

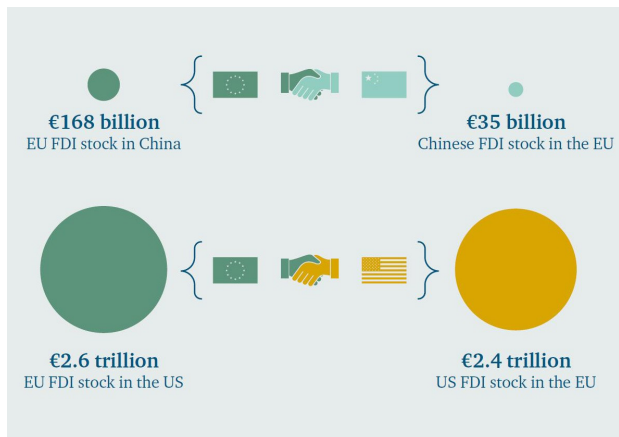
با توجه به این نااطمینانی‌ها، ترتیب‌دهی برای توسعه عمیق‌تر رابطه اقتصادی اتحادیه اروپا - چین از اهمیت شایانی برخوردار است. با لحاظ پویایی‌های این رابطه، ما توصیه می‌کنیم که اتحادیه اروپا و چین ابتدائاً بر توافق سرمایه‌گذاری دوجانبه تمرکز کنند و زمانی که این کار به نتیجه رسید، دو طرف باید مذاکرات در مورد موافقت‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا - چین را آغاز نمایند.

روابط سرمایه گذاری

جریان های سرمایه گذاری

گرچه توسعه تجارت منجر به این شده که اتحادیه اروپا و چین به مبدأ اصلی واردات و دومین بازار بزرگ صادرات یکدیگر تبدیل شوند، جریان های سرمایه گذاری بین اتحادیه اروپا و چین به صورت تاریخی برای طرفین چشمگیر نبوده است. داده ها نشان می دهد که حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین اتحادیه اروپا و چین در سطحی بسیار کمتر نسبت به اتحادیه اروپا و ایالات متحده است. تا سال ۲۰۱۵، حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در سرزمین اصلی چین به ۱۶۸ میلیارد یورو می رسید (۲۸۸ میلیارد یورو با لحاظ هنگ کنگ)، و حجم سرمایه گذاری از سرزمین اصلی چین در اتحادیه اروپا ۳۵ میلیارد یورو بود (۱۱۵ میلیارد یورو با لحاظ هنگ کنگ)، در صورتی که حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در ایالات متحده ۲٫۶ تریلیون یورو و حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در اتحادیه اروپا ۲٫۴ تریلیون دلار بوده است. با توجه به اندازه تجارت و اقتصادهایشان، فضای کافی برای رشد قابل توجه جریان های سرمایه گذاری وجود دارد.

حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین اتحادیه اروپا و چین در سطحی بسیار کمتر نسبت به اتحادیه اروپا و ایالات متحده است.



همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده، در اکثر سال های اخیر، چین ۲ درصد یا کمتر از جریان های سرمایه گذاری مستقیم خارجی صادره سالانه اتحادیه اروپا را در اختیار داشته است. اما محرک های این سرمایه گذاری در حال تغییر بوده اند. قبل از سال ۲۰۰۵، مزایای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین در ارتباط با هزینه پایین نیروی انسانی، زمین و مقررات

زیست‌محیطی سهل‌تر بود؛ از سال ۲۰۰۵ به بعد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور فزاینده‌ای تحت عامل رشد بازار داخلی بوده است؛ از سال ۲۰۱۲ این گسترش بخش خدمات بوده که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب نموده است.

در طی چند سال اخیر، اهمیت اتحادیه اروپا به عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های چینی به سرعت افزایش یافته است. حدود ۵٫۸ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیرونی چین بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ در اتحادیه اروپا بوده است. بر اساس ارقام ترکیب‌شده از پایگاه داده‌های مختلف توسط گروه رودیم^{۳۸}، مبادلات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سرزمین اصلی چین به اتحادیه اروپا از ۲۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ به ۳۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

جدول ۱- وزن نسبی اتحادیه اروپا و چین نسبت به یکدیگر در سرمایه‌گذاری صادره

سال	نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به اتحادیه اروپا به کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادره چین (درصد)	نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا به چین به کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادره اتحادیه اروپا (درصد)
۲۰۰۳	۴٫۰۱	۱٫۶۲
۲۰۰۴	۳٫۵۶	۲٫۳۱
۲۰۰۵	۳٫۳۲	۱٫۱۸
۲۰۰۶	۰٫۸۲	۰٫۹۴
۲۰۰۷	۱٫۸۴	۰٫۵۰
۲۰۰۸	۰٫۸۱	۱٫۵۶
۲۰۰۹	۳٫۵۳	۱٫۲۵
۲۰۱۰	۵٫۸۹	۱٫۳۷
۲۰۱۱	۶٫۶۵	۱٫۲۳
۲۰۱۲	۵٫۸۱	۱٫۳۰
۲۰۱۳	۴٫۸۰	۲٫۱۳
۲۰۱۴	۸٫۴۳	۲٫۱۹
۲۰۱۵	۵٫۲۵	۱٫۳۷

دلایل مناسبی برای انتظار رشد آتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین اتحادیه اروپا و چین طی دهه‌های آینده وجود دارد، گرچه ویژگی جریان‌های سرمایه‌گذاری در هر یک از جهت‌ها احتمالاً متفاوت است. از چشم‌انداز چین، به دلیل مازاد پسانداز و فقدان فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری داخلی در چین، عامل پیشران برای سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا کماکان وجود خواهد داشت. یکی از عوامل بازدارنده اصلی، دسترسی فزاینده به سرمایه‌گذاری‌ها و شرکت‌های هدف و هزینه‌های نسبتاً پایین آنها پس از بحران مالی جهانی است. به عنوان مثال، در واکنش به این عوامل، چین و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، «۱+۱۶» را تشکیل دادند تا همکاری اقتصادی را در دامنه‌ای از موضوعات همچون سرمایه‌گذاری چین در منطقه، گسترش دهند، گرچه این سرمایه‌گذاری تاکنون به‌کندی محقق شده است.

پیشران‌های اصلی سرمایه‌گذاری چین در اروپا، دسترسی به بازار، برندها و فناوری خواهد بود. همچنین سرمایه‌گذاری‌هایی با هدف کسب فناوری و برند با نگاه به توسعه بازار داخلی چین وجود دارد. همانطور که قبلاً نیز بیان گردید، سرمایه‌گذاری اروپا در چین به‌طور فزاینده‌ای تحت عامل دسترسی به بخش‌های مصرف و خدمات چین است، گرچه سرعت این روند در چند سال اخیر به دلیل بازده پایین‌تر و چالش‌های موجود در دسترسی به بازار، کاهش یافته است.

دسترسی بازار و روابط سرمایه‌گذاری

دسترسی بازار در حال حاضر چالشی‌ترین موضوع راهبردی است. بسیاری از شرکت‌های اروپایی نگران چیزی هستند که آن را محدودیت‌های دسترسی به بازار چین و تبعیض علیه سرمایه‌گذاران اروپایی فعال در آن کشور، شامل سیاست‌های ترجیحی صریح یا ضمنی، یارانه برای بنگاه‌های خاص و تسلط بنگاه‌های دولتی در بخش‌های خاص، می‌دانند. شاخص محدودیت در دسترسی به بازار^{۳۹} تهیه‌شده توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۴۰} بیان می‌دارد که چین یکی از محدودترین کشورهای جهان از نظر دسترسی بازار برای سرمایه‌گذاران خارجی است.

از سوی دیگر، چین کماکان یکی از مقاصد اصلی جهانی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و حوزه بعدی که برای گشودگی بیشتر در برابر سرمایه‌گذاری خارجی برنامه‌ریزی شده، بخش خدمات است. کاهش محدودیت‌ها در دسترسی بازار در این حوزه، نقطه مهم

39. index of restrictiveness in market access

40. OECD

دیگر تمرکز بین اتحادیه اروپا و چین خواهد بود. در این زمینه، بیانیه‌های اخیر دولت چین نشانگر تمایل آنها به بهبود محیط کسب و کار برای سرمایه‌گذاران خارجی است و قبل‌تر نیز دولت چین در سال ۲۰۱۷ سیاست‌هایی را برای افزایش بیشتر گشودگی در اقتصاد اعلام کرده بود. اعلام جدیدترین مجموعه ابزارها توسط شورای دولتی^{۴۱} در نیمه ماه اوت، در حوزه‌های مرتبط با برنامه زمان‌بندی دقیق و نقشه راه برای دستیابی به گشودگی در صنایع منحصر به فرد، وعده‌هایی برای حمایت بیشتر از مالکیت معنوی، ایجاد سیستم مجوز کار ملی برای خارجی‌ان شاغل در چین و بهبود فرایند اعطای روادید، مورد استقبال کسب و کارهای اروپایی قرار گرفته است. امروزه، چین به طور قابل توجهی گشوده‌تر از آن چیزی است که ژاپن یا کره جنوبی در مراحل مشابه توسعه خود بودند. شرکت‌های چینی همچنین بیان می‌دارند که استانداردهای اتحادیه اروپا در بخش با فناوری بالا، توانایی آنها برای سرمایه‌گذاری و فروش در اتحادیه اروپا را محدود می‌نماید.

تا سال ۲۰۲۵، این نابرابری‌ها همچنان وجود خواهد داشت اما شکاف آن باید تنگ‌تر شود و اختلافات درون اتحادیه اروپا و چین نیز می‌تواند اهمیت همسانی با واگرایی‌ها بین این دو طرف داشته باشد. منافع گسترده در حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا حدی همگرا خواهند شد اما رقابت مستقیم بین شرکت‌های اروپایی و چینی نیز وجود خواهد داشت. محققان چینی اشاره می‌دارند که استانداردهای اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر، مالکیت معنوی، حفاظت محیط‌زیست، رفاه نیروی انسانی و موضوعات دیگر، فضای سرمایه‌گذاری یا صادرات چین به اتحادیه اروپا را محدود می‌سازد. گرچه، نهایتاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبت بسیار زیادی برای هر دو طرف دارد که از آن جمله، ایجاد شغل، تشویق نوآوری، و ارتقای رقابت‌پذیری جهانی است. گشودگی بخش‌های خدمات در چین باید همچنین منجر به افزایش در سرمایه‌گذاری اروپاییان در کشور شود. روی هم رفته تا سال ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری چین در اتحادیه اروپا احتمالاً رشد قابل توجهی نسبت به سطوح فعلی خواهد داشت.

بنگاه‌های دولتی

از دیدگاه اتحادیه اروپا، تبعیض بالقوه به نفع بنگاه‌های دولتی چینی با پشتیبانی صریح یا ضمنی، موضوعی مهم در مذاکرات در خصوص توافق سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین می‌باشد. در دوره ۱۴-۲۰۰۰ بیش از دو سوم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در اتحادیه

اروپا (۳۱ میلیارد یورو از ۴۶ میلیارد یورو) توسط بنگاه‌های دولتی انجام شده، گرچه بنگاه‌های خصوصی نیز اخیراً رشد خوبی داشته و سهم آنها در دهه‌های پیش رو احتمالاً به سرعت رشد خواهد کرد. پتانسیل بنگاه‌های دولتی چینی، با پشتیبانی‌های صریح و ضمنی یارانه‌ها، برای ورود به بازار اتحادیه اروپا، موجب نگرانی اتحادیه اروپا در خصوص رقابت ناعادلانه شده است. نگرانی‌های دیگر اتحادیه اروپا در ارتباط با این ادراک است که سرمایه‌گذاری‌های چین در اروپا ممکن است تا حدی دارای اهداف غیراقتصادی باشد و بنابراین با ریسک‌های سیاسی و امنیت ملی همراه است.

در دوره ۲۰۰۰-۱۴ بیش از دو سوم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در اتحادیه اروپا توسط بنگاه‌های دولتی انجام شده است.



از دیدگاه چین، پشتیبانی دولتی نمی‌تواند منجر به رقابت‌پذیری پایدار برای بنگاه‌های چینی در بلندمدت گردد. بنگاه‌های دولتی بازارمحور چینی به طور فزاینده‌ای جریان غالب اقتصاد چین را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۶ بنگاه‌های بخش خصوصی ۶۱ درصد بخش تولید را شامل می‌شدند در حالی که بنگاه‌های دولتی ۲۸ درصد و بنگاه‌های خارجی تنها ۱۱ درصد را در اختیار داشتند. همین الگو در قسمت‌هایی از بخش خدمات همچون املاک نیز وجود دارد، جایی که بنگاه‌های خصوصی ۶۸ درصد و بنگاه‌های دولتی ۳۰ درصد بخش را در دست دارند. با این حال در دیگر بخش‌های خدماتی، بنگاه‌های خصوصی چینی و بنگاه‌های خارجی سهم نسبتاً کمتری دارند. به عنوان مثال، بنگاه‌های دولتی تا ۹۰ درصد کسب و کارهای فعال در بخش مالی را تشکیل می‌دهند. بنابراین در مورد تجارت، اصلاحات و گشودگی بخش خدمات چین به روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، گام مهم بعدی در روابط اتحادیه اروپا - چین است.

تا زمان طرح اصلاحات بازارگرا، بنگاه‌های دولتی از ویژگی‌های اقتصادهای اروپایی نیز بودند، و چالش‌های یارانه‌های دولتی هنوز هم توسط سازمان تجارت جهانی درباره برخی از این شرکت‌ها مطرح است. دولت چین استدلال می‌کند که چین هم در حال حاضر در

مراحل مشابه اولیه توسعه است. از زمان الحاق به سازمان تجارت جهانی، چین توسعه اقتصادی و اصلاح بنگاه‌های دولتی را با باز نمودن اقتصاد خود در پیش گرفته است. در همین چین، کل اندازه اقتصادی بنگاه‌های دولتی صنعتی چین از زمان اصلاحات در اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور ناگهانی کاهش یافته است. به طور کلی، بر اساس اطلاعات اداره ملی آمار چین^{۴۲}، در سال ۲۰۱۵ بنگاه‌های دولتی ۳۸٫۸ درصد از کل دارایی‌های بنگاه‌های صنعتی بزرگ را در اختیار داشتند، گرچه این سهم در مورد شرکت‌های بورسی بزرگ‌تر، بالاتر است، یعنی حدود دو سوم دارایی‌ها در دستان بنگاه‌های دولتی است.

جدول ۲- سهم بنگاه‌های دولتی، خصوصی و کاملاً خارجی در چین (۲۰۱۶) (درصد)

بخش	دولتی	خصوصی	کاملاً خارجی
سلامت	۸۹٫۹	۱۰٫۱	۰٫۰۲
کلی فروشی و خرده فروشی	۶۱٫۹	۳۴٫۲	۳٫۹
ساختمان	۵۳٫۲	۴۶٫۴	۰٫۳
فرهنگ	۸۶٫۶	۱۲٫۵	۰٫۹
آموزش	۷۳٫۴	۲۵٫۴	۱٫۱
مالیه	۹۰٫۷	۷٫۸	۱٫۵
مسکن	۵۴٫۴	۴۳٫۱	۲٫۴
املاک	۲۹٫۶	۶۷٫۸	۲٫۶
تحقیقات	۶۹٫۹	۲۶٫۵	۳٫۵
اجاره تجاری	۷۶٫۲	۱۵٫۴	۸٫۴
رستوران	۳۵٫۰	۵۶٫۰	۹٫۰
تولید	۲۷٫۸	۶۱٫۲	۱۱٫۰

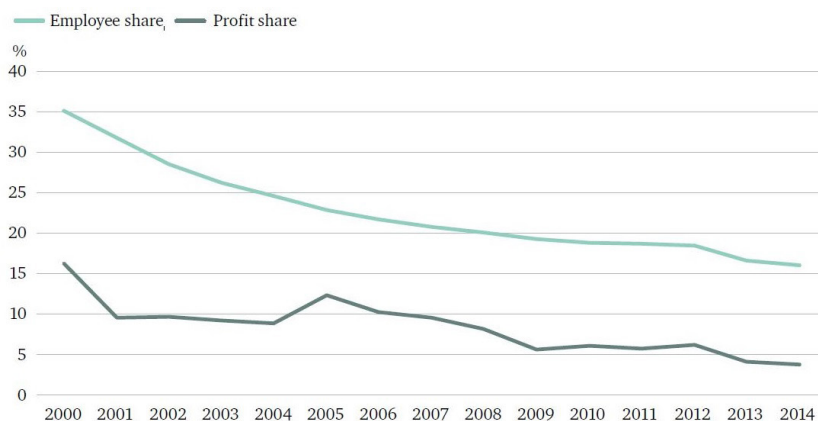
انتقادات بین‌المللی و اجماع داخلی همه بر ضرورت اصلاح بنگاه‌های دولتی چین و تسریع در تعیین قیمت عوامل همراستا با نیروهای بازار اشاره دارند. مطابق اصل بی‌طرفی رقابتی^{۴۳}، مقامات چینی متعهد به ایجاد یک محیط رقابتی عادلانه و غیر تبعیض آمیز به طور یکسان برای بنگاه‌های دولتی، خصوصی و کاملاً خارجی شده‌اند. علاوه بر این، در حال تسریع اصلاحات بازار گرا در سیستم مدیریت زمین، سیستم مدیریت اعتبار، و سیستم مدیریت منابع انرژی است، به گونه‌ای که مکانیزم بازار بتواند نقش تعیین کننده در تخصیص منابع ایفا نماید. دولت چین اشاره می‌دارد که تا سال ۲۰۲۰، اصلاحات بنگاه‌های دولتی را به طور کامل انجام داده،

42. China's National Bureau of Statistics

43. competitive neutrality

استانداردهای نوین حاکمیت شرکتی را اعمال کرده، و تضمین می‌نماید که بنگاه‌های دولتی نیز همانند سایر بنگاه‌ها و مطابق با قواعد بازار فعالیت خواهند نمود. با این حال، نتیجه نهایی این است که تا سال ۲۰۲۵، بنگاه‌های دولتی احتمالاً به عنوان ویژگی برجسته کسب و کار و چشم‌انداز سیاسی اقتصادی چین باقی خواهند ماند.

نمودار ۴- تخصیص سهم کارگر و سهم سود در بنگاه‌های دولتی صنعتی چین



اصلاح محیط برای سرمایه‌گذاری خارجی

محدودیت در مورد بخش‌هایی که شرکت‌های اروپایی و سایر شرکت‌های خارجی می‌توانند در آنها سرمایه‌گذاری کنند، یکی دیگر از موارد اختلاف است و موردی است که دولت چین به دنبال حل آن است. چین، «فهرست راهنمای سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع»^{۴۴} را اصلاح کرده و تعداد محدودیت‌های «خاص» بر سرمایه‌گذاران خارجی را از ۹۳ مورد در سال ۲۰۱۵ به ۶۳ مورد در سال ۲۰۱۷ کاهش داده و یک «لیست منفی» برای سرمایه‌گذاران خارجی تدوین شده است. بخش‌های محدود شده شامل تلویزیون، مطبوعات و انتشارات و کشتیرانی درون‌سرزمینی، موارد مرتبط با امنیت ملی و دیگر بخش‌های مرتبط اقتصاد همچون مالیه و ارتباطات مخابراتی می‌گردد که بنگاه‌های دولتی چینی قصد تسلط بر آنها را دارند. برای بخش‌های فاقد محدودیت، دولت رویه‌ها را تسهیل نموده و تنها الزام داشته که پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی ثبت شوند.

این بخشی از تغییر گسترده‌تر چین از یک سیستم کنترل پیشینی دسترسی بازار به سیستمی است که نظارت در آن، پس از ورود اعمال می‌گردد. به عنوان مثال، منطقه آزاد شانگهای اولین

منطقه‌ای بود که سیستم «اعطای مجوز قبل از تأیید»^{۴۵} را اجرا نمود و موارد مورد نیاز قبل از موافقت با سرمایه‌گذاری را نیز کاهش داد. به نظر می‌رسد که چین در بلندمدت در راستای قواعد بین‌المللی طراحی شده حرکت می‌کند تا بتواند یک سیستم بازار عادلانه، شفاف و قابل پیش‌بینی را هم برای سرمایه‌گذاری خارجی و هم بخش خصوصی تضمین نماید.

دولت چین اخیراً، هدف برخورد یکسان با سرمایه‌گذاران خارجی همانند شرکت‌های داخلی را بیان داشته است. به عنوان مثال، دولت چین با تشخیص این موضوع که گشودگی بیشتر بخش‌ها دارای منافع چندجانبه است و به اصلاحات بیشتر اقتصاد این کشور کمک می‌کند، اخیراً فهرست منفی را در سرتاسر کشور آغاز نموده است.

با این حال، این به عنوان یکی از موضوعات مورد مجادله بین اتحادیه اروپا و چین باقی مانده است. کسب و کارهای اروپایی از مدت‌ها پیش فهرست منفی را بکار می‌گیرند که به طور چشمگیری محدودیت‌های دسترسی بازار شرکت‌های اروپایی در صنایع محدود شده فعلی را مرتفع می‌کند.

یکی دیگر از نگرانی‌های اروپاییان، اهدافی است که دولت چین برای تولید داخلی در ۱۰ بخش با فناوری بالا به عنوان بخشی از اقدام «ساخت چین ۲۰۲۵»^{۴۶} تعیین کرده که می‌تواند منجر به دسترسی محدودتر به بازار گردد. در این خصوص، نخست وزیر چین در مارس ۲۰۱۷ اعلام نمود که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌توانند به طور یکسان از مزایای برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» بهره‌مند شوند. همچنین این امکان وجود دارد که اقدام چین بتواند برنامه‌های اروپا برای توسعه صنعتی را تکمیل نموده و موجب همکاری بیشتر در مشارکت نوآوری و صنعتی اتحادیه اروپا - چین گردد به گونه‌ای که شرکت‌های اتحادیه اروپا و چین بتوانند از تخصص یکدیگر در این حوزه‌ها به نفع طرفین استفاده کنند.

تحلیل‌گران چینی همچنین اشاره دارند که در اروپا نیز محدودیت‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد که در سطح ملی اعمال می‌گردد و باید در مذاکرات مربوط به توافق سرمایه‌گذاری مورد نظر قرار گیرد. اولویت‌های چین برای یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری شامل این موارد می‌گردد: یک فهرست منفی نسبتاً کامل با بندهای استثنایی کافی؛ کاهش در موانع سرمایه‌گذاری شامل سیاست‌زدایی و شفافیت بیشتر در بررسی‌های امنیت ملی؛ حمایت از سرمایه‌گذاری (که در هر موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری مورد انتظار است)؛ حمایت کافی و موافقت با سرمایه‌گذاری توسط بنگاه‌های خصوصی.

45. licence granted before certification

46. Made in China 2025

با توجه به این دیدگاه‌ها و اولویت‌های اتحادیه اروپا و چین، به نظر نمی‌رسد که عصیت و نگرانی سیاسی اروپا نسبت به سرمایه‌گذاری چینی تا سال ۲۰۲۵ از بین برود. با این وجود، اتحادیه اروپا باید فرایندهای نهادی مشترک بهتری را برای مواجهه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارده چین (و سایر کشورها) با استفاده از دو ابزار اصلی - یعنی سیاست رقابت و چارچوب حل اختلاف که در حال حاضر نیز در مورد فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی در اتحادیه اروپا اعمال می‌گردند - ایجاد نماید. این امکان وجود دارد که برخی از این فرایندها به عنوان یک سپر در برابر سرمایه‌گذاری‌های ناعادلانه چین در اتحادیه اروپا به کار گرفته شوند، اما آنها ناگزیر موجب بالا رفتن نگرانی‌های چینی‌ها درباره افزایش حمایت‌گرایی در اروپا می‌گردند.

موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین

زمانی که چین در سال ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی پیوست، سه نیروی پیشران وجود داشت: اول، مشارکت در جهانی شدن و الحاق به اقتصاد جهانی؛ دوم، همراستا کردن مکانیزم‌های نهادی داخلی با رویه‌های بین‌المللی؛ و سوم، وادار کردن بنگاه‌های دولتی و خصوصی برای رقابت با بنگاه‌های خارجی.

از آن زمان تاکنون، محیط بین‌المللی تغییرات چشمگیری کرده است. اول اینکه تجارت در حال حاضر پیشرانی کم‌اهمیت‌تر برای رشد تولید ناخالص داخلی جهانی است، زیرا تفاوت در هزینه‌های نیروی کار در بازارهای توسعه‌یافته و نوظهور کاهش یافته، زنجیره‌های عرضه توسعه پیدا کرده، و فناوری‌های نوین باعث ترغیب بیشتر تولید صنعتی درون مرزی می‌گردند. دوم اینکه فرصت‌های جدید برای افزایش تجارت بین‌المللی احتمالاً شامل گستره بیشتری از خدمات، شامل مالیه، بازنشستگی و بیمه، تحقیق و توسعه فناوری بالا و نوآوری، و مراقبت‌های بهداشتی، می‌شوند.

این بدین معنی است که دستور کار اقتصادی اتحادیه اروپا - چین بیشتر بر گشودن بخش خدمات یکدیگر و تضمین حمایت از مالکیت معنوی متمرکز خواهد بود. از دیدگاه چین، باز نمودن بخش خدمات به روی تجارت و سرمایه‌گذاری با کسب و کارهای اروپایی، موج دیگری از فشار بازار مثبت را به همراه خواهد داشت، مشروط به اینکه دسترسی عادلانه و غیر تبعیضانه به بازار برای شرکت‌های خارجی همانند بنگاه‌های دولتی و خصوصی چینی فراهم شود. به طور خلاصه، یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین این پتانسیل را دارد که

باعث تحریک دور جدیدی از گشودگی بازار در چین گردد، به خصوص اگر شامل به عنوان مثال فهرست منفی کوتاه‌تری نسبت به فهرست مورد عمل فعلی باشد.

در حال حاضر هیچ چارچوب واحدی برای روابط سرمایه‌گذاری بین اتحادیه اروپا و چین وجود ندارد. در عوض، تقریباً تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارای معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با چین هستند که اکثراً در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با هدف جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین و حمایت از فعالیت‌های قانونی شرکت‌های خارجی، به تصویب رسیده‌اند. اختلافات متعددی در این موافقت‌نامه‌های دوجانبه با اعضای اتحادیه اروپا وجود دارد. با این حال از زمان اجرایی شدن پیمان کارکرد اتحادیه اروپا (پیمان لیسبون)^{۴۷} در سال ۲۰۰۹، صلاحیت سرمایه‌گذاری از کشورهای عضو به اتحادیه اروپا منتقل شده است، گرچه فرایند اجرای آن با توجه به اختلافات موجود در قوانین و سیاست‌های ملی موجود در خصوص سرمایه‌گذاری وارده، پیچیده و کند بوده است.

در شانزدهمین نشست اتحادیه اروپا - چین در نوامبر ۲۰۱۳، دو طرف برای آغاز مذاکرات در خصوص یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری به عنوان جایگزین موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا با چین به توافق رسیدند، و این اولین بار پس از پیمان لیسبون است که اتحادیه اروپا مذاکره برای یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری را آغاز می‌کند. چنین موافقت‌نامه‌ای می‌تواند به پیشبرد آزادسازی سرمایه‌گذاری و همچنین حذف محدودیت‌ها برای سرمایه‌گذاران در بازارهای یکدیگر بیانجامد. با توجه به ماهیت متغیر هر دو اقتصاد، هدف از این موافقت‌نامه، بررسی راه‌هایی برای گشودگی بیشتر بخش‌های خدمات است. این موافقت‌نامه همچنین شفافیت در مورد قوانین سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا را به همراه دارد - حدود سه چهارم شرکت‌های چینی با نگاه به بازار اتحادیه اروپا در این اتحادیه سرمایه‌گذاری می‌کنند. پایان موفقیت‌آمیز مذاکرات باید با منافی برای رشد اقتصادی جهانی و منطقه‌ای همراه باشد. مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر منجر به تجارت بین‌المللی بیشتر می‌گردد، زیرا سرمایه‌گذاران، کشور میزبان را بیشتر در زنجیره‌های تأمین جهانی دخالت می‌دهند.

مذاکرات تاکنون در مورد اصل عدم تبعیض، نیاز به بهبود محیط قانونگذاری برای حمایت از سرمایه‌گذاران، و ضرورت تنظیم قواعدی برای موضوعات نیروی انسانی و محیط‌زیست به توافق رسیده است. اما همچنین موضوعاتی را مشخص کرده‌اند که نیاز به حل توسط طرفین

47. Treaty on the Functioning of the European Union (the 'Lisbon Treaty')

دارند، به خصوص در مورد دسترسی بازار که هر دو طرف به آن به عنوان دشوارترین موضوع می‌نگرند. استفاده از موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا - چین به عنوان ابزاری برای رسیدگی به نگرانی‌های اروپا در مورد به عنوان مثال بنگاه‌های دولتی، ممکن است نتیجه‌ای کمتر از حد انتظار ما داشته باشد. به طور خاص، مقررات شدید برای بنگاه‌های دولتی کماکان فضا را برای بنگاه‌های چینی مرتبط سیاسی با هرگونه مالکیت و شاید با پشتیبانی دولت، برای ورود به بازار اتحادیه اروپا فراهم می‌کند.

یک گام مهم برای حل این موضوع، حاکم کردن اصول بین‌المللی حاکمیت شرکتی توسط چین است، در حالی که اروپا بر افزایش حمایت‌گرایی از درون پافشاری می‌کند. هدف اصلی باید ایجاد محیط کسب و کار پایدار، عادلانه، شفاف و قابل پیشبینی در چین و اتحادیه اروپا باشد به گونه‌ای که شرکت‌های چینی و اروپایی در موقعیت برابری نسبت به یکدیگر قرار داشته و صرف نظر از کشور اصلی، دسترسی برابر به بازار داشته باشند. این مستلزم فرایند همگرایی به سمت برخورد مشابه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا و چین و چارچوب‌های نهادی است که با آن کار می‌کنند. با این هدف، اتحادیه اروپا احتمالاً به پافشاری برای عبارت‌های متضمن «بی‌طرفی رقابتی» ادامه خواهد داد، بدین معنی که هیچ نهاد کسب و کاری صرفاً به خاطر نوع مالکیتش دارای مزیت یا عدم مزیت نمی‌باشد. طرف چینی، بی‌طرفی رقابتی را به طور کلی قبول دارد اما بر این اعتقاد است که زمانی که بنگاه‌ها صرفاً برای اهداف تجاری تصمیم‌گیری نمی‌کنند بلکه کارکردهای خدمات عمومی را نیز به اجرا در می‌آورند، قیود بی‌طرفی رقابتی نباید اعمال گردد.

در نتیجه این تفاوت در پافشاری‌ها، یک مکانیزم برای هر دو طرف در زمینه حل اختلافات سرمایه‌گذاری ضروری است. برخی از پیمان‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری^{۴۸} شامل بندهای حل اختلاف سرمایه‌گذار - دولت^{۴۹} هستند، گرچه تا نیمه سال ۲۰۱۶ تنها یک مورد اختلاف رسمی بین سرمایه‌گذار چینی و کشور عضو اتحادیه اروپا وجود داشته و از طرف سرمایه‌گذاران اروپایی هیچ موردی علیه دولت چین مطرح نشده است. لذا پیشنهاد شده که در عوض، اتحادیه اروپا و چین از یک سیستم دادگاه عمومی برای حل اختلافات دوجانبه سرمایه‌گذاری استفاده کنند، مانند آنچه در توافق جامع اقتصادی و تجاری اتحادیه اروپا - کانادا^{۵۰} وجود دارد.

48. Bilateral investment treaty

49. investor-state dispute settlement (ISDS) provisions

50. EU-Canada Comprehensive Economic and Trade Agreement

سرمایه‌گذاری زیرساختی و ارتباطات

سرمایه‌گذاری در زیرساخت

هم اتحادیه اروپا و هم چین اهداف راهبردی را برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت و ارتباطات به منظور ارتقای توسعه داخلی و خارجی تعیین نموده‌اند. اینها در برنامه سرمایه‌گذاری برای اروپای^{۵۱} ژان کلود یونکر^{۵۲} رییس کمیسیون اروپا (برنامه یونکر) و ابتکار یک کمربند، یک جاده چین طرح شده است. ارتباط بین این دو ابتکار، و واکنش اتحادیه اروپا به ابتکار یک کمربند، یک جاده در دستور کار رسمی اتحادیه اروپا - چین به رسمیت شناخته شده و ابتکار یک کمربند، یک جاده در روابط دوجانبه بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و چین نیز وارد شده است. این دو ابتکار یک سکوی مناسب برای توسعه عمیق‌تر و گسترده‌تر روابط اقتصادی بین اتحادیه اروپا و چین فراهم می‌کنند، هر چند نگرانی‌های اتحادیه اروپا هم باید مدنظر قرار گیرند.

ابتکار یک کمربند، یک جاده

در اواخر سال ۲۰۱۳، رییس‌جمهور چین شی جین‌پینگ ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم^{۵۳} و یک جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱^{۵۴} را پیشنهاد داد، که تصویری از ارتباطات در مسیرهای زمینی و دریایی، در تجارت، سرمایه‌گذاری، مالیه، خط‌مشی‌گذاری، و تبادلات فرد به فرد است. این مفهوم بعدتر در اسناد دولت و اخیراً در مجمع یک کمربند، یک جاده^{۵۵} در مه ۲۰۱۷ در پکن هم توسعه یافت، مجمعی که حضار در آن بیانگر بسط دامنه این ابتکار به بیش از ۱۰۰ کشور بود. بر اساس اسناد رسمی دولت چین در مورد این ابتکار، «یک کمربند، یک جاده» در قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا اجرا شده و چرخه اقتصادی سرزنده آسیای شرقی را از یک سو و چرخه اقتصادی اروپای توسعه‌یافته را از سوی دیگر به هم وصل می‌کند.

نگرش‌ها در مورد دخالت اتحادیه اروپا در ابتکار یک کمربند، یک جاده در حال تکمیل است. برخی در اتحادیه اروپا، ابتکار یک کمربند، یک جاده را بیشتر برنامه‌ای برای کمک به شرکت‌های چینی به منظور جهت‌دهی فعالیت اقتصادی خود به خارج در زمان رکود رشد داخلی و ابزاری می‌دانند که به وسیله آن، شرکت‌های چینی مازاد ظرفیت صنعتی داخلی خود

51. Investment Plan for Europe (the 'Juncker Plan')

52. Jean-Claude Juncker

53. Silk Road Economic Belt

54. 21st-Century Maritime Silk Road

55. Belt and Road Forum

را به کشورهای ثالث صادر می‌کنند. از نظر رهبران چین، این یک کمبود در کشورهای مرتبط به حساب نمی‌آید. ابتکار یک کمربند، یک جاده یک اقدام چندده ساله است که موجب تقویت قابل توجه ارتباطات بین مناطق مختلف در این مسیرها و در نتیجه، تحریک تقاضا و عرضه اقتصادی و شتاب بخشی به توسعه اقتصاد جهانی خواهد شد.

همچنین تردیدهایی وجود دارد که آیا ابتکار یک کمربند، یک جاده در اوراسیا می‌تواند موجب پیشرفت قابل توجه در اروپای غربی گردد، یا اینکه در اروپای مرکزی متوقف می‌شود. با این حال، اکثر خطوط ریلی اروپا - چین دارای ایستگاه‌هایی در اروپای غربی هستند، و منافع راهبردی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی برای مشارکت دادن چین در سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایشان بسیار قوی است، زیرا اینجا همان جایی است که تنگناهای زیرساختی فعلی در آن است. این موضوع در پروژه‌های متعدد زیر گروه ابتکار یک کمربند، یک جاده منعکس شده است مانند خط ریلی ۵۳۰ کیلومتری بلگراد بوداپست، که توسط یک سرمایه‌گذاری مشترک با هدایت چین توسعه یافته است.

دامنه پیامدهای ابتکار یک کمربند، یک جاده برای روابط اتحادیه اروپا - چین می‌تواند از تجارت، زیرساخت و سرمایه‌گذاری تا ارتباط مالی و بین‌المللی شدن رزمینی گسترده باشد. بیانیه‌های اخیر چین شامل مجمع مه ۲۰۱۷ و واکنش‌های مقامات اتحادیه اروپا، روشن ساخته که این ابتکار در برابر تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا باز است و اینکه اتحادیه اروپا من حیث‌المجموع می‌تواند به عنوان لنگر غربی این ابتکار عمل کند.

زمانی که بحث وارد تجارت می‌شود، تحقیقات تجربی توسط محققان بروگل نشان داده که اتحادیه اروپا می‌تواند یک ذینفع مهم ابتکار یک کمربند، یک جاده به واسطه کاهش در هزینه‌های حمل و نقل در توسعه زیرساخت، به خصوص مسیرهای جدید باربری ریلی از چین به اروپا، شامل مسیرهای باری مستقیم از شهرهایی در چین همچون چونگ کینگ^{۵۶}، چنگو^{۵۷}، ژنگ ژو^{۵۸} و وووشی^{۵۹} به شهرهای اروپایی مانند دویس برگ^{۶۰}، مادرید^{۶۱}، ووچ^{۶۲}، و حتی لندن^{۶۳}، باشد. زمانی که تمام پروژه‌های ابتکار یک کمربند، یک جاده کامل شوند، تجارت جهانی

56. Chongqing

57. Chengdu

58. Zhengzhou

59. Wuxi

60. Duisburg

61. Madrid

62. Łódź

63. London

اتحادیه اروپا می‌تواند تا ۶ درصد افزایش یابد، به گونه‌ای که شرکت‌های اتحادیه اروپا از این مسیرهای جدید برای افزایش صادرات خود به بازار مصرف در حال رشد چین استفاده می‌کنند. نهایتاً، پل زمینی اوراسیا (بخشی از کریدورهای اقتصادی ابتکار یک کمربند، یک جاده) همچنین می‌تواند برای ارتباط کره جنوبی و ژاپن نیز مورد استفاده قرار گیرد.

موفقیت ابتکار یک کمربند، یک جاده به چگونگی بنیاد نهادن آن بستگی دارد. در اینجا، عمق و تخصص بازارهای مالی اروپایی، از جمله شهر لندن^{۶۴}، نقش مهمی را نه تنها در تضمین تحقق پتانسیل ابتکار یک کمربند، یک جاده، بلکه همچنین در اجرای آن به گونه‌ای که به ثبات کلان و رشد پایدار کمک کند، ایفا می‌کنند. این واقعیت که مؤسسات مالی اروپایی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پرریسک بلندمدت تخصص یافته و سیستم‌های کاهش ریسک را برای انجام این کار دارند، بدین معنی است که قرض دهندگان خصوصی اروپایی می‌توانند نقش مهمی را در ابتکار یک کمربند، یک جاده ایفا نمایند.

بنیان رابطه مالی اتحادیه اروپا - چین در انجام ابتکار یک کمربند، یک جاده، مؤسسات عمومی و صندوق‌های مختلفی خواهد بود که در پاسخ به نیازهای ابتکار یک کمربند، یک جاده و زیرساخت حمل و نقل خود اتحادیه اروپا شکل گرفته‌اند. بانک تازه تأسیس سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا^{۶۵} و بانک توسعه نوین بریکس^{۶۶} در طول زمان به ابتکار یک کمربند، یک جاده کمک خواهند کرد. تا سال ۲۰۲۵، بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا باید یک بازیگر قابل توجه باشد، گرچه اثر کلی آن باز هم کمتر از مؤسسات موجود، همچون بانک توسعه آسیا^{۶۷} یا بانک جهانی^{۶۸} خواهد بود. مشارکت اروپا در بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا در شکل‌دهی دیدگاه آن حائز اهمیت بوده و احتمالاً به نزدیک کردن شیوه عمل آن به بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه موجود از جمله در شفافیت و تعهد به پایداری زیست‌محیطی نیز کمک خواهد کرد.

با این حال، همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، تا به امروز سرمایه‌تقبل‌شده برای این مؤسسات در مقایسه با نیازهای بالقوه برای تأمین مالی زیرساخت در اقتصادهای در حال توسعه در آسیا (که بر اساس برآورد بانک توسعه آسیا در دوره ۲۰۱۶-۳۰ سالانه ۱,۷ تریلیون

64. City of London

65. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

66. BRICS New Development Bank

67. Asian Development Bank

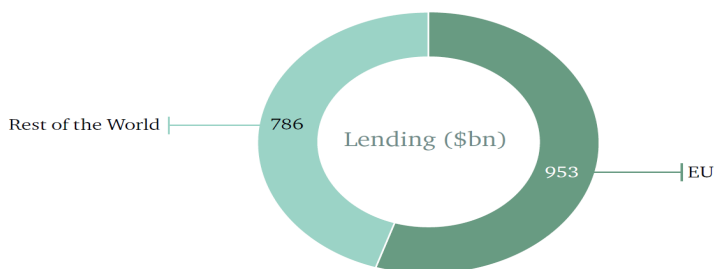
68. World Bank

دلار می باشد) بسیار اندک است. منابع دیگر، همچون بانک توسعه چین^{۶۹} و بانک چین^{۷۰}، نیز می توانند کمک کنند، گرچه برآوردها نشان می دهند که آنها تنها می توانند حدود ۱۴۲ میلیارد دلار تأمین کنند که باز هم برای پوشش کل تقاضا کافی نیست. اتحادیه اروپا همانند چین یک اعتباردهنده خارجی جهانی است که باید پس اندازهای خود را در نقاط دیگر جهان سرمایه گذاری کند، و بانک های اتحادیه اروپا بزرگترین وام دهندگان فرامرزی جهان هستند. توان مالی آنها می تواند برای همکاری در تأمین مالی توسعه زیرساخت و ارتباطات، از جمله از طریق یک کمربند، یک جاده، سودمند باشد.

جدول ۳- منابع تأمین مالی چینی و چند جانبه برای ابتکار یک کمربند، یک جاده

بانک های چند جانبه	سرمایه	اعلامی
بانک سرمایه گذاری زیرساختی آسیا	۱۰۰ میلیارد دلار	۱۰-۱۴ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰
بانک توسعه نوین	۱۰۰ میلیارد دلار	۵-۷ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰
صندوق جاده ابریشم	۴۰ میلیارد دلار + ۱۵ میلیارد دلار	۴ میلیارد دلار
بانک های چینی		
بانک توسعه چین	۴۲۱ میلیارد رنمینی	۳۶ میلیارد دلار
بانک صادرات وادرات چین	۱۵۰ میلیارد رنمینی	۱۹ میلیارد دلار
بانک چین	۲۹۴ میلیارد رنمینی	۲۰ میلیارد دلار
بانک صنعتی و تجاری چین	۳۵۶ میلیارد رنمینی	۲۷ میلیارد دلار
صندوق ها		
صندوق هدایت کسب و کارهای رنمینی فرامرزی	N/A	۴۴ میلیارد دلار

نمودار ۵- منابع وام دهی بانکی فرامرزی به کشورهای ابتکار یک کمربند، یک جاده



69. China Development Bank
70. Bank of China

همکاری اتحادیه اروپا - چین در سرمایه‌گذاری‌های راهبردی

در این زمینه است که برنامه یونکر می‌تواند نقش چشمگیر خود را در روابط اتحادیه اروپا - چین به اثبات برساند. این برنامه متضمن صندوق اروپا برای سرمایه‌گذاری‌های راهبردی^{۷۱} است که ۳۱۵ میلیارد یورو (۳۶۱ میلیارد دلار) به پروژه‌های بلندمدت، از جمله تأمین مالی کسب و کارهای خرد و متوسط در دوره ۱۷-۲۰۱۵ اختصاص می‌دهد. این صندوق تاکنون تا سال ۲۰۲۰ تمدید و به ۵۰۰ میلیارد یورو توسعه یافته است. سرمایه اولیه تاکنون ۲۱ میلیارد یورو است که می‌تواند به عنوان اهرمی برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تر به کار گرفته شود؛ و بانک‌های توسعه‌ای ملی ۴۲,۵ میلیارد یورو متعهد شده‌اند. دولت چین از منافع خود در تأمین مالی مشترک برخی از پروژه‌های برنامه سرمایه‌گذاری اروپا خبر داده است. این برنامه باید توسط شبکه حمل و نقل ترانس-اروپایی اتحادیه اروپا که در ژوئیه ۱۹۹۶ تأسیس شده، مورد پشتیبانی قرار بگیرد. گرچه این برنامه تمرکز زیادی بر ارتباطات اتحادیه اروپا دارد، اما به دنبال ارتباط با همسایگان اتحادیه اروپا نیز می‌باشد تا اقتصادهای مجاور را به بزرگترین بازار واحد جهان نزدیک‌تر کند.

در بازشناسی همپوشانی بین اهداف برنامه‌های ارتباطات اتحادیه اروپا و چین، دو طرف بر تأسیس جایگاه ارتباطات پس از گفتمان عالی اقتصادی و تجاری در سپتامبر ۲۰۱۵، به توافق رسیدند. از جمله این اهداف، هماهنگ‌سازی برنامه‌های توسعه زیرساخت، تبادل اطلاعات و ارتقای شفافیت، و شناسایی پتانسیل‌هایی برای صندوق جاده ابریشم به منظور سرمایه‌گذاری در صندوق اروپا برای سرمایه‌گذاری‌های راهبردی است. از دیدگاه اروپا، این خط‌مشی همچنین فرصتی را برای ارتباط محیط قانونگذاری برای سرمایه‌گذاران در اتحادیه اروپا فراهم می‌کند. با توجه به اینکه یکی از نتایج احتمالی سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی راهبردی، ارتقای ارتباطات در فضاها بین اتحادیه اروپا و چین و همچنین حضور پررنگ‌تر چین در توسعه زیرساخت در اتحادیه اروپا و همسایگان آن است، لذا گفتمان در مورد این برنامه‌ها به منظور حداکثر نمودن هم‌افزایی باید افزایش یابد. هنگام کنگ می‌تواند نقش مهمی در دخیل نمودن کسب و کارهای اروپایی در این ابتکار ایفا نماید.

این گفتمان همچنین می‌تواند به ریسک‌هایی پردازد که ناشی از دیدگاه‌ها و منافع مختلف هستند. به عنوان مثال، شرکت‌های چینی غالباً ترجیح می‌دهند از نیروی انسانی و

71. European Fund for Strategic Investments (EFSI)

فناوری چینی برای انجام پروژه‌های زیرساختی فرامرزی استفاده کنند، در حالی که اتحادیه اروپا بر رویکردهای باز به خدمات عمومی اصرار دارد. بنابراین باید قواعد خدمات عمومی، استانداردهای فنی، استانداردهای نیروی انسانی، و مکانیزم‌های حل اختلاف، هماهنگ شوند. علاوه بر هماهنگ‌سازی برنامه‌ها و همکاری در زمینه تأمین مالی پروژه‌ها، فرصت‌های تجاری دیگری نیز از این سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی ناشی می‌شود. شرکت‌های اتحادیه اروپا و چین دارای نقاط قوت مکملی هستند: ظرفیت‌های اتحادیه اروپا در فناوری و مدیریت پروژه بسیار توسعه یافته‌تر است، در حالی که شرکت‌های چینی می‌توانند از مزیت هزینه‌های رقابتی خود استفاده کنند. این مکملیت تجاری، چه در مورد خط‌مشی ابتکار یک کمربند، یک جاده یا دیگر اقدامات راهبردی دیگر، می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی اتحادیه اروپا - چین طی دهه آینده کمک کند، و این موضوع در حال حاضر هم از تعمیق همکاری دوجانبه بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، همچون انگلستان و فرانسه، و چین در واکنش به ابتکار یک کمربند، یک جاده، مشخص است.

انرژی و تغییر اقلیم

اتحادیه اروپا و چین در زمینه موضوعات انرژی و اقلیم دارای منافع مشترک بسیاری هستند. هر دو طرف، واردکننده قابل توجه انرژی هستند و نگرانی‌های مشترکی در مورد امنیت انرژی دارند. هر دو طرف، توسعه در زمینه منابع سوخت غیرفسیلی را به یک اولویت تبدیل کرده و به دنبال افزایش سریع استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر هستند. این مربوط به تعهد مشترک آنها برای مواجهه با تغییر اقلیم است، به گونه‌ای که هم چین و هم اتحادیه اروپا، امنیت اقلیم را به عنوان یک هدف سیاستی از حدود یک دهه قبل اعلام نموده‌اند. با این حال، پویایی‌های تعامل آنها در مورد انرژی، تا اندازه‌ای متفاوت از اقلیم است.

امنیت انرژی و روابط انرژی

چین در حال حاضر بیشترین سهم جهانی را در تولید و مصرف انرژی اولیه (به ترتیب حدود ۱۹ درصد و ۲۳ درصد) و انتشار دی‌اکسید کربن (۲۷,۳ درصد) دارد. اتحادیه اروپا در هر سه زمینه پس از ایالات متحده در جایگاه سوم قرار دارد و سهم جهانی آن به ترتیب ۵,۶ درصد، ۱۲,۴ درصد و ۱۰,۴ درصد است. این بدین معنی است که از لحاظ وزن جهانی، مسئولیت آن در قبال مشکلات تغییر اقلیم نسبت به دو یا حتی یک دهه قبل کمتر شده است، گرچه توانایی آن برای حل مشکلات در این زمینه به همین نسبت کاهش نیافته است. در همین حال، تغییر سریع نیازها و سیاست انرژی چین، آن را به بازارهای بین‌المللی نزدیک‌تر کرده است. اهداف چین به طور فزاینده‌ای با اهداف اتحادیه اروپا همخوانی دارد: مکانیزم‌های قیمت‌گذاری بازار محور، نقش کمتر دولت، کارایی بیشتر، و یک خط سیر کم‌کربن.

با توجه به نشانه‌های اولیه تغییر خط‌مشی از دولت ترامپ، دستیابی به این اهداف اهمیت بیشتری پیدا کرده و پویایی‌های انرژی بین اتحادیه اروپا و چین در سال‌های پیش رو تأثیر بیشتری از توسعه‌های جهانی گسترده‌تر به خصوص در سیاست ایالات متحده خواهد پذیرفت. در مبارزات انتخاباتی، رییس‌جمهور ترامپ به تمرکز دولت او با ما بر محدود نمودن انتشار کربن و آلودگی و ارتقای انرژی تجدیدپذیر انتقاد کرده بود. در عوض، سیاست ایالات متحده در دولت ترامپ قطعاً به سمت سوخت‌های فسیلی و احتمالاً حمایت از تولید نفت و گاز در ایالات متحده است که پیامدهایی را برای بازارهای جهانی به همراه دارد.

این شرایط متغیر ژئوپلیتیکی انرژی، و همراستی اهداف سیاستی اتحادیه اروپا و چین، باید دو طرف را برای افزایش همکاری و مشاوره در زمینه توسعه‌های سیاست جهانی و پیامدهای

آن و تضمین تقویت اصول اساسی حاکمیت جهانی انرژی، به هم نزدیک تر کند. نه اتحادیه اروپا و نه چین به دنبال حمایت گرایشی بیشتر در بخش انرژی نیستند، هر دو از حامیان اصلی مذاکرات هسته‌ای با ایران بودند، و هر دو طرف خواهان کاهش تحریم‌ها علیه ایران هستند. شرکت‌های چینی در حال تبدیل شدن به سرمایه‌گذاران قابل توجه در زیرساخت جهانی انرژی (از جمله در کشورهای در حال توسعه ابتکار یک کمربند، یک جاده) هستند. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، سرمایه‌گذاری انرژی چین در اتحادیه اروپا به ۱۸,۱۷ میلیارد دلار می‌رسید که برابر ۳۱,۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین بود. شرکت‌های اتحادیه اروپا ۴۰ درصد از حق اختراع‌های جهان در زمینه فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر را در اختیار دارند. در سال ۲۰۱۶، اتحادیه اروپا و چین یک توافق‌نامه نقشه راه همکاری انرژی در زمینه ارتقای تبادلات دوجانبه و همکاری در امنیت انرژی، ساخت زیرساخت انرژی، شفافیت بازار و حوزه‌های دیگر به امضا رساندند. در آینده، آنها به دنبال تقویت همکاری دوجانبه در طراحی، سیستم‌های انرژی کم‌کربن، قانون‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری انرژی، تدوین استانداردها، روش‌های قیمت‌گذاری و مکانیزم‌های حکمرانی، به خصوص در انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر هستند.

تغییر اقلیم

اتحادیه اروپا و چین از حامیان اصلی توافق اقلیمی حاصله در پاریس در دسامبر ۲۰۱۵ بودند. باز هم، دولت جدید ایالات متحده به خصوص پس از اعلام رییس جمهور ترامپ در ۱ ژوئن ۲۰۱۷ مبنی بر خروج ایالات متحده از توافق پاریس، بر حکمرانی جهانی در این حوزه تأثیرگذار خواهد بود. در حالی که اتحادیه اروپا از مدت‌های طولانی قبل، در زمینه حکمرانی اقلیمی جهانی پیشرو بوده، پس از نشست کوپنهاگ^۳ در سال ۲۰۰۹ موضوعات دیگری را در اولویت قرار داده است. در دوره ریاست جمهوری اواما، رهبری حکمرانی اقلیمی تا اندازه‌ای به سمت ایالات متحده و چین تغییر کرد. توافق پاریس بدون اقدامات دولت اواما ممکن نبوده است، به گونه‌ای که ایالات متحده را متعهد به قطع انتشار گازهای گلخانه‌ای نموده و به کشورهای در حال توسعه، به خصوص چین، در این زمینه کمک نمود. در نوامبر ۲۰۱۴، ایالات متحده و چین یک بیانیه مشترک تاریخی صادر نمودند که دو کشور بزرگ منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای را پیشرو در زمینه قطع انتشار می‌نمود، اقدامی که برای نهایی نمودن توافق پاریس بسیار حیاتی بود.

گرچه اتحادیه اروپا و چین در سال‌های اخیر در زمینه مواجهه با تغییر اقلیم فعال بوده‌اند، اما زمانی که به یک اولویت سیاستی صریح تبدیل می‌شود، تمرکز و دیدگاه‌های خاص آنها متفاوت است. بحث شده که دولت چین به دنبال برخورد با تهدید اقلیمی و توأم با توسعه اقتصادی بوده و به سازگاری اقلیمی اهمیت بیشتری داده است، در حالی که اتحادیه اروپا بیشتر بر کاهش اثرات تمرکز دارد. چین خود را به عنوان نماینده اقتصادهای نوظهور می‌بیند، در حالی که بر نقش خود به عنوان یکی از عوامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح جهان اذعان دارد. قبل از توافق پاریس، دو طرف دیدگاه‌های متفاوتی به برابری و تمایز داشتند، و هنوز هم تأکیدهای متفاوتی در مورد تقبل مسئولیت بین جهان شمال^{۷۳} و جهان جنوب، و در تأمین سرمایه، فناوری و پشتیبانی از ظرفیت‌سازی برای مواجهه با تغییر اقلیم وجود دارد.

به منظور کمک به پیشرفت داخلی و بین‌المللی به سمت اهداف پاریس، اتحادیه اروپا و چین مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت که در کنوانسیون کالبدی ملل متحد در مورد تغییر اقلیم بیان شده، گام‌هایی همچون موارد زیر را با هم برداشته‌اند:

- نشان دادن پیشروی جهانی از طریق ایفای مشارکت‌های تعیین شده ملی^{۷۴}
- همکاری نزدیک در فرایند کنوانسیون کالبدی ملل متحد در مورد تغییر اقلیم برای تنظیم قواعد معقولی که اجرای اثربخش توافق پاریس را تضمین می‌کند.
- ایفای نقش فعال در تشویق کشورهای دیگر برای تحقق و افزایش اهداف اقلیمی خود.
- تضمین تأمین مالی برنامه‌ها در کشورهای ثالث به خصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به گونه‌ای که سرعت حرکت در مقابله با تهدیدات تغییر اقلیم کاهش پیدا نکند. تأمین ۲۰ میلیارد رنمینبی توسط چین برای صندوق اقلیمی «جنوب-جنوب»^{۷۵} و تعهدات اتحادیه اروپا برای تأمین مالی اقلیمی، نشانه‌های خوبی هستند. هر دو طرف باید تضمین نمایند که جریان‌های تأمین مالی در حقیقت برای موضوعات اقلیمی مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- تعمیق همکاری‌های خود در تسهیم و شفافیت داده‌ها در مجامع چند جانبه و همچنین افزایش انتشار تجارت موفق مرتبط، به عنوان مثال از طریق یک برنامه مشترک.
- افزایش تبادلات و همکاری در فناوری مرتبط. حل چالش‌های حقوق مالکیت معنوی و محدودیت‌های سرمایه، که بدین معنی است که کشورهای در حال توسعه غالباً نمی‌توانند به کمک‌های فنی دست یابند. پیگیری تبادل و همکاری در فناوری‌های صرفه‌جویی انرژی.

73. global north

74. Intended Nationally Determined Contributions

75. South-South' climate fund

تأمین مالی اقلیمی

تأمین مالی اقلیمی برای پشتیبانی از کاهش اثرات و سازگاری با تغییر اقلیم، موضوعی اساسی در حکمرانی جهانی است. اتحادیه اروپا یک راهبرد شفاف تدوین نموده و اجرای اثربخش آن از اولویت‌های این اتحادیه است. چین نقشی مثبت در تأمین مالی سبز، از جمله در دوره ریاست خود بر گروه ۲۰ زمانی که گروه مطالعاتی تأمین مالی سبز^{۷۶} را ایجاد نمود، اتخاذ کرده است. آلمان نیز همین موضع را پس از آن در دستور کار ۲۰۱۷ گروه ۲۰ اتخاذ کرده و گروه کاری افشای مالی اقلیمی^{۷۷} را تشکیل داد. بانک خلق چین^{۷۸} به خصوص نقش مهمی ایفا نموده و با استفاده از تأمین مالی عمومی از طریق یارانه سود و تضمین وام‌ها، امکان اعطای تسهیلات سبز توسط بانک‌ها را افزایش داده و مسئولیت‌های وام‌گیرندگان در خصوص آسیب‌های زیست‌محیطی را نیز مشخص کرده است. در بازار سرمایه، این بانک به ترغیب توسعه اوراق قرضه سبز و یک شاخص سهام سبز پرداخته است. چین همچنین شرط افشای الزامی اطلاعات زیست‌محیطی را برای شرکت‌های بورسی تعیین کرده است. برای صنایع پرریسک، دولت بیمه مسئولیت آلودگی زیست‌محیطی را نیز الزامی نموده است. در همین حال، اتحادیه اروپا در حال پیشبرد قاطعانه دستور کار تأمین مالی سبز خود در چارچوب اتحادیه بازارهای سرمایه است.

تبادل انتشار^{۷۹}

حوزه دیگری که اتحادیه اروپا و چین بیشتر می‌توانند با هم کار کنند، توسعه تبادل انتشار است. توافق پاریس، اصول اساسی همکاری بین‌المللی در این حوزه را مشخص می‌کند. با توجه به تفاوت هزینه‌ها برای انتشاری که شرکت‌های مشابه از کشورهای مختلف با آن مواجه می‌شوند، منطق اقتصادی و سیاسی تبادل انتشار فرامرزی وجود دارد، و توافق پاریس نیز شامل یک چارچوب برای تبادل بروندهای کاهش اثرات منتقله بین‌المللی^{۸۰} است. این چارچوب متضمن این موارد است:

- یک رویکرد دولا به شامل مبادلات دوجانبه و چندجانبه با انعطاف‌پذیری در مقررات.
- تمام طرفین برابر هستند.
- کشورها تصمیم می‌گیرند که آیا و چگونه مشارکت می‌کنند، و بازیگران خصوصی

76. Green Finance Study Group

77. Task-force on Climate-related Financial Disclosures

78. People's Bank of China (PBoC)

79. Emissions trading

80. internationally transferred mitigation outcomes (ITMO)

نمی‌توانند مستقیماً مجوزهای انتشار را مبادله کنند مگر اینکه توسط کشورهای شرکت کننده به آنها اجازه داده شده باشد.

● اصول یکپارچگی، بدین معنی که نتیجه نهایی تبادل باید کاهش انتشار باشد.

سه طرح کلی وجود دارد که می‌تواند پیگیری شود: تبادل تعهدات، سیستم‌های اعتباردهی مانند مکانیزم توسعه پاک تحت پروتکل کیوتو ۸۱، و ارتباط دادن سیستم‌های تبادل انتشار در جاهایی که در حال عمل هستند. اتحادیه اروپا و چین باید ابتدائاً برای توسعه یک زیرساخت بین‌المللی تبادل انتشار جهانی با مجموعه‌ای از قواعد حداقلی مورد توافق، کار کنند.

علاوه بر این، اتحادیه اروپا و چین - و در صورت لزوم دیگر کشورهای مرتبط - می‌توانند برای تشکیل گروهی از کشورهای علاقمند به تبادل برون‌دادهای با کیفیت کاهش اثرات با قواعد سخت‌گیرانه‌تر تلاش کنند. ورود اتحادیه اروپا و چین - به ترتیب به عنوان بزرگ‌ترین بازار کربن و بزرگ‌ترین انتشار دهنده - کمک شایانی خواهد نمود. این باید مبتنی بر استانداردهای مناسب و تعریف دقیق ترتیبات باشد.

نوآوری: علم، فناوری و همکاری صنعتی

علم، فناوری و نوآوری

پیشرفت‌های در علم، فناوری و نوآوری، عوامل اصلی شکل‌دهی توسعه اقتصادی جهانی در سال‌های پیش رو تا ۲۰۲۵ و بعد از آن خواهند بود. آنها همچنین برای مدیریت چالش‌های جهانی و اجتماعی همچون تغییر اقلیم، توسعه فراگیر، امنیت، و سالخورده‌گی سالم و فعال، ضروری خواهند بود. هم اتحادیه اروپا و هم چین نیاز به ارتقای توسعه علم، فناوری و نوآوری به منظور کمک به رفع بسیاری از چالش‌های جدی اقتصادی، اجتماعی و پایداری دارند. در نتیجه، نوآوری یک اولویت سیاستی راهبردی هم برای اتحادیه اروپا و هم چین به خصوص در مواجهه با چالش‌های بلندمدت رشد و توسعه پایدار است.

این اولویت رسماً در روابط بین اتحادیه اروپا و چین تشخیص داده شده و یک خط‌مشی برای مباحث سیاستی در خصوص علم، فناوری و نوآوری ایجاد شده است. در خلال سیزدهمین نشست کمیته راهبری مشترک^{۸۲} توافق اتحادیه اروپا - چین برای همکاری علمی و تکنولوژیکی^{۸۳} در ۲۹ مارس ۲۰۱۷، اتحادیه اروپا و چین برای ادامه ارتقای همکاری نزدیک‌تر بر مبنای منافع چندجانبه به توافق رسیدند. به طور خاص‌تر، دو طرف به این توافق رسیدند که بسته‌ای از اقدامات مشترک در حوزه‌هایی همچون غذا، کشاورزی، محیط‌زیست و شهرنشینی پایدار، حمل و نقل سطحی، هوانوردی و فناوری‌های زیستی را در سال ۲۰۱۷ آغاز نمایند. این اقدامات، مکمل همکاری‌های شرکتی جاری در حوزه‌های دیگر مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

اتحادیه اروپا اقدام «اتحادیه نوآوری»^{۸۴} را به عنوان بخش اصلی راهبرد «اروپا ۲۰۲۰» طرح نموده است. هدف از این اتحاد، ایجاد یک محیط نوآوری‌محور در اروپا است، با توجه به اینکه این اتحادیه با ضرورت نوآوری مواجه است و به اندازه کافی نوآوری‌محور نیست، و اینکه هزاران نفر از بهترین محققان و نوآوران آن به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. اتحادیه نوآوری، بیش از ۳۰ مأموریت دارد که از آن جمله ایجاد یک بازار واحد اروپایی برای نوآوری، ارتقای مشارکت نوآوری بین‌بخشی در اتحادیه اروپا و همکاری بهتر با شرکای بین‌المللی

82. Joint Steering Committee

83. EU-China Agreement for Scientific and Technological Cooperation

84. Innovation Union

است. از لحاظ تأمین مالی، برنامه «افق ۲۰۲۰»^{۸۵} با حدود ۸۰ میلیارد یورو بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ به منظور کمک به تأمین مالی تحقیق و نوآوری علمی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی بیشتر، آغاز شده است. اتحادیه اروپا به دنبال این است که تا سال ۲۰۲۰، سه درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری نماید، که این می‌تواند تقاضا برای حداقل یک میلیون محقق دیگر را در دهه آینده تحریک کند. همکاری با شرکت‌های نوآورانه جهانی، از جمله آنهایی که در چین مستقر هستند، می‌تواند از توسعه فنی پشتیبانی کرده و به رقابت‌پذیری اروپا در فناوری کمک نماید. به عنوان مثال، خودروسازان اروپایی و شرکت‌های فناوری چینی در زمینه تحقیق و توسعه نسل بعدی فناوری‌های حمل و نقل همچون اتومبیل‌های خودران با هم کار می‌کنند.

در چین، دولت نیاز به تقویت پایدار بنیادهای علم، فناوری و نوآوری، علیرغم توسعه سریع در سال‌های اخیر را تشخیص داده است. نوآوری به عنوان یکی از پنج راهبرد اصلی توسعه در سیزدهمین برنامه ۵ ساله (۲۰۱۶-۲۰۲۰) برای دستیابی به توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته و شامل دامنه‌ای از اهداف کمی خاص، همچون هدف ۲٫۵ درصدی برای نسبت تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۰ است. راهبردهای دیگر برای ارتقای فناوری و نوآوری شامل تمرکز بر حوزه‌های مهم و منتخب فناوری، ارتقای ظرفیت‌ها و اثربخشی نوآوری از طریق بهبود انگیزه‌ها و کارایی اجرایی، آموزش نیروی انسانی، ایجاد خوشه‌های نوآوری منطقه‌ای، و ورود چین به شبکه‌های نوآوری جهانی است. برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» به دنبال افزایش استفاده از فناوری و نوآوری در تولید است (تولید هوشمند)، در حالی که هدف ابتکار یک کمربند، یک جاده، چارچوب‌های همکاری با کشورهای دیگر به گونه‌ای است که تبادلات و همکاری بین‌المللی در فناوری و نوآوری را ارتقاء بخشد.

همچنین در مورد سطوح شدت تحقیق و توسعه در چین نیز تفاوت‌هایی وجود دارد، به گونه‌ای که نسبت تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در ۷ استان ساحلی از ۲٫۲ درصد فراتر می‌رود. از چشم‌انداز اقتصادی بنیادی، اقتصاد چین وارد مرحله جدیدی از توسعه، با افزایش تأکید بر توسعه کیفی نسبت به رشد کمی، شده است. تحول ساختار صنعتی کشور و بالا رفتن تقاضای مصرفی منجر به رشد ناگهانی تقاضا برای محصولات و خدمات نهایی با کیفیت و همچنین فناوری‌هایی همچون انرژی پاک و دیگر ایده‌های نوآورانه شده است. این فرایند تحول به احتمال زیاد تا سال ۲۰۲۵ ادامه داشته باشد و فرصت‌های جدیدی را برای

بنگاه‌های اتحادیه اروپا به منظور کار با شرکت‌های چینی به خصوص در حوزه‌هایی همچون کشاورزی نوین، تولید پیشرفته و صنایع خدماتی فراهم می‌کند. شرکت‌های نوآورانه چینی جدید زیادی وجود دارد که به عنوان برانداز^{۸۶} در بخش‌های خود در چین عمل می‌کنند، و این می‌تواند شرکای بالقوه‌ای را برای شرکت‌های اروپایی در نوآوری تجاری ایجاد کند.

شکل روابط نوآوری

چین و اتحادیه اروپا دارای مزیت‌های نسبی متفاوت در فناوری و نوآوری هستند. اتحادیه اروپا دارای سابقه طولانی و قدرت رقابتی بالا در طیف وسیعی از فناوری‌های صنعتی و صنایع خدمات منتخب همچون خدمات مالی است. چین عملکرد خوبی در اتخاذ فناوری داشته و در اکثر حوزه‌ها بیشتر دنباله‌رو سریعی بوده است، گرچه این کشور در مرز علم، فناوری و نوآوری در زمینه‌های منتخب همچون تحقیقات کشاورزی، ریاضیات و ابررایانه‌ها قرار دارد. در همین حال، رشد سریع و زیاد بازار مصرف چین، به نوآوری اجازه ظهور سریع در سطح محصولات و خدمات مصرف کننده را می‌دهد، و در این حوزه، پیشروی جهانی چین می‌تواند برای سال‌های بعد ارتقاء یابد. رشد ناگهانی در شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات چین، از زیرساخت، سخت افزار و نرم افزار ارتباطات سیار تا تجارت الکترونیک، فناوری مالی و نرم افزارهای کاربردی پیچیده مصرف کننده، همراه با اندازه بازار همگن داخلی، بدین معنی است که شرکت‌های چینی می‌توانند از هم‌تایان غربی خود در این زمینه پیشی بگیرند. اهمیت محصولات و خدماتی که اتحادیه اروپا و چین با هم طراحی و تولید می‌کنند، می‌تواند به اندازه آنچه باشد که به یکدیگر می‌فروشند.

اکوسیستم تولید گسترده چین همچنین یک مبنای غنی برای توسعه فناوری و نوآوری صنعتی فراهم می‌آورد. اتوماسیون در چین به سرعت در حال پیشروی است - تعداد ربات‌های صنعتی تولید شده در چین در هفت ماهه اول سال ۲۰۱۷ با نرخ سال به سال ۵۰ درصد رشد نمود - و بر راهبردهای سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی نیز اثر گذار است مانند تملک کوکا^{۸۷} در آلمان توسط میدیا^{۸۸} در سال ۲۰۱۶. این باعث تقویت راهبرد «ساخت چین ۲۰۲۵» هم می‌گردد، راهبردی که هم میل شرکت‌های چینی برای حرکت به سمت بالای زنجیره ارزش و هم چالش‌هایی که آنها در این راه با آن مواجه می‌شوند، را پررنگ می‌کند، و همچنین به

86. disruptor

87. Kuka

88. Midea

چالش‌های مشابه مشترک شرکت‌های چینی و اروپایی در بسیاری از حوزه‌ها اشاره می‌کند (این را می‌توان در مقایسه «ساخت چین ۲۰۲۵ با «نوآوری آلمان ۴»^{۸۹} مشاهده نمود). تعداد نیروی انسانی در چین که می‌تواند به توسعه علم، فناوری و نوآوری کمک کند هم از نظر کمی و هم کیفی با سرعت در حال افزایش است، گرچه مزیت هزینه‌ای تاریخی آنها به تدریج از بین رفته است.

ارزیابی وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده ارتباطات نوآوری بین اتحادیه اروپا و چین، مستلزم درک کلی ماهیت نوآوری فرامرزی در عصر جهانی شدن است. این بر حسب شبکه‌ها قابل درک است، بدین معنی که نوآوری با بیشترین کارایی و اثربخشی زمانی به دست می‌آید که افراد دخیل در آن نه تنها درون مرزها بلکه فراتر از آن با هم در ارتباط باشند. در سال ۲۰۱۲ شی جین پینگ گفت که «توسعه علم و فناوری مستلزم همکاری بین‌المللی گسترده است. علم و فناوری هیچ ملیتی ندارند».

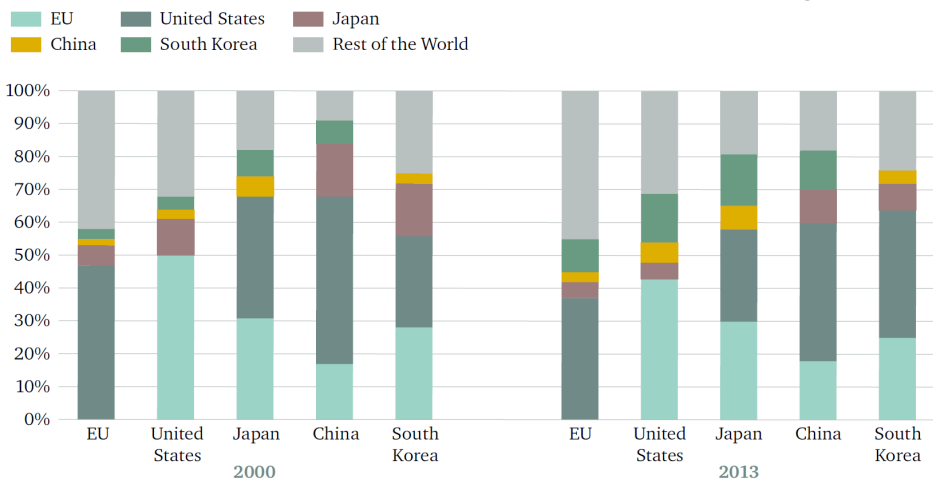
چندپارگی جغرافیایی تولید و زنجیره‌های ارزش، به خصوص در چند دهه اخیر، و الحاق موقعیت‌های چندگانه در کشورهای مختلف، منجر به رشد سریع شبکه‌های تولید و نوآوری شده است. این شبکه‌ها باعث تکثیر بنگاه‌ها و مؤسسات تخصصی در جغرافیای مختلف شده، به گونه‌ای که با هم همکاری و رقابت می‌کنند. شرکت‌های چندملیتی، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از جهان توسعه‌یافته مانند اتحادیه اروپا، نقش مهمی را در این فرایند نوآوری شبکه‌ای ایفا کرده‌اند. یک برآورد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۵، بنگاه‌های اروپایی بیش از ۴۰ درصد تحقیق و توسعه خود را در خارج از کشورهای اصلی خود انجام داده‌اند، نسبتی در حال رشد که بسیار بالاتر از نسبت‌های ۱۲ و ۱۶ درصدی انجام شده توسط بنگاه‌های ایالات متحده در خارج از مرزهای این کشور به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ است. دخیل شدن در تحقیق و توسعه جهانی، به دلیل افزایش اهمیت جهان در حال توسعه، به خصوص چین، به عنوان یک بازار اصلی، پایگاه تولید و منبع عظیم استعدادهای تحصیل کرده، مهم تر شده است.

نقش‌های ایفا شده توسط بازیگران اروپایی و چینی در این شبکه‌های جهانی نوآوری در بین صنایع، متفاوت است و در طول زمان نیز در حال تغییر می‌باشد. در بسیاری از بخش‌ها، فناوری‌های نوین بنیادی، به طور کلی در حیطه شرکت‌های چندملیتی اروپایی باقی مانده‌اند. اما چین پایگاهی مهم برای توسعه محصول توسط این شرکت‌های چندملیتی اروپایی بوده است. تعداد زیاد مهندسان جوان، پرتلاش و نسبتاً کم‌هزینه چینی، به جزء لاینفکی از شبکه‌های

تحقیق و توسعه جهانی این شرکت‌های چندملیتی اروپایی تبدیل شده است. این همچنین بدین معنی است که مراکز تحقیق و توسعه خارجی، بخش مهمی از سیستم نوآوری چین را تشکیل می‌دهند. در بسیاری از موارد، نوآوری‌ها در بازارهای بزرگ فرامرزی همچون چین، می‌تواند توسط شرکت‌های چندملیتی اروپایی اتخاذ شود.

سهم چین در نوآوری جهانی نه تنها از نظر حجم، بلکه همچنین از نظر شکل نیز در حال افزایش است. جدای از کسب رهبری جهانی در حوزه‌های منتخب علم، فناوری و نوآوری همچون حوزه‌های مربوط به راه‌آهن سریع‌السیر و فناوری موبایل، چین منبع عمده تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌های چندملیتی اروپایی بوده است. چین همچنین یک بازیگر اصلی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مرتبط با فناوری «جنوب-جنوب» است، حوزه‌ای که کشورهای در حال توسعه در کشورهای در حال توسعه دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند. فرصت‌ها برای بنگاه‌های چینی و اروپایی برای مشارکت با یکدیگر به منظور سرمایه‌گذاری در کشورهای ثالث در حال افزایش است. نمودار ۶، توزیع همکاران برای انتشارات مشترک برای سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۳ را نشان می‌دهد؛ به وضوح فضای زیادی برای همکاری محققان چینی و اروپایی وجود دارد.

نمودار ۶- توزیع همکاران در ائتلاف‌های علمی بین‌المللی، بر حسب میزان انتشار به صورت همکاری بین‌المللی (۲۰۱۳ و ۲۰۰۰)



در حالی که این توافق کلی وجود دارد که شبکه‌های جهانی و ائتلاف، بهترین شیوه برای ارتقای نوآوری هستند، اما کشش سیاست‌ها و مقررات ملی هم در اتحادیه اروپا و هم چین

به سمت یک رویکرد «ملی‌گرای فنی»^{۹۰} ادامه دارد. همچنین این تمایل در سیاست وجود دارد که به سمت حمایت یا ارتقای «نوآوری بومی»^{۹۱} حرکت کند. با توجه به رویکرد سیاسی «اول آمریکا»^{۹۲}ی رییس جمهور ترامپ، اظهارات اخیر برخی سیاستمداران اتحادیه اروپا برای یک سیاست جامع «اروپایی بخر» در اتحادیه اروپا، ابتکار «ساخت چین ۲۰۲۵» و پس‌زنی عمومی تر علیه جهانی‌شدن، این فشارها ممکن است در سال‌های پیش رو افزایش یابند. اما حتی در این صورت، سرمایه‌گذاری چین در اروپا تا سال ۲۰۲۵ احتمالاً رشد پیدا می‌کند، و برای شرکت‌های اروپایی اصلی، پیشران‌های بنیادی و رای رشد اقتصادی چین این خواهد بود که این کشور به عنوان یک عامل مهم در توسعه کسب و کارهای جهانی آنها باقی خواهد ماند.

همکاری صنعتی

بر اساس «هنجار جدید»^{۹۳} در اقتصاد چین، تحول ساختار صنعتی موجود، ارتقای مصرف و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات نهایی باکیفیت، فضای جدیدی را برای همکاری صنعتی اتحادیه اروپا - چین فراهم می‌کند. تحقیقات توسط مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین^{۹۴} (جدول ۴) نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ رشد جدید در تعدادی از صنایع چینی احتمالاً ۸۰-۶۰ تریلیون رنمینی ارزش می‌آفرینند. در مارس ۲۰۱۷، تحقیقات توسط مجله مالیه^{۹۵} نشان داد که ۷ صنعت برتر از نظر پتانسیل رشد، مراقبت بهداشتی سالخوردگی، داروسازی، گردشگری و اوقات فراغت، هوش مصنوعی، انرژی‌های نوین، آموزش و تربیت، و صنایع فرهنگی بودند.

جدول ۴- ترویج نقاط جدید رشد صنعت

صنعت	ارزش محصول (تریلیون رنمینی)	برآورد ارزش محصول تا سال ۲۰۲۰ (تریلیون رنمینی)
فناوری اطلاعات نسل جدید	۵	۱۱-۱۴
سلامت	۶.۶	۱۴-۱۶
تولید تجهیزات نهایی	۲.۶	۸-۱۰
انرژی‌های نوین	۱.۲	۳.۸

90. techno-nationalist

91. indigenous innovation

92. America First

93. new normal

94. China Center for International Economic Exchanges (CCIEE)

95. Finance Magazine

۱۰-۸.۵	۳.۸	صرفه‌جویی انرژی و حفاظت از محیط‌زیست
۳.۶	۱.۲۳	دریانوردی
۱۰	۳.۸	صنعت زیستی
۵.۵	۲.۴	فرهنگی
۷-۸	۳,۲۵	گردشگری

خدمات مالی و همکاری مالی

همکاری مالی بین اتحادیه اروپا و چین

همانند مورد سرمایه‌گذاری، همکاری بخش مالی بین اتحادیه اروپا و چین در سال‌های اخیر شتاب یافته است. دامنه بالقوه آن، مؤسسات، بازارها، زیرساخت، قانونگذاری و حکمرانی جهانی را پوشش می‌دهد. توسعه‌های اخیر همچون مشارکت اروپاییان در بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا^{۹۶} و دسترسی چین به بانک اروپایی توسعه و زیرساخت در ۲۰۱۶، نشان از توسعه همکاری‌های مالی بیشتر دارد. اروپاییان همچنین از تصمیم صندوق بین‌المللی پول برای اجازه دادن به رهنمایی برای ورود به سبد ارزش‌های تشکیل‌دهنده حق برداشت مخصوص^{۹۷} حمایت نمودند. پس از تلاش‌های چین برای بین‌المللی کردن رهنمایی، نسبت کمی از تجارت بین چین و برخی کشورهای اروپایی با ارزش رهنمایی آغاز گردید. لندن، دو سوم سهم کسب و کار رهنمایی معادل ۵,۲ درصد از کل معاملات بین‌المللی رهنمایی را در اختیار دارد.

اندازه بخش مالی در اتحادیه اروپا، چین و ایالات متحده نسبتاً مشابه است گرچه ترکیب‌های متفاوتی دارند. گرچه بخش‌های مالی اتحادیه اروپا و چین در مراحل متفاوتی از توسعه قرار دارند اما هر دو با چالش‌های مشترکی در اجرای اصلاحات مواجه هستند. اقتصادهای اتحادیه اروپا و چین عمدتاً تحت تسلط تأمین مالی بانکی هستند، اما گسترش سریع بازارهای سرمایه خود را تجربه می‌کنند. آنها دارای بازارهای سرمایه هم‌اندازه‌ای بوده و به دنبال توسعه بازار اوراق خصوصی - به خصوص شرکتی - از جمله از طریق اتحادیه بازارهای سرمایه اتحادیه اروپا^{۹۸} هستند. بحران مالی، آسیب‌پذیری بخش شرکتی اتحادیه اروپا را در معرض بحران بانکی

96. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

97. Special drawing rights

98. EU's Capital Markets Union (CMU)

قرار داد، در حالی که چین می‌بایست با رشد سریع در بانکداری سایه^{۹۹} و دیگر ناکارایی‌های بازار روبرو شود.

بانک‌های اروپایی بزرگترین وام‌دهندگان فرامرزی، حتی بسیار پیش‌تر از هم ایالات متحده و هم چین هستند. اما سیستم مالی جهانی همچنان تحت سیطره دلار ایالات متحده آمریکا است، به گونه‌ای که این ارز در بیش از ۴۲ درصد پرداخت‌های جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از دلار ایالات متحده، یورو مهمترین ارز بین‌المللی است و ۳۱ درصد تراکنش‌های جهانی با این ارز صورت می‌پذیرد. در حالی که استفاده از رمینبی در حال افزایش است اما در حال حاضر تنها در ۱٫۶ تراکنش‌های جهانی از این ارز استفاده می‌شود.

یکی از چالش‌های دهه آینده، مواجهه با سیر توسعه‌های متفاوت بخش مالی چین و اتحادیه اروپا است. هر یک از این اقتصادها، مکانیزم‌های سیاستی و ساختارهای نهادی خاص خود به عنوان مثال در بانک مرکزی را دارند. گرچه منطقه یورو نیز با چالش‌هایی مواجه است، اما بازارها و مؤسسات مالی اتحادیه اروپا توسعه یافته هستند، در حالی که سیستم مالی چین هنوز اصلاحات زیادی را در پیش دارد و شکافی در ظرفیت قانونگذاری، ساختار کسب و کار و شرایط فنی آن در مقایسه با اتحادیه اروپا وجود دارد. با توجه به این، همکاری بخش مالی باید به صورت پایدار و تدریجی توسعه یابد، به گونه‌ای که تمرکز کوتاهمدت آن بر همکاری در بازارها، زیرساخت، قانونگذاری و خط‌مشی و همچنین حکمرانی مالی جهانی باشد. اتحادیه اروپا و چین همچنین باید به دنبال همکاری بلندمدت‌تر در مدیریت ثبات بازار مالی جهانی نیز باشند.

سیر تکامل بخش مالی چین

در حالی که بسیاری از مؤسسات مالی اتحادیه اروپا بر این باورند که باز شدن بخش خدمات مالی چین باید تسریع شده و محدودیت‌های محیط اجرایی این کشور برای مؤسسات خارجی کاهش یابد، هدف چین اصلاح و گشایش صنعت خدمات مالی این کشور به صورت تدریجی تا سال ۲۰۲۰ و پس از آن است. اسناد سیاستی منتشره توسط چین در سال‌های اخیر بیانگر این است که این کشور فرایند فعال‌تری را در آزادسازی اتخاذ خواهد نمود. اما کسب و کارهای اروپایی فعال در چین امید ندارند که چنین سیاست آزادی به این سرعت جامه عمل به خود بگذرد.

در واقع، با توجه به تداوم رشد تعاملات اقتصادی چین با سایر نقاط جهان، بخش مالی این کشور نیاز به یکپارچگی جهانی بیشتری دارد. افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری بین اتحادیه اروپا و چین، و افزایش حضور بنگاه‌های چینی در اتحادیه اروپا، مستلزم پشتیبانی بیشتر از خدمات مالی توسط مؤسسات هم در اتحادیه اروپا و هم در چین است. آزادسازی الزامات ورود مؤسسات مالی اتحادیه اروپا به بازارهای چین، و ارتقای توسعه کسب و کار مؤسسات مالی چینی در اتحادیه اروپا، مواردی هستند که می‌توانند به خوبی در موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری آتی اتحادیه اروپا - چین گنجانده شوند و شاید روند احتمالی تا سال ۲۰۲۵ باشند.

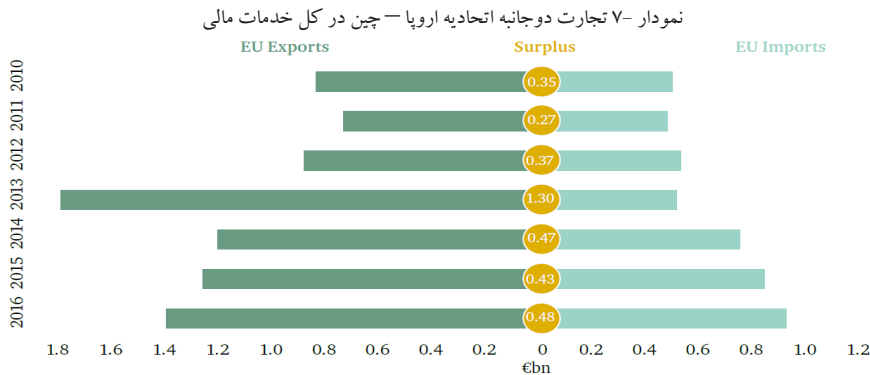
در سطح کلان، در حالی که چین باید به صورت فعال‌تری به آزادسازی خدمات مالی خود پردازد، فرایند دقیق آزادسازی کنترل‌های سرمایه و حساب سرمایه نیز برای جلوگیری از عوارض جانبی نامطلوب و پیش‌بینی‌شده، ضروری خواهد بود. به عنوان مثال، یک مقاله تحقیقی صندوق بین‌المللی پول به احتیاط در مورد گشایش حساب سرمایه فاقد شرایط لازم اشاره نمود. به طور خاص، رهبری چین بر این باور است که جریان‌های سرمایه کوتاه‌مدت باید صرفاً در آخرین مرحله اصلاحات و به صورت تدریجی آزادسازی شوند زیرا معمولاً منشأ ریسک‌های بالایی هستند. این یک نکته از جانب مالکیت خارجی است: چین می‌تواند بخش مالی را در برابر رقابت خارجی آزاد نماید بدون اینکه حساب سرمایه خود را به طور کامل آزاد کند.

روابط بخش مالی اتحادیه اروپا - چین

بازارهای مالی و بسیاری از مؤسسات خدمات مالی اتحادیه اروپا دارای رقابت‌پذیری جهانی بوده و نقاط قوت سنتی در بخش‌های مختلف همچون بانکداری تجاری، مدیریت دارایی، و بیمه دارند. این زاینده این واقعیت است که اتحادیه اروپا دارای خالص مازاد تجاری خدمات مالی با چین است، گرچه این نکته را باید متذکر گردید که اندازه کلی این تجارت، کوچک است.

وارد نمودن تخصص اتحادیه اروپا در فرایند اصلاح و نوسازی صنعت خدمات مالی چین به ارتقای کارایی تخصیص سرمایه در چین و در نتیجه، کاهش ریسک سیستماتیک، افزایش بی‌ثباتی مالی و ارتقای توسعه پایدار کمک خواهد کرد. اقتصاد به سرعت در حال رشد و بازارهای مالی چین، فرصت‌های فراوانی را برای توسعه کسب و کار مؤسسات چینی و اروپایی فراهم می‌کند. لذا فضای گسترده‌ای برای همکاری اتحادیه اروپا و چین در طیف گسترده‌ای

از خدمات مالی، شامل همکاری سودمند چندجانبه در فعالیتهای بازار سرمایه همچون انتشار اوراق قرضه و پذیرش شرکت‌ها در بازارهای سهام یکدیگر وجود دارد، گرچه رابطه اتحادیه اروپا - چین در خدمات مالی تحت تأثیر خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و نااطمینانی در مورد نقش آینده این کشور خواهد بود.



در واقع، میزان همکاری اتحادیه اروپا - چین در خدمات مالی در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف شامل توسعه بازارهای مالی، تبلیغ کالاها و خدمات، تقویت زیرساخت‌های مالی و کاهش ریسک‌های سیستماتیک، شکل گرفته است. چنین همکاری و هماهنگی هم در میان تأمینکنندگان خدمات مالی تجاری و هم در میان تنظیم‌گران بازار مالی و مراجع سیاست‌گذاری مالی صورت می‌گیرد.

در همین حال، مؤسسات مالی چینی نگرانی‌هایی را در خصوص دسترسی به بازار در اروپا مطرح کرده‌اند که ناشی از تفاوت در سیاست‌ها و مقررات در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، هزینه‌های بالا و موانع اداری می‌باشد. با این وجود، آنها در اروپا از طریق انتشار اوراق (توسط بانک توسعه چین، بانک خلق چین و وزارت دارایی چین) فعال هستند. شعب یا توابع فرعی مؤسسات مالی چینی در حال رشد هستند تا بتوانند به سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و مدیریت توسعه کسب و کار بنگاه‌های چینی در اتحادیه اروپا کمک کنند. به عنوان مثال، بانک صنعتی و تجاری چین ۱۰۰ تا پایان سال ۲۰۱۶ در ۲۰ شهر اروپایی شعبه داشت.

ترتیبات تهاتری ۱۰۱ رنمینی با انگلستان، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ منعقد شده و کسب و کارهای فراساحلی رنمینی افزایش یافته است. در اکتبر ۲۰۱۳، بانک خلق چین و بانک مرکزی

100. Industrial and Commercial Bank of China (ICBC)

101. clearing arrangements

اروپا یک قرارداد دوجانبه سه ساله ۴۵ میلیارد یورویی تبادل ارز امضا کردند که تا سال ۲۰۱۹ تمدید شده است. همکاری در بیمه نیز آغاز شده و یک تفاهمنامه در سال ۲۰۱۶ به امضا رسیده است.

سرمایه گذاری زیرساختی در آسیا و ابتکار یک کمربند، یک جاده

توسعه اقتصادی و اجتماعی در چین و به طور کلی تر در آسیا، منجر به تقاضای عظیم برای سرمایه گذاری زیرساختی شده است. دلیل مهم دیگر آن، ابتکار یک کمربند، یک جاده چین است. تأمین این تقاضا مستلزم یکپارچه کردن طیف گسترده‌ای از ظرفیت‌های کاری و مالی است به گونه‌ای که دولت‌ها، مؤسسات چندجانبه، انواع مختلف مؤسسات مالی، سرمایه گذاران خصوصی، و صندوق‌ها (هم عمومی و هم خصوصی) بتوانند در این فرایند سهمی داشته باشند. سرمایه گذاری‌های زیرساختی بلندمدت، به خصوص در کشورهای نوظهور، بسیار پرریسک و غالباً بانک‌پذیر^{۱۲} هستند. سوای از ریسک‌های سیاسی، حقوقی، قانونی و ارزی این اقتصادهای نوظهور، ریسک‌های ساخت، نااطمینانی‌های تقاضا و موضوعات ریفاینانس نیز مطرح هستند. اما با وجود بازارهای مالی مناسب و داشتن تخصص‌های حقوقی و مهندسی و سایر تخصص‌های حرفه‌ای، چنین ریسک‌هایی می‌تواند کاهش یافته و به تأمین‌کنندگان مالی و واسطه‌های مختلفی که توانایی مدیریت بهتر آنها را دارند، توزیع شود.

تأمین مالی سبز

زیرساخت باید ماندگار باشد. ارتقای پایداری باید در مرحله برنامه‌ریزی سرمایه گذاری زیرساختی آغاز شود. آگاهی از این نیازها و گزینه‌های طراحی‌های سبز به سرعت در حال افزایش است. به طور کلی، دستیابی به توسعه سبز شامل به روز رسانی و نوسازی فناوری‌ها، پاکسازی اماکن و منابع آلوده، و بررسی شیوه‌های تولید و مصرف بسیاری از کالاها و خدمات است. یک تحول سبز کامل، مستلزم عمل در بسیاری از بخش‌ها و سطوح خواهد بود.

تمام این تلاش‌ها باید تأمین مالی شوند. بنابراین توسعه «تأمین مالی سبز»، یک مؤلفه کلیدی برای این گذار چالش‌برانگیز به سمت ساخت زیرساخت پایدارتر است. توسعه سبز، هزینه‌بر است و در حال حاضر، قواعد و مقررات اجازه نمی‌دهند توسعه‌های غیر سبز، بدون پرداخت غرامت، محیط‌زیست را آلوده کرده و به عموم آسیب وارد نمایند. «الزام مؤسسات مالی به ملاحظه کامل اثرات زیست‌محیطی سرمایه گذاری‌هایشان، کاهش یا حتی قطع پشتیبانی از

پروژه‌های آلاینده، افزایش حمایت از پروژه‌های ترمیم زیست‌محیطی، و ایجاد یک چارچوب از سیستم تأمین مالی سبز که متضمن ریسک‌های اجتماعی و حکمرانی باشد، رفتار بسیاری از بنگاه‌ها را تغییر می‌دهد.

به طور مشابه، تغییر مقررات حاکم بر تأمین مالی، مشوق‌ها و بازدارنده‌های هدایت‌کننده رفتار سرمایه‌گذار را تغییر خواهد داد.

چین با چالش‌های بیسابقه در فرسایش و آلودگی منابع و محیط‌زیست خود مواجه است. این کشور به شدت در حال تلاش برای متوقف و معکوس کردن این موقعیت است، و در حال حمایت از تعداد بسیاری از سیاست‌های پایدار از جمله تأمین مالی سبز است. پایداری نیز اصلی اساسی از توسعه اروپایی است. به عنوان مثال، لندن و لوکزامبورگ هر کدام بازار سهام سبز را در تلاش برای ارتقای اوراق سبز و تأمین مالی سبز، ایجاد کرده‌اند. در بلندمدت، تمام توسعه‌ها و تمام خدمات مالی باید سبز باشند. اما گذار به سمت این مرحله از امور، مستلزم صرف زمان طولانی است. اتحادیه اروپا و چین می‌توانند با هم برای ارتقای فعالیت‌های تأمین مالی سبز همکاری کنند.

توازن مجدد سبد جهانی

یک روند ساختاری مهم که طی دهه آینده بروز خواهد نمود، فرایند توازن مجدد سبدهای سرمایه‌گذاری جهانی است. کنترل‌های سرمایه چین در طولانی مدت بدین معنی است که دارایی ارزی خارجی بخش‌های غیردولتی چین، نسبتاً کوچک هستند. از آنجایی که کنترل‌های سرمایه طی دهه آینده به تدریج تسهیل خواهند شد، و به خصوص با توجه به رشد سریع مورد انتظار در ثروت، احتمالاً حجم عظیمی از تقاضا برای سرمایه‌گذاری سبدي بیرون‌رو توسط مؤسسات و خانوارهای چینی وجود خواهد داشت. به طور عکس، سرمایه‌گذاران جهانی مواجهه نسبتاً کمی با بازارهای مالی چین دارند و به دنبال افزایش دارایی‌های مالی چینی با توجه به تسهیل کنترل‌های سرمایه چین، هستند. این منجر به افزایش جریان سرمایه به چین خواهد شد.

این فرایند عظیم توازن مجدد دارایی جهانی بین چین و سایر جهان، به صورت تدریجی در میانمدت رخ خواهد داد. این فرایند باید از طریق آزادسازی و اصلاحات بخش‌های خدمات مالی و بازارهای چین و با مشارکت فعال‌تر مؤسسات مالی خارجی در چین و همچنین مؤسسات مالی چینی در بازارهای فرامرزی به خصوص بنگاه‌های مدیریت سرمایه و اوراق، تسهیل گردد.

چین باید این فرایند آزادسازی و اصلاحات را به دقت مدیریت کند به گونه‌ای که از بروز عدم توزان‌های غیرضروری در بازار جلوگیری نماید. این فرایند در حال حاضر از طریق طرح‌های مختلفی همچون سرمایه‌گذار نهادی داخلی ذیصلاح^{۱۰۳}، سرمایه‌گذار نهادی خارجی ذیصلاح^{۱۰۴}، ارتباطات سهام^{۱۰۵} و ارتباط اوراق^{۱۰۶} در حال پیشرفت است. همکاری و هماهنگی با دیگر مراجع خدمات مالی در موضوعاتی همچون زیرساخت مالی، الزاماتی تنظیمی و نظارتی، و مدیریت احتیاطی از طریق استفاده از ابزارهای سیاستی مالی و اقتصاد کلان، از اهمیت شایانی در این فرایند برخوردار است.

همکاری تا سال ۲۰۲۵

در حرکت به سمت ۲۰۲۵، با توجه به اندازه اقتصادها و بخش‌های مالی اتحادیه اروپا و چین و جریان‌های تجارت و سرمایه‌گذاری آنها، اتحادیه اروپا و چین نقش مهمی در شکل‌دهی صنعت خدمات مالی جهانی ایفا خواهند نمود. همکاری سیاستی بین این دو طرف، برای حفظ نظم مالی جهانی و کاهش ریسک‌های سیستماتیک در بازارهای مالی جهانی، به خصوص با توجه به یکپارچگی فزاینده سیستم مالی چین با سایر جهان، بسیار حائز اهمیت است. مقامات چینی نظر مثبتی درباره پشتیبانی از یورو و خرید اوراق منتشره توسط کشورهای اروپایی دچار فشار مالی در زمان بحران یورو در چند سال قبل، دارند و تلاش‌های کشورهای اروپایی برای حمایت از بین‌المللی کردن رنمینبی، نمونه خوبی از چنین تلاش‌های حمایتی چندجانبه است. همچنین فضای بیشتری برای همکاری اتحادیه اروپا و چین به منظور کمک به شکل‌دهی معماری مالی جهانی، استانداردهای تنظیمی و نظارتی و همچنین حکمرانی جهانی بازارها و مؤسسات مالی، وجود خواهد داشت (شامل اقدامات تأمین مالی سبز و همکاری برای تأمین مالی ابتکار یک کمربند، یک جاده).

در بلندمدت‌تر، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند برای افزایش بکارگیری یورو و رنمینبی با هم همکاری کنند که این کار به تدریج می‌تواند سلطه دلار ایالات متحده در معاملات جهانی را کاهش داده و منافع بلندمدتی هم برای اتحادیه اروپا و هم چین داشته باشد. استفاده گسترده از دلار ایالات متحده در معاملات بین‌المللی، هزینه‌های زیادی برای اتحادیه اروپا و چین به

103. Qualified Domestic Institutional Investor (QDII)

104. Qualified Foreign Institutional Investor (QFII)

105. stock connects

106. bond connect

همراه دارد. برخلاف بنگاه‌های آمریکایی، شرکت‌های اروپایی و آسیایی اگر با دلار آمریکا تجارت و سرمایه‌گذاری کنند، باید ریسک‌های نرخ ارز را متقبل شوند. و در سطح ملی، غلبه دلار آمریکا، کشورها را وادار به نگهداری حجم قابل توجه ارز در ذخایر ارزی خارجی خود می‌کند.

اکنون، در حالی که سهم رنمینی در پرداخت‌های جهانی هنوز اندک است، اما پتانسیل توسعه آن به یک ارز منطقه‌ای در آسیا با توجه به رشد اندازه اقتصادی و تجارت چین، زیاد است. بین‌المللی کردن رنمینی احتمالاً می‌تواند منجر به توسعه بیشتر کسب و کارهای فراساحلی گردد، کسب و کارهایی که بخشی از آنها می‌تواند در بازارهای اروپایی صورت گیرد. در بلندمدت، این امکان وجود دارد که رنمینی در کنار دلار آمریکا و یورو، به یکی از سه ارز اصلی جهان تبدیل شود.

جدول ۵- رنمینی به عنوان ارز پرداخت بین‌المللی

دلار آمریکا		یورو		رنمینی		
رتبه	درصد از پرداخت‌های جهانی	رتبه	درصد از پرداخت‌های جهانی	رتبه	درصد از پرداخت‌های جهانی	
-	-	۱	۴۳.۰۰	۱۷	۰.۲۹	دسامبر ۲۰۱۱
۲۲	۳۳.۳۴	۱	۳۹.۷۸	۱۴	۰.۵۷	دسامبر ۲۰۱۲
۱	۳۹.۵۲	۱	۳۳.۲۱	۸	۱.۱۲	دسامبر ۲۰۱۳
۱	۴۴.۶۴	۲	۲۸.۳۰	۵	۲.۱۷	دسامبر ۲۰۱۴
۱	۴۳.۸۹	۲	۲۹.۳۹	۵	۲.۳۱	دسامبر ۲۰۱۵
۱	۴۲.۰۹	۲	۳۱.۳۰	۶	۱.۶۸	دسامبر ۲۰۱۶
۱	۴۲.۱۴	۲	۳۱.۱۰	۷	۱.۶۰	آوریل ۲۰۱۷

نهایتاً اینکه هنگ کنگ به عنوان بزرگترین مرکز مالی بین‌المللی چین، نقش مهمی در معاملات بخش مالی بین اتحادیه اروپا و چین ایفا می‌کند. اتحادیه اروپا و چین باید راه‌هایی را بررسی کنند که از آن طریق هنگ کنگ می‌تواند به عنوان پلی برای همکاری اتحادیه اروپا - چین در خدمات مالی مورد استفاده قرار گیرد.

نقش هنگ کنگ در روابط اتحادیه اروپا - چین

هنگ کنگ از دیرباز مرکز مالی و کسب و کار بین‌المللی چین بوده و به تدریج اقتصاد و بخش مالی این کشور را آزاد می‌کند. هنگ کنگ، سرزمین اصلی چین را به دنیای خارج مرتبط می‌کند و به هاب کسب و کار جهانی تعداد فزاینده‌ای از بنگاه‌های سرزمین اصلی چین تبدیل شده است. چین از طریق بکارگیری نقاط قوت و نقش هنگ کنگ در پیشبرد ابتکار یک

کمربند، یک جاده، خلیج بزرگ تر گوان دونگ - هنگ کنگ - ماکائو ۱۰۷، بین‌المللیسازی رنمینی و دیگر راهبردهای اصلی توسعه، از توسعه هنگ کنگ پشتیبانی می‌کند. بخش قابل توجهی از جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و سبدي به داخل چین و به خارج از چین، از طریق هنگ کنگ صورت می‌پذیرد. در سال ۲۰۱۵، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از هنگ کنگ به اتحادیه اروپا ۸۰ میلیارد یورو یعنی بیش از دو برابر سرزمین اصلی چین بود. از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۶، در مجموع حدود ۷۰۰ میلیارد دلار سهام توسط بنگاه‌های سرزمین اصلی از طریق بازار سهام هنگ کنگ فروخته شد که هنگ کنگ را به یکی از برترین مراکز فروش سهام در جهان تبدیل می‌کند. کل ارزش جاری سهام بنگاه‌های سرزمین اصلی پذیرفته شده در بازار سهام هنگ کنگ در پایان سال ۲۰۱۶ حدود ۲ تریلیون دلار بود. تأمین سرمایه با مقیاس وسیع توسط بنگاه‌ها یا پروژه‌های سرزمین اصلی نیز از طریق استقراض بانکی یا انتشار اوراق در هنگ کنگ صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، دولت چین از هنگ کنگ به عنوان زمینه آزمون سیاست‌های جدید در ارتباط با آزادسازی بازارهای مالی، همچون سرمایه‌گذار نهادی داخلی ذیصلاح ۱۰۸، سرمایه‌گذار نهادی خارجی ذیصلاح ۱۰۹، اوراق دیم سام ۱۱۰، ارتباطات سهام ۱۱۱ و ارتباطات اوراق ۱۱۲، استفاده می‌کند. هنگ کنگ اولین بازار فراساحلی بود که کسب و کار با رنمینی را در سال ۲۰۰۴ آغاز نمود و از آن زمان به هاب اصلی جهانی برای توافقات تجاری، تأمین مالی و مدیریت دارایی با رنمینی تبدیل شده است. سی‌ان‌اچ ۱۱۳ (نرخ ارز رنمینی در بازار هنگ کنگ) به نرخ ارز غیررسمی فراساحلی رنمینی تبدیل شده، در حالی که هایبور ۱۱۴ رنمینی (متناظر هنگ کنگی لایبور ۱۱۵ لندن) شاخص اصلی نرخ بهره رنمینی در بازار فراساحلی گشته است.

هنگ کنگ با تکیه بر قدرت سنتی خود در تجارت و خدمات مالی و حرفه‌ای، و به خصوص با توجه به حقوق عرفی قوی و چارچوب اساسی «یک کشور، دو سیستم»^{۱۱۶}، در بهترین موقعیت برای تداوم توسعه به سمت یک مرکز مالی جهانی مهم تر برای چین قرار دارد.

107. Guangdong-Hong Kong-Macao Greater Bay Area

108. Qualified Domestic Institutional Investor (QDII)

109. Qualified Foreign Institutional Investor (QFII)

110. 'Dim sum' bonds

111. stock connects

112. bond connect

113. CNH

114. HIBOR

115. LIBOR

116. 'One Country, Two Systems'

مؤسسات مالی اتحادیه اروپا می‌توانند از مزیت‌های منحصر به فرد هنگ کنگ منتفع شوند. در ژوئن ۲۰۱۷، از میان ۱۵۵ بانک مجاز در هنگ کنگ، ۲۹ بانک وارد اتحادیه اروپا شده بودند و ۷ بانک اروپایی نیز دفاتر نمایندگی در هنگ کنگ داشتند. در بخش بیمه، ۲۵ شرکت از ۱۶۰ شرکت بیمه ذیصلاح در هنگ کنگ، در اتحادیه اروپا به ثبت رسیده بودند. لذا هنگ کنگ در موقعیت مناسبی برای کمک به همکاری اقتصادی بیشتر اتحادیه اروپا - چین قرار دارد.

یک نمونه خاص از این موارد، مرتبط با ابتکار یک کمربند، یک جاده است، به گونه‌ای که هنگ کنگ به طور فعال بررسی می‌کند که چگونه می‌تواند از ارتباطات مالی جهانی و بازارهای کارای خود برای توافقات مالی و ارتقای مدیریت ریسک استفاده کند. به عنوان مثال، مرجع پولی هنگ کنگ^{۱۱۷} در ژوئن ۲۰۱۶ دفتر کارگشایی تأمین مالی زیرساخت^{۱۱۸} را به منظور شتاب بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی از طریق همکاری با ذینفعان اصلی، تأسیس نمود. تا ژوئیه ۲۰۱۷ دفتر کارگشایی تأمین مالی زیرساخت شبکه‌ای متشکل از بیش از ۶۰ نهاد از نقاط مختلف جهان از جمله چین ایجاد کرده که شامل آژانس‌های مالی چند جانبه و بانک‌های توسعه‌ای، سرمایه‌گذاران بخش عمومی و خصوصی، مدیران دارایی، حامیان پروژه‌های زیرساختی و بنگاه‌های خدمات حرفه‌ای می‌باشند. مجامع بسیاری برای تبادل آرا و همکاری ذینفعان برگزار شده است.

روابط فرد به فرد

مبادلات فرد به فرد - شامل طیف وسیعی از تعاملات از جمله در آموزش، فرهنگ، علم، مراقبت بهداشتی و گردشگری معمولی - از نظر قدر مطلق و سهم نسبی آنها به تعاملات اتحادیه اروپا - چین افزایش یافته است. همان‌طور که از این واژه برمی‌آید، اکثر این مبادلات فردی به فرد توسط افراد انجام می‌شوند، گرچه دولت هم در تنظیم و گاه‌ها شکل‌دهی این مبادلات نقشی ایفا می‌کند.

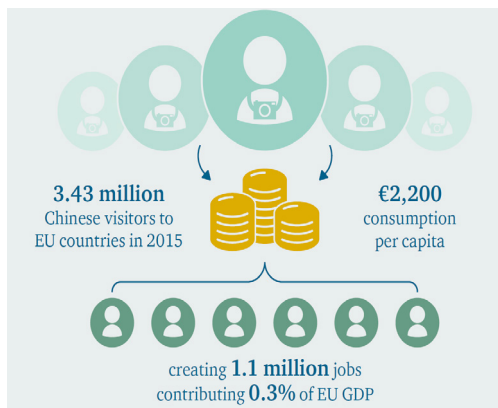
گردشگری

گردشگری در هر دو جهت رشد قابل توجهی یافته و سال ۲۰۱۸ توسط هر دو طرف به عنوان «سال گردشگری چین - اتحادیه اروپا» اختصاص یافته است. تعداد گردشگران اروپایی به چین

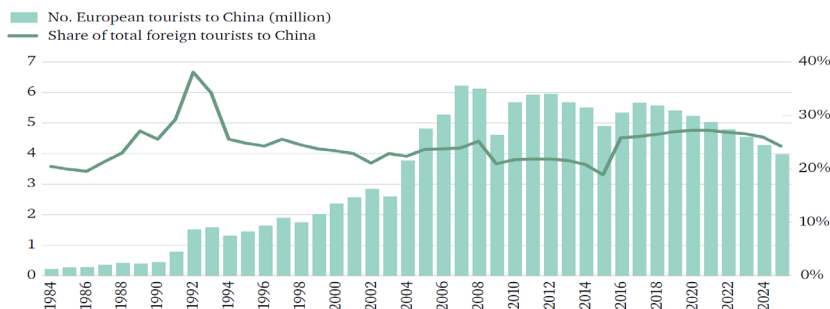
117. Hong Kong Monetary Authority

118. Infrastructure Financing Facilitation Office (IFFO)

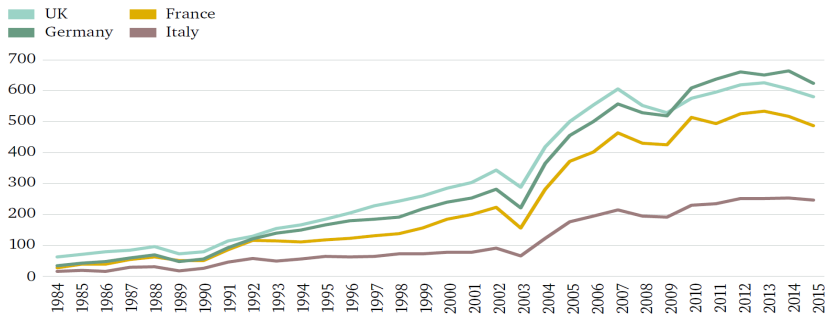
مخصوصاً پس از سال ۲۰۰۳ به سرعت افزایش یافته، اما به نظر می‌رسد که به یک شرایط پایا رسیده و حتی ممکن است طی ۸ سال آینده کاهش یابد. تعداد گردشگران چینی بازدیدکننده از اروپا در سال‌های اخیر افزایش یافته و رشد آن ادامه دارد: در سال ۲۰۱۶ حدود ۵,۱۳ میلیون چینی از اروپا دیدن کردند، در حالی که این رقم در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۳,۴۳ و ۲,۷۹ میلیون نفر بود. در سال ۲۰۱۵، سرانه مصرف آنها در اتحادیه اروپا به ۲۲۰۰ یورو رسید که به اندازه ۰,۳ درصد در تولید ناخالص داخلی سهم داشته و با ایجاد حدود ۱,۱ میلیون شغل، ۰,۶ واحد درصد نیز اشتغال را افزایش می‌دهد؛ این می‌تواند تا سال ۲۰۲۰ به ۳۵۰۰ یورو افزایش یابد به گونه‌ای که موجب ۰,۹ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی و ۲ واحد درصد افزایش در نرخ اشتغال گردد. در سال ۲۰۱۵ کل اروپا (نه فقط اتحادیه اروپا) ۱۲,۹ درصد سفرهای خارجی چینی‌ها را شامل می‌شد.



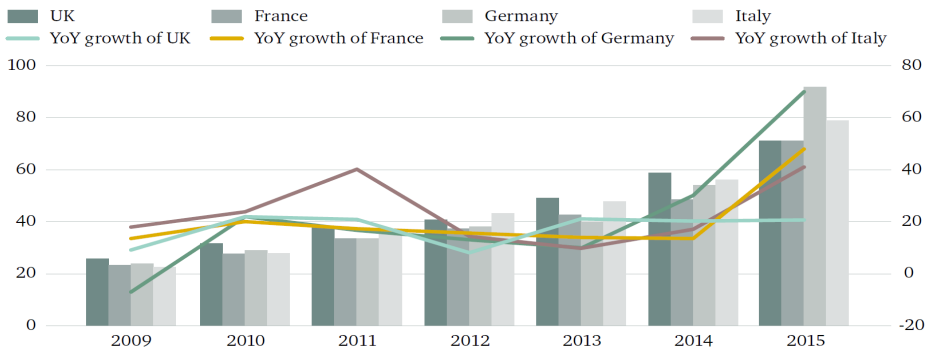
نمودار ۸- تعداد گردشگران اروپایی بازدیدکننده از چین



نمودار ۹- تعداد گردشگران اروپایی بازدیدکننده از چین به تفکیک کشور (هزار نفر)

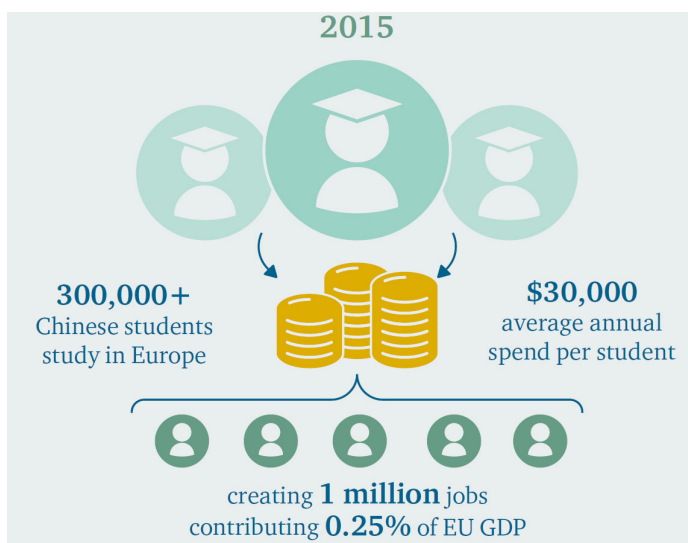


نمودار ۱۰- تعداد گردشگران چینی بازدیدکننده از اروپا به تفکیک کشور (هزار نفر)



مبادلات فرهنگی و آموزشی

اهمیت مبادلات فرهنگی در روابط کلی اتحادیه اروپا - چین افزایش یافته و به «رکن سوم» روابط رسمی در سال ۲۰۱۲ تبدیل شده که در «مشارکت تمدنی»^{۱۹} پیشنهادی رییس‌جمهور شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۴ نیز انعکاس یافته است. این پیشنهاد، پتانسیل رشد اساسی در مبادلات فرهنگی را برجسته نمود: در مقایسه با صنایع فرهنگی ایالات متحده، اروپا در چین نسبتاً ضعیف است و فضای زیادی برای ارتقای دامنه مبادلات فرهنگی وجود دارد.



یکی از حوزه‌های کلیدی، آموزش است. بیش از ۸۰ موافقت‌نامه همکاری آموزشی دوجانبه بین چین و کشورهای اتحادیه اروپا به امضا رسیده است. بیش از ۳۰۰ هزار دانشجوی چینی در اروپا مشغول به تحصیل هستند (از جمله ۱۲۳ هزار نفر که در سال ۲۰۱۵ وارد اروپا شده‌اند که ۲۴ درصد کل دانشجویان را شامل می‌گردد). این دانشجویان به طور میانگین سالانه هر نفر ۳۰ هزار دلار هزینه می‌کنند که معادل ۰٫۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ می‌باشد و حدود یک میلیون شغل نیز ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۱۵ تعداد ۴۵ هزار دانشجو از کشورهای اتحادیه اروپا در چین تحصیل می‌کردند (۳ هزار نفر از طریق بورس‌های دولت چین). تعداد ۵۷۴ مؤسسه و پروژه آموزشی اروپایی در چین وجود دارد در حالی که چین ۱۶۰ مؤسسه کنفوسیوس^{۱۲۰} و ۲۹۳ کلاس کنفوسیوس^{۱۲۱} با مجموع ۶۲۰ هزار دانشجو در اتحادیه اروپا تأسیس کرده است. تمام ۲۴ زبان رسمی اتحادیه اروپا در دانشگاه‌های چینی ارائه می‌شوند. مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین^{۱۲۲} پیشینی می‌کند که تا سال ۲۰۲۵، تعداد کل دانشجویان چینی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می‌روند افزایش نخواهد یافت اما در سطح ثابت سالانه ۵۰۰ هزار نفر باقی خواهد ماند.

انگلستان با فاصله بسیار زیاد از سایر کشورها، چشمگیرترین مقصد برای دانشجویان چینی بوده است، به گونه‌ای که پذیرای بیش از یک سوم این دانشجویان می‌باشد. این بدین معنی

120. Confucius Institutes

121. Confucius Classrooms

122. China Center for International Economic Exchanges (CCIEE)

است که پس از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، میزان مبادلات آموزشی به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. این می‌تواند با منابع بیشتر قرار داده شده برای آموزش زبان‌های اروپایی در چین و زبان چینی در اروپا کارگشایی شود؛ این با احتمال بیشتر از طریق مؤسسات کنفوسیوس است، در حالی که ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا از نظر تعداد این مؤسسات از ایالات متحده عقب‌تر هستند (گرچه این نباید تنها کانال تعامل باشد).

همکاری در مراقبت بهداشتی

همکاری در مراقبت بهداشتی بین اتحادیه اروپا و چین از روابط فرد به فرد فراتر رفته و تجارت، سرمایه‌گذاری و نوآوری را نیز در بر می‌گیرد. این اساساً به واسطه ترکیبی از ویژگی‌های متغیر جمعیت‌شناختی (همچون جمعیت در حال سالخوردگی چین، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۶، بیش از ۱۵۰ میلیون نفر دارای ۶۵ سال سن یا بیشتر هستند و این رقم در حال افزایش است) و شکاف تجربه‌گسترده در تأمین مراقبت بهداشتی بین اتحادیه اروپا و چین است. اینها باعث ایجاد فرصت‌های ویژه برای تأمین‌کنندگان مراقبت بهداشتی اروپایی در بازار چین می‌گردد، اما مستلزم اصلاحات است. مراقبت بهداشتی یکی از صنایعی است که سریع‌ترین رشد را در چین دارد.

همچنین یک دستور کار مراقبت بهداشتی سیاست عمومی بین‌المللی مهم وجود دارد که بر اساس آن، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند بیشتر با هم کار کنند. کارهای اخیر در مورد آمادگی برای بیماری‌های همه‌گیر آینده، نیاز به تقویت سیستم‌های مراقبت بهداشتی، فعالیت‌های مراقبت بیماری و سیستم‌های واکنش را تشخیص داده‌اند. از جمله الزامات ارتقای آمادگی جهانی، وجود سیستم‌های مراقبت بیماری، ارزیابی و واکنش در تمامی کشورها با پشتیبانی داده‌های دقیق؛ افزایش بودجه برای تحقیق و توسعه؛ ایجاد یک گروه بین‌المللی خدمات سلامت عمومی با پشتیبانی از جانب رهبری جهانی و همکاری است. حوزه‌های خاص دیگری نیز برای افزایش همکاری وجود دارد که از آن جمله عبارتند از مبارزه با مقاومت ضد میکروبی از طریق جلوگیری از عفونت‌ها به منظور کاهش وابستگی به آنتی‌بیوتیک‌ها، ورود نوآوری به درمان و سرمایه‌گذاری در تحقیقات مربوط، تضمین ایجاد انگیزه برای توسعه از طریق محیطی سیاستی و کسب و کار گسترده‌تر.

گفتمان موجود اتحادیه اروپا - چین در مورد همکاری در بحث مراقبت‌های بهداشتی تا اندازه‌ای سطحی در خصوص کشاورزی، ایمنی محصول مصرف‌کننده، به عنوان بخشی از

دستور کار گسترده تر نوآوری است. بنابراین فضا برای توسعه گفتمان متمرکز تر اتحادیه اروپا - چین در مورد موضوعات مراقبت بهداشتی، ترجیحاً هماهنگ با کارهای در حال انجام در مؤسسات چندجانبه، وجود دارد.

پیامدهای سیاستی

همانند مورد علم، فناوری و نوآوری، امکان جابجایی افراد در مرکز توسعه مبادلات فرد به فرد به سطح بعدی است. با توجه به سرعت تغییر و فشارهای گسترده تر مهاجرت بر اتحادیه اروپا، این فرایند باید با دقت مدیریت شود. در چین، سطوح نسبی مهاجرت به داخل، پایین است و این بیانگر آن است که فضا برای سیاست‌های فعال تر به منظور تشویق اروپاییان برای گذراندن وقت در این کشور وجود دارد.

برای تسهیل این مبادلات، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند روایید متقابل چند ساله و ورود مکرر، همراستا با روایید ورود مکرر ۱۰ ساله ایالات متحده و چین، را در نظر داشته باشند. این می‌تواند قبل از تعمیم به طرح‌های گسترده تر، ابتدائاً در چند زمینه خاص که طرفین به دنبال تعمیق روابط آن هستند، اجرا شود. برای اشاعه بهتر اثرات مبادلات موجود، دو طرف می‌توانند از تبلیغ گسترده تر مزایای مثبت نمونه‌های خاص مبادلات فرد به فرد استفاده کنند. ابزارهای دیگر می‌تواند شامل توسعه اهداف واقعی برای مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی، منابع بیشتر برای آموزش زبان (به خصوص آموزش چینی در اروپا)، و مداخله خلاقانه چینی‌ها در اروپا باشد.

نتیجه‌گیری

توسعه روابط اتحادیه اروپا - چین در حکمرانی جهانی

تعاملات بین اتحادیه اروپا و چین جدا و به دور از این موضوعات صورت نمی‌پذیرد، بلکه در متن سیر تکامل حکمرانی جهانی در هر حوزه (مجموعه قواعد، هنجارها و نهادهایی که دولت‌ها و بازیگران را هدایت می‌کنند) و تغییرات گسترده تر در نظم جهانی رخ می‌دهد. همانطور که در مقدمه این گزارش بیان شد، اینها شامل تغییرات منبعث از ایالات متحده، و همچنین توسعه‌های درون اتحادیه اروپا، رشد مداوم چین و دیگر اقتصادهای نوظهور، و تغییر ماهیت و اهمیت تهدیدهای امنیتی غیر سنتی از تروریسم و تغییر اقلیم تا بیماری‌های عفونی، می‌گردد. دهه اخیر، عصر جابجایی تغییر در سطح جهانی بوده و به نظر می‌رسد که بسیاری از این روندها تا سال ۲۰۲۵ و حتی پس از آن نیز ادامه داشته باشند. در واکنش به این موضوع و همان طور که

مقامات آنها بیان داشته‌اند، اتحادیه اروپا و چین می‌توانند برای ایجاد آزادی بیشتر در ارزیابی تهدیدها و فرصت‌ها و همکاری بیشتر در اعمال واکنش‌های لازم، با هم همکاری نمایند. تشخیص منافع مشترک در ارتقای چندجانبه‌گرایی اثربخش، همچنین فقدان راهبرد مستقیم یا اختلافات امنیتی بین اتحادیه اروپا و چین، از مدت‌ها قبل به عنوان دلایل لزوم همکاری نزدیک‌تر این دو طرف به عنوان شرکای راهبردی، از جمله در حکمرانی جهانی، مطرح می‌گردد. همخوانی منافع و رویکردها در واقع باید پیشران اصلی برای توسعه این رابطه باشد. با این حال، همانطور که در مقدمه بیان گردید، ثابت شده که دستیابی به نوعی از مشارکت راهبردی که انتظارات رهبران هر دو طرف چینی و اروپایی را تأمین کند، دشوار است. این تا حدی به دلیل روابط مثلی با ایالات متحده است که در مورد روابط نزدیک‌تر اتحادیه اروپا و چین بدین است. اما چالش‌ها همچنین به دلیل تفاوت بین اتحادیه اروپا و چین از لحاظ اولویت‌ها، ارزش‌ها، مدل‌های اقتصادی داخلی، و چشم‌اندازهای جزئی‌تر در مورد نظام جهانی می‌باشد. به طور تاریخی، همکاری اتحادیه اروپا - ایالات متحده در حکمرانی جهانی برای اتحادیه اروپا آسان‌تر از کار کردن با چین است.

برخی نمونه‌های خاص، این تغییر را نشان می‌دهند. در دوران پس از بحران مالی جهانی، هم اتحادیه اروپا و هم چین از ظهور جی ۲۰ به عنوان مجمع برتر برای بحث در مورد حکمرانی اقتصادی جهانی استقبال نمودند. هر دو به دنبال انجام اصلاحات بودند و برخی نظرات مشترک در ارتباط با قانون‌گذاری احتیاطی بازارهای مالی و مداخله متوسط دولت در حکمرانی اقتصادی داشتند. همان‌طور که بعداً رییس کمیسیون اروپای باروسو^{۱۳۳} بیان کرد که «جی ۲۰ به ما شانس شکل‌دهی به جهانی شدن و توسعه مدلی پایدار برای جایگزینی با مدلی را می‌دهد که در برابر شکست بازارهای مالی به زانو درآمده است». با این حال، این به یک توانایی برای شکل‌دهی دستور کار جی ۲۰ در مورد مقررات مالی بین‌المللی و نهادهای مالی بین‌المللی تبدیل نشده بود و این به دلیل فقدان همبستگی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نگرانی‌های متفاوت بین اتحادیه اروپا و چین، و آسیب‌های بحران بدهی اروپا به اعتبار اتحادیه اروپا است.

در سازمان تجارت جهانی، هم اتحادیه اروپا و هم چین، مکانیزم‌های حل اختلاف را به منظور تقویت حاکمیت قانون بین‌المللی و حکمرانی مبتنی بر قواعد تجارت جهانی، اتخاذ کرده‌اند، گرچه برخی بر این باورند که موضوعاتی در خصوص برابری بین کشورهای اصلی عضو سازمان تجارت جهانی و کشورهای در حال الحاق وجود دارد.

اهداف مشترک: حمایت از سیستم چندجانبه

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، اتحادیه اروپا و چین مشترکات بسیاری دارند. آنها دو اقتصاد جهانی دارای بیشترین ادغام خارجی هستند. هر دو با محیط جهانی متغیر مواجه هستند که در آن، آزادی مداوم نمی‌تواند بدهی باشد. همپوشانی‌های زیادی از لحاظ چشم‌انداز راهبردی بنیادی، از جمله در تمایل به چندجانبه‌گرایی اثربخش در حکمرانی جهانی، وجود دارد. این دو اقتصاد، رقابتی راهبردی نیستند.

در زمینه جدیدتر تردید درباره‌ی رویکردهای ایالات متحده به نظم جهانی چندجانبه مبتنی بر قواعد، انگیزه‌ها برای اتحاد چین - اتحادیه اروپا در جنبه‌های حکمرانی جهانی تغییر کرده است. همان‌طور که فدریکا موگرینی^{۱۲۴} نماینده عالی اتحادیه اروپا و نایب رییس کمیسیون اروپا در سفر آوریل ۲۰۱۷ خود به پکن برای حضور در گفتمان راهبردی اتحادیه اروپا - چین^{۱۲۵} بیان نمود، اتحادیه اروپا و چین به عنوان قدرت‌های جهانی دارای مسئولیت مشترک برای همکاری در راستای نظم جهانی مبتنی بر قواعد هستند.

ماهیت متغیر این سیستم چندجانبه نه تنها به رویکرد ایالات متحده بستگی دارد، بلکه همچنین بازتاب تغییرات ساختاری در توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی است. همان‌طور که گزارشی جدید توسط محققان بروکلین بیان می‌دارد، جهان در حال تکامل از یک سیستم چندجانبه متمرکز حول ایالات متحده به سمت سیستمی چندقطبی تر بر پایه سه قطب قدرتمند تجاری یعنی چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده است که هر کدام از آنها دارای توافقات تجاری منطقه‌ای و دوجانبه متعدد هستند؛ محققان ادامه می‌دهند که این انتقاد وارد شده که این روند باعث از بین رفتن چارچوب چندجانبه موجود می‌شود و تمام بازیگران اصلی نه تنها با نهادهای چندجانبه بلکه همچنین با نهادهای دوجانبه و منطقه‌ای نیز فعالیت می‌کنند.

در نتیجه، همکاری اتحادیه اروپا - چین در حکمرانی جهانی به سادگی نمی‌تواند برای پشتیبانی از چندجانبه‌گرایی اثربخش، کاهش یابد. در عوض می‌تواند با یک رویکرد واقع‌بینانه مبتنی بر بررسی اثربخش‌ترین ابزارهای تقویت حکمرانی آزاد و مبتنی بر قواعد در حیطه‌های مختلف، بهبود یافته و آنهایی که منافع در آنها همراستار هستند برای ۵ تا ۱۰ سال آینده اولویت‌بندی شوند.

اتحادیه اروپا و چین با چالش‌های مداوم در چگونگی عمل در زمینه جهانی گسترده‌تر و به خصوص با ایالات متحده مواجه خواهند بود. همکاری اتحادیه اروپا - چین نباید فی‌نفسه

124. Federica Mogherini

125. EU-China Strategic Dialogue

به عنوان هدف باشد، بلکه باید سنگ بنایی برای همکاری و اصلاحات در حکمرانی جهانی در نظر گرفته شود. این باید شامل همکاری با ایالات متحده نیز باشد، کشوری که تا مدت‌ها به عنوان شریک جهانی اصلی و راهبردی اتحادیه اروپا باقی خواهد ماند. صرف نظر از اینکه رویکرد دولت فعلی چه باشد، ایالات متحده همچنان به عنوان یک بازیگر مؤثر در حکمرانی جهانی باقی خواهد ماند. هدف راهبردی اتحادیه اروپا و چین باید نزدیک شدن به یکدیگر در واکنش به نااطمینانی ایالات متحده، و در عین حال، تقویت گفت‌وگو و همکاری با ایالات متحده باشد؛ این همان کشف مجدد پتانسیل مذاکرات سه جانبه هم در سطح دولتی و هم سطح دوم است. به این می‌توان هم به عنوان یک اقدام پوششی چالش‌برانگیز و هم کمی خوش‌بینانه‌تر، به عنوان راهی واقع‌بینانه برای تجدید بنای پایگاه‌هایی برای همکاری آینده در حکمرانی جهانی از طریق مشارکت بین چین، اتحادیه اروپا و اقتصادهای نوظهور اصلی، نگریست. این بر مبنای این واقعیت است که سیستم چند جانبه نمی‌تواند بدون همکاری ایالات متحده و دیگر قدرت‌های جهانی توسعه پیدا کند.

علاوه بر این، مزیت‌های رابطه نزدیک‌تر اتحادیه اروپا - چین افزایش پیدا می‌کند اگر ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و انگلستان بتوانند به گونه‌ای در مورد خروج انگلستان از اتحادیه اروپا به توافق برسند که رابطه نزدیک اقتصادی بین آنها ادامه پیدا کند. هر سه اقتصاد از برونداد سازنده مذاکرات خروج بین ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و انگلستان منتفع می‌شوند. نهایتاً، همکاری دوجانبه بین اتحادیه اروپا و چین در موضوعات مرتبط با حکمرانی جهانی، از روابط تجاری عمیق‌تر و همکاری مالی تا سیاست‌های تغییر اقلیم، باید از طریق گروه ۲۰، سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای چندجانبه مرتبط صورت گرفته و منجر به تقویت آنها گردد. این کار تضمین می‌نماید که مزایای این همکاری دوجانبه عمیق‌تر می‌تواند به حداکثر پتانسیل خود دست یافته و در طول زمان، پایدار باشد.

صنایع کارخانه‌ای چین در سال ۲۰۲۵

اولویت سیاست‌های بخش صنعت بر نیروهای بازار

اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین

۱- خلاصه مدیریتی

برنامه ریزان دولتی در چین در ماه مه سال ۲۰۱۵ طرح دیگری را با هدف کمک به توسعه صنایع و فن آوری‌های پیشرفته ارائه کردند. بدیهی است که اجرای تمهیداتی برای ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد به موفقیت این تلاش اخیر منجر نخواهد شد. در مقابل، مسئولان دولتی هدایت روند توسعه را وجهه همت خود قرار داده و اقدام به دستچین کردن صنایعی نموده‌اند که به باور آنها موتور محرک اقتصاد چین در آینده خواهند بود.

در این طرح که «صنایع کارخانه‌ای چین در سال ۲۰۲۵» (CM2025) نام دارد، اهداف بلندپروازانه‌ای برای توسعه ده صنعت پیش‌بینی شده است.^۲ ارقام مربوط به این طرح ارقامی خیره‌کننده هستند. دولت مرکزی و دولت‌های محلی در چین در مجموع از اختصاص میلیاردها یورو منابع مالی در قالب یارانه، کمک‌های مالی و سایر مجاری حمایتی خبر داده‌اند.

تردید نیست که سرمایه‌گذاری‌های مستمر و فزاینده چین در امر تحقیقات و توسعه و تلاش‌های این کشور برای ترغیب صنایع داخلی جهت افزایش کیفیت و کارآیی درخور ستایش فراوان هستند. با این حال، مجموعه گسترده ابزارهای مورد استفاده در جهت تسهیل روند اجرای طرح موسوم به CM2025 به شدت محل اشکال هستند.^۳ این مسئله هم اینک نیز

1 China Manufacturing 2025

۲. فن‌آوری‌های اطلاعاتی نسل بعد، ماشین‌آلات کنترل عددی حرفه‌ای و صنایع رباتیک، تجهیزات هوافضا و هوانوردی، تجهیزات مهندسی دریایی و تولید کشتی‌ها و قایق‌های پیشرفته، تجهیزات پیشرفته ریلی، خودروهای کم‌مصرف، تجهیزات الکتریکی، ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی، مواد جدید و داروشناسی زیستی و تجهیزات پزشکی با بازدهی بالا هستند.

۳. این ابزارها شامل یارانه، حمایت‌گرایی، فشارهای جدید علیه شرکت‌های خارجی برای انتقال فن‌آوری‌های اصلی، خرید شرکت‌های برخوردار از فن‌آوری‌های پیشرفته در اروپا و سایر مناطق جهان و آن هم غالباً با حمایت صندوق‌های سرمایه‌گذاری مورد حمایت دولت و ایجاد نگاه‌های تحت مالکیت دولت و معرفی آنها به عنوان قهرمانان ملی علی‌رغم آلوده شدن روند مدیریت این نگاه‌ها به اغراض سیاسی هستند.

مشکلاتی را برای اقتصاد چین و شرکت‌های اروپایی به وجود آورده است. به عنوان نمونه، به موجب قانون تازه‌ای که در مورد خودروهایی کم‌مصرف به تصویب رسیده است، شرکت‌های اروپایی برای ارائه فن‌آوری‌های پیشرفته در ازای دسترسی به بازارهای چین در کوتاه‌مدت تحت فشار رو به تزایدی قرار گرفته‌اند؛ در حوزه روباتیک صنعتی، پرداخت یارانه از سوی دولت، در حال ایجاد مزاد ظرفیت در رده‌های پایینی و میانی بازار چین است و در صنایع مربوط به فن‌آوری‌های اطلاعاتی نیز شرکت‌های اروپایی شاهد محدودتر شدن دسترسی خود به بازارهای داخلی چین هستند.

علی‌رغم لحن قاطع کنگره خلق چین در سال ۲۰۱۳ در زمینه حمایت از نیروهای بازار، چین به نظر می‌رسد که دولت چین مصمم است نقش برجسته خود در جهت دادن به اقتصاد کشور را همچنان حفظ کند. شمار بالای اهداف مربوط به تصاحب سهام بازار در کنار اشارات به نوآوری‌های بومی در اسناد متعدد برنامه‌ریزی مرتبط با طرح موسوم به CM2025 گواهی بر صدق این مدعا است.^۴ استفاده از عبارت «نوآوری بومی» در کنار موارد اشاره به ضرورت تحقق خودکفایی به شدت مایه نگرانی است، زیرا نشان‌دهنده گرایش سیاست‌های چین به سمت تحریف هرچه بیش‌تر عرصه رقابت به نفع شرکت‌های داخلی است. اتاق بازرگانی اروپا بر این باور است که باید در قوانین چین، با تمامی شرکت‌ها، صرف نظر از ملیت آن‌ها به طور یکسان رفتار شود.

ممکن است میزان حمایت دولت مرکزی و دولت‌های محلی در چین از طرح موسوم به CM2025 بتواند به منزله یک سامانه هشدار برای شرکای تجاری بین‌المللی این کشور عمل کند و آن‌ها از این طریق بتوانند پیش‌بینی کنند که تا سال ۲۰۲۵ و پس از آن، در کدام بخش‌ها احتمال ایجاد مزاد ظرفیت بیش‌تر وجود دارد. در مورد صنایعی مانند صنایع فولاد و تولید صفحات خورشیدی، این مزاد ظرفیت در گذشته خطر ایجاد تنش‌های جدید و تشدید تنش‌های موجود با شرکای تجاری خارجی چین را به دنبال خواهد داشت. در شرایطی که حمایت از جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد در برخی محافل با مخالفت‌های فزاینده‌ای روبرو شده است، پیامدهای این مسئله نامطلوب‌تر از گذشته خواهد بود. علاوه بر این، رویکرد دولت‌محور در زمینه انجام خرید شرکت‌های بین‌المللی در راستای اولویت‌های سیاست‌گذاری در بخش

۴. هرچند معنای دقیق واژه «بومی» در پیوند با طرح CM2025 هنوز روشن نیست، اما در گذشته این واژه تنها برای اشاره به فن‌آوری‌ها و محصولات تولیدشده در داخل مرزهای چین بکار رفته و به عنوان «تقویت نوآوری‌های ابتکاری هم از طریق نوآوری و هم از طریق بازنوآوری بر مبنای جذب فن‌آوری‌های وارداتی از خارج» تعریف شده است.

صنعت می‌تواند تلاش شرکت‌های چینی برای تکمیل سرمایه‌گذاری‌های عادی بازارمحور در خارج را با تهدید مواجه سازد.

اما طرح موسوم به CM2025 در کوتاه‌مدت و میان‌مدت فرصت‌های جذابی را برای برخی شرکت‌های اروپایی به منظور ایفای نقشی مهم ایجاد می‌کند. شرکت‌های اروپایی بسیاری اقدام به آغاز همکاری با شرکت‌های چینی در زمینه ارائه اجزا، فن‌آوری‌ها و مهارت‌های مدیریتی حیاتی در حوزه‌های مرتبط با طرح CM2025 کرده‌اند. با این حال این طرح در درازمدت عمدتاً به اجرای یک برنامه جایگزینی واردات منجر خواهد شد. بنابراین، شاید بتوان انتظار داشت که میزان دسترسی شرکت‌های اروپایی به بازار چین به ویژه در حوزه‌هایی که شرکت‌های چینی قادر به کم کردن فاصله فن‌آوری‌های خود با آنها هستند، کاهش یابد. جهان از افزایش محصولات و خدمات نوآورانه چینی سود خواهد برد، اما تحقق این امر نباید به بهای بازداشتن نیروهای بازار از طریق طرح‌های دولت‌محور عملی شود.

تعهدات اعلام شده از سوی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در جریان سخنرانی در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس^۵ در کنار تعهدات اعلام شده از سوی شورای حکومتی چین در ژانویه ۲۰۱۷^۶ به منظور ترغیب سرمایه‌گذاری بنگاه‌های متکی به سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع تولیدی پیشرفته و تضمین رفتار برابر با این شرکت‌ها در چارچوب سیاست‌ها و تمهیدات راهبردی مرتبط با طرح موسوم به CM2025 بسیار مثبت بوده‌اند. به منظور تأمین منافع دوجانبه و نیز فراهم کردن زمینه به فعلیت در آمدن تمامی ظرفیت‌های بالقوه چین در حوزه فن‌آوری، اتاق بازرگانی اروپا امیدوار است که چین به این تعهدات به طور کامل عمل کند و شرکت‌های اروپایی نیز مجاز به مشارکت در این فرایند و رقابت به عنوان یک شریک کامل و برابر در یک بستر مبتنی بر رعایت عدالت در حوزه نوآوری باشند.

اما توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که حتی اگر زمینه مشارکت در طرح CM2025 برای طیف گسترده‌تری از شرکت‌کنندگان فراهم باشد، تضمینی وجود ندارد که چین بتواند از افتادن در تله در آمد متوسط اجتناب کند. از میان ۱۰۱ کشوری که در سال ۱۹۶۰ به جرگه

5. President Xi's speech to Davos in full, World Economic Forum, 17th January, 2017, viewed 19th January, 2017, <https://www.weforum.org/agenda/2017/01/full-text-of-xi-jinping-keynote-at-the-world-economic-forum>.

6. Notice of the State Council on Several Measures on Promoting Further Openness and Active Utilization of Foreign Investment, The State Council, 17th January, 2017. viewed 21st January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2017-01/17/content_5160624.htm.

کشورهای دارای درآمد متوسط رسیده بودند، تنها ۱۳ کشور در نهایت توانستند خود را به رده کشورهای دارای درآمد بالا برسانند و ۸۸ کشور دیگر اصلاحات نهادین لازم را انجام ندادند و همین مسئله سبب شد که رشد آن‌ها به تدریج تثبیت شده و در نهایت به طور کامل متوقف شود. چنین اتفاقی هم برای چین و هم برای اقتصاد جهانی یک اتفاق ناگوار خواهد بود و در برنامه پنج‌ساله سیزدهم و نیز در مقاله‌ای به قلم «فرد موثق» که در نهم مه ۲۰۱۶ در نشریه People's Daily منتشر شده نیز صراحتاً نسبت به وقوع آن هشدار داده شده است.^۷

خوشبختانه چین اکنون طرح اولیه‌ای را در اختیار دارد که به این کشور امکان می‌دهد تا اصلاحات ساختاری مورد نیاز جهت اجتناب از بروز این اتفاق را انجام دهد و شالوده‌ای محکم را برای صنایع کارخانه‌ای خود ایجاد نماید (دستور کار کنگره سوم خلق که در تصمیم کنگره در دسامبر ۲۰۱۳ نیز بر تعهد به آن تأکید شد). بنابراین به مقامات چینی توصیه می‌شود تا هم اکنون نقشه راهی را تدوین نمایند که در آن این اصلاحات با دوراندیشی در اولویت قرار گیرند و صلاحیت‌های کلیدی دولت یعنی تسهیل نوآوری از طریق حمایت از تحقیقات بنیادین، ایجاد زیرساخت‌های لازم و ایجاد یک بستر قانونی عادلانه و شفاف برای فعالان اقتصادی بخش خصوصی به محور اصلی تمرکز تلاش‌ها تبدیل شوند. در نهایت، اصلاح بازار در مقایسه با برنامه‌ریزی صنعتی مبتنی بر شیوه‌های قدیمی و پرهزینه نقش بسیار مهم‌تری در ایجاد شرایطی خواهد داشت که در آن چین خواهد توانست تمامی ظرفیت‌های بالقوه خود در زمینه توسعه اقتصادی و نوآوری را به فعلیت درآورد. در نبرد جاری میان اربابان و بازارها، شرکت‌های اروپایی آماده‌اند تا ضمن ارائه تخصص‌های خود به سرمایه‌گذاری در آینده چین بپردازند.

۲- چرا چین خواهان تغییر است؟

۲-۱- چین کارخانه جهان بوده و اکنون خواستار نقشی مهم‌تر است

برای یک نسل، چین کارخانه جهان بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۵:

- ۲۸ درصد خودروهای جهان
- ۴۱ درصد کشتی‌های جهان
- ۸۰ درصد رایانه‌های جهان
- ۹۰ درصد تلفن‌های همراه در جهان

7. Gong, Wen, Xu, Zhifeng and Wu, Qiuyu, Asking About Big Trends in the Opening Quarter: Authoritative Person Discusses the Current Chinese Economy, People's Daily, 9th May, 2016, viewed 11th May 2016, <http://politics.people.com.cn/n0509/2016/1/c28333725-1001.html>.

● ۶۰ درصد دستگاه‌های تلویزیون رنگی در جهان

● ۵۰ درصد یخچال‌های جهان

● ۸۰ درصد دستگاه‌های تهویه در جهان

● ۲۴ درصد برق مصرفی جهان و

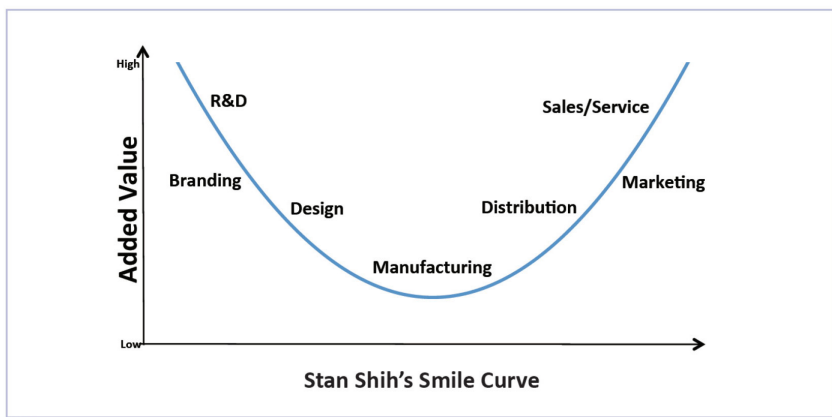
● نیمی از فولاد جهان

را تولید یا مونتاژ کرده است. هرچند بی‌تردید این آمارها خیره‌کننده هستند^۸، ارزیابی دقیق صنایع کارخانه‌ای چین نشان‌دهنده میزان چالش‌هایی است که این کشور در حال حاضر با آن‌ها روبرو است. سهم چین از تولید در بسیاری از این صنایع همچنان با ارزش افزوده بسیار پایین و مصرف انرژی و آلاینده‌گی بسیار بالایی همراه است و همین مسئله عامل نارضایتی‌های اجتماعی فزاینده‌ای شده است. چین در راستای مقابله با این مسائل قصد دارد شالوده صنعتی خود را بروزرسانی کرده و در بخش‌های پیشرفته‌تر بازار به رقابت پردازد. این برای یک کشور با درآمد متوسط رو به بالا که می‌خواهد خود را به جرگه کشورهای برخوردار از درآمد بالا برساند، یک هدف ستودنی و قابل درک است. شرایط کنونی چین مشابه دوران گذار کشورهای اروپایی از اوایل تا میانه قرن بیستم و نیز فرایند گذار کره جنوبی و ژاپن طی پنجاه سال گذشته است.

8. China has Become a True Automobile Manufacturing Giant Accounting for %28 of Global Market Share, China Economic Net, 12th May, 2016, viewed 24th January, 2017, http://www.ce.cn/xwzx/gnsz/gdxw/12/201605/t11513927_20160512.shtml; China, Japan and China in a Battle for Survival in the Global Ship Manufacturing Market Sohu, 16th August, 2016, viewed 24th January 2017, <http://business.sohu.com/20160816/n464439771.shtml>; Disappointing Exports Due to Sluggish Global Demand to Continue in 2016, China Economic Information Network, 22nd March, 2016, viewed 24th January, 2017, http://www.cei.gov.cn/loadpage.aspx?Page=ShowDoc&CategoryAlias=zonghe/ggmflm_zh&ProductAlias=zhongwyb&BlockAlias=YBQBA&filename=/doc/YBQBA/201603220235.xml; ICT Sector Credit Risk Management Forum held in Guangzhou to Focus on Overseas Risk Control, Xinhua, 18th October, 2016, viewed 24th January, 2017, http://news.xinhuanet.com/fortune/-201618/10/c_129327619.htm; Year of Rebirth for the Colour TV Industry: Supply Chain Moves from the Most Traditional to the Most Cutting-edge and Accelerates Coordination, Era Weekly, 10th January 2017, viewed 24th January, 2017, http://www.ce.cn/cysc/zgjd/kx/10/201701/t19495453_20170110.shtml; Analysis of Trends in Major Steel-consuming Industries 2016, DRCNET, 12th April, 2016, viewed 24th January, 2017, http://www.dss.gov.cn/News_wenzhang.asp?ArticleID=386567; BP Statistical Review of World Energy (Electricity), British Petroleum, June 2016, viewed 24th January, 2017, <http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/energy-economics/statistical-review2016/bp-statistical-review-of-world-energy-2016-electricity.pdf>; 2015 Steel Industry Review and Its 2016 Prospects, MIIT, 16th February, 2016, viewed 24th January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146312/n1146904/n1648356/n1648357/c4637348/content.html>.

۲-۲- بالا آمدن از زیر چرخه منحنی لبخند و فرار از تله درآمد متوسط

اگر چین بخواهد سهم ۲۰ درصدی خود از کل تولیدات کارخانه‌ای در جهان^۹ را حفظ کرده از زیر چرخه منحنی لبخند^{۱۰} که استن شیه^{۱۱} برای نخستین بار به معرفی آن پرداخت خارج شود، تغییرات پرشماری باید صورت گیرند. در این مدل، فرایندهای تحقیقات و توسعه محصولات، برندسازی و طراحی در آغاز چرخه، و توزیع، بازاریابی و خدمات پس از فروش در سوی دیگر منحنی قرار می‌گیرند - این‌ها نقاط اوج منحنی را تشکیل می‌دهند که مرحله تولید و مونتاژ واقعی به عنوان بخشی که عمده تمرکز اقتصاد چین همچنان بر روی آن است و سوددهی بسیار پایین تری نیز دارد در میان آن‌ها قرار می‌گیرند.^{۱۲}



در جریان گفتگویی که در ژانویه ۲۰۱۶ در اتاق بازرگانی اروپا برگزار شد، یکی از مقامات ارشد وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین به معرفی چرخه معیوبی پرداخت که اقتصاد چین در حال حاضر در آن گرفتار شده است. این چرخه با توجه اندک به تحقیقات و توسعه

9. Explanation of CM2025: China manufacturing Development Enters into a New Period, MIIT, 19th May, 2015, viewed 12th October, 2016, <http://www.miit.gov.cn/n1146290/n1146402/n1146460/c3270377/content.html>; "Made in China 2025: Strategic Industries and Emerging Business Opportunities", EU SME Centre, 9th March, 2016, viewed 19th January 2017, <http://www.eusmecentre.org.cn/article/made-china-2025-strategic-industries-and-emerging-business-opportunities>.

10. smile curve

11. Stan Shih

12. Kwan, CH, China: Wrong Part of the Smile Curve, Asia Times, 4th October, 2002, viewed 12th October, 2016, <http://www.atimes.com/atimes/China/DJ04Ad01.html>.

در سطح بنگاه‌ها که ۳۳ تا ۵۰ درصد میزان مشاهده شده در کشورهای صنعتی پیشرفته را تشکیل می‌دهد، آغاز می‌شود و نقش بسیار ناچیز بنگاه‌های کوچک و متوسط که خود علی‌رغم سهم ۲ درصدی بخش تحقیقات و توسعه در سطح ملی در سال ۲۰۱۳ در زمینه دسترسی به سرمایه در داخل چین با مشکلاتی روبرو هستند، بر شدت تأثیرات این عامل می‌افزاید. پایین بودن ظرفیت نوآوری در کنار سرعت پایین تحول در حوزه دستاوردهای علمی در مرحله بعد به طول عمر بسیار کوتاه بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط چینی منجر می‌شود. بنگاه‌هایی نیز که خود را به هر شکل سرپا نگه می‌دارند، از کاهش میزان رقابت رنج می‌برند که خود به رکود و عدم امکان صعود به نقطه اوج زنجیره ارزش منتهی می‌شود. این وضعیت در نهایت به ایجاد ظرفیت مازاد ساختاری منجر می‌شود، زیرا شمار شرکت‌هایی که در نقطه پایینی زنجیره ارزش و بر اساس قیمت با یکدیگر رقابت می‌کنند و برخی از آن‌ها نیز کیفیت را قربانی رقابت می‌کنند، بیش از حد بالا خواهد بود.^{۱۳}

در نواحی داخلی چین، استان‌های ساحلی گوانگدونگ، فوجیان، ژجیانگ و جیانگسو را که بیش از سایر استان‌های این کشور تحت تأثیر نیروهای حاکم بر بازار قرار دارند، می‌توان به عنوان مناطقی تلقی کرد که در مسیر پیوستن به مناطق با درآمد بالا قرار گرفته‌اند. این امر تا حدی معلول این واقعیت است که شمار بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت در این مناطق کم‌تر است و لذا شرکت‌های خصوصی نوآور مجال بیش‌تری برای توسعه دارند. همچنین این مناطق ارتباطات نسبتاً قوی‌تری با اقتصاد جهانی و زنجیره‌های تولید در سطح بین‌المللی دارند. با این حال، چین در مقیاس کشوری مجبور است برای حفظ میزان بازدهی اقتصادی خود اعتبارات مالی هرچه بیشتری را به این قبیل بنگاه‌ها تزریق کند. به عنوان نمونه در حالی که در سال ۲۰۰۵ یک یوان اعتبار معادل یک یوان تولید ناخالص داخلی را به همراه داشت، در سال ۲۰۰۸ این میزان به کم‌تر از ۰/۸ یوان تولید ناخالص داخلی به ازای هر یوان اعتبار و در سال ۲۰۱۵ به کم‌تر از ۰/۴ یوان تولید ناخالص داخلی در ازای هر یوان اعتبار کاهش یافت.^{۱۴} واقعیت آن است که رشد ۶/۷ درصدی میزان تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۶ به بهای تحمیل بدهی‌های سنگین بر نسل‌های آینده محقق شده است.

اگر چین می‌خواهد از گرفتار شدن در تله درآمد متوسط که در آن نرخ رشد اقتصادی پیش از رسیدن کشور به میزان بالایی از سرانه تولید ناخالص داخلی تثبیت و در مرحله بعد متوقف

13. Overcapacity in China: An Impediment to the Party's Reform Agenda, The European Union Chamber of Commerce in China, February 2016, <http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-over-capacity-in-china>.

14. China Update, Astellon Capital Partners, 2016, p. 7.

می‌شود، اجتناب کند (احتمالی که در برنامه پنج‌ساله سیزدهم توسعه نیز به آن اشاره شده است)، توسعه اقتصادی این کشور در آینده باید متکی به نوآوری باشد و نه سرازیر کردن اعتبارات مالی به بنگاه‌های اقتصادی.^{۱۵}

۲-۳- شتاب چین برای ثروتمند شدن پیش از پیر شدن

به موازات پیر شدن جمعیت چین، نیروی کار آماده این کشور (افراد ۱۵ تا ۵۹ سال) نیز در حال کوچکتر شدن است. طبق گزارش مرکز ملی آمار چین، شمار افراد حاضر در نیروی کار از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۴ به میزان ۳/۷ میلیون نفر و از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۵ نیز ۴/۹ میلیون نفر دیگر کاهش یافته است.^{۱۶} بنابر سرمقاله روزنامه دولتی People's Daily که در دسامبر ۲۰۱۶ با عنوان «سمت و سوی تازه اقتصاد چین»^{۱۷} به چاپ رسیده است،^{۱۸} این مسئله با بسیاری از مشکلات دیگر چین مرتبط بوده و بر آن‌ها تأثیر گذار است. به دیگر سخن، در حالی که روند کاهش نرخ رشد اقتصادی اتکا به نوآوری برای توسعه در آینده را به یک ضرورت تبدیل کرده است، کاهش جمعیت آماده به کار، دستیابی به این هدف را دشوارتر می‌سازد. افزایش همزمان شمار سالمندان نیازمند مراقبت نیز بر دامنه مشکلات می‌افزاید.

15. The 13th Five-Year Plan for Economic and Social Development of the People's Republic of China, www.gov.cn, 17th March, 2016, viewed 17th January, 2017, section 2.1.1 http://www.gov.cn/xinwen/2016-03/17/content_5054992.htm. For analysis of this topic in the government-run Chinese press, see: Pei, Jianrong and Mao, Pengfei China can Draw Lessons from LatAm Efforts to Avoid Middle Income Trap: Experts, Xinhua, 25th January, 2016, viewed 7th January 2017, http://news.xinhuanet.com/english/2016-01/25/c_135043662.htm; Wang, Jinye et al, Reform, Social Security Development of Small Businesses Help Chile Avoid "Middle Income Trap", Xinhua, 29th May, 2016, viewed 7th January, 2017, http://news.xinhuanet.com/english/2016-05/29/c_135397056.htm.

16. Statistical Communique on National Economic and Social Development in 2013, National Bureau of Statistics of the People's Republic of China, 24th February, 2014, viewed 19th January, 2017, http://www.stats.gov.cn/tjsj/zxfb/201402/t20140224_514970.html; Statistical Communique on National Economic and Social Development in 2014, National Bureau of Statistics of the People's Republic of China, 26th February, 2015, viewed 19th January, 2017, http://www.stats.gov.cn/tjsj/zxfb/201502/t20150226_685799.html; Statistical Communique on National Economic and Social Development in 2015, National Bureau of Statistics of the People's Republic of China, 29th February 2016, viewed 19th January, 2017, http://www.stats.gov.cn/tjsj/zxfb/201602/t20160229_1323991.html.

17. New Orientation of the Chinese Economy

18. Tian, Junrong et al., New Orientation of the Chinese Economy People's Daily, 14th December, 2016, viewed 15th December, 2016, <http://finance.people.com.cn/n1/2016/1214/c1004-28947084.html>.

۲-۴- احساس فشار از دو سو: رقابت با کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه

بنابر اظهارات یکی از مقامات وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین، اقتصادهای پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، آلمان و ژاپن، همگی سیاست‌هایی را در راستای حمایت از توسعه هرچه بیش‌تر صنایع کارخانه‌ای خود تدوین کرده‌اند. در عین حال اقتصادهای نوظهور مانند هند و برزیل نیز با مزیت‌هایی که در اختیار دارند در حال ورود به عرصه رقابت هستند.^{۱۹} هرچند شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مزیت کشورهای کم‌تر توسعه یافته دارای بازارهای داخلی کوچک‌تر به لحاظ برخورداری از نیروی کار ارزان قیمت عملاً کم‌تر از آن است که تصور می‌شود،^{۲۰} اما این مسئله به روشنی نشان می‌دهد که دولت چین در حال بروزرسانی بنیان صنعتی کشور است که علاوه بر حفظ صنایع کارخانه‌ای کنونی، در رقابت برای صعود در زنجیره ارزش نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. اکنون که چین با احتمال واگذاری بخش صنایع کارخانه‌ای به اقتصادهایی که توان رقابتی آن‌ها به واسطه برخورداری از امکانات دیجیتال پیشرفته‌تر در حوزه صنعت افزایش یافته، مواجه شده است، این مسئله اهمیت بیشتری نیز پیدا کرده است.^{۲۱} چنان‌که همین مقام رسمی وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین به درستی اشاره کرده است، «چین از هر دو جانب تحت فشار است».^{۲۲}

۲-۵- یک تازه‌وارد به عرصه ماشینی کردن تولیدات کارخانه‌ای

فشار از بالا که مقام رسمی وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین به آن اشاره می‌کند، در روندهای جاری در بخش ماشینی‌سازی بازتاب یافته است. هرچند چین شرکت‌های پرشماری دارد که توانسته‌اند به قابلیت‌های پیشرفته و موقعیت‌های رقابتی در بازار دست یابند،^{۲۳} شالوده

19. 'Made in China 2025' Initiative Unveiled, China Daily, 19th May, 2015, viewed 6th December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/bizchina/2015-05/19/content_20760528.htm.

20. Wubbeke, Jost et al., Made in China 2025: The Making of a High-Tech Superpower and Implications for Industrial Countries, MERICS, December 2016, no. 2, p. 16. <https://www.merics.org/en/merics-analysis/papers-on-china/made-in-china-2025/>.

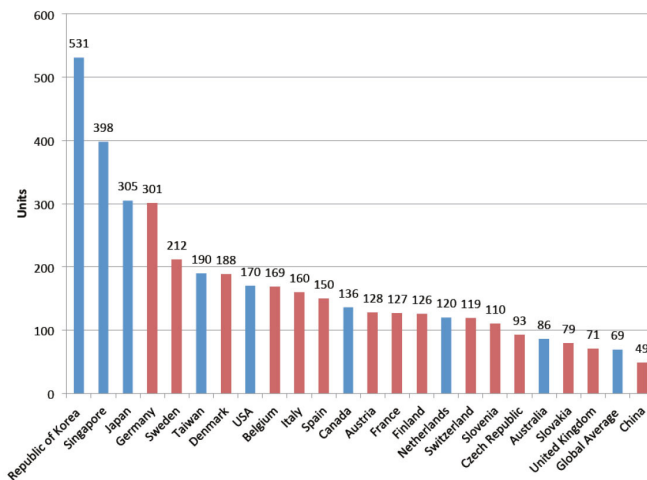
21. Manufacturing Moves Back to the US, The Boston Consulting Group, 29th January, 2015, viewed 12th October, 2016, https://www.bcgperspectives.com/content/infographics/globalization_supply_chain_management_manufacturingreshoring/.

22. 'Made in China 2025' Initiative Unveiled, China Daily, 19th May, 2015, viewed 6th December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/bizchina/2015-05/19/content_20760528.htm.

23. Wubbeke, Jost et al., Made in China 2025: The Making of a High-Tech Superpower and Implications for Industrial Countries, MERICS, December 2016, no. 2, pp. 30-32; <https://www.merics.org/en/merics-analysis/papers-on-china/made-in-china-2025/>.

صنعتی این کشور در قیاس با کشورهای صنعتی عمده غربی و نیز ژاپن و کره جنوبی در حال حاضر از میانگین پیشرفت پایین تری برخوردار است. به عنوان نمونه متوسط میزان ماشینی شدن در شرکت‌های چینی بسیار کم تر است و در این شرکت‌ها به ازای هر ده هزار کارگر تنها ۴۹ ربات وجود دارد. این نسبت در کره جنوبی، آلمان، سوئد و دانمارک به ترتیب ۵۳۱، ۳۰۱، ۲۱۲ و ۱۸۸ و میانگین جهانی آن نیز طبق آمار فدراسیون بین‌المللی ربات‌ها (IFR) ^{۲۴} ۶۹ ربات به ازای هر ده هزار کارگر است. ^{۲۵} همچنین بنابر گزارش مؤسسه مرکاتور مطالعات چین (MERICS) ^{۲۶} در داده‌های فدراسیون جهانی ربات‌ها در مورد چین کارگران مهاجر لحاظ نشده‌اند و اگر کارگران مهاجر نیز لحاظ می‌شدند، میزان تراکم ربات‌ها در چین باز هم کاهش می‌یافت.

به‌کارگیری ربات‌های صنعتی به ازای هر ۱۰ هزار کارگر به تفکیک کشور



۳. طرح CM2025 در مقابل صنعت نسل ۴/۰

به موازات قرار گرفتن این چالش‌ها در برابر چین، روند پیشرفت جهانی تولید و فن‌آوری همچنان و بدون وقفه ادامه دارد. انقلابات صنعتی اول، دوم و سوم حاصل توسعه تولید مکانیکی با تکیه بر نیروی آب و بخار آب، ایجاد خطوط تولید برای تولید انبوه با تکیه بر نیروی برق

24. International Federation of Robots

25. World Robotics Report 2016: European Union Occupies Top Position in the Global Automation Race, International Federation of Robots, 29th September, 2016, viewed 2nd December, 2016, p. 2, <http://www.ifr.org/news/ifr-press-release/world-robotics-report-2016-832/>.

26. Mercator Institute of China Studies

و حرکت به سمت ماشینی‌سازی به ترتیب از طریق به‌کارگیری علوم الکترونیک و فن‌آوری اطلاعات بودند. چهارمین انقلاب در حال وقوع، بر مبنای دورنمایی از افزایش دیجیتال شدن تولیدات کارخانه‌ای با تکیه بر سیستم‌های تولیدی سایبری-فیزیکی استوار است که در آن‌ها بر داده‌ها و رایانش ابری امکان تبادل و تحلیل اطلاعات در کل زنجیره‌های ارزش در بخش صنعت را به واسطه تعامل شبکه‌های به‌هم‌پیوسته متشکل از انسان‌ها و ربات‌هایی که با هم کار می‌کنند فراهم می‌نماید.^{۲۷}

این تحول در بسیاری از موارد، از هم‌اینک به دگرگونی رویکرد شرکت‌ها در اروپا و سایر مناطق جهان در قبال مقوله تولید منجر شده است. این تحول ما را با آنچه در تمامی مراحل تولید در حال رخ دادن است آشنا می‌کند: امری که امکان انجام تغییرات در زمان واقعی به موازات تعامل مستقل میان ماشین‌ها و سیستم‌ها و تنظیم کارهای خود بر مبنای اطلاعات جدید را فراهم می‌سازد. این امر تنها به تبادل اطلاعات در میان خطوط تولید محدود نیست و کل زنجیره‌های ارزش در بخش صنعت از جمله زنجیره‌های موجود میان چندین کارخانه - کارکردهایی مانند تعمیر و نگهداری، فهرست اقلام، تدارکات و فروش و نیز تبادل اطلاعات با عرضه‌کنندگان - را شامل می‌شود.^{۲۸} در نهایت این تحولات می‌توانند امکان کاهش اتلاف منابع، افزایش میزان کارایی و تشخیص مشکلات و موارد احتمالی عدم کارکرد مناسب پیش از وقوع آن‌ها را برای شرکت‌ها فراهم نمایند. بدین ترتیب بسیاری از شرکت‌هایی که در گذشته عمدتاً بر تولید محصولات کارخانه‌ای متمرکز بودند، اکنون به شکل فرایندهای در حال تبدیل شدن به شرکت‌های متکی به فن‌آوری هستند.

آلمان با ایجاد مدل صنعت نسل ۴/۰ به عنوان یکی از پروژه‌های آتی حاصل از راهبرد دولت در زمینه فن‌آوری‌های پیشرفته در چارچوب برنامه کاری سال ۲۰۲۰، یکی از پیشگامان این عرصه بوده است. این مدل صنعتی حاصل مبادلات عمیق میان دولت آلمان، صنایع، اندیشکده‌ها و اتحادیه‌های تجاری این کشور بود که در آن نقش دولت عمدتاً تسهیل تبادلات و حمایت از اقدامات مربوط به حوزه تحقیقات و توسعه بود.^{۲۹} اتحادیه اروپا نیز برنامه‌ای را

27. Wee, Dominik et al, Industry 4.0: How to Navigate Digitisation of the Manufacturing Sector, MckInsey & Co., 2015, pp. 7-13, viewed 5th December, 2016, https://www.mcki.nsey.de/files/mck_industry_40_report.pdf.

28. Industrie 4.0: The Digitisation of the Economy, Federal Ministry for Economic Affairs and Energy, Germany, viewed 5th December, 2016, <http://www.bmwi.de/EN/Topics/Economy/Industrial-policy/industrie-4-0.html>.

29. Industrie 4.0: Smart Manufacturing for the Future, Germany Trade & Invest, viewed 6th December, 2016, http://www.gtai.de/GTAI/Content/EN/Invest/_SharedDocs/Downloads/GTAI/Brochures/Industries/industrie4.0-smart-manufacturing-for-the-future-en.pdf.

در چارچوب سند موسوم به افق ۲۰۲۰ با عنوان «کارخانه‌های آینده» در دست اجرا دارد،^{۳۰} فرانسه طرحی را با عنوان «صنعت آینده» تدوین کرده است،^{۳۱} و بریتانیا نیز برنامه‌ای موسوم به «جهش به سمت تولیدات کارخانه‌های دارای ارزش بالا» را در دست اجرا دارد.^{۳۲} در سال ۲۰۱۴ گروهی از شرکت‌های عمده فعال در حوزه فن آوری در آمریکا اقدام به تشکیل کنسرسیوم اینترنت صنعتی کردند که در زمینه توسعه و هماهنگ‌سازی فن آوری‌های مرتبط با این حوزه با دولت‌ها و محافل دانشگاهی ارتباط دارد.^{۳۳} نکته قابل توجه آن که مشارکت در این طرح‌ها عموماً برای شرکت‌های بین‌المللی فعال در مناطق تحت پوشش آن‌ها آزاد است.

۳-۱- اختلافات بنیادین با رویکرد اتحادیه اروپا همچنان به قوت خود باقی هستند

کشورهای عضو اتحادیه اروپا عمدتاً بر تسهیل فرایند نوآوری و پیشرفت در حوزه فن آوری متمرکز شده‌اند. تحقق این امر مستلزم ایجاد نهادهای نیرومند، صیانت از مالکیت فکری، حمایت از طرح‌های تحقیقات و توسعه در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات عمومی بدون تعیین مسیرهای نوآوری در حوزه فن آوری، ایجاد زمینه مشارکت بنگاه‌های کوچک و متوسط در این فرایند و سخت‌گیری در خرید اقلام و کالاهای مختلف از دولت است. صنعت نسل ۴/۰ عمدتاً یک فرایند از پایین به بالا است که بنگاه‌های اقتصادی آن را هدایت می‌کنند.

برخلاف رویکرد از بالا به پایین که دولت چین اتخاذ می‌کند، اتحادیه اروپا ارائه کمک‌های مالی و یارانه‌های گسترده دولتی به منظور پشتیبانی از فروش محصولات را به عنوان یک ابزار راهبردی مؤثر تلقی نمی‌کند. به عنوان نمونه، حداکثر مبلغ تعیین شده جهت اختصاص به صنعت نسل ۴/۰ در برنامه عملی دولت آلمان ۲۰۰ میلیون یورو بود و نمایندگان صنایع مختلف نیز متعهد شدند که ۲/۵ میلیارد یورو را طی ده سال مدت اجرای این طرح در شش حوزه هزینه نمایند.^{۳۴} برخلاف آن‌چه در چین شاهد آن هستیم، در این طرح تنها حمایت از طریق اعطای

30. Factories of the Future, European Commission, viewed 6th December, 2016, http://ec.europa.eu/research/industrial_technologies/factories-of-the-future_en.html.

31. The Industry of the Future, Government of France, viewed 6th December, 2016, http://www.economie.gouv.fr/files/files/PDF/pk_industry-of-future.pdf.

32. High Value Manufacturing Catapult, Innovate UK, viewed 6th December, 2016, <https://hvm.catapult.org.uk/>.

33. Industrial Internet Consortium, viewed 6th December, 2016, <http://www.iiconsortium.org/>.

34. Industrie 4.0: Smart Manufacturing for the Future, Germany Trade & Invest, viewed 6 December, 2016, http://www.gtai.de/GTAI/Content/EN/Invest/_SharedDocs/Downloads/GTAI/Brochures/Industries/industrie4.0-smart-manufacturing-for-the-future-en.pdf.

اعتبارات مالیاتی در حوزه تحقیقات و توسعه پیش‌بینی شده و هیچ یارانه‌ای در حوزه تولید یا فروش محصولات ارائه نمی‌گردد. همچنین کشورهای عضو اتحادیه اروپا عموماً رویکردی مشارکت‌جویانه را اتخاذ می‌کنند که در آن طیف گسترده‌ای از شرکا از امکان مشارکت برخوردار می‌شوند. نمونه بارز این رویکرد باز در حوزه تحقیقات و توسعه را باید در این واقعیت جستجو کرد که در پایان سال ۲۰۱۶، چین یکی از سه شریک خارجی اصلی در برنامه موسوم به افق‌های ۲۰۲۰ در زمینه انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بود.

همچنین حمایت از بخش تحقیقات و توسعه در قلمرو اتحادیه اروپا بیش‌تر به سمت تحقیقات بنیادین در حوزه‌هایی جریان دارد که امکان حصول پیشرفت‌های تازه در آن‌ها وجود دارد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۳، بریتانیا، اتریش، فرانسه، ایتالیا و هلند به ترتیب حدود ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۳۹ درصد از کل بودجه تحقیقاتی خود را به تحقیقات بنیادین اختصاص دادند که این میزان شامل بودجه‌های عمومی، صنعتی و خصوصی بود.^{۳۵} در همین سال، تنها ۵ درصد کل بودجه چین در حوزه تحقیقات و توسعه به تحقیقات بنیادین اختصاص یافته است.^{۳۶} در مورد سهم دولت در تأمین منابع مالی جهت انجام تحقیقات پایه در دانشگاه‌ها نیز، فاصله قابل توجهی میان چین و اروپا وجود دارد و بریتانیا، اتریش، فرانسه، ایتالیا و هلند به ترتیب حدود ۴۵، ۵۵، ۸۲، ۵۶ و ۵۸ درصد از منابع مالی خود را در سال ۲۰۱۳ به این حوزه اختصاص داده‌اند، حال آن‌که این میزان برای چین تنها ۳۶ درصد بوده است.^{۳۷}

35. Research and Development Statistics: R-D Expenditures by Sector of Performance and Type of R-D (2016 Edition), OECD, 2016, viewed 25th January 2017, http://www.oecd-ilibrary.org/science-and-technology/data/research-and-development-statistics/research-and-development-statistics-r-d-expenditure-by-sector-of-performance-and-type-of-r-d-edition-2016_5b3ace4d-en.

36. Ibid.

37. Ibid.

۴- طرح CM2025

۴-۱- CM2025 چیست؟

دولت چین طرح CM2025 را در واکنش به چالش‌های داخلی و خارجی فراروی صنایع کارخانه‌ای خود تدوین کرده است. هرچند در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که این طرح به شدت از طرح صنعت ۴/۰ آلمان الهام گرفته برداری شده است، اما این طرح چیزی فراتر از آن است. طرح صنعت ۴/۰ مربوط به حوزه پیشرفت فن آوری است، حال آن که طرح CM2025 به اصلاح ساختار کل بخش صنعت و افزایش توان رقابت آن با تکیه بر پیشرفت‌ها در حوزه فن آوری‌های تولید، صرفاً به عنوان یکی از ابزارها، مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، طرح صنعت ۴/۰ تنها یکی از بخش‌های راهبرد چین را تشکیل می‌دهد. دقت در سخنرانی بسیار مهم شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در اجلاس مشترک انجمن علوم و انجمن مهندسی چین در ژوئن ۲۰۱۴ ما را با برخی از مهم‌ترین انگیزه‌های سیاسی اجرای این طرح آشنا می‌کند. وی در این سخنرانی از جمله گفته است: «بنیه چین در حوزه علوم و فن آوری هنوز قوی نیست. ظرفیت چین در حوزه نوآوری بومی و به ویژه نوآوری‌های بدیع همچنان پایین است. اساساً این واقعیت که ما در حوزه‌های حیاتی و فن آوری‌های کلیدی تحت کنترل دیگران هستیم، تغییر نکرده است».^{۳۸}

بنابراین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که باید ظرفیت داخلی کشور برای نوآوری را تقویت و موانع نهادی موجود بر سر راه تحقق این هدف را نیز از پیش رو بردارند. یکی از ابزارهای تحقق این هدف بهبود هماهنگی میان دولت، مراکز دانشگاهی و بخش صنعت خواهد بود. هرچند معنای دقیق واژه «بومی» در پیوند با طرح CM2025 هنوز روشن نیست، اما این واژه اخیراً تنها در مورد فن آوری‌ها و محصولات تولید شده در داخل چین به کار رفته و به عنوان «تقویت نوآوری‌های بدیع از طریق هم‌نوآوری و بازنوآوری بر مبنای شبیه‌سازی فن آوری‌های وارداتی» تعریف شده است.^{۳۹}

38. Xi Jinping: Speech at the 11th Conference of the Chinese Academy of Sciences and 12th Conference of the Chinese Academy of Engineering, Chinese Communist Party News, 9th June, 2014, viewed 12th October, 2016, <http://cpc.people.com.cn/n/2014/0610/c64094-25125594.html>.

39. The National Medium- and Long-Term Plan for the Development of Science and Technology, 2006-2020, State Council, 26th February, 2006, viewed 22nd December, 2016. http://www.most.gov.cn/mostinfo/xinxifenlei/gjkjgh/200811/t20081129_65774.htm.

نوآوری در مقابل اختراع

باید به این نکته توجه داشت که دو مفهوم «نوآوری» و «اختراع» با هم یکی نیستند. نوآوری را می‌توان به عنوان معرفی پدیده‌ها و روش‌های جدیدی تعریف کرد که در بازار تولید ارزش می‌کنند.^{۴۰} نوآوری می‌تواند به سادگی انطباق فن آوری یا مدل کسب و کار موجود به صنعت جدیدی باشد که تا پیش از آن در آن صنعت مورد استفاده قرار نگرفته بوده است. اما اختراع را می‌توان به عنوان «چیزی که تا پیش از این هرگز ساخته نشده یا فرایند ساختن چیزی که هرگز پیش از آن ساخته نشده» تعریف کرد.^{۴۱} غالباً تحقق مورد اخیر مستلزم سرمایه‌گذاری عمده در تحقیقات پایه است.

طرح CM2025 که بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ را در بر می‌گیرد و در آن اهدافی هم برای سال ۲۰۲۰ و هم برای سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی شده است، نخستین مرحله از یک برنامه سه‌مرحله‌ای جهت تبدیل چین به یکی از قطب‌های اصلی صنعتی در جهان تا سال ۲۰۴۹ یعنی صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین به شمار می‌رود. به منظور تحقق این هدف در طرح CM2025 به این واقعیت توجه شده است که به دلیل عدم برخورداری صنعت تولیدات کارخانه‌ای چین از شرکت‌های بین‌المللی و محصولات مستقل دارای توان رقابت^{۴۲} و نیز به واسطه وابستگی به شرکت‌های خارجی جهت تأمین انواع متعددی از فن‌آوری‌های اصلی و نیز انواع مختلف تجهیزات سرمایه‌ای، در حال حاضر صنعتی بزرگ اما نه چندان قوی است. همچنین در این طرح این نکته مورد توجه قرار گرفته است که با پایان رشد دورقمی در حوزه تولیدات کارخانه‌ای به واسطه روش‌های سنتی ناکارآمد و فقدان تولیدات کارخانه‌ای با کیفیت عالی، کشور نیازمند بروزرسانی کیفیت بینه صنعتی خود است. عموماً این تلقی وجود دارد که این طرح تا حد زیادی از مدل آلمان الهام گرفته و تنها برخی تغییرات در آن به منظور انطباق با شرایط چین صورت گرفته است.^{۴۳}

40. Fast and Furious, The Economist, 12 September, 2015, viewed 16 December, 2016, <http://www.economist.com/news/special-report/21663325-chinese-private-firms-are-embracing-innovation-fast-and-furious>.

41. 'Invention', Cambridge Dictionary, viewed 19th January, 2017, <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/invention>.

42. Notification on the Printing and Distribution of Made in China 2025, State Council, 8th May, 2015, viewed 7th December, 2016, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-05/19/content_9784.htm; Made in China 2025, China Daily, 10th March, 2015, viewed 7th December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/opinion/2015-03/10/content_19764324.htm.

43. Zhao, Yanan, China unveils ambitious plans to upgrade manufacturing power, State Council, 26th March, 2015, viewed 7th December, 2016, http://english.gov.cn/premier/news/2015/03/26/content_281475077781817.htm.

لی کی کیانگ،^{۴۴} نخست‌وزیر چین برای نخستین بار در جریان ارائه گزارش سالانه کار دولت خود در خلال برگزاری کنگره ملی خلق در مارس ۲۰۱۵ از تعهد مقامات رسمی این کشور به طرح CM2025 سخن به میان آورد.^{۴۵} شورای حکومتی چین رسماً در ماه مه سال ۲۰۱۵ از این طرح به شکل رسمی رونمایی کرد^{۴۶} و از آن پس و در برنامه پنج‌ساله سیزدهم که در مارس ۲۰۱۶ به تصویب رسیده نیز بارها به آن اشاره شده است.

در تحولی دیگر که اهمیت این طرح را بیش از پیش نشان می‌دهد، گروه کوچک پیشتاز تولیدات کارخانه‌ای چین^{۴۷} در ژوئن ۲۰۱۵ به ریاست ما کای^{۴۸}، معاون اول نخست‌وزیر این کشور تشکیل شد.^{۴۹} میائو وی^{۵۰}، وزیر صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین در کنار پنج مقام رسمی دیگر در سطح وزارت از جمله لین نیانشیو^{۵۱}، معاون رئیس کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات (NDRC)^{۵۲} به عنوان معاون رییس برگزیده شدند.^{۵۳} وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین وظیفه رهبری فرایند اجرای طرح تحت نظارت گروه کوچک پیشتازان را بر عهده دارد و کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات، وزارت علوم و فن‌آوری، وزارت دارایی و انجمن مهندسی چین نیز در این میان نقش مهمی ایفا می‌کنند.

44. Li Keqiang

45. Government Work Report, The State Council, www.gov.cn, 16th March, 2015, viewed 9th January 2017, http://www.gov.cn/guowuyuan/2015-03/16/content_2835023.htm.

46. 'Made in China 2025' Initiative Unveiled, China Daily, 19th May, 2015, viewed 6th December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/bizchina/2015-05/19/content_20760528.htm.

47. China Strong Manufacturing Leading Small Group

48. Ma Kai

49. State Council: Notice on the Formation of China Strong Manufacturing Leading Small Group, State Council, 24th June, 2015, viewed 12th October, 2016, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-06/24/content_9972.htm.

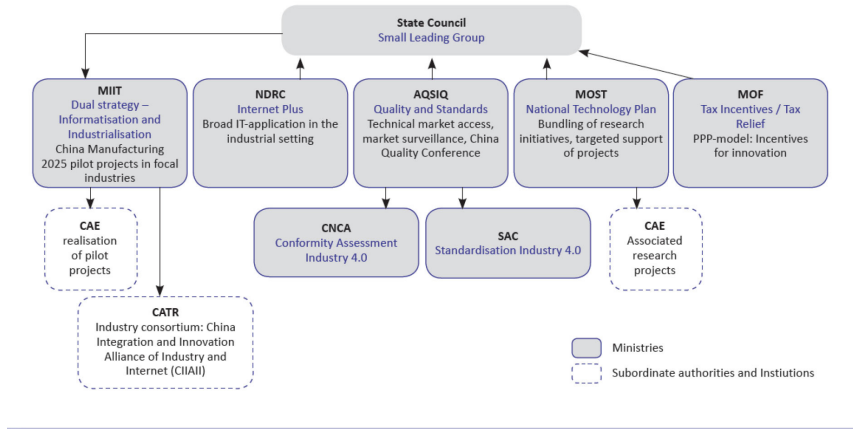
50. Miao Wei

51. Lin Nianxiu

52. National Development and Reform Commission

53. Ibid.

مسئولیت‌ها و ابتکار عمل‌های سیاسی تحت برنامه تولیدات کارخانه‌های چین ۲۰۲۵



علاوه بر معرفی نه‌مأموریت کلیدی به عنوان اولویت، طرح CM2025 در بردارنده ده بخش کلیدی به عنوان بخش‌هایی است که توجه ویژه‌ای در این طرح به آن‌ها شده است.^{۵۴} ذیلًا به معرفی این اولویت‌ها به همان ترتیب ارائه‌شده در برنامه اصلی می‌پردازیم:

- فن‌آوری‌های اطلاعاتی نسل بعد
- ماشین‌آلات و ربات‌های پیشرفته با کنترل عددی
- تجهیزات هوافضا و هوانوردی
- تجهیزات مهندسی دریایی و ساخت کشتی‌های پیشرفته
- تجهیزات پیشرفته
- خودروهای کم‌مصرف و خودروهای متکی به انرژی‌های جدید
- تجهیزات الکتریکی
- ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی

۵۴. این ده حوزه عبارتند از: افزایش نوآوری در بخش تولیدات کارخانه‌ای، ایجاد پیوند میان فن‌آوری اطلاعات و بخش صنعت، تقویت بنیه صنعتی، تقویت برندهای چینی، اجرای قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست در بخش تولیدات کارخانه‌ای، کمک به حصول پیشرفت در بخش‌های کلیدی، پیشبرد روند اصلاح ساختار بخش تولیدات کارخانه‌ای، ترویج تولیدات کارخانه‌ای خدمات‌محور و نیز تقویت صنایع خدماتی مرتبط با تولیدات کارخانه‌ای، و بالاخره جهانی‌سازی بخش تولیدات کارخانه‌ای.

● مواد جدید

● فرآورده‌های دارویی زیستی و دستگاه‌های پزشکی پیشرفته

● برخی از اهداف کلیدی تعیین شده در طرح CM2025 عبارتند از:

● افزایش میزان تولید داخلی قطعات و مواد اولیه به ۷۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ از ۴۰ درصد در سال ۲۰۲۰

● کاهش ۵۰ درصدی هزینه‌های جاری، طول چرخه تولید و میزان خرابی محصولات تا سال ۲۰۲۵ در مقایسه با ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۰

● ایجاد ۱۵ مرکز نوآوری تا سال ۲۰۲۰ و رساندن این تعداد به ۴۰ مرکز تا سال ۲۰۲۵

سیاست‌های صنعتی به منظور پیشرفت تکنولوژیک - اهداف اصلی برنامه تولیدات کارخانه‌ای چین ۲۰۲۵

۲۰۲۵	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۳	
نوآوری				
۶۸/۱	۲۶/۱	۹۵/۰	۸۸/۰	سهم مخارج تحقیق و توسعه از درآمدهای عملیاتی (درصد)
۱/۱	۷/۰	۴۴/۰	۳۶/۰	تعداد حق اختراع‌ها به ازای هر ۱۰۰ میلیون یوآن درآمد
کیفیت				
۵/۸۵	۵/۸۴	۵/۸۳	۱/۸۳	شاخص کیفیت رقابت‌پذیری
۴	۲	-	-	رشد ارزش افزوده بخش صنعت (درصد)
۵/۶	۵/۷	-	-	رشد بهره‌وری (درصد متوسط سالانه)
دیجیتالی شدن صنعت				
۸۲	۷۰	۵۰	۳۷	اینترنت بهین‌باند (ضریب نفوذ - درصد)
۸۴	۷۲	۵۸	۵۲	استفاده از طراحی دیجیتالی در تحقیق و توسعه (ضریب نفوذ - درصد)
۶۴	۵۰	۳۳	۲۷	استفاده از ماشین‌های کنترل عددی در فرآیندهای اصلی تولید (ضریب نفوذ - درصد)
حفاظت محیط زیست				
-۳۴	-۱۸	-	-	کاهش شدت انرژی در صنعت (درصد در مقایسه با ۲۰۱۵)
-۴۰	-۲۲	-	-	کاهش شدت انتشار دی‌اکسید کربن (درصد در مقایسه با ۲۰۱۵)
-۴۱	-۲۳	-	-	کاهش شدت مصرف آب (درصد در مقایسه با ۲۰۱۵)
۷۹	۷۳	۶۵	۶۲	استفاده مجدد از ضایعات صنعتی (درصد از کل ضایعات)

کوتاه سخن آن که طرح CM2025 طرحی به شدت بلندپروازانه است.

هرچند بسیاری از شرکت‌های چینی همچنان بر مبنای مدل صنعت نسل ۲/۰ فعالیت می‌کنند و فاقد ظرفیت انتقال سریع به مدل صنعت ۴/۰ هستند، اما این کشور از برخی جهات برای اجرای مدل صنعتی ۴/۰ در موقعیت مناسبی قرار دارد. علت این امر نیز آن است که این کشور در شرکت‌های بایدو، علی‌بابا و تنسنت از ظرفیت‌هایی قوی و در برخی موارد پیشگامانه‌ای در زمینه دیجیتالی شدن و ابر داده‌ها برخوردار است. برنامه عملی چین تحت عنوان اینترنت پلاس که برای نخستین بار در سال ۲۰۱۳ و توسط پونی ما^{۵۵}، مدیر عامل شرکت تنسنت معرفی شد، بر بروزرسانی صنایع موجود از طریق تقویت ارتباط آن‌ها با اینترنت متمرکز است و بنابراین مکمل طرح CM2025 است.^{۵۶} چنان‌که آقای لی در گزارش کاری سالانه دولت خود نیز عنوان کرده است، هدف از تدوین برنامه عملی اینترنت پلاس «ایجاد ارتباط میان اینترنت موبایل، رایانش ابری، ابر داده و اینترنت اشیا با صنعت مدرن تولیدات کارخانه‌ای است».^{۵۷} اما به لحاظ برنامه‌های فرعی و برنامه‌های مربوط به بخش‌های خاص و نیز میزان منابع مالی تخصیص یافته به این برنامه‌ها، طرح CM2025 همچنان محور اصلی رویکرد دولت چین در زمینه ارتقای صنعت تولیدات کارخانه‌ای این کشور را تشکیل می‌دهد.

۴-۲- اهداف تعیین شده در زمینه سهم در بازار و نوآوری بومی

بیانیه اصلی شورای حکومتی چین در مورد طرح CM2025 در بردارنده هدف گذاری‌هایی در زمینه گرفتن سهم از بازار به منظور حصول اطمینان از خود کفایی در زمینه تأمین ۴۰ درصد قطعات اصلی و مواد کلیدی تا سال ۲۰۲۰ و ۷۰ درصد این اقلام تا سال ۲۰۲۵ است.^{۵۸} در راستای اظهارات آقای شی در جریان اجلاس مشترک انجمن علوم چین و اندیشکده دولتی در سطح وزیران وابسته به انجمن مهندسی چین در سال ۲۰۱۴، یک اندیشکده در سطح وزارت خانه‌ها در دولت، در بیانیه شورای حکومتی در مورد این طرح، کاهش مشخص وابستگی چین به فن آوری‌های خارجی تا سال ۲۰۲۵ هدف گذاری شده است. همچنین سند مربوط به تفسیر سند CM2025 که وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین بر روی وبسایت خود منتشر کرده است، حاوی هدف گذاری‌های بازاری بیشتری برای خودروهای برقی تولید داخل و خودروهای برقی پرریدار و رساندن سهم آن‌ها در بازار داخلی به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۲۰ و رساندن سهم خودروهای متکی به انرژی‌های جدید به بیش از ۸۰ درصد کل بازار

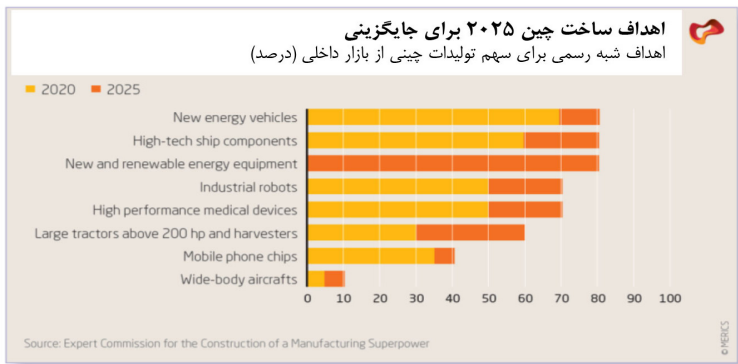
55. Pony Ma

56. Guidance Opinion on Actively Promoting the “Internet+” Initiative, State Council, 4 July, 2015, viewed 9 January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-07/04/content_10002.htm.

57. Government Work Report, The State Council, www.gov.cn, 16th March, 2015, viewed 9th January, 2017, http://www.gov.cn/guowuyuan/2015-03/16/content_2835023.htm.

58. Notification on the Printing and Distribution of Made in China 2025, State Council, 8 May, 2015, viewed 7 December, 2016, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-05/19/content_9784.htm.

داخلی تا سال ۲۰۲۵ است.^{۵۹} تعیین این اهداف با مفاد بیانیه نخست شورای حکومتی چین در تناقض است که بر مبنای آن قرار بود بازار نقش اصلی را در تخصیص منابع ایفا نماید. این تلاش به منظور جهت‌دهی فعالانه به مسیر توسعه اقتصادی، با تشکیل کمیته مشورتی راهبردی ایجاد یک کشور برخوردار از یک صنعت قوی تولیدات کارخانه‌ای^{۶۰}، جهت نظارت بر روند تدوین نقشه راه فن‌آوری‌های حوزه‌های کلیدی سند CM2025 که در اکتبر ۲۰۱۵ در دسترس همگان قرار گرفت، گسترش بیش‌تری یافت.^{۶۱} این سند توسط ۴۸ چهره دانشگاهی و بیش از ۴۰۰ متخصص فنی و نمایندگان بخش صنعت و تحت نظارت انجمن مهندسی چین تدوین شد. در این سند صدها هدف مربوط به کسب سهم بازار در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۵، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی و نیز فن‌آوری‌ها و محصولات که باید در تمامی ده صنعت مشمول این طرح طراحی و ساخته شوند، مطرح شده است.^{۶۲} روشن است که این تنها یک طرح داخلی نیست. بلکه پیامدهای مستقیمی برای شرکت‌های اروپایی در بازارهای اروپا و سایر بازارها دارد. اما هنوز روشن نیست که از میان حجم محصولات فروخته شده، درصد ارزش افزوده قطعات چینی در محصولات تولیدشده، درصد مالکیت چین بر حقوق فکری یا تلفیقی از این معیارها، کدام یک در سنجش میزان سهم چین در بازار به عنوان معیار مورد استفاده قرار خواهد گرفت.



59. Interpretation of 'Made in China 2025': Promoting the Development of Clean and New Energy Vehicles, www.gov.cn, 12th May, 2016, viewed 7th December, 2016 www.gov.cn/zhuanti/2016-05/12/content_5072762.htm.

60. Strategic Consulting Committee for the Establishment of a Strong Manufacturing Country

61. China Manufacturing 2025 Key Area Technology Roadmap, China Academy of Engineering, October 2015, viewed 9th September, 2016, http://www.cae.cn/cae/html/files/2015-10/29/20151029105822561730637.pdf.

62. Ibid. For a summary of key points and market share targets, see: U.S. Chamber of Commerce Analysis of Made in China Major Technical Area Roadmap, US Chamber of Commerce, December 2015.

همچنین در نقشه راه مربوط به سند CM2025 بارها به مفاهیم «نوآوری بومی» و «خودکفایی» اشاره شده است و چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، هرچند معنای واژه «بومی» در پیوند با سند CM2025 هنوز روشن نیست، اما این واژه در گذشته و در برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۲۰ (MLP)^{۶۳} و طرح موسوم به راهبرد صنایع نوظهور راهبردی (SEIs)^{۶۴} که از بطن آن برنامه بیرون آمد، تنها در اشاره به فن‌آوری‌ها و محصولات تولیدشده در داخل چین مورد استفاده قرار گرفته و مفهوم نوآوری نیز در سند برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری به عنوان «تقویت نوآوری‌های بدیع از طریق هم‌نوآوری و بازنوآوری بر مبنای شبیه‌سازی فن‌آوری‌های وارداتی» تعریف شده است.^{۶۵} به عنوان نمونه، در نقشه راه سند CM2025 در مورد خودروهای کم‌مصرف آمده است که چین تا سال ۲۰۲۵ از نظر فروش این خودروها باید سه شرکت از پنج شرکت برتر این عرصه را در اختیار داشته باشد و شهرت محصولات بومی نیز از محصولات شرکت‌هایی که با سرمایه‌گذاری مشترک خارجی ایجاد شده‌اند، بیشتر باشد. در این سند در خصوص خودروهای برقی داخلی نیز آمده است که از ده برند بین‌المللی این خودروها، دو برند باید داخلی باشند. این مسئله به روشنی نشان می‌دهد که شرکت‌های حاصل از سرمایه‌گذاری‌های مشترک داخلی و خارجی در چین که شرکت‌های اروپایی در آن‌ها سرمایه‌گذاری قابل توجهی کرده‌اند، نمی‌توانند مصداق مفهوم «بومی» باشند. در تحولی مهم، روزنامه دولتی چاینا دیلی در سپتامبر ۲۰۱۵ گزارش داد که کمیته مشورتی راهبردی به سرپرستی ما کای، معاون نخست وزیر چین رویکردهای توسعه مندرج در نقشه راه طرح CM2025 برای صنعت نوین را تصویب کرده است.^{۶۶}

این اخبار هم با تصمیم کنگره سوم خلق و هم با بیانیه نخست شورای حکومتی در زمینه طرح CM2025 پیرامون نقش تعیین‌کننده بازار در تخصیص منابع کاملاً مغایرت دارد. به همین

63. Medium- and Long-term Plan for the Development of Science and Technology

64. Decision on Accelerate and Develop Strategic Emerging Industries, State Council, 18th October, 2010, viewed 9th January, 2017, http://www.gov.cn/zwgc/2010-10/18/content_1724848.htm; Strategic Emerging Industries Likely to Contribute 8% of GDP by 2015, People's Daily, 19th October, 2010, viewed 6th December, 2016, <http://en.people.cn/90001/90778/90862/7170816.html>.

65. The National Medium- and Long-Term Plan for the Development of Science and Technology 2006-2020, State Council, 26th February, 2006, viewed 22nd December, 2016. http://www.most.gov.cn/mostinfo/xinxifenlei/gjkjgh/200811/t20081129_65774.htm.

66. Hao, Yan, New-Energy Vehicles to Get Renewed Push, China Daily, 30th September, 2015, viewed 15th December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/business/motoring/2015-09/30/content_22017079.htm.

ترتیب، تمرکز بر هدف گذاری‌های مربوط به سهم تولیدات داخلی در بازار و نوآوری‌های بومی نیز مستقیماً با تعهد پذیرفته شده در برنامه پنج‌ساله سیزدهم به منظور تقویت همه‌جانبه روابط دوجانبه، کمک به جابجایی منظم سرمایه بین‌المللی در کشور، تخصیص منابع به شکل کارآمد، ایجاد پیوند عمیق میان بازارها و تسریع در تقویت مزایای جدید در عرصه رقابت بین‌المللی در تناقض است.^{۶۷}

نکته دیگری که هنوز روشن نیست آن است که چگونه می‌توان میان طرح CM2025 و برنامه‌های چین برای خصوصی‌سازی نظام سرمایه‌گذاری خود چنان که در سخنرانی آقای شی در داووس و نیز در بیانیه شورای حکومتی این کشور در ۱۷ ژانویه نیز به آن اشاره شده است، سازگاری ایجاد نمود.^{۶۸} این تناقضات نشان می‌دهند که طرح CM2025 در واقع یک برنامه جایگزینی واردات در مقیاس گسترده با تمرکز بر صنایع داخلی کلیدی و یا حداقل برنامه‌ای برای تضعیف شدید موقعیت شرکت‌های خارجی در این صنایع، هم به عنوان تأمین‌کنندگان قطعات کلیدی و هم به عنوان عرضه‌کنندگان محصولات تمام شده است.

۴-۳- برنامه‌ریزی برای آینده اقتصاد چین

در جریان گفتگوی میان اتاق بازرگانی اروپا و وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین در اوایل سال ۲۰۱۶، نقشه راه CM2025 به عنوان برنامه دولت چین برای صنعت تولیدات کارخانه‌ای این کشور معرفی شد. اما در جلسه دیگری که با حضور نمایندگان اتاق بازرگانی اروپا و مقامات ارشد وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۶ تشکیل شد، تلاش شد تا مسائل مربوط به اهمیت اهداف علناً تعیین شده در زمینه تصاحب سهم از بازار در نقشه راه CM2025 کم‌اهمیت جلوه داده شوند و این نقشه راه صرفاً به عنوان سندی بازتاب دهنده نظرات چهره‌های دانشگاهی فاقد تأثیرگذاری واقعی بر فرایند سیاست‌گذاری کنار گذاشته شود. اما اتاق بازرگانی اروپا به سه دلیل شدیداً در مورد صحت این پاسخ تردید دارد: اولاً انطباق کاملاً مشخصی میان هدف‌های تعیین شده در بیانیه نخست شورای حکومتی چین در مورد طرح CM2025 در زمینه تصاحب سهم در بازار، دستورالعمل‌های مندرج در وبسایت

67. The 13th Five-Year Plan for Economic and Social Development of the People's Republic of China, www.gov.cn, 17th March, 2016, viewed 17th January, 2017, http://www.gov.cn/xinwen/2016-03/17/content_5054992.htm.

68. Notice of the State Council on Several Measures on Promoting Further Openness and Active Utilization of Foreign Investment, The State Council, 17th January, 2017, viewed 21st January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2017-01/17/content_5160624.htm.

وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین و دستورالعمل‌های مندرج در سند مذکور وجود دارد؛ ثانیاً، انجمن مهندسی چین اندیشکده‌ای در حد یک وزارت خانه دولتی است و ثالثاً پروژه این نهاد با عنوان تحقیقات راهبردی در زمینه نیروهای تولید صنعتی^{۶۹} بنابر گزارش‌ها تا حدی مأخذ تدوین طرح CM2025 بوده است. این امر نشان می‌دهد که طرح CM2025 حداقل یک سند نیمه رسمی است. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که برنامه‌های پنج‌ساله مربوط به صنایع مختلف نیز منتشر شده‌اند و در آن‌ها به صراحت به اجرای طرح CM2025 اشاره گردیده است.

با این حال، اولویت‌ها و اهداف تعیین شده در سند CM2025 پیام روشنی را به مقامات استانی و محلی، بنگاه‌های تحت مالکیت دولت و شرکت‌های خصوصی چینی در زمینه اولویت‌های دولت مرکزی این کشور فرستاده است. این سند آشکارا به آن‌ها نشان داده است که در کدام بخش‌ها باید انتظار دریافت یارانه‌ها، سایر اشکال حمایت و لذا فرصت‌های کوتاه‌مدت جهت کسب سود را داشته باشند.

۴-۴- برنامه‌ریزی در سطح کلان: تفکر جدید

به موازات هدف اصلی مندرج در سند CM2025 جهت ارتقای جامع کل صنایع کارخانه‌ای چین از طریق تمرکز بر کل زنجیره‌های ارزش در بخش صنعت، برنامه‌های فرعی و دستورالعمل‌های مفصلی نیز در تابستان و پاییز ۲۰۱۶ منتشر شدند.^{۷۰} این برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها فرصتی را برای همکاری طیف متنوعی از طرف‌های ذی‌نفع در زمینه انجام پروژه‌های تحقیقاتی و سایر انواع طرح‌های مرتبط با توسعه صنعتی فراهم می‌کنند. به عنوان نمونه می‌توان به طرح تأسیس مراکز نوآوری صنایع تولیدی اشاره کرد. قرار است این مراکز بر تحقیقات پایه و فن آوری‌های

69. Strategic Research on Manufacturing Powers

70. Zhou, Ji and Zhu Gaofeng, eds., Research on the Manufacturing Power Strategy: Smart Manufacturing Volume, Electronic Industry Publishers, Beijing, 2015, p. 6: Strategic Vision and Outlook of Made in China 2025 (Part 1), Mizuho China Monthly, Mizuho Bank, July 2015, viewed 23rd November, 2016, <https://www.mizuhobank.com/service/global/cndb/economics/monthly/pdf/R512-0070-XF-0105.pdf>.

۷۱. این برنامه‌ها عبارتند از ایجاد مراکز نوآوری در عرصه تولیدات صنعتی، تقویت پروژه بنیه صنعتی، پروژه هوشمند تولید صنعتی، پروژه تولیدات صنعتی با حفظ عناصر محیط زیست و پروژه تولید تجهیزات باکیفیت. China Manufacturing 2025 Sub-plan Guidelines, MIIT 19, th August, 2016, viewed 12 th October, 2016, <http://www.miit.gov.cn/n1146290/n4388791/c5215611/content.html>.

تا ۱۷ ژانویه ۲۰۱۷، قرار بوده دستورالعمل‌های دیگری نیز در حوزه‌های مواد جدید، صنایع مربوط به فن آوری اطلاعات، صنعت داروسازی و استعداد تولید منتشر شوند.

کلیدی مرتبط با صنایع مختلف متمرکز شوند و در نهایت به ایجاد برایندهایی منجر شوند که برخلاف پروژه‌های دانشگاهی که امکان تبدیل کردن آن‌ها به پول وجود ندارد، قابلیت کاربرد عملی داشته باشند. چنان‌که در نمودار مربوط به توصیف جزئیات ساختار سازمانی نقش‌ها و وظایف مربوط به طرح CM2025 نیز نشان داده شده است، تلاش هماهنگی نیز به منظور بهبود هماهنگی میان نهادهای دولتی ذی‌ربط جهت اجرای این طرح در جریان بوده است.

تمرکز این طرح بر ارتقای بنیه صنعتی کشور چین را می‌توان به عنوان تلاشی از بالا توسط دولت این کشور به منظور تغییر ذهنیت و اولویت‌های شرکت‌های داخلی و متمایل کردن آن‌ها به تمرکز بیش‌تر بر کیفیت، کارآیی، پایداری و ظرفیت تحقیقات و توسعه و نوآوری نیز تلقی کرد. این تلاش در اهداف تعیین‌شده در این طرح در حوزه‌های نوآوری، کیفیت، دیجیتالی شدن فرایند تولیدات صنعتی و توسعه بر مبنای توجه به محیط زیست بازتاب یافته است که در راهبرد صنعتی پیشرفت فن‌آوری نیز مطرح گردیده‌اند. هرچند این امر لزوماً به این معنا نیست که تفکر حاکم یا اولویت‌های مورد نظر شرکت‌های چینی همان طرز تفکر و اولویت‌های دولت این کشور هستند، این تلاش برای تغییر محور فعالیت شرکت‌های چینی دست کم بازتاب‌دهنده رویکردی پیچیده‌تر و کل‌نگرتر در قیاس با برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری یا صنایع نوظهور راهبردی است که بیش‌تر بر دستیابی به توسعه فن‌آوری‌های پیشرفته در صنایع هدف متمرکز بوده‌اند و میزان توجه در آن‌ها به بستر وسیع‌تری که صنایع در آن‌ها رشد می‌کنند بسیار کم‌تر بوده است.^{۷۲}

۴-۵- مدیر کیست؟ اربابان یا بازارها؟

در بیانیه نخست شورای حکومتی چین پیرامون طرح CM2025 ضمن تأیید تصمیم‌کنگره سوم خلق آمده است که نقش تعیین‌کننده بازار باید به طور کامل در تخصیص منابع لحاظ گردد. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است که سازوکاری که بازار از طریق آن قیمت‌ها را تعیین می‌کند باید کامل شود. همچنین در این بیانیه به حل مسئله ظرفیت مازاد صنعتی، کمک به رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط از جمله از طریق تقویت مجاری گردآوری سرمایه، تعمیق اصلاحات در بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت، ایجاد شرایط رقابت منصفانه در بازار، بهبود کیفیت حمایت از مالکیت فکری و بهبود آموزش‌های شغلی اشاره شده است.^{۷۳} تمامی

72. McGregor, James, China's Drive for 'Indigenous Innovation'. A Web of Industrial Policies, US Chamber of Commerce and APCO Worldwide, 2010, viewed 10th September 2016, https://www.us-chamber.com/sites/default/files/legacy/reports/100728chinareport_0.pdf.

73. Notification on the Printing and Distribution of Made in China 2025, State Council, 8 May, 2015, viewed 7 December, 2016, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-05/19/content_9784.htm.

این اهداف بلندپروازانه، از ظرفیت بالقوه لازم برای کمک به تولیدات صنعتی و در مقیاسی گسترده‌تر بستر نوآوری آن برخوردار هستند. توجه به این موارد نشان می‌دهد که در درون دولت چین اصلاح‌طلبانی هستند که می‌دانند فرار کشور از دام درآمد متوسط به طور قطع مستلزم تحقق این اهداف است.

کارزار چهره‌های دانشگاهی در دانشگاه پکن

در داخل چین اختلاف نظرهای قابل توجهی در زمینه اتکای کشور بر سیاست صنعتی به منظور تقویت رشد اقتصادی در برخی حوزه‌ها وجود دارد. در پاییز ۲۰۱۶، دو اقتصاددان تحصیل کرده غرب از دانشگاه پکن به نام‌های ژانگ وی‌یینگ و جاستین لین یینفو^{۷۴} مناظره‌ای جنجالی را پیرامون ارزش سیاست صنعتی برگزار کردند.

پروفسور لین به عنوان اقتصاددانی که سابقاً در بانک جهانی فعالیت داشته بر این باور است که برای کشورهای در حال توسعه، سیاست صنعتی دولت‌محور برای رسیدن به اقتصادهای پیشرفته‌تر یک ضرورت است. او گفته است که هیچ کشور در حال توسعه‌ای را سراغ ندارد که بدون بهره‌گیری از سیاست صنعتی به کشورهای توسعه یافته رسیده باشد و نیز هیچ کشور توسعه یافته‌ای را نیز سراغ ندارد که بدون بهره‌گیری حداکثری از این سیاست توانسته باشد موقعیت خود را حفظ کند.^{۷۵} وی بر این باور بود که بازارها دارای نقاط ضعف ذاتی هستند، دولت باید در کمک به توسعه ملی نقش داشته باشد. بنابراین باید سیاست‌های مناسبی جهت جهت‌دهی به بازار از طریق اعمال سیاست صنعتی اتخاذ شوند و دولت از صنایعی که بیشترین سهم را در رشد اقتصادی دارند حمایت بیشتری به عمل آورد. وی ناکامی‌های گذشته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را معلول تصمیمات نامناسب دولت‌ها می‌داند.

در مقابل، پروفسور ژانگ این استدلال را مطرح کرده است که سیاست صنعتی شکل جدید برنامه‌ریزی اقتصادی به سبک اتحاد جماهیر شوروی سابق است و مداخله دولت در بازار تنها به ایجاد مزاد ظرفیت و تحریف در بخش صنعت می‌انجامد. همچنین به باور وی توجه بیش‌تر به برخی صنایع نسبت به برخی دیگر به لحاظ مالیات، یارانه‌ها، اعطای تسهیلات، اعتبارات مالی، کاربری اراضی و اعطای گواهی صادرات زمینه رانت‌خواری و فساد را فراهم می‌کند. علاوه بر این، دولت به دلیل منافع و سوگیری‌های خود و نیز با توجه به ناکامی‌های گذشته در حوزه‌های خودروهای متکی به انرژی‌های جدید، صنایع خورشیدی و صنایع خودروسازی، مرجع مناسبی برای تشخیص صنایع موفق نیست. بنابراین به باور وی تعیین مزیت رقابتی شرکت‌ها باید نه به دولت، بلکه به خودشان سپرده شود.

74. Zhang Weiyang and Justin Lin Yinfu

75. Tang, Frank, To Embrace Market or State: Chinese Economists Debate the Country's Future, South China Morning Post, 12th November, 2016, viewed 12th November 2016, <http://www.scmp.com/news/china/economy/article/2045438/embrace-market-or-state-chinese-economists-debate-countrys-future?spm=0.0.0.0.gOZ2MB>; Yin, Xi, Xu Hao and Chen Weibin, Lin Yifu vs Zhang Weiyang: The Debate of the Century on Industrial Policy, China.com.cn, 15th November, 2016, viewed 17th November, 2016. http://www.china.com.cn/cppcc/2016-11/15/content_39705608.htm.

۴-۶- طرح قدیم در قالب‌های جدید؟ هم آری و هم خیر

ذکر این نکته به معنای تلاش برای کاستن از اهمیت طرح CM2025 نیست، اما باید توجه داشت که این سند از بسیاری جهات بازتاب یک رویکرد کاملاً جدید در زمینه تلاش دولت چین جهت برنامه‌ریزی و جهت‌دهی به توسعه اقتصاد این کشور نیست. در برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری و نیز اسناد مربوط به صنایع راهبردی نوظهوری که در چارچوب این طرح ارائه شده‌اند نیز اهدافی برای توسعه صنایع متکی به فن‌آوری‌های پیشرفته تا سال ۲۰۲۰ مشخص شده‌اند. مثلاً در برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری ۱۱ بخش کلیدی که باید در آن‌ها از توسعه فن‌آوری در جهت حل مشکلات چین در حوزه نوآوری استفاده شود تعیین شده و پیش‌بینی شده که میزان کلی اتکای چین به فن‌آوری‌های خارجی باید از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۳۰ درصد تا سال ۲۰۲۰ کاهش یابد و محصولات تولید شده در داخل کشور در پروژه‌های اصلی دولت با هدف حمایت از نوآوری بومی مورد عنایت ویژه قرار گیرند.^{۷۶} شش صنعت از هفت صنعتی که در ابتدا به عنوان صنایع نوظهور راهبردی معرفی شده بودند به نحوی از انحا در سند CM2025 نیز مجدداً مورد اشاره قرار گرفته‌اند.^{۷۷} در طرح صنایع راهبردی نیز به مانند طرح CM2025 به تعیین یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی خاص از سوی دولت مرکزی و فرمان‌داری‌های محلی جهت حمایت از تحقیقات و توسعه در این صنایع اشاره شده است. علی‌رغم اعلام کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین مبنی بر اینکه با شرکت‌های خارجی در کمال عدالت رفتار خواهد شد،^{۷۸} شرکت‌های اروپایی در بسیاری از موارد به این منابع حمایتی دسترسی نداشته‌اند. بسیاری از طرح‌های محدود به صنایع مشخصی که در چارچوب برنامه دوازدهم توسعه کشور ارائه شدند (۱۶-۲۰۱۱) نیز دربردارنده اهدافی در پیوند با توسعه صنایع مورد اشاره در سند CM2025 بوده‌اند.

همچنین سند CM2025 در مورد برخی از صنایع دربردارنده طرح‌هایی است که پیشتر و در چارچوب برنامه‌های قبلی اجرای آن‌ها آغاز شده است. مثلاً در بخش اجسام نیمه‌هادی،

76. McGregor, James, China's Drive for 'Indigenous Innovation': A Web of Industrial Policies, US Chamber of Commerce and APCO Worldwide, 2010, viewed 10th September 2016, pp. 14-15. https://www.uschamber.com/sites/default/files/legacy/reports/100728chinareport_0.pdf.

77. این صنایع عبارتند از فن‌آوری اطلاعاتی نسل آینده، فن‌آوری زیستی، تولید تجهیزات پیشرفته شامل تجهیزات مربوط به هوانوردی و هوافضا، مهندسی و تجهیزات ریلی و دریایی، انرژی نوین، مواد جدید و خودروهای متکی به انرژی جدید.

78. Record of Discussion with the Deputy Director General of the NDRC on the Breeding and Development of Strategic Emerging Industries, Sina, 23rd July, 2013, viewed 6th December, 2016, <http://finance.sina.com.cn/china/bwdt/20120723/111712642390.shtml>.

استانداردهای ملی صنعت مدارهای مجتمع که در ژوئیه ۲۰۱۴ منتشر شده‌اند، از سوی فعالان این صنعت به عنوان معتبرترین بازتاب‌دهنده اولویت‌های دولت تلقی می‌شوند. در اسناد مربوط به طرح CM2025 نیز عمدتاً به تکرار این استانداردها پرداخته شده و دستورالعمل‌های دیگری نیز جهت اعمال آن‌ها ارائه گردیده است.

بنابراین، طرح CM2025 تداوم ده‌ها سال سیاست صنعتی، البته با حمایت‌های مالی بیش‌تر دولت در قیاس با طرح‌های قبلی و به همین اندازه اهداف بلندپروازانه‌تر جهت صعود در زنجیره‌های ارزش در بخش صنعت است. به بیان ساده، طرح مذکور در سطح کلان یک رویکرد بسیار پیچیده‌تر و کل‌نگرتر به مقوله تقویت بنيه تولیدات صنعتی چین به شمار می‌رود و در عین حال در سطح صنایع نیز در این طرح همچنان از ابزارهای سیاست‌گذاری متعددی استفاده می‌شود که به کارگیری آن‌ها به اعمال تبعیض علیه شرکت‌های خارجی در بازار این کشور منجر می‌گردد و بدین ترتیب توانایی این شرکت‌ها برای کمک به چرخه نوآوری در این کشور را محدود می‌سازد.

۴-۷- برنامه‌ریزی در سطح صنایع: ایده قدیمی

زمانی که ده صنعت معرفی شده در طرح CM2025 به عنوان صنایع در اولویت جهت حمایت و توسعه، محور توجه قرار می‌گیرند، می‌توان به پیوستگی بسیار بیش‌تر با رویکردهای گذشته مسئولان امر در حوزه توسعه صنعتی پی برد. مدیر بخش برنامه‌ریزی وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین گفته است که هرچند دولت مسئولیت هدایت این برنامه را بر عهده دارد، اما اجرای آن را از طریق حمایت از تساوی در دسترسی و رقابت به خود بازار خواهد سپرد.^{۷۹} متأسفانه تمایل برخی مقامات دولتی و وزارت‌خانه‌ها به بهره‌گیری از شیوه برنامه‌ریزی متمرکز به جای میدان دادن به نیروهای بازار جهت توسعه صنایع همچنان به قوت خود باقی است.

بسیاری از ابزارهایی که در راستای اجرای برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علوم و فن‌آوری و تعیین صنایع نوظهور راهبردی مورد استفاده قرار گرفتند برای تضعیف قدرت شرکت‌های اروپایی جهت مشارکت در طرح CM2025 به عنوان شرکایی کامل و دارای حقوق برابر مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۸۰} مثلاً یکی از ویژگی‌های سیاست صنعتی چین

79. Wang, Liwei, Gov't Announces Plan to Upgrade Factories over Next Decade, Caixin, 20th May, 2015, viewed 8th July, 2016, <http://english.caixin.com/2015-05-20/100810876.html>.

۸۰. این ابزارها عبارتند از یارانه‌ها، تمرکز بر توسعه مالکیت فکری داخلی، نوآوری بومی، در نظر گرفتن نقشی قدرتمند برای بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت و در برخی موارد قابل توجه، تعیین استانداردهای صنعتی داخلی.

McGregor, James, 'China's Drive for Indigenous Innovation: A Web of Industrial Policies', US Chamber of Commerce and APCO Worldwide, 2010, viewed 10th September, 2016, <https://www.uscham->

از دیرباز اعمال فشار بر شرکت‌های خارجی در اغلب موارد جهت انتقال فن‌آوری خود به چین در ازای ورود به بازار این کشور بوده است که با تعهدات چین به عنوان عضوی از سازمان تجارت جهانی نیز مغایرت دارد. هدف نهایی مقامات چینی جذب این فن‌آوری‌ها است و به عبارت دیگر، به موازات نزدیک‌تر شدن شرکت‌های داخلی به رقبای خارجی خود در حوزه فن‌آوری، دسترسی به بازار داخلی چین برای شرکت‌های خارجی به شکل فزاینده‌ای دشوار می‌شود و همین مسئله بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید.

۵- ابزارهای سیاست‌گذاری مورد استفاده در حمایت از طرح CM2025

ده ابزار کلیدی سیاست‌گذاری مورد استفاده دولت مرکزی و فرمانداران محلی در چین جهت تحقق اهداف مرتبط با سند CM2025 عبارتند از:

- ۱- اجبار به انتقال فن‌آوری در ازای دسترسی به بازار
- ۲- اعمال محدودیت‌هایی در زمینه دسترسی به بازار و خریدهای دولت در مورد سرمایه‌گذاران خارجی
- ۳- استانداردها
- ۴- یارانه‌ها
- ۵- سیاست مالی
- ۶- صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت
- ۷- حمایت فرمانداری‌های محلی
- ۸- سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر کسب فن‌آوری در خارج از کشور
- ۹- بنگاه‌های تحت مالکیت دولت: ادغام شرکت‌ها و ورود به حوزه سیاسی
- ۱۰- مشارکت عمومی - خصوصی

سه مورد نخست تأثیر مستقیمی بر شرکت‌های اروپایی دارند و تأثیرگذاری هفت مورد بعدی نیز از نوع غیرمستقیم‌تر، اما همچنان قابل توجه است. تمامی این ابزارهای سیاست‌گذاری به طور قطع با تمامی ده صنعتی که در طرح CM2025 به عنوان اولویت مطرح شده‌اند مرتبط هستند. با این حال این ابزارها در مجموع بازتاب‌دهنده یک رویکرد منسجم در زمینه توسعه صنعتی با اتکا به عناصر پرنفوذ سیاسی و نه بازار هستند. سند CM2025 از این منظر نوعی

عقب‌نشینی قابل توجه از تعهدات کنگره سوم خلق چین برای تبدیل بازار به عامل تعیین‌کننده در اقتصاد این کشور به شمار می‌رود. ذیلاً به معرفی اجمالی این ابزارهای سیاست‌گذاری می‌پردازیم و خوانندگان محترم می‌توانند برای کسب اطلاعات بیش‌تر به ضمیمه همین گزارش مراجعه نمایند.^{۸۱}

۵-۱- اجبار به انتقال فن‌آوری در ازای دسترسی به بازار

اعمال فشار بر سرمایه‌گذاران خارجی برای انتقال فن‌آوری خود به شرکت‌های چینی در ازای امکان دسترسی به بازارهای این کشور پدیده تازه‌ای نیست. اما امروزه الزامات مربوط به انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته به شرکت‌های چینی تشدید شده است. در گذشته برخی شرکت‌های خارجی می‌توانستند روند انتقال فن‌آوری به شرکت‌های چینی را به فن‌آوری‌هایی که مزیت رقابتی عمده‌ای ایجاد نمی‌کنند، محدود کنند و بدین ترتیب توان رقابت خود در درازمدت را به مخاطره نیندازند. اما با صعود برخی شرکت‌های چینی در زنجیره ارزش و ورود آنها به عرصه رقابت مستقیم با شرکت‌های خارجی مشابه، انجام این کار به شکل فزاینده‌ای دشوارتر شده است.

۵-۲- اعمال محدودیت بر بنگاه‌های اقتصادی متکی به سرمایه‌گذاری خارجی در مورد دسترسی به بازار و عرضه کالا و خدمات به دولت

چین موافقت‌نامه چندجانبه مربوط به خریدهای دولت در چارچوب سازمان تجارت جهانی را امضا نکرده و بازار عرضه کالاها و خدمات به دولت در این کشور عمدتاً به روی عرضه‌کنندگان خارجی بسته است. در مورد برخی از صنایع مورد اشاره در سند CM2025 مشاهده شده که دولت در تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز خود جانب تولیدکنندگان داخلی را گرفته است. حوزه فن‌آوری اطلاعات بارزترین نمونه در این زمینه است. از جمله صنایع دیگری که این روند در آنها مشاهده شده است می‌توان به صنایع تجهیزات ریلی، اتوبوس‌های متکی به انرژی‌های نوین، دستگاه‌های پزشکی و محصولات دارویی زیستی اشاره کرد. در بخش مربوط به دستگاه‌های پزشکی نمونه‌های متعددی در این زمینه ارائه شده است.

۸۱. در پیوست پایانی گزارش حاضر علاوه بر ارزیابی مختصری پیرامون هر یک از این ابزارها، اطلاعات دیگری نیز در زمینه صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت و نیز بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت ارائه خواهد شد.

۵-۳- استانداردها

در حوزه‌های مهمی مانند توسعه فن آوری نسل پنجم در صنعت مخابرات، وزارت خانه‌ها و شرکت‌های دولتی چینی به جد برای مشارکت در تدوین استانداردهای جهانی کوشیده‌اند تا از این راه بتوانند فن آوری‌های چینی را نیز در این استانداردها بگنجانند. تحقق این هدف هزینه‌های دریافت گواهی را که شرکت‌های چینی برای استفاده از فن آوری‌های خارجی مجبور به پرداخت آن‌ها هستند در صنایع مورد اشاره در سند CM2025 کاهش خواهد داد. اما بنابر یافته‌های مؤسسه مرکاتور مطالعات چین، هرچند در زمینه استانداردهای اولیه صنایع تولیدی هوشمند همبستگی ۷۰ درصدی میان استانداردهای چینی و استانداردهای جهانی وجود دارد، اما میزان این همخوانی در مورد استانداردهای مربوط به فن آوری‌های کلیدی صنایع تولیدی هوشمند تنها اندکی بیش از ۵۰ درصد است.^{۸۲} علاوه بر این، در مورد استانداردهای کلیدی فن آوری‌های هوشمند تولید مرتبط با امنیت داده‌ها (رایانش ابری، نرم‌افزارهای صنعتی و ابر داده‌ها)، میان استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای چینی هیچ‌گونه انطباقی وجود ندارد.

۵-۴- یارانه‌ها

در برخی صنایع مورد اشاره در سند CM2025 به ویژه صنایع رباتیک و خودروهایی متکی به انرژی‌های نوین، دولت مرکزی و فرمانداری‌های محلی اقدام به حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از شرکت‌ها و صنایع خاص می‌کنند. به عنوان نمونه، وام‌های کم‌بهره بانک‌های دولتی یا تصمیم فرمانداری‌ها جهت عدم اعمال استانداردهای زیست‌محیطی در نهایت به عنوان نوعی یارانه تلقی می‌شوند. همچنین دولت ممکن است از طریق پوشش بخشی از قیمت محصولات شرکت‌ها یا حتی هزینه فروش اقساطی به مشتریان، به کاهش هزینه‌های محصولات این شرکت‌ها کمک کند. یارانه‌ها نیز به مانند ابزارهای سیاست‌گذاری ۲، ۵، ۶ و ۷ ابزار مؤثری برای تحقق اهداف مندرج در اسناد مرتبط با طرح CM2025 در زمینه تصاحب سهم در بازار به شمار می‌روند.

هرچند شرایط از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از صنعتی به صنعت دیگر در چین متفاوت است، اما این حمایت در بسیاری از موارد تنها شامل شرکت‌هایی که خارجی‌ها در آن سهام ندارند یا شرکت‌هایی که خریده‌های خود را از شرکت‌های داخلی انجام می‌دهند می‌شود

82. Wubbeke, Jost et al., *Made in China 2025: The Making of a High-Tech Superpower and Implications for Industrial Countries*, MERICS, December 2016, no. 2, p. 57. <https://www.merics.org/en/merics-analysis/papers-on-china/made-in-china-2025/>.

۵-۵- سیاست مالی

خبرهایی مبنی بر استفاده از سیاست مالی به منظور حمایت از صنایعی که در سند CM2025 به عنوان صنایع دارای اولویت معرفی شده‌اند منتشر شده است. به عنوان نمونه، در سندی که توسط هشت وزارت خانه در فوریه ۲۰۱۶ منتشر شده است، از بخش مالی خواسته شده تا از طریق تدوین قوانین و مقررات مالی در راستای تبدیل چین به یک قطب تولیدات صنعتی به طور کامل از اجرای طرح CM2025 پشتیبانی کند.^{۸۳}

به همین ترتیب، در برنامه عملی جداگانه‌ای که مشترکاً توسط وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات، PBOC و کمیسیون تنظیم مقررات بانکی چین در مارس ۲۰۱۶ ارائه شده از بخش بانکی کشور خواسته شده تا به منظور تقویت طرح CM2025 به حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و پروژه‌های کلیدی پردازد.^{۸۴}

۵-۶- صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت

علاوه بر اعطای یارانه، دولت مرکزی و فرمانداری‌های محلی در چین شمار زیادی صندوق سرمایه‌گذاری با سرمایه مناسب را جهت کمک به پیشبرد اولویت‌های مندرج در طرح CM2025، سند صنایع راهبردی نوظهور و سایر طرح‌های عمده مندرج در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه ایجاد کرده‌اند. آنها در برخی موارد بر صنایع مشخص و در برخی موارد دیگر در مقیاس کلی‌تر بر ارتقای صنعتی تمرکز دارند. بنابر گزارش‌ها، در پایان سال ۲۰۱۵، ۷۸۰ صندوق سرمایه‌گذاری با حمایت دولت با سرمایه‌ای معادل ۲۹۴ میلیارد یورو تشکیل شده بود که از این تعداد ۳۰۰ صندوق با سرمایه‌ای معادل ۲۰۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ تشکیل شده بودند.^{۸۵}

از جمله صندوق‌های عمومی که بعداً و در سال ۲۰۱۶ تشکیل شدند می‌توان به صندوق ملی سرمایه‌گذاری برای صنایع نوظهور اشاره کرد که بنابر اظهارات لین نیانگشو،^{۸۶} نایب رییس

83. *Several Opinions Regarding Finance to Support Stable Growth of Industry, Restructuring and Improving Profit*, The State Council Information Office, www.scio.gov.cn 24th February 2014, viewed 9th January, 2017, <http://www.scio.gov.cn/xwfbh/xwfbh/yg/2/Document/1469592/1469592.htm>.

84. *Action Plan to Improve Information Sharing and Promoting Industry and Finance Cooperation*, MIIT, 3rd March, 2016, viewed 9th January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146290/n4388791/c4655349/content.html>.

85. *Two Trillion Yuan in Guided Funds Ready to Go*, Xinhua, 7th April, 2016, viewed 24th September, 2016, http://www.bj.xinhuanet.com/hbpd/jrpd/jrpd/2016-04/07/c_1118555182.htm.

86. Lin Nianxiu

کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات با ۵/۵ میلیارد یورو ایجاد شده است^{۸۷} و نیز صندوق ملی سرمایه گذاری صنایع تولیدی پیشرفته^{۸۸} اشاره کرد که در ژوئن ۲۰۱۶ ایجاد شده و ۲/۷ میلیارد یورو جهت سرمایه گذاری در تمامی صنایع مورد اشاره در طرح CM2025 در اختیار دارد.^{۸۹} صندوق ملی سرمایه گذاری در صنایع تولیدی پیشرفته با تأیید شورای حکومتی و نهادهای دولتی متعدد دیگر به طور مشترک همراه با شرکت توسعه سرمایه گذاری دولتی، CCI Capital و ICBC Credit Suisse ایجاد شد و دولت چین نیز در آن سرمایه گذاری کرده است.^{۹۰} شرکت China Reform Holdings به عنوان یک شرکت حامل دارایی و سرمایه گذاری تحت مالکیت دولت چین اقدام به ایجاد یک صندوق سرمایه گذاری با سرمایه ای معادل ۱۳/۷ میلیارد یورو جهت کمک به بنگاه‌های اقتصادی نوآور تحت مالکیت دولت در صنایع تولیدی پیشرفته مانند صنایع رباتیک، تجهیزات مهندسی دریایی و مواد جدید کرده است.^{۹۱} در تحول دیگری که نشان از میزان بالای هماهنگی در بسیاری از این صندوق‌های سرمایه گذاری میان بخش‌های مختلف دولت است، وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات و بانک توسعه چین (CDB)^{۹۲} در نوامبر ۲۰۱۶ یک موافقت‌نامه همکاری‌های راهبردی را جهت اجرای مشترک طرح‌های مرتبط با طرح CM2025 به امضا رساندند.^{۹۳} در این راستا اعلام شد که وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات سیاست‌های کلی را تدوین خواهد کرد و بانک توسعه چین نیز حداقل ۴۱ میلیارد یورو اعتبارات مالی جهت حمایت از پروژه‌ها و طرح‌های بزرگ در طول مدت اجرای برنامه پنج‌ساله سیزدهم تخصیص خواهد داد.

87. *National Entrepreneurial Guidance Fund Start Functioning*, finance.ifeng.com, 26th August, 2016, viewed 17th January, 2017, http://finance.ifeng.com/a/20160826/14813829_0.shtml.

88. National Advanced Manufacturing Industry Investment Fund

89. *China Sets Up Advanced Manufacturing Industry Investment Fund*, finance.ifeng.com, 15th July, 2016, viewed 17th January, 2017, http://finance.ifeng.com/a/20160715/14601620_0.shtml.

90. *China Has Established an Investment Fund for Advanced Manufacturing*, *Caijing*, 15th July, 2016, viewed 19th October, 2016, http://www.mof.gov.cn/zhengwuxinxi/caizhengxinwen/201607/t20160715_2358336.htm. This article was also posted on the Ministry of Finance's website.

91. *Are SOEs Repaying Debt, Reducing Headcount and Revamping Businesses? Evidence from the Field*, UBS, 10th October, 2016, p. 8.

92. China Development Bank

93. *China Development Bank Will Provide No Less Than 300 Billion RMB Financing Support for China Manufacturing 2025 during the Period of 13th Five-year Plan*, *Sina Finance*, 11th November, 2016, viewed 13th November, 2016, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-11-11/doc-ifxxsmif2726858.shtml>.

۵-۷- حمایت فرمانداری‌های محلی

فرمانداری‌ها به دلیل علاقه به توسعه شرکت‌های محلی در مناطق تحت کنترل خود به اعطای یارانه، استفاده راهبردی از بازار تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز دولت و نیز تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مستقل یا مشارکت در صندوق‌های سرمایه‌گذاری زیرمجموعه صندوق‌های سرمایه‌گذاری ملی می‌پردازند. طبق گزارش‌ها، ۲۴ استان و نیز شهرهای پکن، چونگ کینگ، شانگهای و تیانجین اقدام به انتشار یا اعلام برنامه‌های مستقل خود در پیوند با طرح CM2025 کرده‌اند.^{۹۴}

به عنوان نمونه، در برنامه شهرداری پکن، خودروهای متکی به انرژی‌های جدید و خودروهای هوشمند، نیمه‌رساناها، سامانه‌های خدمات هوشمند در بخش تولیدات صنعتی، رایانش ابری و براددها، فن‌آوری نوین اینترنت سیار، فن‌آوری‌ها و خدمات نوین در بخش سلامت و نیز فن‌آوری‌های مربوط به هوانوردی و فضا به عنوان حوزه‌های دارای اولویت معرفی شده‌اند.^{۹۵} گاه شرکت‌های محلی برخوردار از این حمایت‌ها حتی از رقابت با شرکت‌های مستقر در سایر مناطق چین نیز مصونیت پیدا می‌کنند. این حمایت فرمانداری‌های محلی گاه از سرب‌بی‌اطلاعی یا بدون هماهنگی‌های کافی صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه، برنامه عملی استان جیانگسو در زمینه طرح CM2025 فاقد شفافیت است و ظاهراً در آن «به جای مجموعه‌ای از سیاست‌های شفاف و مرتبط با این منطقه از کشور، به تقلید جزء به جزء از برنامه ملی مربوط به این طرح اکتفا شده است».^{۹۶} میزان حمایت‌های مالی و یارانه‌های پرداختی از سوی صندوق‌های سرمایه‌گذاری محلی و منطقه‌ای میزانی قابل توجه است. به عنوان نمونه، میزان کل کمک‌های مالی قابل دسترس از سوی فرمانداری‌های محلی برای استفاده در صنایع رباتیک بیش از میزان منابع مالی دولت چین در این عرصه است و فرمانداری‌های محلی ۴۰ پارک صنعتی را ایجاد کرده یا از ایجاد آن‌ها در آینده خبر داده‌اند.^{۹۷}

94. 25 Provinces Districts and Cities, the MIC2025 Policy Has Been Implemented, the New 3 Lines is Going to Shape up, www.people.cn, 18th August, 2016, viewed 7th January 2017, <http://finance.people.com.cn/n1/2016/0818/c1004-28644798.html>.

برنامه‌های مربوط به مغولستان داخلی و تبت اعلام نشده‌اند.

95. Beijing Municipality's Made in China Action Plan, www.beijing.gov.cn, 9th December, 2015, viewed 9th January 2017, <http://zhengwu.beijing.gov.cn/gzdt/gggs/t1413602.htm>.

96. *Nanjing Position Paper 2016/2017*, The European Union Chamber of Commerce in China, February 2017, p. 3. Please note, at the time of writing the *Nanjing Position Paper* had not been launched. For an online resource, please contact the European Chamber.

97. Wubbeke, Jost et al., *Made in China 2025: The Making of a High-Tech Superpower and Implied*

۵-۸- سرمایه‌گذاری به قصد کسب فن آوری در خارج از کشور

در بازه زمانی ۱۶-۲۰۱۵، موج بی‌سابقه‌ای از سرمایه‌گذاری چینی‌ها در شرکت‌هایی در اروپا و سایر مناطق در صنایعی مرتبط با طرح CM2025 آغاز شده و این سرمایه‌گذاری‌ها یا کاملاً موفقیت‌آمیز بوده و یا حداقل برای انجام آن‌ها کوشش شده است.^{۹۸} جالب آنکه بسیاری از این سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌هایی صورت گرفته‌اند که شرکت‌های اروپایی در آن‌ها قادر به انجام سرمایه‌گذاری‌های مشابه در چین نبوده‌اند^{۹۹} و این سرمایه‌گذاری‌ها امکان دسترسی به فن آوری، برندها و تخصص‌های مدیریتی را فراهم کرده‌اند که این شرکت‌ها در غیر این صورت امکان دسترسی به آن‌ها را نداشتند. در برخی صنایع مانند مواد نیمه‌رسانا، سرمایه‌گذاری‌های موفق و در حال انجام شرکت‌های چینی وارد کل زنجیره‌های عرضه صنعتی شده‌اند.^{۱۰۰}

در ژوئیه ۲۰۱۶، شورای حکومتی چین اعلام کرد که سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در بخش‌های عمده و حیاتی مانند صنایع پیشرو باید تقویت شوند.^{۱۰۱} در ادامه بیانیه شورای مذکور آمده است: «بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت باید به خرید سایر شرکت‌ها و ادغام با آن‌ها با تمرکز بر تدوین راهبردها و دستیابی به فن آوری‌ها و امکانات کلیدی ترغیب شوند». اما این هدف‌گذاری پرسش بجایی را به ذهن متبادر می‌کند: آیا طرح CM2025 تا حدی

cations for Industrial Countries, MERICS, December 2016, no. 2, p. 24. <https://www.merics.org/en/merics-analysis/papers-on-china/made-in-china-2025/>.

98. *A New Record Year for Chinese Outbound Investment in Europe*, Merics and Rhodium Group, February 2016, viewed 28th June, 2016, http://www.merics.org/fileadmin/user_upload/downloads/COFDI_2016/A_New_Record_Year_for_Chinese_Outbound_Investment_in_Europe.pdf; Hanemann, Thilo and Mikko Huotari, *Record Flows and Growing Imbalances: Chinese Investment in Europe in 2016*, MERICS and Rhodium Group, 10th January 2017, no. 3, p. 5, <http://rhg.com/reports/record-flows-and-growing-imbalances-chinese-investment-in-europe-in2016->.

بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت به عنوان شرکت‌هایی تعریف شده‌اند که مالکیت حداقل ۲۰ درصد آن‌ها در اختیار دولت، نهادهای حاکمیتی یا بنگاه‌های مرکزی باشد.

99. *European Business in China 2016/2017—Executive Position Paper*, The European Union Chamber of Commerce in China, pp. 25-28, http://www.europeanchamber.com/cn/en/publications-archive/459/Executive_Position_Paper_2016_2017.

100. *Chinese Investment in the United States*, Rhodium Group, November 2016, pp. 77-80, http://origin.www.uscc.gov/sites/default/files/Research/Chinese_Investment_in_the_United_States_Rhodium.pdf.

101. *Major Tasks Set for Promoting SOE Restructure*, State Council, 27th July 2016, viewed 12th December, 2016, http://english.gov.cn/policies/policy_watch/2016/07/27/content_281475402813390.htm.

یک فهرست خرید فن آوری‌هایی است که چین نتوانسته آن‌ها را در داخل تولید کند؟ هر چند انجام خریدهای راهبردی از سوی شرکت‌های خصوصی امری کاملاً رایج است، اما تصمیمات این قبیل شرکت‌ها باید در نهایت بر مبنای انگیزه کسب سود اتخاذ شود. سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌ها در راستای سیاست‌های صنعتی یا منافع راهبردی دولت‌های متبوع ممکن است به طور کامل با منافع کشوری که سرمایه‌گذاری در آن صورت می‌گیرد مغایر باشند

۹-۵- بنگاه‌های تحت مالکیت دولت: ادغام و ورود به مسائل سیاسی

ادغام

ادغام بنگاه‌های اقتصادی علاوه بر فراهم کردن زمینه انجام سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در خارج از کشور، به ایجاد ابربنگاه‌های اقتصادی در صنایعی مانند صنایع هسته‌ای، ریلی، کشتیرانی، مواد و غلات منجر شده است.^{۱۰۲} شورای حکومتی چین همچنین از قصد خود برای سازمان‌دهی شماری از بنگاه‌های اقتصادی مادر تحت مالکیت دولت این کشور در قالب ۸۰ بنگاه ملی نوآور و دارای توان رقابت در عرصه بین‌المللی خبر داد.^{۱۰۳} این روند شمار بنگاه‌های اقتصادی در سطح مرکز تحت کنترل کمیته دولتی نظارت و مدیریت دارایی‌ها (SASAC)^{۱۰۴} را از ۱۱۷ بنگاه در اوایل سال ۲۰۱۴ به ۱۰۲ بنگاه در ژانویه ۲۰۱۷ کاهش داده است و بنابر گزارش‌ها این تعداد باز هم کاهش خواهد یافت.^{۱۰۵} اما این بدان معنا نیست که اندازه این شرکت‌ها نیز به موازات کاهش شمار آن‌ها کوچک‌تر شده است. برعکس، در اوت ۲۰۱۶،

102. *China Approves Shipping Giants' Merger*, Xinhua, 11th December, 2015, viewed 23rd December, 2016, http://news.xinhuanet.com/english/2015-12/11/c_134907868.htm; *China Nuclear Power Firms Merge to Fuel Global Chut*, Reuters, 30th May 2015, viewed 23rd December, 2016, <http://www.reuters.com/article/us-china-nuclear-m-a-idUSKBN0OF06W20150530>; Zhong, Nan, *Two Railway Giants Announce Merger*, China Daily, 31st December, 2014, viewed 23rd December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/business/2014-12/31/content_19206058.htm; *China Plans New Wave of State Firm Consolidation*, China Daily, 3rd December, 2015, viewed 23rd December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/business/2015-03/12/content_19789485.htm.

103. *China to Further Regroup Central State-owned Enterprises*, State Council, 23rd August, 2016, viewed 12th December, 2016, http://english.gov.cn/policies/policy_watch/2016/08/23/content_281475423704259.htm.

104. State-owned Assets Supervision and Administration Committee

105. *The Number of SOEs Will Soon be in the Double-digits and is Currently Decreasing to 102*, finance.ifeng.com, 20th December, 2016, viewed on 9th January 2017, http://finance.ifeng.com/a/20161220/15089133_0.shtml; *The Merger and Acquisition of SOEs, It is Not as Simple as Just a Reduction of Numbers*, www.news.cn, 18th January 2017, viewed 23rd January 2017, http://news.xinhuanet.com/finance/2017-01/18/c_1120338997.htm.

شورای حکومتی اعلام کرد که با وجود کاهش شمار شرکت‌های تحت کنترل کمیته دولتی نظارت و مدیریت دارایی‌ها از ۱۹۶ بنگاه در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۵ بنگاه در زمان اعلام این خبر، میزان کل دارایی‌های این بنگاه‌ها در همین مدت هفت برابر شده است.^{۱۰۶} ظاهراً اندازه هنوز در چین عاملی مهم است.

در صنایع مورد اشاره در طرح CM2025 نیز به جای پیشبرد اصلاحات مبتنی بر بازار، بنگاه‌های اقتصادی جدید تحت مالکیت دولت و و نیز زیرمجموعه‌های بزرگ بنگاه‌های موجود ایجاد شده‌اند.^{۱۰۷} مهم‌ترین جنبه ادغام بنگاه‌های اقتصادی در پیوند با طرح CM2025 آن است که این ادغام‌ها با کاهش نیاز بنگاه‌های اقتصادی دولتی برای رقابت با یکدیگر در خارج از کشور، توانایی این بنگاه‌ها را برای تصاحب بازارهای بین‌المللی افزایش می‌دهند. در واکنش به نگرانی در مورد احتمال کاهش کلی میزان رقابت میان بنگاه‌های اقتصادی دولتی، شورای حکومتی چین اعلام کرد که «رقابت باید در میان بنگاه‌های اقتصادی دولتی مرکزی که بر بازار داخلی متمرکز هستند حفظ شود، زیرا اکتفا به سازمان‌دهی مجدد آن‌ها به ایجاد انحصار داخلی و افزایش قیمت‌ها منجر خواهد شد».^{۱۰۸} اما ظاهراً هیچ نگرانی مشابهی به لحاظ جایگاه این بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای بین‌المللی وجود ندارد.

ورود به مسائل سیاسی

این ادغام‌ها در سال ۲۰۱۶ و در شرایطی رخ دادند که مدیریت بنگاه‌های دولتی هرچه بیش‌تر از مسائل سیاسی تأثیر می‌پذیرفت. اوج این روند، انتشار مقاله‌ای در روزنامه حزب کمونیست چین با عنوان «در جستجوی حقیقت» در روز ۳۱ مه سال ۲۰۱۶ بود که در آن ضرورت تقویت کار حزبی در بخش دولتی مطرح شده بود. به باور نویسنده این مقاله، این کار از طریق تقویت

106. *China to Further Regroup Central State-owned Enterprises*, State Council, updated 23rd August 2016, viewed 12th December, 2016, http://english.gov.cn/policies/policy_watch/2016/08/23/content_281475423704259.htm.

107. *Chinese Defense Company Aircraft Engine Corp of China Incorporated in Beijing With 50 Billion in Registered Capital*, *People's Daily*, 13th June, 2016, viewed 23rd December, 2016, <http://en.people.cn/n3/2016/0613/c90000-9071242.html>; *Rui Xiaowu Met with Mu Degui, the Vice-governor of Guizhou Province, and Jointly Inaugurate 'Great Wall on Cloud Technology Co., Ltd'*, China Electronics Corporation, 28th May 2016, viewed 23rd December, 2016, <http://www.ccc.com.cn/News-Center/Corporation/18102.aspx>.

108. *China to Further Regroup Central State-owned Enterprises*, State Council, 23rd August, 2016, viewed 12th December, 2016, http://english.gov.cn/policies/policy_watch/2016/08/23/content_281475423704259.htm.

نقش کمیته‌های حزبی فعال در بنگاه‌های اقتصادی دولتی امکان‌پذیر است.^{۱۰۹} یکی از راه‌های پیشنهادی برای تحقق این هدف الزامی کردن بازمینی و تأیید تصمیمات کلیدی توسط کمیته حزبی شرکت پیش از ارجاع این تصمیمات برای ارزیابی هیئت مدیره بود. همچنین در این مقاله پیشنهاد شده بود که اعضای ارشد کمیته حزبی و هیئت مدیره شرکت باید به طور مستمر جابه‌جا شوند تا ارتباط قوی‌تری میان طرفین شکل گیرد. بنابراین، میزان مداخلات سیاسی در کارکردهای بنیادین در حوزه کسب و کار مانند تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری ممکن است در صنایع مرتبط با طرح CM2025 در حال افزایش باشد.^{۱۱۰}

۵-۱۰- مشارکت عمومی - خصوصی

مشارکت عمومی - خصوصی به عنوان شیوه مهمی برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طیف گسترده‌ای از پروژه‌های دولتی در حوزه‌هایی مانند طرح‌های زیرساختی و خدمات عمومی معرفی شده‌اند. لی کی کیانگ، نخست وزیر چین در سال ۲۰۱۶ بارها خواستار تقویت این مشارکت شد. همچنین این مشارکت به عنوان الگوی مهمی جهت تأمین منابع مالی پروژه‌های مربوط به تسریع اجرای طرح CM2025 در بیانیه شورای حکومتی پیرامون این طرح معرفی شده‌اند.^{۱۱۱}

اما متأسفانه تا کنون پیشرفت چندانی در زمینه ایجاد یک بستر حقوقی شفاف حاصل نشده و قانون مشارکت عمومی - خصوصی تا پایان سال ۲۰۱۶ هنوز به تصویب نرسیده است. همچنین رقابت میان وزارت دارایی و کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین بر سر نقش رهبری در پیوند با این مشارکت و استفاده آن‌ها از استانداردهای متفاوت در ارزیابی طرح‌ها همچنان ادامه دارد. فقدان ظرفیت مدیریت مشارکت عمومی - خصوصی در یک بازه زمانی ده تا چهل ساله به عنوان طول مدت اغلب این مشارکت در بسیاری از استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، بر شدت این مشکل افزوده است.

109. *State-owned Assets Supervision and Administration Commission, Strengthening Party Building Work in Deepening the Reform of State-Owned Enterprises, Seeking Truth* 31st May, 2016, viewed 23rd December, 2016, http://www.qstheory.cn/dukan/qs/2016-05/31/c_1118938354.htm.

110. *Xi Boosts Party Say in China's \$18 Trillion State Company Sector, Bloomberg*, 8th July, 2016, viewed 23rd December, 2016, <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-07-07/xi-boosts-party-say-in-china-s-18-trillion-state-company-sector>.

111. *Premier Li Keqiang Promotes Public Private Partnerships Model: Utilize Fully the Capital Leverage, Hedging the Downward Pressure of the Economy*, State Council, 14th May, 2015, viewed 10th January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/2015-05/14/content_2861796.htm.

در چین مشارکت عمومی - خصوصی هنوز برای بنگاه‌های خصوصی جذابیت ندارد. شرکت‌ها هنوز در مورد پیوستن به پروژه‌های در دست اجرا تردید دارند و نسبت به قوانین، مقررات و نیز شرایط سیاسی دچار عدم اطمینان هستند.^{۱۱۲} مخاطرات قانونی و سیاسی همچنان به قوت خود باقی خواهند بود و این احتمال نیز همچنان وجود دارد که مداخله احتمالی دولت بر قراردادهای میان بنگاه‌های دولتی و خصوصی تأثیر منفی بگذارد.^{۱۱۳}

۶- سرمایه‌گذاری شرکت‌های داخلی در خارج از کشور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در داخل کشور

۶-۱- عدم توازن شدید در روابط دوجانبه در حوزه سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۶

بنابر گزارش‌های رسانه‌های دولتی چین، در سال ۲۰۱۶ میزان سرمایه‌گذاری اروپا در چین ۴۳٫۹ درصد رشد داشته است.^{۱۱۴} از آنجا که معاملات اعلام‌شده‌ای که هنوز عملیاتی نشده‌اند و برخی از آن‌ها ممکن است در نهایت هم عملی نشوند نیز در این آمار لحاظ شده‌اند، این آمار به شدت گمراه‌کننده است. شمار سرمایه‌گذاری‌های عملیاتی شده کشورهای اروپایی در چین بسیار کم‌تر از این است.

میزان سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی در چین از بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ به ۸ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت^{۱۱۵} که کاهشی ۲۳ درصدی را نشان می‌دهد. این کاهش سرمایه‌گذاری علاوه بر نگرانی‌ها در مورد مازاد ظرفیت صنعتی و تیره‌تر شدن دورنمای رشد اقتصادی چین، عمدتاً معلول محدودیت‌هایی است که شرکت‌های اروپایی در

112. *A Sponge Wrung Dry*, *The Economist*, 17th September, 2016, viewed 10th January, 2017, <http://www.economist.com/news/finance-and-economics/21707192-chinas-private-investors-keep-their-hands-their-pockets-sponge-wrung-dry>.

113. Thieriot, Hubert, and Carlos Dominguez, "Public-Private Partnerships in China", Discussion Paper, USD, April 2015, p. 9.

114. *Year-end Summary of Commercial Work in 2016 (8th) Establish a New System of Foreign Capital, Create an Open Pattern*, Ministry of Commerce of the People's Republic of China, 4th January 2017, viewed 6th January 2017, <http://www.mofcom.gov.cn/article/ae/ai/201701/20170102495493.shtml>.

115. Hanemann, Thilo and Mikko Huotari, *Record Flows and Growing Imbalances: Chinese Investment in Europe in 2016*, MERICS and Rhodium Group, 10th January 2017, no. 3, <http://rhg.com/reports/record-flows-and-growing-imbalances-chinese-investment-in-europe-in-2016>; *EU-China FDI Monitor 40 2016 Update: Public Version*, Rhodium Group, January 2017, viewed 17th January, 2017, http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2017/january/tradoc_155234.pdf.

هرچند در نظرسنجی مربوط به سنجش اعتماد که از سوی اتاق بازرگانی اروپا در سال ۲۰۱۶ صورت گرفته بود این رقم برای سال ۲۰۱۵، معادل ۹/۳ میلیارد یورو اعلام شده بود، اما در جدیدترین آمار منتشرشده این رقم به ۱۰ میلیارد یورو تغییر کرده است.

بازار چین همچنان با آن‌ها روبرو هستند. این مسئله در نظرسنجی اتاق بازرگانی اروپا در زمینه میزان اطمینان شرکت‌های اروپایی به فعالیت اقتصادی در چین که در سال ۲۰۱۶ صورت گرفته بود، آشکارا خود را نشان داد. در این نظرسنجی ۵۵ درصد از پرسش‌شوندگان اظهار کردند که اگر دسترسی بیش‌تری در صنایع مرتبط با فعالیت آن‌ها در بازار چین ایجاد شود، احتمال سرمایه‌گذاری آن‌ها در این کشور افزایش خواهد یافت.^{۱۱۶} هدف‌گذاری‌های مندرج در اسناد مختلف مرتبط با CM2025 در زمینه تصاحب سهم در بازار داخلی نیز یکی دیگر از دلایلی هستند که سبب شده‌اند شرکت‌های اروپایی به دقت به بررسی این مسئله پردازند که آیا سرمایه‌گذاری بیش‌تر در چین توجیه اقتصادی دارد یا خیر.

در مقابل تمامی این مسائل، شرکت‌های چینی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۳۵ میلیارد یورو در کشورهای عضو اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بیش از چهار برابر میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در چین بوده است. میزان سرمایه‌گذاری چینی‌ها در اروپا در مقایسه با ۲۰۱۵ بیش از ۷۷ درصد جهش داشته است.^{۱۱۷} بیش از یک‌سوم سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۱۶ نیز در حوزه‌های مرتبط با صنایع تولیدی پیشرفته صورت گرفته‌اند و بخش عمده‌ای از این سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع مرتبط با طرح CM2025 انجام شده است. چنانکه اتاق بازرگانی اروپا در گزارش اجرایی خود برای بازه زمانی ۱۷-۲۰۱۶ اشاره کرده است، این عدم توازن به لحاظ سیاسی غیر قابل تداوم بوده و نشان‌دهنده فقدان توازن در روابط دوجانبه در حوزه سرمایه‌گذاری است.^{۱۱۸} منافع اقتصادی خود چین ایجاب می‌کند که میزان دسترسی شرکت‌های اروپایی به بازارهای خود را افزایش دهد. بنابراین اتاق بازرگانی اروپا امیدوار است که مقامات چینی به سرعت تعهد شورای حکومتی این کشور در ژانویه ۲۰۱۷ در زمینه تعمیق اصلاحات در مدیریت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تسهیل صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری برای طرف‌های خارجی را عملی نمایند.^{۱۱۹}

116. *European Business in China—Business Confidence Survey 2016*, The European Union Chamber of Commerce in China, p. 49. <http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-business-confidence-survey>.

117. Hanemann, Thilo and Mikko Huotari, *Record Flows and Growing Imbalances: Chinese Investment in Europe in 2016*, MERICS and Rhodium Group, 10th January 2017, no. 3, p. 4, <http://rhg.com/reports/record-flows-and-growing-imbalances-chinese-investment-in-europe-in-2016>.

118. *European Chamber Executive Position Paper 2016/2017*, The European Union Chamber of Commerce in China, 2016, http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-archive/459/Executive_Position_Paper_2016_2017.

119. *Notice of the State Council on Several Measures on Promoting Further Openness and Active Utilisation of Foreign Investment*, The State Council, 17th January 2017, viewed 21st January 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2017-01/17/content_5160624.htm.

۲-۶- محدودیت‌های جدید در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شرکت‌های چینی که تأثیر چندانی بر طرح CM2025 ندارند

تا حدی به دلیل موج تازه فرار سرمایه‌ای که در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۱۶ آغاز شد و بخشی از آن در قالب سرمایه‌گذاری در خارج از کشور خود را نشان داد، فشار بیش‌تری بر نرخ برابری یوان چین وارد آمد. در مقابل، اسنادی که در اواخر نوامبر ۲۰۱۶ به بیرون درز کرده بود، نشان می‌دادند که بانک ملی چین در حال تشدید محدودیت‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم طرف‌های چینی در خارج از کشور است. بنابر گزارش‌ها، قرار است بر میزان بررسی‌ها به طور مشخص در مورد سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیارد دلار توسط بنگاه‌های دولتی در بخش املاک و مستغلات، سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیارد دلار در خارج از حوزه‌های اصلی فعالیت شرکت‌ها و معاملات بزرگ‌تر از ۱۰ میلیارد دلار و انواع دیگری از معاملات افزوده شود.^{۱۲۰} هر چند اعلام شد که این اقدامات با ترغیب به سرمایه‌گذاری خارجی همراه خواهد بود، چند روز بعد گزارش شد که اداره دولتی ارز خارجی (SAFE)^{۱۲۱} نیز سخت‌گیری‌ها در زمینه بررسی سرمایه‌گذاری‌های عمده طرف‌های چینی در خارج از کشور را افزایش خواهد داد.^{۱۲۲}

هر چند این تحول مهم به نگرانی‌ها در مورد توانایی شرکت‌های چینی برای تکمیل روندهای سرمایه‌گذاری دامن زده است، اما نمی‌توان بر این اساس چنین نتیجه‌گیری کرد که آن بخش از سرمایه‌گذاری‌های طرف‌های چینی در خارج از کشور که محصول فرار سرمایه یا فساد نیستند، به ویژه در بخش‌هایی که از سوی دولت به عنوان اولویت‌های راهبردی معرفی شده‌اند نیز متوقف خواهند شد. اظهارات گائو هوچنگ^{۱۲۳}، وزیر تجارت چین در تاریخ ۲۶ دسامبر در کنفرانس کاری سازمان تجارت ملی این کشور در سال ۲۰۱۶ مؤید همین نکته است. وی در این کنفرانس اعلام کرد که دولت به توسعه سالم و منظم سرمایه‌گذاری طرف‌های چینی در

120. Wei, Lingling, *China Issuing 'Strict Controls' on Overseas Investment*, *The Wall Street Journal*, 25th November, 2016, viewed 25th November, 2016, <http://www.wsj.com/articles/china-issuing-strict-controls-on-overseas-investment-1480071529>; Back to Big Brother: New Capital Controls and Chinese Outbound FDI, Rhodium Group, 2nd December, 2016.

121. State Administration of Foreign Exchange

122. *China Forex Regulator Tightens Controls to Stem Capital Outflows - Sources*, *Reuters*, 29th November, 2016, viewed 1st December, 2016, <http://www.reuters.com/article/uk-china-economy-capital-flows-idUSKBN1301E2>.

123. Gao Hucheng

خارج از کشور و همکاری آن‌ها با طرف‌های خارجی در سال ۲۰۱۷ کمک خواهد کرد.^{۱۲۴} آقای شی، رئیس‌جمهور چین نیز در سخنرانی خود در مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس سوئیس در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که انتظار دارد سرمایه‌گذاری طرف‌های چینی در خارج از کشور در پنج سال آینده به ۷۵۰ میلیارد دلار برسد.^{۱۲۵}

این موارد افزایش کنترل ممکن است در نهایت سبب شود که شمار بیشتری از شرکت‌های چینی در صدد یافتن راه‌هایی برای تطبیق برنامه‌های سرمایه‌گذاری خود با اولویت‌های دولت در سند CM2025 برآیند، زیرا ارائه طرح‌های سرمایه‌گذاری منطبق با اولویت‌های دولت به مقامات دولتی -مانند اولویت‌های مندرج در سند CM2025 یا اولویت‌های مرتبط با طرح موسوم به «یک کمربند یک جاده»- بخت صدور مجوز جهت انجام این سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهد.

۷. تأثیر طرح CM2025 بر شرکت‌های اروپایی

بسیاری از شرکت‌های اروپایی فعال در صنایع مورد اشاره در طرح CM2025 (مانند شرکت‌های فعال در صنایع ریلی) شاهد افزایش دشواری‌ها در دسترسی به بازار چین بوده‌اند. این مسئله معلول کم شدن فاصله شرکت‌های چینی با شرکت‌های اروپایی در حوزه فن‌آوری به دلیل اجبار شرکت‌های خارجی به انتقال فن‌آوری به شرکت‌های حاصل از سرمایه‌گذاری مشترک با طرف‌های چینی، افزایش تلاش‌های شرکت‌های چینی در بخش تحقیقات و توسعه و نیز امتیازات خاص شرکت‌های چینی در زمینه دسترسی به بازار داخلی عظیم این کشور است.

اما علی‌رغم این نوع چالش‌ها، شرکت‌های اروپایی از فرصت‌های مهمی نیز برخوردار هستند. حداقل در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت، آن دسته از شرکت‌های اروپایی تأمین‌کننده تجهیزات سرمایه‌ای پیشرفته و نیز شرکت‌های اروپایی تأمین‌کننده قطعات و فن‌آوری‌های کلیدی که چین هنوز خود قادر به تولید آن‌ها نشده، همچنان از منافع حضور در بازار چین برخوردار خواهند شد. همکاری‌های ایجاد شده میان شرکت‌های متعدد اروپایی و شرکت‌های

124. 2016 National Commerce Work Conference is Convened in Beijing, Ministry of Commerce of the People's Republic of China, 26th December, 2016, viewed 9th January, <http://www.mofcom.gov.cn/article/ae/ai/201612/20161202376117.shtml>.

125. President Xi's speech to Davos in full, World Economic Forum, 17th January 2017, viewed 19th January 2017, <https://www.weforum.org/agenda/2017/01/full-text-of-xi-jinping-keynote-at-the-world-economic-forum>.

چینی در صنایع مرتبط با طرح CM2025 و صنعت نسل ۴/۰ نیز فرصت‌های بیشتری را پدید آورده‌اند.^{۱۲۶} از آنجا که برخی شرکت‌های داخلی آشنایی بیشتری با نیازهای مشتریان چینی در صنایع مرتبط با طرح CM2025 دارند، این قبیل همکاری‌ها در صورتی که به خوبی سازمان‌دهی شده باشند، می‌توانند مولد ارزش واقعی باشند.

شرکت‌های اروپایی در برخی حوزه‌ها می‌توانند با استفاده از امکانات خود در چین برای انجام فعالیت‌های مرتبط با تحقیقات و توسعه برای شرکت‌های چینی به کسب سود پردازند. در برخی دیگر از حوزه‌ها شرکت‌های اروپایی می‌توانند از طریق عرضه قطعات، خدمات و تخصص‌های مورد نیاز به بنگاه‌های دولتی و خصوصی چینی که در حال انجام پروژه‌های مرتبط با طرح CM2025 در بازارهای طرف‌های ثالث هستند، موقعیت‌های کاری جدیدی برای خود به وجود آورند.

خدمات‌دهندگانی که می‌توانند به شرکت‌های چینی در زمینه به کارگیری صنایع رباتیک، حسگرها و سامانه‌های پیشرفته نرم‌افزاری در خطوط مونتاژ خود کمک کنند نیز از ارتقای صنایع چینی به صنایع نسل ۳ و ۴ منتفع خواهند شد. علیرغم محدودیت‌هایی که شرکت‌های اروپایی همچنان در بازار چین با آن‌ها روبرو هستند، اولویت‌های دولت چین می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را برای شرکت‌های آزمایش، بازرسی و صدور گواهی (TIC)^{۱۲۷} ایجاد کنند. این واقعیت که برخی شرکت‌های خصوصی چینی به سرعت در حال بروزرسانی قابلیت‌های خود و انجام سرمایه‌گذاری‌های عمده در بخش تحقیقات و توسعه هستند و حتی برخی از آن‌ها پیش از اعلام طرح CM2025 تلاش‌های خود در این زمینه را آغاز کرده بودند، انگیزه شرکت‌های اروپایی برای تداوم نوآوری با هدف افزایش ارزش خود در نگاه مشتریان را افزایش می‌دهد.

از آنجا که نوآوری عمدتاً تحت تأثیر پسندهای مصرف‌کنندگان شکل می‌گیرد و پیش‌بینی می‌شود که چین بخش قابل توجهی از میزان تقاضا در صنایع مرتبط با طرح CM2025 را به خود اختصاص دهد، حضور در بازار این کشور می‌تواند برای آن دسته از شرکت‌های

126. Huawei, in Cooperation with SAP, Establishes Joint Innovation Efforts to Deepen Cooperation in Industry 4.0 and the Internet of Things, Huawei, 17 March, 2015, viewed 16th December, 2016, <http://pr.huawei.com/en/news/hw-417738-cebit.htm>; Sino-German Smart Manufacturing Cooperation Pilot Projects 2016 Bosch's Expertise in Smart Manufacturing Recognised by MIIT Only Project Applied by German Company to be Listed, Bosch, 5th August, 2016, viewed 16th December, 2016, http://www.bosch.com.cn/en/cn/newsroom_4/news_4/news-detail-page_41666.php; and, Siasun Robots, Schneider Electric to Establish Smart Manufacturing Plant, Xinhua, 16th February 2016, viewed 16th December 2016, http://news.xinhuanet.com/english/2016-02/19/c_135114220.htm.

127. testing, inspection and certification

اروپایی که در حال بهبود محصولات و مدل‌های کسب و کار خود هستند دارای ارزش فراوان باشد. همچنین حضور این شرکت‌ها در بازار چین می‌تواند تصورات نادرست احتمالی آن‌ها در مورد ناتوانی شرکت‌های خصوصی چینی در حوزه نوآوری یا عدم تلاش کافی از سوی این شرکت‌ها با تکیه بر سودهای سرشار را از میان ببرد.^{۱۲۸}

نکته آخر آنکه هرچند حوزه تحقیقات و توسعه در چین همچنان با مشکلاتی از قبیل محدودیت و کندی سرعت اینترنت و عدم حمایت مناسب از حقوق مالکیت فکری روبرو است،^{۱۲۹} شرکت‌های اروپایی می‌توانند در این حوزه با دانشگاه‌های چین به همکاری پردازند. همچنین این شرکت‌ها می‌توانند به واسطه آشنا شدن با مدل‌های تازه کسب و کار که به دلیل ضریب نفوذ بالای گوشی‌های هوشمند در میان مصرف‌کنندگان چینی در حال شکل‌گیری هستند، نیز منتفع شوند.

۷-۱- دورنمای آینده به تفکیک صنعت

در این بخش به تبیین فرصت‌ها و چالش‌های فراروی شرکت‌های اروپایی در پنج صنعت از ده صنعت مشمول طرح CM2025 خواهیم پرداخت:

۱. فن‌آوری نسل بعد شامل رایانش ابری، تجهیزات مخابراتی و مواد نیمه‌رسانا

۲. صنایع رباتیک^{۱۳۰}

۳. تجهیزات پیشرفته ریلی

۴. خودروهایی کم‌مصرف و خودروهای متکی به انرژی‌های نوین

۵. زیست‌داروها و دستگاه‌های پیشرفته پزشکی

بخش‌های مربوط به نیمه‌رساناها، صنایع رباتیک و خودروهای کم‌مصرف و خودروهای متکی به انرژی‌های نوین مطالعات موردی مفصل‌تری را تشکیل می‌دهند، زیرا این حوزه‌ها به ترتیب نشان‌دهنده نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری مورد حمایت دولت، مزاد ظرفیت ناشی از طراحی نامناسب فرایند تخصیص یارانه‌های دولتی و فشار بر شرکت‌های اروپایی به منظور انتقال فن‌آوری‌های خود به شرکت‌های چینی هستند.

128. Studwell, Joe, *Actually China Can Innovate*, *China Economy Quarterly*, September 2016, vol. 20, no. 3, pp. 49-53.

129. *European Business in China—Business Confidence Survey 2016*, The European Union Chamber of Commerce in China, 2016, pp. 21, 40 and 50-51, <http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-business-confidence-survey>.

۱۳۰. هرچند ماشین‌آلات کنترلی پیشرفته نیز در همین مقوله جای می‌گیرند، در این گزارش به آن‌ها پرداخته نشده است.

۷-۱-۱- فن آوری اطلاعاتی نسل بعد

نگرانی

اظهارات مطرح شده در عالی‌ترین سطوح سیاسی بیانگر آن هستند که چین به دنبال ملی کردن بسیاری از بخش‌های صنعت فن آوری اطلاعات خود از طریق جایگزین کردن فن آوری‌های بومی امن و قابل کنترل به جای محصولات بنگاه‌های متکی به سرمایه گذاری خارجی است.

ارزیابی

صنعت فن آوری اطلاعات چین یک محیط کاری با چالش‌های فزاینده است. الزام به امنیت و قابل کنترل بودن تجهیزات مورد استفاده در سامانه‌های داخلی فن آوری‌های ارتباطی چالش‌هایی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای موقعیت شرکت‌های اروپایی ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در روز نهم اکتبر ۲۰۱۶ در جلسه کمیته اجرایی اصلی حزب کمونیست پیرامون مسائل سایبری و فن آوری اطلاعات که اغلب اعضای گروه تحت هدایت خود وی با عنوان گروه کوچک امنیت سایبری و انفورماتیک^{۱۳۱} در آن حضور داشتند^{۱۳۲}، اعلام کرد که کشورش «باید روند پیشبرد تولید داخلی، برنامه‌های مربوط به جایگزینی محصولات بومی و قابل کنترل به جای محصولات خارجی، و تولید سامانه‌های امن و قابل کنترل فن آوری اطلاعاتی را سرعت بخشد».^{۱۳۳} این سخن حاوی این پیام صریح بود که پیشرفت سریع در زمینه این مسائل همچنان یکی از اولویت‌های اصلی حزب حاکم چین است. همچنین این سخنان با زبان به کار رفته در برنامه پنج‌ساله توسعه علم و فن آوری که در هشتم اوت سال ۲۰۱۶ منتشر شده و در آن بر اهمیت تقویت قابلیت‌های بومی در حوزه نوآوری و تأمین امنیت ملی از طریق نوآوری در عرصه علم و فن آوری تأکید گردیده، همخوانی دارد.^{۱۳۴} قانون امنیت سایبری که متعاقباً در نوامبر ۲۰۱۶ به تصویب رسید و از ژوئن ۲۰۱۷ نیز به موعد

131. Leading Small Group for Cybersecurity and Informatisation

132. Triolo, Paul and Feng, Chucheng, *China-Industrial Policy*, Eurasia Group, 11th October, 2016, p. 1.

133. Politburo Meeting on the Implementation of the Strategy of the Network Power Thirty-sixth Collective Learning, www.gov.cn, 9th October, 2016, viewed 12th January, 2017, http://www.gov.cn/xinwen/2016-10/09/content_5116444.htm.; Martina, Michael, *Xi Says China Must Speed Up Plans for Domestic Network Technology*, Reuters, 9th October, 2016, viewed 4th January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-internet-security-idUSKCN1290LA>.

134. *Notice on Science and Technology Innovation 13th FYP*, State Council, 8th August, 2016, viewed 9th January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2016-08/08/content_5098072.htm.

اجرا گذاشته می‌شود^{۱۳۵} نیز شامل چند بند تازه است که انتظار می‌رود به افزایش الزامات قانونی برای شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده تجهیزات و خدمات مخابراتی و سایر انواع تجهیزات و خدمات فنی پیشرفته در چین منجر شوند. به عنوان نمونه این قانون اپراتورهای مراکز زیرساختی حیاتی را ملزم می‌کند تا تمامی محصولات و خدمات خریداری شده خود را پیش از استفاده جهت ارزیابی امنیتی ارائه نمایند. این الزام در پی اعلام خبر ایجاد یک سازوکار امنیت فضای سایبری در سال ۲۰۱۴ مطرح شده است. هرچند تا اواسط ژانویه ۲۰۱۷ هیچ سند رسمی در مورد این نظام ارزیابی منتشر نشده، اما بنابر گزارش‌ها، مقامات چینی از برخی شرکت‌های خارجی فعال در حوزه فن‌آوری ارتباطات خواستند تا ارزیابی‌هایی از این دست را انجام دهند.^{۱۳۶}

در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۶، اصلی‌ترین نهاد قانون‌گذاری در حوزه اینترنت در چین یک سند راهبردی تازه را در زمینه امنیت ملی در فضای سایبری منتشر کرد.^{۱۳۷} این سند راهبردی شبکه‌های سایبری مرتبط با صنعت و تولیدات صنعتی و سایر حوزه‌ها را شامل می‌شود و بدین ترتیب دایره شمول آن از حوزه‌هایی که در قانون امنیت سایبری صراحتاً به آن‌ها اشاره شده، فراتر است. هرچند تعریف مفهوم زیرساخت‌های حیاتی اطلاعاتی هنوز روشن نیست، اما یکی از مأموریت‌های تعریف شده در این راهبرد، ضرورت حفاظت از این زیرساخت‌ها است. در مورد نحوه تحقق این هدف، در سند راهبردی امنیت ملی فضای سایبری به انجام بازرسی‌های امنیتی در مورد محصولات و خدمات مهم فن‌آوری خریداری شده یا مورد استفاده در نهادهای متعلق به دولت و حزب حاکم و نیز حوزه‌های اصلی مشمول این راهبرد اشاره شده است. اما ضرورت افزایش میزان امنیت و قابلیت کنترل محصولات نیز در این سند مطرح شده است. اما از سوی دیگر در این سند راهبردی گفته شده که مقامات مسئول باید برای ایجاد یک بستر سیاست‌گذاری مساعد جهت انجام نوآوری در حوزه فن‌آوری نیز مجدانه تلاش کنند.

ظاهراً پس از اجرای این سند راهبردی، شرکت‌ها ملزم به ارائه اطلاعاتی در مورد طراحی و کدهای مرجع مورد استفاده در تولید محصولات خود به نهادهای ارزیابی مرتبط با دولت

135. Cybersecurity Law of People's Republic of China, National People's Congress of the People's Republic of China, 7th November, 2016, viewed 9th January 2017, http://www.npc.gov.cn/npc/xinwen/2016-11/07/content_2001605.htm.

136. Triolo, Paul and Feng, Chucheng, *China - Industrial Policy*, Eurasia Group, 2nd November, 2016, p. 2.

137. *Cyberspace Security Strategy*, Cyberspace Administration of China, 27th December, 2016, viewed 16th January, 2017, http://www.cac.gov.cn/2016-12/27/c_1120195926.htm.

خواهند شد. اگر این سازمان‌ها تلاش کنند شرکت‌ها را به ارائه کدهای مرجع مورد استفاده خود ملزم کنند، گزینه‌های حقوقی فراروی این شرکت‌ها مشخص نیستند.^{۱۳۸}

تلفیق اهداف تعیین شده در سند نقشه راه CM2025 در زمینه کسب سهم در بازار و این تأکید بر جایگزینی فن‌آوری‌های بومی به جای فن‌آوری‌های خارجی، پرسش‌هایی جدی را پیرامون تمایل مقامات چینی به واگذاری نقشی به غیر از یک نقش ضعیف در صنایع این کشور به شرکت‌های اروپایی ایجاد می‌کند. کاهش رقابت مبتنی بر بازار در نتیجه اعمال چنین سیاستی پیامدهای جدی برای ظرفیت چین در تشویق به نوآوری و به کارگیری بهترین فن‌آوری‌های موجود در سطح جهانی به همراه خواهد داشت. همچنین ممکن است شرکت‌های چینی فعال در صنایع مختلف شاهد کاهش شدید توان خود برای ورود به بازارهای جهانی به واسطه الزام به استفاده از فن‌آوری‌های امن و قابل کنترلی که ممکن است نیازهای کاری آن‌ها را نیز تأمین نکنند، باشند.

در حالی که هر کشور در صنایع مرتبط با فن‌آوری اطلاعات دارای منافع امنیتی مشروعی است، رویکردی که مقامات چینی اتخاذ کرده‌اند، علاوه بر تحریف بازار، هزینه اقتصادی واقعی نیز در پی خواهد داشت. به عنوان نمونه، تخمین زده شده است که ملی شدن احتمالی صنایع مرتبط با فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در چین می‌تواند میزان تولید ناخالص داخلی این کشور را ۱/۸-۳/۴ درصد کاهش دهد. طبق آمار مربوط به سال ۲۰۱۵، این میزان معادل ۱۹۰ میلیارد یورو در سال است و می‌تواند تا سال ۲۰۲۵ سرجمع به کاهش تولید ناخالص داخلی چین به میزان ۲/۸۵ تریلیون یورو منجر شود.^{۱۳۹} این مسئله تا حدی معلول کاهش میزان انتقال دانش و به تبع آن کاهش میزان کارآیی و نوآوری داخلی در نتیجه کاهش مشارکت شرکت‌های خارجی است.

پیشنهادها

- ✓ دادن اجازه به شرکت‌ها برای انتخاب بهترین محصولات موجود در بازارهای جهانی در حوزه فن‌آوری اطلاعات منطبق با نیازهای کاری خودشان.
- ✓ محدود کردن تدابیر امنیتی مربوط به این محصولات به انجام ارزیابی‌ها و محیط‌های کنترل شده بدون الزام شرکت‌ها به کدهای مرجع تحت مالکیت خودشان.

138. Triolo, Paul, *China/Cybersecurity: Industrial Policy*, Eurasia Group, 12th January, 2017.

139. *Preventing Deglobalisation: An Economic and Security Argument for Free Trade and Investment in ICT*, US Chamber of Commerce, Rhodium Group and Covington & Burling LLP, 1st September, 2016, viewed 4th January 2016, p. 8, <http://rhg.com/reports/preventing-deglobalization>.

تداوم ایجاد امکان مشارکت فعالان بین‌المللی حوزه فن‌آوری ارتباطات به منظور بهره‌مندی از مزایای آشنایی با نوآوری‌ها و اجتناب از کاهش توان شرکت‌های داخلی برای ورود موفق به بازارهای بین‌المللی. هدایت مباحث بین‌المللی در زمینه منافع مشروع دولت‌ها در حوزه امنیت سایبری در سازمان ملل متحد و سایر مجامع.

۷-۱-۱-۱-۱- رایانش ابری

نگرانی

محدودیت دسترسی شرکت‌های اروپایی به بازار رایانش ابری در چین در بخش‌های IaaS^{۱۴۰} و PaaS^{۱۴۱} جنبه رسمی به خود گرفته است^{۱۴۲} و شرکت‌های اروپایی هنوز قادر به اخذ گواهی مرکز داده اینترنتی (IDC)^{۱۴۳} جهت مشارکت در قالب سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چینی نشده‌اند. این مسئله توانایی شرکت‌های اروپایی فعال در چین در انتخاب آن دسته از ارائه‌دهندگان خدماتی که بیش‌ترین هماهنگی را با نیازهایشان دارند را محدود کرده است. علاوه بر این، الزام اپراتورهای خدمات رایانش ابری به استقرار مراکز خدماتی و شبکه‌های داده‌های خود در داخل مرزهای چین نیز احتمالاً مانعی بر سر راه کارآفرینی و ارائه محصولات و خدمات نوآورانه یا استفاده از این محصولات یا خدمات در این کشور خواهد بود.

ارزیابی

هرچند تعاریف مختلفی از مفهوم رایانش ابری ارائه شده است، اما می‌توان آن را به طور کلی به عنوان ارائه آنی امکانات رایانه‌ای (از نرم‌افزار گرفته تا مراکز داده) از طریق اینترنت و با هزینه مبتنی بر میزان استفاده تعریف کرد.^{۱۴۴} این مدل به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا بسته به نیازشان میزان استفاده یا تقاضایشان را افزایش دهند و حتی آن‌ها را از داشتن واحدهای مستقل فن‌آوری اطلاعات نیز بی‌نیاز می‌کند. توسعه این صنعت از دیرباز یکی از اولویت‌های مقامات چینی بوده و به عنوان محور اصلی در برنامه میان‌مدت و درازمدت توسعه علم و فن‌آوری و نیز طرح صنایع نوظهور راهبردی مطرح شده است.

140. Infrastructure as a Service

141. Platform as a Service

۱۴۲. تا اواسط ژانویه ۲۰۱۷ چین به نظر می‌رسد که پیش‌نویس دستورالعمل‌های جدید تأثیری بر بخش SaaS نخواهند داشت.

143. Internet Data Centre

144. *What is Cloud Computing?*, IBM, viewed 13th January, 2017, <https://www.ibm.com/cloud-computing/learn-more/what-is-cloud-computing/>

همچنین در این صفحه توضیحاتی در باره بخش‌های SaaS و PaaS ارائه شده است.

تحلیل و استفاده از اطلاعات مربوط به یک مرحله از فرایند تولید صنعتی در فرایند دیگر یکی از عوامل کلیدی در تکامل صنعت نسل ۴/۰ است. بنابراین می‌توان رایانش ابری را به عنوان بخشی از سامانه چرخشی صنعت نسل ۴/۰ تعریف کرد. اما شرکت‌ها پیش از آنکه بتوانند از این قابلیت استفاده کنند، باید کاملاً مطمئن باشند که ارائه دهنده خدمات ابری به آن‌ها قادر است در هر زمان از داده‌های اختصاصی آن‌ها محافظت کند. از آنجا که می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده توان رقابت، کارآیی و نوآوری در کل زنجیره ارزشی بخش صنعت به شکل فزاینده‌ای به مدیریت و استفاده از این داده‌ها وابسته باشد، هزینه‌های بالقوه از دست دادن کنترل این داده‌ها بسیار سنگین خواهد بود.

رویکرد در حوزه مقررات

رویکرد چین در زمینه تنظیم مقررات در این حوزه با منطق مبتنی بر مفاهیم «امن» و «قابل کنترل» سازگار است. اولاً در عمل شرکت‌های اروپایی تنها توانسته‌اند از طریق سرمایه‌گذاری مشترک که در آن شرکت‌های چینی اکثریت سهام را بر عهده دارند در این حوزه مشارکت داشته باشند.

در مارس ۲۰۱۶ اصلاحاتی در مجموعه قوانین مخابراتی چین به موعد اجرا گذاشته شد که به موجب آن‌ها محدودیت‌های شرکت‌های اروپایی جهت ورود به این صنعت در چین تشدید شده و جنبه رسمی یافتند.^{۱۴۵} این قانون شامل زیرمجموعه جدیدی از خدمات مراکز داده اینترنتی با عنوان «خدمات همکاری در زمینه منابع تحت وب» است که شامل ذخیره داده‌ها به صورت اینترنتی، توسعه نرم‌افزار، به کارگیری نرم‌افزار و مدیریت عملیات است. هر چند پیامدهای عملی این مسئله به سرعت آشکار نمی‌شوند، اما پیش‌بینی می‌شود حداقل ارائه برخی خدمات در حوزه رایانش ابری نیازمند اخذ مجوزهای جدید باشد.^{۱۴۶}

آخرین پیشنهاد بیابیه

پس از آن و در نوامبر ۲۰۱۶، وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین پیشنهاد اعلامیه‌ای را منتشر کرد^{۱۴۷} که بر اساس آن محدودیت‌های تازه‌ای در مورد مشارکت شرکت‌های اروپایی

145. *Notice on the Publication of Telecom Service Catalogue (2015)*, MIIT, 28th December 2015, viewed 16th January 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146285/n1146352/n3054355/n3057709/n3057714/c4564270/content.html>.

146. Li, Barbara, *China's New Telecom Catalogue Comes into Effect on March 1 2016*, Norton Rose Fulbright, February 2016, viewed 16th January 2017, <http://www.nortonrosefulbright.com/knowledge/publications/137503/chinas-new-telecom-catalogue-comes-into-force-on-march-1-2016>.

147. *Notice on Regulating Business Behaviors in the Cloud Service Market*, MIIT, 24th November 2016, viewed 13th January 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1278117/n1648113/c5381374/content.html>.

در بخش‌های Laas و PaaS اعمال خواهد شد. همچنین به موجب این قانون شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات همکاری‌های مبتنی بر اینترنت باید نسبت به ارائه تقاضای دریافت گواهی IDC VATS اقدام کنند. برای شرکت‌های دارای گواهی IDC طرف همکاری با شرکت فاقد این گواهی، همکاری‌های فنی میان ارائه‌دهندگان خدمات رایانش ابری و سایر سازمان‌های مربوطه باید به صورت مکتوب به وزارت مخابرات گزارش شوند. اما در این پیشنهاد جزئیات بیش‌تری در مورد نحوه ارسال چنین گزارشی قید نشده است. از آنجا که همکاری فنی مربوط به خدمات رایانش ابری غالباً متضمن تبادل اطلاعات محرمانه کاری است، این مسئله چالشی جدی را برای فعالیت‌های کاری عادی ایجاد خواهد کرد. ارائه خدمات رایانش ابری تحت نام تجاری یک شریک خارجی نیز ممنوع است.

در مورد خدمات ارائه شده به کاربران داخلی نیز ارائه‌کنندگان خدمات رایانش ابری باید امکانات خدماتی و شبکه‌های داده خود را در داخل خاک چین مستقر کنند و ترتیبی اتخاذ نمایند که خدمات عملیاتی و گردش داده‌های برون‌مرزی آن‌ها نیز با قوانین داخلی مربوطه همخوانی داشته باشد. همچنین شرکت‌ها حق استفاده از شبکه‌های خصوصی مجازی (وی‌پی‌ان) را که امکان دسترسی به خدمات رایانش ابری در خارج از کشور را برای آن‌ها فراهم می‌کنند ندارند.

در کنار الزام مندرج در قانون امنیت سایبری در زمینه ذخیره اطلاعات شخصی و داده‌های گردآوری شده با استفاده از زیرساخت‌های اطلاعاتی حیاتی در داخل مرزهای کشور، خطر اعمال محدودیت بر مبنای هنجارهای امنیتی سنتی مانند محدود کردن فعالیت‌های تجاری به مرزهای جغرافیایی یک کشور و یا ایجاد الزام رصد شدید فعالیت‌های کاربران آن است که چنین رویکردی مانع از کارآفرینی و عرضه یا استفاده از محصولات و خدمات نوآورانه در چین خواهد شد. این محدودیت‌ها می‌توانند هم برای بنگاه‌های اقتصادی داخلی چینی و هم برای بنگاه‌های حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی مشکلات فنی و عملیاتی ایجاد کنند و در عین حال ارزش افزوده حاصل از اعمال آن‌ها در حوزه امنیت نیز محدود است. با توجه به آنکه صنعت نسل ۴/۰ نیز به طور قطع بر میزان اهمیت ارتباطات بین‌المللی در حوزه کسب و کار خواهد افزود، بهتر است به جای محدود کردن اجباری گردش داده‌های برون‌مرزی بر نحوه پردازش، ذخیره‌سازی و نگهداری داده‌ها تمرکز شود. با توجه به ماهیت جهانی خدمات ابری، یک رویکرد مؤثر، تقویت هماهنگی و همکاری بین‌المللی در این زمینه خواهد بود.

به عنوان نمونه، الزامات مربوط به ذخیره‌سازی داده‌ها در داخل مرزهای کشور ممکن است مانع از ارتباط مؤثر و سریع مهندسان یک شرکت چینی در مورد شیوه حل یک مشکل شود که جدا از یکدیگر (برخی در چین و برخی در اروپا) زندگی می‌کنند. با توجه به رقابت شرکت‌های چینی در بازارهای بین‌المللی با شرکت‌هایی که با این محدودیت روبرو نیستند، این مسئله چالش عمده‌ای را برای شرکت‌های چینی ایجاد خواهد کرد. در مقیاسی گسترده‌تر و با توجه به قدرت رایانش ابری در بسیاری از فرایندهای صنعتی نسل ۴/۰، این قبیل محدودیت‌ها بر توانایی چین در تحقق اهداف خود در نه صنعت دیگر مورد اشاره در سند CM2025 نیز تأثیر منفی خواهند داشت.

آیا شرایط برای صنایع نسل ۴/۰ در چین امن است؟

با توجه به اهمیت حفظ کنترل شرکت‌های اروپایی بر داده‌های اختصاصی خود، آن دسته از شرکت‌های اروپایی که مشغول انجام فعالیت‌های تولیدی در چین هستند باید در انتخاب خدمات‌دهندگان خود آزاد باشند. از آنجا که شرکت‌ها غالباً ترجیح می‌دهند خدمات‌دهندگان به خود را از میان عرضه‌کنندگان کشور خود انتخاب کنند، این خطر وجود دارد که شمار کم‌تری از این شرکت‌ها پیشرفته‌ترین فعالیت‌های نسل ۴/۰ خود را به چین منتقل کنند.^{۱۴۸} بروز هر گونه نشان‌ای مبنی بر اینکه شرکت ارائه‌دهنده خدمات رایانش ابری به آن‌ها ممکن است در آینده به یک رقیب مستقیم تبدیل شود، فعالیت‌های آن‌ها را به طور جدی مختل کرده و بر چرخه نوآوری در چین تأثیر منفی خواهد داشت.

پیشنهادها

- ✓ انطباق استانداردهای بخش صنعت با عالی‌ترین استانداردهای جهانی.
- ✓ توقف الزام شرکت‌ها به افشای اطلاعات محرمانه تجاری مربوط به همکاری‌های صنعتی خود.
- ✓ لغو الزام شرکت‌ها به استقرار مراکز داده‌های خود در داخل چین به منظور اجتناب از ایجاد مانع بر سر راه کارآفرینی و در مقابل، تمرکز بر نحوه ذخیره‌سازی، پردازش و نگهداری داده‌ها.
- ✓ دادن اجازه به شرکت‌ها برای انتخاب از میان طیف گسترده‌ای از ارائه‌دهندگان خدمات

148. Wee, Dominik et al, *Industry 4.0: How to Navigate Digitisation of the Manufacturing Sector*, McKinsey & Co., 2015, p. 47, viewed 5th December 2016, https://www.mckinsey.de/files/mck_industry_40_report.pdf.

رایانش ابری تا این شرکت‌ها بتوانند عرضه‌کننده خدماتی را انتخاب کنند که کار کردن با آن برایشان راحت است و بدین ترتیب مانعی بر سر راه بالاترین استانداردهای صنعت نسل ۴/۰ در بازار چین وجود نداشته باشد.

۷-۱-۱-۲- تجهیزات مخابراتی

نگرانی

میزان اعتبارات صادراتی دریافتی از سوی تولیدکنندگان چینی تجهیزات مخابراتی از نهادهای دولتی امکان تصاحب قراردادهای بازارهای جهانی بر مبنای قیمت را برای آن‌ها فراهم می‌کند. این مسئله خطر سرکوبی نوآوری در کل این صنعت در جهان را به دنبال دارد.

ارزیابی

دولت چین از ابزارهای متنوعی در حوزه سیاست‌گذاری در جهت حمایت از توسعه صنعت داخلی تولید تجهیزات مخابراتی استفاده کرده است. یکی از مهمترین این ابزارها تهیه فهرستی از محصولات پیشرفته تولید داخل و فهرست مشابهی از صادرات بوده است. شرکت‌هایی که محصولاتشان در این فهرست‌ها قرار می‌گیرد از مزایایی مانند مالیات‌های ترجیحی و تسهیلات بانک‌های دولتی با بهره پایین برخوردار می‌شوند. ارائه دسترسی ترجیحی جهت فروش محصولات و خدمات به سه اپراتور مخابرات داخلی که همگی نیز دولتی هستند، نیز یکی دیگر از راه‌های مهم حمایت دولت چین از صنایع داخلی بوده است.^{۱۴۹} این مسئله سبب شده که شرکت‌های چینی عمده فعال در حوزه تولید تجهیزات مخابراتی، سرمایه‌گذاری قابل توجهی را در بخش تحقیقات و توسعه و نیز تحقیقات پایه انجام دهند. این میزان در مورد شرکت هوآوی^{۱۵۰} هم اینک ۱۵ درصد کل درآمد این شرکت از محل فروش را شامل می‌شود که مشابه شرکت‌های عمده بین‌المللی فعال در این عرصه است. همچنین شرکت هوآوی از رویکرد باز خود در زمینه نوآوری و پیوستن به عرصه جهانی این صنعت که متضمن روابط با شرکایی از سرتاسر جهان از طریق ۱۶ مرکز تحقیقات و توسعه و ۳۶ مرکز مشترک نوآوری با تمرکز بر تحقیقات پایه و کاربردی است، نیز منتفع شده است.^{۱۵۱}

149. Background Material for US-China Economic and Security Review Commission, US-China Economic and Security Review Commission, 6th June 2012, viewed 13th January 2017, pp. 4-8, <http://www.uscc.gov/sites/default/files/6.14.12McCarthy.pdf>.

150. Huawei

151. Chan, Vincent et al, *Ecosystem of Innovation and Technology in China*, Credit Suisse, 26 October, 2016, p. 23.

روندهای جاری در بازار داخلی چین

به طور کلی رویکرد باز و عادلانه‌ای بر بازار چین حاکم نیست و میزان سهمی که شرکت‌های اروپایی قادر به تصاحب آن در بازار چین هستند، ظاهراً توسط مقامات دولتی در این کشور دستکاری می‌شود. هرچند اروپا بسیار بیش از آمریکا زمینه مشارکت شرکت‌های چینی تولیدکننده تجهیزات مخابراتی در بازار خود را فراهم کرده است، اما هنوز نشانه روشنی در دست نیست که نشان دهد این استقبال از حضور شرکت‌های چینی در بازار اروپا متقابلاً مزایایی را برای شرکت‌های اروپایی فعال در چین به همراه داشته است.

بازارهای بین‌المللی

در بازارهای بین‌المللی بسیاری از سودهایی که بخش صنعت چین به دست آورده تا حدی معلول حمایت دولت این کشور از این بخش بوده است: حمایتی که دولت‌های اروپایی به موجب مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در حوزه اعتبارات صادرات نمی‌توانند از شرکت‌های خود به عمل آورند. این مقررات با هدف سامان‌دهی و شفاف‌سازی حمایت دولت تنظیم شده‌اند. هرچند چین هم اینک ملزم به رعایت این مقررات نیست (البته اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی الزامی به تبعیت از این مقررات ندارند، اما بسیاری از کشورها این اقدام را انجام داده‌اند)، این مسئله شرکت‌های چینی را در عرصه رقابت در موقعیت بهتری قرار می‌دهد. در اینجا به دو نمونه اخیر اشاره می‌کنیم.

زمانی که هوآوی و گروه صنعتی ترک‌سل در ژوئن ۲۰۱۶ از قصد خود برای تقویت همکاری‌های راهبردی با تمرکز بر فن‌آوری‌های مخابراتی نسل ۴/۵ و ۵ خبر دادند،^{۱۵۲} اعتبارات تخصیص یافته به شرکت هوآوی برخلاف مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی یکی از ابزارهای اصلی حمایت دولتی از این همکاری مشترک به شمار می‌آمدند. نمونه این حمایت‌ها را می‌توان در اعطای وام‌هایی تا ۱/۲۵ میلیارد یورو از سوی بانک ملی چین به شرکت ترک‌سل مشاهده کرد. برخلاف مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که در آن‌ها حداکثر طول مدت بازپرداخت ۸/۵ سال و زمان تنفس پیش از آغاز اقساط وام نیز شش ماه پیش‌بینی شده است، بانک ملی چین این وام‌ها را با بازپرداخت ده‌ساله و دوره تنفس سه‌ساله در اختیار شرکت ترک‌سل قرار داده است.^{۱۵۳} همچنین قرار است بخشی از این وام صرف تأمین مجدد اعتبار برای

152. *Turkcell Group and Huawei Signed a MoU to Activate the Customer Business Partnership Program*, Huawei, 8th August 2016, viewed 4th January 2017, <http://www.huawei.com/en/news/2016/8/MoU-to-activate-the-Customer-Business-Partnership-Program>.

153. *Turkey's Turkcell Signs 1.25 Bin Loan with CDB*, Reuters, 29th September 2015, viewed 4th January 2017, <http://www.reuters.com/article/turkcell-loan-idUSL5N11Z1Q920150929>.

بازپرداخت وام‌های قبلی شود که این نیز مغایر با مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است.

علاوه بر این، در آوریل ۲۰۱۵ شرکت اوگر تلکام^{۱۵۴} که یک شرکت ارائه دهنده خدمات مخابراتی و فن‌آوری مستقر در دبی و دارای شرکت‌های زیرمجموعه‌ای در ترکیه، آفریقای جنوبی و خاورمیانه است، دو موافقت‌نامه دریافت وام را با بانک ملی چین جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز خود و شرکت‌های زیرمجموعه جهت خرید از عرضه‌کنندگان چینی به امضا رساند. ارزش کل این دو قرارداد ۱۹۱ میلیون یورو بود. مدت بازپرداخت نه‌ساله و مهلت تنفس دوساله این وام‌ها بیش از سقف ۸ سال و شش ماهی است که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تعیین شده است.^{۱۵۵}

در بازارهای به شدت رقابتی، این نوع حمایت می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در موفقیت در تصاحب قراردادهای باشد. با توجه به این واقعیت که بازار اروپا به روی رقابت تولیدکنندگان چینی تجهیزات مخابراتی باز است، این مسئله مایه نگرانی است. این نوع حمایت دولتی می‌تواند از طریق کاهش توان شرکت‌های بین‌المللی جهت سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و توسعه در درازمدت، روند نوآوری در این صنعت در کل جهان را کند سازد.

پیشنهادها

✓ ایجاد امکان تعیین سهم شرکت‌های مختلف در بازار داخلی چین توسط نیروهای بازار به منظور ایجاد انگیزه در شرکت‌ها جهت بهبود کیفیت خدمات و نیز قابلیت‌های خود در حوزه فن‌آوری.

✓ پذیرش به مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در زمینه اعتبارات مالی مربوط به صادرات و انطباق با بالاترین استانداردهای موجود.

۷-۱-۱-۳- مواد نیمه‌رسانا

نگرانی

تلاش چین برای ارتقای قابلیت‌های فنی صنعت داخلی اجسام نیمه‌رسانا از طریق حمایت صندوق‌های عظیم سرمایه‌گذاری دولتی در سطح کشوری، استانی و شهری می‌تواند به ایجاد ظرفیت مازاد منجر شود و همین مسئله می‌تواند حاشیه سود را کاهش داده و توسعه فن‌آوری در کل این صنعت در جهان را مختل سازد.

154. Oger Telecom

155. 3 April 2015 dated Regulatory Disclosure - Long Term Loan Agreements, Oger Telecom, 3rd April 2015, viewed 4th January 2017, <http://www.ogertelecom.com/press-room-link-tti-30.html>.

طرح دولت برای تصاحب بیش از نیمی از سهام در شرکت‌های بین‌المللی فعال در زمینه مواد نیمه‌رسانا نیز به شدت مایه نگرانی است. با توجه به آن که شرکت‌های اروپایی در این حوزه‌ها حق سرمایه‌گذاری مشابه در چین را ندارند، این مسئله می‌تواند واکنش منفی طرف‌های خارجی را در پی داشته باشد که می‌تواند میزان ارتباط چین با شرکت‌های بین‌المللی فعال در این عرصه به عنوان یکی از لوازم توسعه قابلیت‌های چین در این عرصه را کاهش دهد.

ارزیابی

مواد نیمه‌رسانا در تولید مدارهای مجتمع، انتقال برق در طیف گسترده‌ای از صنایع و محصولات از قبیل گوشی‌های هوشمند، نرم‌افزارها، ریل‌های سریع‌السیر، شبکه‌های انتقال برق، خودروها و نیز صنایع هوافضا کاربرد دارند. این صنعت یکی از محورترین صنایع در جهان است که در آن استفاده از نسل‌های جدید فن‌آوری غالباً ضرورت میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری مجدد از محل فروش محصولات جاری در فرایند تحقیقات و توسعه را ایجاب می‌کند.

همچنین مقامات چینی از دیرباز به این صنعت توجه داشته‌اند. انتشار دستورالعمل‌های ملی در حوزه صنعت مواد نیمه‌رسانا^{۱۵۶} در ژوئن ۲۰۱۴ به عنوان مبنای تلاش‌های دولت برای جهت‌دهی به روند توسعه این صنعت نمونه‌ای از این توجه به شمار می‌رود. در این دستورالعمل‌ها، اهداف بسیار بلندپروازانه‌ای برای سال ۲۰۲۰ در زمینه ارتقای ظرفیت طراحی و تولید صنعت داخلی، فن‌آوری بسته‌بندی و آزمایش و نیز تجهیزات و مواد مهم در زنجیره عرضه این صنعت در داخل کشور مشخص شده‌اند. این هدف‌ها دربردارنده سه مرحله فرایند تولید یعنی طراحی، ساخت و مونتاژ، و بسته‌بندی و آزمایش (APT)^{۱۵۷} هستند.

استانداردی‌ها نیز دستورالعمل‌های مستقلی را جهت اجرای دستورالعمل‌های ملی منتشر کرده‌اند که در آن‌ها اهداف توسعه و تمهیدات بیشتری در زمینه حمایت‌های مالی مطرح گردیده‌اند.^{۱۵۸} همچنین در نقشه راه مربوط به اجرای طرح CM2025 از اهداف تعیین شده در دستورالعمل‌های کشوری برای سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ استفاده و اطلاعات بیش‌تری در زمینه تحقق این اهداف ارائه شده است.

156. *Guidelines for the Development and Promotion of National Integrated Circuits Industry*, State Council, 24th June 2014, viewed on 9th January 2017, http://www.gov.cn/xinwen/2014-06/24/content_2707360.htm.

157. assembly, packaging and testing

158. For example: *Chinese Regional Governments Release New Rules/Guidelines to Accelerate Implementation of IC Support Measures*, Semiconductor Industry Association 12th August 2014, viewed 7th January 2017, http://www.semiconductors.org/news/12/08/2014/trade_article/chinese_regional_governments_release_new_rules_guidelines_to_accelerate_implementation_of_ic_support_measures/. بمان

در سال ۲۰۱۵، ۲۹ درصد از کل حجم خرید مواد نیمه‌رسانا در سرتاسر جهان توسط شرکت‌های مستقر در چین صورت گرفته بود، هرچند درصد سهم چین در خرید در این بخش از محصولی به محصول دیگر متفاوت است.^{۱۵۹} در حال حاضر چین حدود ۹۰ درصد از مواد نیمه‌رسانای مصرفی خود را از خارج تأمین می‌کند^{۱۶۰} و این رقم در مورد پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها از این نیز بالاتر است. ظرفیت‌های داخلی برای تولید اقلامی مانند تراشه‌ها غالباً دو نسل از بروزترین فن‌آوری‌ها عقب‌تر هستند. در نتیجه، فاصله میان تولید و مصرف در بخش صنعت در چین در سال ۲۰۱۳ به ۱۱۴ میلیارد یورو رسید و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۱۷ به ۱۴۴ میلیارد یورو افزایش یابد.^{۱۶۱}

بخش عمده‌ای از مواد نیمه‌رسانایی که چین از خارج وارد می‌کند، در ساخت محصولاتی که صادر می‌شوند نیز کاربرد دارند.^{۱۶۲} هرچند تقریباً نیمی از دستگاه‌های الکترونیکی در جهان در چین تولید یا مونتاژ می‌شوند، تصمیمات مربوط به خرید بخش عمده‌ای از قطعات نیمه‌هادی مورد استفاده در این دستگاه‌ها توسط آن دسته از شرکت‌های بین‌المللی اتخاذ می‌شود که مراکز تولید یا پیمانکاران آن‌ها در چین مستقر هستند. بنابراین، نهادها و بنگاه‌های دولتی چینی نقش چندانی در افزایش میزان تقاضا ندارند.

از آنجا که چین یکی از مصرف‌کنندگان اصلی محصولات این صنعت در جهان است و این صنعت به نوبه خود بخش‌های بسیار دیگری را نیز تغذیه می‌کند، تمایل مقامات چینی به تقویت قابلیت‌های فنی و موقعیت کشورشان در زنجیره جهانی ارزش قابل درک است. اما ابزارهای مورد استفاده آن‌ها در حوزه سیاست‌گذاری برای تحقق این هدف و تأثیر احتمالی استفاده از این ابزارها بر صنعت جهانی، به شدت مایه نگرانی شرکت‌های اروپایی است. اما این نکته را نیز باید مد نظر داشت که برخی شرکت‌های بین‌المللی تأمین‌کننده تجهیزات و مواد مورد نیاز جهت تولید و نیز طراحی نرم‌افزارها، ممکن است تلاش چین برای ارتقای این بخش

159. *Top Market Report Semiconductors and Semiconductor Equipment Case Study: China*, US Department of Commerce International Trade Administration, 2016, viewed 8th January 2017, http://trade.gov/topmarkets/pdf/Semiconductors_China.pdf.

160. Ibid.

161. Ernst, Dieter, *From Catching Up to Forging Ahead: China's New Role in the Semiconductor Industry*, Solid State Technology May 2016, viewed 7th January 2017, p. 17, https://www.eastwestcenter.org/sites/default/files/filemanager/Research_Program/Ernst%202016.pdf.

162. *Top Market Report Semiconductors and Semiconductor Equipment Case Study: China*, US Department of Commerce International Trade Administration, 2016, viewed 8th January 2017, pp. 4-5, http://trade.gov/topmarkets/pdf/Semiconductors_China.pdf.

از صنایع خود را به عنوان فرصتی تلقی کنند که هزینه‌های اندکی را بر کسب و کار مستقل آن‌ها تحمیل می‌کند.^{۱۶۳}

ادغام شرکت‌ها در داخل

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده دولت چین در حوزه سیاست‌گذاری، تشویق به ادغام شرکت‌ها با یکدیگر در صنایع داخلی است که تا همین اواخر به شدت دچار پراکندگی بود. به عنوان نمونه، چین در اواسط سال ۲۰۱۴ بیش از ۶۰۰ شرکت طراحی تولید بدون ساخت تراشه‌های نیمه‌هادی داشت که بسیاری از آن‌ها شرکت‌های کوچک بودند.^{۱۶۴} در سال ۲۰۱۳ تعداد ۲۲۳ شرکت از این میان پول خود را از دست دادند و تنها ۱۲۴ شرکت در آمدی بیش از ۱۴ میلیون یورو را گزارش کردند.^{۱۶۵} همچنین بسیاری از این شرکت‌ها بر نسل‌های قدیمی‌تر فن‌آوری متمرکز بودند که استفاده از آن‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار کم‌تری در بخش تحقیقات و توسعه است.

هدف از این تلاش در جهت ادغام شرکت‌های داخلی ایجاد شرکت‌های بزرگ‌تری بوده است که بتوانند به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در بخش تحقیقات و توسعه پردازند. یکی از معروف‌ترین شرکت‌های دخیل در این تلاش شرکت سینگهوا یونیکروپ^{۱۶۶} است که یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت دولتی سینگهوا وابسته به دانشگاه سینگهوا است. در سال ۲۰۱۵ اعلام شد که این شرکت برای تبدیل شدن به یکی از سه تولیدکننده برتر تراشه‌ها در جهان قصد دارد بیش از ۴۰ میلیارد یورو را طی پنج سال به سرمایه‌گذاری در این بخش اختصاص دهد.^{۱۶۷} یونیکروپ در داخل چین نیز اقدام به خرید شرکت‌های تولید بدون ساخت RDA Microelectronics و Spreadtrum Communications کرده است.^{۱۶۸} همچنین این

163. Ernst, Dieter, *A New Grand Strategy for Semiconductors*, *China Economic Quarterly*, September 2016, vol. 20, no. 3, p. 19.

۱۶۴. شرکت‌های تولید بدون ساخت شرکت‌هایی هستند که بر طراحی ریز تراشه‌ها تمرکز دارند و عملیات مربوط به ساخت را به یک تولیدکننده دارای امکانات ذوب مواد نیمه‌هادی می‌سپارند.

165. Goering, Richard, *China Fabless Semiconductor Panel: Don't Pack Your Bags Just Yet*, Cadence Industry Insight Blog, 18th June 2014, viewed 7th January 2017, https://community.cadence.com/cadence_blogs_8/b/ii/archive/2014/06/18/china-fabless-semiconductor-panel-don-t-pack-your-bags-just-yet.

166. Tsinghua Unigroup

167. Carsten, Paul and Yimou Lee, *China's Tsinghua Unigroup to Invest \$47 Billion to Bid Chip Empire*, Reuters, 16th November 2015, viewed 7th January 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-tsinghua-m-a-idUSKCN0T50DU20151116>.

168. Junko, Yoshido, *Merger Pits Mysterious Unigroup vs. MediaTek*, *EE Times*, 14th November

شرکت فعالیت‌های خود در زمینه تولید تراشه‌های حافظه را با شرکت دولتی XMC ادغام کرد و این شرکت نیز در احداث یک مجموعه تولید تراشه‌ای حافظه در استان هوبی چین به ارزش ۲۲/۸ میلیارد یورو مشارکت دارد.^{۱۶۹} این علاوه بر کارخانه تولید تراشه‌های حافظه است که این شرکت از ساخت آن در شهر نانجینگ و با هزینه ۲۸ میلیارد یورو خبر داده است.^{۱۷۰} همچنین در تحولی مهم، در سال ۲۰۱۶ از ژائو ویگوئو^{۱۷۱}، رییس شرکت یونیگروپ نقل شده که گفته است: «هدف ما ایجاد یک ناوگان عظیم برای صنعت فن‌آوری اطلاعات چین است. علاوه بر این که داشتن قدرت دفاعی عظیم برای کمک به رشد اقتصادی کشور امری ضروری است، وظیفه ما نیز ایجاب می‌کند که به کشور در جهت تقویت ظرفیت‌های خود در حوزه فن‌آوری کمک کنیم».^{۱۷۲}

هدف دیگر مقامات چینی از ادغام شرکت‌های کوچک‌تر در این بخش و بدین ترتیب ادغام منابع تقاضا برای عرضه کنندگان بین‌المللی در زنجیره ارزش در این بخش، تقویت قدرت چین در بازار است. اما هرچند اندازه شرکت‌ها نیز در ایجاد ظرفیت در بخش تحقیقات و توسعه حائز اهمیت است، اما این بدان معنا نیست که شرکت‌های بزرگ‌تر لزوماً نوآوری بیش‌تر یا مدیریت بهتری خواهند داشت. همچنین ایجاد هم‌افزایی در مورد مالکیت فکری و تحقیقات و توسعه در قیاس با فعالیت‌های تولیدی دشوارتر است.^{۱۷۳}

2013, viewed 7th January 2017, http://www.eetimes.com/document.asp?doc_id=1320091.

همچنین شایان ذکر است که شرکت آمریکایی اینتل نیز ۲۰ درصد از سرمایه‌گذاری شرکت Spreadthrum Communications را به خود اختصاص داده است.

169. *Unigroup and XMC Combine their Chip Assets*, *China Daily*, 28th July 2016, viewed 8th January 2017, http://www.chinadaily.com.cn/business/tech/2016-07/28/content_26248586.htm.

170. *Tsinghua Unigroup's Semiconductor Plant, New Investment in IT and R&D Headquarters to be Launched in Nanjing*, *Tsinghua Unigroup*, 19th January 2017, viewed 23rd January 2017, <http://www.unigroup.com.cn/newscenter/jtxw/2017/0119/287.html>; Shah, Agam, *How Does China Respond to US Chip Threats? With a \$30 Billion Factory*, *PC World*, 20th January 2017, viewed 23rd January 2017, <http://www.pcworld.com/article/3159718/technology-business/how-does-china-respond-to-us-chip-threats-with-a-30-billion-factory.html>.

171. Zhao Weiguo

172. *Western Digital Urges China to Tread Carefully on Chip Ambitions*, *Bloomberg*, 8th September 2016, viewed 7th January 2017, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-09-08/western-digital-urges-china-to-tread-carefully-on-chip-ambitions>.

173. Thomas, Christopher, *A New World Under Construction: China and Semiconductors*, McKinsey & Company, November 2015, viewed 7th January 2017, <http://www.mckinsey.com/global-themes/asia-pacific/a-new-world-under-construction-china-and-semiconductors>.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری مورد حمایت دولت

تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری عظیم مورد حمایت دولت برای ادغام شرکت‌ها یا خرید شرکت‌های جدید و ارتقای امکانات یکی دیگر از ابزارهای مهم در حوزه سیاست‌گذاری است که در صنعت مواد نیمه‌رسانا مورد استفاده قرار گرفته است. صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای مجتمع چین (CICIF)^{۱۷۴} با سرمایه‌ای معادل ۱۹ میلیارد یورو برای نخستین بار در سپتامبر ۲۰۱۴ تشکیل شد و قرار شد ۶۰ درصد سرمایه این صندوق به بخش تولید در این صنعت اختصاص یابد.^{۱۷۵} به موجب سند نقشه راه طرح CM2025 قرار شد دایره فعالیت این صندوق به تدریج گسترش یابد و یا صندوق‌های فاز ۲ و ۳ جهت حمایت راهبردی از تحقق اهداف مربوط به تصاحب سهم در بازار داخلی تشکیل شوند. برنامه انجام این کار در مارس ۲۰۱۶ اعلام شد.^{۱۷۶} نکته قابل تأمل آن‌که ریاست صندوق ملی سرمایه‌گذاری را رئیس سابق اداره فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین بر عهده دارد که کم‌تر از یک سال پیش از تشکیل رسمی این صندوق به کار خود در وزارت خانه مذکور پایان داده بود.^{۱۷۷}

ده‌ها صندوق سرمایه‌گذاری محلی نیز تشکیل شده‌اند که میزان کل سرمایه تحت مدیریت آن‌ها از میزان سرمایه صندوق سرمایه‌گذاری ملی و صندوق‌های زیرمجموعه آن بیش‌تر است و بسیاری از آن‌ها با پیروی از الگوی صندوق سهام پکن در حوزه اطلاعات و ارتباطات تأسیس شده‌اند. این صندوق‌ها در اغلب موارد سرمایه‌های خود را همزمان از منابع دولتی و خصوصی تأمین می‌کنند. نکته قابل تأمل آن‌که این صندوق‌ها عمدتاً به جای سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه به عنوان لازمه تقویت ظرفیت‌های موجود در حوزه فن‌آوری، بر ادغام شرکت‌ها با یکدیگر یا خرید شرکت‌ها توسط سایر شرکت‌ها و نیز ارتقای کارخانه‌های ذوب فلزات جهت تولید متمرکز می‌شوند. کمیسیون توسعه و اصلاح وابسته به

174. China Integrated Circuit Industry Investment Fund

175. Zhu, Shenshen, *More Cash Promised to China's IC Fund*, *Shanghai Daily*, 16 March, 2016, viewed 7 January, 2017, <http://www.ecns.cn/business/2016/03-16/203115.html>.

176. Ibid.

177. *Live Broadcast: MIIT's Bureau Chief for ICT, Ding Wenwu, Resigns*, *www.tech.163.com*, 10 April, 2014, viewed 7 January, 2017, <http://tech.163.com/14/0410/15/9PFRIQ6800094OIH.html>; Li, Chunjun, *Ding Wenwu: In Two Years the National Integrated Circuit Industry Investment Fund has Invested 70 Billion RMB, Using Microchips to Assist in Promotion of the Development of Smart Software*, *www.finance.china.com.cn*, 7 November, 2016, viewed 7 January, 2017, <http://finance.china.com.cn/news/20161107/3974987.shtml>.

شهرداری شیامن در مارس ۲۰۱۶ موافقت‌نامه‌ای راهبردی را با شرکت یونیکروپ به منظور انجام سرمایه‌گذاری به مبلغ ۶/۹ میلیارد دلار جهت همکاری در حوزه طراحی، آزمایش و بسته‌بندی محصولات اطلاعاتی و ارتباطاتی و سایر صنایع به امضا رساند.^{۱۷۸}

در مجموع منابع مالی اعلام شده جهت هزینه در این صنعت طی یک دهه پس از تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای مجتمع چین به بیش از ۱۴۰ میلیارد یورو می‌رسد که تقریباً معادل نیمی از کل فروش بین‌المللی این صنعت در جهان در سال ۲۰۱۵ است.^{۱۷۹} پس از آن که صندوق‌های دولتی و شرکت‌های مرتبط با آن‌ها حدود ۶۶ میلیارد یورو در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برای طراحی تراشه‌ها هزینه کردند (به عنوان نمونه صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای مجتمع چین ۹/۶ میلیارد یورو در این بخش هزینه کرد)، طبق برخی گزارش‌ها قرار است منابع مالی بیش‌تری در سال ۲۰۱۷ به این بخش اختصاص یابد.^{۱۸۰}

شمار قابل توجهی از این سرمایه‌گذاری‌ها در آن دسته از شرکت‌های چینی صورت گرفته‌اند که اقدام به خرید شرکت‌های خارجی کرده‌اند. به عنوان نمونه در فوریه ۲۰۱۵ تخمین زده شد که صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای مجتمع چین طی پنج سال ۱/۴ میلیارد دلار در شرکت یونیکروپ سرمایه‌گذاری خواهد کرد و بانک ملی چین نیز با این شرکت در زمینه محصولات مالی به ارزش ۲/۸ میلیارد دلار همکاری خواهد نمود.^{۱۸۱} هرچند پیشنهاد بعدی این صندوق برای خرید شرکت تراشه‌سازی آمریکایی میکرون رد شده است، اما این صندوق برای خرید چند شرکت تایوانی نیز تلاش کرده است. یکی دیگر از زیرمجموعه‌های شرکت سینگهوا به نام Tsinghua Unisplendour تلاش کرد ۱۵ درصد سهام شرکت وسترن دیجیتال را خریداری کند.^{۱۸۲}

178. Chan, Vincent et al, *China-HK Chronicles*, Credit Suisse, 27 July, 2016, p. 23.

179. *Top Market Report Semiconductors and Semiconductor Equipment Case Study: China*, US Department of Commerce International Trade Administration, 2016, pp. 2-3, http://trade.gov/topmarkets/pdf/Semiconductors_China.pdf.

180. Zhu, Shenshen, *Government to Invest More in Chip Design*, *Shanghai Daily*, 21 December, 2016, viewed 7 January, 2017, <http://www.shanghaidaily.com/business/it/China-to-invest-more-in-chip-design/shdailyhtml>.

181. *Tsinghua Unigroup Acquires \$4.77b Financing*, *China Daily*, 28th February, 2015, viewed 8 January, 2017, <http://www.chinadaily.com.cn/rn/beijing/guancun/2015-02/28/content/19678668.htm>.

182. *Unisplendour Shelves Stake Purchase in Western Digital*, *Shanghai Daily*, 24 February, 2016, viewed 8 January, 2017, <http://www.shanghaidaily.com/business/it/Unisplendour-shelves-stake-purchase-in-Western-Digital/shdailyhtml>.

گزارش تازه‌ای که توسط گروه رادیوم^{۱۸۳} منتشر شده نشان می‌دهد میزان تلاش‌های اعلام شده و موفق شرکت‌های چینی برای خرید شرکت‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر تا چه حد گسترده بوده است. طبق یافته‌های این گزارش، تنها در آمریکا از سال ۲۰۱۳ تا نوامبر ۲۰۱۶، ۲۷ فقره سرمایه‌گذاری از این دست مجموعاً به ارزش ۳۷ میلیارد دلار توسط شرکت‌های چینی صورت گرفته است. از این تعداد، ۱۸ فقره سهم‌بنگاه‌های دولتی یا صندوق‌های تحت حمایت دولت و ۳ فقره نیز سهم شرکت‌های خصوصی مورد حمایت دولت بود. یک تلاش نافرجام دیگر که از حمایت دولت چین نیز برخوردار بود توسط شرکتی صورت گرفته که مالکیت آن نامعلوم است و پنج سرمایه‌گذاری باقی‌مانده نیز مربوط به شرکت‌های خصوصی فاقد حمایت دولت بودند.^{۱۸۴} این در حالی است که تا پیش از سال ۲۰۱۳ شمار سرمایه‌گذاری‌های طرف‌های چینی در آمریکا تنها شش فقره و مجموع ارزش آن‌ها نیز ۲۱۴ میلیون دلار بود.

همچنین در سال‌های اخیر صنعت جهانی تولید تراشه شاهد موارد متعددی از ادغام شرکت‌ها در یکدیگر بوده است. اما این مسئله ناشی از تلاش‌های شرکت‌های خصوصی برای مقابله با کندی روند رشد، افزایش هزینه‌ها در بخش تحقیقات و توسعه و کاهش منابع مالی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر در برخی بخش‌ها بوده است.^{۱۸۵} بنابراین، این مسئله کاملاً با تلاش‌های آن دسته از شرکت‌های چینی که در راستای تحقق اهداف دولت این کشور به دنبال خرید سایر شرکت‌ها هستند، متفاوت است. همچنین روشن نیست که مدیران صندوق‌هایی که وظیفه تحقق اهداف دولت در زمینه تصاحب سهم در بازار داخلی و نوآوری بومی به آن‌ها محول شده چگونه می‌توانند به اتخاذ تصمیمات منطقی در حوزه سرمایه‌گذاری بپردازند. دیتر ارنست،^{۱۸۶} یکی از کارشناسان این حوزه این نظر را مطرح کرده است که منافع عناصر پرنفوذ غالباً سبب می‌شوند نهادهای دولتی توصیه‌های کارشناسان بخش صنعت را نادیده بگیرند. به باور وی این مسئله سبب می‌شود مقامات رسمی درک کاملی از نیازهای واقعی و دائماً در حال تغییر شرکت‌های خصوصی مختلف در زمینه تأمین دانش مورد نیاز از منابع بین‌المللی نداشته

183. Rhodium Group

184. *Chinese Investment in the U.S.*, Rhodium Group, viewed 7 January, 2017, pp. 80-81, http://origin.www.uscc.gov/sites/default/files/Research/Chinese_Investment_in_the_United_States_Rhodium.pdf;

از این بیست و هفت فقره، چهارده فقره تا نوامبر ۲۰۱۶ به سرانجام رسیده‌اند و چهار فقره نیز در دست بررسی هستند.

185. Meehan et al, *China Chases Chip Leadership*, Bain & Co., p. 5, http://www.bain.com/Images/BAIN_BRIEF_China_Chases_Chip_Leadership.pdf.

186. Dieter Ernst

باشند.^{۱۸۷} با توجه به این واقعیت که رقابت میان شرکت‌های برخوردار از منابع مالی مناسب در استان‌ها و شهرهای مختلف چین که عمدتاً بر رشد اقتصادی کوتاه‌مدت یا کمک به تقویت شرکت‌های محلی خود متمرکز هستند، می‌تواند به اخذ تصمیمات مبتنی بر انگیزه‌های سیاسی و نیز موازی کاری در حوزه سرمایه‌گذاری منجر شود، این مسئله به شدت مایه نگرانی است.

مورد شرکت ایکسترون^{۱۸۸}

پس از آن‌که شرکت چینی سان‌آن اوپتوالکترونیکس^{۱۸۹} در شهر شیامن در استان فوجیان در اواخر سال ۲۰۱۵ سفارش خود برای شرکت آلمانی تولیدکننده تجهیزات نیمه‌هادی ایکسترون را لغو کرد، ارزش سهام این شرکت آلمانی به سرعت سقوط کرد. اما از آنجا که این شرکت پیش‌تر نیز با مشکلاتی روبرو بود، در صدد یافتن یک سرمایه‌گذار جدید برآمد و صندوق سرمایه‌گذاری فوجیان (فوجیان گرند) در استان فوجیان چین پیشنهاد خرید شرکت را مطرح کرد. یک فعال اقتصادی به نام لیو ژن دونگ^{۱۹۰} که بنابر گزارش‌ها عمدتاً در گذشته در بخش معدن سرمایه‌گذاری می‌کرده^{۱۹۱}، به عنوان فردی معرفی شده که کنترل ۵۱ درصد سهام این صندوق را در دست دارد و مابقی سهام نیز در اختیار شرکت شیامن بوهائو^{۱۹۲} است. این شرکت یک صندوق سرمایه‌گذاری در سطح فرمانداری است که مشخص شده ارتباطاتی با شرکت سان‌آن اوپتوالکترونیکس دارد. به عنوان نمونه، یک گزارش مربوط به اواخر سال ۲۰۱۴ نشان می‌داد که شرکت سان‌آن ۴۰/۵ میلیون یورو به شرکت شیامن بدهکار است. در گزارشی مربوط به سال بعد نیز قید شده بود که این شرکت همچنان ۳۲/۴ میلیون دلار به شرکت شیامن بدهکار است.^{۱۹۳} همچنین شرکت لیزینگ مدارهای مجتمع ساینو^{۱۹۴} به عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای مجتمع چین پیشنهاد اعطای وامی به مبلغ ۵۰۰ میلیون یورو به شرکت فوجیان گرند جهت خرید

187. *China's Bold Strategy for Semiconductors—Zero-sum Game or Catalyst for Cooperation?*, East-West Centre, East-West Centre Working Papers, no. 9, September 2016, viewed 7 January, 2017, p. 6, http://www.eastwestcenter.org/system/tdf/private/iegwp009_0.pdf?file=1&type=node&id=35798.

188. Aixtron

189. San'an Optoelectronics

190. Liu Zhendong

191. Bocking, David, *Chineischer Aixtron-Investor: Herr Liu Versteht die Deutsche Angst Night*, *Der Spiegel*, 4 October, 2016, viewed 7 October, 2016, <http://www.spiegel.de/forum/wirtschaft/chineischer-aixtron-investor-herr-liu-versteht-die-deutsche-angst-nicht-thread-520458-1.html>.

192. Xiamen Bohao

193. Fahrion, Georg, *Aixtron - Chinas Staatsstreich*, *Capital*, 24 October, 2016, viewed 26 October, 2016, <http://www.capital.de/dasmagazin/aixtron-chinas-staatsstreich.html>; Mozur, Paul and Paul Ewing, *Rush of Chinese Investment in Europe's High-tech Firms is Raising Eyebrows*, *The New York Times*, 16 September, 2016, viewed 16 September, 2016, <http://www.nytimes.com/2016/09/17/business/dealbook/china-germany-takeover-merger-technology.html>.

194. Sino Integrated Circuit Leasing

شرکت مذکور را مطرح کرد.^{۱۹۵} گروه صنعتی سان‌آن به عنوان شرکت مادر سان‌آن اوبتوالکترونیکس نیز کم‌تر از نیمی از سهام شرکت لیزینگ مدارهای مجتمع ساینو را در اختیار داشت.

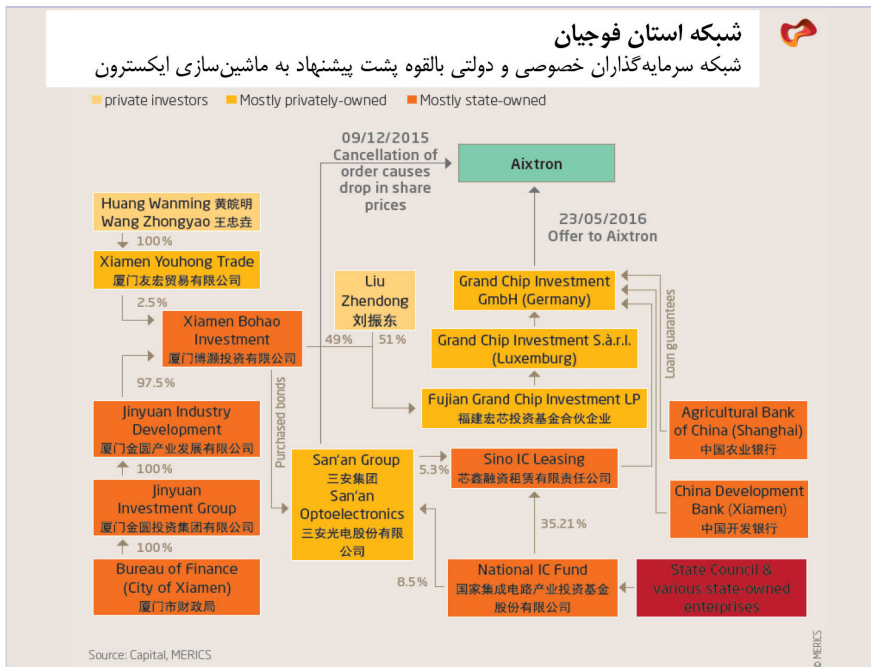
دولت آلمان پس از دریافت اطلاعات جدیدی از مقامات آمریکایی گواهی عدم اعتراض خود نسبت به این معامله را لغو و روند ارزیابی معامله را آغاز کرد.^{۱۹۶} به موجب قانون اگر اطلاعاتی دال بر احتمال به خطر افتادن امنیت انرژی، مسائل دفاعی یا ثبات کشور به واسطه انجام یک معامله وجود داشته باشد، ارزیابی معامله الزامی خواهد بود. پس از خودداری شرکت فوجیان گرند از انصراف از پیشنهاد خرید خود در واکنش به تصمیم کمیته سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آمریکا، آقای اوباما با استناد به مسائل مربوط به امنیت ملی از ابطال تصمیم این کمیته در زمینه جلوگیری از فروش دارایی‌های شرکت ایکسترون در آمریکا خودداری کرد.^{۱۹۷}

هر چند شواهد محکمی در دست نیست که نشان دهد گروه صنعتی سان‌آن به عمد و با هدف ایجاد فرصت خرید شرکت ایکسترون برای شرکت فوجیان گرند به قیمتی مناسب‌تر از خرید ایکسترون منصرف شده است، اما این مسئله به خوبی نشان‌دهنده مخاطرات ناشی از اتکای بیش از حد به یک مشتری صرف در یک صنعت دارای اهمیت راهبردی است. اهمیت این مسئله به ویژه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم نهادهای قانون‌گریز احتمالاً توالی رخدادها در آستانه تلاش برای خرید شرکت ایکسترون را به عنوان الگویی قابل نسخه‌برداری تلقی خواهند کرد.

195. Reasoned Statement of the management board and the supervisory board of Aixtron SE on the voluntary publicly takeover offer (cash offer) by Grand Chip Investment GmbH, US Securities and Exchange Commission 2016, 4 August, 2016, viewed 27 October, 2016, https://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1089496/000104746916014937/a2229459zex-99_a1.htm.

196. Chazan, Guy, *Germany Withdraws Approval for Chinese Takeover of Tech Group Aixtron*, *Financial Times*, 24 October, 2016, viewed 24 October, 2016, <https://www.ft.com/content/f1b3e52e-99b0-11e6-8f9b-70e3cabccfae>.

197. Chazan, Guy, *Fujian Drops Aixtron Offer After U.S. Blocks Deal*, *Financial Times*, viewed 7 January, 2017, <https://www.ft.com/content/b880ba3a-bd4a-11e6-8b45-b8b81dd5d080?yptr=yahoo&ref=yfp>.



نمونه سایلکس میکروسیستمز^{۱۹۸}

تلاش چندین سرمایه‌گذار و شرکت چینی برای خرید شرکت معروف سوئدی سایلکس میکروسیستمز که در زمینه تولید تراشه‌های میکروالکترومکانیکی فعالیت دارد نیز به خوبی نشان دهنده روند خرید شرکت‌های بین‌المللی توسط شرکت‌های چینی است. مسئله با افشای این مسئله آغاز شد که یک شرکت مادر سرمایه‌گذاری تا آن زمان ناشناخته در هنگ‌کنگ تحت عنوان GAE که با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت مواد نیمه‌هادی تشکیل شده بود، ۹۸ درصد از سهام شرکت سایلکس میکروسیستمز را در ژوئیه ۲۰۱۵ خریده است و به منظور افزایش ظرفیت تولید این شرکت در حال ساخت یک شرکت طراحی بدون ساخت در پکن است و انتظار می‌رود نخستین تراشه‌های تولیدی این شرکت نیز تا اواسط سال ۲۰۱۷ روانه بازار شوند.^{۱۹۹} این اتفاق اندک زمانی پس از تکمیل فرایند ارتقای تأسیسات شرکت سایلکس با هزینه‌ای معادل ۱۱/۳ میلیون یورو رخ داد. در زمان خرید شرکت سایلکس اعلام شد که هیچ گونه تغییری در ساختار سازمانی یا فعالیت‌های کاری این شرکت داده نشده است.

198. Silix Microsystems

199. Clarke, Peter, *China Buys MEMS Foundry Builds Fab*, *EE Times*, 23 September, 2015, viewed 7 January, 2017, http://www.eetimes.com/author.asp?section_id=36&doc_id=1327793; *Silix' Strategic Acquisition by China*, Semiconductor Design and Manufacturing Community, 25 September, 2015, viewed 7 January, 2017; <http://semimd.com/eds-threads/2015/09/25/silix-strategic-acquisition-by-china/>.

پس از آن که شرکت Beijing Ruitong Xinyuan Semiconductor Technology سهام شرکت GAE در شرکت سایلیکس را خرید،^{۲۰۰} در ژانویه ۲۰۱۶ اعلام شد که این شرکت نیز به نوبه خود قرار است به شرکت Beijing Navgnss Integration فروخته شود. پیش‌بینی می‌شد این تحول تأثیر قابل توجهی بر توانایی شرکت Beijing Navgnss Integration در توسعه به عنوان یک ارائه‌دهنده خدمات در بخش ناوبری داشته باشد.^{۲۰۱} در اوت سال ۲۰۱۶ نیز علناً اعلام شد که شرکت Beijing Navgnss Integration با هدف بومی‌سازی هر چه بیش‌تر این فن‌آوری اقدام به سرمایه‌گذاری مشترک با یکی از واحدهای ارتش آزادی‌بخش خلق (ارتش چین) کرده است.^{۲۰۲} هنوز روشن نیست که آیا کارخانه اصلی مستقر در سوئد همچنان به فعالیت خود ادامه خواهد داد یا خیر.

آیا برنامه‌ای در حوزه فن‌آوری نیز در این طرح گنجانده شده است؟

روشن نیست که آیا تمامی این تمهیدات در چارچوب یک نقشه فن‌آوری کاملاً حساب شده صورت گرفته‌اند یا خیر. این واقعیت که یکی از پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌های این صنعت یعنی حافظه دسترسی تصادفی پویا (DRAM)^{۲۰۳} که نیازمند سرمایه‌گذاری هنگفت و ظرفیت عظیم در حوزه تحقیقات و توسعه است به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی تعریف شده است، ظاهراً گویای این مطلب است که این تمهیدات در قالب یک نقشه دقیق در حوزه فن‌آوری به موعده اجرا گذاشته نشده‌اند.^{۲۰۴} به عبارت دیگر، مقامات چینی به واسطه گسترش بیش از حد دایره فعالیت‌های خود و حضور همزمان در تمامی بخش‌های یک زنجیره ارزش صنعتی به شدت رقابتی و نیازمند تحقیقات و توسعه که دربردارنده تمامی فن‌آوری‌های عمده نیز هست، ممکن است در نهایت در تحقق بسیاری از اهداف خود ناکام بماند و نتواند تمامی بخش‌های صنعت داخلی را تا سال ۲۰۳۰ به استانداردهای جهانی و گروهی از شرکت‌های داخلی را به رتبه

200. *Environmental Impact Assessment Public Announcement: Beijing Ruitong Xinyuan Semiconductor Technology Co. Eight Inch MEMS International OEM Threat Construction Program Environmental Assessment Report*, China Electronics Engineering Design Institute, 12 December, 2015, viewed 7 January, 2017, <http://www.ceedi.com.cn/templates/second/index.aspx?nodeid=125&page=Content-Page&contentid=2606>.

201. *Beijing Navgnss Integration to Acquire Majority Control of Swedish MEMS Chip Maker for \$115m*, *Chinagoabroad.com*, 4 January, 2016, viewed 7 January, 2017, http://www.chinagoabroad.com/en/recent_transaction/beijing-navgnss-integration-to-acquire-a-majority-control-of-sweden-s-mems-chip-maker-for-115m.

202. *Navgnss Technology: Report Concerning the Establishment of a Holding Subsidiary for Outbound Investment*, *Sina*, 12 August, 2016, viewed 7 January, 2017, http://money.finance.sina.com.cn/corp/view/vCB_AHIBulletinDetail.php?stockid=300456&id=2649237.

203. dynamic random access memory

204. *China's Bold Strategy for Semiconductors—Zero-sum Game or Catalyst for Cooperation?*, East-West Centre, September 2016, viewed 7 January, 2017, p. 14, http://www.eastwestcenter.org/system/tdf/private/iegwp009_0.pdf?file=1Stype=node&id=35798.

شرکت‌های تراز اول در این حوزه برسانند.

خریدن شرکت‌های متعدد با فن‌آوری‌های قدیمی که در میان آن‌ها هم‌افزایی چندانی نیز وجود ندارد، لزوماً به بهبود موقعیت چین در حوزه فن‌آوری منجر نخواهد شد. به عنوان نمونه زمانی که تایوان در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ برای ورود به عرصه تولید حافظه تلاش کرد، در نهایت بدون آن که دست‌آورد قابل توجهی داشته باشد ۳۸ میلیارد یورو در این بخش هزینه کرد.^{۲۰۵} این در حالی بود که در آن زمان بازار هنوز تا این اندازه یک‌دست نشده بود و لذا موانع ورود به آن نیز کم‌تر بود. با توجه به این واقعیت که موانع ورود به بازار در حال حاضر نسبت به گذشته بیش‌تر شده‌اند، در این صنعت بخش‌های متعددی وجود دارند که در آن‌ها تنها یک یا دو شرکت ۱۰۰ درصد سود حاصله در کل جهان را به خود اختصاص داده‌اند و سایر شرکت‌ها در این بخش‌ها تنها پول خود را از دست می‌دهند.^{۲۰۶} چنان که مؤسسه مکنزی نیز اشاره کرده است، تصاحب جایگاه شرکت‌های پیش‌تاز و تثبیت‌شده در یک صنعت مبتنی بر علم و فن‌آوری مانند صنعت تولید مواد نیمه‌هادی که در آن سه شرکت تراز اول در سطح جهان طی دو دهه گذشته ثابت بوده‌اند و موانع ورود به بازار آن نیز بسیار بزرگ هستند، بسیار دشوار خواهد بود.^{۲۰۷} بنابراین موفقیت در این عرصه مستلزم سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه و تعامل با صنعت جهانی است.

اگر چین اصلاحات بازارمحور و از جمله بهبود حمایت از مالکیت فکری و افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه نیروی کار را به موعده اجرا نگذارد و تمرکز خود را به بخش‌هایی که صنایع داخلی این کشور برای پیشرفت در آن‌ها در موقعیت بهتری قرار دارند محدود نکند، بخش عمده‌ای از این سرمایه‌گذاری ممکن است تلف شود. این مسئله همچنین هزینه‌های بالایی را به لحاظ از دست رفتن فرصت‌ها ایجاد می‌کند، زیرا حوزه‌های متعدد دیگری وجود دارند که می‌توان از این منابع مالی در آن‌ها به شکلی مؤثر استفاده کرد. ممکن است در نهایت در یک موضع دنباله‌روی ضعیف و به شدت پراکنده قرار گیرد زیرا پیش‌بینی می‌شود عدم توانایی در همکاری با شرکت‌های مناسب سقف نفوذ این صنایع در عرصه جهانی را به ۱۰

205. Meehan et al, *China Chases Chip Leadership*, Bain & Co., p. 6, http://www.bain.com/Images/BAIN_BRIEF_China_Chases_Chip_Leadership.pdf.

206. Thomas, Christopher, *A New World Under Construction: China and Semiconductors*, McKinsey & Company November 2015, viewed 7 January, 2017, p. 6, <http://www.mckinsey.com/global-themes/asia-pacific/a-new-world-under-construction-china-and-semiconductors>.

207. Woetzel et al, *The China Effect on Global Innovation*, McKinsey Global Institute, p. 31, <http://mckinseychina.com/the-china-effect-on-global-innovation/>.

درصد محدود سازد.^{۲۰۸} اما با آغاز واکنش کشورهای مختلف در برابر موج خرید شرکت‌های خارجی با حمایت دولت چین، خطر کاهش میزان تعامل چین با صنایع جهانی وجود دارد.^{۲۰۹} ایجاد مازاد ظرفیت در لایه‌های پایینی و میانی بازار می‌تواند به کاهش حاشیه سود در سطح جهان منجر شود. این امر میزان درآمد حاصل از فروش نسل‌های قبلی محصولات را که شرکت‌ها می‌توانند از آن‌ها در جهت سرمایه‌گذاری مجدد در بخش تحقیقات و توسعه استفاده کنند، کاهش خواهد داد و این کاهش به نوبه خود کند شدن روند نوآوری در سطح جهان را به دنبال خواهد داشت. برخی ممکن است این تحول را به سود صنایع چینی تلقی کنند. اما چنین نگرشی کوتاه‌بینانه خواهد بود. چنین تحولی در نهایت تنها واکنش منفی دولت‌های خارجی را در پی خواهد داشت.

پیشنهادها

✓ تمرکز حمایت دولت بر تسهیل فرایند تحقیقات و توسعه و نوآوری به جای حمایت از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت.

✓ دادن اجازه به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران این بخش برای تعیین بخش‌هایی از بازار که صنعت در آن‌ها از موقعیت بهتری برای صعود در زنجیره ارزش برخوردار است.

✓ اجتناب از ایجاد ظرفیت مازاد در بخش صنعت که خطر کندتر شدن روند نوآوری در سطح جهان را در پی دارد.

✓ اجتناب از تلاش برای خرید شرکت‌ها به انگیزه‌های سیاسی به عنوان عامل تحریف‌کننده بازار جهانی خرید و ادغام شرکت‌ها و ایجادکننده خطر واکنش منفی فعالان حوزه صنعت در سرتاسر جهان.

208. Meehan et al, *China Chases Chip Leadership*, Bain & Co., 2016, viewed 8 January, 2016, http://www.bain.com/Images/BAIN_BRIEF_China_Chases_Chip_Leadership.pdf; Ramli, David, *China's \$100 Billion Chip Supremacy Bid Unrealistic: Bain, Bloomberg*, 24 August, 2016, viewed 9 February 2017 <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-08-24/china-s-100-billion-chip-supremacy-bid-unrealistic-bain-says>.

209. *US Secretary of Commerce Penny Pritzker Delivers Major Policy Address on Semiconductors at CSIS*, US Department of Commerce, 2 November, 2016, viewed 3 November, 2016, <https://www.commerce.gov/news/secretary-speeches/2016/11/us-secretary-commerce-penny-pritzker-delivers-major-policy-address>; *Report to the President: Ensuring Long-Term US Leadership in Semiconductors*, Executive Office of the President, President's Council of Advisors on Science and Technology, January 2017, viewed 8 January, 2017, https://www.whitehouse.gov/sites/default/files/microsites/ostp/PCAST/pcast_ensuring_long-term_us_leadership_in_semiconductors.pdf; Talley, Ian, *Chinese Access to U.S. Semiconductor Industry May be Curbed*, *The Wall Street Journal*, 2 January, 2017, viewed 8 January, 2017, <http://www.wsj.com/articles/chinese-access-to-u-s-semiconductor-industry-may-be-curbed-1483397701>.

نگرانی

در رده‌های پایینی و میانی بازار صنعت روباتیک پدیده مازاد ظرفیت به شکل جدی در حال شکل‌گیری است که دلیل عمده آن نیز پرداخت یارانه از سوی دولت و فرمانداری‌ها است. این مسئله نشان‌دهنده تخصیص کاملاً نادرست منابع است و نمی‌تواند به حمایت مؤثر از صنایع داخلی در روند صعود در زنجیره ارزش منجر شود.

ارزیابی

برنامه‌های دولت

روباتیک صنعتی یکی از صنایعی است که طرح CM2025 در ارتباط با آن بازتاب‌دهنده تلاش مستمر مقامات چینی برای بهبود موقعیت صنعتی کشورشان است.^{۲۱۰} وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین در دسامبر ۲۰۱۳ دستورالعمل کمک به توسعه صنعت روباتیک را منتشر کرد که شامل تحقق اهدافی تا سال ۲۰۲۰ است.^{۲۱۱} پس از اعلام طرح CM2025 نخستین برنامه پنج‌ساله در بخش صنعت روباتیک نیز در آوریل ۲۰۱۶ توسط وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات، کمیسیون توسعه و اصلاحات و وزارت دارایی چین اعلام شد.^{۲۱۲} این‌ها تنها دو نمونه از برنامه‌های دولت هستند که برای اجرا در این صنعت طی یک دهه اخیر تدوین شده‌اند و نشان‌دهنده عزم جدی مقامات جهت توسعه این صنعت هستند.

همچنین مقامات رسمی دولتی اظهارنظرهای علنی مهمی را در زمینه اهداف خود برای این صنعت مطرح کرده‌اند. به عنوان نمونه، لیو تائو از بخش تجهیزات وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین در این باره چنین گفته است: «سیاست‌های مربوط به صنعت روباتیک شامل

۲۱۰. هرچند روباتیک خدماتی یک حوزه جداگانه است، و روبات‌های مورد استفاده در بخش خدمات و نیز در خانه‌ها را شامل می‌شود، در این گزارش به بحث پیرامون آن پرداخته نشده است. برخی منابع دسته‌اول مربوط به این بخش از گزارش بدین قرار هستند:

Tai et al, *Planning for Innovation :Understanding China's Plans for Technological ,Energy Industrial and Defense Development* ,US-China Economic and Security Review Commission ,p,231 . viewed 5 October 2016 ,<http://www.uscc.gov/Research/planning-innovation-understanding-china%E2%80%99s-plans-technological-energy-industrial-and-defense>.

211. *Guidance Promoting the Development of the Robot Industry*, MIIT, 30 December, 2013, viewed 10 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146285/n1146352/n3054355/n3057585/n3057589/c3616479/content.html>.

212. *Notification of Three Ministries Releasing Robotics Industry Development Plan, 2016-2020*, MIIT, 27 April, 2016, viewed 9 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146295/n1652858/n1652930/n3757018/c4746362/content.html>.

اعطای یارانه به شرکت‌های خریدار روبات‌های تولید داخل و نیز تأسیس یک صندوق ادغام و خرید شرکت‌ها جهت کمک به تولیدکنندگان چینی در زمینه خرید فن‌آوری‌های پیشرفته از شرکت‌های خارجی هستند».^{۲۱۳}

صنعت روباتیک در آینه گزارش‌ها

روباتیک صنعتی اخیراً و تا حدی به واسطه پرداخت یارانه‌ها به صنعتی‌پرطرفدار در چین تبدیل شده است و مقامات رسمی کشور نیز شرکت‌های داخلی را به ماشینی‌کردن بخش‌هایی از فرایندهای تولید تشویق می‌کنند. طبق اعلام فدراسیون بین‌المللی روباتیک، چین بزرگ‌ترین بازار جهان در حوزه روباتیک صنعتی در سال ۲۰۱۵ بوده و ۲۷ درصد کل تقاضا در این بخش را به خود اختصاص داده است و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۱۹ به ۴۲ درصد افزایش یابد.^{۲۱۴} طبق اعلام اتحادیه صنعت روباتیک چین، تولیدکنندگان داخلی چینی در سال ۲۰۱۵ در حدود ۲۹ درصد بیش از سال پیش از آن محصولات خود را به ۲۰ هزار و ۴۰۰ واحد صنعتی فروخته‌اند. اما ممکن است شرکت‌ها در اعلام این ارقام مبالغه کرده باشند، زیرا کارشناسان مستقر در بازار نتوانسته‌اند مشخص کنند که این همه روبات در نهایت در اختیار کدام واحدها قرار گرفته‌اند.^{۲۱۵}

تولیدکنندگان خارجی با احتساب تولیدات خود در داخل چین ۴۸۱۰۰ دستگاه از میان حدود ۶۸۶۰۰ دستگاه فروخته‌شده در سال ۲۰۱۶ را عرضه کرده‌اند و میزان کل فروش آن‌ها در بازار نسبت به سال پیش از آن ۱۷ درصد افزایش یافته است.^{۲۱۶}

213. Tan, Yangzi, *China to Give Robot Makers Subsidies and Funding*, *China Daily*, 16 September, 2015, viewed 2 January, 2017, http://www.chinadaily.com.cn/regional/chongqing/liangjiang/2015-09/16/content_21908074.htm.

214. *World Robotics Report 2016: European Union Occupies Top Position in the Global Automation Race*, International Federation of Robots, 29 September, 2016, viewed 2 December, 2016, p. 2, <http://www.ifr.org/news/ifr-press-release/world-robotics-report-2016-832/>.

215. Interview with industry experts from InterChina Consulting, 1 November, 2016.

216. *Executive Summary, World Robotics Industrial Robots*, International Federation of Robots, 11 September, 2016, viewed 3 January, 2017, p. 12, http://www.ifr.org/fileadmin/user_upload/downloads/World_Robotics/2016/Executive_Summary_WR_Industrial_Robots_2016.pdf.

یارانه‌های دولتی و واکنش صنعت روباتیک

شرکت‌های چینی فعال در این صنعت باید با شرکت‌های خارجی برخوردار از توانمندی‌های فنی بالاتر رقابت کنند. علاوه بر این، توانایی این شرکت‌ها برای صعود در زنجیره ارزش به واسطه حمایت‌های غالباً نامناسب و ناهماهنگ دولت تضعیف شده است. تا اواسط سال ۲۰۱۶، ۲۸ استان و شهر عمده صنعت روباتیک را به عنوان یکی از حوزه‌های دارای اولویت معرفی کرده بودند.^{۲۱۷} همچنین چندین شهر و استان نیز اقدام به تشکیل صندوق‌هایی کرده‌اند که امکان حمایت از صنعت روباتیک محلی از طریق آن‌ها وجود دارد. به عنوان نمونه، استان گوانگدونگ صندوقی را با سرمایه ۱۶/۸ میلیارد یوان و با هدف جایگزینی روبات‌ها به جای کارگران در بیش از ۱۹۵۰ شرکت در بازه زمانی ۱۷-۲۰۱۵ تشکیل داده است.^{۲۱۸} در بازه زمانی ۱۶-۲۰۱۴، شهر دونگ‌گوان در استان گوانگدونگ نیز سالانه ۲۷/۴ میلیون یورو را به تحول فن‌آوری از طریق اجرای برنامه‌ای جهت جایگزینی ماشین‌ها به جای کارگران اختصاص داده است. به همین ترتیب، شهر شنژن نیز سالانه ۶۸/۶ میلیون یورو را در بازه زمانی ۲۰-۲۰۱۴ به صنایع روباتیک، پوشاک و صنعت تجهیزات هوشمند اختصاص داده است.^{۲۱۹}

در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مشخص شد که مجموعاً ۷۷ فرمانداری سیاست‌هایی را به منظور حمایت از شرکت‌های محلی فعال در حوزه روباتیک و مشتریان آن‌ها تدوین کرده بودند.^{۲۲۰} به عنوان نمونه، در شهر دونگ‌گوان، شرکت‌ها می‌توانند در ازای اختصاص ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خود به جایگزینی روبات‌ها به جای کارگران تا سقف ۲۷۴ هزار یورو یارانه دریافت کنند. در شهر فوشان،^{۲۲۱} شرکت‌ها در ازای نخستین خرید روبات‌های تولید

217. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, Finance Sina, 9 July, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-07-11/doc-iftwxchx8429881.shtml>.

218. *Supporting the Robotics Industry, the Influence of Government Capital Must be Proper*, Business Sohu, 4 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://business.sohu.com/20160904/n467569700.shtml>.

219. Feng, Qingyan, *Investigation of Chaos with Robot Subsidies, Local 'Great Leap Forward' Pulls Toward Overcapacity Alert*, Economic Observer, 30 April, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eeo.com.cn/2016/0430/285698.shtml>.

220. Hu, Jiayuan, *Subsidies for the Robotics Industry Must Guard Against the Risk of Overcapacity*, Economic Observer, 21 May, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eeo.com.cn/2016/0521/287597.shtml>; *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, Finance Sina.

221. Foshan

داخل تنها یک بار یارانه‌ای به مبلغ ۱۳۷ هزار یورو را دریافت می‌کنند، در حالی که بنابر برخی گزارش‌ها در شهر وو هو^{۲۲۲} شرکت‌ها توانسته‌اند در ازای نخستین خرید روبات‌های تولید داخل ۱۰۰ درصد مبلغ پرداختی را به صورت یارانه دریافت نمایند.^{۲۲۳}

چهره‌های دانشگاهی، روزنامه‌نگاران و کارشناسان بخش صنعت در چین مشکلات ناشی از وجود چنین شرایطی را به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. اولاً مشاهده شده که غالباً منابع مالی کافی برای انجام تحقیقات پایه جهت توسعه مهارت‌های پیشرفته در میان نیروی کار اختصاص داده نشده است.^{۲۲۴} این مسئله ارتقای ظرفیت‌ها برای شرکت‌های چینی را دشوارتر می‌کند. از سوی دیگر این شرکت‌ها با رقابت شدیدی در رده‌های پایین بازار رو به رو هستند که این امر خود نتیجه یارانه‌هایی است که شرکت‌های داخلی جدید را به ورود به این بازار تشویق کرده است.

این مسئله در گزارشی که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده نیز بازتاب داشته است. طبق این گزارش، حدود نیمی از ۸۰۰ شرکت فعال در این صنعت در آن زمان تنها برندهایی بدون محصول بودند.^{۲۲۵} بین ۷۰ تا ۸۰ درصد از شرکت‌های باقی‌مانده نیز طبق برخی گزارش‌ها واسطه‌های فروش محصولات سایر شرکت‌ها بوده‌اند و تنها حدود ۱۰۰ شرکت واقعاً توانسته‌اند مستقلاً به تولید قطعات یا روبات‌های کامل پردازند. با توجه به آنکه بنابر آمار وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین تا آوریل ۲۰۱۶ بیش از ۳۴۰۰ شرکت در این عرصه فعال بوده‌اند، این رقم احتمالاً بسیار محافظه‌کارانه است.^{۲۲۶} تنها در استان دونگ‌گوان ۴۰۰ شرکت ظاهراً در این بخش فعال هستند.^{۲۲۷} حتی از میان شرکت‌هایی که روبات می‌فروشند، بسیاری عمدتاً در زمینه مونتاژ قطعات تولیدشده توسط شرکت‌های خارجی فعالیت می‌کنند. به عنوان نمونه، بنابر

222. Wuhu

223. *Supporting the Robotics Industry the Influence of Government Capital Must be Proper*, Business Sohu, 4 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://business.sohu.com/20160904/n467569700.shtml>.

224. Ibid.

225. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, Finance Sina, 9 July, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-07-11/doc-ixftwchx8429881.shtml>.

226. He, Huifang, *How the World's Largest Market for Industrial Robotics is Allegedly Propped up by Deceit*, South China Morning Post, 31 May, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://www.scmp.com/tech/china-tech/article/1960763/how-worlds-largest-market-industrial-robots-allegedly-propped-deceit>.

227. *Xinhua Insights: Chinese Manufacturing Hub on Frontlines of Robot Revolution*, Xinhua, 1 March, 2016, viewed 2 January, 2017, http://icbc.com.cn/icbc/investment/financial%20news/XinhuaInsightChineseManufacturingHubonFrontl_inesofRobotRevolution.htm.

گزارش‌ها ۸۰ تا ۹۰ درصد این شرکت‌ها از قطعات اصلی خارجی، ۶۰ تا ۷۰ درصد از موتورهای خارجی و ۴۰ تا ۵۰ درصد نیز از کنترل‌کننده‌های خارجی استفاده می‌کنند.^{۲۲۸} این مسئله به ویژه در مورد تجهیزات پیشرفته‌تر مانند روبات‌های شش‌محوره که نیازمند سطوح بالایی از دقت هستند و لذا شش تولیدکننده در ساخت آن‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند، صادق است. در نتیجه ارزش کل سهم شرکت‌های داخلی در محصول تولید شده به ویژه در بخش‌های بالادستی بازار، غالباً بسیار پایین است.

تعداد زیاد پارک‌های فن‌آوری

گسترش بیش از حد این صنعت با تأسیس بیش از ۴۰ پارک فن‌آوری مخصوص صنعت روباتیک همراه بوده است که با هزینه‌های ده‌ها میلیارد یورویی تأسیس شده یا خبر تأسیس آن‌ها اعلام گردیده است.^{۲۲۹} با توجه به اندک بودن شمار شرکت‌هایی که قرار است در این پارک‌ها مستقر شوند و علی‌رغم مشوق‌های ارائه شده، وجود این شرکت‌ها در اغلب موارد توجیه‌کننده سرمایه‌گذاری‌های دولت در زمینه ایجاد این پارک‌ها نیست. اتحادیه صنعت روباتیک چین (CRIA)^{۲۳۰} اعلام کرده که برنامه‌ریزی برای ایجاد پارک‌های صنعتی در بخش روباتیک گسترده نیست و شرکت‌ها بدون آنکه میان آن‌ها به لحاظ فن‌آوری‌های مورد استفاده در تولید محصولات تمایزی وجود داشته باشد در نقاط مختلف پراکنده شده‌اند.^{۲۳۱} رسانه‌های اقتصادی چین نیز نتیجه‌گیری‌های مشابهی را مطرح کرده‌اند.^{۲۳۲} طبق محاسبات مؤسسه مرکاتور مطالعات چین، اهداف انباشتی مربوط به سال ۲۰۲۰ در سطح شهرها و استان‌ها در حوزه صنایع

228. *Sale of Robots in China Ranked Number One, but All Core Components Are Imports*, Sina Military, 16 January, 2015, viewed 9 January, 2017, <http://mil.news.sina.com.cn/2015-01-16/1007818423.html>; Chen, Nick, *Rise of the Machines: Robot Industry Leads China Manufacturing 2025 Strategy*, EURObiz, 6 December, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eurobiz.com.cn/rise-of-the-machines-robot-industry-leads-china-manufacturing-2025-strategy/>.

229. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, Finance Sina, 9 July, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-07-11/doc-ixftwchx8429881.shtml>; Hu, Jiayuan, *Subsidies for the Robotics Industry Must Guard Against the Risk of Overcapacity* Economic Observer, 21 May, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eeo.com.cn/2016/0521/287597.shtml>; Tai et al, *Planning for Innovation: Understanding China's Plans for Technological, Energy, Industrial and Defense Development*, US-China Economic and Security Review Commission, p. 219, viewed 5 October, 2016, <http://www.uscc.gov/Research/planning-innovation-understanding-china%E2%80%99s-plans-technological-energy-industrial-and-defense>.

230. Chinese Robot Industry Alliance

231. Feng, Qingyan, *Investigation of Chaotic Subsidies for Robots, Local 'Leap Forward' Pulls Toward Warning of Overheating*, Economic Observer, 30 April, 2016, viewed 3 December, 2016, <http://www.eeo.com.cn/2016/0430/285698.shtml>.

232. Ibid.

داخلی حدود شش برابر کل تقاضای داخلی پیش‌بینی شده است و تعهد ناشی از پرداخت یارانه‌ها نیز در حدود ۵,۵ میلیارد یورو خواهد بود.^{۲۳۳}

مازاد ظرفیت و نتیجه عملکرد ناصحیح

بنابر اعلام یائو ژی جو^{۲۳۴}، معاون دبیر کل اتحادیه صنعت روباتیک چین^{۲۳۵}، صنعت روباتیک به دلیل شور و شوق ایجادشده در میان فرمانداری‌ها و متعاقب آن پرداخت یارانه از سوی آن‌ها به این صنعت شاهد جهش عظیمی بوده است.^{۲۳۶} هرچند برنامه‌های حمایتی دولتی عموماً الزامات سختگیرانه‌تری را شامل می‌شوند، اما مبالغی که برای حمایت از صنعت داخلی پرداخته شده در واقع به هدر رفته است. برخی شرکت‌های داخلی راه‌هایی برای فریب دادن نظام حمایتی و دریافت یارانه پیدا کرده‌اند، حال آن‌که میزان تولید واقعی آن‌ها از میزان اعلام شده کم‌تر است و گاه حتی صرفاً به مونتاژ قطعات تولیدی سایر شرکت‌ها می‌پردازند یا حتی کالاهای تولیدشده را خریداری کرده به نام تولید خود می‌فروشند.^{۲۳۷} بنابر برخی گزارش‌ها، بعضی دیگر از شرکت‌ها برای دریافت یارانه بیش‌تر اقدام به تأسیس شرکت‌های صوری متعدد کرده‌اند.^{۲۳۸} هرچند بسیاری از مراجع محلی می‌کوشند شرکت‌ها را پیش از دریافت حمایت‌های مالی ارزیابی کنند، اما این مراجع همواره از تخصص‌های لازم جهت انجام این مهم برخوردار نیستند. شمار بالای شرکت‌هایی که هم‌اینک در این صنعت فعال هستند نیز بر پیچیدگی این تلاش‌ها می‌افزاید.

وانگ کیروننگ،^{۲۳۹} مدیر اجرایی اتحادیه صنعت هوش مصنوعی روباتیک چین گفته است

233. Wubbeke, Jost et al., *Made in China 2025: The Making of a High-Tech Superpower and Implications for Industrial Countries*, MERICS, December 2016, no. 2, p. 25; <https://www.merics.org/en/merics-analysis/papers-on-china/made-in-china-2025/>.

234. Yao Zhiju

235. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, *Finance Sina*, 9 July, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-07-11/doc-iftwchx8429881.shtml>.

236. Feng, Qingyan, *Investigation of Chaotic Subsidies for Robots, Local 'Leap Forward' Pulls Toward Warning of Overheating*, *Economic Observer*, 30 April, 2016, viewed 3 December, 2016, <http://www.eeo.com.cn/2016/0430/285698.shtml>.

237. *Supporting the Robotics Industry, the Influence of Government Capital Must be Proper*, *Business Sohu*, 4 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://business.sohu.com/20160904/n467569700.shtml>.

238. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, *Finance Sina*, 9 July, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-07-11/doc-iftwchx8429881.shtml>.

239. Wang Cairong

که «این صنعت در یک حباب یارانه‌ای قرار گرفته و زمان آغاز یک کارزار در سطح ملی جهت بررسی عملکرد شرکت‌هایی که از طریق فریب کاری یا ارتباطات نامشروع اقدام به دریافت یارانه کرده‌اند، فرا رسیده است».^{۲۴۰} سونگ شائوگونگ^{۲۴۱}، دبیر کل اتحادیه صنعت روباتیک چین نیز گفته است که دولت باید تلاش‌های خود را بر ایجاد بستری متمرکز کند که در آن امکان رقابت منصفانه وجود داشته باشد.^{۲۴۲}

بنابر پاره‌ای گزارش‌ها، برخی شرکت‌های کوچک و متوسط که فاقد ارتباطات دولتی هستند از دسترسی به یارانه‌ها بازمانده‌اند، درحالی‌که آن دسته از شرکت‌هایی که منابع بزرگ‌تری به لحاظ درآمدهای مالیاتی برای فرمانداری‌ها به شمار می‌روند، هرچند ممکن است لزوماً از فن‌آوری‌های قوی نیز برخوردار نباشند، لیکن از این امکان برخوردار شده‌اند.^{۲۴۳} در برخی موارد دیگر، فرمانداری‌ها ممکن است بخشی از یارانه‌ها را صرف نظر از ظرفیت‌های شرکت‌های دولتی محلی در حوزه فن‌آوری به عنوان پاداش در اختیار این شرکت‌ها قرار دهند.^{۲۴۴}

بنابر پاره‌ای گزارش‌ها، برخی شرکت‌های عمده در تأمین ۳۰ تا ۶۸ درصد سودهای خود متکی به یارانه‌های دولتی هستند^{۲۴۵} و اگر یارانه‌ها نبود بسیاری از این شرکت‌های کوچک‌تر مجبور به خروج از بازار می‌شدند. در مقابل و با توجه به تخصیص منابع قابل توجه از سوی

240. He, Huifang, *How the World's Largest Market for Industrial Robotics is Allegedly Propped up by Deceit*, *South China Morning Post*, 31 May, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://www.scmp.com/tech/china-tech/article/1960763/how-worlds-largest-market-industrial-robots-allegedly-propped-deceit>.

241. Song Shaogong

242. *Supporting the Robotics Industry, the Influence of Government Capital Must be Proper*, *Business Sohu*, 4 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://business.sohu.com/20160904/n467569700.shtml>.

243. Feng, Qingyan, *Investigation of Chaotic Subsidies for Robots, Local Leap Forward' Pulls Toward Warning of Overheating*, *Economic Observer*, 30 April, 2016, viewed 3 December, 2016, <http://www.eeo.com.cn/2016/0430/285698.shtml>.

244. He, Huifang, *How the World's Largest Market for Industrial Robotics is Allegedly Propped up by Deceit*, *South China Morning Post*, 31 May, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://www.scmp.com/tech/china-tech/article/1960763/how-worlds-largest-market-industrial-robots-allegedly-propped-deceit>.

245. Dai, Chunchen, *National Industrial Robot 100 Million RMB Club Scan: Going Toward the Trap of Commodification*, *Sina.com*, 14 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-09-14/doc-ixfvueif6741297.shtml>.; Hu, Jiayuan, *Subsidies for the Robotics Industry Must Guard Against the Risk of Overcapacity*, *Economic Observer*, 21 May, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eeo.com.cn/2016/0521/287597.shtml>.

مناطق متعدد کوچک‌تر به توسعه صنایع محلی، وضعیت بازار به شکلی است که شرکت‌های چینی در برابر حمایت‌گرایی محلی در شرایط مناسبی قرار ندارند و کل صنعت روباتیک این کشور نیز نمی‌تواند جایگاه خود را تثبیت کند. در چین وضعیت تداوم استانداردهای ملی در میان مناطق در حال رقابت به شکلی که امکان توسعه هرچه کارآمدتر این صنعت و نیز حمایت از صنعت بزرگ‌تر تولیدات کارخانه‌ای نیز فراهم گردد، دشوار می‌شود.^{۲۴۶}

پیامدهای این وضع برای صنعت روباتیک

با توجه به شمار شرکت‌های داخلی که وارد این بازار شده‌اند و نیز با توجه به مازاد ظرفیت حاصل از این شرایط در بخش‌های پایین‌دستی بازار، رسیدن به مقیاس‌های فعالیتی که بتواند امکان خرید قطعات کلیدی به قیمتی مشابه قیمت خرید شرکت‌های بین‌المللی بزرگی که در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر به ثبت سفارش می‌پردازند را فراهم کند، حتی برای شرکت‌های تراز اول چینی نیز دشوار است.^{۲۴۷} بنابراین، شرکت‌های داخلی دو برابر بیش از شرکت‌های خارجی به تولیدکنندگان می‌پردازند و همین مسئله بیش از یک‌سوم ساختار هزینه روبات‌های شش‌محوره آن‌ها را تشکیل می‌دهد.^{۲۴۸} همین مسئله رقابت در بخش‌های دارای ارزش بالاتر را برای این دسته از شرکت‌ها دشوار کرده و آن‌ها را وادار می‌کند تا عمدتاً بر بخش‌هایی مانند واسطه‌گری، بارگیری و تخلیه بار، جوشکاری و لهیم‌کاری، مونتاژ و باز کردن قطعات متمرکز شوند.

دورنما

مقامات رسمی در چین پیش‌تر علناً به وجود برخی از این مشکلات اذعان کرده‌اند. شین گوئوبین،^{۲۴۹} معاون وزیر صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین گفته است که نگرانی‌ها پیرامون مازاد ظرفیت در صنعت روباتیک بی‌پایه و اساس نیستند، زیرا در شرکت برتر داخلی فعال در این عرصه نیز با این معضل روبرو هستند و همین مسئله کسب سود از طریق افزایش میزان تولید را دشوار می‌کند.^{۲۵۰} هرچند می‌توان انتظار داشت که دولت همچنان به حمایت از شرکت‌های

246. Hu, Jiayuan, *Subsidies for the Robotics Industry Must Guard Against the Risk of Overcapacity*, *Economic Observer*; 21 May, 2016, viewed 2 January, 2017, <http://www.eeo.com.cn/2016/0521/287597.shtml>.

247. *Chinese Industrial Automation Primer*; InterChina Consulting, 27 October, 2015, p. 18.

248. Ibid; Dai, Chunchen, *National Industrial Robot 100 Million RMB Club Scan: Going Toward the Trap of Commodification*, *Sina.com*, 14 September, 2016, viewed 2 December, 2016, <http://finance.sina.com.cn/roll/2016-09-14/doc-ixvvueif6741297.shtml>.

249. Xin Guobin

250. *Domestic Robots Only Account for 8% of the Market, How can Indigenous Brands Break out of Encirclement?*, *Finance Sina*; Chinese Industrial Automation Primer InterChina Consulting, 27 October, 2015, p. 18.

داخلی در کوتاه‌مدت پردازد، تولیدکنندگان داخلی نیز باید محصولات خود را به خدمات تبدیل کنند تا از این راه ضمن بهبود کیفیت تولیدات خود ثابت کنند که می‌توانند در یک بستر تولید صنعتی به استاندارد بالاتری نیز دست یابند. با توجه به روند نزولی قیمت‌ها در بخش‌های مختلف صنعت روباتیک، تولیدات این قبیل تولیدکنندگان بیش از پیش تجاری خواهد شد. بنابراین، توانایی تولیدکنندگان در حفظ و تعمیر روبات‌های نصب شده طبق استانداردهای مناسب، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. اما وجود مازاد ظرفیت به تحقق هیچ یک از این اهداف کمکی نمی‌کند.

این مسئله همچنین نشان می‌دهد که امکانات نرم‌افزاری نیز به اندازه امکانات سخت‌افزاری حائز اهمیت هستند. رعایت پارامترهای مدیریت و کنترل حرکت جهت تأمین الزامات تولید و نیز استانداردهای ایمنی و صنعتی نیز دشوار است. بنابراین، سرهم کردن قطعات در یک بازوی روباتی قسمت ساده کار است. اینترنت اشیا و ابزارهای تحلیلی اقتباس شده از آن عوامل اصلی در بسیاری از فرایندهای پیشرفته مربوط به صنعت نسل ۴/۰ هستند. ظرفیت مورد نیاز جهت ادغام روبات‌ها در فرایند تولید و هماهنگ کردن آن‌ها با سایر تجهیزات و سامانه‌های موجود، خود یک مسئله است. اما چالش بزرگ‌تر، حصول اطمینان از سهولت برنامه‌دهی به این روبات‌ها، اتصال آن‌ها به یکدیگر و مدیریت آن‌ها در کنار یکدیگر و نیز تحلیل و به‌کارگیری تمامی داده‌هایی است که آن‌ها ارائه می‌دهند، زیرا در غیر این صورت تنها بخش بسیار کوچکی از ظرفیت بالقوه آن‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

البته این بدان معنا نیست که چین به بازیگری مهم در عرصه صنعت روباتیک تبدیل نخواهد شد. با توجه به آمار ۴۹ روبات نصب شده به ازای هر ده هزار کارگر در این کشور در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با ۵۳۱ روبات در کره، ۳۰۱ روبات در آلمان، ۲۱۲ روبات در سوئد، ۱۸۸ روبات در دانمارک و میانگین جهانی ۶۹ روبات به ازای هر ده هزار کارگر، تردیدی نیست که چین در این عرصه هنوز راه درازی در پیش دارد.^{۲۵۱} با توجه به روند کاهش هزینه تولید روبات‌ها و در عین حال افزایش دستمزدها در بسیاری از مناطق چین، دلایل اقتصادی نیز شرکت‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری در این عرصه سوق می‌دهند، زیرا در این نوع سرمایه‌گذاری دوره بازگشت سود تنها به دو سال کاهش می‌یابد.^{۲۵۲} لذا این امکان وجود دارد که یکی دو شرکت از چهار شرکت چینی خصوصی برتر در این عرصه بتوانند در نهایت به جرگه شرکت‌های تراز

251. *World Robotics Report 2016: European Union Occupies Top Position in the Global Automation Race*, International Federation of Robots, 29 September, 2016, viewed 2 December, 2016, p. 2, <http://www.ifr.org/news/ifr-press-release/world-robotics-report-2016-832/>

252. *Chinese Industrial Automation Primer*, InterChina Consulting, 27 October, 2015, p. 6.

اول بین‌المللی پیبوندند. اما موفقیت آن‌ها قطعاً معلول مازاد ظرفیت و آشفتگی ناشی از پرداخت یارانه‌ها نیست و این مسئله مانعی بر سر راه موفقیت آن‌ها به شمار خواهد رفت.

در چنین شرایطی، جدیدترین هدف اعلام شده مقامات چینی افزایش میزان روبات‌های نصب شده به ۱۵۰ روبات به ازای هر ده هزار کارگر تا سال ۲۰۲۰ است.^{۲۵۳} تحقق این هدف مستلزم ورود ۶۰۰ الی ۶۵۰ هزار روبات دیگر به چرخه استفاده در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰ یعنی رقمی معادل حدود دو و نیم برابر میزان کل فروش روبات در جهان در سال ۲۰۱۵ خواهد بود.^{۲۵۴} تداوم رویکرد کنونی در تلاشی کور برای تحقق این هدف به نصب تعداد بیشتری روبات با کیفیت نه چندان مناسب منجر خواهد شد. این کار نه کمک مؤثری به اجرای طرح CM2025 خواهد کرد و نه به تقویت ظرفیت صنعت روباتیک داخلی در حوزه فن‌آوری منجر خواهد شد.

مشابهت‌ها میان خرید شرکت کوکا^{۲۵۵} و پیشنهاد خرید سینجنتا^{۲۵۶}

در اواسط سال ۲۰۱۶، شرکت خصوصی چینی میدی^{۲۵۷} که یک شرکت تولیدکننده وسایل الکترونیکی خانگی بزرگ است شرکت آلمانی کوکا را که در زمینه روباتیک صنعتی فعالیت می‌کند به بهای ۴/۶ میلیارد یورو و در قالب معامله‌ای که گفته می‌شود منابع آن از طرف بخش خصوصی تأمین شده، خرید.^{۲۵۸}

در فوریه ۲۰۱۵، شرکت ملی صنایع شیمیایی چین (ChemChina)^{۲۵۹} که یک شرکت دولتی است و اخیراً نیز شرکت ایتالیایی معروف پیرلی^{۲۶۰} که در زمینه تولید لاستیک اتومبیل فعالیت می‌کرد و نیز شرکت آلمانی کراسمافه^{۲۶۱} را که در زمینه ماشین‌آلات لاستیکی فعالیت داشت به ترتیب به بهای ۸/۱ میلیون و ۹۲۵ میلیون یورو خریده است، همچنین با پرداخت ۱ میلیارد یورو برای خرید شرکت سوئیسی سینجنتا که در زمینه کشاورزی فعالیت دارد موافقت

253. Sheahan, Maria, *China Seeks Top-10 Automation Ranking by 2020: Robot Industry Group, Reuters*, 22 July, 2016, viewed 4 January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-robots-forecast-idUSKCN102104>.

254. *World Robotics Report 2016: European Union Occupies Top Position in the Global Automation Race*, International Federation of Robots, 29 September, 2016, viewed 2 December, 2016, p. 2, <http://www.ifr.org/news/ifr-press-release/world-robotics-report-2016-832/>.

255. Kuka

256. Syngenta

257. Midea

258. Hopner, Axel and Buchenau, Martin-Werner, *In Kuka Deal, Door Opens to China, Handelsblatt*, 29 June, 2016, viewed 4 January, 2017, <https://global.handelsblatt.com/edition/460/ressort/companies-markets/article/kuka-backs-chinese-bid>.

259. China National Chemical Corporation

260. Pirelli

261. KraussMaffei

شده است.^{۲۶۲} تمرکز شرکت سینجتتا بر فن آوری‌های مربوط به تولید بذر و آفت‌کش‌ها با اولویت‌های مندرج در طرح CM2025 در بخش کشاورزی همخوانی دارد.

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که این دو معامله هیچ شباهتی با هم ندارند. اما این دو معامله سؤالات مهمی را برای شرکت‌های اروپایی ایجاد می‌کنند. در هر دوی این موارد، طرف چینی به دنبال انجام خریدهایی خارج از حیطه اصلی فعالیت خود بوده است. گروه صنعتی ساینوچم^{۲۶۳} که از قضا احتمال ادغامش با شرکت ملی صنایع شیمیایی چین نیز وجود دارد^{۲۶۴} در زمینه تولید بذر، کود و مواد شیمیایی مورد استفاده در بخش کشاورزی فعالیت‌هایی دارد که می‌تواند به ایجاد هم‌افزایی‌هایی با شرکت سینجتتا منجر شود. قطعاً در قیاس با شرکت ملی صنایع شیمیایی چین، شرکت ساینوچم امکان هم‌افزایی بیش‌تری با شرکت سینجتتا دارد، زیرا شرکت ملی صنایع شیمیایی چین عمدتاً در زمینه مواد شیمیایی، تولید مشتقات نفتی، لاستیک اتومبیل و سایر محصولات لاستیکی و تجهیزات شیمیایی فعالیت دارد.

تلاش برای انجام این معامله می‌تواند بازتاب‌دهنده تمایل مدیر ارشد شرکت ملی صنایع شیمیایی چین برای تداوم روند تشکیل یک امپراطوری اقتصادی باشد. اما انجام این معامله این پرسش را نیز به ذهن متبادر می‌سازد که آیا ممکن است دولت چین برای اجتناب از قرار گرفتن در معرض احتمال ارزیابی‌های ضد تراست در اروپا، که در صورت ارائه پیشنهاد خرید از سوی یک شرکت فعال در همان عرصه امکان به جریان افتادن آن وجود می‌داشت، این شرکت را برای ارائه پیشنهاد خرید شرکت سوئسی تشویق کرده باشد یا خیر. دقیقاً همین پرسش در مورد خرید شرکت کوکا مطرح است. در هر دوی این موارد، طرف‌های چینی پیشنهادی را مطرح کرده‌اند که در صورت عملی شدن به میزان قابل توجهی بر ارزش سرمایه‌ای این خریدها در بازار می‌افزود. هرچند این معاملات برای سهام‌داران شرکت‌های مورد تقاضا معاملاتی جذاب بوده و بدون تردید همین جذابیت به پذیرش این پیشنهادها از سوی آن‌ها کمک کرده است، اما این بدان معنا نیست که شرکت‌های چینی متقاضی خرید این شرکت‌ها بهایی بیش از ارزش واقعی آن‌ها را پرداخت کرده‌اند. اگر شرکت‌های خریداری‌شده که از فن آوری‌های به شدت رقابتی نیز برخوردار هستند در نهایت شاهد افزایش بالای میزان دسترسی خود به بازار چین باشند و این بهبود شرایط آن‌ها به بهای قربانی شدن سایر شرکت‌های خارجی تمام شود، این معاملات به عنوان معاملاتی ارزشمند تلقی خواهند شد. اما تحقق این امر احتمالاً در مقیاس گسترده‌تر بر صنایعی که این شرکت‌ها در آن‌ها فعالیت می‌کنند تأثیر نامطلوبی خواهد داشت. هرچند در حال حاضر نمی‌توان به ارائه نتیجه‌گیری قطعی پرداخت، اما این موارد باید به طور جدی مورد بررسی قرار گیرند.

۲۶۲. به دلیل ساختار به شدت پیچیده حاکم بر فرایند تأمین مالی و تعداد حوزه‌های قضایی که اخذ مجوزهای قانونی در آن‌ها لازم است، نتیجه نهایی این معامله هنوز روشن نیست.

263. SinoChem

264. Yang, Ziman, *ChemChina, SinoChem to be Merged, Sources Disclose, China Daily*, 15 October, 2016, viewed 4 January, 2017, < http://www.chinadaily.com.cn/business/2016-10/15/content_27069571.htm.

پیشنهادها

- ۷ جلوگیری از دادن یارانه به صنعت روباتیک از سوی فرمانداری‌های محلی.
- ۷ جلوگیری از ایجاد پارک‌های صنعت اضافی توسط فرمانداری‌ها در محل‌هایی که انجام چنین کاری توجیه اقتصادی روشنی ندارد.
- ۷ تمرکز حمایت دولت بر تسهیل فرایند تحقیقات و توسعه به جای تخصیص یارانه به بخش عرضه.

۷-۱-۳- خودروهای متکی به انرژی‌های نو

نگرانی

در اقدامی برخلاف تعهدات چین در چارچوب سازمان تجارت جهانی، شرکت‌های اروپایی برای انتقال فن‌آوری‌های اصلی خود در ازای دسترسی به بازار چین در کوتاه‌مدت تحت فشار قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، شرکت‌های خارجی در زمینه دسترسی به بازار در حوزه باتری‌های متکی به انرژی‌های نو با محدودیت‌های جدی مواجه هستند و درصد بالایی از یارانه‌های پرداختی توسط دولت و فرمانداری‌ها در این بخش به شرکت‌های داخلی تحت حمایتی تخصیص یافته است که فاقد ظرفیت قوی در حوزه فن‌آوری هستند. اقدام اخیر در زمینه ایجاد یک سامانه تجاری مبتنی بر اعطای اعتبارات بر مبنای میزان مصرف کربن نیز نتوانسته است شرایط منصفانه‌ای را در رقابت میان شرکت‌های داخلی و خارجی ایجاد کند.

ارزیابی

آشنایی با این صنعت

مقامات چینی مدت‌ها پیش از آغاز طرح موسوم به CM2025 صنعت خودروهای متکی به انرژی‌های نو را مورد توجه قرار دادند. این صنعت شامل خودروهای الکتریکی هیبرید متصل به برق، خودروهای الکتریکی مجهز به باتری و خودروهای الکتریکی مجهز به سلول‌های سوختی است. دستورالعمل‌های تنظیم و تقویت صنعت خودروسازی^{۲۶۵} مربوط به سال ۲۰۰۹ و پس از آن، دستورالعمل‌های مربوط به توسعه صنعت ساخت خودروهای کم‌مصرف و متکی به انرژی‌های نو^{۲۶۶} که در سال ۲۰۱۲ تدوین شده است، نمونه‌هایی از توجه مقامات چینی به این عرصه به شمار می‌روند.

265. Guidelines for Adjusting and Promoting the Automobile Industry

266. Energy Saving and New Energy Vehicle Industry Development Guidelines

صدور دستورالعمل‌های مربوط به سال ۲۰۰۹ و سایر تمهیدات با ارائه حمایت‌های مالی قابل توجه نیز همراه بوده‌اند. به عنوان نمونه طبق گزارشی که برای کمیسیون ارزیابی اقتصادی و امنیتی آمریکا-چین (USCESRC)^{۲۶۷} آماده شده بود، از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو چین بیش از ۵/۱ میلیارد یورو در صنعت تولید خودروهای الکتریکی سرمایه‌گذاری کرده است.^{۲۶۸} به هر حال و با وجود ظرفیت‌های قوی برخی شرکت‌های چینی فعال در این عرصه،^{۲۶۹} حمایت دولت و فرمانداری‌های محلی در چین از شرکت‌های داخلی مشکلات مختلفی را پدید آورده است.

اعمال فشار برای انتقال فن آوری

این نکته به اثبات رسیده است که شرکت‌های خارجی تنها می‌توانند حداکثر کنترل ۵۰ درصد سهام شرکت‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری مشترک در این صنعت را در اختیار داشته باشند. تولیدات چین شرکتی باید به جای برند شرکت خارجی شریک سرمایه‌گذاری، با برند دیگری عرضه شوند، و طرف چینی شریک در سرمایه‌گذاری مشترک باید حداقل یکی از سه فن آوری کلیدی مورد استفاده را در اختیار داشته باشد. با این حال در مقررات اداری اخیر در زمینه دسترسی تولیدکنندگان خودروهای متکی به انرژی‌های نو و محصولات مرتبط با آنها الزامات دیگری پیش‌بینی شده‌اند که با اجرای آنها به میزان قابل توجهی بر سخت‌گیری‌های مربوط به تأیید صلاحیت به عنوان یک تولیدکننده جدید در بازار چین افزوده خواهد شد.^{۲۷۰} به موجب این مقررات تازه، تولیدکنندگان باید ثابت کنند که بر فن آوری‌های مربوط به طراحی و تولید یک خودروی کامل متکی به انرژی‌های نو (و نه صرفاً یکی از سه فن آوری کلیدی

267. US-China Economic and Security Review Commission

268. Tai et al, *Planning for Innovation: Understanding China's Plans for Technological, Energy Industrial and Defense Development*, US-China Economic and Security Review Commission, p. 231, viewed 5 October, 2016, <http://www.uscc.gov/Research/planning-innovation-understanding-china%E2%80%99s-plans-technological-energy-industrial-and-defense>.

۲۶۹. اما باید توجه داشت که در مورد شرکت BYD این مسئله تا حدی معلول یارانه‌های هنگفت پرداختی از سوی دولت است. به عنوان نمونه، در دوره پنج‌ساله منتهی به ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، این شرکت مجموعاً ۴۰۰ میلیون دلار حمایت مالی مستقیم دریافت کرده است، در حالی که در همین دوره، سود این شرکت ۸۸۰ میلیون یورو بوده است. همچنین میزان یارانه‌های پرداختی به این شرکت در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ بیش از سود شرکت بوده است.

Clifford Mark, *Chinese Government Subsidies Play Major Part in Electric Car Maker BYD's Rise*, *Forbes* 16, July, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.forbes.com/sites/mclifford/2016/07/26/with-a-little-help-from-its-friends-lavish-chinese-government-help-for-top-electric-car-maker-byd5#/e097b961533>.

270. *Administrative Regulations on Market Access of New-energy Automobile Manufacturers and Products*, MIIT, 17 January, 2017, viewed 17 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/newweb/n1146295/n1146557/n1146624/c5462995/content.html>.

مورد استفاده که در قوانین پیشین به عنوان الزام مطرح شده بود) تسلط یافته‌اند و از ظرفیت‌های تحقیقات و توسعه ویژه تولید این خودروها نیز برخوردار هستند.

تعیین این الزام در عمل بدان معنا است که شرکت‌های خارجی تولیدکننده تجهیزات اصلی ملزم به انتقال دانش و فن‌آوری‌های حیاتی به شرکت حاصل از سرمایه‌گذاری با طرف‌های چینی و احتمالاً بومی‌سازی این دانش و فن‌آوری خواهند بود. الزامات مربوط به انتقال فن‌آوری و بومی‌سازی آن به ویژه در مورد سامانه‌های کنترلی کل خودرو، محیط‌های کاربری و مرزهای میان قطعات اصلی جدید، سامانه‌های کنترل موتور و صفحه کلاچ، و مونتاژ/تولید و تست‌های آزمایشی اعمال خواهد شد. بدین ترتیب واردات هر نوع قطعاتی که حساسیت مربوط به مالکیت فکری در مورد آن‌ها وجود داشته باشد به چین، به جای ایجاد امکان تولید آن‌ها توسط شرکت مشترک و تأمین‌کنندگان داخلی قطعات مورد نیاز آن، ممنوع خواهد شد. متأسفانه در حالی که در قانون جدید به شرکت‌های چینی مادر این اختیار داده شده تا برخی اختیارات خود را به شرکت‌های زیرمجموعه خود در شرکت مشترک واگذار نمایند، اما چنین امتیازی برای شرکت‌های خارجی در نظر گرفته نشده است. بنابراین تنها طرف خارجی ملزم به انتقال فن‌آوری‌های اصلی به شرکت مشترک خواهد بود.

با توجه به آنکه اجرای این قانون از ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ یعنی کم‌تر یک ماه پس از انتشار پیشنویس آن آغاز خواهد شد، این اقدام نیز با تعهد چین در هنگام الحاق به سازمان تجارت جهانی مغایرت دارد که بر مبنای آن چین باید مهلت شصت روزه‌ای را برای اظهارنظر سایر اعضا فراهم کند. از آنجا که این قانون در اولین روز ماه ژوئیه ۲۰۱۷ لازم‌الاجرا می‌شود، دلیلی وجود ندارد که نشان دهد برنامه‌ای برای بررسی جدی نظرات دریافتی وجود داشته است. علاوه بر این، تولیدکنندگان تجهیزات اصلی تنها شش ماه فرصت دارند تا خود را با الزامات گسترده این قانون وفق دهند.

این قانون با تعهد چین در چارچوب عضویت در سازمان تجارت جهانی مبنی بر عدم مشروط کردن سرمایه‌گذاری به انتقال فن‌آوری به داخل کشور نیز مغایرت دارد. متأسفانه، این اتفاق نمونه دیگری از عدم اجازه به شرکت‌های اروپایی با مشارکت کامل در بستر نوآوری در چین به عنوان شریکی برابر در این عرصه است.

دسترسی به بازار

در عین حال شاهد کاهش میزان دسترسی شرکت‌های خارجی به بازار داخلی چین نیز هستیم. شرکت‌های سامسونگ و ال‌جی دو شرکت اصلی تولیدکننده باتری‌های لیتیومی جدید در

جهان هستند و این نوع باتری‌ها تنها نوع باتری‌هایی هستند که تولیدکنندگان آن‌ها در چین می‌توانند یارانه دریافت کنند. هر دوی این شرکت‌ها در اکتبر ۲۰۱۵ کارخانه‌هایی را در چین ایجاد کردند که به ترتیب قادر به تولید ۴۰ و ۵۰ هزار عدد از این باتری‌ها بودند. اما در ژوئیه ۲۰۱۶، نام این دو شرکت در فهرست ۳۱ شرکتی چهارمین مرحله از روند اعطای مجوز به تولیدکنندگان مورد تأیید وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین، قید نشده بود.^{۲۷۱} مقامات ذریبط دلیل این امر را سابقه کم‌تر از یک سال فعالیت کارخانه‌های متعلق به این دو شرکت در چین اعلام کردند: الزامی که پیش‌تر به آن اشاره‌ای نشده بود.^{۲۷۲} در نهایت نام هیچ یک از این دو شرکت در فهرست مربوط به مرحله پنجم تأیید گواهی تولیدکنندگان باتری که در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۶ منتشر شد نیز قید نگردید.^{۲۷۳}

اما این مسئله ممکن است در نهایت برای این دو شرکت اهمیتی نداشته باشد، زیرا پیشنهادی قانونی که در نوامبر ۲۰۱۶ توسط وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین منتشر شده است، چنانچه در نهایت بدون تغییر به موعده اجرا گذاشته شود، متضمن الزام کارخانه‌های باتری‌سازی به تولید ۸ گیگاوات‌ساعت انرژی الکتروسیسته خواهد بود.^{۲۷۴} این میزان بسیار بیش از ظرفیت کارخانه‌های متعلق به شرکت‌های سامسونگ و ال‌جی در چین است.

این مسئله سبب شده که حداقل یک شرکت چینی که پیش‌تر باتری‌های مورد نیاز خود را از شرکت سامسونگ تأمین می‌کرده، تحویل مدل‌های خریداری شده از سامسونگ را تا زمانی

271. Cho, Jin-young, *The Real Reason Samsung SDI, LG Chem Failed to Get EV Certification Due to Short Period of Operation*, Business Korea, 23 June, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.businesskorea.co.kr/english/news/industry/15067-real-reason-samsung-sdi-lg-chem-failed-get-ev-battery-certification-due-short>; Deign Jason, *South Korean Battery Makers Face a Surprising Challenge in China*, Green Tech Media, 30 June, 2016, viewed 5 January, 2017, <https://www.greentechmedia.com/articles/read/South-Korean-Battery-Makers-Face-a-Surprise-Challenge-in-China>.

272. Cho, Jin-young, *The Real Reason Samsung SDI, LG Chem Failed to Get EV Certification Due to Short Period of Operation*, Business Korea, 23 June, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.businesskorea.co.kr/english/news/industry/15067-real-reason-samsung-sdi-lg-chem-failed-get-ev-battery-certification-due-short>.

273. *Notice on the Adjustment of Financial Subsidies for the Promotion and Application of New Energy Vehicles*, MIIT, 30 December, 2016, viewed on 12 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146285/n1146352/n3054355/n3057585/n3057590/c5449526/content.html>; *The List of Subsidies for Chinese Electric Vehicles is Released, Samsung and LG are Left Off*, www.OcarO.com, 4 January, 2017, viewed 12 January, 2017, <http://www.OcarO.com/xnynews/xnysc/2017/0104/258463.html>.

274. Call for comments on Regulations on Auto Power Battery Industry (2017)., MIIT, 22 November, 2016, viewed on 10 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146285/n1146352/n3054355/n3057585/n3057589/c5375253/content.html>.

که نام این شرکت مجدداً در فهرست تأمین کنندگان مجاز باتری قرار گیرد متوقف کند.^{۲۷۵} با توجه به ملاحظات مربوط به بخش مهندسی و نیز ملاحظات مربوط به هزینه‌ها، شرکت‌های تولید کننده قطعات اصلی نیز به دنبال استفاده از یک باتری برای هر مدل جدید در سرتاسر جهان هستند. این امر این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا تولید کنندگان تجهیزات اصلی در درازمدت و به موازات افزایش توان رقابت باتری‌های چینی برای استفاده از این باتری‌ها در محصولات خود در ازای دسترسی به بازار چین تحت فشار قرار خواهند گرفت یا خیر.^{۲۷۶} یارانه‌ها

یارانه‌ها و تأمین نیازهای بخش دولتی ابزارهای مهمی در جهت حمایت از صنعت تولید خودروهای متکی به انرژی‌های نو بوده‌اند.^{۲۷۷} به عنوان نمونه شورای حکومتی چین در سپتامبر ۲۰۱۵ دستورالعمل‌هایی را منتشر کرد که به موجب آن‌ها سازمان‌هایی که منابع مالی آن‌ها توسط دولت تأمین می‌شود، ملزم شدند برای تأمین بیش از ۳۰ درصد اتوبوس‌های و اتومبیل‌های مورد نیاز خود از خودروهای متکی به انرژی‌های نو استفاده کنند. فرمانداری‌هایی که این الزام را رعایت نکنند با کاهش یارانه‌های مربوط به سوخت و هزینه‌های جاری روبرو خواهند شد.^{۲۷۸} هرچند آمریکا و سایر کشورها نیز اقدام به حمایت از صنعت تولید خودروهای متکی به انرژی‌های نو از طریق اعطای اعتبارات مالیاتی یا سایر شیوه‌ها کرده‌اند، اما در چین، تنها خودروهای تولید داخل یا حتی در برخی موارد تنها خودروهای تولید شده در یک منطقه خاص واجد شرایط برخورداری از این حمایت هستند.

پرداخت یارانه‌ها در سال ۲۰۱۵ سبب شدند تا میزان فروش با رشد عظیم ۳۴۳ درصدی به

275. *Samsung Left of China EV List Spooks Jianghuai Auto*, Bloomberg, 10 July, 2016, viewed 5 January, 2017, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-07-11/samsung-left-off-china-battery-list-spooks-ev-maker-jianghuai>.; Cho, Jin-young, *Samsung SDI, LG Chem Ready for China's Fifth Battery Certification*, Business Korea, 22 August, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.businesskorea.co.kr/english/news/industry/15606-battery-certification-china-samsung-sdi%E2%80%A2lg-chem-ready-china%E2%80%99s-fifth-battery>.

276. Zhu, Robin, *Chinese Autos and Energy Storage: Inferiority Complex, or Strategic Imperative? Auto Industry Views on China's EV Protectionism*, Bernstein, 3 August, 2016, p. 6.

۲۷۷. در حالی که در بخش مربوط به روباتیک صنعتی به تفصیل پیرامون متغیرها و برایندهای مرتبط با یارانه‌ها و حمایت‌گرایی محلی سخن گفته شده است، اما در بخش مربوط به خودروهای متکی به انرژی‌های نو با تفصیل کم‌تری پیرامون همین متغیرها به بحث پرداخته شده است.

278. Hao, Yan, *New-Energy Vehicles to Get Renewed Push*, China Daily, 30 September, 2015, viewed 15 December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/business/motoring/2015-09/30/content_22017079.htm.

۳۳۱ هزار واحد برسد.^{۲۷۹} اما پرداخت یارانه‌ها شرایطی را نیز ایجاد کرد که طی آن شمار زیادی از شرکت‌های داخلی برای حفظ خود در عرصه کسب و کار به یارانه متکی شده‌اند. میزان فروش پس از آنکه طی آن سال همچنان از میزان تولید کم‌تر بود، تنها در ماه دسامبر توانست خود را به میزان تولید برساند؛ یعنی زمانی که بخش دولتی برای انجام خریدهای بزرگ وارد عرصه شد. همین روند در سال ۲۰۱۶ نیز مشاهده شد.^{۲۸۰} در این سال میزان کل فروش سرانجام از مرز ۵۰۰ هزار خودرو گذشت.

تردیدی نیست که تا حدی به دلیل همین تحولات، کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات علناً اعلام کرده که ارائه این نوع از حمایت و به موازات افزایش مقیاس فروش خودروهای متکی به انرژی‌های نو قابل تداوم نیست.^{۲۸۱} به عنوان نمونه و طبق محاسبات مؤسسه برنشتاین، با فرض محافظه کارانه ۸۲۰۰ یورو به عنوان کل یارانه پرداختی به ازای تولید هر خودرو، هزینه کل ناشی از پرداخت یارانه‌ها در این بخش در سال ۲۰۱۶ به حداقل ۲/۲ میلیارد یورو خواهد رسید و این رقم قطعاً در سال‌های بعد نیز افزایش خواهد یافت. این مسئله در هدف گذاری وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات چین جهت فروش دو میلیون خودروی متکی به انرژی‌های نو تا سال ۲۰۲۰ و نیز فروش ۵/۵۸ میلیون خودرو در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۲۰ بازتاب یافته است.^{۲۸۲} کارشناسان چینی علناً در مورد تأثیرات منفی ناشی از پرداخت این یارانه‌ها اظهار نظر کرده‌اند. به عنوان نمونه، اوپانگ مینگ گائو،^{۲۸۳} از اعضای کنگره مشورتی سیاسی چین و متخصص در زمینه خودروهای متکی به انرژی‌های نو گفته است که میزان فروش سالانه مینی‌بوس در جهان تنها ۲۰ هزار عدد است. این در حالی است که تولیدکنندگان چینی «می‌توانند در ظرف یک ماه این مقدار مینی‌بوس را تولید کنند زیرا توسعه صنعت تولید خودروهای متکی به انرژی‌های نوری متکی به دریافت یارانه است».^{۲۸۴} به موجب سیاست‌هایی که تا پاییز سال ۲۰۱۶ همچنان اعمال می‌شدند، امکان دریافت هزینه‌های تولید اتوبوس از دولت و فرمانداری‌های

279. Chan, Vincent et al, *Ecosystem of Innovation and Technology in China*, Credit Suisse, 26 October, 2016, p. 76.

280. Zhu, Robin, *Chinese Autos: What's Going on in China? Our Latest Channel Checkers and (Final-ly) New Data Tracking Underlying Sales*, Bernstein, 1 November, 2016, pp. 12-13.

281. Zhu, Robin et al, *Chinese Autos: Carbon Credit Trading Confusion - Untangling the Facts, the Known Unknowns, and Potential Opportunities*, Bernstein, 24 November, 2016, p. 3.

282. Ibid, p. 1.

283. Ouyang Minggao

284. An, Limin et al, *China Hammers Out Tougher Subsidy Plan for Electric Vehicles*, Caixin, 30 September, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://english.caixin.com/2016-09-30/100993627.html>.

محلی تا سقف ۸۲ هزار یورو وجود داشت. از آنجا که این رقم تقریباً با کل هزینه تولید برابر است، شرکت‌ها به ایجاد ظرفیت مازاد تولید محصولی تشویق شدند که بازار آن پیش‌تر اشباع شده است.

مقامات چینی پیش‌تر به این نکته اذعان کرده‌اند که بخش عمده‌ای از یارانه‌ها به شکل نادرست به شرکت‌هایی اختصاص یافته که از طریق اغراق در آمار تولید یا ظرفیت‌های خود در حوزه فن‌آوری دولت را فریب داده‌اند. همچنین برخی تولیدکنندگان در گذشته توانسته‌اند از طریق ایجاد تغییرات جزئی جهت تبدیل مدل‌های دارای موتورهای احتراق داخلی به خودروهای هیبرید موفق به دریافت یارانه شوند.^{۲۸۵} این مسئله نشان می‌دهد که پرداخت یارانه در اغلب موارد به توسعه ظرفیت‌ها در حوزه فن‌آوری منجر نشده است.

در نهایت و در سال ۲۰۱۶ چند شرکت به دلیل تقلب جریمه شدند و الزامات مربوط به دریافت یارانه نیز سخت‌تر گردیدند.^{۲۸۶} همچنین بنابر گزارش رسانه‌های چینی، در برخی موارد شرکت‌های مجازات شده ممکن است با هماهنگی مقامات محلی برای دریافت این یارانه‌ها با توسل به تقلب اقدام کرده باشند. این نتیجه‌گیری معلول این واقعیت است که فرمانداری‌ها ملزم به ارزیابی گواهی‌های تولید، سوابق فروش و ثبت خودروها پیش از ارائه درخواست دریافت یارانه جهت تأیید نهایی به دولت هستند.

مطابق دستورالعمل تازه‌ای که در پایان دسامبر سال ۲۰۱۶ منتشر شده است، قرار است میزان یارانه مربوط به خودروهای مسافربری در بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۶، به میزان ۲۰ درصد کاهش یابد و میزان یارانه مربوط به تمامی انواع خودروهای متکی به انرژی‌های نو به جز خودروهای دارای سلول‌های سوختی در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۶ نیز ۲۰ درصد دیگر کاهش پیدا کند و کل یارانه‌های پرداختی در سال ۲۰۲۰ قطع شوند.^{۲۸۷} همچنین به موجب این دستورالعمل، میزان یارانه‌های پرداختی از سوی فرمانداری‌ها به حداکثر ۵۰ درصد یارانه‌های پرداختی از سوی دولت محدود شده و بدین ترتیب کاهش میزان یارانه‌های پرداختی ملموس‌تر گردیده است. بنابراین بازار خودروهای متکی به انرژی‌های نو با سرعت

285. Woetzel et al, *The China Effect on Global Innovation*, McKinsey Global Institute, October 2015, viewed 10 February, 2017, p. 89, <http://mckinseychina.com/the-china-effect-on-global-innovation/>.

286. An, Limin et al, *China Hammers Out Tougher Subsidy Plan for Electric Vehicles*, Caixin, 30 September, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://english.caixin.com/2016-09-30/100993627.html>.

287. *Notice on the Adjustment of Financial Subsidy for the Promotion and Application of New Energy Vehicles*, MIIT, 30 December, 2016, viewed 23 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146295/n1652858/n1652930/n3757018/c5449722/content.html>.

بسیار کندتری رشد خواهد کرد، زیرا بخش بیش تری از قیمت تمام شده این خودروها را مصرف کنندگان پرداخت خواهند کرد. تعدیل میزان یارانه‌های پرداختی در کوتاه مدت همچنین انجام پیش‌بینی‌های لازم در بازار از چند سال قبل از تولیدات آتی را برای تولیدکنندگان دشوار کرده است.

اما این بدان معنا نیست که حمایت دولت در آستانه توقف است. در این بخش نیز به مانند صنعت مواد نیمه‌هادی، صندوق‌های تحت حمایت دولت از جمله از طریق صندوق ملی صنایع تولیدی پیشرفته^{۲۸۸} که اقدام به سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون یورویی در شرکت تازه تأسیس BYD^{۲۸۹} کرده است، صندوق ملی بنگاه‌های کوچک و متوسط و صندوق راهنمای سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر برای صنایع نوظهور^{۲۹۰} همچنان به حمایت از روند توسعه این صنعت ادامه خواهند داد.

حمایت‌گرایی در سطح محلی

با توجه به تلاش مناطق مختلف برای ایجاد صنایع مستقل تولید خودروهای متکی به انرژی‌های نو و حمایت‌گرایی همراه با این تلاش‌ها، برای اغلب شرکت‌های چینی برخوردار از فن‌آوری و محصولات قوی، افزایش تولید به حدی که بتوانند در بازارهای بین‌المللی به رقابت پردازند، دشوار است. حتی پیش از اعلام طرح CM2025 نیز گزارش‌هایی در رسانه‌های چینی منتشر شده بود که نشان می‌داد حمایت‌گرایی محلی ورود بنگاه‌های اقتصادی داخلی به بازارهای بیشتر شهرهای دیگر کشور را دشوار کرده است. روزنامه دولتی پپلز دیلی در نهایت این نظر را منتشر کرد که حمایت‌گرایی در بخش صنعت در حال کند کردن روند توسعه محصولات محلی با کیفیت بالا است، زیرا فرمانداری‌های محلی تمایلی به پرداخت یارانه به محصولات تولید شده در سایر مناطق ندارند.^{۲۹۱} هیچ شاهدهی وجود ندارد که نشان دهد که بعدها تغییری در این وضعیت ایجاد شده است.

288. National Advanced Manufacturing Industry Fund

289. *The National Fund Announces a Billion RMB Private Placement in BYD, Samsung Also Appears*, finance.sina.com, 22 July, 2016, viewed 23 January, 2017, <http://finance.sina.com.cn/stock/hkstock/ggscyd/2016-07-22/doc-ixuhukv7190727.shtml>.

290. *Everything Old is NEW Again*, Cp.Signal, China Policy, 20 January, 2017, <http://www.policycn.com>.

291. *The Popularisation of NEVs Faces Three Challenges: The Most Difficult is Local Protectionism of Companies*, People's Daily, 9 August, 2015, viewed 17 January, 2017, <http://auto.people.com.cn/n/2015/0809/c1005-27432276.html>.

سامانه تجارت اعتبار

در ژانویه ۲۰۱۶، لوجی‌وی،^{۲۹۲} وزیر دارایی وقت چین با توجه به نقایص رویکرد یارانه محور و حمایت‌گرایی محلی مبتنی بر آن در زمینه توسعه صنعت تولید خودروهای متکی به انرژی‌های نو در یک اظهار نظر علنی چنین گفت: «تجارت اعتبار مؤثرترین راه برای حصول اطمینان نسبت به بی‌طرفی دولت در امر توسعه فن‌آوری است. بازار باید بتواند مسیر فن‌آوری را انتخاب کند».^{۲۹۳}

در پنجم دسامبر ۲۰۱۶، وزارت صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین مقررات اداری موقت در زمینه میانگین مصرف سوخت بنگاه‌های اقتصادی و اعتبارات مربوط به خودروهای متکی به انرژی‌های نو را جهت دریافت نقطه نظرات منتشر کرد. این مقررات ناظر بر سازوکار تبعیت از قانون میانگین مصرف سوخت در شرکت‌ها (CAFC)^{۲۹۴} و یک شیوه جدید سهمیه‌بندی برای تولیدکنندگان و واردکنندگان خودروهای معمولی است. به موجب این قانون، سهمیه جدید شرکت‌ها در سال ۲۰۱۸، معادل ۸ درصد خواهد بود و این میزان در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب به ۱۰ و ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. شرکت‌هایی که نتوانند به سهمیه‌های ذکر شده برسند ملزم به خرید اعتبار از شرکت‌هایی هستند که سهمیه را رعایت کرده‌اند. این سهمیه بسیار بالاتر از ضریب نفوذ ۳/۶ درصدی خودروهای متکی به انرژی‌های نو در پکن، شانگهای و گوانگدونگ در نه‌ماهه اول سال ۲۰۱۶ است. ضریب نفوذ این خودروها در سایر مناطق چین در همین مدت تنها ۰/۳۱ درصد بوده است.^{۲۹۵}

اتاق بازرگانی اروپا از حرکت به سمت رویکردی بازارمحورتر در زمینه کمک به توسعه این صنعت حمایت می‌کند. اما باید امکان برنامه‌ریزی برای آینده تولید از سه تا چهار سال قبل وجود داشته باشد. بنابراین، اعلام موافقت با اعمال شرایط جدید تنها یک سال پس از تعیین این شرایط بسیار مشکل‌ساز خواهد بود.

علاوه بر این، به موجب مقررات اداری موقت، امکان انتقال اعتبارات CAFC تنها در میان شرکت‌های زیرمجموعه طرف سرمایه‌گذار چینی وجود دارد. این در حالی است که سهامداران

292. Lou Jiwei

293. Spring, Jake, *As China Cuts Green Car Subsidies, Automakers' Electric Dreams Differ*, Reuters, 23 January, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-subsidies-idUSKCN-0V106D>.

294. corporate average fuel consumption

295. Zhu, Robin, *Chinese Autos: What's Going on in China? Our Latest Channel Checkers and (Finally) New Data Tracking Underlying Sales*, Bernstein, 1 November, 2016, p 13.

خارجی قادر به انتقال اعتبار میان شرکت‌های مشترکی که در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند نخواهند بود. این امر مانع از آن می‌شود که این شرکت‌ها بتوانند از مزایای حاصل از تولید تخصصی محصولات یا اقتصاد مقیاس (افزایش میزان سود از طریق افزایش میزان تولید) در میان چندین شرکت سرمایه‌گذاری مشترک بهره‌مند شوند. علاوه بر این محدودیت قابل توجه، در حالی که یارانه‌های خرید در چین تنها به خودروهای متکی به انرژی‌های نوئی که در داخل کشور تولید شده‌اند تعلق می‌گیرد و خودروهای وارداتی مشمول دریافت یارانه نمی‌شوند، واردکنندگان این خودروها ملزم به رعایت همان سهمیه‌هایی هستند که در مورد تولیدکنندگان محلی اعمال می‌شوند. این مسئله آشکارا آن‌ها را در شرایط دشواری قرار می‌دهد و به تضعیف هرچه بیش‌تر رقابت و نوآوری مبتنی بر بازار منجر می‌شود.

انطباق با تقاضای مصرف‌کنندگان و تأثیرات زیست‌محیطی

مسئله مهم دیگر آن است که آیا خودروهای متکی به انرژی‌های نو که در چین تولید می‌شوند بیش از حد گران و با خواسته‌های واقعی مصرف‌کنندگان داخلی نامتناسب خواهند بود یا خیر. این واقعیت که پکن، شانگهای و گوانگدونگ، که همگی مشوق‌هایی را جهت تشویق مصرف‌کنندگان به خرید خودروهای متکی به انرژی‌های نو به موعده اجرا گذاشته‌اند، به تنهایی ۶۷ درصد کل میزان فروش در نه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ را به خود اختصاص داده‌اند، یقیناً نشانه مثبتی نیست.^{۲۹۶} میزان تقاضای مصرف‌کنندگان در سایر مناطق چین در حال حاضر همچنان پایین است.

هرچند شرکت‌های بین‌المللی خواستار یک فرایند انتقالی تدریجی هستند که در آن هم طراحی موتورهای احتراق داخلی و هم طراحی مدل‌های هیبرید لحاظ شده باشد، تولیدکنندگان چینی رویکرد متفاوتی را در پیش گرفته‌اند.^{۲۹۷} شرکت چینی جیلی^{۲۹۸} از قصد خود برای رساندن سهم خودروهای متکی به انرژی‌های نو به ۹۰ درصد کل میزان فروش خود تا سال ۲۰۲۰ خبر داده است. همچنین گزارش شده که شرکت GAC می‌خواهد میزان تولید خود را تا پایان سال ۲۰۱۶ به ۴۰۰ هزار دستگاه خودروی متکی به انرژی‌های نو برساند. اما اتخاذ چنین رویکردی از

296. Beveridge, Neil et al, *Bernstein Energy: Oops- Hong Kong (and China) EV Subsidies are Leading to More CO2 Emissions, Not less*, Bernstein, 13 April, 2016, p. 13.

297. Spring, Jake, *In China's Electric Car Boom, Global Automakers Select Different Gear*, Reuters, 1 September, 2016, viewed 5 January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-autos-green-idUSKCN11767X>.

298. Geely

منظر زیست‌محیطی مشکل‌آفرین است. از آنجا که بخش عمده برق مصرفی این نوع خودروها در چین به وسیله زغالسنگ تأمین می‌شود، این خودروها با میزان کارآیی فعلی خود به توجه به مسائل زیست‌محیطی در اقتصاد کشور کمکی نمی‌کنند و در مقابل، آلودگی بیش‌تری را در قیاس با خودروهای دارای موتورهای احتراقی سالم به وجود می‌آورند.^{۲۹۹} بر همین اساس و از نگاه مؤسسه برنشتاین، تلاش‌ها برای تخصیص یارانه به خودروهای برقی پیش از کاهش میزان مصرف سوخت‌های فسیلی در سبد انرژی کشور نتیجه معکوس به دنبال خواهند داشت.^{۳۰۰} اتاق بازرگانی اروپا نیز همین ارزیابی را دارد.

پیشنهادها

✓ لغو الزام بنگاه‌های خارجی سرمایه‌گذار به انتقال فن‌آوری‌های حیاتی در ازای دسترسی به بازار داخلی چین در کوتاه‌مدت.

✓ دادن اجازه به شرکت‌های داخلی و شرکت‌های مشترکی که سرمایه‌گذاران خارجی در آن‌ها سهم دارند برای انتخاب بهترین قطعات جهت استفاده در خودروهای تولیدی خود صرف نظر از هویت سهامداران در شرکت‌های تولیدکننده این قطعات.

✓ رفتار یکسان با شرکت‌های داخلی و شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در چارچوب سازوکار تجارت اعتبار.

✓ تمرکز حمایت دولت بر تسهیل فرایند تحقیقات و توسعه به جای پرداخت یارانه در بخش فروش.

۷-۱-۴- تجهیزات ریلی پیشرفته

نگرانی

تبعیض علیه شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در زمینه واگذاری قراردادهای ریلی افزایش یافته و میزان دسترسی این شرکت‌ها به بازار داخلی چین نیز دائماً رو به کاهش بوده است.

ارزیابی

قطارهای سریع‌السیر

صنعت ریلی نمونه‌ای از پیامدهای منفی ناشی از سیاست‌های صنعتی چین برای شرکت‌های اروپایی است که ممکن است در سایر صنایع مورد اشاره در سند CM2025 نیز تکرار شوند.

299. Beveridge, Bernstein Energy. *Oops - Hong Kong (and China) EV Subsidies are Leading to More CO2 Emissions, Not less*, Bernstein, 13 April, 2016, p. 13.

300. Ibid, p. 6.

صنعت خطوط آهن سریع‌السیر در چین از فن‌آوری‌های منتقل شده از سوی شرکت‌های عمده بین‌المللی در اواخر دهه ۲۰۰۰ در ازای دسترسی به بازار این کشور در کوتاه‌مدت در زمانی که این کشور در حال احداث شبکه ریلی سریع‌السیر خود بود، بهره‌های فراوان برده است.^{۳۰۱} با توجه به آنکه فرایند تأمین تجهیزات مورد نیاز بخش دولتی در این صنعت به شکل متمرکز تحت نظارت وزارت خطوط آهن قرار دارد، مقامات چینی توانستند در این دوره بدون رعایت الزامات مربوط به ارائه گواهی حداکثر فن‌آوری‌های مورد نیاز را به داخل کشور انتقال دهند. با توجه به تداوم نوآوری مستقل در صنعت ریلی چین پس از جذب این فن‌آوری‌های خارجی،^{۳۰۲} شرکت‌های اروپایی، ژاپنی و کانادایی فعال در این عرصه شاهد کاهش سریع میزان دسترسی خود به بازار این کشور بوده‌اند. در حالی که شرکت‌های خارجی نمی‌توانند مستقیماً با مشتریان چینی خود ارتباط داشته باشند و به عنوان پیمانکاران جزء برای شرکای چینی خود فعالیت می‌کنند، این شرکت‌ها به مرور زمان شاهد کاهش شدید درصد دریافتی خود از محل اجرای قراردادهای خود شده‌اند. رقبای چینی این شرکت‌ها به طور همزمان وارد بازارهای جهانی شده‌اند.

در نامه‌های اخیر مقامات چینی به شرکت‌های خارجی که رسماً منتشر نشده‌اند نیز قید شده است که تداوم دسترسی این شرکت‌ها به بازار چین مستلزم اجرای فعالیت‌های مرتبط با تحقیقات و توسعه در داخل مرزهای کشور و قرار گرفتن این فرایند در چارچوب شرکای مبتنی بر سرمایه‌گذاری مشترک است که بتواند نه تنها در چین و آسیا، بلکه در سرتاسر جهان فعالیت داشته باشد.^{۳۰۳} از آنجا که شرکت‌های چندملیتی معمولاً واحدهای فعال دیگری در مناطق دیگر جهان در بخش‌های یکسان دارند، رعایت این الزام بسیار دشوار است.

ادغام مجدد دو شرکت China South Locomotive و شرکت Rolling Stock Corporation و شرکت CNR (که تا سال ۲۰۰۱ یک شرکت واحد بودند) و بدین ترتیب تشکیل شرکت CRRC یک شرکت ملی قوی را ایجاد کرده است که برای پایین آوردن حاشیه سود در مقیاس جهانی به واسطه بهره‌مندی از کمک‌های مالی دولت در موقعیت مناسبی قرار دارد. از آنجا که شرکت‌های CSR و CNR در زمان ادغام به ترتیب ۳۰ و ۱۸ درصد سهام بازار جهانی را در اختیار داشتند، شرکت حاصل از ادغام این دو با اختلاف بسیار زیادی نسبت به سایر

301. Chan, Vincent et al, Ecosystem of Innovation and Technology in China, Credit Suisse, 26 October, 2016, pp. 45-46.

302. Ibid, p. 46.

303. European Chamber communication with multiple industry leaders in the autumn of 2016.

شرکت‌ها بزرگترین شرکت فعال در این عرصه در سطح جهان است.^{۳۰۴} تداوم گسترش فعالیت این شرکت در سطح بین‌المللی سبب می‌شود که این شرکت برای استفاده از تأمین‌کنندگان و فن‌آوری‌های جدید داخلی در بازارهای جدید در موقعیت مناسبی قرار داشته باشد.

چین تنها کشوری نیست که به ارائه حمایت‌های مالی از صنعت ریلی خود در بازارهای بین‌المللی می‌پردازد. اما این واقعیت که در برخی موارد طرح‌ها بر مبنای ملاحظات سیاسی به موعد اجرا گذاشته شده‌اند، سبب شده که بنگاه‌های دولتی چینی فعال در این عرصه مایل باشند حتی گاه بدون حاشیه سود همچنان به رقابت بپردازند. این کاری است که شرکت‌های خصوصی با توجه به الزامشان به پاسخ‌گویی در قبال سهامداران نمی‌توانند انجام دهند.

سامانه‌های قطار شهری

در اوت ۲۰۱۶، رئیس هیئت مدیره شعبه آسیا و اقیانوسیه شرکت Knorr-Bremse اعلام کرد که طی دو سال گذشته روندی مبتنی بر ترجیح شرکت‌های داخلی به شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی مشاهده شده است. در گذشته شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی مجبور بودند اثبات کنند که ۷۰ درصد از زنجیره تأمین آن‌ها در زمینه ایجاد سامانه‌های قطار شهری در خود چین قرار دارد. اما در اقدامی مغایر با تعهدات چین در چارچوب سازمان تجارت جهانی، شرکت Knorr-Bremse در سال ۲۰۱۵ اسنادی را از یازده شهر چین و از جمله گوانگژو و کانمینگ^{۳۰۵} دریافت کرد که در آن‌ها قوانین و مقررات تازه‌ای در زمینه مناقصات قید شده بودند که شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی را در برابر شرکت‌هایی که ۱۰۰ درصد داخلی بودند، در شرایط نابرابری قرار می‌داد.^{۳۰۶} در برخی موارد شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک دارای یک شریک خارجی نیز از دریافت گواهی‌ها و مجوزهای لازم منع شده‌اند.

سرمایه‌گذاری در اروپا

در نوامبر ۲۰۱۶، یک کنسرسیوم چینی برای خرید GMH Railway Systems به همراه شرکت Bochumer Verein که تولیدکننده خطوط سریع‌السیار و چرخ‌های قطار از شرکت آلمانی

304. Tai et al, *Planning for Innovation: Understanding China's Plans for Technological, Energy, Industrial and Defense Development*, US-China Economic and Security Review Commission, 28 July, 2016, viewed 5 October, 2016, p. 237, <http://www.uscc.gov/Research/planning-innovation-understanding-china%E2%80%99s-plans-technological-energy-industrial-and-defense>.

305. Kunming

306. Goh, Brenda, *Foreign Rail Firms Shunted as 'Made in China' Mantra Gathers Pace*, Reuters, 2 August, 2016, viewed 3 August, 2016, <http://www.reuters.com/article/us-china-railways-idUSKCN10D-2ME>.

مالک آن شرکت است، با این شرکت آلمانی به توافق رسید.^{۳۰۷} یکی از اعضای این کنسرسیوم یک سرمایه‌گذار خصوصی بود که شرکت تحت مالکیتش در زمینه تودوزی صندلی‌های قطار فعالیت می‌کند. احتمال خرید این شرکت حدود یک ماه پیش تر علنی شده بود و مناقصه کار در آن زمان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت CRRC بود. در آن زمان اعلام شد که سود این معامله برای شرکت Bochumer Verein افزایش میزان دسترسی به بازار چین خواهد بود، در حالی که کنسرسیوم به دنبال استفاده از مجاری فروش بین‌المللی شرکت‌های خریداری شده جهت فروش محصولات خود در خارج از کشور بود.^{۳۰۸} هرچند توجیه اقتصادی چنین اقدامی کاملاً روشن است، اما این معامله نشان دهنده عدم توازن در روابط دوجانبه میان چین و اروپا در حوزه سرمایه‌گذاری نیز هست.

با توجه به کاهش همزمان فرصت‌های موجود برای شرکت‌های اروپایی در این عرصه در چین، امید است که مقامات چینی به تعهد نخست وزیر این کشور که در جریان جلسه شورای حکومتی در روز ۲۸ دسامبر ۲۰۱۶ در زمینه رفع موانع دسترسی به بازار داخلی چین در عرصه صنعت تجهیزات ریلی اعلام شد، عمل کنند.^{۳۰۹} این تعهد در بند ۳ اعلامیه شورای حکومتی چین در ژانویه ۲۰۱۷ در زمینه کمک به فراهم شدن زمینه سرمایه‌گذاری خارجی مجدداً تکرار شده است.^{۳۱۰} عمل به این تعهد تا حد زیادی به نفع خود چین خواهد بود، زیرا نمی‌توان انتظار داشت جلوگیری از قرار گرفتن شرکت‌های داخلی در معرض رقابت در بازارهای داخلی به تقویت نوآوری کمک کند.

307. Crossland, David, *Chinese Investors Reach Terms to Buy German Rail Company*, *Handelsblatt*, 2 November, 2016, viewed 12 January, 2017, <https://global.handelsblatt.com/chinese-investors-buy-german-rail-engineering-firm-675841>; *Wheel and Axle Group to Be Sold to Chinese Investor*, *Railway Gazette*, 8 November

2016, viewed 12 January, 2017, <http://www.railwaygazette.com/news/news/europe/single-view/view/wheel-and-axle-group-to-be-sold-to-chinese-investor.html>.

308. Crossland, David, *Chinese Investors Reach Terms to Buy German Rail Company*, *Handelsblatt*, 2 November, 2016, viewed 12 January, 2017, <https://global.handelsblatt.com/chinese-investors-buy-german-rail-engineering-firm-675841>.

309. Li Keqiang: *Promote the Modernisation of Education to Provide Support of Talent for the Construction of China*, news.sina.com, 29 December, 2016, viewed 23 January, 2017, <http://news.sina.com.cn/china/xlxw/2016-12-29/doc-ixzcfz3411988.shtml>.

310. *Notice of the State Council on Several Measures on Promoting Further Openness and Active Utilisation of Foreign Investment*, The State Council, 17 January, 2017, viewed 21 January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2017-01/17/content_5160624.htm.

پیشنهادها

۷ افزایش میزان دسترسی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در صنعت تجهیزات ریلی در چارچوب تعهدات اعلام شده از سوی نخست وزیر و شورای حکومتی چین.

۷ لغو آن دسته از قوانین و مقررات حاکم بر مناقصات که در آن‌ها شرکت‌هایی که مالکیت ۱۰۰ درصد سهام آن‌ها داخلی نیست، مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

۷ رفع موانع موجود مربوط به دسترسی به بازار در زمینه مشارکت شرکت‌های خارجی فعال در عرصه تجهیزات ریلی در بازار چین.

۷ لغو الزام شرکت‌های حاصل از سرمایه‌گذاری مشترک به داشتن توانایی فعالیت مستقل از شرکت خارجی مادر در بازارهای بین‌المللی.

۷ پرهیز از استفاده از بنگاه‌های اقتصادی دولتی به عنوان ابزارهای تجاری دستیابی به اغراض سیاسی در بازارهای بین‌المللی.

۷-۱-۵- زیست‌داروها و تجهیزات پزشکی

۷-۱-۵-۱- زیست‌داروها

نگرانی

در برخی مناطق چین، شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی تولید کننده زیست‌دارو به لحاظ تصاحب قراردادهای بخش دولتی آشکارا مورد تبعیض قرار می‌گیرند. کندی روند تأیید داروها نیز مانع دیگری بر سر راه تحقق نوآوری در این عرصه است.

ارزیابی

زیست‌داروها از ارگانسیم‌های زنده به دست می‌آیند و با استفاده از فن آوری زیستی و یا در برخی موارد به صورت مصنوعی تولید می‌شوند. زیست‌داروها از طیف متنوعی از منابع طبیعی (انسانی، حیوانی یا میکروارگانیک) به دست می‌آیند و ممکن است از طریق روش‌های مبتنی بر فن آوری زیستی و سایر انواع فن آوری‌های بسیار پیشرفته تولید شوند.^{۳۱۱} در سال ۲۰۱۴، زیست‌داروها ۲۰ درصد کل بازار جهانی محصولات دارویی را به خود اختصاص دادند و شش دارو از ده داروی پرفروش در جهان از این نوع بوده‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود این بازار رشد سریعی داشته باشد.^{۳۱۲}

311. *What are Biologics? Questions and Answers*, US Food & Drug Administration, viewed 6 January, 2017, <http://www.fda.gov/AboutFDA/CentersOffices/OfficeofMedicalProductsandTobacco/CBER/ucm133077.htm>.

312. Khan, Natasha, *China, Korea Eye the Latest Multibillion Blockbuster Drug Market*, Bloomberg,

با توجه به زمان مورد نیاز برای تکامل یک داروی جدید، تولید زیست‌داروها مستلزم سرمایه‌گذاری درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه خواهد بود. سازمان‌های چینی پژوهش‌های قراردادی یعنی شرکت‌هایی که قراردادهای پژوهشی را در این عرصه برای سایر شرکت‌ها انجام می‌دهند، چنان‌چه بتوانند اثبات کنند فعالیت‌هایشان در بخش تحقیقات و توسعه نوآورانه است، می‌توانند از کمک‌ها و یارانه‌های پرداختی توسط دولت استفاده کنند.^{۳۱۳} همچنین تفکیک بخش‌های مختلف زنجیره جهانی ارزش در این صنعت به نفع این دسته از شرکت‌ها خواهد بود. این شرکت‌ها به واسطه رقابت برای گرفتن قرارداد از شرکت‌های بین‌المللی تولید کننده زیست‌دارو و نیز همکاری با آن‌ها با شبکه‌های جهانی نوآوری وارد تعامل شده‌اند و همین مسئله به آن‌ها امکان داده تا با ایجاد ظرفیت‌های مستقل در خود طیف خدمات خود را نیز گسترش دهند.^{۳۱۴}

دسترسی شرکت‌های متکی به سرمایه‌گذاری خارجی به بازار

قوانین و مقررات جدید مربوط به تجارت دارو در استان گوانگدونگ نشان دهنده موانعی هستند که شرکت‌های اروپایی در انتقال این تحول بازارمحور به بازار چین با آن‌ها روبرو هستند.^{۳۱۵} در اقدامی که کل صنعت تولید زیست‌داروها را شامل می‌شود، از شرکت‌های اروپایی خواسته شده تا کاهش اجباری قیمتی معادل حداقل ۵ درصد را حتی پیش از مذاکره بر سر قیمت قراردادها بپذیرند. این علاوه بر فشار حاصل از الزامات مربوط به قراردادهای دولتی در زمینه قیمت‌گذاری است. در چنین شرایطی، داروهای گران‌قیمت‌تر اصلی که بسیاری از داروهای تولید شده توسط شرکت‌های داروسازی اروپایی نیز از همین دسته هستند، باید با داروهای ژنریکی رقابت کنند که به دلیل نیاز کم‌تر به فرایندهای تحقیقات و توسعه در تولیدشان قیمت کم‌تری دارند. از آنجا که زیست‌داروی ژنریک وجود ندارد و تنها زیست‌شبهه‌هایی تولید شده‌اند که دقیقاً هم مانند هم نیستند،^{۳۱۶} نباید در فرایند مناقصه تنها به مسئله قیمت توجه شود،

13 October, 2016, <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-10-13/the-foxconn-of-pharma-two-asia-companies-aspire-to-do-just-that>.

313. Chan, Vincent et al, Ecosystem of Innovation and Technology in China, Credit Suisse, 26 October, 2016, p. 57.

314. Wong, Joseph and Xiaoru Fei, "Life Science Innovation in China", *The Rise of Chinese Innovation in the Life Sciences*, The National Bureau of Asian Research, #56, April 2016, pp. 13-15, http://nbr.org/publications/specialreport/pdf/Free/06032016/SR56_ChinaLifeScience_April2016.pdf.

315. *Guangdong Province's Regulation of Drug Trading in Medical Institutions (Revised Draft)*, Guangdong Province Health and Family Planning Commission, 15 February, 2016, viewed 6 January, 2017, <http://www.gdwt.gov.cn/a/zcwj/2016021714991.html>.

۳۱۶. یک زیست‌شبهه، یک داروی زیستی است که مشابهت بالای آن با یک زیست‌دارو (داروی مرجع) که توسط مراجع ذی‌صلاح نیز تأیید شده، به اثبات رسیده است.

بلکه نشان‌های تأیید شده و داده‌های مربوط به ایمنی و نیز سوابق محصول نیز باید لحاظ شوند تا این اطمینان حاصل شود که زیست‌شویه‌ها نیز دارای همان خواص درمانی زیست‌داروها هستند.^{۳۱۷} انجام این مهم از طریق انجام ارزیابی‌های همسانی کیفیت میسر خواهد بود تا تنها داروهای مشابه بتوانند با یکدیگر رقابت کنند. همچنین انجام این کار شرکت‌ها را به تولید زیست‌داروهای مبتنی بر نوآوری و دارای کیفیت بالا تشویق می‌کند.

عدم توجه به این مسئله تأثیر مستقیمی بر قابلیت نوآوری صنعت تولید زیست‌داروها در چین دارد، زیرا در غیر این صورت شرکت‌ها از انگیزه لازم برای انجام سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه برای تولید داروهایی با قابلیت رقابت بر مبنای کیفیت را نخواهند داشت. همچنین نادیده گرفتن این مسئله با تعهد چین برای تسهیل دسترسی بیماران به داروهای مبتنی بر نوآوری که در طرح جدید ثبت داروها در اداره غذا و داروی چین قید شده نیز مغایرت دارد.^{۳۱۸} چنان‌که یکی از متخصصان این حوزه نتیجه‌گیری کرده است: «هرچند سیاست‌های کنونی چین در حوزه واگذاری قراردادهای آشکارا به نفع تولیدکنندگان داخلی هستند، اما همین سیاست‌ها به زیان نوآوران در بازارهای داخلی و خارجی تمام خواهند شد، زیرا فرایند واگذاری قراردادهای فرایندی غیرقابل پیش‌بینی بوده و در آن توجه بسیار ناچیزی به امر نوآوری صورت می‌گیرد».^{۳۱۹}

تسریع فرایندهای مربوط به ارزیابی و صدور مجوز

مقامات رسمی سازمان غذا و داروی چین و سایر مقامات این کشور می‌توانند از طریق کاهش زمان مورد نیاز جهت تأیید زیست‌داروهای جدید قفل نوآوری در این صنعت را باز کنند. فرایند کنونی تأیید به دلیل ناکارآمدی سامانه ثبت دوگانه داروهای جدید در چین فرایندی زمان‌بر است. در این فرایند تولیدکنندگان دارو باید پیش از ارائه تقاضای تأیید آزمایش بالینی دارو (CTA)^{۳۲۰}، ابتدا گواهی تأیید بازار را از مرجع مربوطه در کشور خود اخذ و به مقامات

317. For more details, see: *Pharmaceutical Working Group Position Paper 2016/2017*, *European Business in China - Position Paper 2016/2017*, The European Union Chamber of Commerce in China 2016, viewed 19 October, 2016, pp. 292-293, http://www.europeanchamber.com.cn/en/publications-archive/440/Pharmaceutical_Working_Group_Position_Paper_2016_2017.

318. *Notice of the Programme of Reform on the Registration and Classification of Chemical Drugs*, State Food and Drug Administration, 4 March, 2016, viewed 6 January, 2017, <http://www.sda.gov.cn/WS01/CL0087/146140.html>.

319. Shobert, Benjamin, *Priming the Pump: Applying the Lessons Learned from High-Tech Innovation to the Life Sciences in China, The Rise of Chinese Innovation in the Life Sciences*, The National Bureau of Asian Research, April 2016, #56, p. 37, http://nbr.org/publications/specialreport/pdf/Free/06032016/SR56_ChinaLifeScience_April2016.pdf.

320. clinical trial authorisation

چینی ارائه نمایند. این گواهی تأیید می‌کند که داروی مورد نظر در کشور مبدأ مجوز فروش دارد.

از آنجا که فرایند واردات تمامی محصولات دارویی به چین مستلزم ارائه این گواهی تأیید مجوز فروش به همراه درخواست ثبت واردات است، بنابراین تمامی محصولات دارویی خارجی باید پیش از ورود به چین در کشور محل تولید مجوز دریافت کرده باشند. همین مسئله، زمان بازاریابی برای داروهای جدید در چین را به شدت افزایش می‌دهد و مانع از دسترسی بیماران چینی به جدیدترین داروهای موجود در بازارهای جهانی می‌شود. در مقابل، در برخی دیگر از کشورها امکان انجام آزمایش‌های بالینی به موازات انجام آزمایش‌های بالینی مشابه در کشور محل تولید داروها وجود دارد.

همچنین شمار زیادی از بخش‌های اداری شامل بخش‌های نظارتی استانی در حوزه دارو، انستیتوی استانی کنترل دارو، مرکز ارزیابی دارو (CDE)^{۳۳۱} و سازمان غذا و داروی کشور در فرایند تأیید داروها نقش دارند. در مقابل، سازوکار ارزیابی و صدور مجوز در بسیاری از کشورهای دیگر مانند ایالات متحده آمریکا بسیار ساده‌تر است. مثلاً متقاضیان مجوز می‌توانند آزمایش‌هایی را بر روی داروهای جدید انجام دهند، مشروط بر آنکه تا سی روز پس از تاریخ دریافت تقاضایشان، نامه اعتراضی از طرف اداره غذا و داروی آمریکا دریافت نکنند.

پیشنهادها

- ✓ پرهیز از اعمال سیاستی در زمینه برگزاری واگذاری قراردادها که در آن بیش از حد به مسئله قیمت توجه شده باشد.
- ✓ توقف الزام شرکت‌های خارجی تولیدکننده زیست‌دارو به کاهش قیمت پیش از ورود به مذاکرات مربوط به قرارداد.
- ✓ تسریع فرایند ارزیابی و صدور مجوز در این حوزه تا شرکت‌ها بتوانند نسبت به تولید و فروش زیست‌داروهای مبتنی بر نوآوری در بازار چین اقدام کنند.
- ✓ ایجاد تعادل میان قیمت مناسب زیست‌داروها و رعایت استانداردهای مناسب جهت کنترل کیفیت و ایمنی.

۷-۱-۵-۲- دستگاه‌های پزشکی

نگرانی

فرمانی مبنی بر ملی کردن صنعت تولید دستگاه‌های پزشکی در چین در عالی‌ترین سطح

سیاسی صادر شده است. این مسئله سبب شده تا در بسیاری موارد امکان رقابت عادلانه از شرکت‌های اروپایی تولید کننده دستگاه‌های پزشکی برای تصاحب قراردادهای بخش دولتی سلب شود، و بیشتر دستگاه‌های پزشکی موجود نیز دستگاه‌های تولید شده توسط شرکت‌های اروپایی در داخل چین باشند. این امر دایره انتخاب در بازار را محدود می‌کند و مانع از آن می‌شود که بیمارستان‌ها به درستی مأموریت حیاتی خود یعنی خرید تجهیزاتی را که بیش‌ترین تناسب را با نیازهای بالینی بیمارانشان دارند، به انجام برسانند.

ارزیابی

بازار دستگاه‌های پزشکی در چین به سرعت در حال رشد است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ بین ۱۲ تا ۱۴ درصد در سال رشد داشته باشد.^{۳۲۲} همچنین این بازار در سال‌های اخیر شاهد رشد سریع روند خرید و ادغام شرکت‌های داخلی بوده و دلیل این مسئله نیز تلاش شرکت‌ها برای گسترش تنوع محصولات یا ورود به بخش‌های دیگر زنجیره ارزش در صنعت سلامت بوده است.^{۳۲۳} هرچند شرکت‌های چینی در حال حاضر کم‌تر از ۳ درصد از بازار جهانی را در اختیار دارند، اما توانسته‌اند در بخش‌هایی که برای ورود به آن‌ها موانع فنی کم‌تری وجود داشته و بازیگران غالب کم‌تری در آن‌ها حضور دارند، مانند دستگاه‌های اشعه ایکس، بر میزان سهم خود در بازار جهانی بیفزایند.^{۳۲۴}

شرکت‌های اروپایی بسیاری در داخل چین به تولید دستگاه‌های پزشکی می‌پردازند و در اجرای فرایند تحقیقات و توسعه در این کشور از افراد بومی استفاده می‌کنند. اما این که آیا از نقش شرکت‌های اروپایی در توسعه این صنعت در درازمدت نیز استقبال می‌شود یا خیر، محل تردید است. به عنوان نمونه در سند نقشه راه طرح CM2025 آمده است که ۹۰ درصد دستگاه‌های پزشکی پیشرفته، تولید خارج هستند و این مسئله یکی از دلایل گرانی خدمات پزشکی است.^{۳۲۵} همچنین در این سند آمده است که سهم دستگاه‌های پزشکی تولید داخل در

322. Woetzel et al, *The China Effect on Global Innovation*, McKinsey Global Institute, October 2015, viewed 10 February, 2017, p. 88, <http://mckinseychina.com/the-china-effect-on-global-innovation/>.

323. Ying, Luo and Jessie Xie, *Getting a Grip on the Booming M&A Market in China's Medtech Industry*, The Boston Consulting Group, September 2016, viewed 10 February, 2017, p. 11, <http://www.bcg.com.cn/en/newsandpublications/publications/reports/report20160927001.html>.

324. Woetzel, J., et al, *China's Choice: Capturing the \$5 Trillion Productivity Opportunity*, McKinsey Global Institute, June 2016, viewed 10 February, 2017, p. 74, <http://www.mckinsey.com/global-themes/employment-and-growth/capturing-chinas-5-trillion-productivity-opportunity>.

325. *China Manufacturing 2025 Key Area Technology Roadmap*, China Academy of Engineering, October 2015, viewed 9 September, 2016, <http://www.cae.cn/cae/html/files/2015-10/29/20151029105822561730637.pdf>.

بیمارستان‌هایی در مقیاس استانی باید تا سال ۲۰۲۰ به ۵۰ درصد و تا سال ۲۰۲۵ به ۷۰ درصد برسد.

این سیاست در راستای سخنان رئیس‌جمهور چین در جریان بازدید از شرکت فن آوری‌های پزشکی لیان‌یینگ^{۳۲۶} در شانگهای که سازنده تجهیزات تصویربرداری پزشکی و درمانی است در ماه مه سال ۲۰۱۴ قرار دارد. وی در جریان این بازدید از جمله گفت: «دستگاه‌های پزشکی یکی از ابزارهای لازم برای توسعه صنعت پزشکی مدرن هستند. با توجه به آنکه تجهیزات پزشکی پیشرفته بسیار گران هستند و مردم عادی نمی‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. لذا لازم است روند بومی‌سازی تجهیزات پزشکی پیشرفته تسریع شود تا بدین وسیله هزینه‌های تولید کاهش یافته به توسعه مستمر شرکت‌های داخلی نیز کمک شود».^{۳۲۷}

متأسفانه سخنان رئیس‌جمهور چین با تحولات بعدی در این عرصه از زمان اعلام اجرای طرح CM2025 توسط نخست‌وزیر این کشور و مدت‌ها پس از آغاز مطالعات برنامه‌ریزی آن مطابقت دارد. در اعلامیه شورای حکومتی چین در زمینه تعمیق اصلاحات در حوزه سلامت که در نهم ماه مه منتشر شده است، قید گردیده که «بیمارستان‌های دولتی برای استفاده از تجهیزات و دستگاه‌های پزشکی تولید داخل در اولویت قرار دارند».^{۳۲۸} پس از آن و در ۳۱ اوت ۲۰۱۵ وزارت صنعت و فن آوری اطلاعات و کمیسیون ملی بهداشت و تنظیم خانواده (NHFPC)^{۳۲۹} جلسه مشترکی را در پکن با هدف کمک به توسعه صنعت تولید تجهیزات پزشکی داخلی برگزار و یک موافقت‌نامه همکاری را نیز در این زمینه امضا کردند.^{۳۳۰}

باید به این نکته توجه داشت که شرکت‌های اروپایی در راستای تأمین نیازهای انواع مختلف بیمارستان‌ها دستگاه‌های پزشکی با درجه پیشرفتگی پایین، متوسط و بالا را تولید می‌کنند و هزینه‌های خرید برای این قبیل شرکت‌ها در قیاس با طول عمر دستگاه‌ها از اهمیت کم‌تری

326. Lianying Medical Technology Co Ltd

327. Xi Jinping: Accelerate the Localisation Process of High-end Medical Devices, money.163.com, 26 May, 2014, viewed 6 January, 2017, http://money.163.com/14/0526/15/9T6AC9L400253B0H_all.html; Xi Jinping Visited Shanghai Lianying Medical Technology Co. Ltd., Praised its X-ray Device for Being Light and Handy, eastday.com, 24 May, 2014, viewed 6 January, 2017, <http://sh.eastday.com/rn/20140524/u1a8108499.html>.

328. Notice on Deepening Healthcare Reform 2014 Work Summary and 2015 Key Work Priorities, The State Council, 9 May, 2015, viewed 6 January, 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2015-05/09/content_9716.htm.

329. National Health and Family Planning Commission

330. Two Ministries Jointly held a Forum in Beijing to Promote the Development of Domestic Medical Equipment and Signed a Cooperation Agreement, MIIT, 1 September, 2015, viewed 6 January, 2017, <http://www.miit.gov.cn/n1146290/n1146402/n1146435/c3882165/content.html>.

برخوردار هستند. هرچند ممکن است برخی محصولات با برندهای خارجی در ابتدا قیمت بیشتری داشته باشند، اما طول عمر مفید آن‌ها اغلب به میزان قابل توجهی بیش از تجهیزات داخلی ارزان قیمت است. استفاده از تجهیزات پزشکی بی کیفیت ممکن است به عدم درمان مناسب بیماران منجر شود که خود هزینه‌های دیگری به همراه دارد.

فهرست‌هایی از محصولات داخلی که باید مورد توجه ویژه قرار گیرند منتشر شده است. در ۱۶ مارس ۲۰۱۵، انجمن تجهیزات پزشکی چین (CAME)^{۳۳۱} که دارای مجوز از کمیسیون ملی بهداشت و تنظیم خانواده نیز هست، نخستین بخش فهرست تجهیزات نمونه داخلی^{۳۳۲} را منتشر کرد^{۳۳۳} که شامل دستگاه‌های دیجیتال پرتو ایکس، دستگاه‌های فراصوت رنگی و دستگاه‌های آنالیز بیوشیمیایی تمام خودکار بود. از میان ۲۱۸ محصولی که توسط ۵۷ شرکت جهت بررسی معرفی شده بودند، ۹۵ محصول از ۲۷ شرکت انتخاب شدند. علیرغم معرفی محصولات متعدد تولید شده در چین توسط کارخانه‌های محلی متعلق به شرکت‌های چندملیتی، تمامی محصولات انتخاب شده دارای برندهای چینی بودند.

در فوریه ۲۰۱۶، انجمن تجهیزات پزشکی چین دومین فهرست خود از محصولات نمونه را منتشر کرد که شامل دستگاه‌های ام‌آر‌آی، دستگاه‌های سی تی اسکن، دستگاه‌های خودکار آنالیزور خون، دستگاه‌های تنفس مصنوعی، دستگاه‌های بی‌هوشی، دستگاه‌های دیالیز خون و دستگاه‌های خودکار تزریق دارو بود. از میان ۲۰۹ محصول معرفی شده، ۱۵۳ محصول انتخاب شدند که باز هم هیچ محصول داخلی تولید شده با همکاری شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در میان آن‌ها به چشم نمی‌خورد. هرچند این فهرست ارتباط مستقیمی با قراردادهای تأمین نیازهای بخش دولتی ندارد، اما کمیسیون ملی بهداشت و تنظیم خانواده همچنان به طور مستقیم خرید این «محصولات نمونه» را توصیه می‌کند و تأثیر این مسئله بر خریدهای بیمارستان‌ها و مقامات محلی آشکار شده است.

تمامی این مسائل به انجام اقداماتی در سطح استانداری‌ها و شهرداری‌ها منجر شده‌اند که مانع از آن می‌شوند که بازار و رقابت منصفانه به عوامل تقویت‌کننده نوآوری تبدیل شوند. در سطح استانی، کمیسیون بهداشت و تنظیم خانواده شهرداری شانگهای در ژوئن ۲۰۱۴ اعلامیه مربوط به تقویت اداره استفاده از تجهیزات پزشکی بزرگ کلاس «ب» را منتشر کرد که بر

331. China Association of Medical Equipment

332. *Outstanding Domestic Equipment Catalogue*

333. *Notice on Publicising the Selection Result of Outstanding Domestic-made Medical Equipment*, National Health and Family Planning Commission, published 21 May, 2015, viewed 6 January, 2017, <http://www.nhfpc.gov.cn/guihuaxxs/s3586/201505/9a0309e8b4ee4e05816428127051bc1c.shtml>.

مبنای آن، «مراکز پزشکی در بخش‌های مختلف باید از واحد دوم به بعد و مراکز پزشکی در سطح شهرداری‌ها نیز از واحد سوم به بعد تجهیزات پزشکی بزرگ تولید داخل را برای خرید انتخاب کنند».^{۳۳۴} در آوریل ۲۰۱۵، کمیسیون بهداشت و تنظیم خانواده در استان آن‌هوئی اعلامیه مربوط به درخواست برای استفاده از تجهیزات تشخیص پزشکی داخلی را منتشر کرد که به موجب آن، «محصولات مورد استفاده باید از میان تجهیزات تولید داخل انتخاب شوند».^{۳۳۵} در نوامبر ۲۰۱۵، کمیسیون بهداشت و تنظیم خانواده استان فوجیان ضمن انتشار بولتنی اعلام کرد که قصد دارد تجهیزات پزشکی مورد نیاز جهت اجرای طرح توزیع تجهیزات پزشکی تصویربرداری در مراکز تشخیصی را از یک عرضه‌کننده واحد خریداری کند. یک شرکت چینی برای تأمین ۵۸ عدد انواع مختلف دستگاه‌های پزشکی به ارزش ۱۹/۴ میلیون یورو انتخاب شد. در بولتن مذکور آمده بود که این خرید در راستای اصلاح همه‌جانبه بیمارستان‌های دولتی در استان فوجیان و ترویج استفاده گسترده از تجهیزات پزشکی داخلی در این استان صورت گرفته است.^{۳۳۶}

اتاق بازرگانی اروپا هیچ کشور دیگری به جز چین را سراغ ندارد که در آن تجهیزات پزشکی تولید شده در داخل به عنوان محصولات بومی طبقه‌بندی نشده باشند. این شیوه با تعهد شورای حکومتی چین در سال ۲۰۱۷ مبنی بر اصلاح نظام واگذاری قراردادها، پایبندی به اصول مشارکت آزاد، شفافیت و رقابت آزاد و رعایت عدالت در مورد محصولات تولید شده در داخل چین توسط شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در فرایند واگذاری قراردادها در بخش دولتی مغایرت دارد.^{۳۳۷}

از دیدگاه فعالان این عرصه، عدم اجازه به محصولات برندهای اروپایی برای رقابت، علاوه بر محدود کردن دایره انتخاب در بازار باعث می‌شود که شرکت‌های داخلی نیز توان رقابت و نوآوری خود را از دست بدهند. این قبیل سیاست‌ها با تشویق بیمارستان‌ها به خرید تجهیزات

334. *Notice on Strengthening the Administration of the Deployment of Large Medical Equipment of Class B*, Shanghai HFPC, entered into force on 1 July, 2014, viewed 1 June, 2015, <http://www.wsjsw.gov.cn/wsj/n429/n432/n1487/n1504/u1ai134123.html>.

335. *Notice on Application for Deployment of Domestic-Made Medical Image Diagnosis Equipment*, Anhui HFPC, 2015, published on 2 April, 2015, <http://www.ahwjw.gov.cn/glxxc/tzgg/201504/7de4ab-97666c45e0a602b2bdd0849e6a.html>.

336. *Fujian Provincial HFPC bulletin on purchasing medical equipment for imaging diagnostic centres at county level in Fujian province*, Fujian HFPC, published 9 November, 2015, viewed 6 January, 2017, http://www.cggp.gov.cn/cggg/dfgg/dylygg/201511/t20151109_6108496.htm.

337. *Notice on Several Measures on Promoting Further Openness and Active Utilisation of Foreign Investment*, The State Council, 17 January, 2017, viewed 21 January 2017, http://www.gov.cn/zhengce/content/2017-01/17/content_5160624.htm.

صرفاً بر مبنای کشور تولیدکننده آنها، آنها را از انجام مأموریت اصلی‌شان، یعنی خرید تجهیزاتی با بیشترین میزان تناسب با نیازهای بالینی بیماران باز خواهند داشت. در نهایت این قبیل سیاست‌ها به شدت از جذابیت چین به عنوان مقصد سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات پزشکی خواهد کاست.

تنوع تجهیزات پزشکی در بازار بسیار بالا است و تنها در بازار اروپا ۵۰۰ هزار دستگاه پزشکی به فروش می‌رسد. طراحی و ساخت شمار بالایی از محصولات متنوع نیازمند به کارگیری منابع عظیم از تمامی رشته‌ها مانند پزشکی، علوم طبیعی و علوم مهندسی خواهد بود. این، هدفی نیست که از طریق حمایت از شرکت‌ها در برابر رقابت بتوان به آن دست یافت.

پیشنهادها

✓ اجرای تعهدات شورای حکومتی در زمینه اصلاح نظام حاکم بر واگذاری قراردادها و نیز پایبندی به اصول مشارکت آزاد، شفافیت و رقابت آزاد در این بخش.

✓ پرهیز از استفاده از فهرست‌های تهیه شده در بخش صنعت به منظور اعمال تبعیض علیه محصولات خارجی.

✓ دادن اجازه به بیمارستان‌ها جهت خرید تجهیزاتی که بیشترین تناسب را با نیازهای آنها داشته باشند.

✓ حمایت مستقیم دولت از تسهیل سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه به عنوان لازمه افزایش توان رقابت در این عرصه.

✓ دادن اجازه به شرکت‌های خصوصی در انتخاب بخش‌هایی از بازار که در آنها از بخت بیش تری برای صعود در زنجیره ارزش برخوردار هستند.

۸. پیامدهای گسترده‌تر طرح CM2025

۸-۱- بازار کار چین

یکی از چالش‌های اساسی چین، فقدان نیروی کار ماهر برای موفقیت در اجرای طرح CM2025 است: مسئله‌ای که بنابر برخی گزارش‌ها متخصصان فنی متولی تدوین این طرح بر آن متمرکز نبوده‌اند.^{۳۳۸} دیتر ارنست، از مرکز ایست-وست^{۳۳۹} بر این باور است که فقدان

338. Ernst, Dieter, *Advanced Manufacturing and China's Future for Jobs*, East-West Centre, Innovation and Economic Growth Series no. 8, August 2016, pp. 20-21.

339. East-West Centre

داده‌های قطعی در مورد مسائل مربوط به اشتغال، مهارت‌ها و بازار کار را می‌توان بزرگ‌ترین نقطه ضعف طرح CM2025 تلقی کرد.^{۳۴۰} هرچند ماشینی شدن فرایندهای صنعتی به ایجاد انواع جدیدی از مشاغل منجر شده است، اما روشن نیست که آیا دولت چین به ارزیابی کامل تأثیر این دگرگونی بر مقوله اشتغال در آینده پرداخته یا خیر.

اهمیت این تغییر بالقوه در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۵ صورت گرفته آشکار است. طبق یافته‌های حاصل از این مطالعه، در یک دهه آینده در آلمان به عنوان کشوری با یک نظام آموزش فنی-حرفه‌ای بسیار پیشرفته‌تر در قیاس با چین، نسل ۴/۰ صنعت به از میان رفتن ۶۱۰ هزار شغل و ایجاد ۹۶۰ هزار شغل تازه در رشته‌هایی مانند تجزیه و تحلیل، تحقیقات و توسعه و نیز موقعیت‌های تازه‌ای که حاصل افزایش فرصت‌های موجود در جهت افزایش درآمد هستند منجر خواهد شد.^{۳۴۱} نظام آموزش فنی-حرفه‌ای چین نیز باید خود را دقیقاً برای چنین شرایطی آماده کند.

چین با کمبود افراد مستعد در حوزه مهندسی نرم‌افزار روبرو نیست. اما ممکن است در سایر حوزه‌ها شرکت‌های تراز اول بخش عمده‌ای از نیروی کار ماهر را به خود جذب کنند و نیروی کار بسیار اندکی را برای شرکت‌های کوچک‌تر باقی بگذارند. در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۵ بر روی بیش از ۲۰۰۰ کارفرمای مستقر در چین که مجموعاً بیش از ۴ میلیون نفر را در استخدام خود داشته‌اند صورت گرفت، معضل بالقوه‌ای که ممکن است به واسطه این شرایط ایجاد شود به روشنی نشان داده شده است. در این بررسی، ۴۵ درصد از پرسش‌شوندگان اظهار کردند که کمبود شدید نیروی کار ماهر به طور بالقوه می‌تواند مانعی بر سر راه فعالیت مؤثر شرکت‌های آن‌ها در بازار چین باشد.^{۳۴۲} با توجه به همین مسئله، در این مطالعه چنین نتیجه‌گیری شد که مؤسسات آموزشی باید تلاش‌های خود را بر ایجاد طیف متنوع‌تری از مهارت‌ها در میان فارغ‌التحصیلان متمرکز کرده و قالب‌های جدیدی را به منظور ادامه تحصیل در نظامی ارائه نمایند که امکان تجدید صلاحیت‌ها به شکل مستمر در آن وجود داشته باشد. این یک معضل جدی است. بر مبنای شاخص رقابت‌پذیری جهانی صنایع تولیدی^{۳۴۳} مربوط

340. Ibid., p. 12.

341. *Man and Machine in Industrie 4.0*, Boston Consulting Group, September 2015, viewed 16 December, 2016, <https://www.bcgperspectives.com/content/articles/technology-business-transformation-engineered-products-infrastructure-man-machine-industry-4/>.

342. *China's Tight Talent Market: The Skills Shortage May Hinder Growth Warns Hays*, Hays, 14 April, 2016, viewed 15 December, 2016, https://www.hays.cn/en/press-releases/HAYS_248696.

343. Global Manufacturing Competitiveness Index

به سال ۲۰۱۶ که بر مبنای دیدگاه‌های طیف متنوعی از مدیران اجرایی فعال در بخش‌های مختلف حوزه صنعت تدوین شده است، نیروی کار مستعد، اصلی‌ترین عامل تقویت توان رقابت‌پذیری است و رقابت‌پذیری به لحاظ هزینه و بهره‌وری در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.^{۳۴۴} هرچند در این شاخص چین، آمریکا و آلمان به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند، اما در این مطالعه آمده است که در سال ۲۰۲۰ جای چین و آمریکا در این رتبه‌بندی عوض خواهد شد و آلمان همچنان در جایگاه سوم قرار خواهد داشت.

با توجه به اهمیت عامل نیروی کار مستعد، دولت چین از وجود طرح‌هایی برای اصلاح و ارتقای نظام آموزش فنی-حرفه‌ای این کشور^{۳۴۵} با هدف ثبت نام ۲۳/۵ دانش‌آموز در هنرستان‌های فنی-حرفه‌ای و ۱۴/۸ نفر دیگر در مراکز کاردانی فنی-حرفه‌ای تا سال ۲۰۲۰ خبر داده است. اما متأسفانه چین همچنان به لحاظ کاربردی نبودن آموزش‌های ارائه شده در مراکز فنی-حرفه‌ای خود با مشکلاتی روبرو است.^{۳۴۶} لیو ژان‌شو،^{۳۴۷} نایب رئیس انجمن آموزش فنی-حرفه‌ای چین^{۳۴۸} ضمن اذعان به این مسئله گفته است که بنابر پیش‌بینی بسیاری از کارشناسان، میزان کمبود نیروی کار مستعد در ده صنعت کلیدی مورد اشاره در طرح CM2025 تا سال ۲۰۲۰ به ۱۹ میلیون نفر و تا سال ۲۰۲۵ نیز به ۲۹ میلیون نفر خواهد رسید.^{۳۴۹}

نکته آخر آنکه بدون برخورداری از نیروی کار ماهر به اندازه کافی، رقابت مؤثر بر مبنای کیفیت برای چین بسیار دشوار خواهد بود. برای نمونه، بدون وجود شمار کافی کارگر ماهر برای مرمت مداوم روبات‌های صنعتی، ارزشی که این روبات‌ها می‌توانند در خطوط تولید ایجاد کنند، به سرعت از میان خواهد رفت. یک نکته بسیار مهم دیگر آنکه به موازات تلاش

344. *Global Manufacturing Competitiveness Index*, Deloitte and the US Council of Competitiveness, 2016, <https://www2.deloitte.com/us/en/pages/manufacturing/articles/global-manufacturing-competitiveness-index.html>.

345. Zhao, Yanan and Luo V\fangshu, 'Reform Needed' for Vocational Education, *China Daily*, 24 June, 2016, viewed 2 December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/china/2014-06/24/content_17610342.htm.

346. Klorer, Elena and Matthias Stepan, *Off Target. China's Vocation Education and Training System Threatens the Country's Rise to Industrial Superpower Status*, MERICS. *China Monitor* #24, 2 October, 2015, viewed 2 December, 2016, https://www.merics.org/fileadmin/templates/download/china-monitor/China_Monitor_No_24_EN.pdf.

347. Liu Zhanshu

348. Chinese Society of Vocational and Technical Education

349. *A Big Country's Treasure and Sharp Tools: the Cultivation of Higher and Lower-level Talents under "Made in China 2025"*, www.guangdong.eol.cn, 29 August, 2016. viewed 9 January, 2017, http://www.eol.cn/guangdong/guangdongnews/201608/t20160829_1443807.shtml.

شدید دولت چین برای ایجاد میلیون‌ها فرصت شغلی در هر سال، ماشینی شدن فرایندهای صنعتی نیز برابری و ثبات اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

۸-۲- افزایش مازاد ظرفیت

از آنجا که پیش‌تر تخصیص یارانه‌ها به صنایع در حال رشد از سوی دولت چین به ایجاد مازاد ظرفیت منجر شده است،^{۳۵۰} این پرسش به‌جا برای اتاق بازرگانی اروپا مطرح است که آیا در طرح CM2025 به صناعی که احتمال ایجاد مازاد ظرفیت در آن‌ها وجود دارد نیز اشاره‌ای شده است یا خیر. چنانکه پیش‌تر و در همین گزارش نیز اشاره شد، مازاد ظرفیت در حوزه صنایع رباتیک به یک معضل تبدیل شده است.

از آنجا که مازاد ظرفیت حاشیه سود را پایین نگه می‌دارد، برخی شرکت‌های چینی برخوردار از یارانه‌ها یا تسهیلات با شرایط مناسب ممکن است در کوتاه‌مدت گام‌هایی را در جهت نزدیک شدن به رقبای دارای فن‌آوری‌های پیشرفته‌تر بردارند و رقبای این شرکت‌ها ناگاه با کاهش سودی که قادر است در بخش تحقیقات و توسعه سرمایه‌گذاری شود، مواجه گردند. اما چنان‌که در مطالعه اتاق بازرگانی اروپا در زمینه مازاد ظرفیت در بخش صنعت در سال ۲۰۱۶ نیز اشاره شده است،^{۳۵۱} تخصیص نادرست عوامل بنیادین تولید یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه هزینه‌های قابل توجهی را در میان‌مدت و درازمدت بر اقتصاد چین تحمیل خواهد کرد.

شین گوئوبین،^{۳۵۲} قائم مقام وزیر صنعت و فن‌آوری اطلاعات چین علناً اذعان کرده که ورود عجولانه به صنایع مرتبط با طرح‌های دارای اهمیت ملی از سوی شرکت‌ها به امری به شدت عادی تبدیل شده است. وی ضمن هشدار در این زمینه گفته است: «ما باید در مورد طرح CM2025 در مقابل این روند هشیار باشیم، زیرا این امر بر ظرفیت ما در ارتقای قدرت صنایع تولیدی و بهبود کیفیت محصولات صنعتی تأثیر منفی خواهد داشت».^{۳۵۳} امید است مقامات چینی اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از تکرار مجدد معضلات گذشته در زمینه مازاد ظرفیت که معلول حمایت‌های دولت از بخش صنعت نیز بوده است، انجام دهند.

350. *Overcapacity in China: An Impediment to the Party's Reform Agenda*, The European Union Chamber of Commerce in China, <http://www.europeanchamber.com.cn/en/publications-overcapacity-in-china>.

351. Ibid.

352. Xin Guobin

353. Ma, Si, *Ningbo Becomes the First Pilot City to Implement Made in China 2025*, *China Daily*, 19 August, 2016, viewed 23 December, 2016, http://www.chinadaily.com.cn/business/2016-08/19/content_26536807.htm.

۸-۳- احتمال واکنش‌های منفی در سطح جهان

رویکرد از بالا به پایین مقامات چینی در زمینه تلاش برای کمک به توسعه صنعتی از طریق حمایت بخش دولتی و با تکیه بر ابزارهای سیاست‌گذاری مانند یارانه‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت ممکن است به واکنش منفی از جانب شرکای بین‌المللی این کشور در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری منجر شود. نشانه‌های اولیه بروز چنین واکنش‌هایی از هم اکنون نیز آشکار است.^{۳۵۴}

یکی از اعضای شورای کارشناسان اقتصادی آلمان دلیل این امر را چنین توضیح می‌دهد: «مایه شگفتی است که اقتصاددانانی که به ایفای نقش فعال دولت در فرایندهای اقتصادی به دیده سوء ظن می‌نگرند، آن‌گاه که پای خرید شرکت‌های عمده آلمانی فعال در حوزه فن‌آوری توسط سرمایه‌گذاران چینی به میان می‌آید، جانب احتیاط را یک‌سره فرو می‌گذارند». وی در ادامه می‌گوید: «هرچند این شرکت‌ها تحت مالکیت بخش خصوصی نیز قرار دارند، اما این احتمال نیز وجود دارد که دولت چین در پشت صحنه نقش فعالی بر عهده داشته باشد».^{۳۵۵}

عدم جلوگیری از گسترش پدیده مازاد ظرفیت به سایر صنایع، به هیچ وجه به نفع چین نیست و به احتمال قوی به بروز همان تنش‌هایی منجر خواهد شد که موجب تیرگی روابط تجاری میان چین و اروپا در بخش‌هایی مانند تولید فولاد و آلومینیوم در زمینه مازاد ظرفیت شده‌اند. از آنجا که شرکای چین در امر تجارت و سرمایه‌گذاری به شکل بالقوه به دنبال مصون نگه داشتن خود در برابر پدیده مازاد ظرفیت در صنایع پیشرفته مرتبط با صنعت نسل ۴/۰ بوده‌اند، این مسئله می‌تواند به پیچیده شدن بستر روابط اقتصادی بین‌المللی برای آن دسته از شرکت‌های چینی کارآمد و نوآوری منجر شود که فعالیت‌هایشان متکی به یارانه یا سیاست‌های صنعتی خاص نیست. تحریف بازار جهانی ادغام و خرید شرکت‌ها، آن‌هم نه به واسطه تلاش شرکت‌های خصوصی برای کسب سود و تقویت توان رقابتی خود، بلکه از طریق سرمایه‌گذاری‌های سفارشی مبتنی بر دلایل راهبردی دولت چین، می‌تواند همین نتیجه را به دنبال داشته باشد.

354. Harvey, Ben, *Policy Vacuum on Chinese Investment Needs Fixing*, *The West Australian*, 11 December, 2016, viewed 17 January, 2017, <https://thewest.com.au/business/agriculture/policy-vacuum-on-chinese-investment-needs-fixing-ng-b88325807z>.; Lawder, David and Denny Thomas, *US Panel Urges Ban on China State Firms Buying US Companies*, *Reuters*, 17 November, 2016, viewed 17 January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-usa-china-idUSKBN13B1WO>.

355. Jones, Claire and Hornby, Lucy, *Economists Urge Germany to Keep Door Open to Chinese Companies*, *Financial Times*, 2 November, 2016, viewed 4 January, 2017, <https://www.ft.com/content/dbc36ada-a11-105e891-6e-abc238dec8e2>.

باید توجه داشت که ادامه اتکا به استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری به منظور تحقق اهداف مندرج در سند CM2025 خطر واقعی واکنش‌های منفی جهانی را در پی خواهد داشت.

باز بودن دروازه‌های اروپا به روی سرمایه‌گذاری چین

اما این سخن به معنای گرایش اتحادیه اروپا به حمایت‌گرایی نیست. هرچند در برخی گزارش‌های رسانه‌ای چین القا شده است که تمایل اروپا برای پذیرش سرمایه‌گذاری طرف‌های چینی کم‌تر شده است،^{۳۵۶} تا اواسط ژانویه ۲۰۱۷ تنها دو مورد از خریدهای شرکت‌های چینی از سوی مراجع اروپایی جهت انجام ارزیابی‌های لازم متوقف شده‌اند. نخستین مورد، پیشنهاد فروش شرکت Ledvance به عنوان زیرمجموعه شرکت Osram lighting's به یک کنسرسیوم چینی متشکل از IDG Capital Partners شرکت MLS و Yiwu State-Owned Assets Operation Centre به قیمت بیش از ۴۰۰ میلیون یورو بود.^{۳۵۷} فن‌آوری شرکت Osram موسوم به LED^{۳۵۸} جهت تولید لامپ و انواع دیگر دستگاه‌های روشنایی دارای کاربردهای راهبردی است. تا اواسط ژانویه ۲۰۱۷، فرایند ارزیابی این معامله همچنان ادامه دارد و هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است.

مورد دوم به شرکت ایکسترون، تولیدکننده تجهیزات نیمه هادی مربوط می‌شود. چنان‌که پیش‌تر نیز در این گزارش عنوان شد، در این مورد خاص ارزیابی الزامی این معامله در اکتبر ۲۰۱۶ و پس از آن آغاز شد که دولت آلمان اطلاعات امنیتی تازه‌ای را از مقامات آمریکایی دریافت کرد.^{۳۵۹} مقامات آلمانی در ماه سپتامبر و پیش از دریافت این اطلاعات اعلام کرده بودند که معامله پیشنهادی انجام خواهد شد. در نهایت این ارزیابی به نتیجه نرسید، زیرا کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا (CFIUS)^{۳۶۰} از صدور مجوز فروش دارایی‌های شرکت ایکسترون در آمریکا که شامل یک مرکز تحقیقات و توسعه بود سر باز زد. بنابر برخی گزارش‌ها این کمیته دلیل این تصمیم خود را «نگرانی‌های حل نشده در حوزه امنیت ملی» و نیز این نتیجه‌گیری اعلام کرد که «راه معقولی برای کاهش مخاطرات ناشی از انجام این معامله برای امنیت ملی آمریکا بر مبنای پیشنهادهای ارائه شده از سوی طرف‌های معامله تا به امروز وجود ندارد».^{۳۶۱} پس از آن که در پی امتناع شرکت فوجیان گرند و شرکای این

356. Ibid.

357. *Osram Finds Best Owner for Lamps Business*, Osram, 26 July, 2016, viewed 4 January, 2017, <http://www.osram-group.com/en/media/news/press-releases/pr-2016/26-07-2016>.

358. light-emitting diode

359. Chazzan, Guy, *Germany Withdraws Approval for Chinese Takeover of Tech Group*, *Financial Times*, 24 October, 2016, viewed 24 October, 2016, <https://www.ft.com/content/f1b3e52e-99b0-11e6-8f9b-70e3cabccfae>.

360. Committee on Foreign Investment in the United States

361. *AIXTRON SE: Tender Offer by Grand Chip Investment GmbH / Referral of CFIUS Decision to the President of the United States*, Aixtron, 18 November, 2016, viewed 10 February, 2017, <http://>

شرکت از پس گرفتن پیشنهاد خود در واکنش به تصمیم کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا تصمیم کمیته مذکور برای تعیین تکلیف نهایی به آقای اوباما ارجاع شد، وی از لغو این تصمیم خودداری کرد.^{۳۶۲}

با توجه به شمار تلاش‌های صورت گرفته جهت سرمایه‌گذاری در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، این فقره ارزیابی بسیار ناچیز به نظر می‌رسند. نکته قابل توجه آنکه شمار زیادی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط طرف‌های چینی در صنایع صورت گرفته‌اند که شرکت‌های اروپایی به واسطه فهرست منفی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سایر قوانین موجود به طور نسبی یا مطلق از انجام سرمایه‌گذاری در آن صنایع در داخل چین منع شده‌اند.^{۳۶۳}

در اینجا توجه به مقیاس ورود سرمایه حائز اهمیت است. چنان‌که مایکل کلاوس،^{۳۶۴} سفیر آلمان در چین در دوم دسامبر ۲۰۱۶ عنوان کرده است، «شرکت‌های اروپایی تا کنون و در سال جاری ۱۴ شرکت را در چین خریداری کرده‌اند و این تنها ۵ درصد تعداد شرکت‌هایی است که شرکت‌های چینی در سال جاری تنها در آلمان خریداری کرده‌اند».^{۳۶۵}

آخرین نکته‌ای که باید به آن اشاره شود آن که موارد ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اروپا بر مبنای ملاحظات مرتبط با امنیت ملی بر اساس شرایط بسیار شفاف‌تر و محدودتری در قیاس با قوانین جاری ناظر بر ارزیابی‌های مشابه در چین صورت می‌گیرند.

۹. پیشنهادها

۹-۱- پیشنهادهایی به دولت چین

۹-۱-۱- پیشبرد روند اصلاحات داخلی مبتنی بر بازار

تحقق کامل ظرفیت‌های بالقوه صنایع تولیدی و فن‌آوری چین مستلزم پیشبرد روند اصلاحات بازار محور از سوی مقامات این کشور است. تسهیل ایجاد یک محیط رقابتی برای بنگاه‌های

www.aixtron.com/en/press/press-releases/detail/aixtron-se-uebernahmeangebot-der-grand-chip-investment-gmbh-abgabe-der-cfius-entscheidung-an-den-praesidenten-der-vereinigten-staaten.

362. Donnan, Shawn, *Obama Blocks Chinese Takeover of Tech Group Aixtron*, *Financial Times*, 3 December, 2016, viewed 3 December, 2016, <https://www.ft.com/content/0c940900-b8e2-11e6-ba85-95d1533d9a62>.

363. *European Chamber Executive Position Paper 2016/2017*, The European Union Chamber of Commerce in China, pp. 25-29, http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-archive/459/Executive_Position_Paper_2016_2017.

364. Michael Claus

365. Blanchard, Ben, *Germany Says Receiving Growing Protectionism Complaints in China*, *Reuters*, 2 December, 2016, viewed 4 January, 2017, <http://www.reuters.com/article/us-china-germany-idUSKB-N13R0SW>.

خصوصی، واگذاری اختیارات به نیروهای بازار و ایجاد نهادهای سیاسی قوی در نهایت بیش از تلاش‌های دولت و مقامات رسمی در جهت هدایت سرمایه و انواع حمایت به سمت صناعی که خود آن‌ها را در یک فرایند از بالا به عنوان صنایع دارای اولویت مطرح کرده‌اند، در کمک به توسعه اقتصادی و نوآوری مؤثر خواهند بود.

تحلیل ارائه شده در خبرگزاری دولتی شین‌هوا در مورد شیوه شیلی برای گرفتار نشدن در تله درآمد متوسط دربردارنده نتایج مشابهی پیرامون اهمیت انجام چنین اصلاحاتی است. موفقیت شیلی در این زمینه به طور مشخص به «اصلاحات تدریجی بازارمحور تحت نظارت مناسب دولت، وجود یک قوه مجریه و یک دستگاه قضایی شفاف و کارآمد، یک نظام کارآمد تأمین اجتماعی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیز گسترش تجارت خارجی» نسبت داده شده است.^{۳۶۶} آنچه اقتصاد چین به آن نیاز دارد، اصلاحات متمرکز بر بهبود ظرفیت بالقوه رشد اقتصادی به جای ادامه تمرکز بر بخش سرمایه‌گذاری است.^{۳۶۷} ذیلاً به برخی از این اصلاحات اشاره می‌کنیم:^{۳۶۸}

۱. اصلاح ساختارهای سیستمی و نهادی (مثلاً تسهیل صدور مجوزهای اداری، برقراری کامل حکومت قانون و انجام اصلاحات بازار محور بیش‌تر در بنگاه‌های اقتصادی).
۲. ایجاد شرایط عادلانه در بازار جهت رقابت (مانند اصلاح شرایط دسترسی به بازار و فهرست‌های ممنوعه، نظارت قوی‌تر بر بازار قطعات جانبی، افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری، کیفیت و ایمنی محصول).
۳. ایجاد یک نظام مالی مناسب (مانند کاهش هزینه‌های تأمین اعتبار و توسعه بخش خصوصی سرمایه‌گذاری خطرپذیر).
۴. ایجاد یک نظام مناسب تشویق مالیاتی (مثلاً ارائه مدل‌های قابل اجرای PPP و مشوق‌های مالیاتی برای بخش تحقیقات و توسعه).
۵. تدوین برنامه‌های تحصیلی و کارآموزی برای استفاده افراد متخصص در تمامی سطوح (مثلاً برنامه‌های همکاری با مؤسسات آموزش عالی، برنامه‌های آموزشی دوگانه و همکاری‌های بین‌المللی).

366. Wang et al, *Reform, Social Security Development of Small Businesses Help Chile Avoid "Middle-Income Trap"*, *Xinhua*, 29 May, 2016, viewed 7 January, 2017, http://news.xinhuanet.com/english/2016-05/29/c_135397056.htm.

367. Pei and Mao, *China can Draw Lessons from LatAm Efforts to Avoid Middle Income Trap: Experts*, *Xinhua*, 25 January, 2016, viewed 7 January, 2017, http://news.xinhuanet.com/english/2016-01/25/c_135043662.htm.

368. Communication with GIZ, 15 January, 2017.

۶. اصلاح نظام قوانین و مقررات برای کسب و کارهای کوچک، متوسط و خرد (مثلاً تسهیل دسترسی به منابع مالی برای این کسب و کارها و حمایت از مؤسسات مالی متوسط، کوچک و خرد).

۷. فراهم کردن هرچه بیشتر زمینه مشارکت در صنایع تولیدی (مثلاً برابری در شروط سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی و حمایت‌های قانونی از سرمایه‌گذاری‌ها).^{۳۶۹} هرچند انجام این اصلاحات بسیار دشوارتر از تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت و افزایش یارانه‌های پرداختی است، اما کسب موفقیت در این راه به مقامات امکان می‌دهد تا بر ایفای نقشی که دولت برای اجرای آن بیش‌ترین توانایی را دارد، یعنی تسهیل نوآوری از طریق حمایت از تحقیقات پایه و امکانات زیرساختی و نیز ایجاد و حفظ یک بستر قانونی قوی متمرکز شود. خوشبختانه با تصمیم‌کنگره سوم خلق چین در سال ۲۰۱۳، چین طرح اولیه برای انجام اصلاحات بازار محور را در اختیار دارد. گام بعدی تهیه نقشه راهی است که در آن اهداف اولویت‌بندی شده باشند و توالی آن‌ها به شکلی تنظیم شده باشد که بتوان از آن در جهت پیشبرد این فرایند بهره گرفت.

۹-۱-۲- حمایت از تجارت آزاد و ایجاد امکان تعیین سهم بازار از طریق رقابت به جای اهداف دولت

از زمان آغاز دوران گشایش اقتصادی و اصلاحات در چین در حدود چهل سال پیش، این کشور یکی از اصلی‌ترین طرف‌های ذی‌نفع در نظم تجارت آزاد لیبرال بوده است. متأسفانه به دلیل واکنش منفی نسبت به تجارت آزاد و پدیده جهانی شدن، منافع این نظام برای اروپا و چین در حال حاضر محدود است.

به موازات تقویت مواضع سیاست‌مداران مخالف تجارت آزاد در چندین کشور جهان، برخی از این سیاست‌مداران چین را به عنوان مقصر مشکلات اقتصادی داخلی کشورهای خودشان معرفی کرده‌اند. بنابراین بجا است که حامیان تجارت آزاد در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به مزایای قابل توجه روابط تجاری با چین برای جوامع خود، هم به لحاظ فرصت‌های کاری شهروندان و هم نقششان به عنوان مصرف‌کننده اشاره کنند. یکی از عمده‌ترین نقش‌هایی که مقامات چینی می‌توانند در جهت تقویت نظام تجارت لیبرال ایفا کنند، افزایش دسترسی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی به بازارهای داخلی این کشور است.

369. *European Chamber Executive Position Paper 2016/2017*, The European Union Chamber of Commerce in China, http://www.eurochamber.com.cn/en/publications-archive/459/Executive_Position_Paper_2016_2017.

از همین رو، سخنان شی جین‌پینگ در حمایت از جهانی شدن و تجارت آزاد در مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۷ مایه امیدواری است. وی در این باره گفت: «توسعه چین همچنان فرصت‌هایی را در اختیار فعالان اقتصادی در سایر کشورها قرار می‌دهد. چین دروازه‌های خود را نخواهد بست و آن‌ها را کاملاً باز خواهد گذاشت. وجود دروازه‌های باز به کشورهای دیگر امکان می‌دهد تا به بازار چین دسترسی داشته باشند و خود چین نیز می‌تواند از این رهگذر با جهان پیوند یابد. ما امیدواریم سایر کشورها نیز درهای خود را به روی سرمایه‌گذاران چینی باز نگه دارند و عرصه رقابت را برای ما همچنان عادلانه حفظ کنند».^{۳۷۰}

یک هفته پس از این سخنان، لی کی‌کیانگ، در مطلبی که در خبرگزاری بلومبرگ منتشر کرد، ضمن بیان اظهاراتی مشابه چنین نوشت: «بیش از هر چیز ما همچنان بر این باوریم که باز بودن دروازه‌های اقتصاد چه در داخل و چه در خارج به نفع همه است. جهان اجتماعی با سرنوشت مشترک است، پس چه بهتر که کشورها به جای مبادله سیم‌های خاردار و ایجاد موانع، به تجارت کالا و خدمات و پیوند با یکدیگر در قالب همکاری‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری بپردازند».^{۳۷۱} اتاق بازرگانی اروپا امیدوار است که چین فوراً به تعهد خود در مورد باز نگه داشتن دروازه‌های اقتصاد خود عمل کرده به تعهد خود در زمینه حمایت از جهانی شدن نیز پایبند بماند.

۹-۱-۳- مشارکت در تدوین استانداردهای جدید بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری

دولت چین این فرصت را دارد تا در تدوین استانداردهای جدید بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری نقش رهبری را ایفا کند: استانداردهایی که ضامن توجه کافی به منافع مشروع تمامی کشورها خواهند بود. انجام چنین کاری با اصول غیر الزام‌آور گروه بیست در زمینه سیاست‌گذاری جهانی در بخش سرمایه‌گذاری که در جریان ملاقات وزرای تجارت کشورهای عضو این گروه در شانگهای در ژوئیه ۲۰۱۶ مطرح شدند نیز همخوانی دارد.^{۳۷۲} استانداردهای

370. President Xi's speech to Davos in full, World Economic Forum, 17 January, 2017, viewed 19 January, 2017, <https://www.weforum.org/agenda/2017/01/full-text-of-xi-jinping-keynote-at-the-world-economic-forum>.

371. Li, Keqiang, *Premier Li Keqiang: Economic Openness Serves Everyone Better*, Bloomberg, 26 January, 2017, viewed 26 January, 2017, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2017-01-26/china-premier-li-keqiang-economic-openness-serves-everyone-better>.

372. *Annex III: G20 Guiding Principles for Global Investment Policymaking*, G20 Information Centre, University of Toronto, 10 July, 2016, viewed 8 January, 2017, <http://www.g20.utoronto.ca/2016/160710-trade-annex3.html>.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای شرکت‌های چندملیتی^{۳۷۳} را نیز می‌توان به عنوان یک مبنای سازنده دیگر جهت تدوین قوانین و مقررات جدید به کار گرفت. ایفای این نقش رهبری کمک می‌کند تا معاملات تجاری عادی به شکلی غیر ضروری به اغراض سیاسی آلوده نشوند و الزامات سرمایه‌گذاران خارجی جهت فعالیت کامل در داخل کشورها نیز شفاف شوند.

یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که مقامات چینی و اروپایی می‌توانند در این زمینه بردارند، گشایش قاطعانه بازار از طریق اجرای موفقیت‌آمیز یک موافقت‌نامه جامع میان طرفین در زمینه سرمایه‌گذاری است. بهتر است این موافقت‌نامه تا پایان سال ۲۰۱۷ نهایی شود.

۹-۲- پیشنهادهایی برای مقامات رسمی اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو این اتحادیه

۹-۲-۱- بروزرسانی سازوکارهای سنجیده و شفاف بازمینی

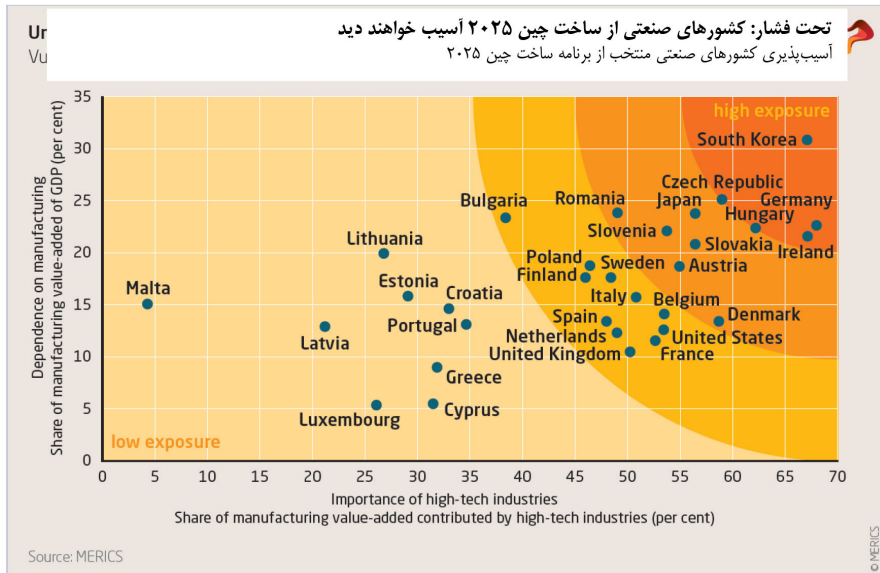
اتحادیه اروپا از اغلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دلیل رونق و اشتغالی که ایجاد می‌کنند، استقبال می‌کند. اما هر چند اقتصادهای باز و لیبرال بخشی از هویت اعضای این اتحادیه را تشکیل می‌دهد، اما این بدان معنا نیست که این کشورها باید ساده‌انگاره در مورد تمامی سرمایه‌گذاری‌های بالقوه، قضاوت یکسانی داشته باشند. در سند کمیسیون اروپا با عنوان «مؤلفه‌های راهبرد جدید اتحادیه اروپا در قبال چین»^{۳۷۴} در این زمینه چنین آمده است: «اتحادیه اروپا انتظار دارد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در اروپا بر مبنای اصول بازار آزاد صورت گیرد و لذا از تمامی ابزارهای موجود در جهت مقابله با تحریفات احتمالی بازار و سایر مخاطرات ناشی از سرمایه‌گذاری بنگاه‌های بهره‌مند از یارانه یا امتیازات قانونی ویژه دولت استفاده خواهد کرد. امکان تعیین یک تعریف حداقلی برای مقوله زیرساخت‌های حیاتی ملی در پیوند با سرمایه‌گذاری خارجی در قلمرو اتحادیه اروپا باید با همراهی اعضای اتحادیه مورد بررسی قرار گیرد».^{۳۷۵} شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمی‌خواهند دولت‌های متبوعشان شرکت‌ها را خریده و آن‌ها را اداره کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری توسط صندوق‌ها و شرکت‌های تحت کنترل دولت‌های خارجی نیز به نفع آن‌ها نخواهد بود.

373. *Guidelines for Multinational Enterprises*, OECD, 19 Oct, 2011, viewed 17 January, 2017, <http://mneguidelines.oecd.org/guidelines/>.

374. *Elements for a New EU Strategy on China*

375. *Joint Communication to the European Parliament and the Council: Elements for a New EU Strategy on China*, European Commission, Brussels, p. 7, 22 June, 2016, viewed 4 September, 2017, https://eeas.europa.eu/delegations/china/15397/elements-new-eu-strategy-china_en.

حفظ نظم و کارکرد مطلوب بازارهای داخلی به ویژه در برابر هر گونه عوامل تحریف کننده خارج از بازار برای تمامی کشورها مسئله‌ای حائز اهمیت است. بنابراین بهتر است کمیسیون اروپا بحث و گفتگو با کشورهای عضو اتحادیه پیرامون بررسی دقیق ماهیت سرمایه گذاری‌های در حال انجام در قلمرو این اتحادیه در سطح کشورهای عضو را تسهیل کند.



هر چند تمامی شرایط باید به طور شفاف تعریف شوند، در مورد سرمایه گذاری‌های متضمن کسب بیش از ۲۵ درصد از سهام شرکت‌ها که ممکن است برای امنیت عمومی، منافع ملی یا کنترل فن‌آوری‌های کلیدی پیامدهایی به دنبال داشته باشند، انجام این قبیل بازبینی‌ها کاملاً موجه به نظر می‌رسد. انجام این بازبینی‌ها به طور مشخص زمانی موجه است که امکان وجود یکی از مؤلفه‌های ذیل در سرمایه گذاری‌ها مطرح باشد:

۱. دلیل سرمایه گذاری سیاست صنعتی یک دولت خارجی باشد و نه منطق حاکم بر نیروهای بازار.
۲. حمایت یا یارانه‌های پرداختی از سوی یک دولت خارجی که ممکن است به تحریف بازار ادغام و خرید شرکت‌ها منجر شود.
۳. الزام سرمایه گذار بالقوه به اخذ مجوز از دولت متبوع خود پیش از تکمیل فرایند سرمایه گذاری.

۴. فرصت‌های مشابه برای طرف مقابل ایجاد نشود و شرکت‌های اروپایی اجازه انجام سرمایه‌گذاری مشابه در کشور سرمایه‌گذار بالقوه را نداشته باشند.

در مورد نکته سوم، مقامات چینی در برخی موارد این الزام را مطرح کرده‌اند که سرمایه‌گذاری طرف چینی در خارج از کشور باید از قبل مورد تأیید قرار گرفته باشد تا از عدم مغایرت آن با منافع ملی کشور اطمینان حاصل شود. از آنجا که تصمیم در مورد ماهیت منافع ملی ممکن است در همه موارد با دیدگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه همخوانی نداشته باشد، این مسئله باید مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد نکته چهارم پیرامون فرصت‌های متقابل، چنان‌که در گزارش کمیسیون اروپا در مورد مؤلفه‌های راهبرد این اتحادیه در قبال چین نیز اشاره شده است، این اتحادیه بزرگ‌ترین شریک تجاری چین است و حدود ۱۵ درصد حجم مبادلات تجاری این کشور را به خود اختصاص داده است. از آنجا که حوزه اتحادیه اروپا یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری خارجی چین به شمار می‌رود، چین نیز به همان اندازه که اتحادیه اروپا به این کشور نیازمند است به این اتحادیه نیاز دارد.^{۳۷۶} باید امکان یافتن راهکارهای مرضی‌الطرفین برای این مسائل وجود داشته باشد و همکاری در جهت اجرای موفقیت‌آمیز یک موافقت‌نامه بلندپروازانه جامع در زمینه سرمایه‌گذاری، بخشی از این راه حل خواهد بود.

کمیسیون اروپا باید قرار دادن طرح CM2025 در دستور کار تمامی گفتگوهای کنونی و آتی میان اتحادیه اروپا و چین را به منظور صیانت از منافع شرکت‌ها و مشاغل اروپایی مورد بررسی قرار دهد. این کار باید با رصد دائم پیشرفت طرح CM2025 بر کنار شرکت‌ها و کشورهای عضو اتحادیه اروپا به منظور کسب اطلاعات موثقی همراه باشد که کمیسیون اروپا بتواند در گفتگوهای خود با طرف‌های چینی به آن‌ها استناد کند. این رایزنی‌ها با کشورهای عضو اتحادیه باید در مورد رصد موارد احتمالی نقض تعهدات مربوط به عضویت در سازمان تجارت جهانی مانند دادن امتیازات خاص به شرکت‌های داخلی، پرداخت یارانه، الزامات مربوط به محتوای بومی و نیز به موعد اجرا گذاشته شود.

هرچند ممکن است کشورهای عضو اتحادیه در نهایت به این نتیجه برسند که علی‌رغم وجود یکی از چهار مؤلفه فوق‌الذکر در یک سرمایه‌گذاری، صدور مجوز جهت انجام آن سرمایه‌گذاری هنوز هم به نفع آن‌ها خواهد بود، حداقل باید این کار را با آگاهی کامل انجام

376. *Joint Communication to the European Parliament and the Council: Elements for a New EU Strategy on China*, European Commission, Brussels, p. 5, 22 June, 2016, viewed 11 January, 2017, https://eeas.europa.eu/delegations/china/15397/elements-new-eu-strategy-china_en.

دهند. ذکر مجدد این نکته لازم است که پیش از آغاز چین بازرینی‌هایی باید مفاهیم کلیدی همچون امنیت عمومی، منافع ملی و فن‌آوری‌های کلیدی به روشنی و علناً تعریف شوند. این امر در تضمین شفافیت فرایند بازرینی و حصول اطمینان از این که این فرایند به طور ناخواسته سرمایه‌گذاران خارجی را از انجام سرمایه‌گذاری‌های مشروع و بازارمحور بازنمی‌دارد، ضروری است.

۹-۲-۲- مشارکت در تدوین استانداردهای جدید بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری

مقامات رسمی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز به مانند هم‌تایان چینی خود این فرصت را دارند که نقش رهبری را در تدوین استانداردهای جدید بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری ایفا نمایند: استانداردهایی که تضمین‌کننده توجه کافی به منافع مشروع تمامی کشورها هستند. انجام چنین کاری با اصول بنیادین گروه بیست در زمینه سیاست‌گذاری جهانی در حوزه سرمایه‌گذاری و استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای شرکت‌های چندملیتی که در بخش ۹-۱-۳ به آن اشاره شد، همخوانی دارد.

۹-۳- پیشنهادهایی برای شرکت‌های اروپایی

۹-۳-۱- انطباق برنامه‌های درازمدت با روند ارتقای صنعتی چین

هرچند چالش‌های فراوانی در پیوند با طرح CM2025 وجود دارد، حرکت به سمت ارتقای بنیه صنعتی چین همچنان مسئله‌ای به شدت مهم است. تأکید چین بر تغییر ذهنیت شرکت‌های چینی و سوق دادن آن‌ها به سمت تمرکز بیش‌تر بر کیفیت هرچند تا حدی از زمان مناسب آن گذشته است، اما باز هم اقدامی قابل‌تحسین است.

شرکت‌های اروپایی باید طرح CM2025 را از این زاویه درک کرده و به دنبال یافتن راه‌هایی برای انطباق تبلیغات خود در بازار با فرصت‌های حاصل از اجرای این طرح باشند. تمرکز این شرکت‌ها باید عمدتاً بر حوزه‌هایی با بیش‌ترین احتمال وجود فرصت‌های درازمدت باشد، زیرا انتظار می‌رود در صورتی که شرکت‌های چینی بتوانند فاصله میان خود و شرکت‌های اروپایی در حوزه فن‌آوری را کاهش دهند، دسترسی به بازار در بسیاری از حوزه‌ها برای شرکت‌های اروپایی کاهش یابد. شرکت‌های اروپایی باید همچنین به دنبال یافتن راه‌هایی برای به‌کارگیری رویکردی کل‌نگرتر در قبال آن نوع از توسعه صنعتی باشند که طرح CM2025 نمونه بارز آن است.

۹-۳-۲- تداوم نوآوری برای حفظ موقعیت برتر

مشکلات مربوط به رویکرد دولت محور چین در زمینه توسعه صنعتی نباید این تصور را القا کنند که شرکت‌های چینی از نوآوری عاجز هستند. شرکت‌های چینی تراز اول همچنان به تقویت قابلیت‌های خود در حوزه فن آوری و نیز ارزش محصولات خود، هم در داخل چین و هم در بازارهای بین‌المللی مشغول هستند. بنابراین شرکت‌های اروپایی باید به تداوم و گسترش سرمایه‌گذاری‌های خود در طرح‌های درازمدت در بخش تحقیقات و توسعه پرداخته و به عنوان یکی از عوامل عمده تقویت نوآوری به سرعت در برابر نیازهای در حال تغییر مشتریان از خود واکنش نشان دهند و در طراحی مدل‌های تازه کسب و کار نیز پیشتاز باشند. اکتفا به داشته‌های موجود دیگر به عنوان یک گزینه مطرح نیست.

۹-۳-۳- رصد روند ادغام و خرید شرکت‌ها در عرصه بین‌المللی به منظور تشخیص رقابت‌های در حال شکل‌گیری

بنا به دلایل مورد اشاره در بخش ۹-۳-۱، لازم است شرکت‌های اروپایی به رصد تأثیرات ناشی از ادغام و خرید شرکت‌ها در عرصه بین‌المللی بر موقعیت خود در عرصه رقابت پردازند. یک فرایند تحت هدایت دولت که به رقبا امکان خرید شرکت‌های با کیفیت را بدهد، ممکن است ناگهان شرکت‌های اروپایی را در موقعیت دشواری قرار دهد. یکی از دلایل این مسئله را باید در این واقعیت جستجو کرد که اگر رقبای شرکت‌های اروپایی در مناقصات به کمک‌های مالی دولتی و تسهیلاتی بدون بهره یا با بهره پایین دسترسی داشته باشند، احتمال موفقیت شرکت‌های اروپایی در مناقصات بسیار ضعیف خواهد بود.

۹-۳-۴- پرهیز از اتکای صرف به یک بازار یا یک مشتری خاص

چنان که نمونه مربوط به شرکت ایکسترون به روشنی نشان می‌دهد، اتکای بیش از حد به یک بازار یا مشتری مشخص ممکن است شرکت‌های اروپایی را در معرض مخاطراتی قرار دهد که کنترل آن‌ها دشوار است. حتی اگر طرف‌های پشت صحنه تلاش برای خرید شرکت ایکسترون عمده‌آرزای سهام این شرکت را به امید خرید آن با قیمت پایین‌تر، پایین نگه نمی‌داشتند، این خطر وجود داشت که عناصر قانون‌گریز، این معامله را به عنوان الگویی برای خرید شرکت‌های مورد نظر خود مورد استفاده قرار دهند. بنابراین، شرکت‌های اروپایی باید به دقت فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از چنین اتکایی را مورد سنجش قرار داده و همواره به دنبال یافتن فرصت‌های تازه‌ای برای متنوع‌سازی مجموعه مشتریان خود باشند.